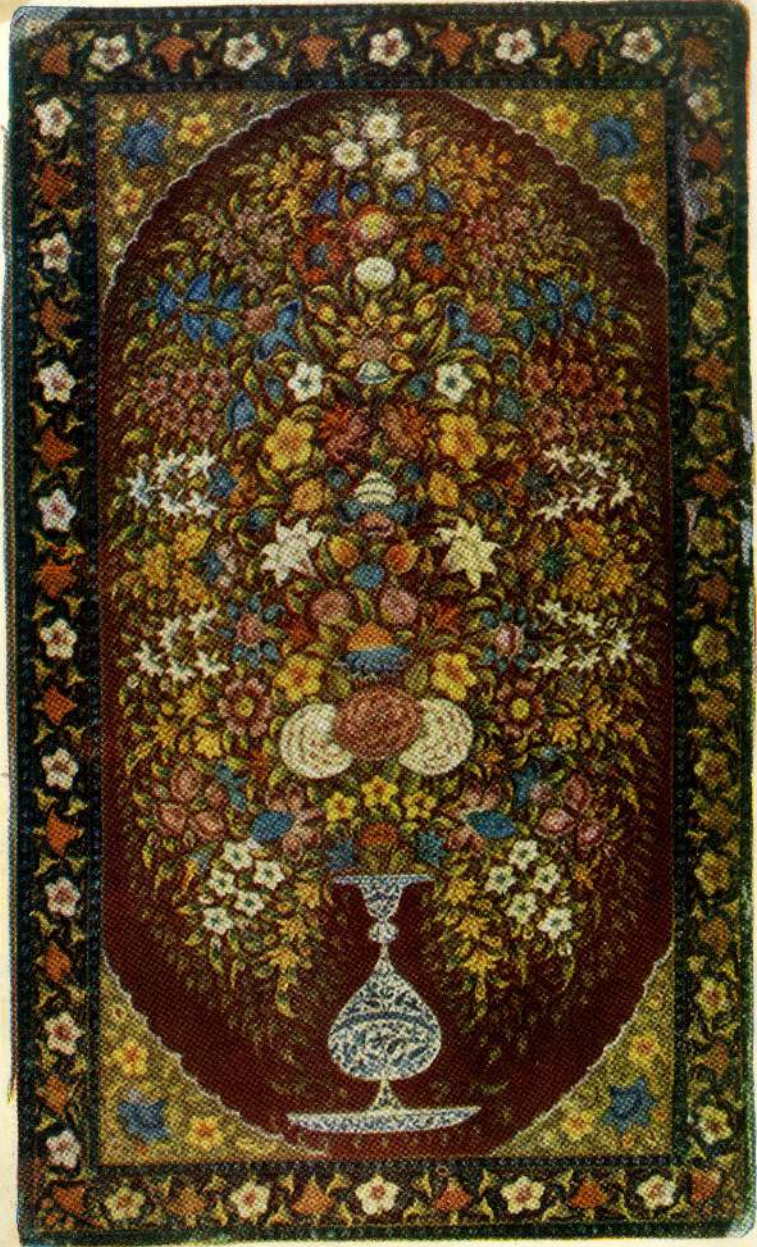




نمونه میراثور قدیم غزنی که در وقایع یکی از کتب قلمی کار شده (موزه کابل)
Spécimen de l'ancienne miniature de Ghazni (Musée de Kaboul)



ششمین سالنامه کابل

از مرحوم بی پایان حضرت
خداوندی و توجّهات شاهانه
اعلی حضرت معظم همایونی، اینک
به نشر ششمین سالنامه کابل
موفق میگردیم!

داوی خبّین په دیرو مهر بانیواو
دا علی حضرت همایونی په ښو توجّهاتو
دغه دی دکابل د شپږمې سالنامې
په نشر موفق گرزو!

سالنامه « کابل »

خیلی خوشبختیم که نشر سالنامه‌های کابل که مراد از آن تنویر افکار ابنای وطن و معرفی شئون تاریخی و مدنی افغانستان میباشد همواره طرف قبول هموطنان عزیز و سایر علاقه‌مندان این آب و خاک، واقع شده و این حسن نظر و تقدیرات است که کارکنان این مؤسسه ملی را بیش از پیش به مفید گردانیدن و دلچسپ ساختن نشریات شان بالغایه سالنامه‌های کابل موقع داده است. و بیشتر خود را سعادت مند می‌بینیم که همه ساله و وطن عزیز از اثر مساعی خالصانه و عرق‌ریزی‌های شب‌روزی زمام‌داران صحیح و وطن پرست خود در زمینه‌های مختلفه ترقیات بزرگتر و مهمتری را حائز گشته و ما میتوانیم که در هر سال مظاهر بهتری را از این پیشرفتهای مملکت در مد نظر هواخواهان این کشور بگذاریم.

درین سال که انجمن ادبی

دیر نیکبخت یوچه د کابل
د سالنامه نشر چه مراد ورځه د وطن
د زامنو د فکر و نو تنویر او د افغانستان
د تاریخی او مدنی شئونو معرفی ده :
تل ددی خا ورو د علاقه مندانو
او زمو ننگ دو طن دارانو خوښه
شویده ، دغه نیک نظر او تقدیر
دی چه ددی ملی مؤسسی کارکو
و نیکو ته یی دیره موقعه ورکړیده
چه خپل نشریات او خصوصاً د کابل
سالنامه یی د پخوانه دیری ښی کړی.
او خپل لخوا نه دیر نیکبخت و ښو چه
کال په کال زموږه خوږ وطن
د خالصانه کوششونو او زیار و خکلو
د صحیح واکدارانو د وطن په اثر
باندی په مختلفه خصوصیاتو کښ
دیری ترقی او وړاندی والی موندلی
دی مونږه کولی شو چه په هر کال
کښ ښه ښه مظاهر ددی وړاندی
والی د خپل مملکته زنی د وطن
د دوستانو په مخ کښ پریږدو .
په دی کال کښ چه د کابل
انجمن دیوی علمی او ادبی اکادیمی

خیلی خوشبختیم که نشر سالنامه‌های کابل که مراد از آن تنویر افکار ابنای وطن و معرفی شئون تاریخی و مدنی افغانستان میباشد همواره طرف قبول هموطنان عزیز و سایر علاقه‌مندان این آب و خاک، واقع شده و این حسن نظر و تقدیرات است که کارکنان این مؤسسه ملی را بیش از پیش به مفید گردانیدن و دلچسپ ساختن نشریات شان بالغایه سالنامه‌های کابل موقع داده است. و بیشتر خود را سعادت مند می‌بینیم که همه ساله و وطن عزیز از اثر مساعی خالصانه و عرق‌ریزی‌های شب‌روزی زمام‌داران صحیح و وطن پرست خود در زمینه‌های مختلفه ترقیات بزرگتر و مهمتری را حائز گشته و ما میتوانیم که در هر سال مظاهر بهتری را از این پیشرفتهای مملکت در مد نظر هواخواهان این کشور بگذاریم.

درین سال که انجمن ادبی

ششمین سالنامه

په صورت تشکیل شو ، اود خپلو
پخوانوملى وظائفو څخه علاوه د پښتو
ژبې د ترقى اوتعميم وظيفه هم دى
ته وسپارل شوه ، نو د کابل په سالنامه
کښ خو مقالې د دى ژبې د اهميت
اوتاريخ اود پښتو د ملي شو نو په
باب د محترمولو ستونکو داستفادې
دپاره مخکښ ژدو .

په آخرکې د ټولو ذواتو
او مؤسسو څخه چه ددى مجموعې
په تدوين اوترتيب کښ يې دموثر
سره کومک کړيدى ، خصوصاً د دولتي
دواړو څخه تشکر کوو او د دینه
زباته ترقى د اعليحضرت معظم
همايوني د حمايت د سيوري لاندې
د گران افغانستان دپاره د خاوند
د دربار څخه غواړو .

« پښتو ټولنه »

کابل بصورت يك اکادمى علمي
و ادبي تشكيل و علاوه بروظائف
ملى سابق خود ، وظيفه ترقى و
تعميم زبان پښتو هم به آن تفويض
گردیده ، در سالنامه کابل نیز
مقالاتی چند را جمع به اهمیت و
تاریخ این زبان و شئون ملی
افغانها برای استفاده خوانندگان
عزیز تقدیم میداریم .

در خاتمه از عموم ذوات و
مؤسساتی که در ترتیب و تدوین
این مجموعه با ما کمک فرموده اند
بالخاصه از دو ائرمحترم دولتی
تشکر نموده ، ترفیات بیشتری را
در تحت حمایت اعليحضرت معظم
همايوني برای افغانستان عزیز از
درگاه خداوندی تمنا میکنیم .

« انجمن »



پادشاه افغانستان

شهربار جوان و پادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهرشاه
خلدالله ملکه و اطال الله عمره و دولته که ذات همایونش درین سنه قدم
بمرحله بیست سومین حیات شریف خود میگذازند، ذات همایونی متولد
در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در کابل و پس از سن مقتضی
تعلیم شامل مکاتب مقدماتی و متوسط و بالاخره تحصیلات خود را ذات
همایونی در مکاتب عالی کابل با ختم رسانیده موقعیکه و الد ماجد فقید
شان اعلیحضرت محمد نادر شاه کبیر عازم سفارت افغانستان در پاریس
گردیدند، ذات همایونی نیز به عیت آن شهربار فقید بفرض تحصیلات مهمه
تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه و علوم عالیہ را در رشته های
مختلف به مکاتب عالی و خاندان های بادانش و معظم آن مملکت تحصیل،
و تربیه خصوصی را نسبت بمسائل داخلی وطن و اخلاق ملی و ادراک
مطالب لازمه راجع بوطن و خصایص را از والد بزرگوار خود حاصل
فرمودند.



امیر شاهی افغانستان

S.M. Mohammad Zahir

Shah of Afghanistan

یاد شاه افغانستان

پس از واقعه شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت ممدوح که تعلیمات خود شانرا دران مملکت بسرحد کمال رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمائی کابل گردیده محض عشق بعالم عسکری افغانستان و تعقیب سنت سنیه پدر بزرگوار خود در شعبه عسکری شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده و بمدت قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل کردند و در سنه ۱۳۱۰ شمسی باصبیه معظمه والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده و در اخیر همین سته چندی بوکالات وزارت جلیله حریبه و بعداً بوکالات وزارت معارف مؤظف بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات همایونی در حسن اداره و صحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی و درستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس از شهادت شهریار شهید بتاريخ ۱۶ عقرب باتفاق و در خواست و کلا و بزرگان ملت و عموم افراد عسکری و کشوری ازیکه پیرای سلطنت سنیه افغانستان شده سال حاضر پنجمین سال از جلوس میمنت مانوس این شهریار جوان محسوب میشود .

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

- ۱- شهزاده بیگم بلقیس تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
- ۲- والا حضرت شهزاده محمد اکبر خان « ۱۹ اسد » ۱۳۱۲ »
- ۳- والا حضرت شهزاده احمد شاه خان « ۳۱ سنبله » ۱۳۱۳ »
- ۴- شهزاده بیگم مریم « ۱۰ عقرب » ۱۳۱۵ »



افغانستان

افغانستان در آسیای مرکزی در تحت (۲۹) درجه و (۳۰) دقیقه و ۳۸ درجه و (۲۵) دقیقه عرض و (۶۰) درجه و (۵۰) دقیقه طول البلد واقع است. جوامع این مملکت محدود است: شرقا با پنجاب هند که کوهستان افغانان سرحدی آنرا از پنجاب و سند جدا می نماید، از جهت شرق شمالی با تورکستان چین اتصال دارد. شمالا به صحرای خوارزم و مملکت بخارا که رودخانه آمو آن را از خاک بخارا فصل می نماید، غربا بخاک ایران، جنوبا ملحق است با بلوچستان.

این مملکت با فراخی (۷۰۰،۰۰۰) کیلومتر مربع دارای سطوح مرتفعه و کوههای بلند است که مهم ترین آن سلسله هندوکش بطرف شمال و سلسله سفید کوه بطرف شرق این مملکت میباشد، بلندترین ارتفاعات این مملکت کوهستانی الی (۷۳۰۰) متر بشمار آمده ضمنا صحاری فراخ، جلگه های سرسبز، کوه پایه های خاکی نیز داشته، رودخانه های آب های خوشگوار که غالبا داخل خاک را مشروب می سازد فراوان دارد. منبع اکثر واهم این رودخانه ها کوهستان مرتفع مرکزی است که اگر بقاعده آبیاری شود تمام زمین افغانستان را مشروب ساخته میتوانند.

افغانستان

آب و هوای ملک گرچه از لحاظ پستی‌ها و بلندپای وضعیتهای طبیعی مختلف و نقاط گرم سیر و سرد سیر را تشکیل میدهد ولی با این هم معتدل است و اندازه حرارت و برودت آن مثل دیگر ممالک طاقت فرسا شده نمیتواند.

بعلا همین تفاوت و اختلاف هوا محصولات ممالک گرم سیر و سرد سیر هر دو درین مملکت بعمل می‌آید. رویهمرفته درجه حرارت بحساب سانتیگرید در تابستان از (۴۲) درجه فوق و در زمستان از (۲۰) درجه تحت الصفر متجاوز نمی‌شود.

از نقطه نظر اقتصادی این کشور عزیز خیلی غنی و بهترین و دایم قدرت را دارا است مثلاً: زراعت، فلاحه، معادن بکر، حیوانات اهلی و وحشی، اقسام طيور و جنگلات میوه و غیر میوه، ادویه جات طبی سبزیجات، در هر نقطه آن موجود و مورد استفاده است.

قسمت اعظم و عمده حیات اهالی را زراعت و فلاحه و مالداري تامین می‌نماید، از بارزترین پیداوار ملک بمقصد تجارت، پشم، پنبه، قالین، ابریشم، پوست قره‌قلی، پوست دیگر حیوانات، ادویه جات، میوه‌های خشک و تازه است که بخارج میرود، اما برتر از آن موادیکه مهم ترین سرمایه مملکت را تشکیل میدهد وجود معادن آهن و مس و ذغال سنگ و نفت و غیره معدنیات است که تا هنوز بکار نیفتاده و فقط در طول سال ۱۳۱۶ برای استخراج آنها قرار دادهائی با خارجه عقد گردیده است. افغانستان از حیث دارائی معادن مختلف و متعدد و پیدوار زراعتی و حیوانی اهمیت بسزا دارد.

سالنامه « کابل »

صنایع در افغانستان خیلی سابقه دارد. چهار اعصار قبل الاسلام الى دوره های چهار قرن ، سه قرن قبل ، صنایع بومی از قبیل معماری مجسمه سازی نقاشی ، منبت کاری ، حجاری ، نساجی ، خامک دوزی ، چکن دوزی و سایر کارهای دستی ، آهن گری ، مس گری ، کلالی ، نجاری و غیره بقدری رونق و ترقی داشت که امروز آثار و بقایای آن زیب موزه ها و اسباب استعجاب تماشا گران میشود . صنایع حاضره عبارت است از اقسام صنایع قدیمه فوق و بعضی صنایع عصریه . ولی بطوری که در همه جای دنیا رونق صنایع قدیمه کاسته شده است صنایع قدیمه افغانستان نیز ازین حادثه تخلیص گریبان نتوانسته . علی ای حال وجود صنایع موجوده تا بنیاز اندازه مکفی حوایج حیاتی اهالی شده میتواند .

تجارت امتعه ممالک خارجه در افغانستان و مواد خام و قالین و قالینچه افغانستان بممالک مذکوره مبادله شده ، نماینده های تجارتی در شهرهای معروفه اروپا از قبیل لندن ، پاریس ، برلین و غیره و در شرق در هند و باوجستان میباشد .

مبادلات تجارتی افغانستان غالبا بوسیله شرکت های ملی افغانستان انجام میگردد . سرمایه های داخلی آزاد و تحت کنترل حکومت نبوده و سرمایه های خارجی در افغانستان تا هنوز نمی باشد .

عمده ترین طرق مسافرت و تجارت افغانستان در هند راه های پشاور ، چمن ، پاره چنار و سپس تورکستان است که راهای آن ترمز کشکی و بندر کرکی میباشد ، و بعد خاک ایران است که مهم ترین طرق آن اسلام قلعه و سیستان بشمار میرود .

مهمترین سرکهای موترزو مسافرتی افغانستان بقرانذیل میباشد .

افغانستان

- از تورخم (سرحد هند) براه جلال آباد تا کابل (۲۴۰) کیلومتر
 » از سین بولدک (سرحد بلوچستان) تا قندهار (۱۱۰)
 » از اسلام قلعه (سرحد ایران) تا هرات (۱۳۰)
 » از پته کی سر (سرحد شوروی) تا مزار (۴۰)
 » از کشکی (آخرین استیشن خط آهن روسیه) تا هرات (۱۰۰)
 » از کابل تا قندهار (براه غزنی) (۶۰۰)
 » تا مزار شریف (براه دره شکاری) (۶۰۵)
 » تا خان آباد (» ») (۵۳۵)
 » تا هرات (براه سطح مرتفع مرکزی) (۵۶۰)
 » تا خوست (براه گردیز) (۱۶۰)
 » تا بامیان (۲۳۰)
 » از قندهار تا هرات (براه فراه) (۶۰۵)
 » هرات تا میمنه از راه قلعه نو و مرغاب (۴۶۰)
 » میمنه تا مزار شریف (براه اندخوی و بلخ) (۳۶۶)
 » مزار شریف تا خان آباد (۵۷۱)
 » خان آباد تا فیض آباد (۱۱۰)

نفیس افغانستان بعد از ۱۲ میلیون و اساسا دارای نژاد واحد آریائی و بطور عمومی متکلم بدوزبان پشتو و فارسی میباشد که این دوزبان هم خیلی با هم تفاوت جزئی دارد و نیز بطور اقلیت بعضی لغات از قبیل نورستانی، پشتی ارمری و غیره در بین اقوام محدودی مروج است ولی عموما لغات متذکرة فوق منشعب از لغات اصل پشتو که بکربان خیلی قدیم این مملکت است و لغات غلجه و داردی میباشد که خود اینها با اصطلاح اهل زبان از خانواده زبانهائی « هندو ایرانی » شناخته میشوند.

سالمه « کابل »

تحصیل زبان پشتو و فارسی در جزء نصاب مکاتب کشوری و دوایر دولتی حتمی است. دین رسمی ملت افغانستان دیانت مقدس اسلام و مذهب مذهب حنفی است. پیروان ادیان جزئی از قبیل هندو و یهود که یکمقدار کمی جزء اتباع افغانی اند نیز تحت تأمین گرفته می شود. حکومت افغانستان شاهی مشروطه و مستقل است. پارلمان مرکب از مجلس شورای ملی و اعیان است. و کلا ی مجلس شورای ملی نماینده های مستقیم ملت میباشد که بلا واسطه برای سه سال از طرف ملت انتخاب می شوند. حقوق و حدود ملت و دولت در قانون اساسی بواسطه نخستین پاراما نیکه در سال ۱۳۰۸ باراده شهر یار شهید اعلیحضرت محمد نادر شاه پادشاه غازی و فقید افغانستان افتتاح شده بود تعین گردیده، مجلس اعیان که اعضای آن از برجسته گان مملکت است از حضور پادشاه تعیین می شود.

پای تخت مملکت شهر کابل است. و لایات نائب الحکومه نشین افغانستان بعد از کابل، قندهار، هرات، مزار شریف، قلعن و بدخشان است. کنذا و لایات حا کم اعلی نشین آن جنوبی مشرقی، میمنه، فراه و چخانسور میباشد.

در تقسیمات ملکیه، افغانستان منقسم است به نائب الحکومه گی ها حکومتی های اعلی، حکومتی های کلان، حکومتی های درجه اول و دوم و سوم و علاقه داری ها.

مراتب عسکری در افغانستان عبارت است از: سپه سالار، نایب سالار، فرقه مشر اول و ثانی، غنڈ مشر اول و ثانی، کند کشر، تولى مشر بلو کشر اول و ثانی، پر کشر، دلگیمشر. و مراتب رسمی کشوری

افغانستان

عبارت است از: مقام صدارت عظماء و زیرها، معینها، رئیسها، مدیرهای عمومی، مدیرهای شعبه، معاونین ریاستها و مدیریتهای عمومی، معاونین شعبه، مامورها، سرکاتب، کاتبها.

کابینه دولت مرکب است از: صدراعظم، وزیر حربیه و وزیر خارجه، وزیر داخله، وزیر عدلیه، وزیر مالیه، وزیر معارف و وزیر تجارت، وزیر فوائد عامه، وزیر صحیه، وزیر پست و تلگراف رئیس مستقل معادن و رئیس مستقل زراعت.

امور دربار و دفتر شاهی بوسیله وزارت دربار و دارالتحریر شاهی اداره میشود.

پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلدالله تعالی ملکه خلفالصدق اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی محصل استقلال افغانستان است که در سال ۱۳۱۲ بعد از شهادت والد بزرگ خود بسن ۲۰ سالگی بدرخواست ملت زینت بخشای تخت شاهی افغانستان گردیدند. درین سته از سلطنت همايونی چهارمین سال منقضی و سال پنجم جلوس اعلیحضرت شان میباشد.

خدمت عسکری و پولیس در مملکت اجباری است. يك قسم عسکر خوش برضای دایمی نیز دولت دارد.

کذا تعلیم علوم عصری در مکاتب جبری و مصارف تعلیم و تربیت از طرف دولت پرداخته شده محصول از اولیای اطفال اخذ نمیشود: اقسام مکاتب در افغانستان: دارالفنون، مکاتب عالی، مکتب صنایع، مکاتب متوسطه (اعدادی) رشدی، مقدماتی است و شعبه عسکری افغانستان بر علاوه مکاتب اعدادی

سا لنامه « کابل »

ورشدی و مقدماتی تعلیم گاهها نیز موجود میباشد. در افغانستان تنظیمات صحی باصول عصری است. مرصائیکه بشفاخانهای دولتی مراجعه کنند معالجه بطور مجانی می شود علاوه معالجه آزاد بوسیله اطباء نیز برای مرضا درهر نقطه مملکت ممکن و میسر است.

مخابرات پستی ، تلیفونی ، تلگرافی بطور شخصی و در ازای محصول معینه درهر نقطه مملکت آماده و ممکن است ، حمل و نقل پستی و تجارتی و مسافرت در تمام مملکت غالباً بوسیله موتو می شود.

خطوط سړک و سیم های تلیفون در تمام نقاط مملکت کشیده شده هتل ها و جاهای زیاده را در راهها و شهرهای کشور موجود است. مصارف حد متوسط یکنفر در افغانستان ار ۱۵۰ افغانی « ۶ شلنگ » شب و روز تجاوز نمیکند و مصارف ساده تر از آن خود به مراتب کمتر از این است.

طرز معیشت ، البسه ، عمارت در افغانستان بدو صورت سابق و جدید (عصری) متداول است. اهالی شهر نشین غالباً با سلوب عصری حیات بسر میبرند اما هر طبقه بانتخاب سلوب حیاتی آزاد و تکلیفی درینخصوص داده نمی شود.

از مهاجرین خارجی در افغانستان مثل بعض ممالک خارجی محصول سرانه گرفته نمی شود. تجار و سیاحین خارجی بموجب اجازه نامه های پولیس محلی ب راحت توقف کرده میتوانند. سلوب تجارت و داد و ستد تماماً در افغانستان عصری و برای رسیدگی بامور دعاوی تجارت محاکم درهر شهر افغانستان موجود است.



مجدد حیات مدنی و محصل استقلال و نجات بخشایندۀ افغانستان اعلیحضرت
محمد نادر شاه غازی شهید رحمة الله علیه که نام نیک و کار نامه های
بزرگ شان در تاریخ این مملکت بخط درشت یادگار خواهد ماند

*S.M. Mohammad Nadir Ghah, le très regretté roi
d'Afghanistan*

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

صدر اعظم	:	ج، ع، ج، ا، انشان والا حضرت سردار محمد ہاشم خان
مشاور اول	:	ع، ص ذوالفقار خان
» دوم	:	» ، » سید احمد خان
» سوم	:	» ، » یار محمد خان
» چہارم	:	» ، » عبد الرحیم خان
رئیس ضبط احوالات	:	» ، » محمد شاہ خان
مدیر شعبہ اول	:	» ، » خلیل اللہ خان
» » دوم	:	» ، » غلام محمد خان
» » سوم	:	» ، » محمد فاروق خان
» » اوراق	:	ص ، محمد اسمعیل خان
» » عرائض	:	» ، » میر عبد اللہ خان
سرکاتب ادارہ شفر	:	» ، » محمد نعیم خان
وقلم مخصوص		
» مجلس عالی وزراء	:	
مامور محاسبہ و کنترول	:	ص ، خواجہ ذکرا اللہ خان
مامور اجرائیہ	:	» ، محمد ابراہیم خان



این مرد بزرگ که عمر شریف
خود را در خدمت مملکت
بصرف رسانیده و در دوره
های مختلفه ، اعور لشکری
و کشوری سیاسی مهمی را
عهدہ دار شده و در زمان
انقلاب ، در نجات وطن سهم
بزرگی گرفته اند ، مخصوصاً
درین هشت سال اخیر که
برپاست کابینه دولت عزت قرار
دارند ، از اثر زحمات و مساعی
خستگی ناپذیر شبها روزی
ایشان است که افغانستان
با این سرعت مرا حل ترقی
و پیشرفت صحیح و اساسی
خویش را می بیناید .

ج، ع، ج ۱، ۱. نشان والا حضرت سردار

محمد هاشم خان صدر اعظم

S.A.R. «A.A.» Sordar Mohammad
Hâchêm Khan premier ministre

سالنامه « کابل »

وزارت حریه

وزیر حریه	: ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت
وسیه سالار	سردار شاه محمود خان غازی
معاون وزارت	: ع ، ع ، ش ، محمد انور خان نائب سالار
یاور وزیر حریه	: ح ، غلام سعید خان
مدیر تحریرات	: ش ، محمد قاسم خان کندک مشر
مدیر مخصوص	: » ، محمد یوسف خان کندک مشر

دائرة استخبارات :

مدیر	: ح ، محمد عمر خان غند مشر اول
آمر شعبه الف	:
آمر شعبه ب	: ش ، عبدالله خان کندک مشر
آمر شعبه ج	:

ریاست ارکان حریه عمومی :

رئیس	: ع ، ش ، محمد عمر خان فرقه مشر اول
معاون	: ح ، مصطفی خان غند مشر اول

دائرة عمومی حرکات :

مدیر	: ح ، سراج الدینخان غند مشر ثانی
آمر شعبه ۲ تشکیلات	: ش ، محمد امین خان کندک مشر
» » ۳ تحشیدات	:

این فرزند رشید و این رجل
نامدار و وطن‌دوست، در تمام
ادوار زندگی خویش
مصرف خدمت مملکت و
ملت بوده و در رشته‌های
مختلفه امور عسکری و ملکی
مسئولیت‌ورزیده‌اند، کارنامه
های بزرگ شان در جنگ
استقلال و نجات وطن بهمه
افراد این کشور معلوم می‌باشد
و با اخلاص از اثر مجاهدات
و تدابیر سنجیده ایشان است
که افغانستان امروز دارای
یک عسکر آبرومندی شده
و روز بروز در عالم عسکریت مقام
بلندتری را احراز میکند.

ع، ج، ۱۰۱، نشان والا حضرت سردار

شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حربیه

S.A.R. «A. A.» Sardar Chah Mahmoud
Khan ministre de la guerre

سالنامہ « کابل »

دائرہ عمومی تعلیم و تربیہ :

مدیر عمومی	:	
وکیل آمر شعبہ پیادہ	:	
وسواری	:	ش ، نثار احمد خان کند کشر
آمر شعبہ هوا بازی	:	
» » ترجمہ	:	ش ، ذکریا خان کند کشر
مدیر خریطہ	:	ش ، عبدالسلام خان کند کشر
ریاست اردو	:	

رئیس	:	ح ، ش ، س ، ع ، احمد علیخان فرقہ مشراول
مدیر عمومی مامورین	:	ح ، عبد الخالق خان غند مشر ثانی
مدیر اخذ عسکر	:	» ، حبیب اللہ خان » اول
مدیریت صحیہ	:	

مدیر	:	ح ، حسین علی خان غند مشر ثانی
سرطیب عزت مند	:	انظار السلام دا کتر قریشی
سریضار	:	

مدیر انشاآت و تعمیرات :

وکیل مدیر	:	ح ، غلام سعید خان غند مشر ثانی یا وزیر حزیہ
معاون	:	ش ، محمد ایاز خان کند کشر

مدیریت عمومی نقلیہ :

مدیر عمومی	:	ح ، محمد یعقوب خان غند مشر اول
مدیر نقلیہ شعبہ میخانیکی	:	ش ، ذکریا خان کند کشر
» » حیوانی	:	» ، محمد حسن خان

تشکیلات مملکتی

ریاست حربیه

رئیس	:	ع ، ش ، سید حسن خان فرقه مشر ثانی
آمر شعبه هیئت معاینه و تدفین	:	ح ، محمد اکرم خان غند مشر ثانی
» » اسلحه	:	ش ، سر بلند خان کند کمشر
» » جباخانه	:	ح ، عبدالرحیم خان غند مشر ثانی
» » آلات	:	» ، محمد اسلم خان »

وادوات فنیہ

اسلحه دار	:	ح ، عبد الرشید خان »
جبا دار	:	» ، محمد عثمان خان اول

ریاست لوازمات :

رئیس	:	ع ، ع ، ش شیر احمد خان نائب سالار
مدیر محاسبہ	:	ش ، خواجہ عبدالقیوم خان کند کمشر
مدیر لوازم	:	» ، حبیب اللہ خان »

ریاست قبایل :

رئیس	:	ح سید محمد حسین غند مشر ثانی
معاون	:	ح ، شیر باز خان غند مشر ثانی

ریاست محاکمات :

رئیس	:	ح ، سید علیخان غند مشر اول
معاون	:	ش ، عبدالباقی خان کند کمشر
وکیل ریاست انجمن اصلاح و ترقی	:	ع ، ش ، محمد شاہ خان فرقه مشر ثانی

سالنامه « کابل »

مدیر اوراق	:	ش ، عبدالشکور خان کیند کمشر
مدیر کلوب	:	ش ، ظهیر الدینخان » »

شفاخانه عسکری :

سرطبيب	:	عزتمند دا کتر عبدالغنى شاه خان
سر جراح	:	» » نور محمدخان
معاون	:	» » سيد صالح خان
جراح	:	» اسماعيل جوهرى

قوماندانى طياره :

قوماندان	:	ع ، ش ، محمد احسانخان فرقه مشر ثانى
مدیر دسته	:	» ، غلام دستگیر خان غند مشر »
مدیر لوازم	:	ش ، غلام بهاوالدينخان کیند کمشر

قوماندانى مکاتب حریبه :

قوماندان	:	ع ، ش ، س ، ع ، سردار علی شاه خان فرقه مشر اول
معاون	:	
مدیر داخله	:	ح ، محمد حسین خان غند مشر اول
مدیر لوازم	:	ش ، یابنده محمد خان کیند کمشر
معلم صنف پیداده	:	ح ، لطیف احمد خان غند مشر ثانی
» » توپچی	:	» ، علی احمد خان »
سر معلم » استحکام	:	عزتمند مکی احمد بیگ
معلم سپورت	:	» محمد افضل خان
سر معلم صنف توپچی	:	» ظفر حسن خان

تشکیلات مملکتی

معلم اسان روسی : عزتمند عبد الرحمن خان
» جوچید سو : » عبد الله خان

مدیریت مکتب رشیدیہ :

مدیر : ش ، احمد شیر خان کند کشر
معلم : » افتخار الدینخان کندک مشر
» اسان انگلیسی : عزتمند محمد اعظم خان
» فزیک و کیمیا : » چودھری عبدالعزیز خان

مکتب احضاریہ :

نگران :
مدیر داخلہ : ش ، شیر محمد خان کند کشر
سر معلم : عزتمند مولوی سکندر خان
مدیر مکتب موزیک : ش ، محمد یعقوب خان کند کشر
» کورس عالی : ح ، محمد عمر خان غند مشر ثانی

ریاست فابریکات حربی :

رئیس : ع ، ع ، ش ، سید عبد الله خان نائب سالار
معاون :
مدیر تحریرات و اوراق : ش ، محمد کاظم خان کند کشر

قوماندانہای عسکری مرکزی :

قوماندان فرقہ شاہی : ع ، ش ، سردار اسد الله خان فرقہ مشراول
» قول اردو : » ع ، ش ، س ، ا ، محمد غوث خان نائب سالار
» فرقہ اول قول اردو : » ش ، عبد الغنی خان فرقہ مشر اول

سالنامه « کابل »

وکیل قوماندان فرقه دوم

قول اردو : ع ، ش عبدالله خان فرقه مشر ثانی
 قوماندان فرقه ۳ قول اردو : « ، « نور محمد خان » « اول
 » تویچی : « ، « عبدالقیوم خان » « »

قوماندانهای عسکری اطراف:

قوماندان عسکری غزنی : ع ، ش ، عبدالاحد خان فرقه مشراول
 » قندهار و فراه : « ، « سردار محمد داؤد خان » « »
 » هرات : « ، « محمد قاسم خان » « ثانی
 » مزار شریف و میمنه : « ، « الله داد خان » « »
 » قطغن و بدخشان : « ، « عبد القیوم خان » « »
 » مشرفی : « ، « محمد جعفر خان » « »
 » قول اردوی جنوبی : « ، « س.ع ، محمد فضل خان » « اول
 » فرقه اول قول اردوی
 جنوبی : « ، « فیض محمد خان » « ثانی
 » فرقه دوم قول اردوی
 جنوبی : « ، « عبد القیوم خان » « »

صاحب منصبان احتیاطی:

ع ، ع ، ش : مهر دل خان نائب سالار قندهاری
 » » : محمد نعیم خان » بدخشی
 » » : محمد عمر خان » محمد زائی
 » » : غلام نبی خان » ناصری

تشکیلات مملکتی

ع ، ع ، ش : سر بلند خان نائب سالار حاجی
 » » : زر خان » وزیر
 » » : زلمی خان » منگلی
 » » : عبدالغنی خان » محمد زائی
 » ش : اعظم گل خان فرقه مشر طوطا خیل
 » » : غلام نبی بیگ خان » هزاره دره صوف
 » » : نور احمد خان » هراتی
 » » : فضل احمد خان » فوغل زائی
 » » : داؤد شاه خان » تره خیلی
 » » : محمد هاشم خان » لوگری
 » ، : سعادت خان » احمد زائی
 » » : محمد اصیل خان » منگلی
 » » : عبدالله خان » وردکی
 » » : سرکی خان » احمد زائی
 » » : علی دوست خان » هزاره
 » » : غلام محمد خان » تگابی
 » » : عبد الرؤف خان » اوریاخیل
 » » : محمد شعیب خان » یوسف زائی
 » » : محمد عمر خان » ناصری
 » » : محمد هاشم خان » کبکری
 » » : پیر محمد خان » تره خیل

وزارت امور خارجه



ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه
S. Ex. Faiz Mohammad Khan
ministre des affair étrangères.

وزیر :
 ع ، ج فیض محمد خان
 معین :
 ع ، س عبدالحمید خان
 مدیریت عمومی سیاسی :
 ۱ - مدیر عمومی سیاسی :
 ع ، نجیب الله خان
 ۲ - مدیر شعبه شرق :
 ص ، عبد الوهاب خان
 ۳ - مدیر شعبه غرب :
 ص ، تید الحکیم خان
 ۴ - مدیر شعبه مطبوعات
 و اطلاعات و ترجمه :
 ص ، محمد قاسم خان

مدیریت عمومی تشریفات :

۱ - مدیر عمومی : ع ، محمد اکرم خان
 ۲ - معاون : ص ، عبد الاحد خان

تشکيلات مملکتی

مدیریت عمومی امور بین المللی :

۱ مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان
 ۲ - معاون معاهدات : ص ، عبد الملك خان
 ۳ - « کنفرانسها و جامعه ملل » : « غلام صفدر خان
 ۴ - « حقوق » : « عبدالرزاق خن

د : مدیریت عمومی اداری :

۱ - مدیر عمومی اداری : ع ، عبدالرؤف خان
 ۲ - مدیر شعبه مامورین : ص ، عبدالقادر خان
 ۳ - « ویزه و تابعیت و قونسلیگری » : « محمد اسمعیل خان
 ۴ - « محاسبه » : « عبد الرؤف خان

مدیر عمومی اوراق : ع ، عبدالغفار خان

مدیر شعبه شفر : ص ، محمد سلیمان خان

مدیر قلم مخصوص :

معاون قلم مخصوص : ص فیض محمدخان

سفرا و نمایندگان اعلیحضرت در خارج

سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره :

سفیر کبیر : ع ، ج سلطان احمدخان (سفیر کبیر انقره که سمت وزارت
 مختاری اعلیحضرت در مصر را نیز دارند)

سرکاتب : ص ، عبد القیوم خان

کاتب : « محمد زمان خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در روما :

وزیر مختار : ع ج ، عبدالصمد خان

کاتب : ص ، محمد رسول خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین :

وزیر مختار : ع ج ، الله نواز خان

سرکاتب : ص ، حفیظ الله خان

کاتب : علی محمد خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در توکیو :

وزیر مختار : ع ج ، حبیب الله خان

سرکاتب : ص ، عبدالرؤف خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در جدّه :

وزیر مختار : ع ج ، محمد صادق خان مجددی

سرکاتب : ص ، عبدالرحمن خان

نمایندگی دائمی افغانستان در جامعه ملل :

نماینده اول : ع ج ، محمد حیدر خان

کاتب : ص ، عبد القادر خان

جنرال قونسلیگری اعلیحضرت در دهلی :

جنرال فونسل : ع ، صلاح الدین خان

سرکاتب : ص ، نور الحق محمد خان

کاتب : » ، عبد الخالق خان

» ، صالح محمد خان

جنرال قونسلیگری اعلیحضرت در مشهد :

جنرال فونسل : ع ، ص باز محمد خان

سرکاتب : ص ، عبد القدوس خان

کاتب : ص ، محمد عزیز خان

» ، ص ، محمد سعید خان

قونسلیگری اعلیحضرت در بمبئی :

فونسل : ع ، عبد الرحمن خان

سرکاتب : ص ، عنایت الله خان

کاتب : » ، عبد الصمد خان

آتشه اقتصادی : » مبر حسن شوکت

قونسلیگری اعلیحضرت در کراچی :

فونسل : ع ، محمد شفیع خان

سرکاتب : ص ، محمد احمد خان

کاتب : » ، محمد نعیم خان

قونسلیگری اعلیحضرت در سیستان :

فونسل : ع ، قاری عبد الله خان

سرکاتب : ص ، محمد ظاهر خان

ماموریت ویژه افغانی در پشاور :

مامور ویژه : ص ، محمد یوسف خان

وزارت عدلیه



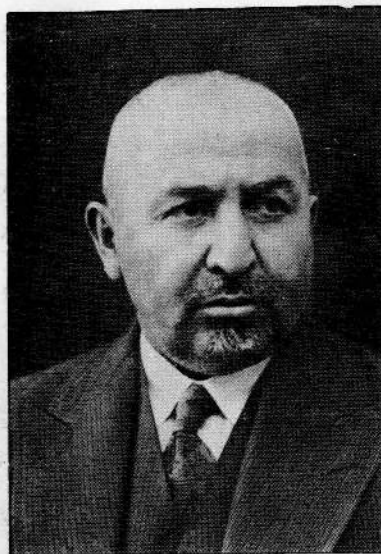
ع ، ج فضل احمد خان مجدی وزیر عدلیه
S.Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre
de la justice.

مدیر محاسبه و کنترل : ص ، محمد ذاصر خان

مدیر مامورین :
ص ، محمد میر خان

وزیر :
ع ، ج فضل احمد خان مجدی
معین :
ع ، ص امین الله خان
رئیس تمیز :
ج ، ف عبدالرب خان
کفیل رئیس جمعیت العلماء :
ف ، ملا پر رگ خان
سر محرر مجله الفلاح :
ف ، قاضی عبدالکریم خان
مدیر تحریرات و اوراق :
ص ، عبد السلام خان

وزارت مالیه



ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت
و کفیل مالیه
S.Ex. Mirza Mohammad Khan
ministre de commerce et gérant
du ministère des finances.

مدیر مالیات و محصولات : ص ، غلام حسن خان
« مامورین : » ، محمد افضل خان

کفیل وزارت مالیه :
ع ، ج میرزا محمد خان
معین :
ع ، ص غلام مجتبی خان
مدیریت عمومی
محاسبه و کنترل :
مدیر عمومی :
ع ، محمد اسلام خان
مدیر محاسبه و کنترل بودجه :
.....
مامور محاسبه و کنترل :
ص ، محمد عثمان خان
مامور بودجه :
ص ، غلام رسول خان
مدیر خزائن و ذخائر :
ص ، سید کمال خان

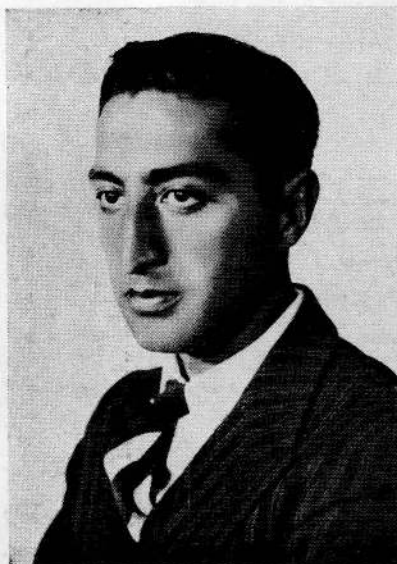
مدیریت عمومی
اجرائیه :
مدیر عمومی :
ع ، محمد انور خان

وزارت تجارت

وزیر : ع ، ج ، میرزا محمد خان
معین اول : ع ، ص محمد حسین خان
» دوم : ع ، ص ، غلام غوث خان
مدیر عمومی گمرکات و احصائیہ : ع ، عبدالقویوم خان
» تجارتی : ص ، میر محمد ضیاء الدین خان
کفیل مدیریت ترجمانی : » ، محمد علی خان
مدیر مجلہ اقتصاد : » ، محمد زمان خان
» ماہورین : » ، محمد مالک خان
» کنٹرول : » ، محمد عنایت اللہ خان
» اوراق : » ، عبدالودود خان
سرکاتب قلم مخصوص : » ، غلام سخی خان
سرکاتب تصفیہ محاسبات شرکتہا : ص ، عبدالحسین خان
» شعبہ تورید رنگ
و حفظ صنائع : ص ، محمد عمر خان « رسا »
» انحصارات : » ، حبیب اللہ خان
شعبہ مربوطہ مرکز :

رئيس فیصلہ منازعات تجاریہ : ع ، ص ، غلام حیدر خان

وزارت معارف



ص، محمد نبی خان
ع، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف
عضو ریاست :
S.Ex, Sirdor Mohammad Na'im Khan
ص، محمد عثمان خان
ministre de l'instruction publique
عضو ریاست : ص، عماد الدین خان و رئیس انجمن ادبی
ریاست تدوین ریاست :
président de l'Académie Afghane
رئیس : ع، ص عزیز الرحمن خان

سا لنامه « کابل »

مفتش	:	ص ، عبد الغفور خان
»	:	» ، محمد يوسف خان
»	:	» ، عبد القیوم خان
»	:	» ، عبد الغفار خان
»	:	» ، محمد آصف خان

ر باست تفیش :

رئیس	:	ع ، ص سید محمد فاروق خان
مفتش	:	ص ، قربان علیخان
»	:	» ، گلبدین خان
»	:	» ، عزیز محمد خان
»	:	» ، محمد طاهر خان

مدیر مامورین و معلمین	:	ص ، محمد مرید خان
مدیر کنترل	:	» ، محمد یونس خان
مدیر تنظیمات و اجرائیه	:	» ، عبد الله خان
وکیل مدیر تعمیرات	:	» ، فقیر محمد خان
مدیر اوراق	:	» ، عبد الله خان
سر کتاب قلم مخصوص	:	» ، محمد یونس خان
مامو تحویلخانه عمومی	:	» ، میر محمد اسلم خان
محافظة آثار عتیقه بامیان	:	» ، احمد علیخان
انتظام کلوب معارف	:	» ، دا کتر انور علیخان
دائره لابوراتوار	:	» ، عبد الرحیم خان
ابنیه دار الفنون	:	» ، عبد الرحیم خان

تشکیلات مملکتی

معاون داکتر شفاخانه وزارت : ص ، سید حفیظ خان
 مامور کتاب خانه وزارت : » ، محمد زمانخان
 » » » ملی : » ، عبد الغنی خان

شعبات مربوط مرگز :

رئیس دارالعلوم عربی

و مکتب حفاظ : ع ، ص عبد الرسولخان
 رئیس فاکولته طبی : عزتمند داکتر بای حسن رشاد
 » تربیه حیوانات

وزراعت : ع ، ص محمد یوسف خان

مدیر موزه : ص ، غلام محی الدینخان

» مکتب حبیبیه : » ، سید عبد الله خان

» » استقلال : عزتمند مومال

» » نجات : » ، رویرت متروننگ

» » صنائع فقیسه : ص ، عبد الغفور خان « برشنا »

منتظم مکتب طبی :

وکیل مدیر مکتب زراعت : ص ، غلام صدیق خان

معاون مکتب دارالمعلمین : » ، محراب الدینخان

» » غازی : » ، فدای احمد خان

منتظم کورس دارالمعلمین

مستعجله : » ، میا حسین خان

» سینما : » ، میر ابوطالب خان

وزارت فوائد عامه



وزیر :
ع ، ج ، عبدالرحیم خان
معین :
ع ، ص ، نصر الله خان
الف - مدیریت عمومی
فابریکات :

مدیر عمومی :
ع ، سردار غلام محمد خان
معاون :
ص ، امیر محمد خان
مدیر کشت و ول :
ص ، یعقوب علیخان
مدیر نگرانی :

ص ، نظام الدین خان
مدیر گوردشازی :
ص ، محمد حسین خان

مامور نجاری دارالفنون
مدیر فابریکه نجاری مرکز
» » بوت دہزی
متخصص » »

ع ، ج عبدالرحیم خان وزیر فوائد عامه
S.Ex. Abdur-Rahim Khan ministre
des travaux publics

ص ، نور احمد خان
» ، محمد اسمعیل خان
» ، محمد اسلام خان
» ، عبد الله خان

مدیر فابریکه تختابی جبل السراج : ص ، محمد ابراهیم خان
متخصص » » » » : عزتمند مانیکه
بسته کاری ماشین » » : » گونسلمر
» » » » » » : » پتروش
» » » » » » : » ریسدیر
» » » » » » : » ما کس شمدیت
مدیر فابریکه نجاری مرکز : ص ، عبد الغفور خان
مامور تعمیر فابریکه دهمزنگ : » ، فقیر محمد خان

مدیریت عمومی معابر :

مدیر عمومی : ع ، سعد الدین خان
مهندس : عزتمند مستر سیمه
معاون مهندس : ص ، احمد شاه خن
» » : » ، محمد افضل خان
مدیر تعمیر سرب مشرقی حصه کابل : ص ، عبد الرسول خان
» » » » » » : » ، محمد کبیر خان

مدیریت عمومی تعمیرات :

مدیر عمومی : ع ، عبدالغیاث خان
مامور کنترل : ص ، محمد موسی خان
مدیر جشن و احتفالات : » ، غلام محی الدین خان
معاون : » ، نور احمد خان

مدیریت عمومی برق :

مدیر عمومی	:	ع ، غلام محمد خان
انجینیر	:	عزتمند مستر هوپل
مامور فابریکه چک وردک :	ص ، فضل احمد خان	
سر مهندس »	:	عزتمند ابراین
مهندس »	:	» شتووی »
»	:	» هایدوک »
مدیر کنترول وزارت :	ص ، عبد الکريم خان	
مدیر مامورین »	:	» عبدالحسین خان
مدیر اوراق »	:	» حبیب الله خان
سرکاتب قلم مخصوص »	:	» غلام رسول خان
ترجمان انگلیسی »	:	» محمد افضل خان



وزارت صحیه



ع ، ج غلام یحیی خان وزیر صحیه
S.E.x. Gholam Yahya Khan ministre
de l'hygiène.

وزیر :
ع ، ج ، غلام یحیی خان
معین :
.....

مدیریت مشاوره فنی :

مدیر :
ص ، جلال الدین خان
معاون فنی شعبه تقطیش :
ص ، عبد الرحیم خان
سرکاتب شعبه مشاوره :
ص فیض محمد خان
سرترجمان شعبه ترجمانی :
ص عبد الهادی خان

مدیر مجموعه صحیه و نشریات :

ص ، عبد الرشید خان
مدیر کنترول :
ص ، محمد محسن خان

مامور اجرائیه و مامورین : ص ، محمد ابراهیم خان
سرکاتب قلم مخصوص : » ، احمد ضیا خان
سرکاتب اوراق : » ، صالح محمد خان

وزارت پست، تيلگراف و تيلفون



وزير :

ع، ج، رحيم الله خان
معين :

مدیر شعبه ارتباط خارجی :

ص، محمد سعيد خان

مدیر شعبه پست :

ص، احمد شاه خان

مدیر تيلگراف و تيلفون :

ص، امين الله خان

مدیر عمومی حمل و نقل :

ع، غلام جيلانی خان

مدیر محاسبه و كنترول :

ص، غلام احمد خان

مأمور شعبه هوتلها

ص، غلام دستگیر خان

مأمور اجرائيه مأمورين

وتحريرات :

ص، سيد مصطفی خان

مدیر شعبه اوراق :

ص، پايشده محمد خان

مترجم المانی :

شعبات مربوطه مرکز :

مدیر شفاخانه ملکی : ص، عبدالغفار خان

سرطبيب « » : عزتمند، دكتور فواد بيك

مدیره شفاخانه مستورات : ص، زينب بيگم

كفيل مدير دواخانه عمومی : ص، عبد الغني خان

دكتور دندان : « دكتور محي الدين بيگ

دكتور دندان : « ، شاديه خانم

سرطبيب رفقي سناتور يوم

وسناتور يوم مستورات : دكتور ربيع حكمت بيگ

سرطبيب شفاخانه امراض

عقلية وعصبيه : « نوزاد اشرف بيگ

ماموره سناتور يوم مستورات : ص، روح افزاء بيگم

متخصص باكتريولوژی : « ، دكتور زهدي بيگ

معاون معاينه خانه واقع

شهر آرا : « ، نصر الله خان

معاون معاينه خانه واقع

چند اول : عزتمند كرم الهی خان

معاون معاينه خانه واقع

بالاحصار : « ، محمد موسی خان

ریاست مستقلة معادن



رئیس :

ج ، محمد کریم خان

معین :

ع ، صدکتور عبدالله خان

(باقی تشکیلات دوائر این

ریاست هنوز از مقامات

صلاحیت دار تصویب

نشده است) .

ج ، سردار محمد کریم خان رئیس مستقل معادن
S. Ex. Mohammad Karim Khan chef
du département des mines

مشاور پست : عزتمند فون زیگنس
 متخصص بی سیم و رادیو : عزتمند بوم
 متخصص تیلیفون : عزتمند ای سیکسون
 متخصص کیبل : ص، عبدالمجید خان

شعبات مربوط مرکز :

مدیر رادیو : ص ، عطاء والله خان
 مدیر حمل و نقل پست : « ، عبدالحق خان
 « فابریکه ترمیم موتر : « ، عبدالعزیز خان
 منظم تلیگراف خانه یکه توت : « محمد حسین خان
 « « « مهتاب قلعه : « غلام سرور خان
 « « « سیار تلگراف : « علی گل خان
 مامور هوتل کابل : « میر محمد علی خان
 کفیل مامور تیلیفون خانه مرکز : « عبدالاحد خان

نگرانهای تیلیفون اطراف :

نگران تیلیفون سمت مغربی : ص ، محمدافضل خان
 « « « مشرقی : « ، غلام حضرت خان
 « « « شمالی : « حاجی محمد خان
 « « « جنوبی : « عبدل احمد خان

تشکیلات مملکتی

مدیر محبس کوتوالی	:	ش ، سید کمال خان
رئیس گمرک	:	ع ، ص غلام حیدر خان
مدیر محاسبہ گمرک	:	ص ، فقیر الدین خان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا احمد خان
مدیر تحریرات	:	ص ، عبد الواحد خان
مدیر معارف	:	» ، غلام جیلانی خان « جلالی »
مدیر خزانہ	:	» ، محمد اسماعیل خان
مدیر مخبرات	:	» ، غلام صفدر خان (بحیث مدیر عمومی)
منتظم تلگراف سیمدار	:	» ، محمد امان خان
» » بی سیم	:	» ، علی گل خان
مامور معابر	:	» ، دلاور خان

حکومت کلان سمت شمالی :

حاکم کلان	:	ع ، ع محمد اسماعیل خان
مدیر کنترول	:	ص ، محمد عثمان خان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا عبد الجلیل خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، عبد القادر خان
مامور گمرک	:	ص ، علی محمد خان
کفیل مدیر صحیہ	:	» ، نصر اللہ خان

حکومت کلان غزنی :

وکیل حاکم کلان	:	ع ، ش عبد الاحد خان فرقه مشر
مدیر کنترول	:	ص ، فتح محمد خان

تشکیلات ولایات و حکومتی های ولایات اعلی

و حکومتی های کلان

ولایت کابل

والی	:	و ، ج ، محمد عمر خان
مستوفی	:	ع ، ص ، سید حبیب خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر امام الدین خان
مامور اجرائیہ	:	» ، عزیز الدین خان
» تحصیلی	:	» ، محمد رضا خان
» تقشیش	:	» ، امیر محمد خان
قاضی مرافعہ	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، طرہ باز خان
سر مامور قوماندانی کوتوالی	:	ش ، میر عبد العزیز خان
مدیر جزاء	:	» ،
کفیل مدیر ضبط احوالات	:	ص ، محمد سرور خان
» » تعلیم و تربیہ	:	ش ، حبیب اللہ خان
مدیر تعلیم گاہ پولیس	:	ح ، محمد اکبر خان
» محاسبہ	:	ص ، غلام رضا خان

قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبد الحق خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، سید امیر خان
مدیر گمرک	:	ص ، محمد عمر خان
کفیل مدیر صحیه	:	» ، سلطان احمد خان
حکومت کلان دایزنگی :		
حاکم کلان	:	ع ، ع غلام محی الدینخان
مامور کنترول	:	ص ، میر عن یرالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا دین محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد نبی خان
مامور گمرک	:	ص ، حبیب الله خان
حکومت کلان لوگر :		
وکیل حاکم کلان	:	ع ، ع عبد العلّی خان
مامور کنترول	:	ص ، محمد حسین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد حسن خان
مامور گمرک	:	ص ، نور الحق خان
کفیل مدیر صحیه	:	» ، محمد نبی خان
ولایت قند هار		
نائب الحکومه	:	ع ، ش سردار محمد داؤد خان
مستوفی	:	ع ، ص محمد نعیم خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، سید فقیر محمد خان

مامور کنترول مستوفیت	ص ، محمد عثمان خان
« اجرائیه »	: « ، عطا محمد خان
« تحصیلی »	: « ، عبد السلام خان
« تفتیش »	:
قاضی صرافیه	: ف ، ملا احمد علیخان
قوماندان کوتوالی	:
رئیس گمرک	:
قاضی ابتدائیه	: ف ، ملا عبد الباقیخان
مدیر خارجه	: ص ، محمد صدیقخان
« تحریرات »	: « ، عبد القدیر خان
« خزانه »	: « ، عبد الوهاب خان
کفیل مدیر مخبرات	: « ، نظام الدینخان
کفیل منتظم تلگراف	: « ، علی گل خان
مدیر زراعت	:
کفیل مدیر صحیه	: ص ، عبد النبی خان
مامور معارف	: « ، عبد الواحد خان
رئیس فیصله منازعات تجاریه	: « ، حاجی گل محمد خان
مدیر معابر	: « ، محمد عمرخان

حکومت کلان غورات .

حاکم کلان	: ع ، ع ، گلا بشاه خان
مامور کنترول	: ص ، رحیمداد خان
قاضی ابتدائیه	:

حکومت کلان قلات :

حاکم کلان	: ع ، ع ، میر اکبر خان
مامور کنترول	: ص ، عبدالله خان
قاضی ابتدائیه	: ف ، احمد الله خان
قوماندان	: غ ، سید احمد خان
مامور گمرک	: ص ، محمد کبیر خان

حکومت کلان گر شک .

حاکم کلان	: ع ، ع ، دوست محمد خان
مامور کنترول	: ص ، احمد علیخان
قاضی ابتدائیه	: ف ، ملا محمد قسیم خان
مامور گمرک	: ص ، محمد رضاء خان
« صحیه »	: « ، محمد صدیق خان

حکومت کلان ارز گان :

حاکم کلان	: ع ، ع ، شاه پررگ خان
مامور کنترول	: ص ، نظام الدینخان
قاضی ابتدائیه	:
قوماندان کوتوالی	: غ ، تاج محمد خان
مامور گمرک	:

ولایت هرات

نائب الحکومه	: و ، ج ، س ، ا ، غلام فاروق خان
مستوفی	: ع ، ص ، محمد علیخان

سالنامه « کابل »

تشکيلات مملکتی

مدیر تحریرات	:	ص ، عبد السمیع خان
« مخبریات	:	« ، عبد الفتاح خان
« خزانه	:	« ، میر سکندر شاه خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبد الرحیم خان
کفیل مدیریت صحیه	:	« ، میرزا محمد خان
مدیر زراعت	:	« ، محمد زمانخان
مامور معارف	:	« ، عبد السلام خان
رئیس فیصله منازعات تجاریه	:	« ، عبدالاحد خان
مدیر معابر	:	« ، داد محمد خان
مامور موزیم	:	« ، میرزا عبد الرحمن خان

حکومت کلان شبرغان :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، سید آقا خان
مامور کنترول	:	ص ، عبد الله خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، احمد جانخان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد امین خان
مامور گمرک	:	

ولایت قطغن و بدخشان

نائب الحکومه	:	و ، ج شیر محمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمد سرور خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر محمد فی خان

قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد عاصم خان
مامور گمرک	:	ص ، شهاب الدین خان

حکومت کلان بادغیسات :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، محمد اختر خان
مامور کنترول	:	ص ، نصر الله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملانیک محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، سید محمد خان
مامور گمرک	:	ص ، عبدالقادر خان
کفیل مامور صحیه	:	ص ، عبد الحمید خان

ولایت مزار شریف

نائب الحکومه	:	و ، ج ، گل احمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، عزیز الله خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، سر فراز خان
مامور اجرائیه	:	« ، حبیب الله خان
سرکاتب تحصیلی	:	« ، عبد الرحمن خان
مامور تفتیش	:	« ، عبد الغنی خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد جانجان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا میر محمود خان
« ابتدائیه	:	« ، محمد ملا رجب خان
مدیر خارجه	:	ص ، سید مومن خان
« گمرک	:	« ، عبد الحق خان

مامور صحیه : ص ، محمد جعفر خان
سرکاتب اخبارات : » ، شیر احمد خان

حکومت اعلای سمت مشرقی

حاکم اعلی : ع ، ع ، ص ، محمد قاسم خان
سر رشته دار اعلی : ع ، ص ، شیر احمد خان
مامور کشتورول :
سر رشته داری اعلی : ص ، شیر احمد خان
سرکاتب اجرائیه : » ، سید محمد اکبر خان
» تحصیل : » ، محمد خان
مامور تقنیش : » ، غیاث الدین خان
قاضی مرافعه : ف ، ملا عبیدالله خان
قوماندان کوتوالی : ح ، سید محمد امیر خان
مدیر گمرک : ص ، عبدالکریم خان
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا محمد اسحق خان
مدیر خارجه : ص ، سلطان عزیز خان
کفیل مدیر صحیه : » ، محمد اسمعیل خان
مدیر زراعت : » ، سید حب علی شاه خان
مدیر مهابر : » ، عبدالوکیل خان
مدیر تحریرات : » ، عبدالرزاق خان
مدیر خزانہ : » ، محمد جانخان
مدیر معارف : » ، عبدالعلیخان

مامور اجرائیه مستوفیت : ص ، محمد سالم خان
سرکاتب تحصیلی : » : » میر عبد اللطیف خان
مامور تقنیش : » : » محمد اکبر خان
قاضی مرافعه : ف ملا گل دست خان
» ابتدائیه : » ملا علی محمد خان
قوماندان کوتوالی : ح فقیر شاه خان
مدیر گمرک : ص محمد انور خان
مامور خارجه : » سید محمود خان
مدیر تحریرات : »
کفیل مدیر اخبارات : » گل احمد خان
تلگرافی : » محمد یوسف خان
کفیل مدیر صحیه : » محمد عمر خان
مدیر خزانہ : » خواجه عبدالرشید خان
مامور معارف : » عبدالرسول خان
رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ : » میان فضل احمدخان

حکومت کلان بدخشان :

حاکم کلان : ع ، ع سید عباس خان
مامور کشتورول : ص فضل احمد خان
قاضی ابتدائیه : ف ملا محمد غوث خان
قوماندان کوتوالی : غ غلام محی الدین خان
مامور گمرک : ص غلام فاروق خان

قاضي ابتدائيه	: « ، ملا عبدالحق خان
مدیر خارجه	: ص ، سلطانه خان
« گمرک	: « ، عبد المجيد خان
کفيل، مدير صحنه	: « ، عبد الغني خان
مامور تحريرات	: « ، غلام حيدر خان
« استخبارات	: « ، محمد عاشور خان
« معارف	: « ، عليچانخان
« معابر	: « ، مدد خان
« زراعت	: « ، عبد الكريم خان
« خزانه	: « ، جمال الدين خان
« قبایل	: « ، محمد مسلم خان
« مخبرات	: « ، محمد نعيم خان

حکومت اعلاى ميمنه

حاکم اعلى	: ع ، ع ص ، محمد عزيز خان
سر رشته دار اعلى	: ص ، نور محمد خان
مامور کنترول سرشته دار اعلى	: « ، عبد العزيز خان
سرکاتب اجرائيه	: « ، غلام حسين خان
« تحصيلی	: « ، سکندر خان
« تقشيش	: « ، محمد حسن خان

مدیر مخبرات	: ص ، نيك محمد خان
منظم تيلگراف طورخم	: « ، عبدالرزاق خان

حکومت کلان کنر ها و آسپار :

حاکم کلان	: ع ، ع ، سيد جلال خان
مامور کنترول	: ص ، ميرزا گل احمد خان
قاضي ابتدائيه	: ف ، ملا عبدالغفور خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، شير محمد خان
سرکاتب گمرک	: ص ، محمد رحيم خان
مامو صحنه	: « ، عبد الجليل خان

حکومت اعلاى سمت جنوبی

حاکم اعلى وقوماندان عسکری	: ع ، ش ، س ، ع ، محمد افضل خان فرقه مشراول
سر رشته دار اعلى	: ص ، عبدال محمد خان
مامور کنترول سر رشته داری	: « ، احمد خان
سرکاتب اجرائيه	: « ، عبد الحميد خان
سرکاتب تحصيلی	: « ، عبد الستار خان
مامور تقشيش	: « ، سيد علم خان
قوماندان کوتوالی	: ش ، مدد خان
قاضي مرافعه	: ف ، ملا سيد کاظم خان

سالنامه « کابل »

قوماندان کوتوالی	: ش ، عبدالغفور خان
قاضی مرافعه	: ف ، ملا محمد يوسف خان
قاضی ابتدائيه	: » ، ملا عبدالرؤف خان
مدیر گمرک اند خوی	: ص ، محمود خان
مامور گمرک میمنه	: » ، محمد اسمعیل خان
مدیر خارجه	: » ، عبدالشکور خان
مامور تحریرات	: » ، عبدالحمید خان
کیفیل مدیر صحیبه	: » ، محمد نبی خان
» مامور مخبرات	: » ، غلام غوث خان
مامور زراعت	: » ، آقارحیم خان
مامور خزانہ	: » ، طوره خان
مامور معارف	: » ، محمد طاهر خان
رئیس فیصله متازعات تجارتی	: » ، محمد عمر خان
مامور معابر	: » ، سلطان عزیز خان
منتظم تلگراف	: » ، عبدالله خان
رئیس مدرسه ظاهرشاهی	: » ، ملا نظام الدین خان

حکومت اعلاى فراه و چخانسور

حاکم اعلى	: ع ، ع ، ص محمد کریم خان
سر رشته دار اعلى	: ع ، ص ، نور احمد خان
مامور کمترول	: ص ، عزیز احمد خان

تشکیلات مملکتی

سرکاتب اجرائیه	: ص ، شیخ احمد خان
» تحصیلی	: » ، محمد افضل خان
» تقییش	:
قاضی مرافعه	: ف ، ملا نورالحق خان
قوماندان کوتوالی	: ش ، محمد يوسف خان
مدیر خارجه	: ص ، عزیز الله خان
وکیل مدیر صحیبه	: » ، عبدالحمید خان
مدیر زراعت	: » ، عبدالباقی خان
مامور گمرک	: » ، شیر احمد خان
قاضی ابتدائيه	:
مامور تحریرات	: ص ، محمد انور خان
مامور مخبرات	: » ، محمد علم خان
» معابر	: » ، محمد حسین خان
» معارف	: » ، گلبدن خان
سرکاتب استخبارات	: » ، محمد اسحق خن
خزانہ دار	: » ، محمد ابراهیم
منتظم تلگراف سیددار	: » ، غلام محی الدین خان

تشکيلات دائر ملي

هيئت وکلای دوره سوم شورای ملی :

وکیل مرکز کابل : ص ، سیدجلال الدینخان مربوط ولایت کابل

» یغمان : » ، محمد علیخان » » »

» اوگر : » ، حاجی محمد ابراهیم خان » » »

» میدان : » ، مولوی عبدالقدوس خان » » »

» وردک : » ، عبد القیوم خان » » »

» سروبی : » ، عبدالمومن خان » » »

» چهاریکار : » ، میرزا محمد جانخان » » »

» جبل السراج : » ، حاجی امیر محمد خان » » »

» کوهدامن : » ، سید احمدخان » » »

» ریزه کوهستان : » ، عبدالحییب خان » » »

» تنگاب : » ، محمد یعقوب خان » » »

» نجراب : » ، غلام نبی خان » » »

» سیغان و کهمرد : » ، احمد جانخان » » »

» پنجشیر : » ، عبد الروف خان » » »

» سرخ و پارسا : » ، سید اسمعیل شاه خان » » »

» غوربند : » ، محمد قاسم خان » » »

» غزنوی : » ، حکیم خان » » »

» مقر : » ، حاجی عبدالقیوم خان » » »

» ده شین کتواز : » ، آزاد خان » » »

» کوچی دامانی کتواز : » ، علی گل خان » » »

» دایزنکی : » ، محمدنعم خان » » »

تشکيلات دوائر ملي

ریاست عالی شورای ملی

هیئت رئیسه :

رئیس شورای ملی :

ع ، ج عبدالاحدخان

معین اول :

ع ، ص سید محمدیونس خان

معین دوم :

ع ، ص سید محمد خان

منشی :

ع ، عبد اللطیف خان

معاون منشی :

ص ، عبدالباقیخان

سرکاتب مجلس :

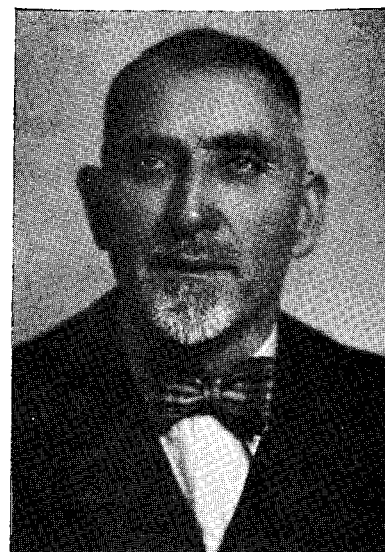
ص ، عطا محمد خان

مامور کنترل :

ص ، فیض محمد خان

سرکاتب اوراق :

ص ، عبدالودود خان



ع ، ج عبدالاحدخان رئیس شورای ملی
S. Ex. Abdoul Ahad Khan président
du Conseil National.

تشکيلات دوائر ملي

وکيل بهسود	: ص ، مير محمد عليخان مربوط ولايت کابل
» يککاولنگک	: » ، مير حبيب الله خان » » »
» جاغوري	: » ، محب عليخان » » »
» مرکز قندهار	: » ، عبد القيوم خان » » قندهار
» دند	: » ، غلام دستگیر خان » »
» کدنی	: » ، محمد شاه خان » »
» تيرين	: » ، فيض الله خان » »
» کشک نخود	: » ، محمد اقبال خان » »
» دهاله	: » ، محمد سعيد خان » »
» دهراؤد	: » ، غلام دستگیر خان » »
» گرشک پشت رود	: » ، محمد موسی خان » »
» موسی قلعه زمين داور	: » ، عبد الحميد خان » »
» گرمسير	: » ، يار محمد خان » »
» گينزاب	: » ، محمد حسن خان » »
» مرکز ارزگان	: » ، مولاداد خان » »
» ترنگ و جلدک	: » ، حاجی عبد السلام خان » »
» اجرستان	: » ، خان محمد خان » »
» فلات	: » ، حاجی عبد الحميد خان » »
» کوچی قندهار	: » ، اسمعیل حبيب خان » »
» مرکز هرات	: » ، حاجی غلام نبی خان » هرات
» بلوکات	: » ، محمد قاسم خان » »
» غور	: » ، عبد الوهاب خان » »

وکيل شين دند	: ص ، احمد جانخان مربوط ولايت هرات
» غوريان	: » ، نصر الدين خان » » »
» کشک و گداران	: » ، سيد غياث الدينخان » » »
» قلعه نو	: » ، غلام محمد خان » » »
» بالا مرغاب	: » ، عبد القادر خان » » »
» اوبه	: » ، حاجی فيض محمد خان » » »
» توالک و تگا بستان	: » ، عبد الرحمن خان » » »
» شهرک	: » ، غوث الدينخان » » »
» چچچران	: » ، محمد يعقوب خان » » »
» شهر مزار شريف	: » ، (سيد محمد يونسخان که معين اول شور اميا شدند)
» نهر شاهي	: » ، سراج الدينخان مربوط ولايت مزار شريف
» سنگک چارک	: » ، عبد الکریم خان » » »
» تاشقرغان	: » ، غلام حسن خان » » »
» ايک	: » ، ميرزا کيلان خان » » »
» سريل	: » ، عبد الرحمن خان » » »
» آقچه	: » ، عبد الرؤف خان » » »
» دولت آباد	: » ، محمد مرادخان » » »
» دره صوف	: » ، محمد رحيم خان » » »
» شبر غان	: » ، مير محمد اسلم خان » » »
» بلخ	: » ، عزيز الله خان » » »
» شهر خان آباد	: » ، غلام حيدر خان » قطغن و بدخشان
» قندوز	: » ، عبد الغفور خان » » »
» نهرين	: » ، محمد افضل خان » » »

وکیل اندر آب	: ص ، محمد اکبر خان مربوط ولایت فطغن و بدخشان
» تالقان	: » ، سید محمد خان
» حضرت امام	: » ، صاحب نور خان
» چال و اشکمش	: » ، میر فضل احمد خان
» غوری	: » ، عبدالله خان
» بدخشان	: » ، بزرگ خواجه خان
» رستاق	: » ، عبدالعزیز خان
» ینگی قلعه	: » ، محمد نبی خا
» جرم	: » ، غلام محمد معصوم خان
» درواز	: » ، شاه منصور خان
» واخان زیباک	: » ، سلطان علیخان
» کشم و درآیم	: » ، محمد حسین خان
» جلال آباد	: » ، سید محمد اکبر خان
» سر خرو د	: » ، عیدالله خان
» لغمان	: » ، سید حمزه خان
» نورستان لغمان	: » ، مشک عالم خان
» خوگیانی	: » ، عبدالرشید خان
» شنوار	: » ، محمد گل خان
» مهمندره	: » ، محمد خان
» زودات	: » ، ثناء گل خان
» کامه	: » ، محمد مراد خان
» حکومت کلان اسمار	: » ، مجاهد ینخان

وکیل دره بیچ	: ص ، عین الله خان ، مربوط حکومت اعلاى مشرقى
» کنر خاص	: » ، (سید محمد خان که معین دوم شورامیباشند)
» بر کنردره سین	: » ، عتیق الله خان ، مربوط حکومت اعلاى مشرقى
» حصارک غلجائی	: » ، حاجی گل علم خان
» کوچی ننگنهاری	: » ، محمد هاشم خان
» گردیز	: » ، امیر محمد خان
» زرم ت	: » ، غلام محمد خان
» خوست	: » ، میرزا محمد خان
» ارگون	: » ، اسمعیل گل خان
» جدران	: » ، خانه گل خان
» منگل	: » ، جانخان
» حاجی	: » ، فتو خان
» چمکنی	: » ، یار محمد خان
» شهر میمنه	: » ، ابوالقاسم خان
» تنکاب شیرین	: » ، سید ابوالغیر خان
» اندخوی	: » ، چار یار قل خان
» درزاب و گرز یوان	: » ، محمد اسلم خان
» قیصار	: » ، آستانه قل خان
» شهر فراه	: » ، سلطان محمد خان
» چغانسور	: » ، عبدالوکیل خان
» بکواه و خاشرود	: » ، در محمد خان

تشکيلات دوائر ملی

اعضای مجلس	:	س ، شاه محمود خان .
»	:	» ، حاجی میرزا عبدالرحیم خان
»	:	» ، عبدالمجید خان
»	:	» ، حاجی خان آقا خان
»	:	» ، محمد رسول خان
»	:	» ، عبدالصمد خان
»	:	» ، عبد الغفور خان
»	:	» ، حاجی عبدالحکیم خان
»	:	» ، سید فیض الله خان
»	:	» ، حاجی میرزا محمود خان
»	:	» ، عبدالمطیف خان
»	:	» ، امین الله خان
»	:	» ، محمد عمر خان
»	:	» ، عبدالستار خان
»	:	» ، میر محمد علیخان
»	:	» ، سید احمد شاه خان
»	:	» ، علی احمد خان
»	:	» ، محمد حسن خان مہمند
»	:	» ، میرزا خداداد خان
»	:	» ، فخر محمد خان
»	:	» ، ملک محمد اصغر
»	:	» ، جلال الدینخان

مجلس اعیان



ع ، ج ، میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan
président du Sénat.

رئیس :
 ع ، ج ، میر عطا محمد خان
 معاون اول :
 ع ، ص ، حاجی محمد اکبر خان
 معاون دوم :
 ع ، ص ، عبد الرحیم خان
 رئیس تمیز :
 ع ، ص ، حافظ عبد الغفار خان
 اعضای مجلس :
 ص ، سردار گل محمد خان
 » ، حاجی خیر محمد خان
 » ، عطا محمد خان
 » ، عبد الحکیم خان
 » ، معاذ الله خان
 » ، شرف الدینخان
 » ، جان محمد خان
 » ، سید یاقوت شاه خان
 » ، ایشان امان الدینخان
 » ، ملک و محمد ل خان

ریاست بلدیۀ کابل

رئیس	:	و ، ج محمد عثمان خان
معاون	:	ع ، محمد رحیم خان « رفیق »
مدیر تنظیمات و صحیفه	:	س ، غلام محمد خان
مدیر مهندسی و تعمیرات	:	« عطا ، محمد خان
« ارزاق	:	« ، محمد حسن خان
« تفتیش و قلم مخصوص	:	« ، علی محمد خان
« احصائیه	:	« ، عبدالرشید خان
« کنترول و محاسبه	:	« ، محمد رفیق خان
« مامورین و اجرائیه	:	« ، عبدالله خان
سرکاتب اوراق	:	« ، سید محمد حسین خان
مأمور یتیم خانہ	:	« ، محمد ابراهیم خان
مهندس	:	عزیز محمد ساگیلوف

اعضای مجلس	:	س ، محمد حسن خان وردن
»	:	« ، سید شمس الدین خان
»	:	« ، سید محمد خان
»	:	« ، سید احمد خان
»	:	« ، ملا محمد پندیر خان
»	:	« ، نورالدین خان
»	:	« ، حاجی محمد شریف خان
»	:	« ، غلام رسول خان
»	:	« ، محمد اکبر خان
»	:	« ، عبدالعزیز خان
»	:	« ، دیوان حکم چند

هیئت اداری :

منشی مجلس	:	س ، محمود خان
سرکاتب تحریرات	:	« ، محمد حسین خان
»	:	« ، انجمن تحقیقیه
»	:	« ، محمد انور خان
»	:	« ، تدوین اصول
»	:	« ، سید محبوب خان
»	:	« ، دائرة تمیز
»	:	« ، غلام رسول خان
»	:	« ، دائرة محاسبه
»	:	« ، محمد یوسف خان
»	:	« ، محمد اکبر خان

روسا و مامورهای بلدیۀ مراکز ولایات و حکومتیهای

اعلا و کلان

رئیس بلدیۀ قند هار	: ع ، محمد ناصر خان
« هرات »	: « ، احمد قلیخان
« مزار شریف »	: « ، فراح الدین خان
« خان آباد »	: « ، میر عبدالسلام خان
« جلال آباد »	: ص ، سلطان احمد خان
« گردیز »	: « ، محمد رضا خان
« میمنه »	: « »
مامور « فراه »	: « ، محمد حسین خان
« چهاربیکار »	: « ، عبد الرسول خان
« غزنی »	: « ، عبدالسلام خان
« دایزنگی »	: « »
« لوگر »	: ص ، لطف الله خان
« گرشک »	: « »
« ارزگان »	: « »
« قلات »	: « »
« غوربات »	: « »
« بادغیستان »	: « »
« شبرغان »	: « »
« بدخشان (فیض آباد) »	: ص ، بزرگت خواجه خان
« کنرها و اسمار »	: « »

تشکیلات دوائر حضور

وزارت دربار

وزیر :

ع، ج، والا حضرت سردار
احمد شاه خان

معین :

ع ، ص غلام احمد خان
مدیر تنظیمات و اجرائیه :

ص ، عبدالرحیم خان
معاون تنظیمات ،

ص ، محمد اکرم خان
مدیر تشریفات :

ص ، عبدالرشید خان
مدیر محاسبه :

ص ، عبدالوهاب خان
مدیر خزانه :

ص ، سراج الدیخان
مدیر نقلیه :

ص ، میر اکبر خان
ناظر کارخانه طباطبائی :

ص ، حاجی فطر محمد خان
خانه سامان باشی عمومی :

ص ، صالح محمدخان
عبدالرشیدخان



ع ، ج والا حضرت سردار احمد شاه خان
وزیر دربار

S. A. Ahmad Chah Khan ministre
de la cour.

دارالتحریر شاهي

عرض يیگی حضور همايوني : ص ، محمد اسمعیل

موتوران باشي : « ، خواجه محمد خان

سرکاتب اوراق : « ، محمد عظیم خان

.....

مصاحبین حضور همايوني

ع ، ص سردار محمد اکبر خان

» ، سلطان احمد خان

» ، حاجي محمد نواب خان

» ، صالح محمد خان

» ، محمد سرور خان

سرمنشی حضور همايوني :

ع ، ج محمد نوروز خان

مدیر قلم مخصوص :

ع ، نور محمد خان

مدیر شعبه اول :

ع ، حافظ نور محمد خان

مدیر شعبه دوم :

ع ، سردار محمد عمر خان

مدیر شعبه سوم :

ع ، سراج الدین خان

مدیر شعبه چهارم :

ع ، غلام قادر خان

مترجم زبان عربی و ترکی :

ص ، سید مبشر خان طرازی

مترجم زبان فرانسوی :

ص ، عبدالغفور خان

مترجم زبان انگلیسی :

ص ، محمد سرور خان

مشاور امور شرعی :

.....

متخصص اقتصاد :

ص ، حبیب الله خان



ع ، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور همايوني

ورئيس افتخاری انجمن ادبی

S. Ex. Mohammad Naouroz Khan
secrétaire privé de S. M. et président
honoraire de l'Académie Afghane

رئيس دائره خصوصي حضور همايوني : ع ، ص ، خواجه جانگل خان

سریاوریت حربی حضور همایونی

سریاور حربی حضور : ع ، ش ، عبدالغفور خان فرقه مشر ثانی

معاون سریاور : « ، « ، محمد لطیف خان « ، « ، «

یاور : ح ، محمد صفر خان غند مشر اول

» : « ، سید صالح محمد خان « ، «

» : « ، عبدالغنی خان ، « ثانی

» : « ، عبدالله خان « ، « ، «

» : ش ، محمد حسین خان کندک مشر

» : غ ، غلام محمد خان دو لیمشر

سرکاتب تحریرات : ص ، پاینده محمد خان

اجراآت دوائر مملکتی

حاجت به تذکار نیست که افغانستان درین عرصه ۸ سال اخیر از یک راه صحیح بسوی ترقی و تعالی خود روان شده و بنا برین درین مدت علاوه بر تلافی خسارات و ضایعات انقلاب گذشته ، قدمهای بزرگی را در رشته های مختلفه بسوی پیشرفت خود برداشته که بجز نت میتوان گفت ، اینقسم اقدامات بزرگ و سریع در وطن ما بی سابقه میباشد . ما خیلی خوش بختیم که توانسته ایم در هر سال مظاهر مهم این پیشرفتها و خطوط اساسی این ترقیات را از نظر هموطنان عزیز و سایر علاقه مندان شئون افغانستان ، گذارش بدهیم . چنانچه اگر کسی خواسته باشد که گفتار فوق را بمعک تحقیق مقابل کند تنها ورق زدن سالنامه های پنج ساله گذشته « کابل » کفایت خواهد کرد .

اما به مسرت تمام می بینیم که در سال ۱۳۱۶ حرکت ارتقائی وطن سرعت و وسعت بیشتری پیدا کرده و می توان گفت که ازین وقت افغانستان داخل یک دوره نهضت جدیدی شده که از حالا مظاهر نیک آن ظاهر شدن گرفته که هر یک خاطر عموم علاقه مندان ترقیات این خطه را مملو از مسرت و شادمانی میگرداند : از قبیل توسعه معارف و بکار افتادن ذخائر تحت الارضی و تأسیس و تکوین صنایع مهمه و ترقی زراعت و ترویج وسائل مدنیت و غیره از این است که اینک بیش از درج کار زوایی های مهمه سال ۱۳۱۶ دولتی و وظیفه خود میدانیم که نسبت به اینهمه موفقیات ، تبریکات خالصانه و

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۶



ع . ش . عبد القیوم خان قوماندان
عسکری قتل و بدخشان



ع . ش . فیض محمد خان قوماندان
فرقه دوم قول اردوی جنوبی

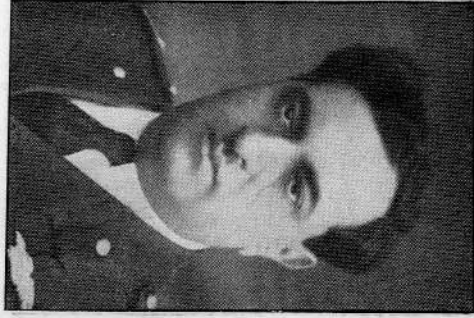


ع . ش . محمد قاسم خان قوماندان
عسکری هرات

جناب آقای محمد علی قاسم خان قوماندان
عسکری قتل و بدخشان



جناب آقای محمد علی قاسم خان قوماندان
عسکری قتل و بدخشان



جناب آقای محمد علی قاسم خان قوماندان
عسکری قتل و بدخشان



از مقرریهای و ترقیعات مهمه سال ۱۳۱۶

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۶



ع، ص نورمحمد خان معین ریاست
مستقله زراعت



ع، ص دکتور عبدالله خان معین
ریاست مستقله معادن



ع، ص عبدالاحد خان معین دوم
وزارت معارف

ع، ص محمد کریم خان جام
اعلائی قواه و چغتائیسور



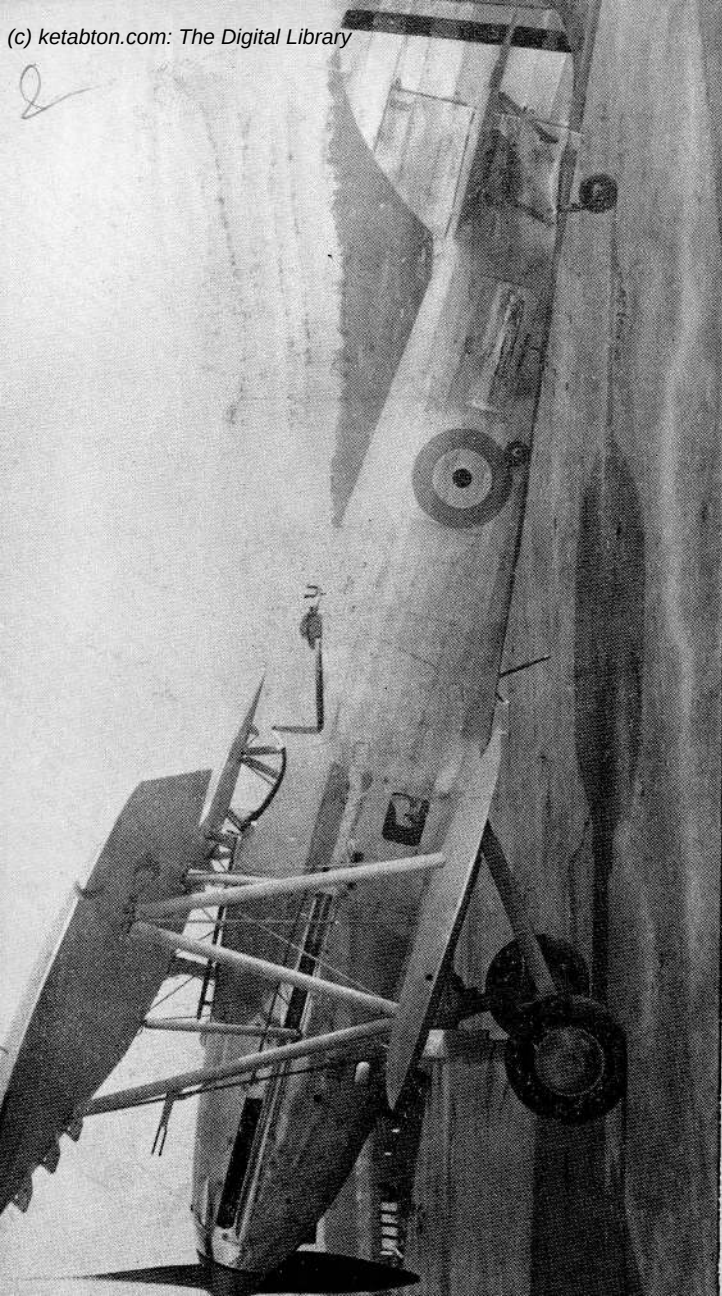
ع، ص یار محمد خان مشاور
صدارت عظمی



از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۶

ع، ص عبدالرحیم خان مشاور
صدارت عظمی





از کارروائی سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونه طیارات کشف رقم «هاکر هند» انگلیسی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministère afghan, de la guerre

ع و ض سید محمد یونس خان معین اول



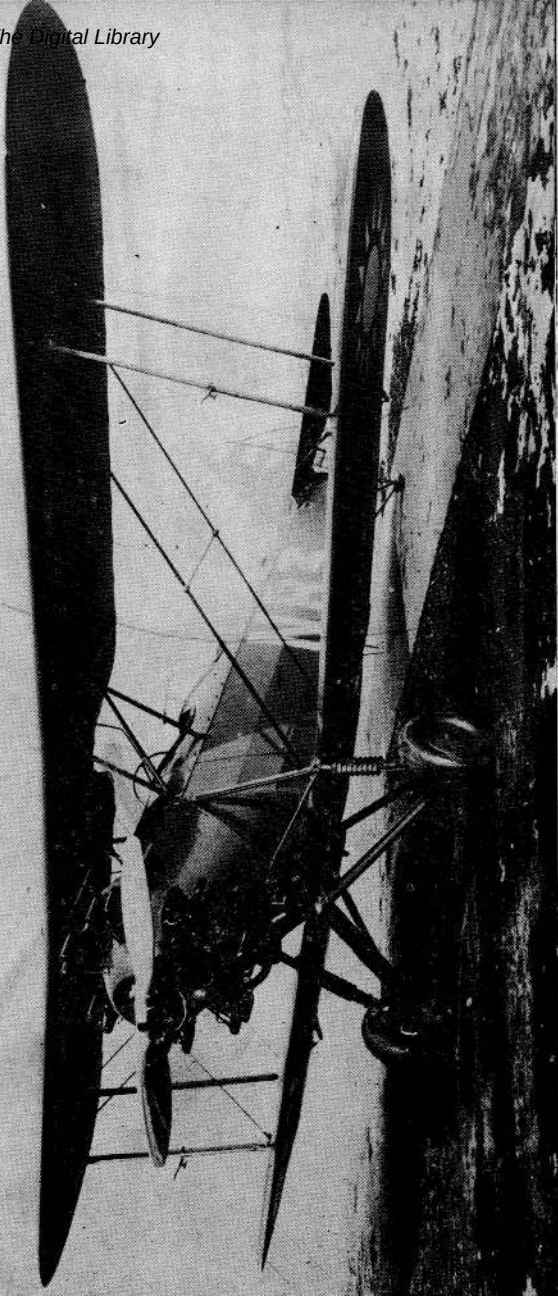
ع و عبداللطیف خان شمشي



ع و سید محمد خان معین دوم

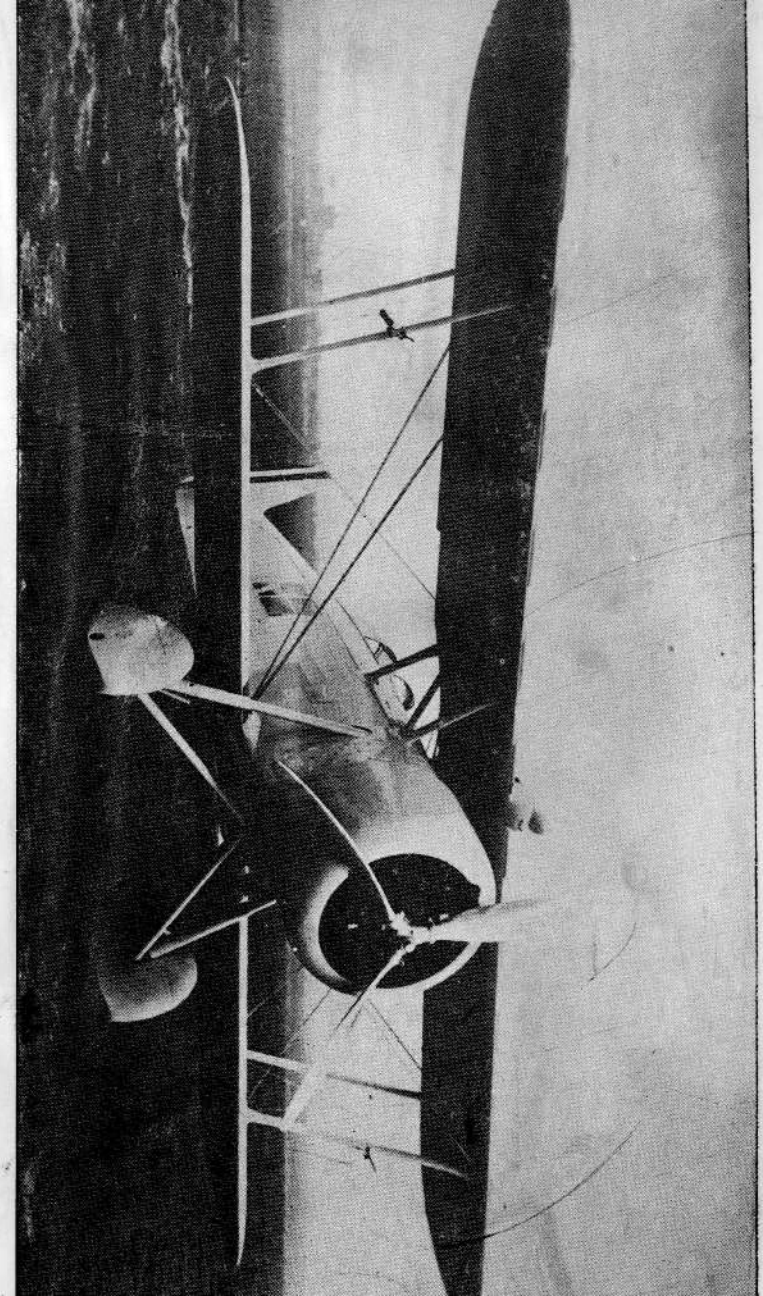


از انتخابات دور سوم شورای ملی



ازکار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونه طیارات تعلیمی رقم « بردا ۲۵ » ایتالوی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions d'enseignement achetés par le ministère afghan de la guerre

ازکار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونه طیارات کشف « رقم ریمو ۳۷ » ایتالوی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministère afghan de la guerre



اجرا آت دوائر مملکتی

وسعت یافته زوداست که افغانستان عزیز دارای یک عکسرمکمل عصری گردد
اینک خلاصه اجرا آت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت خریه را ذیلا
به تفریق ریاست های آن از نظر خواننده گان میگذرا نیم :

ریاست ارکان خریه عمومیه :

۱ - توزیع ساحه وانکشاف و پیشرفت امور تعلیمی قطعات اردوی
شاهی افغانستان اقدامات مکملی بعمل آمده .

۲ - تعلیمات مکتب خریه بعد از آنکه یک عده ضابطان مقتدر
ترکیه برای معلمی مکتب خریه استخدام شده اند پیشرفت خوبی نموده
مانند مکاتب خریه دول متمدن قدمهای سرپا نه در تکمیل تعلیمات شان
گذاشته شده .

۳ - در توسیع مکاتب احضاریه و رشديه عسکریه و تزئید طلاب
آنکه اساس تکامل و انکشاف اردوی همایونی ازین سرچشمه علم
و عرفان شروع میشود اقدامات مکفی بعمل آمده .

۴ - جریان کنفرانسهای فنون خریه که باعث تنویر و تجدید و
افکار ضابطان اردو می شود و توزیع اوراق مطبوعه آن بقضعات
سرکز و ولایات .

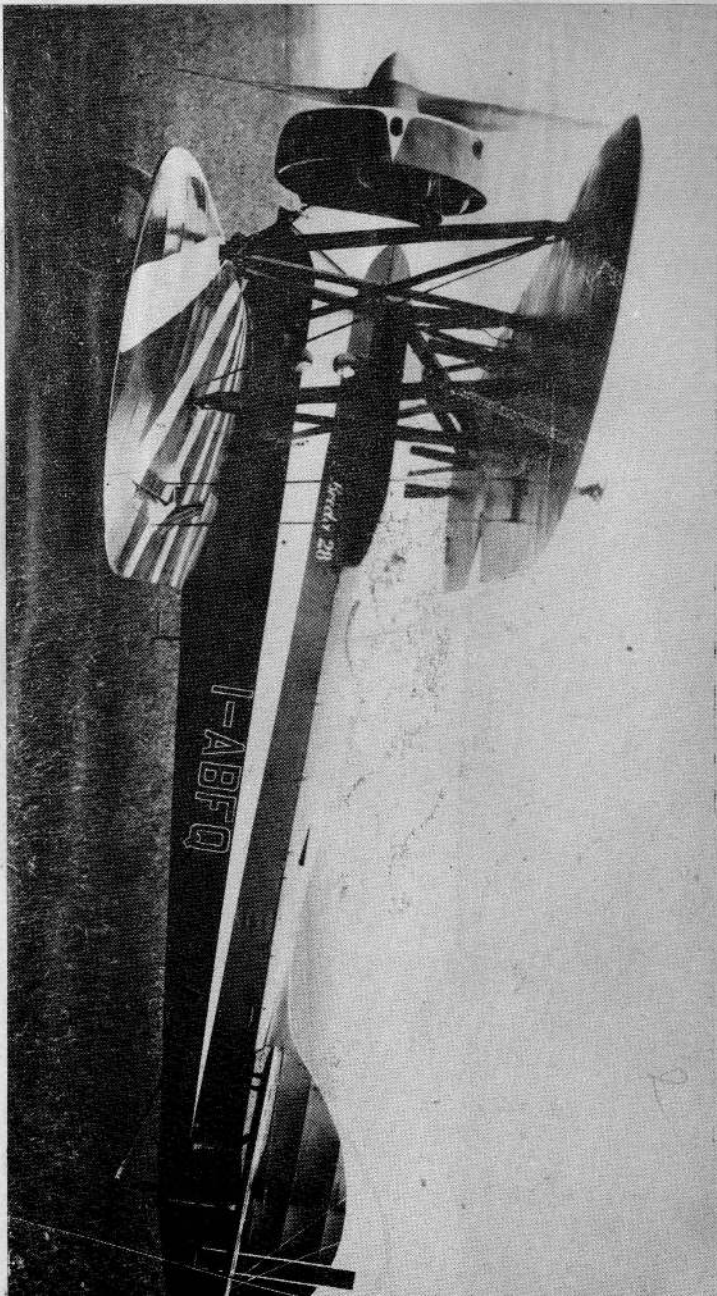
۵ - تشکیل یک مقرزه مرکب از صنوف مختلفه زیر اثر فرماندانی
مکتب خریه .

۶ - اعزام یک عده ضابطان هوا بازی در کراچی جهت استاز
و بازگشت موفقاته شان .

۷ - اعزام یک عده ضابطان برای اخذ تعلیمات تخنیکي در جرمنی .

۸ - ورود یک عده از ضابطان فارغ التحصیل صنوف مختلفه از
ترکیه بکابل و تعین شان در اردو .

از کاروانی های سال ۱۳۱۶ وزارت خریه : نمونه طیارات اکراباسی (شطارت های ملتی زدن و غیره) رقم برد
ایطالوی که تجدید خریداری شده
Type des nouveaux avions d'acrobatie achetés par le ministère afghan de la guerre



۹ - تاسیس و افتتاح کورس لوازم برای توسیع معلومات ضابطان لوازم .
۱۰ - « « « « نقلیه
۱۱ - تاسیس کورس ضابطان در داخل قطعات .
۱۲ - ا کمال تحصیل ضابطان مداومین کورس عالی و توزیع شهادتنامه ها به فارغ التحصیلان مذکور .
۱۳ - تشکیل کورسهای زبان پیتو به تمام مربوطات وزارت حربیه و اهتمام زیاد در تعمیم آن .
۱۴ - استخدام بعض معلمین آلمانی برای کورس عالی .
۱۵ - استخدام یکمده مستخدمین انگلیسی و ایتالیای برای امور هوا بازی .
۱۶ - اصلاحات در بعضی نقاط لازمه تشکیل اردو .
۱۷ - اجرای تفتیش بعضی قطعات اردو .
۱۸ - سو قیات یکمده عساکر برای اضافی تأیید شقاوت یک جمعیت اشرار بعضی طائفه های کتوازی و در نتیجه فتح ایشان و سرکوبی شقاوت پیشه گان (درامه سرطان)
۱۹ - اعاده امور کیمیا ریهای سرحدی بریاست ارکان حربیه عمومی که درین خصوص اجرا آت لازمه شده .
۲۰ - در راه توسیع معارف عسکری آثار مفیده که از قلم برآمده و قسم مطبوع و نشر گردیده و برخی زیر طبع بوده قرار آتیست .
۱ - تعلیمات سوار ی بصورت مطبوع در اردو نشر شده است
۲ - « « « « « کریچ و نیزه
۳ - « « « « « قسم اول پیاده
۴ - « « « « « دوم
۵ - « « « « « جلد دوم جز و سوم حصه ۲

اجرا آت دوائر مملکتی

- ۶ - کتاب معنویات اردو بصورت مطبوع در معرض اشاعه گذاشته شده
۷ - تعریفنامه ماشیندار
۸ - نظریات موزیک
۹ - از دائرة خریطه يك تعداد خریطه ها طبع و برای استفاده بمقامات لازمه توزیع شده .
ریاست اردو :
۱ - تکمیل نفری فرقه های مرکز و اطراف بقرار نفوس و معاینه صحی شان .
۲ - مرخصی اشخاصیکه مدت خدمت شان بسر رسیده بود .
۳ - اعزام نفری انشاآت برای بعضی کارهای دولتی .
۴ - خریداری و بکار انداختن يك عده موترهای جدید برای نقلیات اردو
۵ - تیسیر يك مکتب میخانیککی و تهیه طلبه آن .
۶ - عمرانات سال ۱۳۱۶ شعبه تعمیرات قرار ذیل است :
الف : ملحقات مکتب احضاریه واقع مهتاب قلعه از قبیل درسخانه ها
اطاق های ناخوری و مطبخ و تحویلخانه ها و غیره .
ب : تلگراف خانه جدید قوماندانی طیاره .
ج : يك سلسله اطاقها برای طیارات .
د : تحویلخانه بزرگ جو در شیر پور .
ه : يك سلسله تممیرات مهم و وسیع از طرف قوماندانی های فرقه
های مرکز و اطراف درین سال بعمل آمده است .
ریاست حربیه :
الف : مدیریت عمومی اسلحه :
۱ - تو حید و تکمیل اسلحه ناریه و جارحه قطعات مرکز و
اطراف به سلاح سیستم جدید .

ج : مدیریت فنی :

- ۱ - اقدامات لازمه برای تهیه و تکمیل و توحید ادوات استحکامیه اردو بصورت فنی .
- ۲ - اقدامات برای تهیه آلات و ادوات مخابره و مواصله اردو .
- ۳ - تهیه ماشینهای آب رسانی برای بعضی مناطق اردو که از آب دور افتاده اند .
- ۴ - تکمیل کار آمد دوربین ها و میکروسکوپیهای قرار بست .
- ۵ - تشبث در خصوص تهیه آلات تخریبیه صنف استحکام و مواد ناریه آن .

ریاست لوازمات :

- ۱ - بودجه مصارفاتی وزارت حریه نظر به سال گذشته از باعث تشکیل عموم فرقه ها بصورت عصری فی صد چهل ترئید یافته .
- ۲ - موترهای نقلیه که به کمپنی شورلیت وفورد داسکودا توسط بانک ملی فرمایش داده شده بود قسما رسیده و قسما عنقریب میرسد .
- ۳ - دریشیهای عسکری نظر به کسب تکمیل و مطابق افراد تریخس شده به تحویلخانه احتیاط ذخیره شده .
- ۴ - بودجه و تعداد طلاب حریه نظر به سال گذشته ۱ بر ۳ ترئید یافته .
- ۵ - نواقص البسه و تجهیزات اردو بصورت عصری اصلاح یافته

هیئت تدقیق و معاینه :

- ۱ - اعطای هدایت و نگرانی در خصوص ترمیم اسلحه در فابریکه حریه .
- ۲ - بعضی اصلاحات در اعمال خول و گله ها و سرگلوله های طوبیجی که در فابریکه حریه اعمال می شود و دیگرانی تمام اعمال فابریکه آلات حریه .

۲ - خریداری يك تعداد کافی طوپ های سیستم جدید .

۳ - » تفنگ های جدید » »

۴ - » ماشیندارهای جدید » »

۵ - ترمیم طوپ ها و تفنگ ها و ماشیندار های قطعات مرکز و اطراف در فابریکه حری و مگزین ارگک .

۶ - خریداری اسباب و سامان طوپ های سریع الاتش از خارج .

۷ - دستیاب نمودن يك تعداد اسلحه جات که در وقت انقلاب در نزد اهالی مانده بود .

۸ - خریداری يك تعداد طیاره های جدید از خارج .

ب : مدیریت جباخانه :

۱ - توحید و تکمیل جبه خانه حری و مانوره ئی در عموم قطعات .

۲ - خریداری يك تعداد جباخانه طوبی از خارج .

۳ - » » » » تفنگی » »

۴ - » » » » ماشیندار » »

۵ - » » » » به های طیاره و غیره لوازم آن از خارج .

۶ - تهیه و اعمال بعضی از انواع جبه خانه مانند به های دستی و سیمی های طوبیجی و جباخانه تعلیمی و مانوره و بعضی مواد ناریه توسط فابریکه های حری .

۷ - تحصیل و دستیاب نمودن يك تعداد جبه خانه تفنگی که در زمان انقلاب فرد اهالی مانده بود .

۸ - تهیه و تادیه بارود و غیره برای انشاء آلات اطراف و غیره داخله مملکت که از بعضی مقامات خواسته شده .

۹ - تطهیر و ترتیب جبه خانه بازگشتی که خواه از قطعات و خواه بدیکر وسایل بصورت پراگنده به جباخانه ها رسیده است .

الف - امور بین المللی :

در سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ و ۱۹۳۸) علاوه بر اینکه مانند سالهای گذشته در سائر امور عرفانی ، اجتماعی ، صحتی ، مدنی و غیره جامعه اقوام ، دائره بین المللی کار و دیگر کمیسیونهای بین المللی همفکرو همقدم بوده و صایای روزمره جامعه و دائره بین المللی کار را در موارد متذکره بصحنه عمل گذاشته است در اکثر مجامع و جلسات و کنفرانسهای علمی (صحتی ، تکنیکی ، عرفانی و غیره) بین المللی که در بعضی نقاط دور و نزدیک بعمل آمده است نیز سهیم گردیده و نمایندگان خویش را در مواقع لازمه فرستاده است ، خطوط عده اجرا آتی که در ظرف سال ۱۳۱۶ نسبت بامور بین المللی بعمل آمده است ذیلاً بطور اختصار نگاشته میشود :

۱- در سال ۱۳۱۶ حکومت افغانستان بکنوانسیون (معاهده) بین المللی که بتاريخ ۱۲ ستمبر ۱۹۲۳ بمقصد انسداد نشریات فحش منعقد شده بود التحاق نموده است چنانچه حسب معمول وثیقه الحاق افغانستان بکنوانسیون مذکور نیز بتاريخ ۲۰ ثور ۱۳۱۶ (۱۰ می ۱۹۳۷) بدارالانشای جامعه ملل ثبت گردیده است .

۲- بتاريخ ۲۸ ثور ۱۳۱۶ (۱۸ می ۱۹۳۷) وزیر مختار اعلیحضرت در لندن هدایت داده شد تا به « پروسه وریا » (صورت رویداد مجلس که بتاريخ ۱۴ عقرب ۱۳۱۵ (نومبر ۱۹۳۶) راجع به قواعد عملیات جهاز های تحت البحری نسبت بکشتی های تجارتی) در کنفرانس لندن قبول شده بود از طرف حکومت افغانستان امضاء و اظهار موافقت کند .

۳- نماینده دائره افغانستان مقیم جامعه ملل بر حسب هدایت مرکز در (اسامبله) مجمع فوق العاده که راجع بشمولیت مصدر در جامعه اقوام

۳- معاینه اعمال فابریکه بوت دوزی و چرمگری .

۴- معاینه بعضی اعمال فابریکه مواد ناریه .

۵- تدقیق و معاینه جبه خانه و دیگر لوازم حربیه که از خارج خریداری شده است .

مقرری و ترفیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه :

ع ، ش ، عبد الاحد خان فرقه مشراول از فرقه هرات تبدیلاً بفرقه غزنی .

» » عبدالقیوم خان فرقه مشرثانی از فرقه غزنی تبدیلاً بفرقه قطغن و بدخشان .

» » محمد قاسم خان فرقه مشرثانی از فرقه قطغن به فرقه هرات .

» » پیر محمد خان فرقه مشرثانی از قول اردوی جنوبی در بست احتیاطی

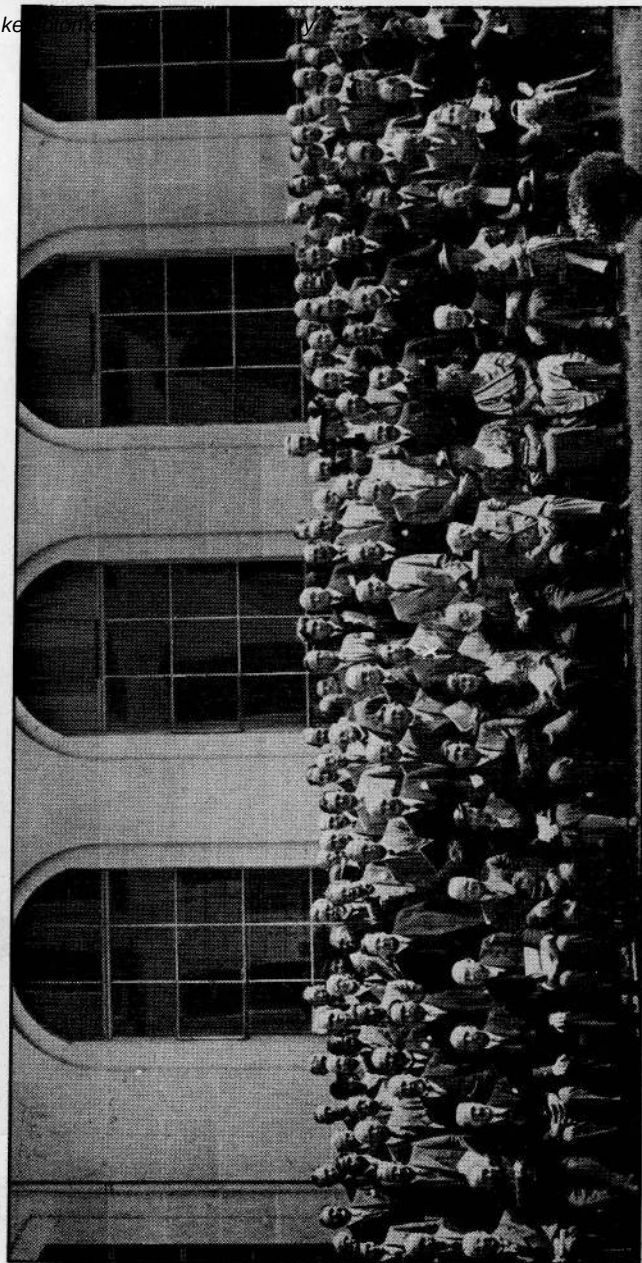
» » فیض محمد خان فرقه مشرثانی یا ور حضورهایونی بفرقه دوم

اردوی قول اردوی جنوبی .

» » محمد احسان خان قوماندان ضارعه ترفیعاً بر تبه فرقه مشری ثانی .

امور خارجه

از آنجا که حکومت صلح دوست ماضرف دار آرا من و امنیت عمومی میباشد از ابتدا تا امروز خاصناً بعد از شمول بجامعه اقوام در پیشبرد سیاست خارجه خویش همواره مطابق مقررات بین المللی حرکت نموده حقوق دیگران را محترم شمرده است و چنانچه بهمه کس معلوم است در تعاون عمومی با جامعه ملل و دیگر موسسات بین المللی همیشه ابراز همدستی و هم آهنگی نموده و مینماید و همچنین با سایر ممالک بالخاصه دول متحابه رفتار دوستانه و مساویانه بعمل می آورده اینک خلاصه اجرا آت و اقدامات سال ۱۳۱۶ وزارت امور خارجه را ذیلاً درج میکنیم :



افغانستان در مجامع بین‌المللی : نمایندگان مالک در کنگره سندات عمومی بین‌المللی که نماینده افغانی نیز در وسط صف دوم قرار گرفته است

Le congré international de documentation à Genève : le délégué afghan au milieu du 2^e rang

سالنامه « کابل »

بتاریخ ۵ جوزای ۱۳۱۶ (۶ می ۱۹۳۷) درجینوا انعقاد یافته بود شامل گردیده و از طرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

۴- در کنفرانس بیست و سوم بین‌المللی کار که بتاريخ ۱۳ جوزا الی ۲ سرطان ۱۳۱۶ (۳ الی - ۲۳ جون ۱۹۳۷) درجینوا برکنز اداره بین‌المللی کار بعمل آمد از طرف حکومت متبوع مانایندۀ دایمی افغانستان مقیم جامعه ملل و کاتب نمایندگی موصوفه بکنفرانس مذکور شمولیت ورزیده اند .

۵- بتاريخ ۷- الی ۱۲ سرطان ۱۳۱۶ (۲۸ جون الی ۳ جولائی ۱۹۳۷) يك کنفرانس بین‌المللی مهندسی دریاریس بعمل آمده و بحسب امر مرکب بر کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت دریاریس بصفت نمایندۀ (او بسرواتور) « مشاهد » بکنفرانس مذکور معرفی وشامل گردیده است .

۶- در کنفرانس بین‌المللی علم اوزان ومقیاسات که بتاريخ ۱۲ و ۱۳ سرطان ۱۳۱۶ (۳ الی ۴ جولائی ۱۹۳۷) دریاریس انعقاد گردیده بود از طرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم دریاریس بصفت نمایندۀ (او بسرواتور) معرفی گردیده و نمایندگی کرده است .

۷- پنجمین کنگره بین‌المللی صحیحی یاریس بتاريخ ۱۵ الی ۲۰ سرطان ۱۳۱۶ (۱۱ الی ۱۶ جولائی ۱۹۳۷) دریاریس انعقاد گردیده و مطابق امر مرکب بکنفر طاب العلم شعبه طب افغانی مقیم خاراج به کنگره مذکور شامل گردیده از طرف حکومت خویش دران کنگره نمایندگی کرده است .

۸- درنایش بین‌المللی روزهای صحیحی عمومی یاریس بتاريخ

۱. اجراءات دوائر مملکتی

۹. سرطان ۱۳۱۶ (۱۰ جولائی ۱۹۳۷) نیزدوفر از طلبه شعبه طب افغانی مقیم خارج بصفت نماینده گان افغانی فرستاده شده و از طرف حکومت متبوع خویش تمثیل کرده اند.

۹. به پنجمین کنگره بین المللی عرفانی که در جنوا بتاريخ ۲۸ سرطان ۱۳۱۶ (۱۹ جولائی ۱۹۳۷) انعقاد یافته بود از طرف حکومت متبوع ما نماینده دائمی افغانستان مقیم جامعه ملل: نماینده معرفی گردیده و در موقعش راپورت عرفانی مرتبه وزارت جلیله معارف را قرائت و تمثیل کرده است.

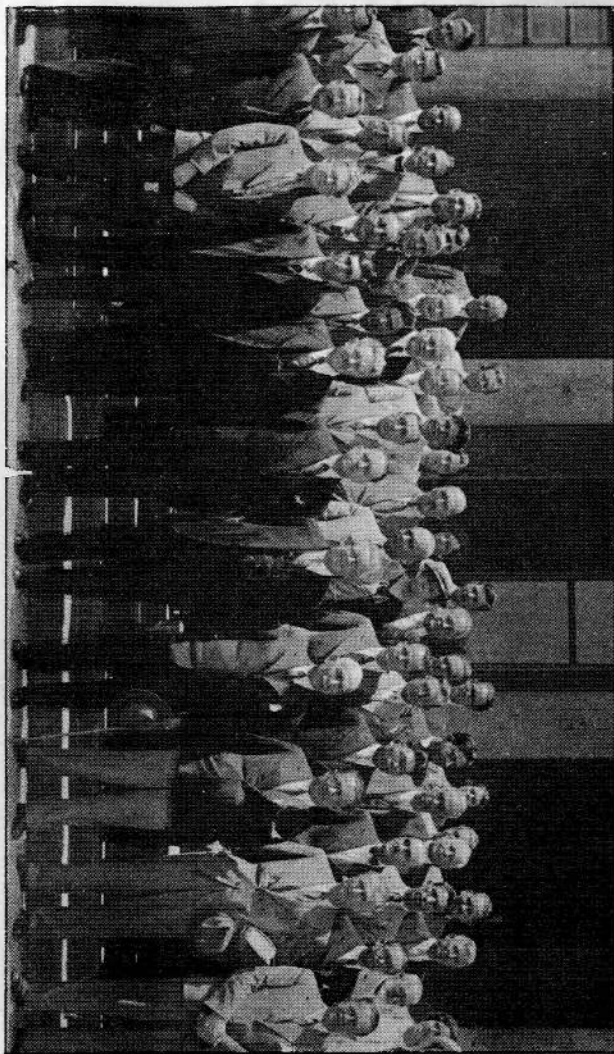
۱۰. هکذا بتاريخ فوق الذکر دومین کنگره بین المللی حفظ الصحة دماغی نیز در پاریس بعمل آمده و حسب هدایت مرکز بکفر از طلبه شعبه طبایب افغانی مقیم خارج بآن شامل شده از طرف حکومت متبوعه خود نمایندگی کرده است.

۱۱. کنگره بین المللی علم حقوق از تاریخ ۲۸ سرطان الی اول اسد ۱۳۱۶ (۱۹ الی ۲۴ جولائی ۱۹۳۷) در پاریس منعقد گردیده و از طرف حکومت افغانستان نماینده دائمی افغانی مقیم جامعه ملل در کنگره مذکور نمایندگی کرده است.

۱۲. کنگره بین المللی علم طبقات الارض که در برج اسد ۱۳۱۶ (جولائی ۱۹۳۷) در ماسکو بعمل آمده بود از طرف حکومت افغانستان آقای نجیب الله خان (در آنوقت معاون شعبه کافرانسهای وزارت امور خارجه) بصفت نماینده معرفی گردیده در دوران کنگره شامل و نماینده گی کرده است.

۱۳. بتاريخ دهم اسد ۱۳۱۶ (۲ اگست ۱۹۳۷) کنفرانس بین الحکوماتی عرفانی از طرف حکومت جایان در توکیو انعقاد یافته و حسب هدایت مرکز سرکاتب وزارت مختاری اعلی حضرت مقیم توکیو بکنفرانس

نمایندگان عاملان در پنجمین کنفرانس بین المللی عرفانی: - معراج محمد حیدر خان نماینده دائمی افغانستان
در جامعه ملل و سید عبدالقیوم خان مثنی نمایندگی افغانی در آن شامل میباشند
La 5e. conférence internationale de coopération intellectuelle à Genève
le délégué afghan est marqué par un croix.



مذکور شامل گردیده از طرف حکومت افغانستان نمایندگی کرده است.

۱۴ - کننگره سندات عمومی بین المللی بتاريخ ۲۴ اسد ۱۳۱۶ (۱۶ اگست ۱۹۳۷) در پاریس منعقد شده و از طرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بکننگره مذکوره بصفت نماینده (اوبسرواتور) معرفی و شامل گردیده است .

۱۵ - بتاريخ پنجم سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) کننگره علم تاریخ درسوریک (سویس) بعمل آمده و نماینده دائمی افغانستان در جامعه ملل ، بامر مرکز در کننگره متذکره شمولیت ورزیده از طرف حکومت خویش تمهیل کرده است .

۱۶ - بتاريخ سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) الحاق حکومت افغانستان بکنوانسیون عمومی پستی و یارسلات پستی قاهره (منعقد مورخه ۲۰ مارچ ۱۹۳۴ بوسیله وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بوزارت امور خارجه حکومت سویس ابلاغ گردیده چنانچه وثیقه الحاق حکومت متبوع مابدفتر وزارت امور خارجه سویس قید و بسائر ممالک عضو کنوانسیون فوق الذکر متحد المالا مخابره شده است .

۱۷ - هژد همین اسمبله عادی سالانه جامعه اقوام حسب معمول سنوات گذشته بمه ستمبر ۱۹۳۷ (سنبله ۱۳۱۶) در مرکز جامعه ملل (جنوا) انعقاد گردیده و از حضور اشرف ملوکانه ، ج ، علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت مقیم لندن بحیث نماینده اول ورئیس هیئت افغانی و ع ، ج ، محمد حیدر خان نماینده دائمی اعلیحضرت مقیم جامعه ملل بحیث نماینده دوم تعیین گردیده بالاعتقاد نامهای رسمی در اسمبله عادی مذکوره حضور بهم رسانیده از طرف حکومت متبوع خویش تمهیل نمودند .

و علاوه چون امسال ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان

برای شمولیت با اسمبله عادی جامعه اقوام بجنوا رفته نتوانست در کنفرانس های دول چارگانه (افغانستان ، ایران ، ترکیه ، عراق) کدوقتا در جنوا بعمل می آید وزیر مختار اعلیحضرت مقیم لندن بو کالت وزیر امور خارجه افغانستان شامل گردیده از طرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

۱۸ - اخیراً از مرکز به نماینده دائمی افغانستان در جامعه ملل هدایت صادر شده است تا پروژۀ اعلامیه راجع به تدریس علم تاریخ (تجدید نظر در متن های کتب مدرسی) کقبلاً حسب تعمیم مورخه ۱۰ اکتوبر ۱۹۳۶ اسمبله جامعه ملل پروژۀ متذکره ترتیب گردیده ویس از حصول موافقات ممالک اسمبله جامعه ملل آنرا بتاريخ ۹ میزان ۱۳۱۶ (۱۲ اکتوبر ۱۹۳۷) تصویب و برای امضای نمایندگان ممالک مقتوح قرارداد داده بود از طرف حکومت متبوع خویش امضا نماید .

۱۹ - در کنفرانسیکه از نهم الی بیست و چهار رم عقرب ۱۳۱۶ (اول الی ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷) جهت مطالعه و تصویب دوشخه پروژۀ کنوانسیون منعقد راجع بجلو گیری از تروریسم « هنگامه جوئی بین المللی » در جنوا انعقاد گردیده بود قبلاً نماینده دائمی افغانستان متعین جامعه اقوام از طرف حکومت متبوع مابدار الانشای جامعه ملل نماینده معرفی شده و در جریان کنفرانس مذکور شامل گردیده تمهیل کرده است همچنین دوبروزه کنوانسیون متذکره نیز فعال در تحت غور می باشد .

۲۰ - منشی عمومی جامعه اقوام بر طبق تصمیم اسمبله سال ۱۹۳۵ جامعه ملل قوانین راجع بحقوق (اساسنامه های) نسوان را برای غور و تدقیق از ممالک عضو جامعه مطالبه نموده بود حکومت افغانستان نیز حقوق نسوان را از روی قوانین شرعی استنباط نموده وبه ماه جدی ۱۳۱۶ (دسمبر ۱۹۳۷) بوسیله نمایندگی دائمی خویش بجامعه فرستاده است .

معین وزارت خارجه و آقای (ویویان) عضو کمپنی مذکور تعاطی شده مراتب آن طی گردید.

۳- مصدقه های معاهده مودت بین افغانستان و دولت لائبریه بتاريخ ۱۸ عقرب ۱۳۱۶ درپاریس بین والا حضرت افخم سردار شاه ولی خان وزیر مختار اعلی حضرت درپاریس و نماینده دولت لائبریه تعاطی شد.

۴- معاهده مودت که در بین افغانستان و دول متحده جمهوری برازیل در سال ۱۳۱۱ در انقره بین ع، ج، سلطان احمد خان سفیر کبیر اعلی حضرت در آنجا و سفیر برازیل در انقره امضاء گردیده بود مصدقه های آن بتاريخ ۲ جدی ۱۳۱۶ درپاریس درین نماینده مذکور و والا حضرت افخم سردار شاه ولی خان وزیر مختار اعلی حضرت درپاریس تبادل گردید.

۵- معاده مودت بین افغانستان و دولت چکسلواکیه بتاريخ ۲۰ میزان ۱۳۱۶ درپاریس بین والا حضرت افخم سردار شاه ولی خان وزیر مختار اعلی حضرت درپاریس و سفیر چکسلواکیه درپاریس امضاء گردید.

۶- موافقه قرارداد کمیسره های سرحدی افغانستان و ایران، الی اخیر ۱۳۱۶ تمديد شد.

۷- پروتوکل تجارتي بین افغانستان و چکسلواکیه در برلین بتاريخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۳۷ بین ع، ص، عبدالمجید خان رئیس بانک ملی و سفیر دولت چکسلواکیه امضاء گردید.

۸- معاهده مودت و تشریک مساعی منعقد ۲۵ می ۱۹۲۸ بین افغانستان و دولت جمهوری ترکیه، برای ده سال دیگر تمديد و پروتوکل تمديد آن بتاريخ ۱۰ جدی ۱۳۱۶ در انقره بین ع، ج، سلطان احمد خان سفیر کبیر اعلی حضرت در ترکیه و ع، ج، توفیق رشدی آراس وزیر امور خارجه جمهوری ترکیه امضاء و مراتب قانونی خود را طی نمود.

نمایندگان افغانی که بکنفرانسها و کنگرهای بین المللی فوق الذکر شمولیت ورزیده اند اکثر بعد از انحلال کنفرانسها و کنگرهای متذکره راپورت های مفصلی مبنی بر مرام و صورت جریانات مجالس مذکوره بمرکز فرستاده اند و از طرف شعبه مجلس اقوام و کنفرانسهای وزارت امور خارجه راپورت های مزبوره (آنچه واصل شده است) برای استفاده دوائر ذیصلاحیت مربوط آن توزیع و تقدیم شده است. مزید بران مسئله الحاق بکنوانسیون منعقد لایبی (سال ۱۹۳۰) را جمیع به تابعیت باپرو توکولهای منظمه آن و کنو اسیدون منعقد کنفرانس تاریخی ۲۳ جون ۱۹۳۶ کمیته مشاوره تریاک را جمیع بجلوگیری از تجارت نامشروع ادویه مخدره و هکذا بعضی توصیه جات و کنوانسیونهای منعقد کنفرانسهای سالانه دائره بین المللی کار نیز در تحت غور دوائر ذیصلاحیت حکومت میا شد.

ب- معاهدات جدیده :

۱- پیمان سعدآباد بین دول چهارگانه افغانستان، ایران، عراق، ترکیه بتاريخ ۱۷ سرطان ۱۳۱۶ مطابق ۸ جولائی ۱۹۳۷ در قصر سعدآباد طهران بین وزرای خارجه دول مذکوره امضاء گردید بعد از درین اراخه مطابق مقررات قانون اساسی از تصویب مجلسین عالی شورا و اعیان گذشته به صحنه مبارک اعلی حضرت همایونی موشع گردیده و بتلگرامهای تیریکه بوزرای خارجه دول مذکوره اطلاع داده شد.

۲- قرار داد نفت درین افغانستان و آلمان اکیسلور یشن کمپنی امریکائی که بتاريخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ در برلین توسط ع، ج، فیض محمد خان وزیر امور خارجه امضاء گردید بود مصدقه های قرارداد و پروتوکل طرفین بتاريخ ۲۸ جدی ۱۳۱۶ در کابل بین ع، ص، عبدالحمید خان

ص ، عبدالوهاب خان سابق سرکاتب سفارت کبرای افغانی
درانقره ترفیعا بمدریت شعبه شرق .
ص ، محمد سلیمانخان معاون شعبه شفر ترفیعا بمدریت شعبه مذکور .

امور داخله

امور امنیت عمومی مملکت و انضباط اداری که ازوظائف اساسیه
وزارت داخله بشمار میرود و درین سال بیش از پیش اطمینان بخش
بوده ، و از اثر مجهودات نائب الحکومه ها و حکام محلی امنیت درسر
تاسر مملکت حکمفرما و علاوتا چنان ترتیبات درستی برای تحکیم مبانی
رفاه عامه گرفته شده که از هرجهت امور مملکتی و انتظامات اداری
بصورت صحیح جریان نموده و درعین حال ملت به رفاهیت تامه بسربرده
است ، خلاصه اجراآت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت داخله قرارذیل است :-

شعبه پولیس :

۱ :- سفارش و اخذ تدابیر جهت تحکیم و قیام امنیت عمومی مملکت
چنانچه از ملاحظه احصائیه واقعات جرائم درین سال واضحا معلوم
میگردد که در سر تا سر مملکت امنیت کلی بوده (و بگانه واقعه
قابل ذکر عبارت از تجاوز یک عده اشرار برتخانه جانی خیل کتواز
بوده که در ماه سرطان رخ داده و بفضل خداوندی و اقدامات موثر
و بموقع حکومت اشرار مذکور سرکوبی فوری یافته واقعه مذکور
خاتمه پذیرفت) .

۲ :- در تعلیمگاه پولیس که در مرکز برای تحصیل تعلیمات
عصری در سال ۱۳۱۵ تاسیس و تشکیل شده یک عده متعلمین از صنف
ضابطان و خورد ضابطان و صلاح اندازان از تمام قوماندانیهای کوتوالی

۹ - قرار داد های بستی و تلگرافی و رادیو تلگرافی بین افغانستان
و شوروی و افغانستان و ایران و قرار داد معادن باالمان هنوز در تحت
اجراءآت است .

ج - اجراءآت مزیده :

۱- کورس حقوق عمومی دول که در جریان سال ۱۳۱۵ دوام داشته
و در ثور ۱۳۱۶ امتحان شاملین آن گرفته شد ۴۳ نفر کامیاب برآمدند .
۲- در سال جاری کورس حقوق خصوصیه دول و دوره شش ماه اول
آن (حقوق تابعیت) تمام شده در امتحان ۳۹ نفر کامیاب گردیدند .
تبصره : علاوتا بعد از اتمام شش ماه اول کورس حقوق خصوصیه
دول سه کورس دیگر مربوط به علوم سیاسی دائر شده که ازین قرار
کورسهای سیاسی و حقوق قرار ذیل است .

۱- حقوق خصوصیه دول (حقوق تابعیت ، شرایط خارجی ها و اختلاف فواین)

۲ - معلومات سیاسیه ۳ - تاریخ سیاسی ۴ - تمام شعب جغرافیا .

مقرریه ها و ترفیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت امور خارجه :

ع ، ص عبدالحمید خان «عزیز» سابق مدیر عمومی تشریفات ترفیعا
به معینی وزارت امور خارجه .

ع ، نجیب الله خان سابق معاون شعبه کاندیدانها ترفیعا بمدریت
عمومی سیاسی .

ع ، محمد اکرم خان سابق مدیر شعبه شفر ترفیعا بمدریت
عمومی تشریفات .

ع ، عبدالرؤف خان سابق مدیر شعبه مطبوعات ترفیعا بمدریت
عمومی اداری .

ولایات و حکومتات اعلی شامل آن شده بودند درین سال نصاب تعلیمیه خود را تکمیل و دوره تعلیمگاه را طی کرده شهادت نامه حاصل و بمناسب و رتبه ها ناگل گردیدند .

۳ : - برای تنظیم دوره ثانی تعلیم گاه پولیس درین سال ترتیبات درستی زیر نظر بوده چنانچه برای انتظام و توسعه و وسیع تر امور تعلیماتی و تدریسی آن یک نفر معلم المانی آقای (مائربیر) مستخدم گردیده است از حالا برای انتظام و تدویر امور تعلیمگاه و تدوین نصاب دروس آن داخل اقدامات است .

۴ : - تشکیل یک مدیریت بنام مدیریت ترافیک در قوماندانی کوتوالی مرکز برای انتظامات جاده ها و امور وسایل نقلیه که تشکیل فعلیه مدیریت مذکور عبارت است از یک نفر مدیر بدرجه کندکشر که درحین حال سرمفتش نیز می باشد و یک نفر معاون برتبه تولیمش رجیث مفتش و یک نفر سرکاتب و یک نفر کاتب اول و یک نفر کاتب ۲ و یک نفر تحویلدار منظور گردیده ایفای وظائف معابر و وسائط نقلیه را بصورت عصری زیر نظر و مطابق اصولنامه مخصوصه آن بدست اجرا گرفته اند .

۵ : - تشکیل یک بلوک سوار و یک بلوک پلیس بیاده بایسکل سوار و اسب سوار تفنگچه دار جهت نوکری والای حضور شاهانه .

۶ : - تشکیل چهار پهره پلیس و محافظ برای پهره مواضع لازمه در شهر کابل .

۷ : - استخدام یک تعداد نفری با سواد برتبه دلگی مشری و یک تعداد نفری سائر برای تولی اطلاعاتیه قوماندانی کوتوالی مرکز .

۸ : - تربید قوه ضابطه و صنف کوتوالی حکومتی کلان غزنی .

۹ : - تشکیل قوه ضابطه برای دو حکومتی جدیدالتشکیل پنجواخی

از عمرات سال ۱۳۱۶ قوماندانی کوتوالی ولایت کابل : الحانات محبس دهنرنگ
Les annexes des bâtiments de la prison centrale à Kaboul

امور مربوط بمسائل حقوقی و ممر عایدات آن درین سال ترتیباً تی درستی اتخاذ توجه شده است .
۱۴ : - تهیه یک تعداد موترهای تانک جهت آب پاشی و غیره در بستان فوئاندانی کوتوالی کابل .

تشکیلات جدید و تغییر و تبدیل تشکیلات ملکیه :

الف : مربوط ولایت کابل :

۱ : - حکومت درجه ۳ کوهدامن مربوط حکومت کلان شمالی نظر بوسعت آن بحیث حکومت درجه اول منظور شده است .
۲ : - یک حکومت درجه ۲ جدید تشکیل و مربوط حکومت کلان غزنی منظور شده است .

ب : ولایت قندهار :

۱ : - علاقه داری پنجوائی مربوط حکومت درجه اول دند نظر بموقعیت آن بحیث حکومت درجه ۲ مربوط ولایت مزبور منظور شده .
۲ : - علاقه داری ارغنداب حکومت درجه ۲ » » » » .

ج : حکومتی اعلائی مشرقی :

۱ : - علاقه داری پیچروآ گام مربوط حکومت درجه اول خویگانی جدید منظور شده است .
۲ : علاقه داری چیرهار مربوط حکومت درجه اول رودات جدید منظور شده است .
۳ : - علاقه داری بهسود مربوط حکومت درجه اول سرخ رود جدید منظور شده است .

د : حکومتی اعلائی فراه :

۱ : - علاقه داری خا شرود مربوط حکومت درجه ۲ بکواه جدید منظور شده است .

مقرریهها و تر فیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت داخله :

۱ : ع ، ع ، ص محمد کریم خان سابق مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه بحکومت اعلائی فراه .

۲ : ع ، ع ، محمد اسمعیل خان سابق مدیر شعبه شرق وزارت خارجه بوکمالات حکومتی کلان شمالی .

۳ : ع ، ش ، عبدالاحد خان سابق فرفه مشر هرات بحیث فوئاندان عسکری و حاکم کلان غزنی .

۴ : ع ، ع ، محمد اختر خان سابق کیسار آند خوی بحکومت کلان بادغیسات .

۵ : ع ، ع ، عبدالله خان حاکم درجه اول بهسود تر فیعا بحکومت کلان دایرنگی »

۶ : ع ، ع ، عبدالعلی خان سابق مدیر شعبه برق وزارت فوئاندامه بوکمالات حکومت کلان لوگر .

۷ : ص محمد نبی خان به مدیریت تحریرات ولایت قطفن و بدخشان .

امور عدلیه

امور عدلیه از تو جهات قیمت دار ذات ملوکانه و جدیت وزارت عدلیه و عموم قضات که به کمال و طیفه شناسی و پاک نفسی کار کرده اند ، در سر تا سر افغانستان بکمال انتظام و مطابق

اجرا آت دوائر مملکتی

از مقر ریها و ترفیحات سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه:

- | | | | | |
|------|---|---|---|--------------------|
| ۱ - | ف ، مولوی فضل کریم خان بہ قضای محکمہ ابتدائیہ ریزہ کو ہستان | | | |
| ۲ - | » ، ملا پایندہ محمد خان | » | » | غور بند |
| ۳ - | » ، » ، حمد اللہ خان | » | > | حکومتی کلان قلات |
| ۴ - | » ، » ، محمد نبی خان | » | » | کشک لغود |
| ۵ - | » ، » ، لعل محمد خان | » | » | ترنک و جلدک |
| ۶ - | » ، » ، عبدالواحد خان | » | » | غورک خاکریز |
| ۷ - | » ، » ، عبدالعظیم خان | » | » | زمین دار موسی قلعه |
| ۸ - | » ، » ، محمد فاضل خان | » | » | او بہ هرات |
| ۹ - | » ، » ، عبدالرؤف خان | » | » | حضرت امام صاحب |
| ۱۰ - | » ، » ، سید حسین خان | » | » | واخان |
| ۱۱ - | » ، » ، عبدالحکیم خان | » | » | رستاق |
| ۱۲ - | » ، » ، سید عثمان خان | » | » | قندوز |
| ۱۳ - | ف ، مولوی غلام حیدر خان بہ قضای محکمہ ابتدائیہ لنڈ ی سین | | | |
| ۱۴ - | » ، » ، ملا جمعہ خان | » | » | جدران |
| ۱۵ - | » ، » ، مولوی شیر حسن خان | » | » | اند خوی |
| ۱۶ - | » ، » ، محمد حسن خان | » | » | پنبتون کوت |
| ۱۷ - | » ، » ، ملا نور الحق خان | » | » | مراغہ مرکز فراہ |

امور مالیہ

امور مالی که یکی از اساس های مهم امور اقتصادی و پیشرفت های مدنی را تشکیل میدهد همانطوریکه ظرف توجه حکومت متبوعه موافق میباشد درین سال نیز پیشرفت های خوبی کرده و از یک طرف امور

شریعت مقدس محمدی (ص) جریان نموده و موجبات رفاهیت عامه طبقات ملت را فراهم کرده است . خلاصه اجراءات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه قرار ذیل است :

۱- وزارت عدلیه اقدامات بسیار جدی برای تعلیم نیکان حثامه و باقی و ثائق شرعی به عمل آورده و بتمام شعب مربوطه تاکیدات زیاد نموده تا نسبت به فروش نیکان حثامه ها حسب هدايات سابقه متوجه بوده معاملات وارده محاکم را داخل و ثبته شرعی بدارند تا از یکطرف در عایدات دولت افرونی رخ بدهد و از طرف دیگر دامنه دعوای و نزاع ها کوتاه بشود، چنانچه از اثر اقدامات جدی وزارت عدلیه که در سر تا سر افغانستان به عمل آمده در سال ۱۳۱۶ فروش نیکان حثامه و سائر و ثائق شرعی نسبت به سال ۱۳۱۵ (۳) فیصد و نسبت به سالی ۱۳۱۴ (۶۱) فیصد زیاد شده و بالمقابل تا جائیکه از ملاحظه احصایه ها معلوم میشود تعداد دعوای روز بروز در تقلیل میباشد.

۲: وزارت عدلیه تصمیم گرفته که ازین پس مضمون و تائقی شرعیه از قسم قباله و کالت خط و حجت و تملیک و غیره متحد الشکل بوده به استثنای بعضی کلمات قابل تغییر باقی مضامین و تائقی مذکور طبع گردد و همانطور مطبوع بفروش رسیده در موقع استعمال جاهای قابل تغییر را پر کنند. این ترتیب از اشتباهات و مشکلاتی که از رهگذر صحیح نبودن مضامین و تائقی شرعیه پیش می‌شد، جلوگیری و در عین حال زحمت مراجعه کنندگان را بایستی توسط کاتبان مخصوص و تائقی خویش را می‌نوشتند و حق الزحمه میدادند، تخفیف یافته است.

امور معارف

امور معارف در سال ۱۳۱۶ نسبت بسالهای گذشته مظهر توجهات زیاد گردید. همینکه سال نو بروی کار آمد، کوچکترین ماشین معارف رنگ و رونق دیگری بخود گرفت قوای تازه، تشکیلات جدید، پروگرامهای عمیقی دران پیش بینی شد. حکومت معارف پرور قوای جوان، دماغهای فعال، دستهای توانا، مواد گرانبهای دران اضافه فرمود.

نخستین توجهی که حضور همایونی درباب معارف احسان فرمودند همانا بعد از انفکاک عالیقدر جلالتمآب سردار احمد علیخان ازوزارت معارف بسمت سفارت کبرای طهران، معین اول و وزارت خارجه عالیقدر جلالتمآب سردار محمد نعیم خان که با فضل و دانش و فعالیت امتیاز داشته، بوزارت معارف عزتقرر یافت این جوان زکی، عاقل و فضیلت پرور در اواخر حمل با تمام قوی و دانش خود در ظرف چند روز بامور معارف غور و ملاحظه کرده پروگرام وسیعتری در پیشرفت علم و فن سنجیده راه ترقی عرفان مملکت را دریافته فوراً در عملی ساختن آن اقدام کرد.

در دوم ثور ۱۳۱۶ مجلسی مرکب از تمام وزراء، اعیان و رجال بزرگ علم و فن در عمارت سینما منعقد شد. همه معلمین و شاگردان مکاتب و مأمورین معارف نیز دران شامل شدند. وزیر جوان پروگرام مرتبه خود را در محضر عموم بیان فرموده که عماید آن مواد ذیل بود:

دفترداری و محاسبه انتظام درستی را حاصل و ازطرف دیگر در مر عایدات دولت روبهرفته نسبت بسال ۱۳۱۵ بقدر (۲) فیصد اضافه گئی بعمل آمده خلاصه اجراآت مهمه سال ۱۳۱۶ و وزارت مالیه قرارذیل است.

۱- تشکیل وزارت مالیه نظر به تقاضای اصول جدید محاسبات تغیر و تعدیل یافته تشکیل وزارت در تحت دو مدیریت عمومی،

مدیریت عمومی محاسبه و کنترول - مدیریت عمومی اجرائی و یک مدیریت تفتیش و یک مدیریت تصفیه شهریه (که این دو مدیریت اخیرالذکر راساً بمقام وزارت مربوط است) درآمده است.

۲- تهیه و نشر یک سلسله مسکوکات ۲۵ پولی که در اروپا از نکل ضرب شده و اخیراً در معرض داد و ستد قرار گرفته است.

۳- اجرای یک سلسله تفتیشات نسبت به اجراآت امور مالی در ولایات و حکومتات اعلی.

۴- تشویق و اقدامات برای آباد و مزروع ساختن اراضی و بست مالیه نسبت بزمین های نوآباد. (چنانچه تنها در ولایت کابل بطول سال ۱۳۱۹ (۱۴۳۶۱) جریب زمین نو تحت زراعت آمده و دران بست مالیه بعمل آمده است):

مقررین و ترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت مالیه.

ع، محمدانور خان مدیر عمومی بودجه بعدیریت عمومی اجرائی.

« محمدنعیم خان مدیر شعبه (تصفیه شهریه) وزارت مالیه بمستوفیت قندهار.

ص، محمدعثمانخان ترجمان مشاور مالی بحیث مدیر ابتدائی.

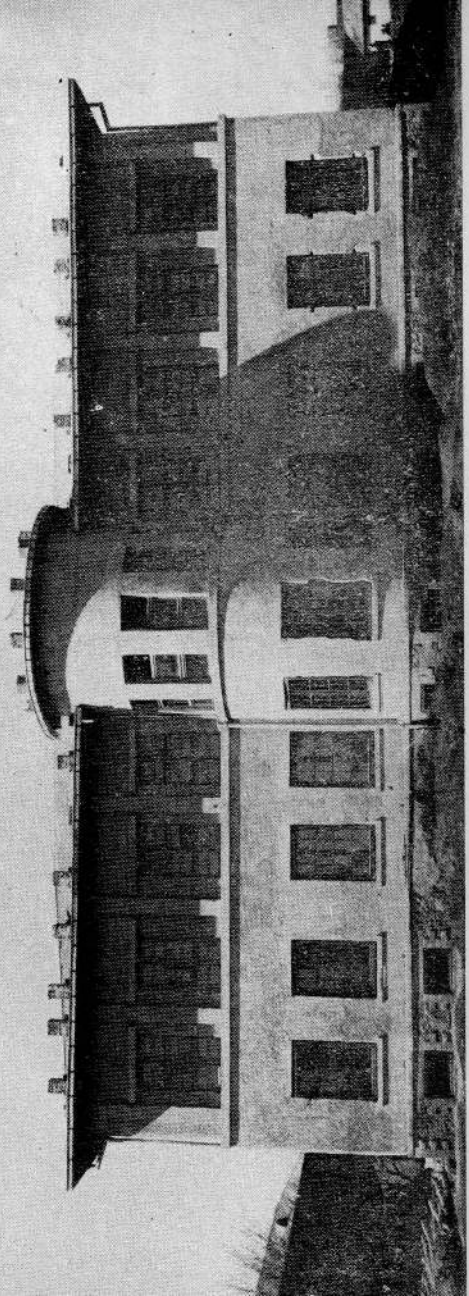
عزتمند موسیو منچولی مشاور وزارت مالیه بحیث رئیس.

اجرا آت دوائر مملکتی

۶- بالاخره در ترمیم بناهای موجوده و تعمیر بناهای مکاتب و مدارس جدید از همین روز اقدامات درست بعمل آورده شود تا مفهوم تعلیم و تربیه در نظر طفل و رشید معاصر معلوم شود که موسسات عرفانی از ماده و شکل هر دو بعمل میآیند.

اینک در داخل همین شش ماده اساسی اقدامات کرده شد و قدم اول به اصلاح و تعدیل دوائر مرکزی سابق و تاسیس دوائر دیگر که عصر اقتضای آن را بکنند بعمل آمد. طوریکه در قسمت تشکیلات وزارت معارف دیده میشود علاوه بر ریاست تعلیم و تربیه که دران وسعت و اهمیت جداگانه بخشیده شده است امور تدریس و تفتیش که سابق در ضمن یک مدیریت بامور مأمورین و معلمین یکجا اداره میشد، ریاست تدریس جداگانه، ریاست تفتیش جداگانه، مدیریت مأمورین و معلمین عایده تشکیل گردید. خاصه مدیریت صنایع، مدیریت سیورت و حفظ الصحه و مدیریت تعمیرات در همین سال تشکیل یافت. مأموریت اوراق به مدیریت ارتقا و مدیریت محاسبه به مدیریت کنترل و مدیریت تنظیمات به مدیریت اجرایه تبدیل یافت.

بعد از آن تعمیم و ترمیم مکاتب ابتدائی بنظر گرفته فوراً بتاسیس تقریباً هشتاد مکتب ابتدائی ترتیبات لازمه روی کار آورده شد. ازین تدابیر لازمه اولاً به تشکیل یک دار المعلمین مستعجل ابتدائی آغاز گردید. شاگردان این کورس را از تعلیمات فتنگان و لایات و مرکز انتخاب و همه لوازم تحصیل و سامان ضروری از داخل و خارج تهیه گردیده در اوائل برج اسد دارا معلمین مذکور بکار تعلیم و تربیه



از ممرات جدید وزارت معارف در کابل : تجربه خانه کیمیا واقع باغ عمومی
Laboratoire de chimie nouvellement construit à Kaboul

خود قدم نهاد درین کورس چهارصد و پنجاه نفر شامل شده تصور شد که از روی پروگرام مصوبه در آخر برج دلو یعنی در ظرف هفت ماه تقریباً چهارصد نفر معلم ابتدائی اصولدان تربیه کرده بمناطق خود شان بوظیفه معلمی مقرر کرده شوند. در حقیقت چنین شد. این دسته معلمین جوان وطن پرور بجریان امورشاتاد مکتب موظف گردیدند که رویهمرفته وزارت معارف دارای یکپنجاه معلم آانی گردید. ضیعی است که وزارت معارف در باب این کورس در حدود لک ها رویه تخصیصات جدا گانه و بنا های معنائی برای آن مشخص کرد.

این نکته مهم را نیز در اینجا باید گفت که یکی از نواقصی که دورهای گذشته از اصلاح آن غفلت ورزیده زبان ملی بود. ازین غفلت در بنیان اجتماعی رخنه بردگی واقع بود و روز بروز این رخنه مملکت را از حیث حرث وحدت ملی مجزی میداشت، این مرض را اعلیحضرت نادر شاه شهید حس کرده روی آن نظر رجال و فضلا را متوجه ساخته بود. همینکه دور زمامداری اعلیحضرت محمد ظاهر شاه رسید روی این مرض معاینه و تشخیص عمیقی بعمل آمد بالاخره قرار یافت که در اصلاح این نقیصه پلانها و نقشه های جدی بروی کار آورده شود. بهترین این نقشه ها همین شد که تدریس زبان ملی از یکطرف در خارج مکاتب میان مامورین بواسطه کورس داخل شود و از طرف دیگر از صنف اول مکاتب ابتدائی شروع کرده متدرجا هر سال یک دوره تحصیل بزبان ملی تبدیل کرده شود. بالاخره

در ظرف دوازده سال تمام صنوف ابتدائی، رشدی، و اعدادی زبان تدریس خود را از فارسی مستغنی بکنند. همین بود که در تنظیم پروگرام دارالمعلمین مستعجل بزبان ملی اهمیت جدا گانه داده شد راجع بتوسیع این مفکوره و صورت اجرا آت آن در پیاپیان تفصیل خواهیم داد.

در تاسیس مکاتب ابتدائی اولاً بنای صحی و تربیوی، ثانیاً معلم اصولدان، ثالثاً کتاب و وسائط تعلیم در نظر گرفته شد. این سه مسئله بسته بیودجه بود. لذا بودجه معتنابی در فصل تربید مکاتب و تعمیم معارف تخصیص یافت. ازیشرو در هر نایب الحکومگی دوازده، پانزده و در هر حکومتی اعلی هفت الی ده مکتب ابتدائی که رویهمرفته هشتاد مکتب ابتدائی بود تقسیم گردید. نایب الحکومه ها و حکام اعلی در همین سال شروع بتعمیر بعضی از بنا ها آغاز کردند و توسط هیئت فنی فوراً پلان صحی و تربیوی آن ساخته بمراجع مربوطه سپرده شد. برای مصارف بنای هر مکتب یک اندازه پول تخصیص داده شد. برینوجه زمینه برای تاسیس مکاتب بعد از ابتدائی نیز حاصل شد. این بود که مکتب های متوسطه (رشدی سه ساله) در بعضی از حکومتات اعلی و مکاتب رشدی که متدرجا بیایه اعدادی میرسد در مرکز بعضی از ولایت های دیگر نیز تشکیل یافت. و در ضمن این اقدامات در اوایل ثلث اول امسال انجمن ادبی پشتو و انجمن ادبی کابل یکجا گردانیده بنام (پشتو قولنه) در تشکیلات آن وسعت بخشیده شد.

۱۰۶

این انجمن در تحت يك مدير عمومي ، مدیریت تالیف و ترجمه مدیریت ادبیات (فوکلور) مدیریت نشریات و مدیریت لغت تشکیل گردید . چنانچه در مقاله پښتو ټولنه مطالعه می شود .

در تشکیل جدید پښتو ټولنه بیشتر از همه تعمیم و تسکامل زبان ملی بنظر گرفته شد . چونکه فرمان همایونی دوازدهم عقرب سنه ۱۳۱۵ را با فرمان مبارك صدارت عظمی مورخه ۲۱ حمل ۱۳۱۶ که به وزارت معارف شرف صدور بخشیده بود بعد از مذاکرات و تدقیقات در اطراف پیشرفت این مقصد قرار یافت که اولاً تمام طبقات مامورین افغانستان در ظرف سه سال در ضمن کلاس های رسمی و دولتی به آموختن زبان ملی موظف باشند لذا پروگرام بسیطی برای تشکیل کورسهای زبان در همه دوائر مرکز ساخته شد . کتابهای متعددی از طرف اهل قلم و زبان تالیف گردید و بعضی ازین کتابها انتخاب شد که درین کورسها تدریس کرده شود و یکدسته معلمین گماشته شد که بتعلیم آن بپردازند . برینوجه در ظرف مدت بسیار کم تمام مامورین هر شعبه حکومت و دوائر ملی خواهش کردند که در محیط ایشان نیز کورس جداگانه تشکیل یابد . آنوقت پی در پی کورسها تشکیل گردید معلمین مقرر شدند و شاملین کورس بلا استثنا از نوبی تلمذ ختم کرده سرگرم آموختن زبان میگردیدند . برینوجه ۲۶ کورس در مرکز و همین قدر دیگر در تمام ولایات جاری گردید ، عجله نتیجه این اقدام نکات ذیل است ،

۱ - احساسات ملی در قلب و دماغ هر فرد افغان بیکدرجه

انکشاف نموده داخل فعالیت شد .

۲ - علاوه بر مجلات و اخبارهای افغانستان که یکی بعد دیگر ستونهای خبر ومطالب علمی و اجتماعی را برپا می آورده اند در حدود پنجاه کتاب بیشتر در زمینه ادبیات و قواعد لسان و لغت در پښتو نوشته مقداری که فی ازان بطبع هم رسید . کتب ابتدائی نیز به پښتو در آورده شد .

۳ - در اثر فکر تشکیل کورسهای پښتو جهت مامورین يك کورس لسان پښتو که دران اصول تدریس و گرامر و ادبیات این زبان است نیز تشکیل یافت ، تا تشکیل کورسهای آینده علاوه بر معلمین پښتو که برای مکاتب ابتدائی ترتیب یافته اند پرورش و باینوسیله عنقریب است از احتیاج دور اول معلمین پښتو فارغ و مستغنی بشود .

بعد از اینکه از امور مکاتب ابتدائی قدری اطمینان حاصل شد آن وقت وزارت معارف را جمع به پیشرفت فن نیز توجه مخصوصی مبذول داشت . از آنجمله يك باب مکاتب میخانیک باز کرده متخصصین این شعبه را از خارج جلب و مثل شعبه ایتو گرافی صنائع نفیسه ماشین های متعدد و بنای کافی تهیه و تعمیر نمود .

در شعبه زراعت نیز اهمیت مخصوصی داده شد . توسط متخصصین آن اراضی زیادی برای تجربه در بعض منطقه های ولایت کابل تخصیص داده تجزیه ابتدائی خود را در باب هر گونه زراعت مخصوصاً سبزیجات ، گل ها و بقولات بکار انداخت .

کذا در تحصیل عالی نیز باب نوی کشود . یونیورسیتی افغانستان که

خلاصه امور معارف ضریکه اجالا در بالا تذکر یافت رو به پرفته در سال ۱۳۱۶ قابل اطمینان و حتی جای افتخار میباشد. طبیعی است که این اطمینان افتخار در سایه تو جهات حکومت معارف پرور نسبت بهمه سنواتیکه در عصر جدید افغانستان بعمل آمده است زیاد است. چونکه بودجه معارف سالیانه رویهم رفته برای هر طلبه پنجمصد افغانی فصل مصرف دارد. این نسبت را هیچ یکی از دول دیگر در باب معارف صرف کرده نمیتواند.

مقرریه و ترفیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت معارف

ع، ج سردار محمدنعم خان سابق معین اول وزارت خارجه ترفیعا بحیث وزیر.

ع، ص، عبدالاحد خان سابق مدیر اول دا را لتحریر شاهی ترفیعا بحیث معین دوم.

ع، ص، هاشم خان شایق سابق معاون ریاست تعلیم و تربیه ترفیعا بریاست تعلیم و تربیه.

ع، ص، عزیز الرحمن خان سابق مدیر تفتیش ترفیعا بریاست تدریسات.

ع، ص، سید محمد فاروق خان سابق مدیر مکتب حبیبه ترفیعا بریاست تفتیش.

ع، ص، محمد مرید خان سابق سرکاتب شعبه دوم دارالتحریر شاهی ترفیعا بمدریت مامورین.

ع، ص، عبدالله خان مامور اوراق ترفیعا بمدریت اوراق که جدیداً مدیریت تشکیل شده.

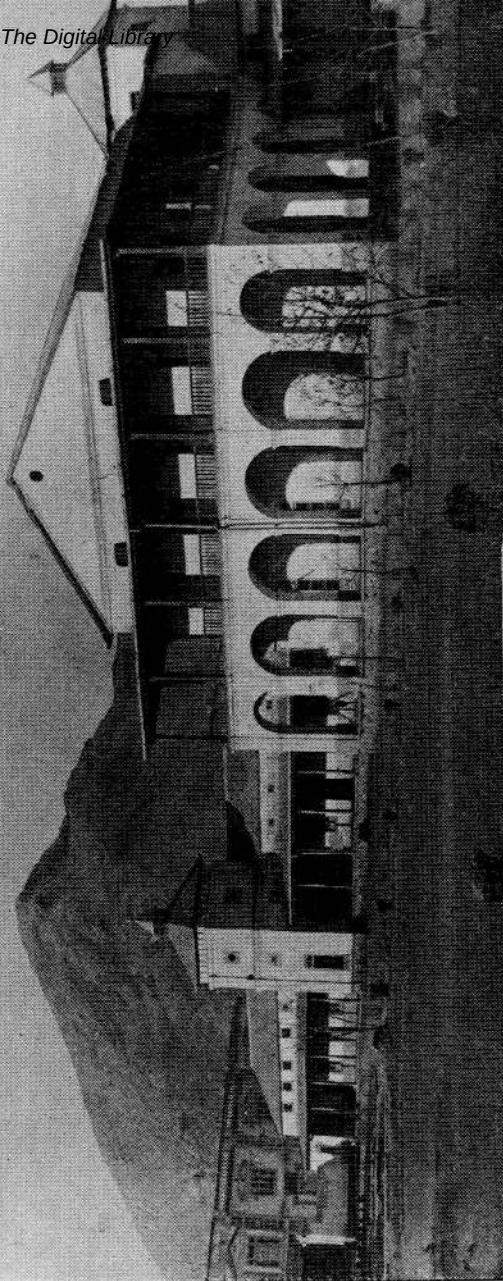
دارای يك فاكولته طب بوده ثمر دور اول خود را امسال با تقدیم دسته اول دکتورها و دوا سازهای اصولی و قابل اطمینان وطنی ابراز می نمود هنوز نتیجه مسعود آثر ابدست نیاورده فوراً بتاسیس فاكولته دیگر ی بنام فاكولته سیانس اقدام گردید. باینصورت که دوره (پ، س، ب) بادهوره اول طبی اتحاد نموده فارغ التحصیلان امساله دران شامل بگردند. برای پیش بینی این موسسه از رهگذر بنا نقشه تعمیر بررگی در نظر گرفته شد. عجلاته ازلا بوراتوارهای پنجگانه فاكولته طب و لابوراتوار بزرگ مرکزی برای کیمیا، بیولوژی استفاده کرد و میتوان گفت که در زمرة محصلین عالی که در اروپا، امریکا، ترکیه، جاپان و هند مشغول تحصیل بوده عنقریب از تحصیل خود فراغت یافته بخدمت وطن پس میگردند اطمینان خواهند بخشید، طبیعی است که باندازه که فارغ التحصیلان عالی ما بخدمت وطن بر میگرددند بهمان اندازه قرار است که بمراکز مدنی دیگر طلبه فرستاده شود.

در باب آثار عتیقه سال ۱۳۱۶ صفحه زرینی بشمار میرود. اگرچه مناطق حفريات تنها در ولایت کابل مخصوصاً کوه دامن، کوهستان تخصیص یافته بود؛ اما اشیای گرانها و ممتازی که امسال از حفريات بگرام بدست آمد بیشتر موزه های دنیای دیگر از سرمایه آن محروم است. این اشیای اگرچه یادگار صنایع دور قبل المیلاد و حوالی سنوات میلادی بوده لکن نوع صنعت و مالزمه صنعت بروی عاج و گل، شیشه. ضوری مکشوف گردید که بسا صفحات تاریک مدنیت افغانستان را در عالم تاریخ روشن می سازد.

سالتامه « کابل »

- ص ، سيد عبد الله خان سابق و کيل دار المعلمين تر فيعاً بمديريت
مکتب عالي حبيبيه .
ص ، غلام جيلانيخان جلال سابق معاون شعبه تاليف وترجمه انجمن
ادبي بحيث مدير معارف ولايت کابل .
ص ، غلام صديق خان متخصص زراعت بحيث و کيل مديريت مکتب زراعت
ص ، عبدالغفور خان بحيث مفتش رياست تدريسات .
ص ، محمد يوسف خان « مفتش رياست تدريسات .
ص ، عبدالقيوم خان »
ص ، محمد اسحق خان بمديريت اجرايه مکتب صنائع .
ص ، عزتمند ، مومال بمديريت مکتب عالي استقلال .
ص ، فدای احمد خان به معاوني مکتب غازي .
ص ، محراب الدين خان « مکتب دارالمعلمين .
ص ، مرزا امير محمد خان سابق سر کاتب مکتب حبيبيه بهاموريت اجرايه
انجمن ادبي .
ص ، مير ابو طالب خان بحيث منتظم سينما .
ص ، مبان حسين خان بحيث منتظم کورس مستعجله .
ص ، محمد طاهر خان بحيث مفتش رياست تفتيش .
ص ، قربا نعليخان بحيث »
ص ، خواجه گلبدینخان بحيث مفتش رياست تفتيش
ص ، عزيز محمد خان بحيث

از عمارات مهم مرکز :-
منظره عمومي يك قسمت از عمارات مکتب عالي استقلال
Une vue des bâtiments du collège Istiklal à Kaboul



از عمارات مهم سر کتر :
منظره عمومی عمارت مکتب عالی نجات

Vue d' ensemble du bâtiment principal du collège Nidjat
à Kaboul

از عمارات مهم سر کتر :
پاک گوشه از عمارات مکتب عالی جنبه
Une Vue de la façade du collège Habibya à Kaboul



اجراآت دوائر مملکتی

امور تجارت و صناعت

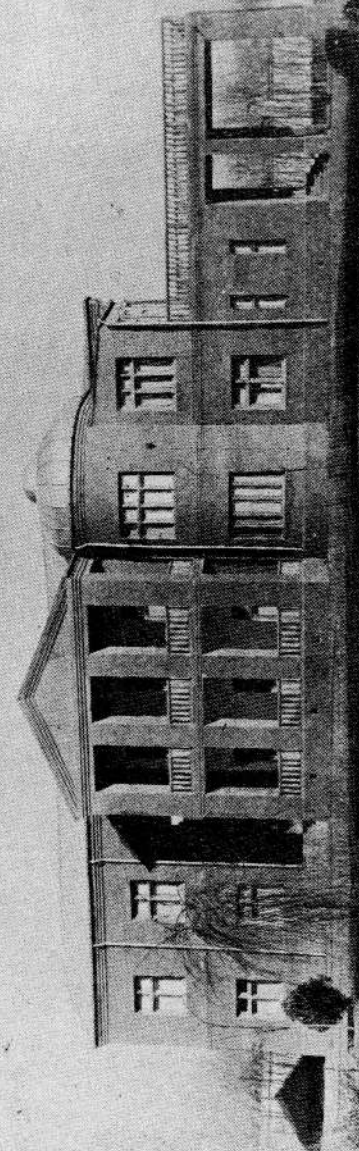
امور تجارت و صناعت در این سال نسبت بسالهای گذشته مدارج ترقی خود را بقدمهای سریع تر و فراخ تری پیموده و چنانچه از احصایه های مرتبه معلوم میشود میزانیه تجارتی بقدر (۵) فیصد نسبت به سال ۱۳۱۵ بلند رفته و همچنین از صنایع پیشرفت های خوبی بعمل آمده که خلاصه آن قرار ذیل است :

شعبه تجارتی :

از اثر اقدامات و تشویقات مدیریت تجارتی وزارت تجارت در سال ۱۳۱۶ چند شرکت مفید دیگر که مطابق احتیاجات و مفاد مملکت تشکیل آن ضروری دیده میشد، تاسیس شده است بشرح ذیل :

۱- شرکت عمران : این شرکت در برج سرطان ۱۳۱۶ تاسیس شده، منظور و مرام آن فقط معاونت و اشتراك مساعی است در امور عمرانی شهر بابلدیه کابل و سرمایه که برای آن قرار داده شده در حدود (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی میباشد چنانچه درین مدت قلیل شرکت مذکور موفق به ساختمان يك سلسله عمارات شده است.

۲- شرکت ارزاق : این شرکت در برج عقرب ۱۳۱۶ تاسیس گردیده و شروع بکار نموده است سرمایه ابتدائی آن (۳۰۰۰۰۰۰۰) افغانی است مرکز شرکت ارزاق در کابل است و به اطراف هم شعبات و نماینده گی ها از خود دارد، شرکت ارزاق تجارت مواد



عمارت جدید التعمیر مهیا

à Kaboul

بنای دولتی که با اصول خیلی زیبا و بسبک جدید تعمیر شده است

Type des constructions moderne

ارزاقیه را با عموم و عجلالتاً تجارت و رساندن روغن طرف احتیاج مرکز را مخصوصاً در نظر گرفته در عین حال بصورت عمومی تجارت وارداتی و صادراتی را نیز میناید.

۳- شرکت میوه کابل : این شرکت در برج عقرب ۱۳۱۶ افتتاح و سرمایه ابتدائی که برایش قرارداد شده فعلاً (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی است و کار آن مخصوصاً تجارت صادرات میوه خشک بخارج است مرکز شرکت میوه در کابل و بخارج هم دارای شعبات میباشد و درین مدت قبل به تمرکز دادن بازار فروش میوه در خارج و همچنین به افزودن نرخ و رفع تجارذات الینی و فروش مقدار کملی میوه جات خشک شده است .

شعبه صنایع و رنگ :

الف : در حصه صنایع :

۱- کشفیات طرز و اسلوب صنعتی مصنوعات مروج و وطنی و دریافت عیوب و نواقص آنها .

۲- ترتیب فهرست اصناف صنعت کاران وطنی در مرکز ولایات

۳- اکتساب معلومات راجع به مخترعین صنعتی افغانی .

۴- اصدار دستاویز لازم بولایات و حکومتات اعلی راجع به

تشویق ارباب صنعت . به صنایع معموله شان و ترویج مصنوعات آنها

ب - در حصه رنگ :

۱- تاسیس يك كورس برای تعلیم رنگ ریزی و تجربه و تحلیل

رنگ و شمولیت يك عده محصلین برای تحصیل در كورس مذکور .

۲- تعلیم اصول رنگ آمیزی (ترکیب و تجزیه رنگهای جوهری)

بدونفر از ضلاب معارف و موظف نمودن آنها در مواظبت و تدقیق رنگهای

خارجی بریاست گمرک کابل تارنگهای ممنوعه وارد مملکت نشود .

۳- فارغ التحصیل شدن دونفر متعلین از كورس رنگ آمیزی

و تقرر آنها به فابریکه نساجی جبل السراج و فابریکه پشمینه بافی قندهار

بغرض رنگ آمیزی پارچه جات مصنوعه و غیره .

۴- استعمال رنگهای پخته و بادوام در پارچه جات مصنوعه محبس

دهم رنگ و تعلیم فن رنگ آمیزی بیک عده از محبوسین .

۵- جمع آوری نمونه های رنگ های خام و ارسال مجموعه (البم)

آن بتمام ولایات و حکومتات اعلی بغرض عدم توريد رنگهای ناقص .

۶- استفا ده از رنگهای معدنی با میان و استعمال آن در

تعمیرات مختلفه دولتی و ملی وار سال نمونه های آن بخارج .

۷- تکمیل سامان لازمه لابراتوار تجربه خانه رنگ .

ج - : در حصه تجارت :

اداره صنایع و رنگ علاوه بر وظائف خصوصیه خویش موظف

به اجرا و انجام امور متعلقه بکشف فراس و تر یاک و کنترول تجارت

ادویه مخدره و واردات و صادرات آن میباشد که با مطابق مقررات

بین المللی انجام بگیرد چنانچه درین سال بسلسله سنوات گذشته

درین باره اقدامات زیاد بعمل آمده و از اثر آن تجارت ادویه

مخدره مطابق مقررات بین المللی صورت گرفته است .

امور گمرکات :

دراثر توجهات وزارت تجارت و نایب الحکومه ها و مساعی عموم مامورین گمرکی عایدات گمرکی در سال ۱۳۱۶ روی هم رفته نسبت بسال ۱۳۱۵ - (۶/۶۸) فیصد افزود شده است بشرح ذیل :-

الف :- ولایت کابل (۷۳ و نیم / ۰) فیصد تزئید

ب :- « قندهار (۱۲ و نیم / ۶) » »

ج :- « هرات (۹۰ و نیم / ۰۰) » »

د :- « مزارشریف (۲۲ / ۴۹) » »

ه :- « قطن و بدخشان (۴۰ / ۸۵) » »

و :- حکومت اعلای مشرقی (۰۰ / ۱) « کسر

ز :- « جنوبی (۱ / ۷۷) » تزئید

ح :- « « « میمنه (۱۶ / ۷۱) » »

ط :- « « « فراه (۱۵ / ۰) » »

مقرریهای سال ۱۳۱۶ وزارت تجارت :

ع ، ص غلام حیدرخان رئیس گمرک هرات تبدیل ریاست گمرک کابل.

ع ، خواجه تاج الدین خان وکیل ریاست گمرک کابل بکار پنبه.

ص ، محمد مالک خان به مدیریت مامورین وزارت تجارت .

امور فوائد عامه

امور فوائد عامه که تحت توجه مخصوص حکومت موجوده واقع برای توسعه آن مساعی بزرگی بخرج داده میشود ، درین سال

اجراآت دوائر مملکتی

بیش از سالهای گذشته انبساط و ترقی کرده و روی هرفته برای تدویر کار خانه جات و امتداد راه ها و تعمیر عمارات عمومیه اقدامات مهم و وسیعی بعمل آمده است .

خلاصه اجراآت وزارت فوائد عامه و نایب الحکومه ها و حکام اعلی و کبلان و محلی که در قسمت امور منفعت عموم در سال ۱۳۱۶ بعمل آمده است ، ذیلا تذکار می یابد :

امور معابر : سرك ها و پلها :

الف ، ولایت کابل :

۱ - سرك مشرقی که از مهم ترین سركهای افغانستان بشمار میرود از چند سال باینطرف کار ساختمان آن جار بست در سال ۱۳۱۶ بیشتر مورد توجه واقع و در کار مذکور سرعت مزیدی رخ داده چنانچه امید است در سال ۱۳۱۷ تکمیل و رفت و آمد مابین کابل و جلال آباد و خارج بواسطه آن صورت بگیرد درین سال در خط مذکور علاوه از پخته کاری سرك به تعداد ۱۷ پل و معبر خورد و بزرگ ساخته شده .

۲ - تعمیر پل آهنی نجراب که پایه های آن بصورت پخته کاری و آهن های گادر پل و کتاره های آن تکمیل شده تنها فرش پل و دوطرفه سرك باقیمانده طول - ۲۵ متر عرض ۵۰ سانتی « ۵ متر » بلندی ۳۰ سانتی « ۳ متر »

۳ - تعمیر پل آهنی سعدالله شمالی که پایه های آن بصورت

آغاز بساختن آن شد، کنار پل مذکور خیلی پیشرفت کرده و امید که در سال ۱۳۱۷ افتتاح شود. عمارت دوم نیز از منزه بوطه آن نیز بصورت پخته کاری قریب اتمام است.

ب - پل خاشرود: قرار نقشه ۱۰ دهه ۱۱ متره و یک معبر بطول ۱۶۰ متر و دو جلوه دارد که عبارت از ۹۰ متر و جلوه طول پل ۴۰۰ متر شود. این پل نیز قریب اتمام و در سال ۱۳۱۷ افتتاح خواهد شد.

ج - سرک قلات: قرار نقشه و برآورد مهندس پل ها و پیچک ها و معبرها و بگی پره های آن جلوه به تعداد ۲۰۰ بالغ میشود به خشت و سمنت و چونه پخته کاری شده است.

د - ترمیم و جفله اندازی سرک ها: -

۱ - از قندهار الی حکومتی قلات و از حکومتی مذکور الی کندی پوش و ویش مقر که ترمیم کاری و جفله انداخته شده - ۲۰۸ کیلو متر

۲ - از قندهار الی حکومتی اسپین بولدک الی ویش.

۳ - از قندهار الی حکومتی کلان گرشک و از گرشک الی دلارام.

۴ - تمديد سرک جدید خاکریز که بخط سرک ارزگان از حد و د جوی لا هوری بطرز فنی از بین دره سیاه الی حکومتی خاکریز تمديد گردیده و از حکومتی الی زیارت شاه مسعود جفله انداخته شده.

۵ - احداث سرک: از قندهار قاسمدره در امتداد رود پاتا و بطول ۱۰ کیلو متر.

ج - ولایت هرات:

۱ - پشتون پل که یکی از پلهای بزرگ افغانستان و بعوض پل مالان در نزدیکی هرات بسر راه فراه و هرات ساخته شده، دارای ۱۰ - متر عرض و ۶ کمان ۱۵ متره میباشد و علاوه بر خود

پخته کاری و آهن های گادر و غیره آن تمام شده طول ۵۰ متر عرض ۵۰ سانتی متر.

۴ - پل دو آب سینان - دو قنراق دارد مسافه طول ۳۰ متر قنراق های مذکور از سمنت و سنگ و پوشش آن از آهن گادر و کار بسته کاری آن تکمیل و در سطح پل مذکور تخته نصب و بالای آن چونه و ریگ انداخته شده طول ۲۰۰ متر

۵ - پل اول دهنه شکاری - دو قنراق دارد قنراقهای مذکور از سمنت و سنگ ساخته شده طول مسافه پل مذکور - ۳۰ متر و پوشش آن از آهن گادر و کار بسته کاری آن اکمال گردیده و تخته چوبی بالای پل مذکور فرش شده و بالای آن چونه و ریگ انداخته شده طول ۴۵ متر

۶ - تعمیر ۱۰ پل دیگر بمقامات بگرامی و د کو و کاریز میر و کشکین و شکر دره و قلعه مراد بیگ و قلعه نو غزنی که هر یک بصورت پخته کاری تکمیل شده.

۷ - پخته کاری سرک دهنرنگ بطول ۳ کیلومتر

۸ - تعمیر رهائش جاهاى معا بر حصه ولایت کابل طرف سمت جنوبی ۱۳ رهائش گاه، طرف سمت مشرقی ۷ رهائش گاه، طرف سمت مغربی ۲۶ رهائش گاه طرف سمت شمالی ۷ رهائش گاه که جمله آن ۵۳ میشود.

ب - ولایت قندهار:

الف: پل هلمند: که بزرگترین پلهای افغانستان است و عموماً طول آن - ۱۲۱۶ متر و عرض آن ۶ متر میباشد و تحت توجه مخصوص و ج سردار محمد داؤد خان نائب الحکومه قندهار در سال گذشته

از عمارات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : عمارت دارالحکومت
La façade du nouveau palais du gouverneur à Hérat

سالنامه « کابل »

پل بدو طرف آن باندازه ۶۰۰ متر د کة پخته کاری نیز ساخته شده و این پل بتوجه مخصوص و ج ، غلام فاروق خان نائب الحکومه هرات در طول سال ۱۳۱۶ شروع و ختم شده است .

۲ - پل مرغاب که دارای دو چشمه ۱۲ متره و یک چشمه ۱۸ متره و ۶۵ متر د که میباشد و به پنجصد متر طول دریا از بجرای اصلی گشتانده شده و به طول مذکور جدیداً برای عبور دریا جر کشیده و پل مذکور در همین سال تعمیر شده است

۳ - پل اور سگن که دارای دو چشمه ۱۵ متره میباشد ۳۰۰ متر د که بدو طرفه آن وجود دارد .

۴ - پل رودگر که دارای ۲ چشمه (۱۵) متره و ۶۰ متر د که میباشد .
۵ - به تعداد (۵) پل خورد و بزرگک دیگر بمقامات کارته کاربار ، نا گهان ، غیزان ، آ لنجان ساخته شده است .

۶ - تمديد سرک از (درواجي) تا (رودگز) بفاصله ۸۰ کیلومتر
۷ - « خام کاری از سرحد اسلام قلعه تا قریه زنده جان تخمین بفاصله ۸۵ کیلومتر تقریباً کار این دوسرک بصورت اساسی کرده شده و سرک های عمومی میباشد

۸ - تمديد خام کاری از (غوریان) تا (موسی آباد) تخمین بفاصله ۶۵ کیلومتر .

۹ - خام کاری از (رباط سرخ) تا (مرکز گلران) ۷۰ کیلومتر »

۱۰ - خام کاری از (شین دند) تا (کلاته نظر خان) ۱۳۰ کیلومتر »

۱۱ - سرک از مرکز هرات الی میرداود که پشتون پل در همین

ولایت طور بی نظم بود امسال کار مذکور ذریعه مهندس سر از نو تجدید گردید این سرک جدید با بهترین اصول مهندسی از حد میدان طیاره (خان آباد) تا (علی آباد) بمسافه (۲۰ کیلومتر (۷ کروه) بر روی یک خط مستقیم تمدید و علاوه بران چهار سرک جدید دیگر ازین سرک جدا شده که یک راه آن از حصه جنوب مغرب میدان طیاره شروع شده براه (ایشک چی) بفاصله ۳۵ کیلومتر (۱۲ کروه) باشکمش موصول و یک راه از حصه (جرقمقول) مجزا گردیده بداخل سرک شوراب ملحق و یک راه دیگر آن از حدیکه توت سر دوزه جدا شده مستقیماً داخل دره (شوراب) میشود. و یک راه آن از سرک جنوب قندوز منشعب گردیده بمسافه ۶ کیلومتر بدره شوراب الحاق می پذیرد.

۴- یک سرک از چارسوق بازار قندوز باستقامت جنوبی شهر جدید قندوز تمتد و مستقیماً بفاصله ۲۲ کیلومتر (۷ و نیم کروه) به علی آباد واصل می شود و قندوز را بی رابطه خان آباد براه کابل وصل میدارد.

۵- سرک فرخار و کلفکان که سابقاً بی ترتیب تیار شده بود درین سال تا حدی طرف اصلاحات قرار داده شد.

۶- برای اینکه از معدن ذغال (ایش پشته برفک) استفاده کرده شود یک سرک جدید از حدود برفک بطرف معدن ذغال سنک مذکور تمدید کرده شده طول ۴ کیلومتر.

۷- جهة مواصلت به (دره اشرف) واقع در جنوب مشرق علاقه داری تاله که یکی از تفرجگاهای خوبی است یک حصه سرک از حصه تاله تمدید و بدره اشرف وصل کرده شده بطول ۱۲ کیلومتر ۴ کروه و بنزدیک آن پل متینی بر روی دریای تاله تیار کرده شد که موترها بتوانند از ان عبور و مرور کنند.

۸- از عمارت شکار گاه « پاد شاه غوری » یک سرک جدا و بطرف دریای غوری تیار کرده شده بمسافه ۶ کیلومتر.

ب: پلهای دوشی و غیره که در راه کابل و قطن واقع و را س از طرف وزارت ساختمان گردیده:

۱- پل اول دوشی دوفنداق و دویاه که جمله چهارپایه شود جدید ساخته شده و ساختمان آن از سمنت و سنک است و سه دهنه دارد که دودانه دوطرفه پل مذکور ۲۵ متر و دهنه مابین آن ۳۰ متر بطول میباشد که جمله طول آن ۸۰ متر است و از آهن جالی گادر پوشش کرده شده که کار بسته کاری آن کاملاً اکمال و تمام گردیده (۸۰۰ متر)

۲- پل چغه دوشی دوفنداق و بکیایه دارد که جمله سه فنداق و پایه می شود پایه و فنداق پل مذکور از سمنت و سنک ساخته شده و پل مذکور دودهنه دارد یک دهنه بطول ۲۵ متر و یک دهنه دیگر آن ۴۲ متر که جمله طول آن ۶۷ متر میباشد پوشش آن از آهن گادر است کار بسته کاری گادرها پل مذکور کاملاً تمام شده (۱۹۰۰) متر

۳- پل انارستان دوفنداق دارد و مسافه طول آن ۳۰ متر است کار پخته کاری قندان مذکور از سمنت و سنک و پوشش آن از آهن گادر است که کار بسته کاری آن تکمیل شده (۱۰۰ متر).

۴- پل باغک، دوفنداق دارد مسافه طول ۲۵ متر فنداقهای مذکور از سمنت و سنک و پوشش آن آهن گادر و در روی پل تخته های چوبی نصب و بالای آن چونه و ریگ انداخته شده.

۵- پل شادی کک، دوفنداق دارد مسافه طول ۲۵ متر ساختمان فنداق مذکور از سمنت و سنک و پوشش آن از گادر و روی پل تخته چوبی فرش و بالای آن ریگ و چونه انداخته شده.

اجراآت دوائر مملکتی

امور کارخانه جات :

۱- بکار انداختن فابریکه پشمینه بافی قندهار و تکمیل لوازم آن و تهیه یک مقدار پشم جهت تدویر کارخانه مذکور .
۲- تکمیل عمارات و ماشینهای فابریکه نختابی و بارچه بافی جبل السراج که عنقریب افتتاح میشود .

۳- خریداری یک دستگاه برای تهیه پنبه هیدروفل جهت شفاخانه ها و غیره و تهیه محل نصب آن در جوار فابریکه نختابی جبل السراج .
۴- اقدام به خریداری یک فابریکه بزرگ سمنت سازی .

۵- تاسیس یک کارخانه بزرگ پاك کردن و عدل بندی پنبه در قندوز و كوچكتر از آن در امام صاحب و تهیه عمارت برای آن و همچنین ساختمان عمارات برای گدام پنبه در بغلان و تالقان و خواجه غار که این موسسات به توجه و ، ج شیر محمد خان نائب الحکومه قطعین بوجود آمده است .

۶- اصلاحات در فابریکه های سابقه و نگرانی در خوبی و تولید حاصلات صنعتی آنها از قبیل فابریکه گوگرد سازی و فابریکه چرم گری و بوت دوزی و فابریکه نجاری مرکز و غیره .

۷- تشکیل یک مدیریت تخنیکي و نگرانی برای تقویت و خبرگیری دائمی فابریکه ها .

امور تعمیرات :

تبصره : این تعمیرات بجز از دو تعمیر اول الذکر که توسط مدیریت عمومی تعمیرات و وزارت فواید عامه ساخته شده ، باقی توسط نائب الحکومه ها و حکام اعلی اعمار گردیده و نیز عمارات مربوط به وزارت خانه ها

۶- پل جلوس - دو قنناق دارد ساختمان آن از سبك و سمنت مسافت طول ۳۰ متر پوشش آن از آهن گادر و بسته کاری گادرهای مذکور تکمیل و روی پل مذکور تخته چوبی فرش و بالای آن چونه و ريك انداخته شده .
۷- پل دینواه - دو قنناق دارد و قنناقیها بمنذ کور از سمنت و سنگ ساخته شده طول مسافت پل مذکور - ۳۰ متر پوشش آن از آهن گادر بسته کاری آن اكمال و در روی پل مذکور تخته چوبی فرش و بالای آن چونه و ريك انداخته شده .

حکومت اعلای مشرقی :

۱- خامه کاری سرك ما ما خیل از حد نشین حكومتی اعلی تاقریه ملایان كته خیل بطول ۳ كيلومتر و عرض ۶ متر تمام و آباد شده .

۲- سرك طرف حكومت رودات از حد تها نه سیوم چوره گلی الی حكومتی جدید تمدید شده طول ۹ كيلومتر .

۳- پخته کاری سرك بحد شاه ناصر آقاصربوط حكومتی سرخورد .

۴- پخته کاری سرك این عمومی زحد جای نقیب صاحب الی جای ملك غلام رسول خان بطول ۲۴۵۶ متر كه بمعه ۸ آبرو پخته کاری شده .

۵- سرك دره علی شنك لغمان از حد قلعه گل احمد الی نجیل بطول ۱۵ كيلومتر تمدید شده .

۶- پلها و آبروهای ذیل كه از سابق و ترمیم طلب شده بود ، درین سال ترمیم شده است : پل هاشم خیل ، پل نویان ، پل درونته ، پل قلعه السراج ، پل سرخ آب ، پل نمه ، آبرو پل قرغه گلی لغمان . آبرو سراج العمارت ، دو آبرو بحد پل كلان قلعه السراج .

۷- يك معبر بحد شيله فتح آباد كه بطول ۶۸ متر و عرض ۸ متر میشود جدید ساخته شده .

دران شامل نبوده در ذیل هر وزارت ذکر گردیده است)

الف ولایت کابل :

۱- تعمیر مقبره اعلی حضرت شهید رحمت الله علیه که کار ساختمان آن از دوسال باین طرف جاری و در سال ۱۳۱۶ طبقه تحتانی آن از سنگ خشتی آباد و طبقه دوم هم تا حد پوشش رسیده است .
۲- عمارات بالا حصار که از سه سال باین طرف ساختمان آن جاری بوده در سال ۱۳۱۶ با تمام رسیده است .

۳- دکانهای چمن که در اثر حریق طبقه فوقانی آن ویران شد و چون وقت جشن نزدیک و عمارات مذکور در منطقه جشن واقع بود یک یک حصه آن از طرف هرو وزارت خانه تعمیر و تا وقت جشن استقلال سال ۱۹ تکمیل شد .

ب : ولایت قندهار :

۱- تعمیر هتل گر شک که در سال گذشته کار تعمیر آن جاری و اینک در سال ۱۳۱۶ کار آن با ختام رسیده .

۲- تعمیر هتل دلارام هم مطابق هتل گر شک تکمیل و خاتمه یافته
۳- تکمیل تعمیر فونسلگری که در شهر نو با اصول عصری در سال گذشته مطابق نقشه اصولی شروع و در سال ۱۳۱۶ خاتمه یافته .

۴- تعمیر هتل قندهار که در سال گذشته شروع و در ۱۳۱۶ خاتمه یافته .
۵- تشویق یک عده از اهالی برای ساختمان عمارات عصری در شهر نو که تا حال به تعداد ۴۰ عمارت بالغ و اکثراً نزدیک به تکمیل است .

ج : ولایت هرات :

۱- تکمیل عمارت دارالحکومتی که در سال ۱۳۱۵ شروع شده بود .
۲- ساختمان یک عمارت برای دوائر مستوفیت در شهر نو که

کلیه کار آن تمام و مابقی در سال ۱۳۱۷ تکمیل خواهد شد .

۳- ساختمان عمارت بزرگ برای مکتب رشدیه متوسط در شهر جدید که قسمت کلی کار آن تمام و در سال ۱۳۱۷ تکمیل خواهد شد .
۴- تکمیل عمارت مدیریت خارجه که در سال ۱۳۱۵ شروع شده بود .
۵- تکمیل عمارت مهملخانه « » « » « »

۶- تعمیر تپه سر حدی در اسلام قلعه بایک کار وان سرای و یک هتل و یک گاراج برای مسافرین .

۷- تعمیر ۴ تپه دیگر (بمقامات : موسی آباد ، کلاته نظر خان دهنه ذالفقار ، چهار یک ، کمانه) که اکثر آن تکمیل شده .

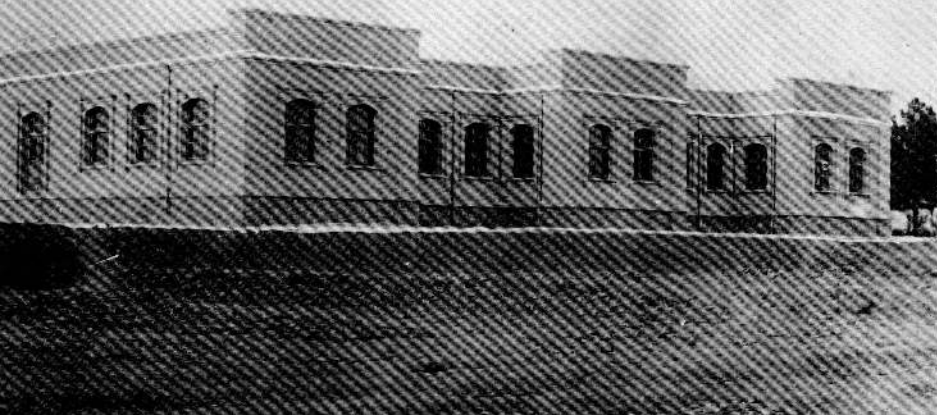
۸- تکمیل عمارت مکتب ابتدائی مرکزی که کار مذکور در سال ۱۳۱۵ شروع و درین سال خاتمه یافته .

۹- تکمیل عمارت پست و تلگراف که در آخرا سال ۱۳۱۵ شروع و در این سال ختم شد .

۱۰- تشویق یک عده تجار و مامورین به ساختن عمارات عصری در شهر نوهرات که محوم این عمارات با عمارات دولتی فوق الذکر در دو طرف جاده بزرگیکه دارای دو سرک مو تر رو (رفت و آمد) و ۷ متره و در وسط دارای یک گلدان بعرض ۳ متر و در دو نهایت آن دو پیاده رو فراخ میباشد ، بنا گردیده است . که تماماً عرض سرک مذکور ۳۰ متر است .

د : ولایت مزار شریف :

۱- چون در دره صوف یک معدن ذوغال سنگ موجود است در سال ۱۳۱۶ داشهای خشت بزی که بواسطه ذوغال سنگ گرم



از عمرانات سال ۱۳۱۶ و لایت هرات : دوائر مستوفیت

Type des bureaux des finances nouvellement construits à Hérat

از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای میمنه : عمارت سر رشته داری اعلای

Type des bureaux des finances nouvellement construits à Maimanah



سالنامه « کابل »

میشود ساخته شده و علاوه بر آن از ذوالغال مذکور برای دوائر رسمی و رعیتی در موقع زمستان استفاده بعمل آمده است .

۵- ولایت قطغن و بدخشان :

۱- احداث بازار جدید بغلان : چون درین اوقات قریب ، احوال حیاتی اهالی بغلان بواسطه ترقیات زراعتی پنبه و غیره بد رستی تامین شده و اقتصادی نمود که بازار جدیدی در آن ناحیه آباد شود چنانچه به ترتیب نقشه آن پرداخته شده در عرض سه ماه امسال به تعداد (۱۲۰) دکان و (۴) کاروان سرای و چندین باغچه و چندین حویلی و یک عمارت مکمل و منظم برای دوائر حکومتی محلی و کداهای پنبه و مامورین پنبه در آن ناحیه آباد و صرف استفاده واقع شده - چون نقشه شهر مذکور خیلی منظم و بسیط است و موفقیت بغلان نیز برای ترقی و آبادی مساعد میباشد امید است در آتیة قریب بترقی خوبی نائل گردد .

۲- در حکومت دوشی یک عمارت منظم و مکفی برای حکومت دوشی و دوائر مربوط آن تیار گردیده .

۳- ساختمان عمارت در علاقه داری تاله و برفک برای دوائر حکومتی .

۴- ساختمان عمارت در علاقه داری خنجان برای دوائر حکومتی .

۵- ساختمان عمارت در علاقه داری چادره قدسوز برای دوائر حکومتی .

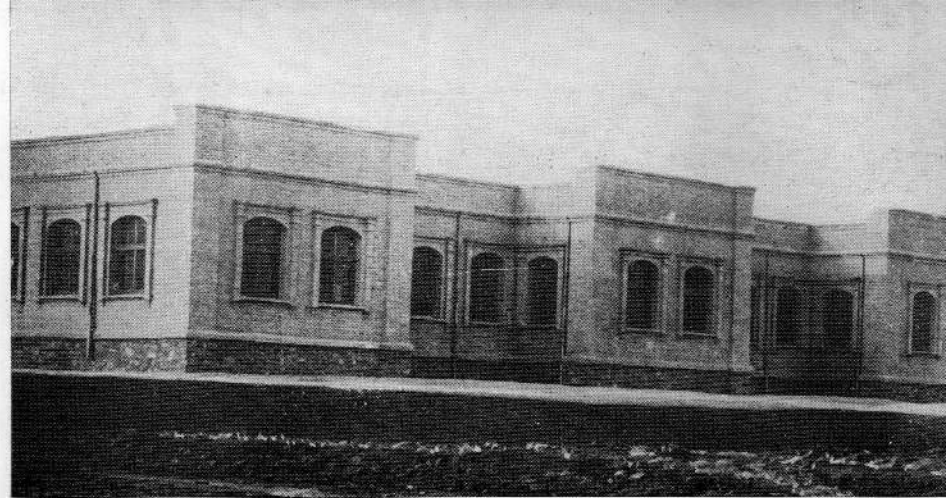
۶- برای بود و باش ذواتیکه در حصه غوری برای شکار می آیند یک عمارت عالی و موزونی تاسیس و کار تعمیریه آن درین سنه بیشتر تکمیل شده است .

و - حکومت اعلای مشرفی :

۱- تعمیر یک هوتل عصری در باغ عمومی ماما خیل

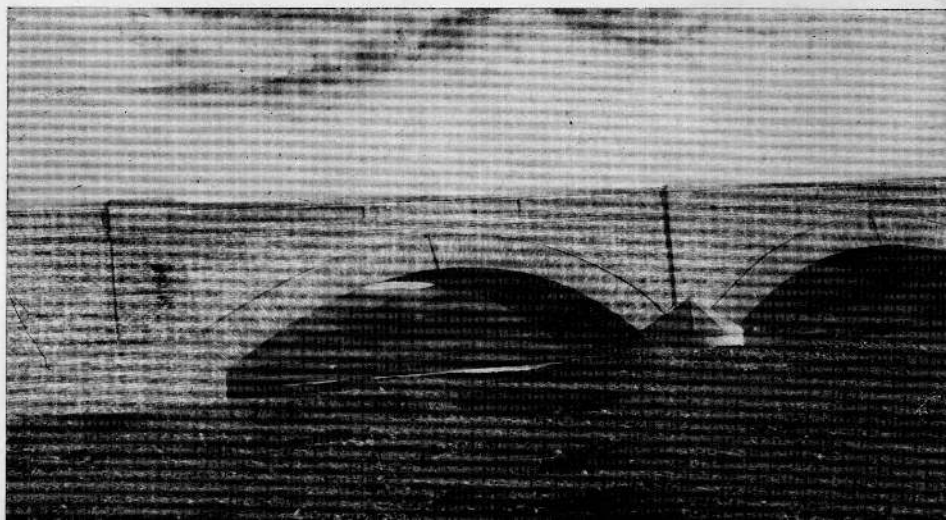


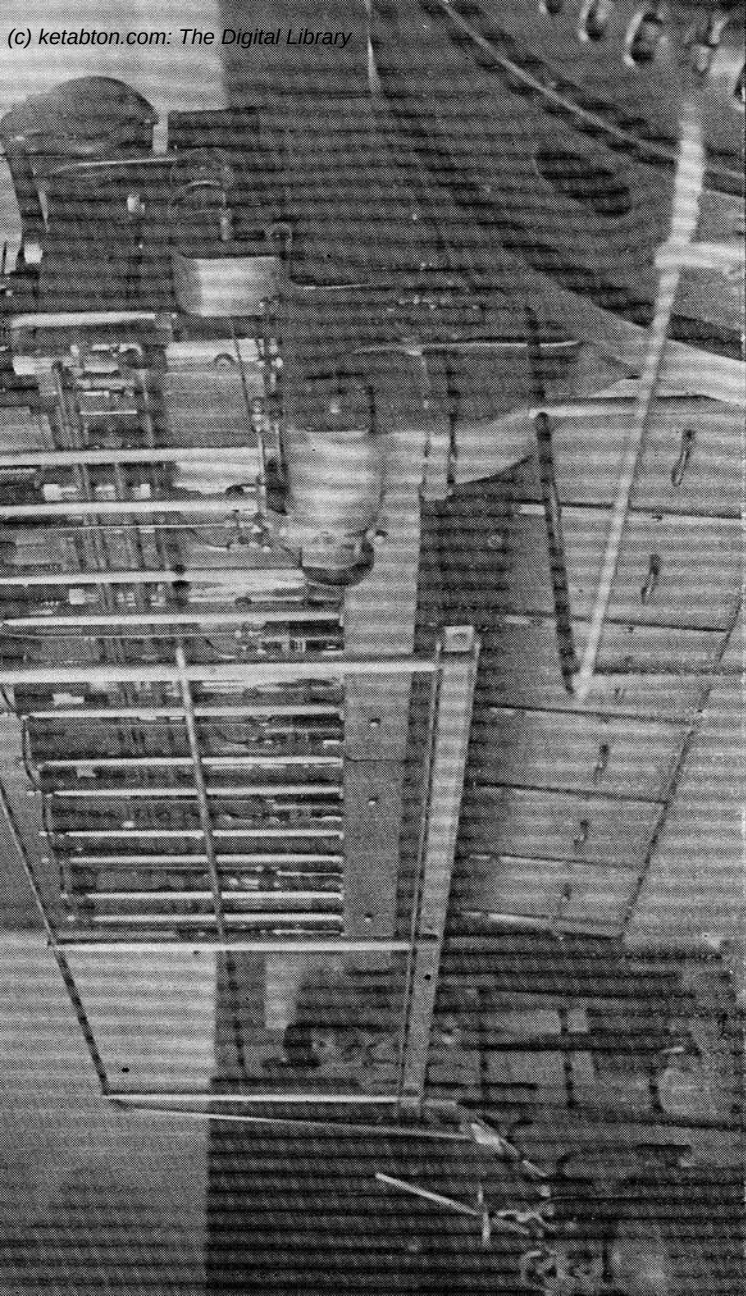
از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلیٰ مشرقی : بازار جدید در شیر نو جلال آباد
Type des bazars nouvellement construits à Djelalabad



از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : مهمانخانه دولتی
Type des hôtels nouvellement construits à Hérat

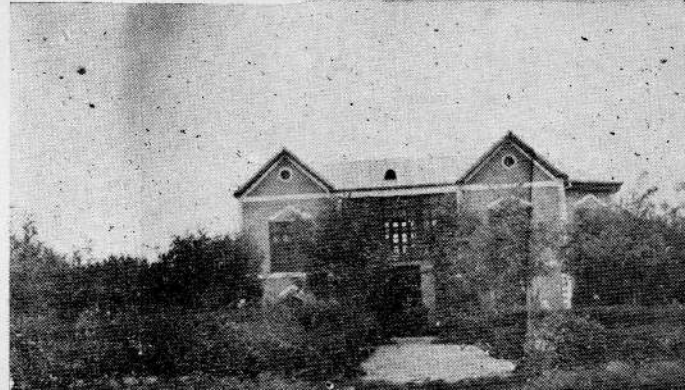
از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : پل ادرسکن
Type des ponts nouvellement construits à Hérat





از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه در کابل : ماشین دیزل برق که اخیراً در کابل بکار افتاده
و (۳۰۰) اسب قوه میدهد

Type des machines électriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul



در اطراف باغ عمومی
من از آباد شده است
aux alentours des
jardins publics

از نورانی خورشید



کرده و اکنون بتوجه مقام دار الحکومت
بات سلسله تعمیرات دولتی و شخصی

nouvellement construits
à Mazari-i-Shérif ,



بعضی از عمارات سال ۱۳۱۶
ولایت مزار شریف : نهضت عمرانی
در ولایت مزار شریف نیز ترقی
Types des bâtiments modernes

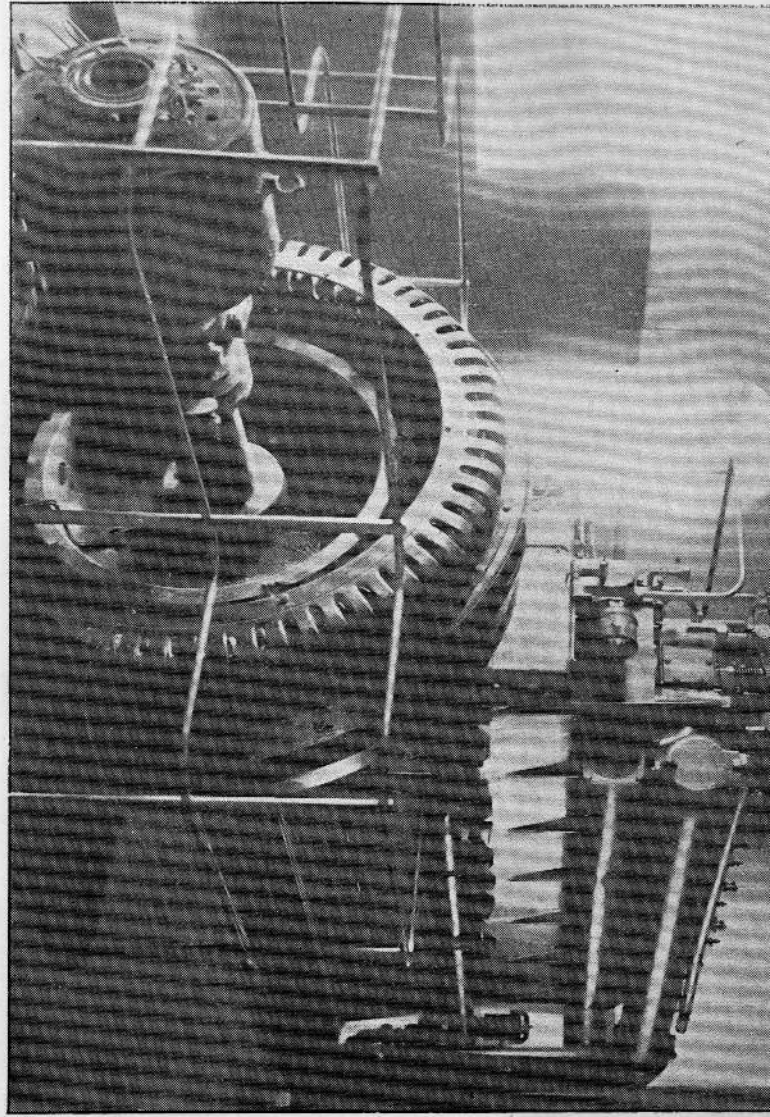
منظره عمومی کارخانه جات خربی و دور بخای شهر کابل

**Vue générale des Usines Militaires et le panorama de
Kaboul**

از کار روانی های سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه در کابل: ماشین دیزل بوق که اخیراً در کابل بکار افتاده و

(۳۰۰) اسب قوه میدهد

Type des machines électriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul



ممکن است کسب ارتقاء نموده و مفهوم حقیقی صحت و تندرستی در تمام حصص و ضوابط و توسعه یابد، مسائل صحتی و کارهای متعلق بصحیه در جریان سال ۱۳۱۶ بمراتب از آنچه که در سال گذشته بود پیشرفت حاصل نموده و وزارت صحیه را موفق گردانیده است تا به تعمیم نظریات و پروژه های حکومت متبوعه در هر یک از نواحی صحتی بپردازد. اینست که خلاصه اجرا آت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت صحیه را ذیلاً از نظر خوانندگان گرام میگذرانیم:

شعبه تداوی داء الکلب:

داء الکلب مرضی است که بواسطه گزیدن سگ دیوانه پیداشده و همه میدانیم که هرگاه این مرض شوم در موقع لازمه اش معالجه نشود عواقب ناگواری برای مریض پیش کرده و بالاخر او را بایک عالم اعراض و آلام مدهشه بدیار مرگ و فلاکت سوق میدهد. وزارت صحیه درین سال موفق شد تا توسط متخصص موسسه باکتریولوژی مربوط خویش بمقدار مکفی از (واکسن) مرض سگ هار تهیه و احضار نموده و صرف استفاده مراجعین سگ هار گزیده قرار دهد، اینست که برای حاضر دوشعبه جهت پذیرائی و معالجه هار گزیده گان افتتاح نموده است که یکی آن در خود موسسه باکتریولوژی واقع دارالفنون که در حقیقت موسسه منبوره یک انستیتو پاستور حقیقی است که در تمام ممالک دنیا معروفیت داشته و یک یک موسسه بهمین نام در هر مملکت موجود میباشد، شعبه دیگر آن در شفاخانه ملکی مرکز دائر گردیده است تا حتی الامکان تسهیلاتی برای مراجعین و مریضان مصاب باین خطر بعمل آمده باشد چنانچه موسسه های مذکور تا کنون به تداوی یک عده مراجعین پرداخته و نتایج مثبتی از آن بدست آمده در موسسه

شده در طول سال ۱۳۱۶ یک ماشین جدید بقوه (۹۵۰) کیلوات برای سارخانه بزرگ جبل السراج خریداری و توريد کرده شده چنانچه عنقریب بکار خواهد افتاد و آنوقت ماشین های سابقه که خدمت زیادی نموده زیر ترمیم و اصلاحات گرفته خواهد شد.

۲- کار ساختمان کارخانه بزرگ برقی آبی (۳۰۰۰) کیلوواته که در چک وردک ساخته میشود و آغاز آن در سال ۱۳۱۵ شده در جریان سال ۱۳۱۶ خیلی پیشرفت کرده و ممکن در سال ۱۳۱۷ عملیات مقدماتی تمدید نهر و بند آب تسکیم و کار نصب فابریکه شروع گردد.

مقررین و تر فیعات سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه:

ع، غلام محمد خان انجنیر برق بمديریت عمومی برق؛
ص، نظام الدین خان سابق مدیر فابریکه پشمینه باقی قندهار بمديریت جدید التخیل تخنیکي نگرانی و فابریکه ها.
ص، شیر محمد خان سابق متخصص پشمینه باقی مرکز تر فیعات بمديریت فابریکه پشمینه باقی قندهار.

امور صحیه

فوانیکه دلچسپی و علاقه مفراطی در شئون مملکتی داشته و تحولات یومیه تمام شعب آنرا با نظر غور و دقت مینگرند ملاحظه خواهند فرمود که در قسمت امور صحیه که یکی از شعب مهم حیاتی بشمار میرود، در دوام هر سال قدمهای فراختر و متین تر برداشته شده و توجه خاصیکه حکومت نسبت به آن مبذول فرموده و در نظر دار دجنه صحتی مملکت تا آنجائیکه

تا کنون فلمهای صحنی از قبیل ملاریا سفلیس ، تیفوئید و غیره از خارج وارد و در معرض نمایش و مشاهده عامه گذاشته شده و برای تهیه و توزیع سایر فلمهای لازمه نیز تشبث شده است .

۳ - افتتاح شفاخانه های جدید در ولایات :

الف : شفاخانه مستورات درسه ولایت ذیل :

۱- مزار شریف

۲- قندهار

۳- هرات

این سه شفاخانه تماماً از پول اعانه اعلیحضرت همایونی تأسیس یافته است .

ب : شفاخانه های مردانه :

۱- شفاخانه ملکی دایرنکی مربوط ولایت کابل

۲- » » » بادغیسات » » هرات

۳- » » » غور » » »

۴- » » » قلات » » قندهار

۵- » » » شبرغان » » مزار شریف

۶- شفاخانه بلدیة اندخوی : این شفاخانه در اثر تشویق و ترغیب وزارت صحنیه از پول بلدیة واعانه اهالی اندخوی تأسیس یافته و شفاخانه موصوف هم به بلدیة آنجا متعلق و از طرف وزارت صحنیه مساعدتهای لازمه درباره آن بعمل آمده می رود .

۷- شفاخانه ملکی چخانسور مربوط حکومتی اعلاای فراه .

علاوتم در منطقه اندخوی یک شرکت دوا فروشی نیز با اجازه

با کتریولوژی علاوه بر تهیه واکسین داء الکلب و تهیه خال چیچک که سالانه بیک مقدار مکفی تهیه گردیده و در تمام نقاط مملکت بمصرف رسانیده میشود واکسین مرض کولرا (وبای هیضه) نیز تهیه و احضار گردیده می رود تا اگر خدا ناخواسته در کدام نقطه ازین مرض بروز نماید هماندم جلو آن مسدود گردیده و واکسین مزبور تطبیق یابد و همچنان واکسین ضد سحره آماده شده برای استعمال حاضر کرده شده است .

فلمهای صحنی :

بهراندازه که نشریات و تبلیغات و بالاخره کنفرانسهای صحنی برای تنویر اهالی راجع با امراض و طرق و قایه یا حفظ ما تقدم از مرض و صورت اتخاذ طرز زندگی مطابق بقواعد حفظ الصحة خدمت مینماید ، سینما های صحنی نیز بهمان اندازه و بلکه بیشتر از آن در طریق این منظور خدمت نموده و ناظرین را علی المشاهده از چگونگی یک مرض و صورت سرایت و نشو و نما و خرابی ها و اضرار و غیره آن در وجود ، مطلع ساخته و بدون شبهه آنها را از ابتلا به بسا امراض مهلکه نجات می بخشد علیهذا وزارت صحنیه در پی اقداماتی که راجع به نشر رساله دایر ساختن کنفرانس های ماهانه صحنی بکار برده و انرا دوام داده می رود ، چنانچه ملاحظه شد ، اقدام به توزیع فلمهای صحنی نیز نموده و چنین تجویز کرده است تا همیشه فلمهای صحنی راجع به انواع امراض و مهلکه را مجاناً در دسترس استقاده عموم گذاشته و در قسمت دومررض خیلی مغفور « سفلیس و سوزاک » که درسائر ممالک تخریبات مد هشته خود را نشان داده و تاثیر نازیبائی در نسل بشری وارد میکنند فلمهای آنها را بطور قطع خریداری نموده و دائماً در تمام نواحی مملکت در معرض تماشای اهالی قرار دهد و بطوریکه اشاره شد

وزارت صحیه بر طبق سائر شرکت های ادویه فروشی از طرف چند نفر شرکا تاسیس یافته و مجبور به رعایت از مقررات اصولنامه دوا فروشی ها قرار داده شده است.

۴ : پروان توریم : پروان توریم که عبارت از استراحت خانه یا نقاهت خانه میباشد ، مؤسسه ایست که نسبت به سنا توریم بیشتر مستلزم صرف پول و مصارف گزاف می باشد درین مؤسسه اشخاص ضعیف و آنهاییکه بدوره نقاهت مرض آمده و محتاج استراحت باشند و نیز کسانی که مستعد بقبول مرض سل بوده و دارای میکروب این مرض نمیشوند و غیره . . . جا داده شده تا مدت عود صحت کامیه استراحت مینمایند .

تاسیس این مؤسسه خیلی مفید و نیز از پول اعانه اعلیحضرت همایونی است که دقایق ضعف و اضطراب اشخاص ضعیف را ملاحظه فرموده و یک پول هنگفتی را اعانتا بوزارت صحیه لطف و احسان فرموده اند .

تعمیر و محل و لوازم کار آمدن این مؤسسه سردست تهیه و آماده گئی بوده و در شروع سال آینده اگر خدا بخواهد افتتاح می شود .

۵ : - عمارت شفاخانه ملکی شمالی : کار ساختمانی عمارت شفاخانه ملکی شمالی که بصورت عصری و موزونی است با تمام رسیده و اکنون شفاخانه مزبور در عمارت جدید خویش نقل مکان نموده است .

۶ : - عمارت شفاخانه ملکی مزار شریف : از پول اعانه ملی و کمک عموم مامورین ولایت مزار بتوجه و ، ج گل احمد خان نائب الحکومه یک عمارت عصری برای شفاخانه ملکی مزار شریف در قریب شهر تاسیس و کار تعمیر آن جاریست .

۷ : - شفاخانه سیار : چون در اکثر اوقات در بعضی نواحی

وطن ، مجادله با کدام مرض ایجاد نموده و بدفع و محای آن اقدامات سریعه لازم می افتد ، علیهذا وزارت صحیه برای آماده گئی جهت اجرای این منظور و اینکه عندالضروره هیچ سکتگی در کار مجادله با کدام مرض رخ ندهد یک شفاخانه سیار مکملی با سامان و لوازم و ادویه آن تهیه دیده است تا در وقت لزوم سریعا با اجرا آت خویش قیام ورزیده بتواند .

۸ : - بنای جدید مؤسسه معالجات برقی : وزارت صحیه در قسمت تداوی حکمی و الکتریکی نیز داخل اقدامات گردیده در سال ۱۳۱۶ در جنب عمارت سابقه الکتریکی (در کابل) به تعمیر یک عمارت جدیدی پرداخته که عمارت موصوف بخواست خداوند تا اوایل سال آتی با تمام خواهد رسید ، درین عمارت انواع ماشین های جدید تداوی حکمی و الکتریکی از بهترین سیستم عصری نصب و طرف استفاده مراجعین گذاشته خواهد شد ، راجع بخريد ماشین و لوازم آن اقدامات لازمه بعمل آمده و تا بسر رسیدن عمارت جدید ، وارد و بکار انداخته خواهد شد . مؤسسه مزبور پس از تکمیل در قطار بهترین مؤسسات الکتریکی دنیا اخذ موقع نموده میتواند .

۹ : - کود کستان : کود کستان مؤسسه ایست که در سر نوشت آتیه مملکت رول عمده ایفا مینماید الله احمد مملکت ما هم نائل چنین یک مؤسسه قیمتمدار گردیده و از طرف وزارت صحیه زمینه مقدمات آن در هذالسنه وضع گردیده است تا در آتی بخواست خداوند تکمیل و افتتاح شود .

این مؤسسه که جا دارد در اطراف آن هر چه تمجید و تعریف

کرده شود از پول اعانه علیا حضرت ملکه معظمه شرف تا سرین حاصل نموده است .

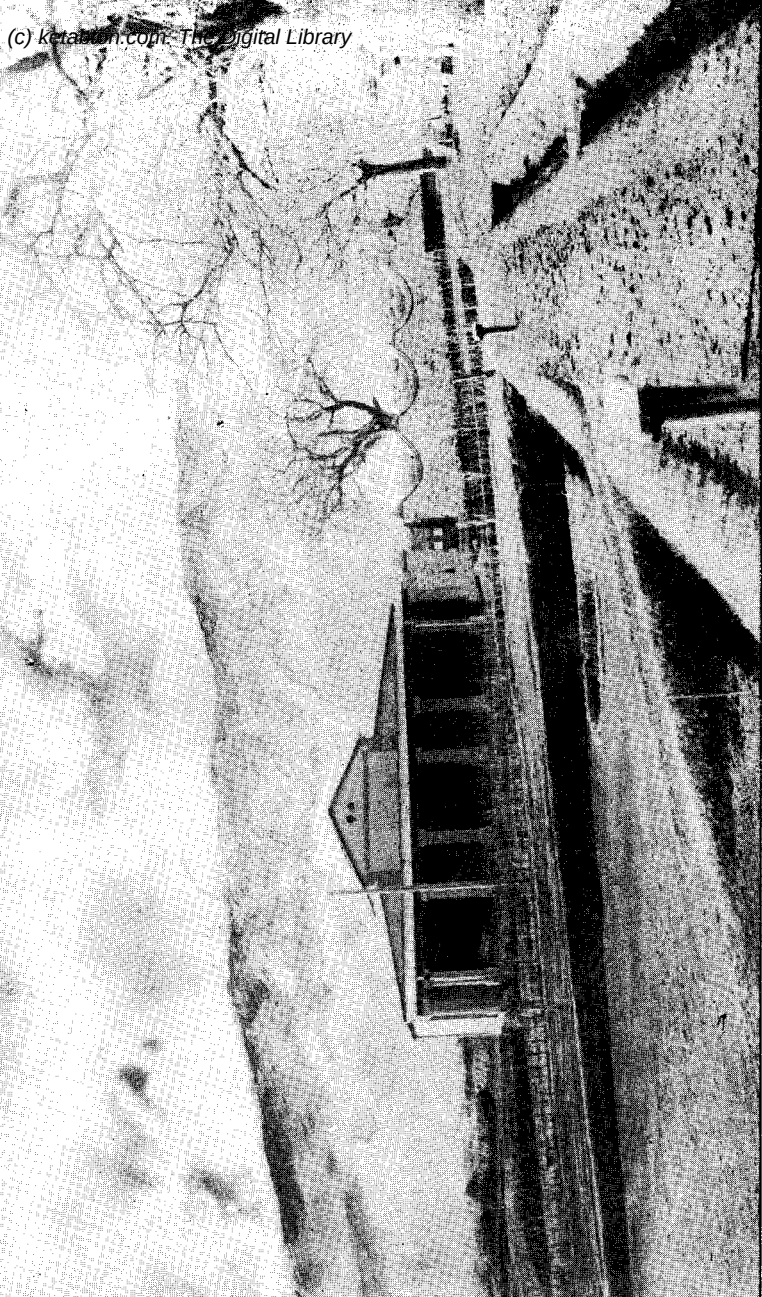
۱۰ :- استخدام دکتور متخصص اطفال و منظوری يك تعداد بستره برای اطفال مریض : در سال ۱۳۱۶ وزارت صحتیه یکتنفر دکتور متخصص امراض اطفال (عزتمند انفوس سوله) را از اطریش استخدام نموده و از مدتی است که این شخص وارد و بمعاینه و معالجه اطفال مریض می پردازد ، ولی چون در بعضی موارد ، لازم می افتد برخی از اطفال بصورت بستری تحت نظر متخصص موصوف زیر معالجه قرار داده شوند . از انرو وزارت صحتیه منظوری يك تعداد بستره را برای اطفال نیز حاصل نموده است تا اطفال مریضی را که دکتور لازم بداند بصورت بستری زیر معالجه و تداوی خویش قرار دهد .

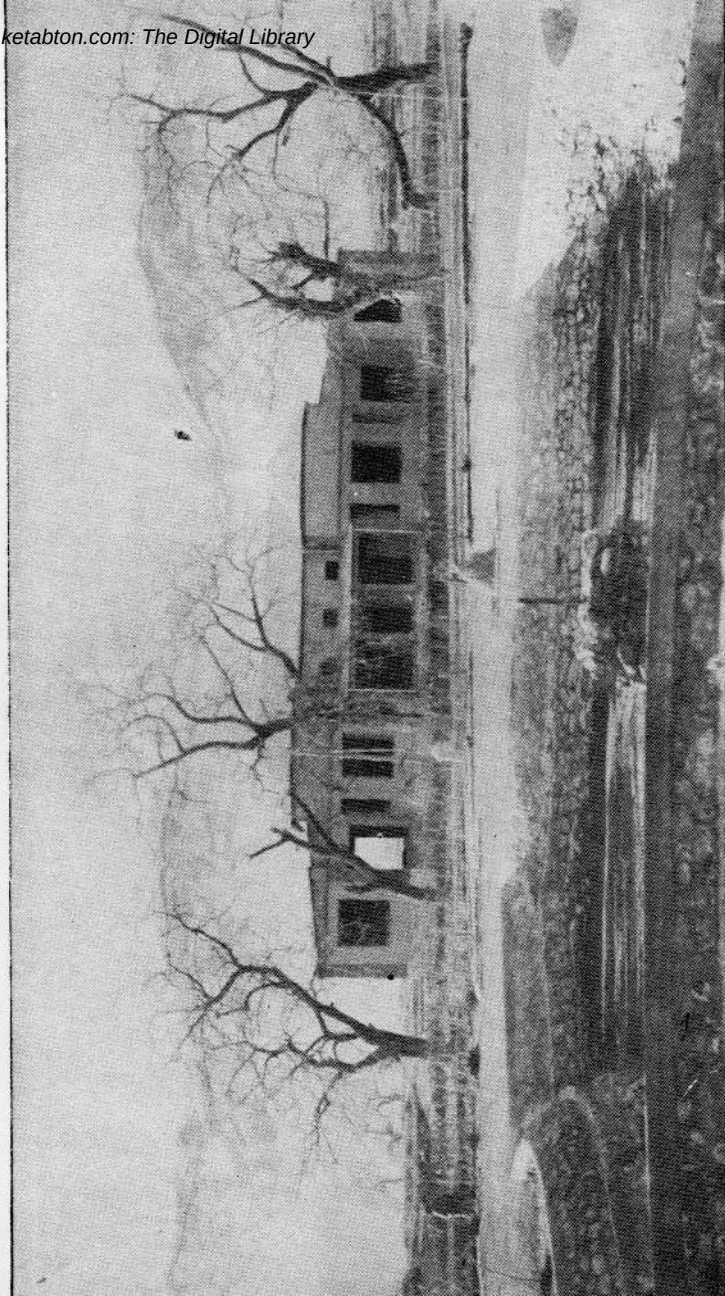
۱۱ :- کورس قابله گی و پرستاری : امسال نیز مانند سالهای گذشته یکمده از متعلقات کورس قابله گی شفاخانه مستورات و عنده از طلاب کورس کمپودری و پرستاری شفاخانه ملکی فارغ التحصیل گردیده و شهادتنامه های اصولی برای شان اعطا گردیده است تا بهر جا خواسته باشند بکار قابله گی و پرستاری بپردازند .

۱۲ :- توسیع صنوف قابله گی : چون از طرف اهالی یوما فیوما رغبت و تمایل زیادی باین شعبه بملاحظه رسیده و هر روزه تعداد داخله صنوف آن درتزايد میباشد ، امسال در صنوف قابله گی ایزاد بعمل آمده و تجویزی بکار برده شده است تا مراجعین بصنوف متذکره محروم از تعلیم و تحصیل نمانده و در هر مورد پذیرفته شده بتواند .

۱۳ :- در فهرست های تعیین اخذ اجرت ساخت و تداوی و پرکاری دندان متعلق بمؤسسات دندان سازی مردانه و زنانه مربوط وزارت

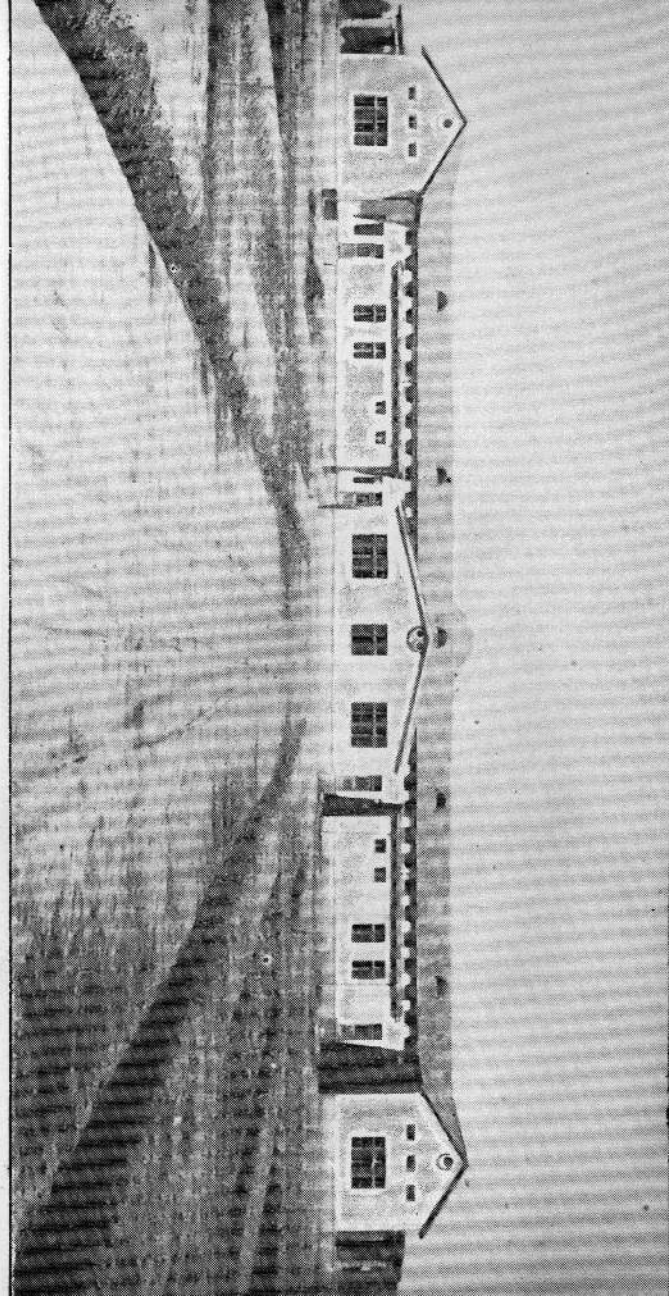
از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای مشرفی : دکان های مقابل باغ عمومی ماماخیل
Type des magasins nouvellement construits aux alentours des jardins publics de Mama-Khil
(Prov. de l'Est)





از عمرافات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای سمت مشرفی : هوتل باغ عمومی ما ما خیل
Hotel nouvellement construit à Mama-Khil (Prov. de l'Est)

از عمرافات سال ۱۳۱۶ صحی در ولایت مزار شریف : شفاخانه ملکی
Hôpital civil nouvellement construit à Mazari-i-Chérif



اجرا آت دوائر مملکتی

صحبہ تعدیلاتی وارد گردیده و امسال در بسیاری از قلمات آن نسبت بسال گذشته تنزیل بعمل آمده است .

۱۴ :- بر طبق معمول سنوات گذشته امسال نیز یاد داشت های متعلق بامور صحبہ برای ریاست بلدیہ صادر گردیده تا در قسمتهای مربوط ریاست موصوفہ در دست اجرا گرفته شود .

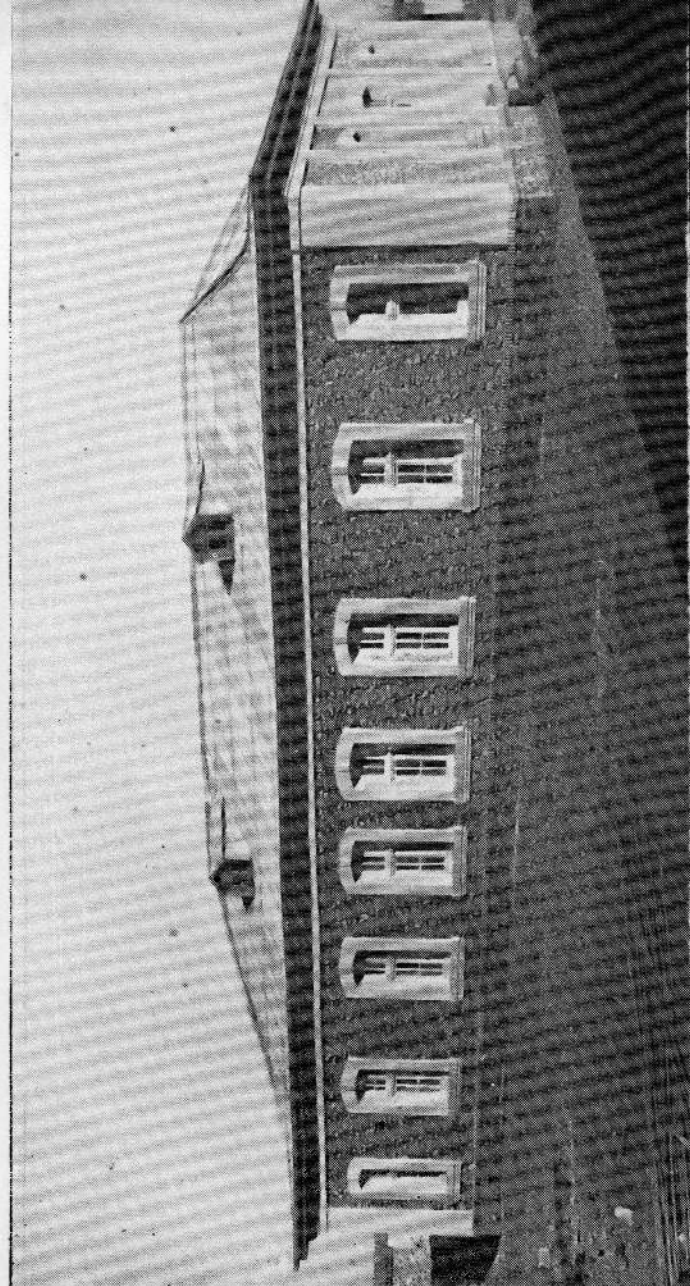
۱۵ :- در سال ۱۳۱۶ قرار معمول همه سالہ یک نفر دکتور و یک نفر کمپوندر با مقدار ادویہ و سایر مایحتاج صبحی حاج افغانی بطرف بیت اللہ شریف اعزام گردیده و دکتور آن آقای سید رشید الدین خان مقرر شده است .

۱۶ :- در سال ۱۳۱۶ یک عده تعمیرات دیگری نیز در جنب عمارت شفا خانہ ملکی علی آباد کہ ملحق بشفا خانہ موصوف میباشد اعمار گردیده است .

۱۷ تفقشات و تعقیباتیکہ وقتاً فوقتاً از طرف شعبہ تفقش مدیریت مشاورہ فنی وزارت صحبہ را جمع بہ امور مختلفہ و خصوصاً شرکت های دوا فروشی بعمل آمده می رود نتائج خوبی داده و اکنون تمام کارهای شرکت های دوا فروشی حسب هدیایات و مقررات اصولنامہ دوا خانہ ها بہ محور خویش دور میزند .

۱۸ :- مسئلہ تطبیق خال چیچک کہ در هر سال از ضروریات امور صحبہ بشمار میرود در سال ۱۳۱۶ نیز در تمام نقاط دور و نزدیک مملکت تطبیق گردیده و تعداد مخال زده شدہ گان آن بالغ (۱۳۳،۸۱۵) نفر میشود .

۱۹ :- مدیریت مشاور فنی نظر بہ کثرت وظائف خود منقسم بہ سه شعبہ ذیل گردیده است : شعبہ شناوری ، شعبہ تفقش : شعبہ ترجمانی .



از موسسات سال ۱۳۱۶ وزارت صحبہ در ولایت کابل: شفا خانہ ملکی چاریکار
Hopital civil nouvellement construit à Tcharikar (Prov. de Kaboul)

[illegible]

اجر آت دوائر مملکتی

ص ، فقیر محمد خان بحیث دکتور در شفا خانہ ملکی
 » ، عبدالغنی خان » » »
 » ، نوروز علیخان » » »
 » ، میر غلام حسین خان » » »
 » ، محمد اسمعیل خان » » مو سسه با کتر
 » ، عبدالرحمن خان » » شفا خانہ ملکی
 هفت نفر ذیل فارغ التحصیلان سال ۱۳۱۶ مکتب طبیبی میباشند .
 ص ، فقیر محمدخان بحیث معاون دکتور در شفا خانہ ملکی
 » ، سید محمدخان معاون دکتور بکفالت مدیریت صحیہ لہو کرد
 » ، عبدالمجید خان » مو سسه با کتر .
 » ، سید رضا خان به فاکولتہ طبیبی جهت تکمیل تحصیلات مقرر شدہ .
 » ، میر مستحق خان بحیث معاون دکتور در شفا خانہ عقلیہ وعصیہ
 » ، عبدالخالق خان » » » ملکی
 » ، عبدالغنی خان » » بکفالت مدیریت صحیہ جنوبی
 دو نفر ذیل فارغ التحصیل مکتب گمیا گری و دواسازی شعبہ
 فا کولتہ طبیبی میباشند کہ بدیریت دوا خانہ عمومی مشغول ستاژ اند .
 ص ، محمد حیدر خان بحیث دواساز در دواخانہ عمومی
 » ، محمد رسولخان » » »

امور پست ، تلگراف و تیلیفون

آ ن در هیچک از شئون ملی و دولتی ترقی و پیشرفت صحیح بعمل آمده نمیتواند ، همانطوریکه در این دوره چند سال اخیر مورد توجه

ج :- بای عا کف مستحضر اخذ و اکسین کولیرا (و بای هیضه)
 ه :- عزتمند علی محمد خان سرکپو ندر دوا فروشی مرکزی و و اخانه
 عمومی که از مدتی در افغانستان بچیت معاون دکتور ایفای وظیفه نموده
 و اخیراً بوظیفه سرکپو ندری تقرر یافته بود نسبت به سفیدی محاسن و
 ضعف جسمانی او از کار برطرف و بوظیفه مرخص گردید و لی نظر
 به سابقه خدمت طولانی او در افغانستان از طرف مقامات صالحه معاش
 کافی بطور مستمری برایش تعین گردیده و تجویز شده است تا توسط
 وکالت التجار افغانی مقیم پشاور ماهوار برایش پرداخته شود .

۶ :- عزتمند دکتور سید سعدالله شاه خان برای مدت دو سال استخدام و بوظیفه دکتور مدیریت شفاخانه هرات مقرر گردیده است .

۲۸ :- اقدامات راجع به استخدام ۴ نفر متخصص ذیل :

الف : صورت استخدام یک نفر متخصص امراض ساریه
ب :- « » « » « » « »
ج : « امراض داخله برای ریاست بلدیہ
د - صورت استخدام یک نفر متخصص رونگن (برای موسسه اکسیر)

مقرریها و ترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت صحیه :

ص، عبدالرحیم خان معاون دکتور بمعاونی فنی شعبہ نفتیش مدیریت مشاوری وزارت .

ص ، عبدالهادیخان بحیث سرتیران در شعبهٔ ترجمانی » »
(هشت نفر ذیل فارغ التحصیلان ۱۳۱۶ فاکولته طبی میباشند
که مشغول ستاژ اند) .

ص ، محمد اسمعیل خان بحیث دکتور در شفا خانہ ملکی
» ، عبدالرحمن خان » » عقلہ و عصیہ

سالنامه « کابل »

خصوص واقع شده در سال ۱۳۱۶ بیش از پیش بسط و توسعه یافته و موسسات مخبراتی بزرگی که از هر رهگذر حوائج حالیه و آینده ما را تکمافو کرده بتواند - تاسیس و خطوط مواصلات پستی، تلگرافی و تلیفونی تقریباً در تمام نقاط مملکت امتداد یافته است. خلاصه اجراءات مهمه سال ۱۳۱۶ و وزارت پست و تلگراف و تلیفون قرار ذیل است:

شعبه ارتباط خارجی:

۱- تبدیل رنگ پستی ۴۵ پولی از آبی بسرخ و ۷۵ پولی از سرخ به رنگ آبی مطابق باصول بین المللی و توزیع دو نوع تکت های مذکور توسط دفتر بین المللی پستی برن به ممالك عضو اتحادیه پستی بین المللی.

۲- تهیه و طبع تکت پست یادگاری و بنجاه پولی بنفش بمناسبت جشن استقلال سال ۱۹ که دارای تصویر اعلیحضرت محمدنادر شاه شهید میباشند.

۳- قبول تبادله پسته های سربسته وارده از جاپان.

۴- « » « » « » « » « » فرانسه

۵- شمولیت افغانستان بقرار داد پارسل پستی توسط وزارت مختاری افغانی مقیم پاریس و اشعار اطلاعات لازمه آن بدفتر پستی بین المللی برن.

۶- افتتاح تبادلۀ پارسلات پستی باخارج از راه هند از تاریخ اول فروری ۱۹۳۸ (۱۳ قوس ۱۳۱۶).

۷- اخذ ترتیبات برای محصولات تلگرافی حقوق ممالك خارجه

اجراءات دوائر مملکتی

از نوائر رسمی حکومتی از تاریخ اول جنوری ۱۹۳۸.

۸- اقدام برای خریداری یکپایه ماشین اخذ حوادث جوی.

۹- موافقه باهند بر تبادلۀ پسته مستقیماً بین دفاتر پستی کابل و پشاور و سرعت مواصلت پسته ازین رهگذر - تبادلۀ پسته قبلاً در دفاتر پستی سرحدی در صورتی که کوتل صورت گرفته و ازین رهگذر بتاخیر می انجامید.

شعبه پست:

۱- خریداری و توزیع مواهیر پستی برای شصت و شش پسته خانه های مربوطه ولایت که نظر به توسعه امور پستی جدیداً فرمایش داده شده.

۲- خریداری شش عراده موتر شنی (کوه گرد) جهت حمل و نقل پسته در نقاط ناهموار.

۳- خریداری و توزیع تعداد موتر های پستی و بکار انداختن آن در خط قندهار و قلعن و بدخشان و پشاور و غیره.

۴- تاسیس پسته خانه دریل خمری.

۵- تعدیل صدور پوسته سمت قندهار و فراه از هفته يك مراتبه به هفته دو مراتبه.

۶- چالانی پسته بین اندخوی و شیرخان.

۷- رسانیدن مقررات امور پستی به تصویب موسسات تقنینیه و طبع و توزیع اصولنامه پستی.

شعبه تلگراف و تلیفون:

۱- تکمیل کار نصب تلگراف خانه های بزرگت بیسم آخذه و مرسله در کابل که با تمام دنیا مخابره کرده میتواند و هر دو تلگراف خانه مذکور افتتاح شده است.

۲ - افتتاح تلگراف خانہ یسیم مزار شریف .

۳ - مینه و تکمیل عمارت آن

۴ - « « « دایز زنگی

۵ - خریداری چهار عدد ماشین امپلی فایر (بزرگ کننده صدا)

برای مخابرات تلفونی بین کابل و فراه و هرات و نصب و بکار انداختن آنها.

۶ - خریداری سامان کیپل (سیم زیر زمین) برای تلیفون‌های

شہر و تورید و نصب آن .

۷ - تمديد سیم تیلیفون جدید به مقامات ذیل .

الف ولایت کما یل :

از مرکز کهر د تا سیغان بطول ۲۴ کیلومتر (در شرف تکمیل است)

» غزنی تا وازخواه کتواز بطول ۱۵۱ کیلومتر (از راه ناوه

سکیر و مر جانی ۱

از مرکز کیتواز تا امتہ بطول ۴۰ کیلومتر .

از مرکز جلد در تا آهنگران بطول ۳ کیلومتر.

ب : ولایت قندھار :

۱- برای فرقه عسکری سیم تلیفون با اصول اساسی تمهید و سوچ

نصب گردیده که مخاбре آن بخوبی جاریست .

۲- بعلاقه داری دامان به پایه‌های چوبی سیم تمديد و تيلفون هم

گردیده مخا بره آن جاریست مسافه ۲۴ کیلو متر .

۳- در داخل شهر به دوائر رسمی و تجارت خانه ها و منازل

ی یک تعداد تیلیفون محصولی نصب شده است .

ج : ولایت ہرات :

۱- اصلاح سیم های عمومی تلفون .

از موسسات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت پست و تلگراف در کابل : منظره داخلی دستگاه پستی
La nouvelle station expéditrice de T.S.F. (communicant avec le monde entier) à Kaboul

La nouvelle station expéditrice de T.S.F. (communicant avec le monde entier) à Kaboul

١٠٠

۲- مأموریت هتل ها نظر بوسعت کارهای مذکور بمدیریت تبدیل وتشکیل یافته است.

۳- در پست مدیریت تلگراف و حمل و نقل پوسته يك اندازہ مأمورین اضافه شده.

مقررینا وترقیعات سال ۱۳۱۶ وزارت پست وتلگراف وتیلفون : ع ، غلام جبلانی خان سابق مدیر حمل و نقل پوسته ترفیعاً به مدیریت عمومی حمل و نقل .

ص : عبدالخالق خان سابق مدیر شعبه تلگراف وتیلفون تبدیلاً بمدیریت حمل و نقل پسته .

ص ، امین الله خان مأمور شعبه هواتلها ترفیعاً بمدیریت شعبه تلگراف وتیلفون .

ص ، احمد شاه خان مدیر ابتدائی شعبه پست ترفیعاً بحیث مدیر انتهایی ص ، عبدالعزیز خان مأمور فابریکه ترمیم موترها باشر وسعت یافتن تشکیلات فابریکه مذکور ترفیعاً بحیث مدیر ابتدائی فابریکه مذکور ص ، غلام دستگیر خان سابق سرکاتب هواتل کابل ترفیعاً بمأموریت هواتلها .

امور زراعت وفلاحت

امور زراعت از لحاظ زراعتی بودن افغانستان ، یکی از شعب درجه اول اقتصادی مملکت را تشکیل داده خیلی طرف توجه حکومت متبوعه ما واقع میباشد ، از همین جهت است که در سال ۱۳۱۶ نظر به نقشه هایی که حکومت متبوعه نسبت به بسط وتوسعه آییند زراعت سنجدیده است امور زراعت از وزارت تجارت منفک وبصورت يك ریاست مستقل تشکیل

عایدات هواتل مذکور در سال ۱۳۱۶ نسبت به ۱۳۱۵ (۲۵) فیصد زیاد شده است .

۲- تعمیر گاراجها و دکانهای هواتل دوآب میخ زرین که در شرف تکمیل است .

۳- تعمیر هواتل جدید در استاف که در شرف تکمیل است .

۴- ترمیم هواتل بهار و هواتل فرح یغمان .

۵- شروع تعمیر يك هواتل عصری جدید در میمنه .

فابریکه ترمیم موتر :

این فابریکه که برای ترمیم عماره ها و بعضی کارهای بسته کاری وغیره از چند سال باینطرف تاسیس واز دوسال باینطرف بر وزارت پست وتلگراف مربوط گردیده ، در سال ۱۳۱۶ يك عده ماشین های جدید دران بکار افتاده واز طرف دیگر درنرخها تنزیل زیادی داده است . چنانچه درین اوقات عده مراجعین خیلی بلند رفته وضمناً موترهای پوسته نیز دران همواره ترمیم شده ومیشود و علاوه از کار ترمیم موتر يك عده کارهای بسته کاری وغیره نیز در فابریکه مذکور انجام میگردد . از روی احصائی که مدیریت فابریکه ترتیب داده کارکردگی سال ۱۳۱۶ نسبت به سال ۱۳۱۴ فیصد (۶۰۰) ونسبت به ۱۳۱۵ فیصد (۴۰۰) اضافه شده وهم تناسب عایدات بامصارف بتدریج نزدیک و اخیراً پله عایدات بلند رفته است .

اجرا آت متفرقه :

الف : تشکیلات و تعدیلات اداری :

۱- تشکیل مدیریت عمومی حمل و نقل برای کارهای حمل و نقل دولتی

۲- از برج مجرای آب ۴۰۰۰ متر مکعب یخته کاری از سنگ خشتی و سمنت بعمل آمده است .

۴- بند زنه خان غزنی : کار این بند قریب اختتام بوده دروازه و نل بند نصب شده که در سال ۱۳۱۶ یک مقدار آب در آن ذخیره شده و البته برای سال آینده کاسه بند بدرجه کافی مملو خواهد شد .
حجم تعمیر بند قرار بر آورد مهندس - ۴۵،۷۵۲ متر مکعب است
حصه کار شده گی از ابتداء تا حال ۲۴،۱۱۵ متر مکعب کار باقی مانده از روی متر مکعب قرار ذیل است :

یخته کاری چونه و ریگ ۱۰،۵۰۰ متر مکعب .

حصه کار کانکرت ۱۸۳ متر مکعب .

کار سنگ پارچه و سمنت و ریگ ۹۵۴ متر مکعب .

۵- بند مچلغوی سمت جنوبی : یک حصه مهم کار تهداب بند مچلغو با تمام رسیده چون جسم بند به نسبت بند های دیگر خورد تراست ممکن که بمدت سه سال دیگر بند مذکور با تمام برسد . حجم یخته کاری بند مچلغو قرار بر آورد مهندس - ۴۰،۳۲۶ متر مکعب است
حصه خام کاری - ۱۴،۲۰۰ متر مکعب حصه یخته کاری که از شروع تا حال شده است ۱۶۷۶ متر مکعب حصه یخته کاری باقی مانده ۳۸،۶۵۰ متر مکعب حصه خام کاری باقی مانده ۶۹۰۰ متر مکعب .

۶- نهر سراج مشرقی : کار های نهر سراج مشرقی از قبیل تعمیر بروقهای جدید و ترمیم بعضی حصه های نهر مذکور و پاک کردن نهر احتیاطات لازمه گرفته شده در وسعت اراضی قابل الزرع و آبادی نهر مذکور افزوده خواهد شد .

ب- امور باغها و نباتات : در باغهای مربوطه بسلسله سابق

یافته و ج ، میر محمد یوسف خان سابق مدیر مکتب زراعت که در فرانسه به شعبه زراعت تحصیل کرده اند ، بریاست مذکور مقرر در قطار اعضای کابینه شامل شده و نیز یک تشکیل نسبه و سیمی برای اداره امور زراعتی منظور و متخصصین فنی در رأس هر کدام تعیین گردیده است .
خلاصه اجراآت سال ۱۳۱۶ شعبات زراعتی قرار ذیل است :

تبصره : چون ریاست زراعت در اخیر سال تشکیل شده اجراآت ذیل عبارت از همان اجراآت است که در تحت اثر وزارت تجارت بعمل آمده .
الف امور بندها و انهار : امور بندها که در سالنامه گذشته تفصیل داده ایم درین سال محض کار کرده گی سال ۱۳۱۶ آن را بیان میکنیم :
۱- بند سراج غزنی : کار تعمیر این بند سابق ختم و یک مقدار آب کافی در آن همه ساله ذخیره میشود در وازه و نهای آن که جدید از خارج خواسته شده عنقریب رسیده نصب خواهد شد تنها بعضی ترمیمات و درز گیری آن در هذالسنه بعمل آمده .

۲- بند خروار لوگر : درین حال کار ساختنانی مذکور جریان داشته صورت کار کرده گی مذکور قرار ذیل است :

سنگ کاری از جمله ۶۰،۰۰۰ متر مکعب که بر آورد شده -
از ابتداء تا کنون ۳۰،۰۰۰ متر مکعب آن با تمام رسیده و ۳۰،۰۰۰ متر مکعب باقی مانده یخته کاری از جمله ۱۲،۰۰۰ متر مکعب که بر آورد شده -
۷۰۰۰ متر مکعب تمام و ۵۰۰۰ متر مکعب یخته کاری با ۹۰۰ متر مکعب سمنت کاری باقی مانده .

۳- بند قرغه : صورت کار شده گی سال ۱۳۱۶ قرار ذیل است :

۱- از جمله ۷۳،۶۰۰ متر مکعب حجم دیوار بند از ابتداء تا حال ۲۵۰،۰۰۰ متر مکعب تکمیل و ۴۸،۶۰۰ متر مکعب باقی مانده -

تجارب فنی برای اصلاح نباتات بعمل آمده متخصصین جاپانی و غیره بکمک طلبه افغانی در هر حصه برای کشت اجناس جدید و تربیه بچوانات و اصلاح نباتات صرف مساعی کرده اند خصوصا موسیواروزاکی جاپانی در حصص یغمان و چهاردهی برای زراعت نهال های جنگلی از قبیل پسته ، ارغوان ، بلوط ، اکاسی و اقسام صنوبر و بته های چای و تنباکو و غیره تجارب خود را شروع کرده است .

ج - تربیه کرم پيله : متخصص کرم پيله ، تجارب خود را بالای تربیه کرم پيله شروع نموده از روی معلومات و تجارب که اخذ نموده است پروگرام کار و حوایج خود را برای سال آینده پیش نهاد نموده در سال ۱۳۱۷ انشاء الله نتایج اطمینان بخشی حاصل خواهد شد .

د - تربیه گوسفند مری نوس و انتشار نسل آن در افغانستان : در سرکز و مزارشریف و قطغن و میمنه و هرات و قندهار که به تفاریق یکعده فوج و میش مری نوس از خارج خریداری و فرستاده شده نتایج محصوله اطمینان بخش است و در ولایات و سرکز چوچه ها ئیکه از جنس مری نوس و وطنی حاصل شده است خیلی باصل جنس مری نوس مشابه دارد و به این قسم يك عده زیاد چوچه حاصل شده است .

ه - نهال شانی : نهال شانی باساس توصیه و تشویقات ذات اشرف ملوکانه و توجهات فائبالحکومه ها و حکام اعلی و حکام کلان و حکام ثلاثه و غیره ماورین مربوطه خیلی وسعت یافته و از روی احصائیه های مرتبه معلوم میشود که در سال ۱۳۱۶ نهال شانی نسبت به سال ۱۳۱۵ روی همرفته در تمام افغانستان زیاده از (۲۴) فیصد ترقی کرده شرح ذیل :

(۱) ولایت کابل (۲۰) فیصد

(۲) قندهار (۱۱) »

(۳) ولایت هرات (۳۰) فیصد

(۴) » مزار شریف (۲۵) »

(۵) » قطغن و بدخشان (۱۵) »

(۶) حکومت اعلائی سمت مشرقی (۱۲) »

(۷) » » جنوبی (۸) »

(۸) » » میمنه (۷۰) »

(۹) » » فراه و چغانسور (۲۰) »

و - اجراآت متفرقه زراعتی در ولایات :

ولایت کابل :

- ۱ - غرس اشجار در تمام نقاط ولایت کابل که چه بروز های قلبه کشی و چه در باقی مواسم از طرف حکومت و اهالی بعمل آمده .
- ۲ - غرس اشجار در دوطرفه سرك های جدید الاحداث و سابق .
- ۳ - منع قطع اشجار در بعضی نقاط مثل یغمان و غیره .

ولایت قندهار ،

- ۱ - زراعت پنبه درین سال در ولایت قندهار نتایج بهتری داده و هیئت های متخصصین کشت زار های پنبه را جهت معلوم کردن نواقص آن ملاحظه کرده اند .
- ۲ - احداث باغها در سرکز قندهار و تشویق اهالی به ساختمان باغچه های شخصی

ولایت هرات :

- ۱ - مدیریت فوق العاده جنگلات بر اثر پینشادات مدیریت زراعت در مناطق باد غیسات تشکیل و بیست و دو خروار هرات پسته جمع کرده کی خود را در اراضی باد غیسات بذر نموده و پسته های

لك ها قلمه چنار و بيد شانده شده كه هر باغ در قسمت خود باعث زينت همان محل گرديده و حالا شكل يك نفر جگه عومى را بخود گرفته اميد است كه در ظرف شش يا هفت سال اهالى هر منطقه و هم حكومت از آوردن و رساندن چوب كنار آمد عمرانات از يك نقطه به نقطه ديگر بالكل فارغ و مستغنى شده احتياجات هر شهر و محل از خود همان جنگل باغ حاصل شود و هم حاصل درختان مثر آن باعث استفاده زياد خواهد شد.

و لايت قطن :

۱ : مقدماتي كه براي توسيع زراعت پنبه سال ۱۳۱۶ اين ولاسنجيد شده بود ، تخمين كرده مى شد كه عايدات پنبه امسال قطن و بدخشان بدرجه متوسط ميزان ده مليون سیر را كه معادل هفتاد و يک هزار سيصد و پنجاه و هفت تن ميشود شامل خواهد شد ، متأسفانه باشر عارضه (گرد) كه يكي از آفات مدمش زراعتی است پنبه در وقتيكه گل كرده بود دچار نقصان گرديد . معذالك به اندازه (بيست و يك) لك سیر پنبه عايدات آن بدست آمد كه اين مقدار سه برابر عايدات پنبه سال ۱۳۱۵ ميباشد .

۲ : حاصل تريك بدخشان درين سته به ترفیات معقولى نایل گرديده و رو به رفته چهارونيم برا بر عايدات سال ۱۳۱۵ تفوق جسته است

۳ : يكي از اجراآت سال ۱۳۱۶ اصلاح نهر (جوزون) واقع فيض آباد بدخشان ميباشد ، چون دريای كو كچه برمين های فيض آباد آب داده نمیتواند و آب جوزون نیز مجرای درستی بداخل شهر موصوف نداشت لهذا باشندگان شهر فيض آباد از اين رهگذر احساس تكميليف مينمودند .

و ، ج شیر محمد خان نائب الحكومه قطن در حين افتتاح سرک

بذر شده سال گذشته و جنگلات سابقه پسته را بخوبی محافظه کرده است و هم پسته حاصله را بخوبی محافظت کرده تا پخته شويه و از ان رهگذر فايده ملي و تجارتي بعمل آمده است .

۲ - برای ترويج بادام مقدار سه خروار بادام بحكومت كلان غورات ارسال شده تا در نقاط لازمه بذر گردد .

۳ - تخمين پنجهزار جريب زمين موسوم بفرق زنده جان كه ريكرار و لامزروع بوده امسال برای زراعت تحت نظر گرفته شده كه تخمين (۵۰۰) جريب آن پسته و بادام بذر شده و در ديگر حصه آن خنچك و كاسور و عتاب و انجير وغيره بذر و غرس خواهد شد .

۴ - باصر اف پل پنتون كه كناره های درياست باندازه پنجمصد جريب زمين برای احداث جنگل در نظر گرفته شده است :

۵ - از سبب كم رسی آب به تخت سفر تعمير يك حوض ۳۶ بر ۲۵ متر در نظر گرفته شده كه در مرتبه دوم آن بشكل سه مرتبه ساخته و پخته كاری شود.

ولايت مزار شريف :

بتأسی افكار بهی خواهانه حكومت متبوعه باحداث جنگل باغ های بزرگ در چند حكومات محليه كه زمين مساعد و آب بقدر كفايت موجود مى شد اقدامات لازمه شروع و تا درجه موفقيت حاصل شده است به اين تفصيل بحكومات بلخ ، دولت آباد ، اققه ، شبرغان ، سر پل تا شقرغان ، درين شش حكومتی در مواضع قريب مرا كنز از دو صد و پنجاه الى سه صد جريب زمين يك يك باغ بزرگ جنگل و ذخيره احداث شده ترتيب خيابانها و تقسيمات چمن های آن هم به بسيار وضع درست اجرا شده و در هر باغ به تعداد زياد نهال های مثر و به

بدخشان این مسئله را تحت مطالعه در آ ورده امر دادند که بصورت فنی نهر مذکور وسعت داده شود و بجریان آب مساعد گردد بهمان اثر نهر مذکور آ باد و برای آ بیاری شهر فیض آ باد مساعدت درستی بعمل آ ورد .

۴ : سابقا تمام اراضی حضرت امام صاحب از نهر شهر و آن مشرب و ب میگردد ، چون سلسله آ بادی اراضی و پیشرفت زراعت درین سنوات آخر در امام صاحب زیاد گردید - بدیهی است تنها نهر شهروان به آبیاری کل اراضی وسیع امام صاحب کافی شمرده نمی شد ، لذا از طرف ولایت نقشه به آ بادی نهر کنم که در شرق حضرت امام واقع بوده و از دریای آمو آب میگردد ترتیب و در حدود این سنه تا اندازه ۱۸ کیلومتر (شش کروه) به عرض (چهار) متر حفر و ظرف استفاده صحیح زراعتی قرار داده شد .

حکومت اعلا ی مینه :

۱ - غرس نهال های مشرب و غیر مشرب در نقاط مختلفه حکومت اعلا ی به تعداد (۱۰۰۰۰۰۰۰) اصله .

۲ - بندر تخم پسته در نقاط مختلفه

حکومت اعلا ی فراه :

۱ - غرس نهال های زیاد در مرکز فراه و باقی مراکز مهمه که چه از قسم اشجار مشرب و چه از قسم اشجار غیر مشرب که بصورت باغهای ذخیره ساخته شده .

۲ - زراعت پنبه در چغانسور که نتایج آن در سال ۱۳۱۶ نسبت به سال ۱۳۱۵ خیلی اطمینان بخش بوده و برای صادرات مقدار کلی پنبه تهیه شده است .

مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۶ ریاست زراعت :

ع ، ص نور محمد خان متخصص زراعت به معینی ریاست .

ص ، محمد اسلم خان سابق مستوفی ولایت قندهار به مدیریت

کمتر ول ریاست .

ص ، نادر علیخان سابق وکیل شورای ملی به مدیریت مأمورین

و اجرایه ریاست .

امور معادن

امور معادن که یکی از مهمترین بحث اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد ، خوش بختانه از مدتی باینطرف مورد توجه حکومت متبوعه واقع و جهت کار انداختن ذخائر تحت الارضی و طبق ترتیبات لازمه گرفته شده ، چنانچه برای این مقصد ریاست مستقله معادن بنابرگی تشکیل و مشغول طرح پلانهای مهم و اقدامات بزرگی میباشد .

اجرا آ تیکه در مرور سال گذشته در امور معادن تحت نظر

وزارت تجارت بعمل آمده یکنو انعقاد قرار داد استخراج معادن جنوب است بایک شرکت افغان و المان و دیگر کار انداختن معدن ذوغال غور بند که برای داشهای خشت پزی و غیره مصارف مقدار زیاد ذوغال بمرکز آورده شده است .

اعطای نشان

فهرست نشانهایی که درمور سال ۱۳۱۶ از حضور اعلیحضرت
همایونی اعطا گردیده :

(۱) برای ۱۵ کتلهنری هراس اسپانیولی مستشرق و مدیر دارالفنون بمبئی
بموجب اعتبارنامه نمبر ۱۵۳ تاریخی ۲۹ ثور نشان درجه دوم معارف .

(۲) برای ۱۵ کتله کورت تسمیکی و زیر مختار دولت امان
بموجب اعتبارنامه ۴۵۴ تاریخی ۱۶ سنبله نشان سردار عالی .

(۳) برای عزتمند ظفر حسن خان سرمعلم تویچی مکتب حریره
بموجب اعتبارنامه نمبر ۱۱۸۹ تاریخی ۵ میزان نشان استور درجه سوم .

(۴) برای ع ، ج عبدالرحمن عزام وزیر مختار دولت شاهی مصر
بموجب اعتبارنامه نمبر ۵۹۷ تاریخی ۱۶ عقرب نشان سردار عالی .

(۵) برای عزتمند بروفیسر بای حسن رشاد رئیس فاکولته طبیه
بموجب اعتبارنامه نمبر ۶۷۹ تاریخی ۲۹ قوس نشان استور درجه اول .

(۶) برای عزتمند دکتور بای رفقی کامل دکتور حضور و مشاور
طبی وزارت صحیه بموجب اعتبارنامه نمبر ۶۷۸ تاریخی ۲۹ قوس
نشان سردار عالی .

(۷) برای ع ، ج کیتا دا و زیر مختار دولت جاپان بموجب
اعتبارنامه نمبر ۸۳۱ تاریخی ۱۷ دلو نشان سردار عالی .

۸ عزتمند مایور شانک المانی سرمعلم کورس عالی حریره بموجب
اعتبارنامه نمبر ۲۰۸۸ - ۲۹ حوت ۱۳۱۶ استور درجه دوم .

مجلس شورای ملی

تصویبات سال ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی
معاهدات و قرار داد ها :

۱ : معاهده عدم تعرض بین ممالک چهارگانه افغانستان ، ترکیه ،
ایران ، عراق .

۲ : پروتوکول تمديد معاهده مودت بین دولت شاهی افغانستان
و دولت جمهوری تورکیه .

۳ : معاهده مودت بین افغانستان و حکومت چکسلواکی .

۴ : معاهده مودت بین افغانستان و دولت جمهوریه لیبیه .

۵ : قرار داد تجارتي دولت افغانستان و دولت جمهوری چکسلواکی .

۶ : قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلیند اکسپورشن
کمپنی) امریکائی .

۷ : قرارداد امتیاز معادن افغانستان با شرکت مختلط افغان و المان .
اصولنامه ها :

۱ : اصولنامه تولید ادویه مخدره در افغانستان .

۲ : « صکوکات و تنکتهای محصولی .

۳ : « تلگراف .

۴ : لایحه صنعت زرگری .

ضمایم اصولنامه ها :

۱ : تعدیل اصل ۲ ضمیمه نمبر اول اصول اساسی مملکت .

۲ : ضمیمه اصولنامه خزائن راجع به ضمانت و وکالت خزینه داران .

۳ : « « بلدیة در موضوع تعیین مرجع انتخاب مأمورهای

حکومات کلان و سایر حکومتات تصویب بودجه سال ۱۳۱۶ مملکتی .

مجلس اعیان

تصویبات سال ۱۳۱۶ مجلس اعیان:

معاهدات ها و قرار داد ها :

۱۔ معاہدہ عدم تعرض بین ممالک چہارگانہ افغانستان، ترکیہ، ایران، عراق۔

۲۔ پر و توکل تمديد معاہدہ مودت بين دوات شاہي افغانستان و

دولت جمهوریه ترکیه .

۳۔ معاہدہ مؤدت بین افغانستان و حکومت چکسلواکی .

۴۔ معاہدہ مودت بین افغانستان و دولت جہوریہ لیبریہ .

۵۔ قرارداد تجارتی دولت افغانستان و دولت جمهوریه چکسلواکی .

۶- قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلند اکیپلو ریشن

کمپنی (امریکی)

۷- فرا داد امتیاز معادن افغانستان با شرکت افغان و آلمان .

اصول نامه ها :

۱- اصولنامه توریید ادویه مخدیره در افغانستان .

۲- « صکوکات و تکت های محصولی .

۳۔ » » تلگراف .

۴۔ لاجہ صنعت زرگری .

ضمائم اصولنامه ها :

۱۔ تعدیل اصولی ۲۔ ضمیمہ نمبر اول اصول اساسی مملکت .

۲- ضمیمه اصبه لنامة خزائن راجع بضمانت ووكالت خزائن داران .

۳- « « « ملته در موضوع تعیین مرجع انتخاب مامورهای

حکومات کلان و سائر حکومت تصویب بود چه سال ۱۳۱۶ مملکتی.

بلذیہ کا بیل

۱ - خرید چندین عمده موترهای لاری برای امور عمل و نقل بلد.

۲ - اقدام توربد يك دستگاہ ماشین مسلخ برای زنگه داشت

(۴۰,۰۰۰) گوسفند ، گاو ، گوساله ، ترکیاری و میوه جات و غیره

که بسال ۱۳۱۷ ساختمان آن شروع خواهد شد .

۳- همکاری در تاسیس شرکت عمران جهت ساختمان عمارت جدید در شهر.

۴- همکاری در تأسیس شرکت ارزاق جهت توزیع مقدار کافی

ارزاق و ازوقه جات .

۵ - تهیه (۵۰۰) خروار روغن برای مصارف زمستان شهر

و دوائر رسمی .

۶ - ساختمان پنجاب مسجد در شهر .

۷ - تعمیر چندین آب روهای گذرهای شهر و ترمیمات نلها و جادها.

۸ - خرید و انهدام خانه های ده افغانان برای کشیدن يك

سرك جديد از پيش روى ولايت كابل الى چهار راهى متصل مجلس اعيان .

۹ - تخریب دکانهای دورگنبد کوتوالی برای کشیدن یکسره اساسی.

۱۰ - خریداری يك تعداد خانهای اهالی واقف اب دریا و برج وزیر

و تخریب آن برای توسیع سرك تعمیر ایارتمانها مطابق حصه مقابل آن .

۱۱ - پخته کاری سرک های جدید شهر نو.

۱۲- نورمایش نلہای بزرگ آہنی برای موضع شادوشمشیرہ وباغ عمومی.

۱۳ - ترمیمات و اصلاحات سرکها و فرش ریگت به تمام جاده های بزرگ شهر.

۱۴- وضع مقررات برای حفظ الصحة دكانهای خورا که فروشی.

مطبوعات وطن

جرائد و مجلات حاضر.

اسم	سال تاسیس	مدیر فعلی
جریده اتحاد مشرقی - ۱۲۹۸ شمسی	جناب شمس الدین خان قنعتی	
(بزبان پشتو)		
جریده اتفاق اسلام هرات - ۱۲۹۹ شمسی	جناب میر محمد عثمان خان	
« طلوع افغان قندهار - ۱۳۰۰ »	« عبدالحی خان حبیبی	
(بزبان پشتو)		
« بیدار منار شریف - ۱۳۰۰ »	« عبدالصمد خان	
« اتحاد خان آباد - ۱۳۰۰ »	« سید محمد خان	
« انیس کابل پښتو و فارسی - ۱۳۰۶ »	« محمد امین خان خوگیانی	
« اصلاح » « - ۱۳۰۸ »	« برهان الدین خان کشککی	
مجله اردوی افغان - ۱۳۰۰ »	« از ریاست ارکان حریره	
عمومیه نشر میشود		
« آئینه عرفان کابل - ۱۳۰۳ »	« از ریاست تعلیم و تربیه معارف	
« صحیه کابل - ۱۳۰۶ »	« عبدالرشید خان لطیفی	
« الفلاح کابل - ۱۳۰۹ »	« عبدالکریم خان گدا	
« اقتصاد کابل - ۱۳۱۰ »	« محمد زمان خان تره کی	
« کابل پښتو و فارسی - ۱۳۱۰ »	« از مدیریت نشریات انجمن ادبی	
« ادبی هرات - ۱۳۱۱ »	« از انجمن ادبی هرات	
« بلدیة هرات - ۱۳۱۱ »	« جناب صفر علی خان امینی	
جریده زیری تعلیمی پښتو - ۱۳۱۶ »	« از مدیریت نشریات انجمن ادبی	

سفرائیکه در سال ۱۳۱۶ وارد کابل شده اند.

وزیر مختار مصر :

جلالتآب آقای عبدالرحمن عزاز وزیر مختار و نماینده فوق العاده حکومت پادشاهی مصر در دربار کابل بتاريخ ۶ مارچ ۱۸۹۳ در قاهره تولد شده ، پس از تحصیلات لازمه در نهضت ملی بمقصد استقلال وطن شامل شدند . و در تمام مدت قبل از احزاب عمومی و در دوران محاربه

چه در داخل و چه در خارج مملکت برای همین منظور ملی مشغول کوشش بودند . بعد از جنگ از طرف حزب وفدکه شخصا از اعضای مبرز آن بشمار میروند ، وظائف و کالات ملی را در مجلس شورای مصر بعمل می آوردند ولی همواره هدف مقصودشان آزادی مملکت بوده هر چند بیکه مأموریت های مهم از قبیل رتبه های وزارت و



سفارت بایشان پیش نهاد میشد ، نمی پذیرفتند ولی بالمقابل همواره بطور غیر مستقیم در امور مملکتی حصه گرفته در چندین مجالس بین المللی شامل و مخصوصا در قضیه رفع اختلافات مصر و عربیه سعودیه سهم زیادی گرفتند تا آنکه پس از امضاء شدن معاهده استقلال مصر از طرف کابینه نحاس پاشا وزارت مختاری مصر در دول اسلامی شرق یعنی افغانستان ، ایران ، عراق ، عربیه سعودیه بایشان تفویض شده .

معموله وارد کابل شده در ۲۳ حوت ساعت ۱۱ قبل از ظهر در ضی
تشریفات لازمه در قصر دلکشاء اعتماد نامه های خویش را بحضور
اعلیحضرت معظم همایونی تقدیم کردند .

فوت وزیر مختار فرانسه

جلالتمآب آقای « دوفور دولایراد » وزیر مختار فرانسه مقیم
دربار کابل که سوانح شان در سالنامه کمذشته مندرج است در ماه

سنبله ۱۳۱۶ با اثر

مرض قلب که از مدتی

دامنگیر شان شده

بود ، بمقام ایت آباد

هند وفات یافتند . و

حکومت متبوعه ما به

تقریب فوت مشاورا به

مراتب همدردی خویش

را به حکومت فرانسه



و باز ماندگان فقید مذکور ابراز نمود . چنانچه متعاقب
آن آقای ، باریه از طرف حکومت فرانسه بجیت و زیر
مختار به دربار کابل معرفی و اگر یمان ایشان صادق
و عنقریب وارد کابل خواهند شد .

کور دیپلوماتیک مقیم دربار کابل

سفارت کبرای ترکیه

سفیر کبیر : ع ، ج آقای ممدوح شوکت .

سرکاتب : آقای حامی بایور .

کاتب وعهده دار امور فونسولی : آقای حقی کشتلی .

ترجمان : آقای عباس .

داکتر : آقای فواد .

سفارت کبرای ایران

سفیر کبیر : ع ، ج آقای علی اکبر بهمن .

مستشار : آقای شایان .

کاتب سوم : « حکیمی » .

سفارت کبرای شوروی

سفیر کبیر : ع ، ج آقای میخائیلوف کونستنتین الکساندروویچ .

سرکاتب : آقای سیچوف .

آتشه نظامی : آقای کولونل الکرندر بندیکتوف .

داکتر : آقای ایوان پاسفگی کاس آندروویچ .

وزارت مختاری انگلیس

وزیر مختار : ع ، ج آقای لفتننت کلونل فریزر تنلر .

مستشار : آقای میجر ای ، ای ، اچ میکن .

آتشه نظامی : آقای میجر ای ، سی لنکاستر .

کاتب : آقای رودویک پارکنس .

داکتر : « کاتین آچ دبلو فارل .

کاتب : « خان بهادر سکندر خان .

گزارشات دنیا

در سال ۱۳۱۶

بقلم جناب میر محمد صدیق خان

اگرچه سال ۱۳۱۵ متضمن اغتشاشات و کشیدگی های زیادی در اوضاع سیاسی جهان بود اما در اوائل ۱۳۱۶ بهبودی رو نموده اضطرابات مذکور اندکی تخفیف یافت و امید آن میرفت که شبح خوف و وحشتناک جنگ محو گردد و روح تساند و اعتماد دوباره عودت کند متأسفانه این آرزو صورت خارجی پیدا نکرد و در جریان این سال وقایعی رخ داد که امید طرف داران صلح را مبدل به یاس و اعتماد ملل را از یکدیگر سلب نمود و حتی آتش جنگ و جدال در بعضی از نقاط عالم سر کشید.

دو چیز از همه زیاده تر اضطرابات بین المللی و ارتجاع سیاسی عالم را در این سال مشهود می سازد اول - ضعف جامعه ملل - اگرچه سقوط حکومت ملی حبشه و تسلط عسکری ایتالیا بران مملکت، بزرگترین لطمه بود که بر بیکر سیاسی (جینوا) وارد آمد اما نتایج و عواقب این واقعه شوم در سال ۱۳۱۶ ظاهر گردیده اعتماد و اطمینانی را که اکثر ملل عالم بوساطت و حمایت موسسه جمعیت اقوام داشتند زایل ساخت طوریکه اولای این موسسه نیز به ضعف خود پی برده در وقایعی که بعد از قضیه حبشه رونمود راه احتیاط را پیش گرفتند و برای آنکه زیاده تر عدم قدرت و ناتوانی خود را فاش نساخته باشند حتی از اظهار رأی هم در اکثر موارد خودداری نموده حل مشکلات

وزارت مختاری ایطالیا

وزیر مختار ع ، ج آقای کوم دوت پیتر و کوارونی .

سرکیاتب: آفای آ نزی لوتی هانری کو .

دفتر دار : « دوت اولف کریشینی .

وزارت مختاری عمان

وزیر مختار : ع ، ج آ فای یلگر .

دفتر دار: آقای شمت .

وزارت مختاری مصر

وزیر مختار : ع ، ج آفای عبدالرحمن عزام .

سرکاتب: آقاي احمد جلال الدين (فعلاً شارژ دافر).

کتاب : عثمان حلمی .

دفتردار : « حسن و هبی .

وزارت مختاری فرانسه

وزیر مختار : ع ، ج آقای باریہ .

کتاب : آقای گابریل بونو - (فعلاً شارژ دافتر) .

وزارت مختاری جاپان

وزیر مختار، ع، ج آقای وارو موریا .

کتاب : آقای کوا با را - (فعلا شارژ دافر) .

کاتب: « ستارو ایفازا کی .

آتشہ : » او ما گاوا .

» * » سايتو

دکتور: » هیچی ایما گواوا .

که این وضعیت در دنیا رو داده نتیجه مستقیم آن ظهور جنگ و تصادم دودسته مذکور بوده است باینکه دیگر علل مهم دسته شدن دول بزرگ ازدو نوع است :

الف : علل اقتصادی : - معاهده ورسای که تحت تأثیر احساسات دول فاتح امضا گردیده بود دست چندین مملکت را بنام دول مغلوب ومسئول حرب عمومی از منابع ثروت کوتاه نمود و بر علاوه چنان بار سنگینی از قروض محاربه وخسارات جنگ با لای شان گذاشت که سیستم زنده گانی اقتصادی آنها منقلب وبفرو فافه عظیمی مبتلا شدند . از طرف دیگر درین دول فاتح نیز تفریقی بعمل آمده آنهاییکه از همه مقتدر بودند غنائم بزرگ راه خود وحلفای خویش تخصیص دادند و برای دیگران چیز قابل اعتنائی باقی نماند . روی هم رفته معاهده ورسای از حیث اقتصادی مخالف حفظ امنیت وتعاون بین المللی بوده ونتیجه آن شد که چند سال پس از عقد آن ضعیف دول عالم بدو دسته : دول محتاج ودول ثروت مند تقسیم گردیده وبجران اقتصادی شدیدی عالم را فرا گرفت .

اغتشاشاتی که در چند سال اخیر رو داده در حقیقت چیزی نیست بجز تجاوز دول محتاج وفقیر بردول ثروتمند و دفاع اینها از حقوق وامتیازات خویش .

ب : علل اجتماعی : - بجران اقتصادی بعد از حرب تأثیر عمیقی در روحیات ملل نمود و دول محتاج ویا بهتر بگوئیم جمیع دول حسود وناراضی را ، از موسسه جینوا و سیاست بین المللی ومنصفانه آن که اساساً مخالف هر نوع تجاوز است روگردان و وادار باخذ سیاست مستقل وملی نموده تابوسیله آن شئون ازدست رفته خویش را که بدیگروسایل ممکن نبود حصول شود بدست بیاورند - رویهم رفته این انقلاب يك ارتجاعی

رابمجالس سیاسی دیگری سپردند که بسکلی از روح میثاق ملل بیگانه بود مثلاً کمیته عدم مداخله ، کنفرانس نیون و بروسل وغیره .

از علل مهم ضعف جامعه ملل یکی آنست که مجلس مذکور از همه بیشتر يك مجلس سیاسی ومقصود آن جلوگیری از وقوع جنگ عالم گیر است ، ولو که درین راه حقوق بعضی از دول پایمال هم شود ، زعمای جینوا پروای آنرا ندارند ، چنانچه در موقع جنگ حبشه وقضیه آسیانیا این مفکوره بخوبی ظاهر شده رؤسای بزرگ جمعیت اقوام بیان نمودند که حاضر نمی باشند برای اطفای نائره حرب در خاک افریقا ویا حفظ استقلال حبشه و حقوق دولت مادرید بجننگ بزرگی اقدام نمایند وطبیعی است که این سیاست جلب اعتماد دول را نتواند کرد ، و دیگر آنست وقتیکه ویلسن پلان جمعیت اقوام را طرح میکرد فرض نموده بود که در اندک مدتی اسلحه جمیع دول عالم خلع ویا باندازه معینی محدود میگردد و در انصورت البته امداد اخلاقی واقتصادی بامظلوم واجرای مواد ۱۶ و ۱۷ میثاق ، بر علیه دولت متعرض کفایت میکرد . حالانکه قضایای پس از حرب پیش بینی های مشارالیه را تصدیق نمود و امر وز چنان تفاوت فاحشی بین قوای دول موجود است که تجاوز اقتصاد ویا انهم بطور ناقصی که در مورد ایتالیا استعمال گردید از اقدامات متجاوز جلوگیری نمیتواند و کلمات قشنگ با اسلحه آتشین بس نمی آید .

۲- دسته بندی دول بزرگ : در جریان سال ۱۳۱۶ کیفیت مدهشی در روابط بین المللی عرض اندام کرد که آنرا میتوان علامه سقوط کاخ صلح وآرامش عالم دانست و آن عبارت است از تقسیم گردیدن دول عالم بدودسته معین وتاریخ نشان میدهد هر دفعه

دست به جنگ برند و نتیجه زحمات يك عالم را صرف خونریزی و
انهدام تمدن و تهذیب بشر سازند .
جامعه ملل و مجالس بین المللی :

جامعه ملل

بتاریخ ۷ جوزا اجلاس جامعه ملل تحت ریاست رشدی آراس
نماینده اول و وزیر خارجه ترکیه تشکیل یافته در خواست حکومت
مصر راجع به قبولیت آن بحیث عضو جامعه ملل قرائت و با کثرت
آراء تصویب گردید چنانچه افغانستان نیز باین تقریب يك تلگرام
سفارش بنام سرمنشی جامعه مخابره کرده بود. راجع بقضیه سنجاقهای
انطاکیه و اسکندرون عینا فصله که مستقیما بین فرانسه و ترکیه
درین زمینه بعمل آمده بود تصدیق شد . « دل وایو » نماینده
حکومت اسپانیا فرطاس ابیض راجع بمداخله اجانب و مخصوصا ایتالیا
و المان به مجلس رویت داد و در خواست نمود که بین حکومت قانونی
و باغیان تمیز نموده باول الذکر اجازه خرید اسلحه از خارج داده
شود اما این در خواست طرف قبول واقع نشد . در او اخر سنبله
اجلاس سالانه جامعه ملل تحت ریاست آغا خان نماینده هند و رئیس
فرقه اسماعیلیه بعمل آمد . « ولنگتن کو » نماینده چین عرض حالی
راجع به تعرض جاپان تقدیم نموده از جامعه ملل امداد خواست . باثر
درخواست مشارالیه هیئتی مرکب از ۱۳ نفر برای مطالعه او ضاع
شرح اقصى مقرر شد که هیئت مذکور پس از چندین اجلاس
عملیات جاپان را مذموم و مخالف میثاق ملل و معاهده نه گانه و قرار
داد بریان کیلاک قرار داده و بجمع دول عالم سفارش نمود که
باحکومت چین امداد اخلاقی کرده شود. درعین حال رئیس الوزرای

بود از اصول مسالمت بجانب اصول تشدد که بانظام اجتماعی امروزه
شایسته نمیداشد و مالیکی که از ان پیروی نمودند اولاد در داخله
خودها برای مقابله با تاثیرات ممانعت کننده و تسریع عملیات
خویش ، اقتدار مطلقه را روی کار آوردند و در زمینه سیاست
بین المللی آهسته آهسته از حیث اشتراك مفاد بیکدیگر نزدیک شده
و بالاخره در سال ۱۳۱۵ دسته معینی در مقابل دول محافظه کار
و ثروت مند تشکیل دادند . مخالفین آنها نیز برای حفظ مفاد و دفاع
از تهذیب و امتیازات خودها چاره جز رو آوردن بسوی اتحاد و اتفاق
و ازدیاد قوای عسکری و تسلیحات ندیده باین صورت دول بررگ
در دو دسته منقسم و مسابقه تسلیحات بشدت در بین آنها قائم گردید
که عواقب آن بس خطرناک دیده می شود . ضمنا دول ناراض
از وضعیت تردد دسته مقابل که نسبت باتفاق باهمی خودشان میدهندوهم
از ضعف جامعه ملل استفاده کرده روز بروز میدان اقدامات خود را
وسعت دادند بطوریکه در ظرف سه سال اخیر چندین مملکت مستقل
از صحنه هستی نا بود و ضمیمه دول دیگر شده است و دامنه این
اقدامات بطور نامحدودی ادامه دارد . مابینت مسلك اجتماعی وجذبات
حزبی نیز آتش تفاق و بدبینی را در بین این دو دسته دامن زده
روز بروز آنها را از یکدیگری دور نمود و تعصب و عداوت را جانشین
مفاهمه و اعتماد ساخت . یکی از نتایج وخیم این دسته بندی همانا
مسابقه تسلیحات و مبالغ خطیری است که ملل عالم دیوانه وار درین راه
صرف مینمایند و انجام آن معلوم نیست که بکجا خواهد کشید ، چنانچه
میگویند روزی خواهد رسید که دیگر ملل عالم توان ادامه تسلیحات
و بودجه های کمر شکن آنها نداشته برای خلاصی از جنگال آن

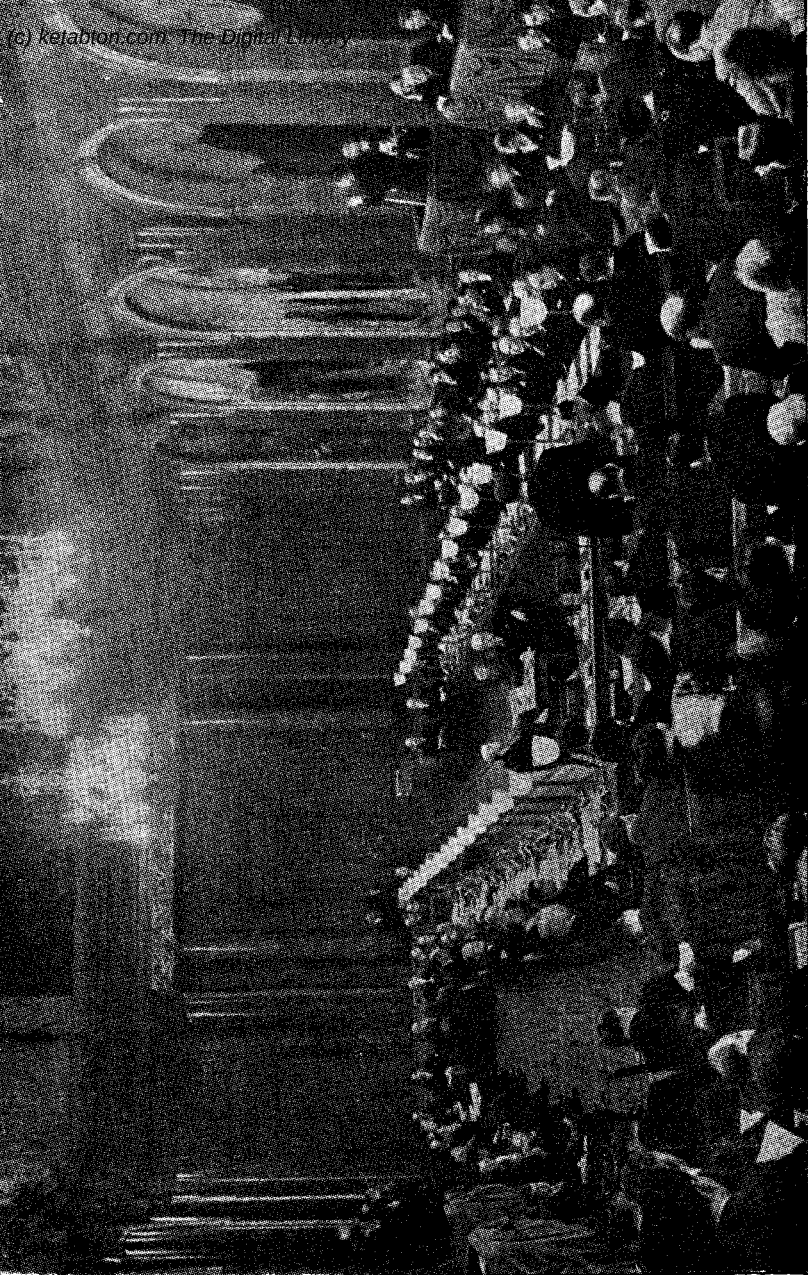
دولت جمهوری اسپانیا بر علیه مداخلات ایتالیا و آلمان اقدام دعوی و اجرای ماده ۱۶ میثاق ملل را بر علیه ایشان مطالبه کرده اما مجلس مذکور در خواست مشارالیه را به کمیته عدم مداخله رجعت داده و سفارش نمود که برای اخراج داوطلبان اجنبی از خاک اسپانیا اقدامات فوری بعمل آورد .

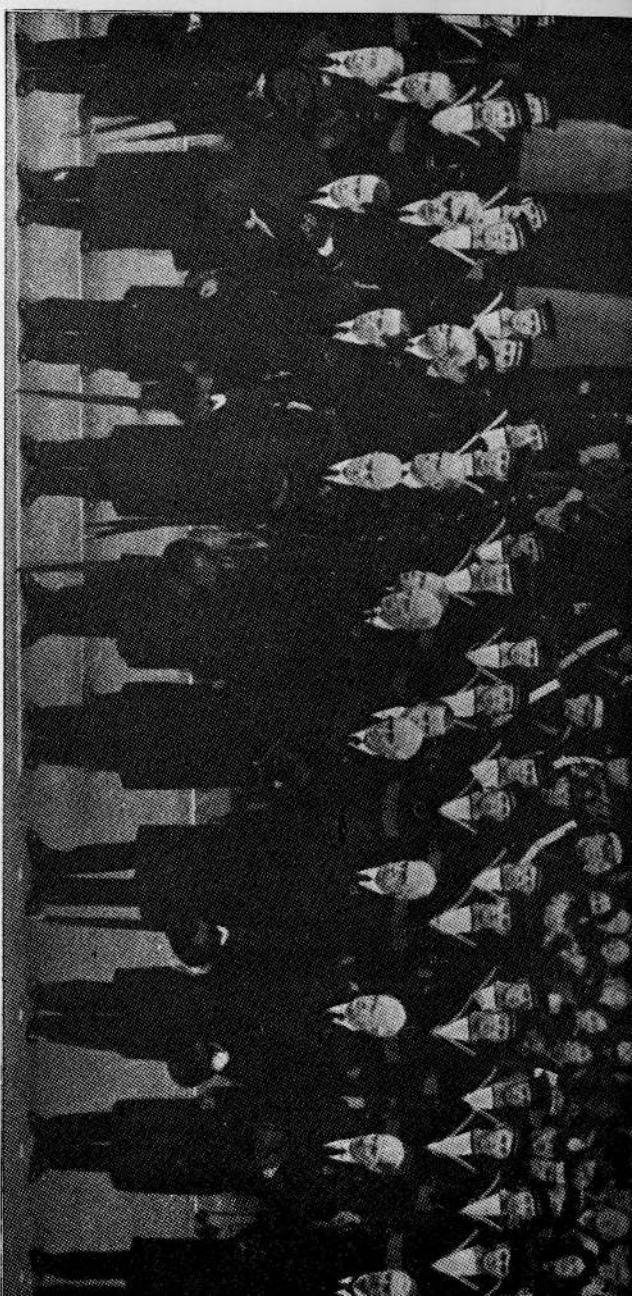
این بود رویدادهای مهم جامعه ملل در ین سال ولی از طرف دیگر موسسات علمی و اجتماعی و عرفانی و صحی و غیره جامعه ملل که بر روی اساسات غیر سیاسی استوار میباشد بموقف تمام کار کرده و میتوان گفت که تنها در ین زمینه هاست که مفهوم حقیقی جامعه ملل و تعاون المللی صورت حقیقی پیدا کرده است .

کنفرانس مونتر و

پس از آنکه دولت مصر استقلال کامل خود را حاصل نموده در صدد آن افتاد که کابینتولاسیون (امتیازات) مما لك خارجه را نیز رفع نماید زیرا اکثر دول اروپائی در خاک مصر دارای امتیازات مخصوص بود و تبعه ایشان در حین ارتکاب جرم و جنایت و یادداشتن دعوی از طرف محاکم مخصوص محاکمه و قضاوت شده و این وضعیت منافی استقلال و تمامیت حقوق دولت مصر بشمار میرفت . همان است که بانر پیشنهاد نجاس پاشا و موافقت دولت انگلیس و دیگر دول ذیعلاقه کنفرانسی بتاریخ ۲۳ حمل در شهر مونتر و (سویس) تشکیل یافت نجاس پاشا که شخصا ریاست هیئت نماینده گان مصر را داشت درخواستی راجع بر رفع کابینتولاسیون قضائی جمیع دول تقدیم نمود پیش نهاد مذکور اساسا تصویب گردید و پس از اندک مخالفتی که فرانسه

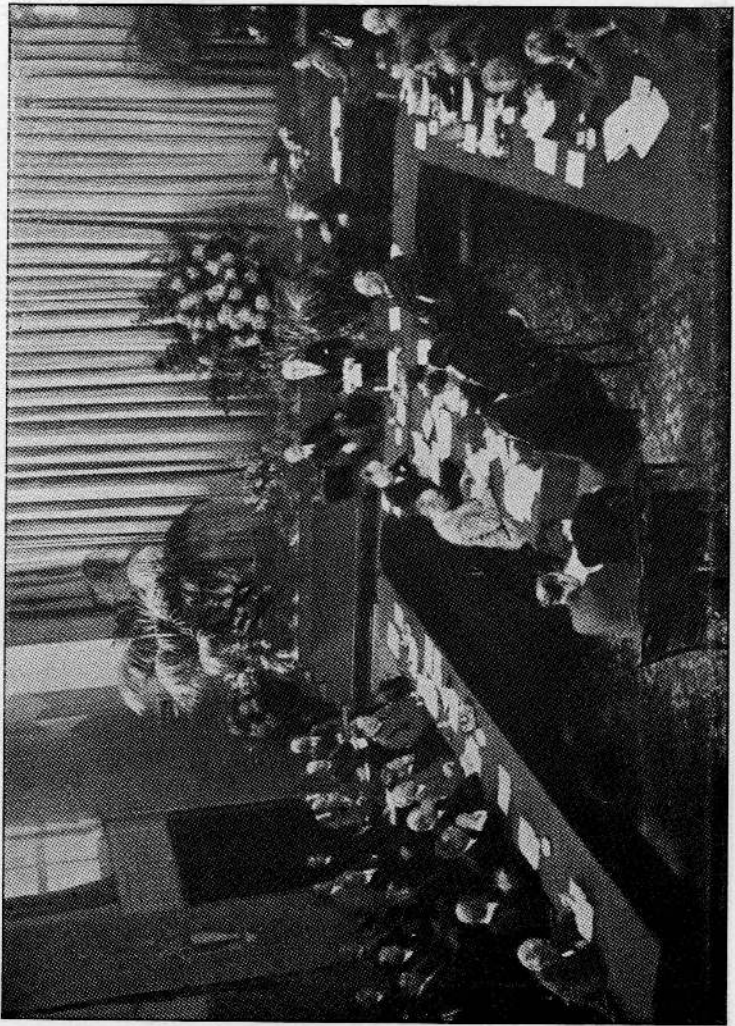
افتتاح کنفرانس بروسل راجع به قضایای شرق اقصی توسط سپاک وزیر خارجه بلژیک .





کابینه انگلستان : از راست بچپ : نيوائل چمبرلين رئيس الوزراء ، ميچر اتلي رئيس حزب کارگر (خارج کابينه) ،
 لاردهيشام معاون رئيس الوزراء - کيپتن فترای نضال دارالعموم (خارج کابينه) ، سر جان ساٹن وزير ماليه ،
 لارده شيپکس وزير خارجه ، سر سمونيل هور وزير داخله ، لارده دلي ور وزير مهر شاهی ، مالکم مکدالده
 وزير مالک نيم مستقل ، لارده زلينده وزير هند . (صف دوم) دف کوير وزير بحريه ، هورر بليشا وزير حريه
 باقی معاونين وزارت خانه ها .

کنفرانس نيون : راجع به رهبران دريائي بحر مدیترانه : - دلبو نماينده فرانسه نطق ميکند .



گنڈا اردو زبان

نشان داد بالا خرہ در ۱۹ ثور نمایندگان دول بریک
معاهده امضاء نمودند کہ بموجب آن دولت مصر از قیود کاپیتولاسیون
آزاد شد و پس از یک مدت کوتاه برای سر رشته امور قضائی و
حقوقی مذکور، دیگر تمام امتیازات خارجیہا از مصر مرفوع میگردد.

کمیته عدم مداخلہ

این کمیته کہ در سال ۱۳۱۵ برای جلوگیری از مداخلہ اجانب
در امور اسپانیا و محدود ساختن جنگ در آن مملکت تشکیل گردیده
بود با وجود خطرات بزرگی کہ هر آن وجود آن را تهدید میکرد
در جریان سال ۱۳۱۶ مرتباً اجلاس نموده و حتی موفق با اجرای دساتیر
چندی در راه مقصد خود گردید. روی هم رفته میتوان گفت کہ تا حال
در یک قسمت از مقصد خود کامیاب یعنی از سرایت جنگ اسپانیا
در باقی ممالک جلوگیری بعمل آورده است چنانچه اجرا آت مهمہ
آن در ذیل شرح داده میشود.

بتاریخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ مراقبت سواحل و سرحدات اسپانیا کہ
در حوت ۱۳۱۵ از طرف جمیع دول شاملہ کمیته، تصویب گردیده بود
انفاذ یافت. بتاریخ ۷ جوزا در حالیکہ یکی از جهازات مراقب جرمنی
موسوم بہ « دو یچلند » در منطقہ نظارت فرانسه ایستاده بود مورد
حملہ طیارات دولت اسپانیا واقع گردیده دو عدد بم بان اصابت کرد و ۲۳ نفر
ملاح آن تلف و ۸۳ نفر مجروح شد. حکومت المان ازین مسئلہ بغض
آمده بہ انتقام ملاحین خود بندر گاہ المیریارا از طریق بحر بمبارد
نموده ضمناً بہمراہی ایتالیا مراقبت سواحل را ترک داد اما بمبارد
المیریا نتائج بسیار وخیمی تولید نکردہ دولت انگلیس فوراً در کمیته
عدم مداخلہ پیشنهاد کردہ کہ منطقہ مخصوص در آبہای اسپانیا برای

بندبارائی لارڈ ہیلینگس در برلین : طرف راست فون ریپتروب وزیر خارجه المان .
گوتا، طرف چپ لارڈ ہیلینگس (وزیر خارجه انگلستان) در وسط شہزادہ



عدم مداخله رویت داد و کمیته پیشنهاد مذکور را دوباره با اطلاع دول ذی‌علاقه رسانیده نظریات ایشان را مطالبه نمود. درین بار برخلاف امید، دولت ایتالیا تشدد را کنار گذاشته با اساس پیشنهاد موافقت کرد و مجلس فیصله نمود که دو کمیسیون برای این امر با اسپانیا اعزام شود. ولی تاکنون نتیجه از این اقدام بدست نیامده است.

کنفرانس نیون

از موقعی که محاربه داخلی اسپانیا شروع گردیده وقتاً فوقتاً در آبهای ساحلی آن مملکت واحیاناً در قسمت غربی مدیترانه بر جہازهای تجارتی دول بیطرف تعرضاتی بعمل می‌آمد اما دول بزرگ اکثر ازین قضایا چشم پوشی کرده به تشدد نمی پرداختند. تا آنکه در جریان ماه سرطان و اوائل اسد تعرضات مذکور بطور وخیمی شدت یافت و در عرصه چند روز یک تعداد جہازات انگلیسی، روسی و فرانسوی مورد حمله طیارات و تحت البحرهای مجهول واقع شده بعضی از آنها غرق و ملاحین آن تلف گردیدند. جراید این ممالک باهیجان و غضب تمام بر علیه دزدان دریائی مدیترانه احتجاج و پروا کنند نموده ممالک فاشیست و مخصوصاً ایتالیا را محرم و مسئول آن قرارداداند همان بود که دولین فرانسه و انگلیس جمیع دول ساحلی بحر مدیترانه و روسیه و آلمان را بشمولیت در کنفرانس دعوت نمودند که بر علیه دزدان دریائی مدیترانه دساتیر مجربی اتخاذ نمایند. مقارن اینحال دولت روسیه که چندین جہاز او در حصص مختلفه مدیترانه و حتی در مدخل در دانیل غرق شده بود دولت ایتالیا را مسئول این امر قرارداد پروتست شدیدی بار داد و تقاضای غرامات کرد. حکومت ایتالیا و جرمنی این قضیه را اساس گرفته از شمولیت در کنفرانس

توقف جہازات مراقب تعیین گردد و باصرار او دولین ایتالیا و جرمنی بتاريخ ۲۷ جوزا مراقبت سواحل را از سر گرفتند تا آنکه در اوائل سرطان حکومت جرمنی باز دعوا نموده که بالای یکی از جہازات او موسوم به «لایپزیگ» از طرف تحت البحرهای دولتی تارپیدو انداخته شده و بدین علت ایتالیا و جرمنی دوباره از کنترل سواحل کناره گرفتند. درین بار دولت فرانسه پس از مشوره با لندن بتاريخ ۲۳ سرطان اعلان نمود که سرحدات خود را بروی دولت جمهوری اسپانیا آزاد می‌نماید. تهدید مذکور کار خود را کرد و دولین آلمان و ایتالیا کمی آرام گردیده نماینده انگلیس پیشنهادی تقدیم نمود که مراقبین جدیدی در سرحدات فرانسه و ایتالیا و بنا در میدانهای طیاره طرفین متحارب بین اعزام شود و داوطلبان خارجی هم اخراج گردیده بطرفین حقوق متحارب اعطا گردد. قسمت اول این پیشنهاد یعنی تعیین مراقبین جدید طرف قبول جمیع دول واقع گردیده قسمت دوم بعلت مخالفت شدید نماینده گان ایتالیا و روسیه معطل ماند.

در اوائل ماه میزان مجمع ملل در اثر شکایت رئیس الوزرای حکومت مرکزی اسپانیا بکمیته عدم مداخله سفارش نمود که داوطلبان خارجی را از خاک اسپانیا خارج نماید. همان بود که دولین فرانسه و انگلیس پیشنهادی درین باره تقدیم کردند و چون ایتالیا صریحاً پیشنهاد مذکور را رد نموده و از شمولیت در یک مجلس سه گانه هم برای مذاکره این موضوع اعراض کرد دولت فرانسه دوباره تصمیم گرفت که سرحدات خود را بروی حکومت مادرید باز نماید ولی بمشوره آیدن وزیر خارجه انگلیس قبلاً موضوع را بمثل اتمام حجت بکمیته

گذارشات دنیا

مسئول وقائع شرق اقصی قرار داده بدون آنکه به نتایج بهتری واصل شود و باتجاوز درستی برای امداد دول باچین اتخاذ نماید منحل گردید
دول آسیائی

ایران

دولت ایران سال ۱۳۱۶ را بر فاهیت و آرامی تمام بسر برده و بموفقیت های بزرگی در زمینه حیات اجتماعی و اقتصادی نائل گردیده است. هم چنین روابط دوستانه آن با اکثر ممالک تشدید یافته و مخصوصاً باممالک شرق وسطی و شرق نزدیک ذریعه معاهده سعدآباد رشته اتحاد و یگانگی خلل ناپذیری عقد نموده است که درین عصر پر آشوب و اضطراب آلود کامیابی بزرگ و بنیان محکمی برای صلح ممالک مشرق زمین محسوب میگردد. در اوایل این سال خط آهن ماورای ایران به طهران واصل گردیده، دولت و ملت ایران یکی از آرزوهای دیرینه خود واصل شدند و نیز دولت برای استخراج نفت ولایت خراسان اقدام نموده بایک کمپانی امریکائی قرار دادی عقد نمود.

کشیده گی ها و اختلافاتی که راجع به تقسیم نواحی سرحدی بین ایران و عراق از چند سال باینطرف موجود بود درین سال بمسألت فیصله شد و متعاقب آن حکومت ایران مسئله پیمان شرقی و عقد معاهده عدم تعرض و عدم مداخله بین ممالک افغانستان و ایران و ترکیه و عراق را که از چندین زیر نظر اولیای دول مذکور بود پیش کشیده و وزرای خارجه سه مملکت فوق را برای امضاء آن در طهران دعوت کرد و بتاريخ ۱۷ سرطان پیمان شرقی در قصر سعدآباد بین وزرای خارجه دول چهارگانه بامضاء رسید. چنانچه معاهده مذکور در ظرف امسال از طرف مؤسسات

اعراض نمودند. باوجود این، کنفرانس بتاریخ ۱۸ سنبله در قصر نیون (سویس) افتتاح و دلبو وزیر خارجه فرانسه بریاست آن انتخاب شد. مجلس پس از مذاکرات مختصری فیصله نمود که سیستم مراقبات در بحر مدیترانه جاری شود و هر مملکت بحری در سواحل خود و بحریه انگلیس و فرانسه بحر آزاد را مراقبت نموده جهازات مجهول و متعرض را بسزا برسانند. نقل این فیصله را بحکومت ایتالیا نیز فرستاده درخواست شمولیت آنرا نمودند. دولت مزبور در بدو امر اعراض کرده ثانی تقاضای مساوات حقوق را با فرانسه و انگلیس نمود و بالاخره راضی شد که متخصصین بحریه خود را برای مشاوره بامتخصصین دو دولت دیگر به پاریس بفرستند مجلس متخصصین بتاریخ ۵ میزان بعمل آمده بالاخره بتاریخ ۲۰ عقرب ایتالیا نظارت بعضی از راه های تجارتی مهم ایتالیا ی غریبی و ادریاتیک را بمهد گرفت.

کنفرانس بروسل

در اثر تعرضات عسکری جاپان در داخل مملکت چین بتحریک انگلیس و موافقت امریکا و دیگر امضاء کنندگان معاهده نه گانه کنفرانسی برای مطالعه اوضاع شرق اقصی بتاریخ ۱۲ عقرب در بروسل (بلژیک) بریاست اسپانیا وزیر خارجه آن مملکت افتتاح شد. جاپان و آلمان با آنکه در کنفرانس دعوت شده بودند از شمولیت آن انکار ورزیدند. نمایندگان دول از عدم حضور جاپان اظهار تاسف نموده و دولت مذکور را بشمولیت در مجلس کوچکی مرکب از نماینده گان چند دول منتخب دعوت کردند اما وزارت خارجه جاپان باین درخواست نیز راضی نشده علاوه التای معاهده نه گانه را اعلان کرد و کنفرانس پس از چندین اجلاس جاپان را ملات و

در اواخر جوزا دفعتاً مارشال توخاچفسکی رئیس ارکان حریه عمومی شوروی باهشت نفر از جنرال های بزرگ قشون سرخ توقیف و محاکمه گردیده بجرم خیانت بوطن محکوم باعدام گردیدند.

بتاریخ ۱۰ سرطان دریکی از جزایر مختلف فیه دریای آمورتصادمی بین عسکریان شوروی و جاپان روداده و چند نفر بقتل رسید و فوراً طرفین تیاری حرب را گرفتند اما در اخیر حکومت شوروی قضیه را با مسالمت و یک اندازه بدخواه جاپان فیصله کرد. یک هفته پس از واقعه دریای آمورتصادم لو کوچیاو بین جاپان و چین رو داده منجر بجنبش شدید و محاربات خونینی بین دولتین مذکور گردید و دولت شوروی اگر چه در ظاهر مظاهراتی بر علیه جاپان بعمل آورده قوای عسکری خود را در شرق اقصی و جمهوریت مغستان خارجی تقویه کرد و حتی بتاریخ ۸ سنبله معاهده عدم تعرض را با جمهوریت مرکزی چین امضا نمود اما جدأ در گیر و دار شرکت نجست و امداد معتابهایی هم با چین بر علیه جاپان بعمل نیاورده آنچه از معاونت و مداخله او درین امر ظاهر گردیده است امداد چند عدد طیاره و چند نفر هوا باز و انتظام قشون کمونست ولایات شمال غربی چین و اخیراً امضای یک قرار داد راجع به تعمیر خط آهن بین چین و شوروی از راه ترکستان شرقی میباشد. در ماه سرطان کسنگره بین المللی طبقات الارض در مسکو انعقاد یافته از طرف افغانستان آقای نجیب الله خان بجیت نماینده دران شمولیت ورزید. در قضیه آسیا نپا دولت شوروی تا جائیکه مقدور او بود در داخل و خارج کجیته عدم مداخله با دولتیان امداد بعمل آورده از اعطای حقوق متحارب بحکومت فرانکو مخالفت و جلوگیری کرد اما بعلت اوضاع مدیترانه و مراقبت سواحل اسپانیا و مشغولیت های داخلی امداد او از حیث لوازم و

تقینیه دول موصوف به تصویب رسیده و قوه قانونی را حاصل کرد و متعاقب آن مجلس سالانه دول چهار گانه شرقی در جینوا موقع جلسه سالانه جامعه ملل انعقاد یافت.

بتاریخ ۶ حوت آقای سمیعی وزیر خارجه ایران وفات نموده و آقای عدل بکفالت وزارت امور خارجه مقرر شد. مراسم تعزیت آقای سمیعی که از رجال کار آگاه و خدمت گذار ان بزرگ ایران بوده با تشریفات مهم بعمل آمده دول خارجه خصوصاً دول شرقی و منجمله افغانستان بتقریب این ضایعه، مراتب همدردی خویش را بحکومت و ملت ایران ابراز نمودند.

دولت شوروی

اگر چه پلانهای اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی بقدر کفایت بکامیابی اجراء میشود، اما در زمینه سیاست زعمای کمونست با مشکلات بزرگ و مخالفت های شدیدی دوچار گردیده اند که هنوز راه حل آن پیدا نیست. درین سال نکته اساسی سیاست شوروی در داخل رجوع آن مملکت بود با صول دموکراسی آزاد و قلع و قمع عناصر مخالف و در قسمت روابط بین المللی دولت شوروی که خود را مورد تهدید حریفان نیرومندی در شرق و غرب مشاهده میکرد راه احتیاط را پیموده حتی المقدور رشته اتحاد خود را با دول دیموکرات محکم کرد و در امور دیگران کمتر مداخله بعمل آورد.

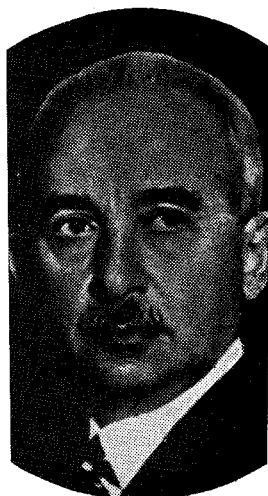
بتاریخ ۱۳ تیر کافال بزرگی که شهر مسکو مرکز اتحاد جماهیر اشتراکیه را بدریای ولگا وصل میدهد افتتاح شد. این کانال از عجایب روزگار و از شاهکار های انجنیری عالم بشمار رفته با زحمت زیاد و صرف پول هنگفت تکمیل گردیده و شهر مسکو را بصورت بندرگاه بگری در آورده در ترقی تجارت آن کمک بزرگی نموده است.



مرحوم آقای سمیعی وزیر امور خارجه ایران موقع امضای معاهده سعد آباد



جلال بایار رئیس‌الوزرای جدید ترکیه



عصمت ایننو رئیس‌الوزرای سابق ترکیه

سالنامه « کابل »

ضروریات حربی باندازه سال گذشته نبود :

درماه سنبله باثر غرق شدن بعضی جہازات خود در بحر مدیترانه حکومت شوروی ایطالیایا را مسئول قرار داده و اعتراض شدیدی را بران دولت نموده تقاضای غرامات کرد و نزدیک بود که روابط سیاسی دولتین قطع شود اما کنفرانس نیون کنترول عمومی را در بحر مدیترانه قایم کرد . واز تکرار حوادث مذکور يك اندازه جلوگیری بعمل آمد چندی بعد ایطالیایا هم در معاهده ضد کمترین بر علیه کمونیزم شرکت ورزید .

بتاریخ ۲۲ جدی اولین پارلمان مرکزی شوروی مرکب از نماینده‌های جواهر اشتراکیه مطابق قانون اساسی جدید در مسکو افتتاح شد . اما تشکیلات قوه اجرائیه بحال سابق باقیمانده کالینین بچیت رئیس جواهر اشتراکیه ، مولوتوف بچیت رئیس کمیساری‌های ملی و ستالین بچیت منشی حزب رنجبر از طرف پارلمان تصدیق و تفریافتند . در جریان سال ۱۳۱۶ علاوه بر محاکمه صاحب منصبان بزرگ يك تعداد از رجال مهم و سیاسیون وزما مداران جواهر مختلفه بجرم خیانت محاکمه و اعدام شدند . در انجمله ریچکوف (رئیس الوزرای اسبق) ، کرستنسکی (کفیل امور خارجه) قراخان (معاون سابق کمیساری امور خارجه و سفیر کبیر آنقره) یاگودا (رئیس سابق گک ، پ ، او) بوخارین رئیس کمترین ، فیض‌الله‌خواجه آخند بابا اوف و غیره نیز شامل بودند . در روزهای اخیر حوت دولت شوروی از الحاق آستریا متأثر گردیده بهمراهی فرانسه سرحدات چکوسلواکی را ضمانت کرد وهم لیتوینوف وزیر خارجه آن پیشنهادی بدول بزرگ عالم راجع به انعقاد يك کنفرانس بر علیه

گزارشات دنیا

جلوگیری از تجاوزات دول فاشیست تقدیم کرد که مورد قبول واقع نشد.

هند

درین سال تغییرات بزرگی در حیات سیاسی ملت هند رو داده و فاقه دیموکراسی نیم مستقل جانشین حکومت مطلقه سابق گردید و ملت هند برای اولین دفعه پس از مدت دراز در زندگانی سیاسی و اداره مملکت خود موقع شرکت را یافت به این تفصیل: چنانچه سال گذشته دیده شد کانگرس ملی هند در انتخابات وفاقیه شرکت ورزیده در اکثر ولایات اکثریت قطعی را حاصل نمود. اما چون قانون اساسی جدید مخالف سیاست او بود بدو از تشکیل کابینه های ولایتی خود داری نموده و مخصوصاً بر علیه اختیارات فوق العاده حکام انگلیسی قیام کرد و از بنجیت بجران شدیدتی روی کار آمده اجرای تشکیلات جدید به تعویق افتاد.

اما اوضاع بجران آلود هند تأثیرات مهمی در مراکز لندن و حلقه های سیاسی آنجا نموده بالاخره در ۱۷ مهل لارڈ لوتیان که از سیاستون بزرگ انگلیس است، مکتوبی بجریده «تائمز» نگاشته وضعیت کانگرس و گاندهی را که درین موقع نازک از شمولیت در قضاای سیاست کناره گرفته بود سخت تنقید نمود. گاندهی جواب او را در همان جریده داده و متعاقب آن تلگرامهای مفصلی بین لارڈ موصوف و بندت نهرو و عیم احرار هند تبادل شد و برای اولین دفعه کانگرس ملی با حکومت انگلیس تماس مستقیمی پیدا نمود. در نتیجه این اقدامات گاندهی راضی شد که بین کانگرس و حکومت هند واسطه و باب مذاکرات صلح رامفتوح نماید و همان بود که بتاريخ ۱۳ اسد در دهلی بانائب السلطنه ملاقات نمود و ضمانت های چندی راجع به محدود بودن



آغا خان نماینده هند در جامعه ملل
ورئیس هجدهمین اجلاس آن



نجاس پاشا رئیس الوزرای مصر
در کنفرانس موتر و



کنفرانس بروسل راجع بشرق اقصی: از چپ براست ایدن، نارمن دیویس و دلبو

امتیازات حکام انگلیس از و حاصل کرد و در اوائل خزان و کلاهی کابل کرس در چندین ولایت هند کابینه های خود را تشکیل دادند . اما در ماه دلو رئیس الوزرای کانگریسی ولایت بهار تصمیم گرفت که محبوسین سیاسی ولایت مذکور را آزاد نماید . اما حاکم انگلیس ولایت مذکور مخالفت ورزید و پیشنهاد کرد که هیئتی مقرر شده بعضی از محبوسین را که جرایم ایشان بسیار سنگین نباشد آزاد نماید ، اما کابینه به این فیصله راضی نشده استعفا نمود . درینوقت کمیته اجرائیه حزب کانگریس تصمیم گرفت که اعتصاب عمومی کانگریس را بر علیه حکومت اعلان نماید اما سیاسیون لندن مداخله نموده و پس از مذاکرات زیاد نایب السلطنه هند بیانه مسامحت آمیزی را نشر کرد و راجع به محبوسین بهار پیشنهاد کابینه سابق را قبول و حاکم انگلیس که مخالف این امر بود عوض شد . درین سال بموجب قانون اساسی جدید بتاريخ ۱۳ حمل بر ما و عدن از هند منفک گردیده هر يك مستقیماً به لندن مربوط گشت . مخالفت هندو و مسلمان در سر مسئله مسجد شهید گنج لاهور با وجود اقدامات حکومت پنجاب و زحمات طرفین فیصله نیافت و زدو خورد های کوچکی به عمل آمد . همچنین در روزهای اول محرم و روز عاشورا تضاد ماتی بین هندو و مسلمان و شیعه و سنی در بلاد مختلفه روداد . قضیه شورش اقوام وزیرستان و مخالفت ایشان با بسط و توسعه نفوذ انگلیس در اراضی سرحد آزاد ادامه یافته زد و خورد های متواتری واقع شد و قبائل مذکور با وجود فشار عساکر مستعمراتی از تمديد سرک و باقی تعمیرات انگلیسی تا کنون جلو گیری بعمل آورده اند . در زمستان این سال (چند را بوس) که از زعمای درجه اول

کانگریس است مسافرتی در اروپا به عمل آورده با اکثر سیاسیون آنجا ملاقات نمود در مراجعت به هند از طرف مجلس عمومی کانگریس بریاست حزب مذکور مقرر شد و جواهر لال نهرو رئیس سابق به عضویت کمیته اجرائیه انتصاب یافت .

ترکیه

جمهوریت ترکیه درین سال به پیشرفت های بزرگ و ترقیات اقتصادی مهمی از قبیل تمديد خطوط آهن و تکوین صنایع و تاسیس بانک خلق و غیره نائل گردیده در زمینه سیاست خارجی با جمع دول از در مسالمت و صلح پیش آمده ذریعه معاهده سعد آباد مناسبات دوستانه خود را با دول آسیای وسطی تقویه و هم رنجشی را که در اثر قضیه سنجاق های انطاکیه با فرانسه و اهالی سوریه روداده بود رفع کرد . از وقایع مهمه داخلی آن مملکت یکی شورش قبائل کرد بود در ماه جوزا که در اثر اقدامات سریع عساکر و طیارات حکومتی رفع گردید و دیگر استعفا ی عصمت انینواست از مقام ریاست وزراء . مشارالیه یکی از رجال درجه اول تورکیه و از رویای متنفذ حزب خلق بشمار رفته در نهضت ملی اخیر سهم بزرگی داشت و از عرصه پانزده سال به اینطرف بحیث رئیس الوزرا ، دوش بدوش کمال اتاتورک برای ترقی و تعالی ترکیه جد و جهد میکرد . همان بود که جلال بایار وزیر سابق اقتصاد کابینه جدید را از وزیرای سابق با اندک تغییرات تشکیل نمود . رئیس الوزرای جدید بیشتر هم خود را صرف مسائل اقتصادی نموده قرار داد های تجارته زیادی را با اکثر ممالک رویدست گرفت و در داخل برای تقلیل معیار معیشت زحمت زیاد کشید . در اوائل حوت کنفرانسی

پیشنهاد کرد که حکومت مصر در آن قضیه مداخله نموده اعراب فلسطین را در حصول خواهشات ایشان امداد نماید. اما نحاس پاشا رئیس الوزرای وقت که بعلت خرابی او ضاع مدیترانه و قشرن کشتی های ایتالیا در طرابلس نمیخواست روابط خود را با دولت برطانیا خراب بسازد به این پلان موافقت ننموده و در نتیجه نقراشی پاشا باضر فداران خود از وفد خارج گردید و حزب مذکور اندکی در پارلمان ضعیف شد بتاریخ ۱۶ اسد شاه فاروق اول بمن رشد (۱۸ سالگی)

رسیده زمام مملکت را بدست گرفت و علی ماهر پاشا را که یکی از دوستان و طرفداران شاه فقید بود بمشاوریت سلطنت مقرر نمود. اما رئیس الوزرا این اقدام را مخالف قانون اساسی دانسته بر تقرر مشارالیه اعتراض نمود و خواست که احزاب دست راست را زیر فشار بگیرد. در این موقع به علت دوری نقراشی پاشا و تجربه حزب و فد موقعیت او بمانند سابق محکم نبود زیرا که افراطیون وفد با او مخالفت می ورزیدند و حتی در مسافرتی که بجنوب مملکت بعمل آورد یکی از جوانان پیراهن آبی سوء قصدی بمقابل او بعمل آورد که خوش بختانه ناکام شد. بهر صورت کشیدگی بین رئیس الوزرا و دربار سلطنت زیاد گردیده بالاخره بتاریخ ۹ قوس به اثر درخواست شاه فاروق، نحاس پاشا از مقام خود استعفاء داد و محمود محمود پاشا (رئیس حزب احرار مشروطه) کابینه جدید را تشکیل نمود و چون اکثریت پارلمان با او مخالف بود بموجب فرمان سلطنت پارلمان را با وجود احتجاج شدید و فدیون منحل ساخته انتخابات جدید را اعلان کرد و تشکیلات نیمه نظامی حزبی پیراهن سبز و پیراهن آبی را نیز لغو قرار داد. آینده اوضاع البته مربوط به انتخابات جدید است که نتیجه آن هنوز ظاهر نشده.

اتحادیه بالقان در انقره انعقاد یافت و دولت تورکیه به اشتراک رومانیه و یوگوسلاویه، و یونان رسمیت امپراطوری ایتالیا را در حبشه تسلیم نمود. در خزان این سال وزیر خارجه ایران رسماً به ترکیه مسافرت کرد. و علاوه بر این روابط ترکیه در عین زمان با انگلستان و روسیه از یکطرف و با ایتالیا و آلمان از طرف دیگر خوب بوده یعنی دولت مذکور سیاست میان نه روی را در تمام روابط خارجه خویش بدرجه کمال حفظ کرده است.

ممالک عربی

مصر: مملکت جوان مصر که بقیمت فداکاری های بزرگ تازه استقلال خود را بدست آورده، و زمینه سیاست خارجی درین سال بموفقیت های بزرگی نائل گردید و امتیازات خارجه را که بهزار اسم و رسم به آزادی و افتخار او صدمه میزد رفع نمود. اما در داخل مشکلات و بحران های بس مهمی در آن مملکت رو داده حزب و فد که محصل حقیقی استقلال مملکت بود از اداره امور کناره گرفت و انعکاس اقدامات و مخالفت های دول اروپائی در بحر مدیترانه در بین احزاب سیاسی آن تشتت و ففاق را جانشین یگانگی و اتحاد ساخت. در اواخر حمل نمایندگان مصر در کنفرانس (موترو) شرکت ورزیده برفع کاپیتولا سبون قضائی و غیره امتیازات دول اروپا کسایابی بزرگی را حاصل نمودند و چندی بعد در ماه جوزا دولت مصر در جامعه ملل رسماً شامل شد چنانچه افغانستان نیز برای پذیرفتن مصر در جامعه ملل سفارشات بعمل آورد. در این موقع شورش اعراب فلسطین بشدت دوام داشت و افکار جوانان عرب سخت بر علیه انگلیس بر آشفته بود، یکی از روسای بزرگ وفد نقراشی پاشا

در زمستان این سال که گفتگوی مذاکرات بین حکومت انگلیس و ایتالیا بالا شد یکی از درخواست های اخیر الذکر حصول امتیازاتی در کانال سوئز بود. از این جهت رئیس الوزرای برطانیه بیان نمود که حکومت مصر را از جریان مذاکرات اطلاع دهی شده و در قضایای مربوطه، با آن دولت مشوره بعمل خواهد آمد. حکومت مصر به مشوره صا جمنصان انگلیس پلان و سعی را برای تهیه یک عسکر منظم جهت دفاع مملکت و حفظ کانال سوئز و غیره رویدست گرفته و مبلغ خطیری را برای خریداری اسلحه و لوازم عسکری تخصیص داده است که در آینده او را از احتیاج اجنبی فارغ خواهد ساخت.

پس از انقلاب مختصری که در سال ۱۳۱۵ رو داد و منجر به تبعید عراق: نوری سعید پاشا و قتل جعفر پاشا العسکری شد اداره مملکت بدست رجال افراطی افتاده مشارالیه اصلاحات مهمی را روی دست گرفته که از نکات عمده آن یکی اجرای نظام اجباری در بین عشائر و قبایل کوهستانی مملکت و دیگری توسعه معارف بود. همچنین در سیاست خارجه روش دولت کمی تغییر یافت و در قضایای فلسطین بحیث یک مملکت عربی مداخله بعمل آورده بر پلان تقسیم فلسطین احتجاج شدیدی بعمل آورد اما بتاريخ ۲۰ اسد جنرال بکر صدقی رئیس ارکان حزب ورکن مهم حکومت جدید در میدان طیاره موصول بقتل رسید و متعاقب آن بتاريخ ۲۵ اسد، کابینه حکمت سلیمان سقوط کرد و کابینه جدید بصورت اتحاد ملت تشکیل شده رؤسای جمیع فرق بشمولیت در آن دعوت شدند. چنانچه برای نوری سعید و باقی سیاسیون تبعید شده نیز حق مراجعت بوطن داده شد.

درین سال دولت عراق مخالفت های سرحدی را که از دیر با دولت ایران داشت بصورت دوستانه فیصله نمود. بتاريخ ۱۹ سرطان

وزیر خارجه آن مملکت بطهران آمده قرارداد های سرحدی را با ایران و معاهده سعد آباد را با دول افغانستان و ایران و ترکیه امضا نمود.

دولت عربیه سعودیه درین سال در داخل، پلان غریبه سعودیه: اصلاحات مدنی و اقتصادی خود را تعقیب نموده و در خارج مناسبات خود را با اکثر دول و مخصوصاً دول عربیه مانند مصر، یمن و عراق استحکام بخشیده است و همچنین زمامداران آن علاقه مدنی خود را بقضیه فلسطین و دفاع از حقوق اعراب ظاهر ساخته اند.

این مملکت که کم کم دارد بطرف تجدد و عصری ساختن خود یمن: قدم بردارد روابط خویش را روز بروز با ایتالیا و سعت داده و ضمناً مناسباتش با دیگر ممالک عربی نیز روی هم رفته خوب بوده است.

در باقی ممالک عربی از قبیل کویت و مسقط و حضرموت و غیره وقایع قابل ذکری بظهور نیوسته است.

هیجان اعراب بمقابل اسکان یهود در فلسطین و شرق اردن: فلسطین که از دو سال باینطرف شدت کرده درین سال وخامت بیشتری کسب و دولت برطانیه برای اصلاح امور هیئت تحت ریاست لارد پیل به فلسطین اعزام نمود هیئت مذکور که بنام هیئت شاهی یاد میشود پس از چند ماه تحقیقات بلندن مراجعت نموده را پورت خود را مبنی بر تقسیم مملکت کوچک فلسطین و شرق اردن به سه قسمت بین اعراب و یهود و دولت انگلیس تقدیم نمود. اما را پورت مذکور در پارلمان انگلیس مورد اعتراض حزب کارگر قرار گرفت و همچنین ممالک عربیه و حتی محافل بین المللی یهود عدم قناعت خود را به نسبت آن اظهار نمودند. در داخل مملکت شو رش اعراب بیش از پیش کسب شدت نمود چنانچه دولت انگلیس هم بنای تشدد را گذاشته اکثر از زعمای



محمد محمود پاشا رئیس الوزرای مصر

داکتر ویزمن رئیس انجمن
بین المللی یهود

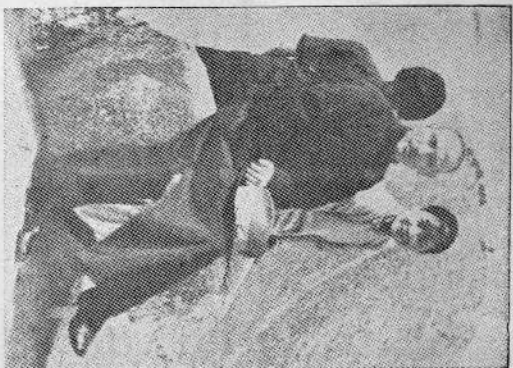
مفتی اعظم بیت المقدس

جنرال دل حاکم نظامی
فلسطین

ملی را محبوس و بعضی ها را اعدام نمود . مفتی اعظم که ز عیم
آزادی خواهان است بدو در مسجد اقصی اعتکاف نموده پس از
سه روز بحر مانه بسوریه فرار کرده از چنگال عساکر مستعرا تی
نجات یافت . اما پلان تقسیم اراضی فلسطین در اجلاس جامعه ملل با مخالفت
دول آسیائی مقابل گردیده دولت انگلیس هیئت دیگری بنام هیئت
تخنیکی به فلسطین اعزام نمود که نقائص پلان مذکور و وجوه مخالفت
یهود و اعراب را از نقطه نظر اجتماعی و اقتصادی مطالعه نماید .
در خلال این حال خونریزی بطور فجیعی دران سرزمین ادامه دارد .
مملکت سوریه که در اواخر سال گذشته معاهده
سوریه و لبنان : استقلال خود را از فرانسه حاصل کرد ، ازان
پس داخل یکدوره جدیدی شده که عنقریب منجر به آزادی تامه آن
مملکت خواهد گردید . قضیه سنجاق های اسکندرون که میان ملیون
سوریه و حکومت تورکیه اختلاف نظری را پیش کرده بود . در اوائل
سال بین فرانسه و تورکیه بموافقت انجامیده و جامعه ملل نیز موافقت
مذکور را تأیید نمود و به اثر آن رئیس جمهور سوریه به انقره مسافرت
دوستانه بعمل آورد . از طرف دیگر مردمان سوریه از لحاظ علائق مذهبی
و نژادی با اعراب فلسطین همدردی خود را نشان داده . لیکن حکومت
موجوده سوریه در امور فلسطین کدام سهمی نگرفته و تنها مفتی
بیت المقدس را با بعضی پناه گزینان دیگر پناه داده است .

شرق اقصی

فضای سیاسی شرق اقصی درین سال وضعیت شوم و وحشتناکی را
بنظر مجسم مینماید زیرا که صلح و امنیت ازان سامان رخت بر بسته و
قشون جاپان مملکت پنهانورچین را مورد تاخت و تاز قرار داده است .



مارشال چانگ کای شیک د کیتاتوریچین
با خانم و دختر خود



وروشیازوف کبیر ملی مدافعه و سپه سالار
قشون سرخ شوروی

گذارشات دنیا

عجالتاً با همه قدرت و توانائی جاپانیها و فتوحات مهمه ایشان نتیجه حرب معلوم نیست و امید آن نمیرود که درین زودبها صلح و آرامش جا نشین قتل و خون ریزی بشود. تفصیل و قائل مذکور اینست که حزب عسکر و استعمار طلبان جاپان از قضا یای سال ۱۹۳۱ و فتح منچوریا و جیپول و غیره ولایات چین و ضعف دفاع حکومت مرکزی بجزئیات آمده همیشه آرزوی تجدید حمله و توسعه ممالک مفتوحه را بخاطر داشتند لکن محافظه کاران و طبقه سرمایه دار چندان باین اقدامات خطرناک راضی نبود و در داخل مملکت جاپان جنگ و جدال سیاسی بین دو فرقه مذکور دوام داشت تا آنکه یکدفعه در سال گذشته منجر به قتل عناصر محافظه کار از طرف عسکر گردید و دفعه دیگر در اثر اقدامات همین عساکر در ۱۱ حمل ۱۳۱۵ پارلمان منحل و انتخابات جدید اعلان شد درین فرصت قضایا در اروپا بعد از آخر تیره گردیده هر یک از دول روس و انگلیس بمعاملات خود در غرب مشغول بود از تصادم دریای آمور بین قشون جاپان و شوروی همان است که یک هفته بعد بتاريخ ۱۷ سرطان جاپان یک واقعه سرحدی کوچک را که در مقام (لوکوچانو) با عساکر چینی، روداده بود اساس گرفته از دولت نانکن تقاضا نمود که استقلال پنج ولایت چین، یعنی ولایات، شانسی شنی، هو بی، چاهار و شانتونگ را مستقل ساخته تعرفه گمرک اموال جاپانی را تقلیل بدهد و با کمونیزم جداً مخالفت نماید. اگرچه مارشال چانگ کای شیک باین شرایط تن نداد اما مذاکرات بین ما مورین، سرحدی طرفین شروع گردید و در حال حکومت چین سو فیاتی بسرحد مذکور بعمل آورد - حضور عساکر مسلح طرفین در مقابل یکدیگر موجب تصادمات شدیدی شد و قشون جاپان بمانند سیل سرازیر گردیده

گذارشات دنیا

شهرهای پکن و تین تسین را تسخیر نمود و جنگ بزرگی بدون اعلان حرب بین طرفین شروع شد - کابینه جاپان برای اجرای عملیات عسکری مبالغ بزرگی را منظوری داد و چند لک عسکر بسرحدا چین سوق کرد - حکومت نانکن نیز ملت را برای دفاع مملکت تحریک نموده حتی المقدور وسائل حرب را آماده ساخت و با کونست های داخلی صلح نمود بجایه ملل شکایت کرد . بتاريخ ۱۴ اسد قشون بحریه جاپان در بندر شنگهای بغرض تسخیر محله چینی حمله آورده جنگ شدیدی بین طرفین شروع شد و در عرصه سه ماه قشون جاپان تحت امر جنرال متسوئی خطوط دفاعیه دشمن را در هم شکست و شهر مذکور را با اراضی مجاور آن فتح نمود و پس از آن بجانب نانکن حمله برده آخرین استحکامات و مدافعین چین را در مقابل این شهر مضمحل نمود و بتاريخ ۲۲ قوس پایتخت را مسخر کرد . در تمام این مدت طیارات جاپانی بر شهرهای بزرگ چین بمبارد مان مهیب و وحشت ناک را اجرا نموده درین بین وقایع و تصادمات چندی بین عساکر جاپان و دول امریکا و انگلیس و فرانسه روداد مثلاً واقعه مجروح شدن سفير انگلیس و حادثه جهاز پانی امریکائی و غیره که هر کدام میتوانست سبب بروز جنگ شود اما هیچ یک ازین دول بجنگ اقدام نکرد و باعتذارات جاپان اکتفا نمودند .

پس از چندی پیش از فتح نانکن مارشال چانگ کای شیک با اعضای حکومت و کومتانگ (مجلس مرکزی) به هانگورفته شهر مذکور را مرکز حکومت قرار دادند و با وجودیکه جاپانیهادر شهر نانکن حکومت جدیدی از طرفداران خود تشکیل داده اند اما جنگ ادامه دارد و عساکر جاپان در شمال از حیث وسعت جبهه و حملات منظم و غیر منظم

انگلستان

اگر چه درین سال او ضاع داخلی و مالی انگلستان بهبود زیادی حاصل نموده بازار تجارت گرم و کار خانه جات ب فعالیت زیادی مشغول کار بوده از رهگذر سیاست خارجی کابینه لندن به غوامض بزرگی دچار گردیده و هنوز راه صحیحی برای استحکام موقعیت بین المللی خود نیافته اند - رویهمرفته در قسمت بزرگ این سال (یعنی تا موقع استعفا ی ایدن) سیاست دولت انگلیس واضعابر

با مدوین رئیس الوزرای انگلستان در اثر پیری از مقام خود استعفا نمود چنانچه قبلاً پیش بینی شده بود نیواگبل چمبرلین وزیرمالیه به تشکیل کابینه جدید موظف شده کابینه خود را تقریباً از وزرای سابق باندک تغییرات تشکیل نموده - چمبرلین درعین حال مقام ریاست حزب محافظه کار را نیز اشغال کرد - بتاريخ ۲۴ جوزا دوک آف ونسراشاه مخلوع انگلستان بدون حضور هیچیک از خانواده سلطنتی انگلیس در یکی از کلیسا های فرانسه (بمقام کان) باخانم سمپسن از دواج نمود . در اواخر ماه سرطان حکومت انگلیس موافقت های را که سابقاً در قسمت بحریه با المان و شوروی بعمل آورده بود بشکل معاهدات بحری در آورده و هر یک از مملکتین مزبور متعهد شدند که کمیت و کیفیت بحریه جنگی خود را باطلاع انگلستان برسانند . اما شوروی درین قسمت بحریه شرق اقصای خود را استثناء کرد .

تاریخ ۴ سنبله هو چیسین سفیر کبیر انگلیس متعین نالکن در بین راه شانگهای مورد حمله طیارات جاپانی واقع شده جراحت شدیدی برداشت و در اثر این قضیه آرای عامه ملت انگلیس سخت بر علیه جاپان برآشفته گردید و جراید تحریک مقاطعه اقتصادی را بر علیه جاپان نمودند اما دولت به اعتدال رسمی وزارت خارجه جاپان اکتفاء ورزید . روابط انگلیس و ایتالیا روز بروز بدتر شده رفته پروپا گند جرائد دوام داشت تا آنکه پس از پیشرفت سیاست المان در ارضیش گراندی سفیر کبیر ایتالیا در لندن موضوع مناسبات مملکتین را دوباره پیش کشیده به چمبرلین و ایدن اطلاع داد که اگر درینوقت اقداماتی بعمل نیاید احتمال دارد که درآینده ایتالیا برای مذاکرات حاضر نخواهد شد . ایدن باین خواهش راضی نشده چون چمبرلین صرفدار آن

اساس امنیت مشترک و صلح تقسیم ناپذیر یعنی مطابق ميثاق ملل قرار داشت و مناسبات آن با بعضی از دول و مخصوصاً با دیموکراسی های بزرگ تشدید یافت اما از اقدامات دول فاشیست و مستعمره طلب جلوگیری بعمل آورده نتوانست و پس از قضیه مدش حبشه خدمات جدیدی بمقاد اقتصادی و استعماری آن در اسپانیا و چین وارد آمد .

از وقایع مهم انگلستان درین سال یکی تاج پوشی جارج ششم است که از روزهای اخیر ماه ثور باشکوه و جلال تمام در لندن بعمل آمده نماینده گان جمیع دول عالم و ممالک امپراطوری و ملو نها نفر تماشاچی دران شمولیت ورزیدند چنانچه از طرف افغانستان ع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت سردار شاه ولیخان غازی وزیر مختار اعلیحضرت درباریس و ع، ش سردار اسد الله خان قوماندان فرقه شاهی و ع، ج عبدالصمد خان وزیر مختار اعلیحضرت در روما در مراسم مذکور شمولیت ورزیده بودند . وهم درین وقت کنفرانس امپراطوری در قصر سینت جیمز در تحت ریاست بالمدوین رئیس الوزرای وقت افتتاح گردیده نماینده گان ممالک امپراطوری و نماینده هند با اولیای امور لندن تبادل آراء بعمل آوردند متفقاً باهمدیگر تعهد تعاون نموده تا تجارت باهمی خود را ذریعه معاهدات دو جانبه و تخفیف تعرفه گمرکی ترقی بدهند .

اما در مقابل مناسبات دولت آزاد آیرلند با انگلیس روز بروز سردتر گردیده چنانچه بتاريخ ۲۴ ثور پارلمان این مملکت فانون اساسی جدیدی را تصدیق نموده اسم مملکت را (آیر) و اداره سیاست خارجی را که تا آنوقت از امتیازات پادشاه انگلیس بوده برئیس جمهور مملکت تفویض کرد چنانچه در اواخر سال مذاکرات دولتین شروع شد و انگلستان اتحاد آیرلند آزاد و استر را قبول نکرد . بتاريخ ۷ جوزا

مانده حتى المقدور روابط خود را بادول ديمو كراسى (مشروطه) استحكام بخشيد و با نقشه هاى دول فاشيست مخافت نشان داد و بر تعرضات دول غير قانع همواره اعتراض نمود .

بنوم رئيس الوزراى سوسالست فرانسه پلان هاى اجتماعى بزرگى را ترتيب داده براى ملى ساختن كاخخانه جات و مستقل ساختن شرح مبادله تيارى كرد اما سرمايه داران با مخالفت ورزيده بواسطه خارج كردن مقدار كلى طلا و تنزل مسكوك بحران شديدى را روى كار آوردند .

بنوم بتاريخ ۳۱ جوزا از مقام رياست وزرا استعفاداد و شوتان كه بكمى از اعضاى مهم حزب راديكال است كابينه جديدى بشراكت تمام احزاب جبهه عامه تشكيل نمود . تقرر بونه بوزارت مالىه سرمايه داران و احزاب دست راست را آرام ساخته پلان هاى اوبس از اندك مخالفت تصويب شد شوتان بهمراى دلبو وزير خارجه دراواىل عقرب مسافرتى بلندن نموده پيشنهادانى را كه لارد هيليفكس از برلن آورده بود باد بگر قضاى بين الملى بازماداران انگليس مطالعه كرده پس از ان دلبو مسافرتى در ممالك متحد فرانسه يعنى پولند و رومانيه و يوگوسلاوى و چكو سواكى بعمل آورده در مسائل مهمه با اولياى انها تبادل نظر كرده و از نفوذ دول مخالف در انجا تا يك اندازه جلو گيرى نمود . در همين دوره رياست وزرائى شوتان بود كه اغتشاش شديدى در مراكش فرانسوى روداده و قشون فرانسه براى اطفاى آتش انقلاب در شهر فاس و ديگر نقاط باستعمال اسلحه ناريه متشبت گرديد و يك تعداد از بوميان ناراضى بخاك و خون غلطيدند اما در اثر اقدامات عسكرى شورش مذكور زود خاتمه يافت و متعاقب آن حكومت فرانسه پلان اقتصادى جديدى براى آبادى مراكش ترتيب داده كه برعم ايشان شكائات اهالى بومى رارفع خواهد كرد

بود ، با معين پارلمانى خود لارد كرا بون استعفى داد . لارد هيليفكس عوض اين وبتلر جانشين گران بون گردیده مذاكرات مملكتين شروع گرديد و بزودى پيشرفت كرد قبل از رسيدن بمقام وزارت خارجه لارد هيليفكس مسافرتى در آلمان بعمل آورده و باهتلر ملاقات هاى مفصل نموده بود . پس از مراجعت هيليفكس در اوائل عقرب شوتان و دلبو رئيس الوزرا وزير خارجه آنوقت فرانسه بلندن مسافرت نموده در قضاى بين الملى باوزراى انگليس مذاكره كردند . اما پيشنهادات هتلر طرف قبول واقع نشد - در ۱۸ ماه دلو دولتين مذكور باتفاق امريكاياد داشت متحد المالى بدولت جاپان راجع باحترام مقررات معاهده بجرية لندن تقديم كردند اما دولت مذكور جواب منفى بايشان داده و معاهده بجرية را درهم شكست در واقعه الحاق آستريا با آلمان نيز انگلستان بجز از يك اعتراض ديگر اقدامى نكرد و به چكو سواكى هم ضمانت نداده

فرانسه

اوضاع سياسى فرانسه در ين سال پر آشوب و مضطرب بود دو كابينه جبهه عامه (اتحاد احزاب دست چپ) و يك كابينه راديكال كه احزاب دست چپ تشكيل نموده بود بى هم سقوط كرد و دهشت افكنى ها و اغتشاشات خطرناكى بدسيسه افراطيون دست چپ و دست راست و تحريك اجنبى در داخل مملكت و مستمرات روداده حكومت مذكور را دچار اندیشه واضطراب نمود . از رهگذر سياست خارجى و بين الملى هم اولياى مملكت بمشكلات عظيمى بر خورده و دقائق خطرناكى را طى نمودند معيها سياست فرانسه براساس سابق خود يعنى بظرفدارى از جامعه ملل و سيستم امنيت مشتر كه ثابت

سالماتہ « کابل »

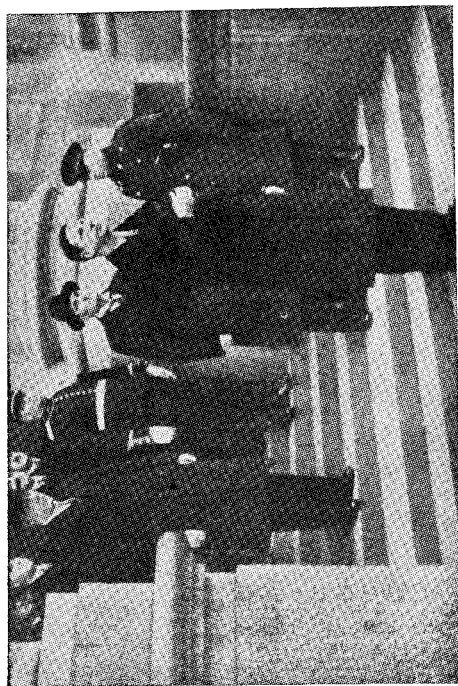
مقارن این حال درکارخانه جات اسلحه سازی فرانسه و حتی در نفوس شهر پاریس بم‌های زیادی انفلاق نموده باعث قتل نفوس و خرابی و انهدام عمارات زیاد گردیده - پلیس و حکومت فرانسه تحقیقات وسیعی را روی دست گرفته در اثر توقیف چند نفر از مجرمین که بعضاً خارجی و مربوط بدول فاشیست بودند معلوم گردید که جمعیت خطرناکی برعینہ حکومت جمهوری مشغول دسیسه و توطیہ می باشد و اسلحه فراوان برای تهیه یک انقلاب عظیم جمع آوری شده است .

در عهد ریاست وزرائی بلوم نمایش بین المللی صنایع و فنون در پاریس افتتاح شد (ماه نور) و اکثر دول عالم در آن شمولیت ورزیده و غرفه های قشنگی را اصراف قصر برگزگت و کادیر و دو طرفه نهرسن تعمیر نموده بودند در اواخر جدی حزب سوسیالیست با نقشه های بونه مخالفت ورزیده وزرای سوسیالیست بهمراهی بلوم یکجا استعفا دادند و کابینه شوتان سقوط کرد و پس از چند روز بحران بالاخره شوتان دوباره اقدام نموده و کابینه جدیدی را خاص از حزب رادیکال تشکیل نمود - جمیع احزاب باین فیصله راضی گردیده و بحران رفع شد . درین بار شوتان همکاری و تعاون خود را با انگلیس و امریکا ادامه داده نوبه بحریه را بشراکت آن دودولت بجایان صادر کرد و برای جلوگیری از بمبارد طیارات بر شهرها و نفوس ملکی هسپانیا که اخیراً شکل فجیعی را اختیار نموده بود اقدام کرد و درمراه حوت که المان بفشار نظریات خود را بر حکومت اتریش (استریا) تحمیل نموده ، سیاست الحاق را روی دست گرفت کابینه شوتان علاقه مندی خود را بدفاع حقوق واستقلال اتریش و چکوسلواکی اظهار نموده اما وقایع داخلی مجال اقدامی را درین موضوع

رئیزی مکدا لندریس الوزرای قید انگلستان



دی ولبرا زعمیم ملی وزرئیس مملکت آیرلند



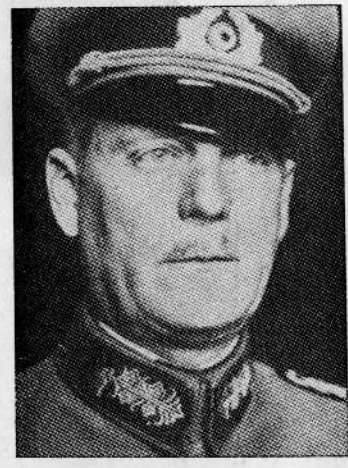
مربوط به واقعات انگلستان



امضای معاهده ضد کمترن بین جاپان ، آلمان و ایتالیا

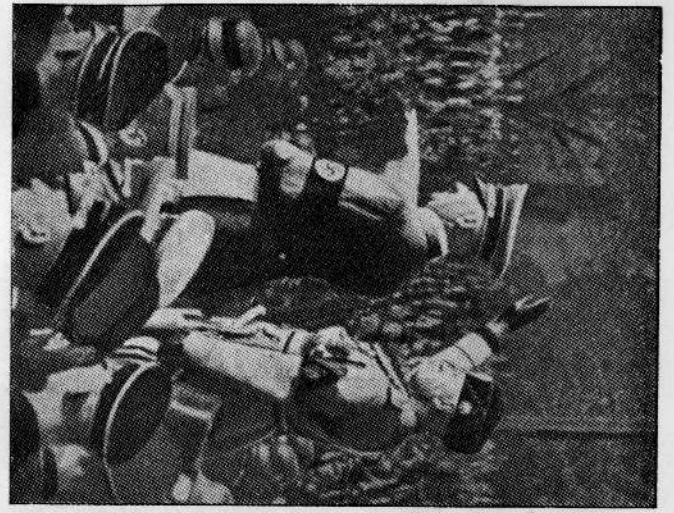


جنرال فون براو شش قوماندان عمومی افواج بری آلمان

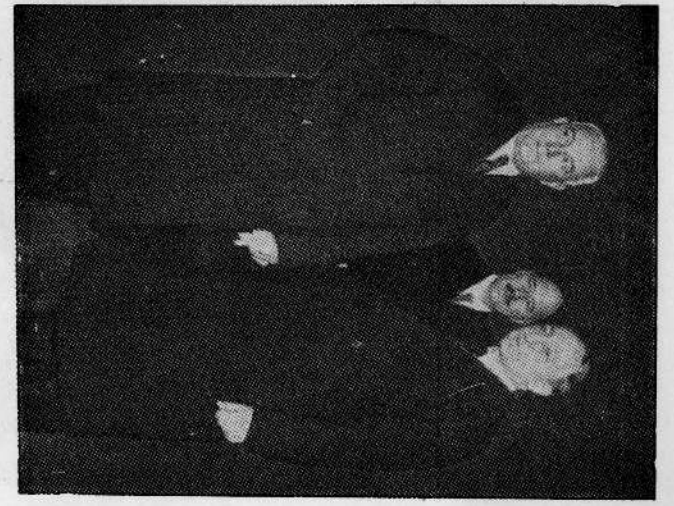


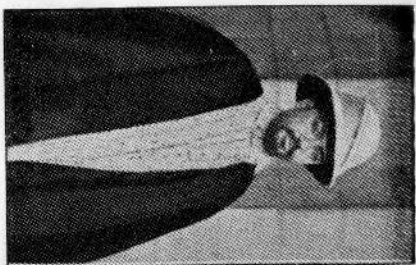
جنرال کیتل رئیس ارکان حریه جدید آلمان

مسافرت موسولینی با آلمان : سلام فازی و سلام فاشیست
در موقع نمایش عسکر آلمان



ملاقات فون نورات وزیر خارجه آلمان با دیلو وزیر خارجه فرانسه در برلین ، موقع مسافرت اخیر آندکر بطرف پولیند





راس دسنا آخرین مدافع ملی جنبه که اخیراً دستگیر و مقتول شد



گراندی سفیر کبر ایتالیا در لندن و عامل مهم نزدیکی جدید انگلیس و ایتالیا



دیوک اوستا نائب السلطنه جدید جنبه که اخیراً باین رتبه مقرر شده

گزارشات دنیا

بشار الیه فداده حزب سوسیالیست دو باره بانقشه های مالی حکومت مخالفت ورزیده کابینه شوتان در همان شبیکه فردای آن المان در آستریا اقدام عملی میکرد سقوط نمود (۲۱ حوت) چنانچه شاید در انتخاب وقت اقدام باشغال آستریا همین سقوط کابینه فرانسه نیز دخیل بوده باشد - پس صورت و وضعیت سیاسی از اثر مسائل آستریا خیلی باریک بوده تشکیل فوری کابینه فوق العاده ضرور افتاد و پس از آنکه بلوم کابینه را از سوسیالیست ها و رادیکال ها تشکیل داد ولی باوجود این در کار تشکیل کابینه آنقدر تعطیل بهم رسید که مسئله الحاق آستریا شکل عملی پیدا کرده و برای جلوگیری از آن جز بوسیله اقدام مسلح و سیله باقی نماند و برای ایشکار نیز چون انگلستان حاضر نبود فرانسه چیزی کرده نتوانست از طرف دیگر در همین وقت جنرال فرانکو در اسپانیه پیشرفت های خیلی زیادی حاصل کرده درین موضوع نیز انگلستان جهت کدام اقدام مؤثر موافقت نمود و بالاخره از سمتی نیز اوضاع داخلی مواجه بحران شدید پولی گردیده سرمایه داران بواسطه خارج کردن طلا و غیره اقدامات مالی قیمت فراز را بطور فحشی تنزل دادند و این موضوع بیشتر توجه حکومت را بسوی قضایای داخلی معطوف ساخته روی مهرفته حکومت فرانسه تا اخیر این سال بجز از دادن ضمانت به چکوسلواکیه دیگر کدام اقدام مؤثری نه در موضوع آستریا و نه در موضوع هسپانیه بعمل نیاورده حتی فرانسه درخواست روسیه را برای تشکیل مجلس دول دیموکراسی جهت جلوگیری از اقدامات دول فاشیست منظور کرده نتوانسته و بالمقابل به تسلیحات خویش افزوده است .

آلمان

سیاست خارجی آلمان درین سال با اساس مخالفت کمونیسم اتحاد

پیروی نموده دو دفعه بهرای آن دولت مراقبت سواحل را ترک گفت اما عملاً معاونت و امتداد او با فرانکو نسبت به سال گذشته کمتر بود بتاريخ ۲۹ اسد دولت المان معاهده بحریه را در لندن با انگلیس امضاء کرد و تعهد نمود که از قوا و تعمیرات بحریه خود آن دولت اطلاعدهی نماید. در ماه میزان موسولینی با المان مسافرت و مذاکراتی با هتلر بعمل آورد که شاید نتیجه آن شمول ایتالیا در معاهده ضد کمترین و خروج آن دولت از جامعه ملل بوده باشد. بتاريخ ۲۰ میزان دولت المان بموجب وعده که قبلاً به بلژیک داده بود معاهده عدم تعرض را با آن مملکت امضاء کرد و از ادعای اراضی از دست رفته خود در سرحدات آن مملکت صرف نظر نمود هم چنین بتاريخ ۱۵ عقرب معاهده راجع به حقوق اقلیت های طرفین با دولت پولیندا امضاء نمود و اکثر مسائل متنازع فیها را با آن مملکت قطع و فصل کرده در اواخر عقرب لارد هیلینگس با المان مسافرت نموده با هتلر ملاقات نمود و نظریات قائم المان را در موضوع اکثر قضایای سیاسی استعلام کرد. معلوم میشود که هتلر با لارد موسوف پیشنهاد ضمانت نیست و پنج ساله صلح اروپای غربی را نموده است مشروط بر اینکه دست المان در دیگر نقاط آزاد گذاشته و انگلستان و فرانسه در قضایا مداخله نمایند چنانچه چند روز بعد از این در بر این ملاقاتی بین وزیر خارجه المان بارون فون نورات و دبیر وزیر خارجه فرانسه که عازم وارسا بود دست داد معیناً پیشنهاد مذکور طرف قبول واقع نگردید. در اواسط ماه دلو بحران بزرگی در کابینه المان روی داده بلومبرگ وزیر حریه با چندین نفر از جنرالها از عهده خودها منفصل و خود هتلر وزارت حریه را اشغال و فون ریین اروپ سفیر کبیر لندن جای فون نورات را در وزارت خارجه گرفت.

نژاد ژرمن و استقلال مذهبی و اتفاق با دول فاشیست قرار داشت و بموفقیت های چندی نائل گردید - علاوه بر تشدید مناسبات خود با ایتالیا و جاپان دولت نازی تشبثاتی برای پهن کردن رسوخ خود در بالکان و اروپای وسطی بعمل آورده و مملکت اتریش را بخود ملحق کرده و در عین حال بطور مسالمت مطالبه مستعمرات سابقه خود را از



انگلستان و فرانسه بعمل آورد در داخل مملکت بزرگترین اقدامات حکومت نازی سیاست اقتصاد ملی بود بغرض تهیه مواد ضروری بصورت مصنوعی و رفع احتیاج از خارج. از آنجا که این اقدام باعث ضعف روابط و گساده بازار تجارت است در مالک مملکت غرب اروپا و جماهیر متحده امریکا بخوشی استقبال نشد و روابط المان مخصوصاً با فرانسه و انگلیس بهبودی حاصل نکرد بتاريخ

۱۷ ثور جهاز هوایی بزرگ لودند ورف جنرال فید المان المان موسوم به هند نو بزرگ که با مریکای شمالی مسافرت میکرد اتفاق نموده و بایک قسمت از مسافریش تلف شد در اوائل جوزا باثر گلوله باری طیارات حکومتی بر جهاز مراقب المانی (دویچلند) به بحریه المان بندرگاه اسپانیوی المیریا را بمبارد کرد. در موضوع جنگ اسپانیا المان تقریباً قدم قدم از سیاست ایتالیا

گذاشته‌ها دنیا

نکردند و همسایه گان دیگر آلمان از چکسلواکی و هولاند و سویس و پولند و هر یک را رای يك تعداد اقلیت آلمان نژاد میباشند در صدد تقویه فوری عسکری و تهیه وسائل دفاع برآمدند مخصوصاً دولت چکسلواکی تعهد امداد عسکری را در صورت حمله آلمان از فرانسه و شوروی بدست آورده اما انگلستان در قبول آن انکار ورزید.

ایطالیا

دولت ایطالیا درین سال سیاستی را که از موقع جنگ حبشه به بعد مبنی بر مخالفت جامعه ملل و دول دیموکرات پیش گرفته تعقیب نموده بلکه موسسه جمعیت اقوام را بکلی ترک گفت و در اتحاد ضد کمونیزم با آلمان و جاپان رسماً شرکت ورزید. در قضیه اسپانیا هم تا جائیکه مسئله منجر بجنگ عالم گیر نمیشد تشدد نموده ملیون را با انواع وسائل امداد و حمایت کرد. در داخل مملکت حکومت فاشیست برای تهیه مواد خام با اصول مصنوعی و تکمیل تسلیحات عسکری جد و جهد ورزیده و در خارج تا که ممکن بود اسباب نگرانی فرانسه و انگلستان را در اروپا و مستعمرات شان فراهم آورد. اما در عین حال برای اصلاح روابط خود با بعضی دول درجه دوم اروپا و خارج آن نیز اقداماتی بعمل آورده و تا یک اندازه کامیابی حاصل کرد. در روزهای اول حمل موسولینی مسافرتی در طرابلس بعمل آورده و جاده بزرگی را که در طول ساحل آن مملکت تا سرحد مصر کشیده شده بود افتتاح نمود و ضمناً نطقی در محضر اعراب ایراد نموده خویش را حامی جامعه مسلمین معرفی کرد. این نطق که در حقیقت سیاست سمی سال پیش فیضر ویلم آلمان را زنده میساخت تاثیر شدیدی در انگلستان نموده مناقشه جرایم با مقامات

این تغییرات سیاست خارجه و قشون را نیز بدانند دیگر شعب حیاتی مملکت مستقیماً تحت اداره حزب نازی قرار داده درین وقت هتلر از شوشنگ رئیس الوزرای اطریش تقاضای ملاقات فوری را نموده در نتیجه آن شوشنگ



بمجرد مراجعت به وین در کابینه خود تغییراتی وارد کرده چند نفر از روسای حزب نازی اطریش را در بعضی از وزارت قبول کرد و امتیازاتی به ملیون

سوسیالیست در امور سیاسی فون بلومبرگ وزیر حربیه سابق آلمان و مراسم حزبی ایشان قائل گردید. اما چون نهضت نازیها شدت کرد و شوشنگ برای گیری متوسل شد فعلاً بتاريخ ۳ حوت هتلر انیما تومی باطریش صادر کرده و از شوشنگ در خواست نمود که از مقام خود استعفا داده پس آن کوارت رئیس نازیها بریاست وزرا تعیین شود والا آلمان اقدام عسکری خواهد نمود. فردای آن با وجود استعفاى شوشنگ قشون آلمان بدعوت نازیهای اطریش داخل خاک آن مملکت شده بدون انیک زود خورد آن را تسخیر کرد و هتلر و گوبرنگ بوین مسافرت نموده الحاق اطریش را با آلمان اعلان نمودند و يك کابینه نازی تشکیل و اعلان شد بتاريخ ده اپریل رای عامه بعمل آمد اما این واقعه در خارج بی تاثیر نمانده مملکتین فرانسه و انگلیس و شوروی احتجاج شدیدی نمودند اما عملاً کدام اقدامی

[illegible]

1. 2. 3. 4. 5. 6. 7. 8. 9. 10. 11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100. 101. 102. 103. 104. 105. 106. 107. 108. 109. 110. 111. 112. 113. 114. 115. 116. 117. 118. 119. 120. 121. 122. 123. 124. 125. 126. 127. 128. 129. 130. 131. 132. 133. 134. 135. 136. 137. 138. 139. 140. 141. 142. 143. 144. 145. 146. 147. 148. 149. 150. 151. 152. 153. 154. 155. 156. 157. 158. 159. 160. 161. 162. 163. 164. 165. 166. 167. 168. 169. 170. 171. 172. 173. 174. 175. 176. 177. 178. 179. 180. 181. 182. 183. 184. 185. 186. 187. 188. 189. 190. 191. 192. 193. 194. 195. 196. 197. 198. 199. 200. 201. 202. 203. 204. 205. 206. 207. 208. 209. 210. 211. 212. 213. 214. 215. 216. 217. 218. 219. 220. 221. 222. 223. 224. 225. 226. 227. 228. 229. 230. 231. 232. 233. 234. 235. 236. 237. 238. 239. 240. 241. 242. 243. 244. 245. 246. 247. 248. 249. 250. 251. 252. 253. 254. 255. 256. 257. 258. 259. 260. 261. 262. 263. 264. 265. 266. 267. 268. 269. 270. 271. 272. 273. 274. 275. 276. 277. 278. 279. 280. 281. 282. 283. 284. 285. 286. 287. 288. 289. 290. 291. 292. 293. 294. 295. 296. 297. 298. 299. 300. 301. 302. 303. 304. 305. 306. 307. 308. 309. 310. 311. 312. 313. 314. 315. 316. 317. 318. 319. 320. 321. 322. 323. 324. 325. 326. 327. 328. 329. 330. 331. 332. 333. 334. 335. 336. 337. 338. 339. 340. 341. 342. 343. 344. 345. 346. 347. 348. 349. 350. 351. 352. 353. 354. 355. 356. 357. 358. 359. 360. 361. 362. 363. 364. 365. 366. 367. 368. 369. 370. 371. 372. 373. 374. 375. 376. 377. 378. 379. 380. 381. 382. 383. 384. 385. 386. 387. 388. 389. 390. 391. 392. 393. 394. 395. 396. 397. 398. 399. 400. 401. 402. 403. 404. 405. 406. 407. 408. 409. 410. 411. 412. 413. 414. 415. 416. 417. 418. 419. 420. 421. 422. 423. 424. 425. 426. 427. 428. 429. 430. 431. 432. 433. 434. 435. 436. 437. 438. 439. 440. 441. 442. 443. 444. 445. 446. 447. 448. 449. 450. 451. 452. 453. 454. 455. 456. 457. 458. 459. 460. 461. 462. 463. 464. 465. 466. 467. 468. 469. 470. 471. 472. 473. 474. 475. 476. 477. 478. 479. 480. 481. 482. 483. 484. 485. 486. 487. 488. 489. 490. 491. 492. 493. 494. 495. 496. 497. 498. 499. 500. 501. 502. 503. 504. 505. 506. 507. 508. 509. 510. 511. 512. 513. 514. 515. 516. 517. 518. 519. 520. 521. 522. 523. 524. 525. 526. 527. 528. 529. 530. 531. 532. 533. 534. 535. 536. 537. 538. 539. 540. 541. 542. 543. 544. 545. 546. 547. 548. 549. 550. 551. 552. 553. 554. 555. 556. 557. 558. 559. 560. 561. 562. 563. 564. 565. 566. 567. 568. 569. 570. 571. 572. 573. 574. 575. 576. 577. 578. 579. 580. 581. 582. 583. 584. 585. 586. 587. 588. 589. 590. 591. 592. 593. 594. 595. 596. 597. 598. 599. 600. 601. 602. 603. 604. 605. 606. 607. 608. 609. 610. 611. 612. 613. 614. 615. 616. 617. 618. 619. 620. 621. 622. 623. 624. 625. 626. 627. 628. 629. 630. 631. 632. 633. 634. 635. 636. 637. 638. 639. 640. 641. 642. 643. 644. 645. 646. 647. 648. 649. 650. 651. 652. 653. 654. 655. 656. 657. 658. 659. 660. 661. 662. 663. 664. 665. 666. 667. 668. 669. 670. 671. 672. 673. 674. 675. 676. 677. 678. 679. 680. 681. 682. 683. 684. 685. 686. 687. 688. 689. 690. 691. 692. 693. 694. 695. 696. 697. 698. 699. 700. 701. 702. 703. 704. 705. 706. 707. 708. 709. 710. 711. 712. 713. 714. 715. 716. 717. 718. 719. 720. 721. 722. 723. 724. 725. 726. 727. 728. 729. 730. 731. 732. 733. 734. 735. 736. 737. 738. 739. 740. 741. 742. 743. 744. 745. 746. 747. 748. 749. 750. 751. 752. 753. 754. 755. 756. 757. 758. 759. 760. 761. 762. 763. 764. 765. 766. 767. 768. 769. 770. 771. 772. 773. 774. 775. 776. 777. 778. 779. 780. 781. 782. 783. 784. 785. 786. 787. 788. 789. 790. 791. 792. 793. 794. 795. 796. 797. 798. 799. 800. 801. 802. 803. 804. 805. 806. 807. 808. 809. 810. 811. 812. 813. 814. 815. 816. 817. 818. 819. 820. 821. 822. 823. 824. 825. 826. 827. 828. 829. 830. 831. 832. 833. 834. 835. 836. 837. 838. 839. 840.

پیام تقویض حفاظت چکوسلواکیا به هتلر و جواب هتلر

د براتسلاو خبر وائی مو سیو (تیسو)
 د لاندی تیلیگرام دهر هتلر به نامه کړی:
 «زه درره د داد او عقیدې په واسطه
 چه په (هر هتلر) د لوی جرمنی به او و
 واکدار ئی ارم خپله چکوسلواکیا ستا
 ساتنه لاندی ایز دم انو تو قع لرم
 چه تا سوبه زما د اغو شته ومنی»
 هر هتلر جواب ورکړو چه «ما هیڅم را
 ورسید ما د چکوسلواکیا ساتنه پخپله
 غاړه ومنله»
 براتسلاو ۲۵ حوت موسیو (تیسو)
 تیلیگرام آئی را بنام هر هتلر کشید:
 «ما نظر به اطمینان قلبی و عقیده که
 هست به (هر هتلر) فائدا نظم جرمنی
 کیر داریم چکوسلواکیای خود را
 تحت حمایت شما میگذاریم و توقع داریم که
 شما این درخواست ما را قبول خواهید فرمود»
 هر هتلر جواب داد که «پیام شما رسید
 من حفاظت چکوسلواکیا را بعهده خود
 قبول نمودم» «ریوتر»

3:00

2:30

2:00

1:30

1:00

12:30

12:00

11:30

11:00

10:30

10:00

9:30

9:00

سالنامه «کابل»

هریک سیاست خارجی مشخص اتخاذ نمودند ، اما باز هم اشتراك مفاد
 (مخصوصاً وجود دشمن مشترک مانند هنگری که با هر سه مملکت مذکور
 دعوای اراضی دارد) وجد وجهد فرانسه نیکداشت که اتحاد آنها

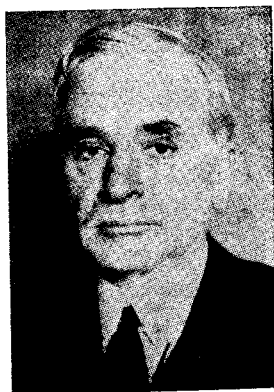


لغو شود . از این سه مملکت تنها
 چکوسلاواکی سیاست سابقه یعنی
 طرفداری جامعه ملل و اتحاد
 فرانسه و روسیه پایدار مانده
 و وضعیت آن در مقابل ممالک
 فاشیست تغییری نیافت و حتی
 دولت چکوسلاواکی به یکی
 از کارخانه جات خود که
 فرمایش یکنوع ما شیند را
 مخصوصی را از پرتگال قبول
 نموده بود اجازه داد که آنرا
 بسولت مذکور بفروش رسانند و
 در نتیجه این امر پرتگال پروتست

شدیدی داده روابط سیاسی
 دولتن بکلی قطع شد و در اخیر سال از سبب اقدام آلمان در آستریا اضطرابی
 در چکوسلواکی پدید آمده اما فرانسه و روسیه ضمانت او را در صورت حمله
 آلمان نده و آرشند و تنها انگلستان از آن اعراض کرد و در داخل حکومت
 چکوسلواکیه در اثر خواهشات حزب نازی ، بعضی امتیازات را برای شان
 قائل شد و هم درین سال بود که مبارک استقلال بخشیده چکوسلواکی فوت
 شده مراسم جنازه او با تشریفات ملی فوق العاده بزرگی بعمل آمد .

میان روی دوجنبه دار خود را به پارت تمام تعقیب کرد و بدون آنکه رابطه دوستی و اتحاد خود را با فرانسه قطع نماید با آلمان نازی يك اندازه گریجویی بعمل آورد . و حتی معاهده راجع با قلیت های طرفین با آن مملکت عقد نمود . و یکی از مشکلات بزرگی را که در روابط ایشان واقع بود ، رفع کرد . از طرف دیگر يك وزیر خارجه آن مملکت مسئله احتیاج

مستعمراتی پولیند را با الحین مسالمت آمیزی گوش زد اولیای امور فرانسه و انگلیس و جامعه ملل ساخت . ضمناً روابط پولیند با پایان و ایتالیا نیز خوب شده در اخیر سال وزیر خارجه آن مملکت رسماً بروما مسافرت و رسمیت الحاق حبشه را با ایتالیا اعتراف کرد . همچنین در زمستان این سال هورتی نائب السلطنه مجارستان به پولیند مسافرت کرده روابط مملکتین تشدید یافت . اما روابط پولیند



آدم کوک رئیس حزب ملی پولیند با چکو سلواکیه و مخصوصاً با لیتوانیا همانطور کشیده بوده ، تا آنکه در اخیر سال با اثر قتل يك نفر سپاهی پولیندی بر سر حد لیتوانیا ، حکومت وارسا به لیتوانیا اولتیماتوم شدیدی صادر کرد که باید بصورت فوری لیتوانیا روابط سیاسی خود را که پس از تصرف عسکر پولیند بر شهر ولنا (در ۱۹۲۲) قطع شده بود ، دوباره برقرار سازد . چنانچه لیتوانیا بالاخره بجز قبول چاره ندیده روابط مملکتین تجدید شد . در داخل حزب فاشیست که بسرکردگی کرنیل آدم کوک از چندی باینطرف تشکیل شده بود ، نهضت زیادی نموده اما حکومت حزب مذکور را منحل

تأثیر سکو را که سر کب از احزاب دست چپ بود مجبور با استعفا ساخت و گوگا رئیس یکی از احزاب کوچک دست راست را موظف به تشکیل کابینه نمود . کابینه گوگا دستاثر شدیدی بر علیه یهود های رومانیا بعمل آورده و اگر چه پایداری خود را بدوستی فرانسه و اتحاد صغیر اعلان نمود اما سیاست آن با دولت شوروی فوق العاده سرد گردید و با انعکس بادول فاشیست از در صمیمیت پیش آمد .

مقارن این حال شارژ دافر شوروی در بخارست مفقود شده و دولت روسیه شدیداً بر رومانیا پروتست داد و هم احزاب دست چپ بر علیه کابینه گوگا قیام نموده مشارالیه سقوط کرد و یکنفر از اعتدالیون که شخصاً اسقف است کابینه سر کب از روسای تمام احزاب تشکیل نمود و سیاست ضد یهود را تخفیف داده و موازنه احزاب داخلی نفوذ اجانب بعمل آمد .

اتحادیه با لقان

اتحادیه با لقان که ربط قریب با اتحاد صغیر داشته سر کب از رومانیه یوگوسلاویه ، یونان و ترکیه و بلغاریه است ، روابط با همی شان نسبت به اتحادیه صغیر بهتر بوده ، مجلس سالانه اتحاد مذکور که در اخیر سال در انقره انعقاد یافت ، دران سیاست بیطرفی در دسته بندی های اروپا و داشتن روابط نیک با دول فاشیست و منجمله اعتراف رسمیت الحاق حبشه به ایتالیا تصویب گردید . در یونان و بلغاریا با وجود کشمکش بعضی از احزاب سکون حکمفرما بود . وقایع دیگر ممالک مذکور یعنی ترکیه و رومانیه و یوگوسلاویه علیحده ذکر شده حاجت به تکرار نیست .

لهستان (پولیند)

دولت پولیند که از حیث قوای عسکری و موقعیت جغرافیائی خود مقام مهمی را در اروپا اشغال نموده است ، درین سال هم سیاست

و حزب جدیدی بنام حزب ناسیونال (ملی) تشکیل داده است .

بلژیک

دولت بلژیک که در سال گذشته اساس بیطرفی را در سیاست فرانسه و آلمان اتحاد نموده بود ، درین سال به سیاست مذکور ادامه داده در هور خود را رسماً از قیود معاهده لوکار نو آزاد ساخت در عین حال روابط خود را با دول کوچک و بطرف اروپائی شمالی تقویه بخشیده در اتحادیه اسنو که بین هالیند و ممالک اسکاندینا و (سویدن ، ناروی ، دنمارک) بغرض تسهیل معاملات تجارتی و رفع تعرفات شدید گمرکی تشکیل شده ، شرکت جست و هم شاه بلژیک در انگلستان مسافرت نموده با اولیای امور لندن مذاکره بعمل آورد و ظاهراً از ایشان وعده گرفت که در موقع خطر انگلستان بامداد بلژیک خواهد شتافت . بتاريخ ۲۰ میزان دولت آلمان معاهده عدم تعرض را با بلژیک امضاء نموده استقلال و تمامیت خاک آن مملکت را ضمانت و احترام نمود . بتاريخ ۳ عقرب وان زیلاندر اثر مخالفت شدید که مابین احزاب دست چپ و حزب فاشیست ریکس رخ داده بود ، از مقام خود استعفی داده ، بحران وزارتی مدت یکماه ضل کشید ، بالاخره احزاب دست چپ بمعاونت شخصی شاه کابینه تشکیل کردند که هنوز ارکان آن از سبب کشمکش های سیاسی و نهضت عناصر ریکسیست (فاشیست های بلژیک) محکم معلوم نمیشود .

باقی ممالک اروپائی

در باقی ممالک اروپائی واقعاتیکه تأثیرات بین المللی قابل ذکری داشته باشد ، رخ نداده رؤس واقعات ممالک مذکوره قرار ذیل است :
دول اسکاندینا و یا (سویدن ، ناروی ، دنمارک) با هالیند و

و بلژیک اتحاد گمرکی بنام اتحادیه او سلو تشکیل دادند .

دول بالتیک (استونیا ، لتونیا ، فنلند) روابط باهمی خود را افزوده و از دسته بندیهای اروپائی تا اندازه زیاد احتراز کردند در اخیر سال در اثر کشته شدن یک سیاهی پولیندی در سرحد لتوانیا پولیند بر آن مملکت فشار آورده ، تاسیس روابط سیاسی را که در اثر تصرف پولیند بر شهر ویلنو در سال ۱۹۲۲ بین مملکتین قطع شده بود بر او قبولانید .

هالیند و سوس از اقدامات آلمان ترسیده قوای حربی خود را افزودند . برتگال سیاست سال گذشته خود را بطرفداری جنرال فرانکو دوام داده کموست ها را در داخل مملکت تحت فشار گرفت . و روابط سیاسی خود را با چکسلواکی قطع کرد .

مجارستان اتحاد خود را با ایتالیا دوام داده مناسبات او با جرمنی نیز خوب بود اما در اواخر سال پس از مذاکرت شوشنگ و هتلر حزب نازی را در داخل مملکت خود لغو نمود .

ممالک امریکائی

ممالک متحده امریکا

دولت اتازونی درین سال میل وعلاقه واضعی بمسائل بین المللی و قضایای اروپا نشان داده بادل دیموکراسی اروپا معاونت و همکاری بعمل آورده ، از اقدامات دسته مخالف تا اندازه جلو گیری کرد و با سیاست استعمال قوه و مخصوصاً با اصولی اکتفاء بخود (یعنی استثنای اقتصادی) دول فاشیست مخالفت ورزید . و در عین حال به تکمیل تسلیحات خویش پرداخته و خاصه بحربه جنگی خود را وسعت زیاد بخشید . در اوائل ماه فور کانگرس واشنگتن لائحه بیطرفی اتازونی را تصویب

نگارش جناب ژوزف هاکن عضو
ترجمه: جناب احمد علی خان (۱)
هیئت عتیقه شناسی فرانسه در افغانستان
« کهنزاد » مدیر شعبه تالیف و ترجمه

حفریات جدید در افغانستان

خلص اجراآت هیئت اعزامی حفریات فرانسه

در افغانستان

از سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷

(سال ۱۳۱۶)

اعضای هیئت اعزامی حفریات فرانسه در افغانستان از ماه سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷ تحت مراقبت وزارت معارف این مملکت یک سلسله تجسس را در نقاط مختلفی که فواصل آن گاه گاه از هم خیلی زیاد بود انجام داده اند. در خزان ۱۹۳۶ (از سپتامبر تا دسامبر) هیئت در منطقه چخانسور که حصه افغانی سیستان قدیم را تشکیل میدهد و فاصله ۱۳۰۰ کیلو متر بجنوب غرب کابل افتاده به علاوه گردش های مفصل مقدماتی حفریات هم در چندین نقاط مختلف نمود « موسیو گرشین » هم درین وقت موقتاً در هیئت ما شرکت جسته بود تا راجع به شهر زرنج « نا دعلی » فعلی که بچند صد متری سرحد ایران افتاده تحقیقاتی بعمل آورد. درین اثنا سایر اعضای

(۱) را پورت مفصلی که درین موضوع تهیه میشود در جلد ۹ خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد.

نمود. و اگرچه برای حفظ بیطرفی وعدم مداخله امریکا در محاربات خارجی ترتیب شده اما شرایط آن طور است که عملاً در موقع حرب به نفع انگلستان و فرانسه تمام میشود. از طرف دیگر اوضاع اقتصادی امریکا درین تبادل نسبت بسال گذشته بهتر بود.

در ماه اسد روزولت رئیس جمهور امریکا و آن زیلاندر رئیس الوزرای بلژیک را که از طرف حکومت خود و حکومت فرانسه و انگلستان برای مذاکره در اطراف فروض گذشته و تمام مسائل اقتصادی عالم در نزد او مأمور شده بود در واشنگتن پذیرفته راجع به اصلاح وضعیت اقتصادی عالم با مشارالیه مبادله آراء بعمل آورده و در اثر این مذاکره نمود. در قضیه چین و جاپان اگرچه اتازونی بیطرفی را اختیار نمود اما علاقه و دلچسپی خود را باستقلال چین بازها اظهار نموده و بواقفت فرانسه و انگلستان برای بیطرف ساختن شهر شانگهای اقداماتی بعمل آورد، همچنین در کنفرانس بروسل شمولیت ورزیده عملیات جاپان را مندموم قرار داد و بالاخره در ماه دلو بهمکاری انگلستان و فرانسه نوبت راجع به تجدید اسلحه بحری جاپان صادر کرد و چون دولت مذکور جواب منفی داد اتازونی نیز یلان بحری را روی دست گرفت. از طرف دیگر رشته اتحاد دول امریکا (پان امریکا) که از سه سال باینطرف روی کار آمده و روزولت مشوق آن میباشد درین سال تا اندازه زیاد تقویه یافته دول امریکائی از سیاست جامعه ملل حتی المقدور کناره گرفتند.

در باقی ممالک امریکائی وقایع قابل ذکری اتفاق نیفتاده تنها روابط باهمی دولیکه در سابق باهم منازعه داشتند اصلاح و هم در بر ازیل دیکتاتوری روی کار آمده قانون اساسی جدیدی با ساس فاشیزم وضع گردید.

نموده (۲) و در نتیجه راجع به موقعیت چند جای قدیم نظریات مفیدی پیش کرد. هکذا موسیو « برتو » هم در ۱۹۲۵ بعضی کاشی‌ها را در شهر جدید شاهی و حفریاتی در (دامنه غربی کوه بچه) شرق بگرام نمود - سپس پلان تجسسات اصولی در ۱۹۳۵ ترتیب داده شده و به صحنه « کمسون تفحصات عتیقه شناسی در افغانستان » که مقرر آن وزارت تربیه ملی فرانسه است رسید - برای تعمیل این پلان در بهار ۱۹۳۶ شروع به اقدامات شده بار اول « موسیو کرل و مونی » حفریات را در اوایل ۱۹۳۶ در خرابه های « شهر جدید شاهی » شروع نموده و حین کاوش شمالا و جنوبا کناره های گودالی را تعقیب نمودند که روی خرابه های شهر عرضا افتاده است - در نتیجه ازین محلی مقدار زیاد ظروف سفالی مخصوص رفع احتیاجات خانگی کشف شد این ظروف که تزیینات آن برجسته و با مهر یا تاپه بعمل آمده به اوایل عصر استقرار کوشان یعنی قرن اول و دوم مسیحی نسبت میشود .

در ۱۹۳۷ دوباره تجسسات تحت مراقبت خودم شروع شده « موسیو کرل » بتاريخ ۱۶ اپریل در همان جایی که سال گذشته حفریات نموده بود شروع بکار کرد بفاصله دوصد متری شرق اینجا محل دیگری به مدام « ژ - د - ها کن » سپرده شد « و موسیو مونی » را مامور نمودم که در خرابه های یک معبد بودائی که ۵ کیلومتری شرق - شمال - شرق (شهر جدید شاهی) افتاده عملیات حفریات را تعقیب کنند ،

پیرگردیم به حفرگاه نمره اول : دژ اثر خالی کردن منازل و دکانهای که کنار کوچه بزرگ شهر واقع اند مجدداً یک عده

(۲) مطالعات آسیائی که در موقع بیست و پنجمین سالگرد تاسیس مکتب فرانسوی در شرق اقصی شایع شده - I - صفحه ۲۷۳ - ۲۶۶

هیئت : مدام ها کن « موسیو کرل » و موسیو مونی « تحت هدایات من در مناطق دشتی که بشمال رو دهلمند مبسط است در حوالی خرابه های شهر « سارو تار » Sar-o-tar مشغول کشفیات و معاینه اراضی بودند چون بعض آثار عتیقه بودائی در قندوز (۱) یعنی در قلمرو بکتریان قدیم تازه پیدا شده بود در ماه ژانویه ۱۹۳۷ بغرض مطالعه آثار مشکوفه آنجا مسافرتی بطرف شمال افغانستان نمودیم چون اسناد ما را جمع به تحقیقاتی که در سیستان بعمل آمده هنوز کاملاً مرتب نشده عجالتاً از آن گذشته بصورت خیلی مختصر نتایج حفریاتی را شرح میدهیم که از اوایل بهار تا تابستان (از ماه اپریل تا اگست) در « کاپیسی » قدیم « بگرام فعلی » تقریباً به ۶۰ کیلومتری شمال کابل بعمل آمده است .

این جلسه وسیع مرسوبی که قرار محاوره بومیان بنام (دشت بگرام) یاد میشود در ۱۸۸۳ توجه سیاح انگلیس « مسن » را بغود جلب نمود و مشارالیه بلاوه اینکه کو لکسیون خوبی از مسکوکات شاهان « هندویونان » و « هندودسیت » فراهم نمود بعض استوپه ها را هم معاینه کرد . (۲) موسیو فوشه در ضمن تعیین خط سیر « هیوان تسنگ » در افغانستان یک حصه مطالعات خود را در اینجا هم صرف

(۱) رساله صنعت بودائی بکتریان و مبداء صنعت « گریک » بود یک « تالیف موسیو ژوزف هاکن مطالعه شود . این رساله را جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبه تالیف و ترجمه انجمن ادبی بفارسی ترجمه نموده از طرف شعبه مذکور بنام (صنعت باختر) در مطبعه عمومی طبع شده است .
(۲) J.A.S.B سال ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵ صفحه ۱-۳۶

ظروف سفالی پیدا شده که مانند ظروف مکشوفه سال گذشته با تاپه تزیینات دارد و مربوط به عصر کوشان می باشد و و قتیکه حفریات دکانها در هر دو رسته کوچه بزرگ تمام شد فوراً « موسیو کرل » در اخر ماه می عازم دره « فند فستان » شد این دره تقریباً در وسط راه بین کابل و بامیان واقع و « موسیو کرل » در آنجا حفریات را در خرابه های معبدی شروع نموده در نتیجه آثار خیلی مهم بدست آمد.

در حفرگاه نمبر دوم بگرام: ، که سرپرستی آن به « مدام هاکن » و آقای « احمد علیخان کهزاد » و آقای محمد اسلم خان سپرده شده بود ۹ اطاق بزرگ کشف شد دیوارهای این اطاق ها ضخیم و در ساختمان آنها مواظبت خوبی بکار رفته ، طوری که روی هم زفته دیوار از پارچه های کوچک تشکیل و حجب دیك سنگ بزرگ گذاشته شده بود اطاق نمبر ۱۰ این محل نسبت به سایر اطاق ها وسیع تر و دورا دور آن بمواظبت دیوار شده بود اولین اشیای مکشوفه این اطاق بعد از کشیدن خاک ها در عمق ۶۰ بر ۲ متر پیدا شد تمام قسمت شمالی اطاق از ظروف شیشه نازک ، ظروف سنگ رخام ، و اشیای فرغ پر بود . گلاس ها یک به تعداد زیاد از اینجا کشف شده خواص کارخانه های شیشه سازی سواحل شام را ارائه میکند (از قرن اول تا اوایل قرن ۴ مسیحی) بعضی گلاس های منقوش با وجود مرور زمانه مدید به منتهای خوبی محافظه شده و در اکثر آن متواتر شیشه های شفافی که جلای خود را بصورت حیرت آوری نگاه کرده است تزیینات منقوش روی ، صفحه شیشه های گلاس ها قشملون خیلی لطیفی تشکیل داده که بصورت بسیار نازک برجسته معلوم میشود رنگهای تیز آنها که با ناخن خط نمیشود مانند الوان مینائی

درخشان معلوم میشود روی يك جام بزرگ شیشی دو صحنه ای معلوم میشود که در آن دو مرد برای دوزن میوه می آرد ، نباتات را در این صحنه بواسطه يك درخت خرما و لکه های سبز روشن دیگر نمایش داده اند چند سطر بالا راجع به تیزی الوان اشاره نمودیم هکذا قابلیت نقاش آن هم قابل ملاحظه است اثر دست رسام در مقابل کار رنگ دهنده آن خوب معلوم نمیشود زیرا اخیراً لکه ها با خامه خفیف و سبک رنگ پیری خود انرا مخفی ساخته در قسمت های روشن تر بدن خط خفیف سفید که عموماً کج و معوج است معلوم میشود روی يك پارچه کوچک ظرف شیشه ای دیگر صحنه مقابله دو نفر پهلوان عصر رومن که انرا « گالید باتور » میگویند معلوم میشود . یکی از جنگجویان سبک « تراس » یک نوع گیتراهنی آبی پای پیچ زرد دارد و سپر مربع کوچک موسوم به « پارما Parma » در دست گرفته . حریفش مانند « گلید باتور » پهلوانان عصر رومن در يك پا یا پیچ دارد و ران هایش برهنه می باشد پارچه های دیگر صحنه های مقابله بین سوار و پیاده را نشان میدهد دیگر مظاهر تخنیک شیشه هم در ظروف مکشوفه اینجا ملاحظه میشود در بعضی ها تزیینات برجسته را علیجده ساخته و بعد به ظرف چسپانیده اند و در بعضی های دیگر جزئیات خیلی باریک و لطیف را بواسطه پارچه های کوچک شیشه به تنه ظرف چسپانیده اند در يك ظرفی که به این تخنیک ساخته شده شخصی فراز برجی معلوم میشود که تجملات عبارت از یوزه ای دون Poseidon (رب النوع ابجار) می باشد و حتی « یوزه ای دونی » که بالای يك قاب ساخت « کو برن » کنار رود (موزل) است شباهت دارد .

گلاس های شیشه الماس تراش و شیشه کوچک و یا پارچه های

آن‌ها متحرك است عواملی را که علیحده ساخته شده و بازدرماهی‌ها نصب گردیده حلقه‌های کوچکی محکم گرفته که بمجوعه آن طرف چپه قطعه فلز فوقانی سپر را مزین نموده در هر حلقه زنگوله مدوری آویزان است که وجود آنها حرکت عوامل متحرك را آسان میسازد ناگفته نماند که بالای يك آئینه عصر « اتر و سسك Etrusque » که در اطاق مدال‌های کتابخانه فرانسه تحت نمره ۱۳۴۵ قید شده تصویر روبروی « کورگن » طوری نمایش یافته که دورا دور آن را امواج مناظر آب گرفته و درمیان آن ۶ « ماهی دوفن » که کله آن بزرگ مییاشد شنا میکنند .

ظروف سنگ رخام مکشوفه بگرام عبارت از يك شیردانی دسته دار و يك گلدان دو دسته ئی و يك قالب دسته دار مییاشد .



اشیائی که در قسمت جنوبی اطاق کشف شده به استثنای چند ظرف شیشه همه صندوقچه‌های جواهرات بود که اصلاً از صفحات نازک چوب ساخته شده و روی آن قطعات مزین و منبسط عاج و استخوان را نصب نموده بودند چوب صندوقچه‌ها بشیر از بعضی جاها باقی بشکل گرد نضواری رنگی تحویل یافته بود و ازین جهت در اکثر موارد حصص مختلف صندوقچه‌ها از هم جدا و متلاشی شده بود در بعضی جاها بین صفحات و چوب و قطعات مزین عاج و استخوان ورقه ابرک هم دیده می‌شود . این قسمت اشیای مکشوفه ماچیزهای بی سابقه است که از هند مرکزی یا « ما تورا Mathura » به اینجا آورده شده است . راجع به فعالیت کارخانه‌ها و کارگران عاج هند معلومات ما خیلی محدود است فقط اینقدر میدانیم که کار

ظروف ماهی شکل و بوتل و یا جامی که دورا دور آن تارشیشتی افقی دویده و حید بعد با یارچه‌های مارپیچ عمودی به تنه ظرف محکم شده و غیره اقسام و مظاهر تخنیک شیشه در میان این ظروف مشاهد می‌شود - در میان ظروف مفرغ که تعداد آن روی هم رفته تقریباً به ۵۰ میرسد سنگ تر ازو يك نوع ظرفی که بشکل شاخ است و آن را « ریتون » گویند قاب‌های چقور کاسه نما و غیره اشیا بدست آمده و مهمترین همه یکنوع سپری است که از دوقطعه مفرغ تشکیل شده که اصلاً روی یکدیگر قرار میگرفت قطعه مفرغ فوقانی از حیث اندازه نسبت به قطعه تحتانی کوچکتر و تزیینات آن چیزی درخودقطعه مذکور و چیزی هم علیحده در آن افروود شده است تصویر مرکزی قطعه فوقانی سپر با وجود زنگ زدگی صورت « مدوز Méduse » (۱) نشان میدهد . باپای متحرکی که بر سرش سایه افکنده علیحده ساخته و نصب شده ، به دوطرفه سر به ارتفاع خط چشم‌ها چار مار خود را مبسط کرده اند و از پیچ خوردگی آنها هم گرهی تحت زنج او معلوم میشود بدورا دور صورت « مدوز » اشکال ماهی‌هائی معلوم میشود که دم‌های

(۱) در افسانه‌های یونانی بمجوعه خواهر عجیب الخلقه که بنام‌های « مدوز Méduse » یوریال Euryale » و « استهنو Stheno » موسوم بودند « گورکن » می‌خواند . این سه خواهر مخصوصاً مدوز دارای قوای روحی عجیبی بود که هر چیزی را به يك نگاه به سنگ تبدیل می‌نمودند . در روی سپر ها تصویر او را معمولاً برای ترسانیدن دشمن ترسیم می‌نمودند .

(مترجم)

شرقی استویه بزرگ « سانشی » که عبارت از برگ‌های « لوتوس » با ساق‌های ضویل منظم میا شد بالوایچی که از محل حفریات نمره ۲ بگرام یافت شده خیلی شبیه است و برای مقایسه نقطه مهمی بدست میدهد تا گفته نماند که لوایح بگرام تقلید کورکورانه عوامل « سانشی » نیست بلکه آزادانه مفکوره آنرا ارائه میکنند . علاوه برین تصویر (لوتوس - شیر) واضحاً به آثار هم جنس خود که در سانشی نمایش یافته شبیه است (طاق فوقانی صفحه خارجی دروازه غربی استویه بزرگ و نقوش برجسته پایه همین دروازه) .

در صندوقچه های بگرام اشکال حیوانات الدار بکثرت نمایش یافته این اشکال نفوذ صنعتی مملکت دور دست بین النهرین را ارائه میکند که با جزئیات تزییناتی صاف هندی ضم شده است مرغ آبی و قاز با اشکال مختلفه خود مثل مرغ آبی های کوچکی که قطار پشت هم قرار گرفته اند موضوع تزییناتی فشنگی تشکیل میدهد . میشود گردن خمیده سر بلند و سایر اختصاصات وضعیت آنهارا با قطار قاز هائی مقایسه کرد که در حاشیه ظرف مقدس کیشکا نقش میا شد - اشکال زن ها با بدن های چاق و صورت های گوشتی خیلی با سبک کار مجسمه های مکتب « ماتورا » عصر کوشان (قرن اول و دوم عهد مسیحی) شباهت دارد بعضی لوایح عاجی یا استخوانی دیگری که تزیینات آنها به اصول مشبک است و موضوع های منقرضه بصورت خفیف برجستگی دارد هم بهمین عصر اطلاق شده میتواند از صفحه دیگری که یک شخص در مرکز قرار گرفته و دو حیوان عجیب الخلقه را خفه میکند چندین نمونه جدا گانه پیدا شده که با الهام صنعت قدیم « سومر Snmer » اسباب مقایسه بدست میدهد . حیواناتی که حصه اخیر بدن آنها به دم ماهی تمام میشود

خانه « ویدا سا Vidasa » (بیلسا qhilsa) حالیه در حکومت گوالیار (سنگی را که یکی از کارکنان آن تراشیده بود به معبد سانشی Sanchi (۱) تقدیم نمود چنانچه امروز کنار دروازه جنوبی استویه بزرگ آنجا را مزین نموده است (وسط قرن دوم ق م)

در حالیکه از خود دهند از آثار کارخانه های فوق الذکر تا امروز چیزی بدست نیامده از بگرام صدها قطعات و لوایح عاجی و استخوانی کشف شد . این قطعات به انواع مختلف کار شده در بعضی نقوش فقط کنده شده در بعضی های دیگر موضوع حک شده و چون قسمت هائیکه خارج موضوع است دست نخورده تزیینات بصورت خفیف شکل برجسته بخود گرفته است . در بعضی مواد دیگر موضوع مکشوف تراش و باقی حصص متن خالی کرده شده و قطعه عاج شکل مشبکی بخود اختیار نموده روی هم رفته تمام این سبک و شیوه ها واجد روح صنعتی خیلی لطیفی است که با مزایای خود مظاهر حقیقی هیکل تراشی را نشان داده و تمام پهلوها و محاسن قالب گیری در آن گنجانیده شده است . خطوط خارجی همه جا در تمام موارد بایک خط درشت و صحیح کنده شده است تزیینات بعضی قطعات حفرگاه نمره ۲ بگرام مثل برگ‌های « لوتوس Lotus » پرند ها - حیوانات خارق العاده الدار به تزیینات « سانشی » شباهت بهم میرساند خصوصی تزیینات سر دروازه

(۱) دروازه شرقی استویه سانشی (در سالنامه موزه کیمه در کتاب خانه نشریات) جلد ۳۳ صفحه ۱۶۴ (نگار رش موسیوفوشه ملاحظه شود)

تعداد مجسمه ها و صحنه های سنگی که از اینجا کشف شده خیلی زیاد است بسیاری صحنه ها از نقطه نظر تصورات مذهبی بودائی خیلی اهمیت زیاد دارد منجمه باید متذکر شد که در يك صحنه شخص مرکزی که عبارت از « میتريا » باشد چهار زانو تحت کمان طاقی قرار گرفته و دو شخص کوچک در حالیکه به ماصافه بدن نمایش یافته اند از تحت پایه های کمان مذکور او را احترام میکنند. دو شاهزاده یا « بودیس اتوا » دیگر بدو صرّفه کمان دیده میشوند. در منتهای الیه طرفین صحنه « دوارا پالا » یا جنگ جویان نمایش یافته اند اگر این پارچه با صحنه چیتائی که کار عصر (وی Wei) (حوالی قرن ۵ ب م) میباشد مقایسه شود فوراً معلوم می شود که تا کدام اندازه صنعت بودائی چین در عصر (وی) تحت نفوذ موضوع های مذهبی صنعت « گریک و بودیک » آمده بود در يك لوحه قبل از ملاقات طالب العلم جوان بر همین بابودا « ویان کارا » چندین صحنه های دیگر مربوط افسانه آنها نمایش یافته هیکل چهارشانه « ویان کارا » بادست های بزرگ برای اثبات تنزل صنعتی بعضی آثار گریک و بودیک تمثال خوبی فراهم نموده ارائه و ضمناً میکنند که این اثر چقدر با تراکت و لطافت مجسمه ها و تصاویر مکتب « ایران و هند » قرن ۵ و ۶ مفايرت دارد.

فندقستان

« سیاه گرد غور بند »

کشفیات اتفاقی چند پارچه مجسمه گک های بودائی در

من « موسیو مونیو حفریات نمود (۱) هم حایز چنین موقعیتی بود - چون این بنای مذهبی در مرور زمانه بیهم چند مرتبه مرمت - کاری و وسعت داده شده اصل شکل پلان اولیه آن مغشوش گردیده قدیمی ترین قسمت آن اگرچه آنها هم بذات خود دست خورده - عبارت از محوطه سربعی بود که در وسط آن در میان حویلی استویه بزرگی داشت و این حویلی از طرف شرق به حیاط دیگر مربوط بود و ملحقات آن عموماً با طرف جنوب و جنوب غرب معلوم میشود استویه بزرگ با مجسمه ها و صحنه های دیگر مزین شده بود چنین معلوم میشود که صنعتگران در خود این محل به تراش مجسمه ها در سنگ سلیت می پرداختند و آثار در خود اینجا ساخته شده باشد چنانچه وجود يك اوزار هیکل تراشی و يك صحنه نیم کاره این نظریه را تقویت میکند.

علاوه بر اشیای سنگ سلبیتی آثار دیگری که در گیل - و چو، قالب گرفته شده هم بدست آمده است از میان آثار قدیم چند پارچه حین حفریات هنوز بجای خود در دیوارهای بنا باقی و برقرار بود از انجمله پارچه که خیلی دلچسپ است صحنه ای را نشان میدهد که را هین و مریدان آنها و ارباب النوع فرعی (دواتا) بودا را تمجید و احترام میکنند امکان دارد را هین سه برادر (کاسیایا Kasyapa) و سه نفر مریدان ایشان بوده باشد در روی همین صحنه يك جوهر اعانه دهندگانی هم معلوم میشود که لباس مرد آن عبارت از البسه ایست که معمولاً در عصر کوشان پوشیده میشد بر علاوه موسیو مونیو پارچه لوحه ای را یافته است که روی آن اعانه دهندگی بلباس قدیم هم معلوم می شود -

(۱) را پورت مفصل « موسیو ژاک مونیو » در جلد دوم سلسله خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد.

«فندقستان» (۱) که به ۴ کیلومتری «سیاه گرد» و تقریباً در وسط راه کابل و بامیان واقع است و در باب آنها مقاله در مجله «صنایع آسیائی» شایع نموده ام (۲) مرا تحریک نمود تا در ۱۹۳۶ برای معاینه محل و تدقیق موقعیت آن بروم چون اهمیت محل مذکور برایم ثابت شد را پورتی مبنی به درخواست اجازه حفریات بحضور ع، ج و الاحضرت سردار محمدنعم خان وزیر معارف افغانستان تقدیم نموده و در نتیجه یکی از همکاران خود «موسیو کرل» را مامور نمودم که بعد از ختم کارهای مربوطه اش به بگرام، حفریات را در فندقستان شروع کنند چنانچه این منظور

(۱) چون در ماه اکتوبر ۱۹۳۷ وارد پاریس شدم ملاحظه نمودم که سیاح انگلیس «سن» که استاد او همیشه با کمک زیاد کرده است در ۱۹۳۶ فندقستان را یاد کرده و در باب آن مینویسد :-

«فندقستان» در منطقه «غوربند» به غرب سلسله بزرگ کوهی واقع است که از هندوکش به قفقاز می‌رود و حد غربی کوه دامن را تشکیل میدهد چه در خود دره غوربند و چه در دره های کوچک ملحقه آن مخصوصاً در یکی آنها موسوم به فندقستان آثار تاریخی قدیمی زیاد است لهذا بادلایل گفته میتوانیم که مسکوکات قدیمی از اینجا به تعداد زیاد یافت شده و بعضی برجستگی های مهمی در آنجا وجود دارد لیکن چون محل مذکور را دیده نتوانسته ایم راجع به چگونگی آن از حدس و فرضیات احتراز میکنم (V. J. R. A. S. B (۱۸۳۶) صفحه ۶ (۲) مجله صنایع آسیائی جلد دهم شکل ۳ صفحه ۱۳۱-۱۳۰ مقاله موسیوها کن راجع به چند مجسمه گگک های بودائی که تازه از افغانستان کشف شده ملاحظه شود.

در ماه می ۱۹۳۷ عملی شده و «موسیو کرل» حفریات را در خرابه های یک بنای مذهبی یا معبد بودائی شروع کردیم که بالای تپه خاکی فراز دره کوچک «فندقستان» آباد شده بود «موسیو کرل» (۱) حین حفریات خود از آخر ماه می تا اگست ۱۹۳۷ عموماً در تخلیه معبدی کار کرده که اطاق آن بزرگ و مربع و سقف آن گنبدی بود و خرابی آن دهن طاق هائی را مسدود نموده بود که عمقاً در دیوارها کنده شده بود. در وسط اطاق معبد «استویه» بشکل ونونه کلاسیک وجود داشت حصص مقابل طاقها با اشکال گل های مارپیچی مزین شده بود که بشکل کمان های ساده روی پایه ها قرار داشت. روی دیوارهای طاق و ته آن و منطقه بین پایه ها و مدخل آنرا تصاویر دیواری مزین نموده بود - موسیو کرل پیش از همه شروع به برداشتن یکی از تصاویری نموده که «میتریا» حامل بوتل کوچک را با برگ های آبی «لوتوس» نشان میدهد اگرچه جنبه تراکت این اثر کمی محدود است اما از نقطه نظر نشا به که با صنعت بودائی قرن ۵ و ۶ هند بهم میرساند قابل ملاحظه است زیرا میتوان آنرا سرچشمه الهامات صنایع بودائی ثبت خواند. در سایر تصاویر رنگه «فندقستان» واضحاً علایم نفوذ ایرانی نمودارست و این محل یکی از پله های نردبانی است که این نفوذ را بطرف آسیای مرکزی پیش میرد. رب النوع مهتاب و افتاب جنبه ماورای هندی صنعت فندقستان را ارائه میکنند رب النوع مهتاب

(۱) موسیو ژاک مونیه بعد از اتمام حفریات خود در شرکت بگرام (آخر ژوئیه ۱۹۳۷) به فندقستان رفته و به موسیو کرل ملحق شد. راپورت مفصل حفریات فندقستان در جلد ۱۱ خاطرهای هیئت اعزامی حفریات فرانسه در افغانستان شایع خواهد شد.

مخصوصی تصاویر رنگه و آثار برجسته را همسو ساخته است چنانچه اینجا و آنجا اگر روی دیوارها ارباب النوع فرعی نیم تنه و باسینه های برجسته نمایش یافته و از زمین همکل های نیم تنه شاهان «ماران آبی» (ناگاها) سر بلند کرده است (طاق D) طرف دیگر اشکال حجاری شده به اندازه برجستگی خفیفی دارد که از تصاویر رنگه روی دیوارها چندان فرق نمیشود - همکل یک «بودیس اتوا» که مانند شهزاده یقید و آزاد نشده به بعضی (بودیس اتوهای) مقام (تین - لونگ - شان) Tien-long-chan (چین) شباهت زیاد دارد - روی جدار اطراف راست طاق C) زنی دراز کشیده و پهلوی او پرده مثلث نما از زبانه و شعله های آتش معلوم میشود - این زن بلا شبهه ما در بچه ایست موسوم به «یوتیسکا» Jyotiska، که قرار افسانه های بودائی، بودا او را از شعله های مذکور نجات داده است (۱) درته (طاق E) یک جوره اشخاص غیر روحانی معلوم میشود - یکی آن شهزاده ایست که صورت نشستن او بوضعیت شاه یا شهزاده شبیه است که روی یکی از زیورات عصر ساسانی ترسیم می باشد و پروفیسر «سار Sarre» آنرا شایع کرده است (۲) شهزاده آرنج خود را روی یکمده زیر گوشی ها تکیه داده است - البته شهزاده فند قستان لباسهای مروجه آسیای مرکزی و ایران را بخاطر می آرد.

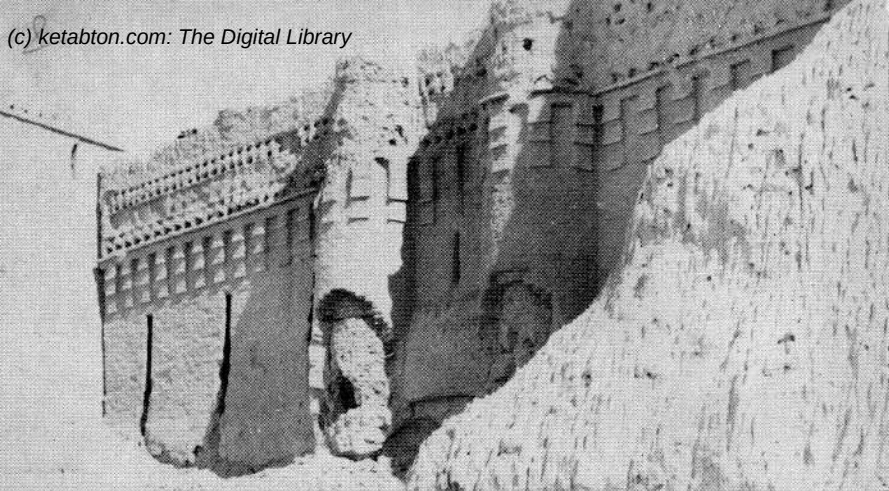
- (۱) کتاب صنعت گریک و بود یک گند هارا جلد اول صفحه ۵۲۸-۵۲۵ (شکل ۲۵۸) تالیف موسیو فوشه ملاحظه شود.
- (۲) کتاب «صنعت قدیم ایرانی ها» لوحه ۱۱۱ تالیف پروفیسر «سار» ملاحظه شود.

که نمود صورت رنگ پریده خود هاله زرر دارد تاجی پوشیده که از اشکال سه ماه نو تشکیل شده که در نوک های هر کدام آن گل ها می باشد. در گوش هایش کوشواره های مدور برگی است که در آن مر و ارید کار شده بجانش چین چیه گردن دار و به پاهایش موزه های پوستی - (پلنگ ها) است. اسلحه اش عبارت از یک سیر کوچک مدور و یک شمشیر عریض دسته طولی است که از قبضه آن گرفته است (۱) گرداگرد صورت خراب شده رب النوع آفتاب هاله نور از قرص سرخی تشکیل شده لباس او عبارت از جوشن است که از قطعات فلزی تشکیل گردیده و از کمر بند پایان دنباله آن بشکل حلقه های مشبك نازک معلوم میشود هکذا حصه تحتانی لباسی که بصورت پیش دامنی مدوری (۲) تمام میشود ران های او را پوشانیده است در پاهایش موزه و اسلحه اش به علاوه چماق شمشیری است باده دراز و غلاف مزین و دست چپ خود را روی آن گذاشته است.

این دو ارباب النوع در جدار اطراف راست (ذبت به رب النوع ته طاق) طاق K تصویر شده اند.

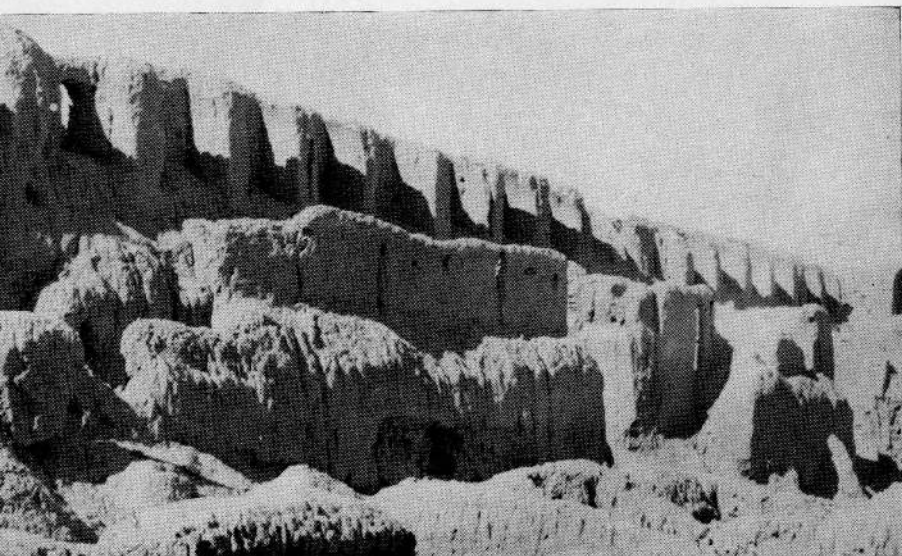
تزیینات داخلی طاق ها چنین وانمود میکنند که قرار پروگرام واحدی بعمل آمده باشند زیرا تصاویر رنگه و آثار حجاری شده طوری پهلوی هم قرار گرفته که جدائی بین آنها حس نمیشود و علت آن این است که میان این دوسبک تزیینات عواملی قرار داده اند که با آهنگ

- (۱) کتاب «البسه و اسلحه ایرانی پالمیر، شام تالیف موسیو سرویک» H. Servig صفحه ۲۸ لوحه ۱۷ ملاحظه شود.
- (۲) کتاب آثار عتیقه کوتل خیر خانه تالیف موسیو ژوزف هاکن و «ژان کرل» صفحه ۱۲ شکل C ملاحظه شود.



از آثار تاریخی افغانستان : خرابه‌های سیستان درعلاقه چخا نسورك (عکس بالا خارج ارگ قدیم)

Les ruines de Seïstan à Tchakhansourak. (en haut l'extérieur de la citadelle).



سالنامه « کابل »

مشارالیه چین خیلی چسپ چه گردن داری پوشیده که با مدال های
بزرگ مزین و حاشیه مرکب از قطار مرواریدی دارد که در آن
ها اشکال خیلی خیره (پرنده ها ؟) (صورت انسان ؟)
معلوم میشود - موزه های او طویل و بطرف پنجه نوک تیز شده رفته
هیكل دیگر مجسمه خانمی را نشان میدهد که خیلی خود را آرایش
نموده و از فراکت ها و انبساط سینه ها و سایر اعضای او معلوم
میشود که زن هندی باشد -

در زیر جای مجسمه ها ظرفی پیدا شده که در آن به علاوه خاکستر
مسکوکاتی هم گذاشته شده بود - یکی از این مسکوکات مربوط به
خسرو دوم ساسانی (۶۲۷ - ۵۹۰ م) و دیگرها مسکوکات مخلوط مس و
نقره ای است که به « نایکی ها » (قرن ۴ - ۵ م) نسبت میشود .

اهمیت این اکتشافات درین نظریه مضمحل است که آثار مکشوفه
فندقستان نمونه های اخیر صنعت بودائی است که بقرن (۶) بعد از
مسیح نسبت میشود و در حالیکه نفوذ صنعتی ایرانی در آنها مشرف
بر سقوط است نفوذ هندی تفوقی نشان میدهد .

آثاریکه از اینجا بدست آمده چه از نقطه نظر سبک و چه از
پهلوی تخنیک (مجسمه ها از گلی قالب گرفته شده که در آن کاه میده
باموی ویشم و غیره مخلوط است) به تصاویر منقوش و آثار حجاری شده
اسبابی مرکزی ارتباط و قرابت دارد (هیئت گریون ولید) (فن کوکاک)
(اولند ، نورگک) (وتانی - پلبو - ستین) فندقستان یحتملاً حد
جنوبی این سبک مخصوص صنعت بودائی را تشکیل خواهد داد .



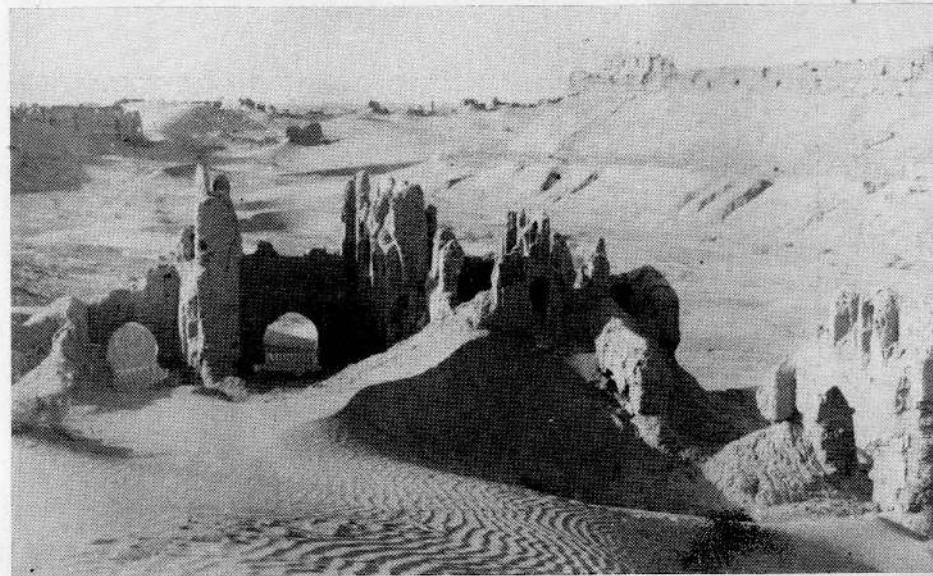
تکه های عاج دارای اشکال گلها و حیوانات مکشوفه از بگرام

Trouvailles de Bégram: ivoires portant des dessins des fleurs et des animaux (chambre 10 du chantier no. 2)



آثار تاریخی افغانستان : مدخل بالاحصارخرا به های سیستان (احاطه دوم) بمقام سرو تار (چخانسور)

Les ruines de Seïstan : entrée de Bala-Hissar de la 2^e. enceinte à Sar-O-Tar



د پشتو پر ادبیاتو یوه کتنه

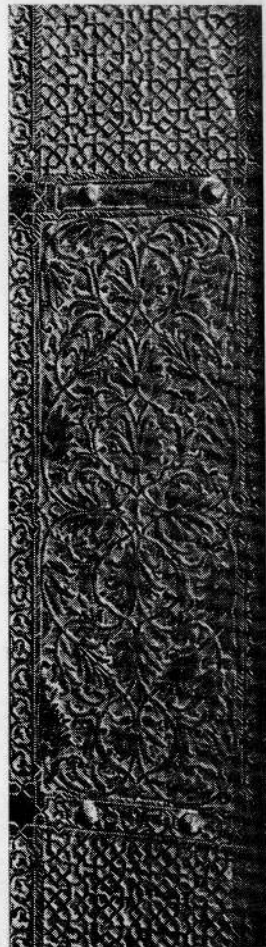
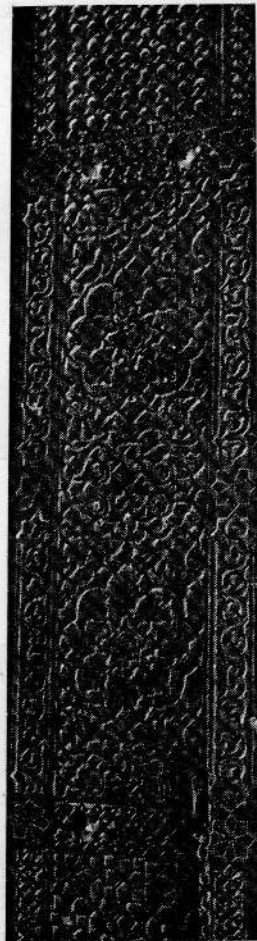
په قام د جناب امین الله خان «زمریالی»
د پښتو ټولنې دادبیاتو د شعبې معاون

د نشریاتو شعبې زما څخه خواهش وکړی چې د ستر کال
د سالنامې له پاره د پښتو دادبیاتو د تاریخچې په عنوان څه ولیکم ؛
دا د نشریاتو د شعبې په دې خواهش زه ډیر خوشحاله
سوم زکه زما سر لومړی او ماته په درنه سترگه ښکلی وه مگر
په عین د خوشحالتیا کې مې تعجب وکړ او هیڅنې پېښ یا ته سوم
ولی ! داسې کار ته وگمارل سوم چې نه یوازې ماته بلکه د نږ
روزی ټولو لیکو نیکو او پوها نوتو له خو را ډیر و سختو کار و
شمیرل کېږي .

گمان کوم چې د پښتو دادبیاتو د تاریخ لیکل په دې
بې وسیله توب کې چې یوه پرزه وثایق او مدارک په منځ کې نسته -
داسې کاردی لکه چې سپرې نوي اختراعات او اکتشافات کوي
یا دیستون کتابی او دهر و کلیف خط لولی .

او حال دادی چې علائم او قرائن چې په علم کې یوازنی بنا
داستدلال او برهان ده موږ ته یقین را کوي چې پښتو د ډیری
پخواني زمانې او په تیر و پیر یو کی نې لور او زلاند ادبیات
در لود اوس چې یا د هغو اثر نسته او که سته ز موږ غوښتنې
او علمی سو په دا قابلیت نه لری چې له هغو څخه استفاده وکړي -

از آثار نفیس و تاریخی ولایت مزار شریف : حجاری های قدیمی مکتوبه از شیرخان (دوره اسلامی)
Spécimens de l'ancienne sculpture d'Afghanistan (Ere islamique): dalle
trouvée à Chibirghan (Prov. de Mazar-i-Chérif)



زبه ده ، امايوازي جگړه په دې کې ده چې پښتود « ايراني آريه »
ټوک ده اوکه د « هندي آريه » سانگه ده اوکه ځانته لکه هندي
آريه يا ايراني آريه دخپل واک خاونده ده ددې له پاره چې داخبره بڼه
جوته سي اوپوه سمه لار چې رښتيا او حقيقت ته نيزدې وي زني مونده
کو دزنو مستشرقينو اوپوهانو خيالات په دې باب کې ليکو :

دځنو مستشرقينو نظريات :

« سروليم جونز » وائي، چې پښتو چالدي (Chaldaie) يعني
کلدايي (۱) يا خالديه ژبي ته ورته ده !مايروفيسر کلپريته (Klapreth)
د ده خبره ماته وي او وائي چې پښتو سما تيقی (سامي) ژبوته نه په
ترکيب اونه په صرفي اونجوي قواعدواونه په الفاظوکی ورته ده بلکه
پښتو دهند وژمن دژبو څخه يوه ژبه ده .

پروفيسر « ډورن » دسن پترز بورگ (St. Petersburg)
اوسيدونکی وائي چې دپښتو ژبه په هيس ډول د عبراني سره يورنگ
والي نه لري او پښتانه د تيوتن دتکم سره څه اړه لري او دوي
دافغانستان اصلي اوسيدونکی دی .

مسترا ديلنگ (M. Adelung) په خپل کتاب کې ميترديتس
(Mithridates) ج(۱) ص ۲۲۵ وائي چې پښتو ځانته اواصلي ژبه ده .
مسترا الفن ستون (Elphinstone) په خپل کتاب کې (Kabul ج اس)

۳۰۲ وائي چې دپښتو دژبي اصليت په آسانه نه څرگند يږي زکه
يوه لوېرخه الفاظ او ډير افعال او حروف ئي په نامعلومو مصادررو اړه
لري اوپه دې برخه کې هغه الفاظ سته چې داصلي ژبي داجزاؤ څخه

(۲) کلدائي دسامي ژبي يوه شعبة ده .

نو گمان کيږي چې پښتو د ادبياتو تاريخ نه لري او يا تاريخ ئي
اوس نوي او دکيت له کبله بابيزاو خوشي شي دی .

سره ددې ټولو رېږومي په قرار ددې حکم سره
(الامر فوق الادب) جرئت وکي چې دا څولاندني کرښي
پښتو ورو نوته وايکم او گمان کوم چې دژبي د علم په ټينگو
او محکو دليلو سره چې په دې مقاله کې ماته لار شو ونکي دی
د پښتو د ادبياتو اولت د پخوانيتوب په باب کې څه شک پاته
نسي- اوکه څه نقصان اوکي ولري پوره کول اوسرته رسولئ
و را تلونکي نسل ته پر يږدم زکه ما په دې اوسني حال کې فقط
يو اساس کښيښود اوزه ديوه يا دژبي حيثيت ارم نه د محقق .
امين الله « زمريالي »

پښتو دافغانستان ملي اواصلي ژبه ده او ددې ژبي وويونکوته
پښتون ياپه صورت د جمعې پښتانه وائي چې نژاداً آريائي اواصلي
اوسيدونکی دافغانستان دی (۱) .

ز نو پخوانيو مؤرخينو اومستشرقينو ياداچې نيويديل دخپلي ناپوهي
په سبب ياد سياست له کبله ئي پښتو اوپښتو ته ډير هغه اودغه ويلی
اوناپوهه وگړي ئي په شېبه اوحيراني کې اچولي دي مگر له يوې زمانې
څخه داخبره په ټينگه منلې سوي ده چې پښتو د آريائي دژبو څخه يوه

(۱) دامو پخواويلی دی چې پښتون په خټه آريائي او ددې وطن
اصلي اوسيدونکي او څلور زره کاله پخواه دده نوم اخستلی سوي
دی او پښتو د آريائي دژبو څخه يوه مستقلة او ځانته ژبه ده ، د
۱۳۱۲ ، ۱۴۰۳ په سالنامو کې دی زما او دجناب يعقوب حسن خان
مقالی وکتلی سی .

(Chants populaires des afghans. راجع دافغان وملي نشيدونه.

له دې فکر څخه وگرزېدې او په نوي کتاب کې يې دا نظريه څرگنده کړه چې پښتو له ژند څخه ياله يوې محلي ژبې څخه چې ژند ته نژدې يا متحد وي مشتق سوي ده او پښتو د ژند سره داسې نژدېکت لري لکه چې نوي فارسي د زړې فارسي سره (هغه فارسي چې دهخوا منښتياو په وخت کې په ميځني خط سره په کتبيو کې ليکلې سوي ده) که څه هم د پښتو ژبه په خپل ذات کې د ايراني د کورنۍ ده مگر د هند د شمال مغرب څخه راوتلې ده.

د پورته بيان څخه د مستشرقينو او پوهانو په نظرياتو تر يوه لويه يوه سو مگرداخر کنده نه سوه چې حق د چا پخوا دې اوموز دا ژبه د هند و آريائي د کورنۍ و بولواو که د ايراني د کورنۍ ئې وگڼو يا خا ته بيله ژبه ده چې د دې دواړو سره دوروري يا د اکانسېت لري نه د زوي اولسي.

په دې مسئله کې مو ز ته دوي خبرې دا دي گيرنه را کوي اول داچه اصلي لحي او وطن داريا ئې دکپول په صحيح صورت مونده کو او دا جوته کو چې د هند و ايران تکم د افغانستان څخه هند و ايران ته تللي دي ؟ او که پښتانه د هند و ايران څخه راغلي دي ؟

او دويمه د مسئله موز ته لارښئي چې د دې درو ملتو چه بنسټ ئې سره يو دي ژبې سره وگورو او که مووس و سي هغې ژبې ته ي ورسو و چه هوي ټول په گړيده.

لمړي مسئله خو تراوسه په صحيح ډول سره جو ته سوي نه ده او نه څوک پردې څرگند دليل لري چه دارين لمړي ټاټوبي چيري و

تر کيب او يوه لخي سوي دي (۱) اوزني الفاظ ئې د ژند او پهلوي وژبو ته ورته دي لکه مور (مادر) پلار (پدر) خور (خواهر) ورور (برادر). پرو فيسر «مولر» په خپل اثر (راجم د پښتنو وژبې ته über des sprache der Afghanen) کې دا نظريه څرگنده کړې ده چې پښتو په ژند اړه لري (۱۸۶۲ ع).

دا کتر ترومپ (المانی) په خپل پښتو گرامر کې (۱۸۷۳ ع) په علمي دليلو سره وائي چې د پښتو ژبه هېڅکله نه په ايراني اړه لري او نه د هند و آريائي د کورني ټوک ده بلکه ځانته يوه مستقلة او پخواني ژبه ده چې د هند و آريائي او ايراني په منځ کې دنقل او انتقال ذريعه گرزيږي ده اوله دې لامله د دواړو ژبو نښاني په کې سته او د پراکرت (د سانگرت د ژبې سانگي) يعني د هندی د کورني نښاني نسبت و ايراني ته په کې ډيري دي - داد دا کتر ترومپ علمي نظريه پرو فيسر «فون سيگل» هم په خپل اثر کې (مدنيت ايران Erânische alterthumskunde) منلې ده او داکتر «هارنل» د خواهم په گرامر کې ئې (گودين لينگوج Gaudian languages) دا نظريه منلې سوي ده.

مسيو درمستترهم لمړي واز په خپل يوه اثر کې ۱۸۸۷ ع (فيلو اوژي Rapport sur une mission philologique dans l'Indoustan) په هندوستان کې.

دا خبره منلې وه اما وروسته له دره کله څخه په خپل بل اثر کې

(۱) زما هم دا نظريه ده او د لمړي کمال په سالنامه کې مي دا خپله نظريه څرگنده کړې ده.

د ژبو د فلسفې د تحقيق توقواعد يوپخواني اصول دی چه د يونان د فلاسفه و څخه پاته دی او له دی فن څخه دراز راز ژبو اصول او هغه اړ والی او علاقه چه د دوی په منځ کی سته څرگنديږي په ايشيا کی خوتراوسه ددی علم دونه رواج نسته او ارو پاښانو هم ددی علم اخیسته د يونان څخه کړی ده او يو قرن کيږي چه دا علم يې د فلو لوجي (فلسفه د ژبو) په نامه کمال ته رسولی دی موږ هم ددی علم په اساس سره بايد ، اول د خبر و او الفاظو لمړی ټاپی او فلسفه مونده کو ، نو دادی چه د مطلب څېړنه کوو .

کوچنی هلك چه لمړی سر له مورڅخه زږي تر څو مياشتو پوري بيله زړه نور هيس نه کوی وروسته له څو مياشتو هر شی چه و ښم يائی غواړی لاس وراچوی او اشارت ورته کوی يا يوازی پوځ ترخوله باسی او تر ټو لوشيانوچه ، ور او پلارده ته نژدی او گران دی ، دی هڅه کوی چه مور او پلارته ژغ کی او نوم ئی واخلی مگر غړی د ده په اختيار کی نه وی تر څو چه په حروفوک دی تو پيړوک په دی وخت کی يوازی شونيان دی چه د هر شی څخه وړاندی حرکت په کی پیدا کيږي نو محض د شونيانو په ښو رولورده دی م ، م ، ياب ، ب وائی .

څنگه چه انسانان په ترکيب او غړوکی يوشی دی نو معلم د قدرت هم په يوه څيراما په لږ څه تغير سره دوی ته زده کړه کوی او ټول بنيادمان په لمړی سر کی چه پر خبرو رازی يو ټول الفاظ په ډير لږ بيلگيدو سره ترخوله باسی او همدغه سبب دی چه دمور او پلار نوم چه کوچنی ئی تر هرشی وړاندی زده کوی تقريباً په ټولو ژبو کی يورنگه اوله هغو آوازو څخه يو لځای سوی دی چه يوازی

هر چا په خپل چرت سره يو لځای ورته ټا کلي دی موږ هم په خپل وارڅه پرايکلي دی او په خپل خيال لمړی ټا ټوبی د آرين ، باختربولو چه د افغانستان د قطب ډډی ته دی او دا خبره په کلکه عقیده سره منوچه د هند او ايران آرين له دی لځای څخه تللی دی پښتانه هيسکته د هند و ايران يا د بل لځای څخه نه دی راغلی او په دی وطن کی چه اوس مېشت دی پخوا هم مېشت وه او داخپله عقیده مو په وارو وارو د کابل په سالنامو او مجلو کی ليکلی ده بيا ئی دلته ليکل تحصيل د حاصل دی (د کابل سالنامی او مجلی دی وکتلی سی) . نو په دی ټول چه اصلی لځای د آرين د تکم دغه مڼه که اولښنگ (مهاجرت) هم له دی لځايه و هند و ايران ته سوی وی او د ډيري پخوا زمانی څخه د پښتو او پښتانه نوم اخستلی سوی وی څه رنگه کيږي چه داڅ به د سنسکرت يا د زند او فارسی څخه زږيدلی وی بلکه په زغرده و يلاي سوچه پښتوودی ژبوته د مشر ورور يا د تره پر لځای ده .

څه رنگه موچه پورته و ويل دويم د ژبی مسئله ده چه موږ ته لار راښی - او تر لمړی خبری چه د آرين اصلی ټا ټوبی دی د ژبی مسئله موږ يوه رښتني او څرگند حقيقت ته نژدی کوی - نو دادی تر هغه لځايه چه موږ پوهيږ و او معلومات لرو په لاندی ټول سره زنی لغات او الفاظ ددی ژبو سره گورو .

وړاندی تردی چه لغات سره وگورو او اشتقاق او رېښه ئی مونده کو بايد دی چه د ژبی د پيدايسنت پرفلسفه باندی چه علماؤ او پوهانو ویلی ده ، او څه رنگه د ژبو رېښه سره کتنه کيږي او ژبه څنگه تحول کوی او څه عوارض ور پېښيږي څه څېړنه او بحث وکو .

د شونانو په بنو رولو یاد خولی په پرائیتلو سره ویل کیږي یا ژغ
ئی راوړی مثلا :-

په پښتو کی پلارته بابا ، بابکه وائی

« عربی » « اب ، ابا »

« انگلیسی » « پاپا »

انسانی طبیعت او پورننگ والی ئی څنگه مو چه پورته وویل گردو
کوچنیا نوته یو ډول تعلیم ورکوی لکه چه کوچنی لمړی پلا د اشارت
د پاره گوته پورته کوی بیاد گونگسی په خیر آواز را باسی تر څو
چه دغه گونگسی دژدی له پاره دغه اودلری له پاره هغه وټاکل سی
او اشاره وگرزی .

کوچنی چه په گړیدو راسی نولمړی دشیانو نومونه زده کوی هرشی
چه عواری د هغه نوم اخیلی مثلا که وژی سی جچی وائی او که مېوه
و غواری ککه وائی هر کله چه دویلو قوت په ده کی د یرسی افعال
داسما سره یو ځای کی ، اما په ماته ژبه ئی وائی تر څو چه حرف
داسما اوافعال سره یو ځای کی او پر خبر وراسی .

یو وخت زه د قندهار څخه د هندوستان پرلار کابل ته راتلم
په اردو نیوهدیم فقط د څو ضروری شیانو نو مونه چه زما زده وه
ما خپل کار په کاهه مثلا که به ډوډی ته اړ سوم د ډوډی والا
دکان ته به ورغلم پیسې به می ورکړی او در وټی نوم به می ورته
واخیست او که به می او به وغوښتی پانی به می وویل او که به زما
داسی شی په کار سو چه نوم به ئی زما نه و زده نو په گوته به می
هغه شی ته اشارت وکی او په دی چل می خپل کړ کاهه او نور
اروپائیان یا مسافر هم په کابل کی د پرلیدل کیږی چه په ژبه نه پوهیږی

یوازی دهغه شی نوم اخیلی یا هغه شی چه دی ئی غو اړی په گو ته
اشارت ورته کوی او د کم یوه چه څه خبری زده وی نو په ناقصو
جملو سره خپل مطلب څر گندوی مثلا (نان برای ما لازم) نو ددی
څخه دا جوته سوه چه لمړی نوم (اسم) په درد خوری او سړی ئی
زده کوی بیافعل او بیا حرف زده کوی او بیا په اړوید واو ویلو سره
ژ به روسی او سړی نیم گړی نیم گړی جملی سره یو ځای کوی که څه هم
اشارت په اعتبار د پیدایښت لمړی دی مگر کلام د کار په اجرا کی
د پراهمیت اړی .

د الفاظو څر گندیده یا پیدایښت :

لفظ دژبی تصویر یا دیوه شی نښان یا یو فعل دی .

که چیری یو لوی تکم چه دیوه پلار اولاده وی سره بیل سی
او په گوښی گوښی ملکو کی سره خپاره سی دوی و نوی معاشرتی
او مدنی شیا نوته اړسی په اثر د احتیاج یا اتفاقی نوی شیان مونده
کی دا شیان که څه هم په دی ځایو کی له یوه جنسه وی بیا هم په بیلو
بیلو نومو یاد یری وروسته له یوه وخته چه دا نومونه سره ټول سی
هر شی د څو نو مو خاوند وی .

بیا په بل عبارت سره دنیا تل دترقی او لوړتیا پرلاری زی ، مدنیت
پر اخیږی علم او فنون نوی شیان څر گندوی را کړه او ورکړه
دیوه ځای شیان و بل ځای ته وری ټوله دی لامله نوی الفاظ په
هر ځای کی زیږی او دیره ملک څخه وبل وځن ته زی زکه چه ټول
شیان او کارونه نوی وی مگر په کلوکی الفاظ لږ او په ښهر وکی
ډیر وی دایر والی دالفاظو په ښهر وکی دایر والی له کبله کلی وال
دښهر والو و شا گردی ته امله داره کوی او و دی ته اتفاق دخاص

هر لفظ پلتي او تحقيق په کي کوي چه اصل ئي څه واو دخواو کموکو ما دو څخه جوړ سوي او اصل ئي کم لځي ته رسيږي او په معني کي ئي فکر کوي او اصل و نسب ئي موندل کوي لفظ هم نسل او ولادت لري څرگندول ئي داسي کيږي چه متخصص اجزا د لفظ سره پرا نږي او وني گوري چه اصل ئي څنگه ملک په ملک او قوم په قوم گر ز بدلي چه وده ته رسيدلي دي او ريني ئي کمي دي او څه راز پيدا سوي دي او په حرف او معني کي ئي له دي گرز يدو اوسفر څخه څه تغير موندلي دي - بيا پر خپلو خبروله حيث د زني ژ بو فکر کوي او نتيجه ئي سنجوي او يوزر بل ئي سره گوري چه ديوې ژبي لفظ د بلې ژبي سره په کمو لځايو کي پورنگ والي او په کمو لځايو کي مخالفت لري او هم کم الفاظ يوي ژبي ته مخصوص دي چه په نور وکي نسته بياني دتغير او تبديل دعمل اسباب او علل پلتي او دخپل تحقيق پاي يو لځي ته رسوي .

داهم دويلو خبر ده چه دبدليد وعمل کله مخ پر اوړ او کله مخ پر زوړوي اما تگک او هيدل (جريان) ياتل وي او دغه دبدليد وعمل ته اصل و نصب دژبي وائي له پاره ددي چه مطلب ښه وپوهيدلسي لاندني مثال راوړم :

گريوان : متخصص په دي لفظ کي گوري چه له گريو، اوبان څخه مرکب دي وان په سانسکرت کي په معني دساتندي او لرونکي ، او گريو په معني دستوني يا غاړي دي او په زړه يارسو کي (فارسي) گري په معني دستوني يا غاړي او بان په معني دساتندوي اولرونکي دي او (و) او (ب) په فارسي کي تل سره بدليږي لکه (او ، آب) (باغبان

او عام وائي چه له دي څخه الفاظ او اصطلاحات پيدا کيږي .
ددې پورته بيان څخه دا نتيجه راووته چه لمړي اشارت و بيا آواز او روسته له هغه نه په اثر د اتفاق او يو دبل دپوهولوله پاره الفاظ و ټاکل سوه .

تبصره :

هر کله چه وگړي ډير او وداني مخ پر زيا توب سي استعمال او ويل دهغو الفاظو لازم کيږي چه عام و خاص په پوهيږي اونست و نورو لفظوته د وگړو ډير په کار وي يا په بل عبارت هغه لفظ صحيح او فصيح گڼل کيږي چه په محاوره کي رواج وي او که صحيح لفظ وي او په محاوره کي رواج نه وي او ټول وگړي د هغه ملت نه په پوهيږي صحيح نه بلل کيږي .

تصرف او ايجاد په ژبه کي روانه دي او څوک اختيار نه لري چه يو لفظ د لځان څخه جوړ کي يائي راو باسي مثلاً مهري ووائي او دسړي معني زني و غواړي ، که فرض کوچه د ويونکي خپلوان دده په مطلب يوه سي اما عام خلق چيري په پوهيږي . يو سړي کولاي سي چه څو الفاظه جوړ کي اما دژوند دپاره ئي دټولو وگړو منل شرط دي . پوهان وائي لغت هغه دي چه ټولو وگړو هغه منلي وي اواصطلاح هغه ده چه يوي مخصوصي ټولني اتفاق پرکړي وي .

دژبي دوليو (رښو) پلټل:

د ژبي دوليو پلټل خوپه متخصص (فلولوگ (Philologue) دژو اړه لري او متخصص هغه دي چه دژبي په سرکبو جملو کي

یابل عبارت اسماء په حقیقت سره نوم د شیانو دی ، که کله شی بدل نسی او نوم ئی وگرزی هغه علاقه چه دلفظ او معنی په مترکی ده سره وشلایږی مگر بدرنگ والی نه زنی څرگندیږی مثلاً :-

شمع : عربو موم ته شمع ویل کله چه د موم څخه ئی دلکو لو شمع جوړه کړه پر هغه ئی هم د شمع نوم کښینود - په پار سواو پښتو کی ټولو اقسامو ته د شمعی بیله څه توپیر دهرشی څخه چه جوړه سوی وی شمع وائی .

کله یو لفظ اشتقاق کی لکه اور لړونی او کله یونوی شی دخپل نامه سره راسی لکه (تلگراف) او (تېلفون) نو هر کله چه علم تل په ترقی او اصلاح قبلوونکی دی زنی زاړه الفاظ پریښو دسی اوزنی نوی څرگند او مستعمل سی .

څه رنگه چه په بشرکی ډیر قومونه اوطافنی سته اومخ پرلوړزی اووډه کوی او بیامخ پرزوړسی اودنښتی لارونسی همدارنگه په ژبه کی هم قومونه او ټبرونه سته او څنگه چه عالم گریزی الفاظ هم له یوه زای څخه وبل زای ته سفر کوی حرکات او حروف او معنی ئی تغیر موندنه کوی وضعیت ئی بدلیږی وده کوی اومخ پرلوړزی او بیامخ پرزوړسی په پای کی میده سی .

د الفاظو مرگ او ژوند ، لوړ والی او زوړ والی ، تگک اورا تگک تل جاری وی هیس کله نه د نويږی او هیسوک ئی هم لکه د سیل او په نه سی دردولای - که زاړه لار اوکتا بو نه وکتل سی په سوو پریښود سوی لغات به په کښ لیدل کیږی چه اوس نسته یو ازی ئی د قاموسو څخه موندلی سو بلکه ډیر ئی په قاموسو کی هم نسته .

ډیر الفاظ داسی هم سته چه په یوه مخصوصه معنی مستعمل او ویل

باغو ان) په پښتو کی گروی دغاړی لاندی اډو کوته وائی چه په فارسی کی ئی (توقک) بولی او وان لکه پار سو او سانسکرت د لرونکی او ساتندوی په معنی استعمالیږی نو هغه برخه دخت چه دغاړی ساتندویه ده گریوان یا گریبان نومیږی او په نتیجه کی داجو تیږی چه گریوان او گریبان دیو کی کورنی دی اودزمانی داوژدوالی په واسطه او اختلاف د محیط اواز بدل سوی دی .

ناهارا ونهار : دا مرکب دی اه نابانه څخه چه حرف د نفی دی او هار په پار سو اوسانسکرت کی په معنی دخورک راغلی دی او په پښتو کی هم دخورک معنی زنی اخیستله کیږی څوک چه سهار تر یوه وخته څه ونخوری نو وائی ماسبا ناری یا سبا نهاری نه دی کړی یا وائی نهار یا ناهاریم او په پار سو کی وائی (نهار حاضر است) .

تبصره :-

که څه هم الفاظ په ظاهر سره بزغ یا یوه هواده چه ترخوله وزی اما که ښه زیر سو زانته یوشی دی مثلاً که ووايو چه قلم اومشوانی یا ډوډی او اوبه راوړه که یو کوچنی هلك هم موز ته ناست وی هغه شی راوړی حال داچه موز ئی محض نوم واخیست نه داچه دهغه شی څپره مواستلی وی .

د الفاظو بدلیدل :-

الفاظ پرازی د شیانو نوم دی او هغه شی شیئ چه په هغه لفظ سره یادیږی مگر لکه نور شیان لوړ اوزوړ اوسفر لری او په سفر کی ئی ډول اوطبیعت بدلیږی او په پای کی مرگ هم لری .

کېدل، دزمانې دگرزید (تغیر) په اثر یا دنوی فکر و په علت سره ئې خپل وضعیت بدل کړی او په نوی معنی مستعمل سوی دی لکه په عربي کی :-

تهذيب : په لغت کی په معنی دپاک والی او اصلاح کو لور ا غلی دی او اوس داخلاق او مدنیت په مجموعی هیئت سره اطلاق کیږی یامدنی چه په لغت کی په معنی دشهری دی او اوس مدنی هغه چاته وائی چه په ټولو نوو وضعیتو دار ویاپوه وی .

د ژبی ژوند او مرگ :-

ژ به هغه وخت ژوندی او په زوانی کی وی چه په هر علم و فن کی بی شمیره مؤلفات ولری او الفاظ او محاورات ئې هر ډول مطلب ادا کولای سی که الفاظ ئې اصلی وی یا د خپل پاک نه لری .

استقلال او تل او سیدل د ژبی ډرځلوروشیا نو اړه لری (۱) د قوم خپل واکي (۲) د قوم سلطنت (۳) مذهبی شعائر (۴) مدنیت او معارف .

هر کله چه دا څلورساتونکی غښتلی او پخپل قوت ولاړوی ژ به هم قوت پیدا کوی او که دا څلور د پښو اویدلی اوضعیف وی ژ به هم ناتوانه سی او د پښو و لویدی او په پای کی مړه سی - د ژبی مرگ هغه دی چه د هغی ژبی و یونکی، ویل اولیکل په کښ پریږدی او تالیف په هغه ژ به کی له رواج څخه و لویدی او اکثر د امرگ د ملتو د انقلاب په ترس کی ژبی ته پښی سی .

د پښتو او فارسی اوسان سکرته په هنر کی رابطه او خپلوی :

په دی درو ژبو کی ډډه او پخوانی خپلوی او رابطه سته الفاظ

ددی ژبو د دوی په ولی (زبته) دلیل دی د ژبی د علم یوهانو وروسته له پتللو او تحقیق څخه د ټول عالم ژبی ډرځو برخو ویشلی دی او هری برخه ته ئې خوشعبی یا کلی دی او د هری شعبی الفاظ تر خپلی برخه لا ندی رازی او یوله بله بیلژی - نوله دی لامله د الفاظو په تحقیق کی اسانتیا کیږی اود یوه لفظ په پتللو کی هغی برخه اوشعبی ته سپری رجوع کولای سی اوهغه برخه دادی :

هند و اوروپائی یا اروپائی .

هندوستان ، افغانستان ، ایران ، ارمینیا ، ټوله یورپ بیله ژبی پوښتو څخه او اوروپائی ژبی چه امریکه ، جنوبی افریقه ، استرلیا او نیوزیلنډ ته تللی دی .

سامی :

عربی ، عبرانی ، سریانی ، کلدانی ، اشوری ، آرامی ، فنیقی ایی سینائی .

حامی :

بربری او قسیم قبضی یعنی شمالی افریقه .

یورال الطائی :

جاپان ، کوریایا ، مغل و تاتار ، ترک ، هنگری ، یورال اوشمالی برخه ، بحیره اسود ، فنلینډ اولیپ لینډ .

د مشرق جنوبی آسیا (آسیای جنوب مشرق) :

چین ، برما ، تبت ، سیام اونور .

د جنوبی او شمالی امریکې د بومیانو ژبی :

د افریقای د حبشیانو ژبی :

د استراليا د حبشیانو ژبی :

د علمالاسنه پوهانو ، هند و اروپائی ژبه پر یوسوشعبو ویشلی ده (۱) اوموځ حاجت نه لرو چه د ټولو بیان وکو زکه ز موځ مطلب یوازی په سنسکرت اوزند او پښتوکی دی چه د باختری ژبی ریښی او بالتسلسل و اریائی ژبی ته رسیږی .

د زند او سنسکرت ژبه :

سنسکرت Sanscrit : د سنسکرت ژبه . هغه ژبه ده چه د هندوانو مذهبی کتابونه پرلیکلی سوی دی او هغه دادی : رگ وید سام وید ، یجیر وید ، اتهر وید .

زند Zend د زند ژبه هغه ژبه ده چه د زردشت کتاب (اوستا Avesta) پرلیکلی سوی دی دی ژبه ته بلکتر یانی (Bactriane) هم وائی زکه ددی ژبی لهای دافغانستان بلخ و ، د زند نوم دارو پائیانوله خوا پر اینود سوی دی .

مطلب :

د ژبو د کیفیت او نوموځه بیان وسو او هم موځ ژبی حالات او

(۱) که څوک ئی تفصیل غواړی د « ۱۳۱۳ » په سالنامه کی دی د جناب یعقوب حسن خان مقاله « زبانه در افغانستان » وگوری .

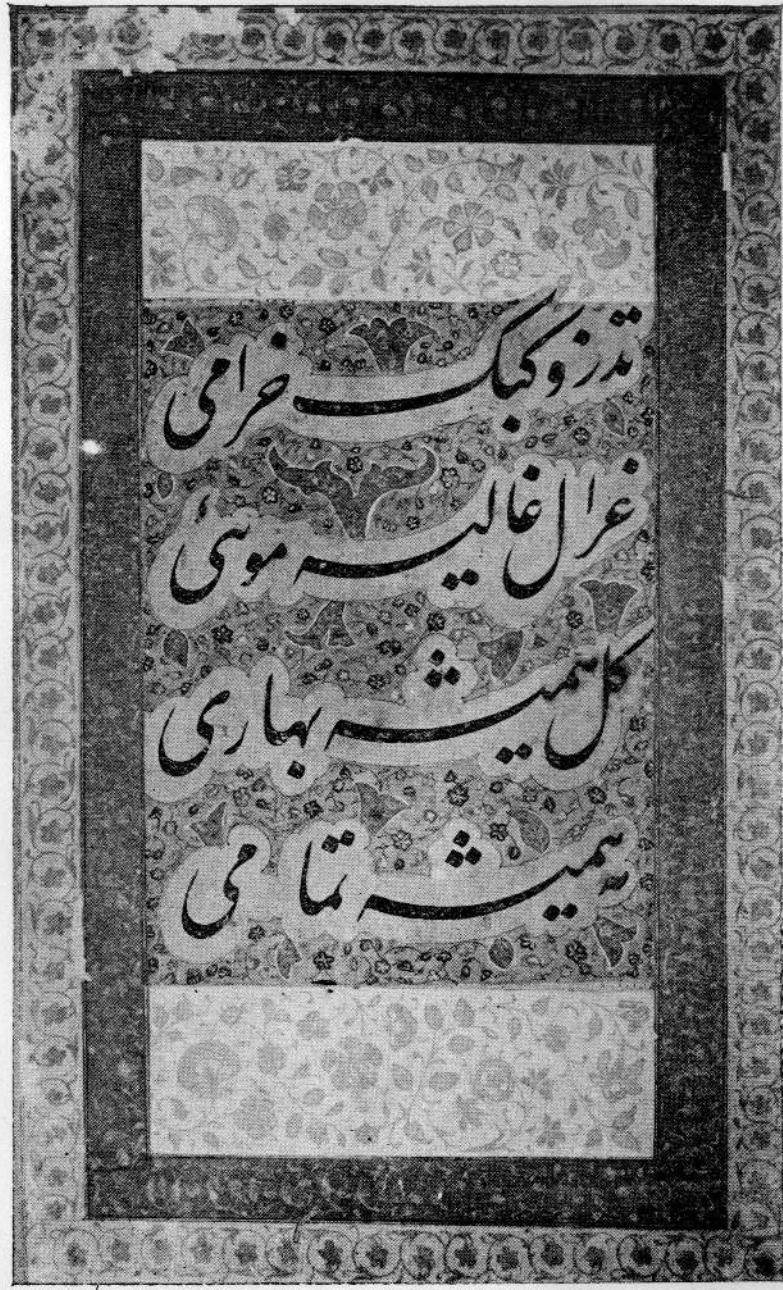
نمونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قرن سیزدهم هجری افغانستان میرزا محمد یعقوب خان کابل
Spécimen d'écriture d'un des calligraphes du 19^e. siècle d'Afghanistan

احمد نیرایا
بهرطواف
و این ناز
توفیق د عای
روپی



نمونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قدیم افغانستان
Spécimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan

نمونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قرن سیزدهم هجری افغانستان میرعلی هروی
Spécimen d'écriture d'un des calligraphes du 19^es. d'Afghanistan



دېشتو پر ادبياتو يوه كتنه

پيدايښت او څه رنگ والی تر يو ځايه پوری وليکل سواوس نوغواړو
چه دېشتو او سنسکرت او زنده الفاظ سره وگوزو او خپل مطلب
موچه پښتو آيا لخته ژبه ده او که دهندي او ايراني ارياقوک
ده زنی و باسو .

پخواه مو وويل چه كله ديوه ملك شيان دخپل نامه سره زی
او كله پرلاری يابه بل ملك کی نوی نومونه مونده کی که نوی شيان
په هر ځای کی بيل بيل نومونه لری مگر لازمی اوضروزی شيان چه
انسان له لمړيه سره ورته اړو ، او هر قوم او تکم په وخت ديديدو دځان
سره وړی که په يوه ډول وی يا له څه تغير ولری دليل پر دی دی
چه دهغو قومو په منځ کی اتحاد دقومی او خپلوی سته او که و پتلل سی
ښائی چه نورهم داسی الفاظ مونده سی چه ددوی پراتحاد دليل وگرزی
دهغو ضروری شيانو څخه لمړی دکورنی او خپلوانو نومونه دی چه
هیس ښادام به زنی خلاص نه وی او بیا اعضا بدن او جوی اوعددی
اود خوراک او نور شيان دی اوموژ لاندی ددی دروژ بو (پښتو ،
سنسکرت ، زند) الفاظ ترهغه اندازی چه موژته څرگند سوی دی
يامعلومات په کښ لرو لیکو : (۱)

پښتو : ايشنا ، ايشنه . سنسکرت : اش يا اوش بمعنی بسیار گرم

» : اوبه » : آب فارسی آب

» : اته (۸) » : اښت او ستا اشتا

» : اتم » : اښتم فارسی هشتم

» : اتيه » : اښتی او ستا اښتی فارسی هشتاد

(۱) دژبو دابدال اصول جناب يعقوب حسن خان پوره ليکلی

دی دتکرار په سبب می دلته نظر زنی واراوه .

نمونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قدیم افغانستان
Spécimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan



پښتو : اويا سنسکرت : سپنتی اوستاهپتا ایتی - نوی فارسی هفتاد
 : آس مفرد، اسوذه جمع ، مونث اسپه سنسکرت : اشوه اوستا اسپه
 نوی فارسی اسپ
 : اوشنل مصدر، حال دد ریم سری اوږدی سنسکرت : ورت، نوی
 فارسی گشتن ، گردیدن
 پښتو : اوښ سنسکرت : اشترا (ت پښتو) - نوی فارسی اشترا
 : به ، داسم به پای کی دنسبت علامه ، جمع بانه مثلاً غوبانه ،
 اوشبه جمع اوشبانه (اشتربان ، ساربان) به نوی فارسی کی وان ، بان
 پښتو : څه ، څله . نوی فارسی چه ، چرا (څ به فارسی کی به چ
 بدلوی)
 پښتو : څلور . سنسکرت : چتوار . اوستا چدوار - نوی فارسی چهار
 : څلورم « چتر ته . نوی فارسی چهارم
 : څلوېښت « چتوار نشت . اوستا چدوارستا - نوی فارسی چهل
 : څرمن « چرمن . اوستا چرمن . نوی فارسی چرم
 : څیری ، څیره مصدر څیریدل ، څیرول . سنسکرت چیرا یا چیره
 نوی فارسی چیر
 : څیر (وصف) شبه ، برابر ، موافق ، مساوی . سنسکرت
 چتر از چتر نم (شبهه شدن) اوستا چیدره زره فارسی چیدا - نوی
 فارسی چهر
 پښتو : څو . اوستا چواز ، چوت ، چوانتو - نوی فارسی چند
 : څرب (وصف) قوی ، سمین . نوی فارسی چرب
 : دیرش (سی) سنسکرت ترنشت - اوستا دریسته .

پښتو : درست (صفت مذکر) درست (مؤنث) همه : کبل ، تمام .
 نوی فارسی درست اوستا دروستی
 : دری . سنسکرت تری اوستا درایو - نوی فارسی سه
 : درویدل ، درو مل مصدر واحد غائب درومی . اوستا دراومان
 پښتو : دوه (مذکر) دوی (مؤنث) . سنسکرت دوا - نوی فارسی دو
 پښتو : گینه . نوی فارسی انگین مگر به سنسکرت کی مدهو
 راغلی دی معلومیږی چه گینه به ازیائی کی دویمه کله دشهدوله پاره وی
 ز که دا انگریزی سره چه (هنی - Honey) ورته وائی څه
 نزدیکتری گینه یا انگین بومی یعنی لمړی الفاظ نه دی .
 پښتو : گریوان سنسکرت گریوا - نوی فارسی گریان .
 : غر جمع غرونه سنسکرت گری (اوله یا دیره سیکه ويله کیږی)
 اوستا گایری نوی فارسی کوه (دپښتو « غ » اکشر به گک بدلوی) .
 پښتو : غاړه . سنسکرت گلا ، گپ ، گلب اوستا گاراه - نوی
 فارسی گلون .
 پښتو : غرمه (چاشت ، وقت گرمی روز) سنسکرت گهرم
 (گرمی یا آفتاب) اوستا گرما - نوی فارسی گرم یا گرما .
 پښتو : غوشایه یا غوشای (سرگین) سنسکرت گاؤ (غوان) شکر
 (فضله) غوشایه ښای چه د دوو لفظو څخه اخستلی سوی وی .
 پښتو : غوژ اوستا گاو شه - نوی فارسی گوش .
 : غوا (ماده گو) سنسکرت گشو اوستا گو
 : بږهاغه یا هغه (آن) سنسکرت سا (برای مؤنث) اوستاها .
 : هسک (بلند مرتفع) اوستا اوسکت .
 : غنم سنسکرت گود هوم نوی فارسی گندم .

پښتو : اويا سنسکرت : سپنتی اوستاهپتا ایتی - نوی فارسی هفتاد
 : آس مفرد، اسوذه جمع ، مونث اسپه سنسکرت : اشوه اوستا اسپه
 نوی فارسی اسپ
 : اوشنل مصدر، حال دد ریم سری اوږدی سنسکرت : ورت، نوی
 فارسی گشتن ، گردیدن
 پښتو : اوښ سنسکرت : اشترا (ت پښتو) - نوی فارسی اشترا
 : به ، داسم به پای کی دنسبت علامه ، جمع بانه مثلاً غوبانه ،
 اوشبه جمع اوشبانه (اشتربان ، ساربان) به نوی فارسی کی وان ، بان
 پښتو : څه ، څله . نوی فارسی چه ، چرا (څ به فارسی کی به چ
 بدلوی)
 پښتو : څلور . سنسکرت : چتوار . اوستا چدوار - نوی فارسی چهار
 : څلورم « چتر ته . نوی فارسی چهارم
 : څلوېښت « چتوار نشت . اوستا چدوارستا - نوی فارسی چهل
 : څرمن « چرمن . اوستا چرمن . نوی فارسی چرم
 : څیری ، څیره مصدر څیریدل ، څیرول . سنسکرت چیرا یا چیره
 نوی فارسی چیر
 : څیر (وصف) شبه ، برابر ، موافق ، مساوی . سنسکرت
 چتر از چتر نم (شبهه شدن) اوستا چیدره زره فارسی چیدا - نوی
 فارسی چهر
 پښتو : څو . اوستا چواز ، چوت ، چوانتو - نوی فارسی چند
 : څرب (وصف) قوی ، سمین . نوی فارسی چرب
 : دیرش (سی) سنسکرت ترنشت - اوستا دریسته .

پښتو : خوړل مصدر واحد غائب خوړی ماضی و خوړل - نوی فارسی خوردن .

پښتو : خر سنسکرت کهر - نوی فارسی خر (خ کله په سنسکرت کی په کپ هم بدلېږي) .

پښتو : لر (پست تر ، کتر ، یا ټین) سنسکرت ادهر او ستا ادارا - منزوی فارسی ار، نوی فارسی زیر .

پښتو : لرل سنسکرت دهرن اوستا در تا نو - زړه فارسی ادرا ما، نوی فارسی داشتن

پښتو : لس سانسکرت دش اوستا داسا - نوی فارسی ، کرد ، بلوچی ده (ل په د بدلېږي)

« ، لار اوستا رايد يا . منزوی فارسی رس نوی فارسی راه

« : لیری سنسکرت دوری اوستا دویری نوی فارسی دور (په پښتو کی دوزی په معنی د) (انجا) یعنی هغه لیری خواته وائی)

پښتو : لیوه سنسکرت وریک او ستادیوه

« : لیور (برادر شوهر) سنسکرت د بور - نوی فارسی ایور

« : لومه (حلقه دام) سنسکرت دمن

« : لور سنسکرت دو هیتا ، دو هیترا اوستا دو غدار منزوی فارسی دخت نوی فارسی دختر

پښتو : لور (د اس) سنسکرت دا تری منزوی او نوی فارسی داس

« : اوشل (سنسکرت دو هنم (نم علامه مصدر) نوی فارسی دوشیدن

« : مچ سنسکرت مکینی او ستامخشی نوی فارسی مگس

« : مخ سنسکرت مکه

پښتو : کوم (کدام) سنسکرت کما (برای مؤنث) کیم (کدام یکی) نوی فارسی کدام - زړه فارسی که .

پښتو : کتل (کندن ، حفر نمودن) سنسکرت کپتتی بمعنی (میکند) نوی فارسی کندن .

پښتو : کرل سنسکرت کرینتی بمعنی (میکار د) نوی فارسی کشتن .

« : کشر (خورد ، کهر) سنسکرت کنشتپتر او ستا کاسو نوی فارسی کپتر .

پښتو : کتل ماضی کوټ ، کاته سنسکرت ویکپش ، ا کپش .

او ستا کاس - منزوی فارسی اکاس - نوی فارسی نگاه .

پښتو : کرل ، کول سنسکرت کرت او ستا کر تیا نوی فارسی کردن .

پښتو : کیکي (خورد ، کم) او ستا کامنا نوی فارسی کم .

« : کون (کر) مؤنث کیه ، کنوالی سنسکرت کرن (بمعنی گوش) او ستا کر تیا نوی فارسی کری .

پښتو : ختل مصدر واحد غائب خپړی ، ماضی خوت ، ختلای حاصل مصدر خاته نوی فارسی خاستن .

پښتو : خوب (خواب ، رؤیا) سنسکرت سئو پن (Dream رويا) سواپ (خواب) اوستا خفنا - نوی فارسی خواب .

پښتو : خور سنسکرت سوسری . او ستا خا نهر - نوی فارسی خواهر (خ په سانسکرت کی په س بدلېږي) .

پښتو : خوله (عرق) جمع خولی سنسکرت سوید .

پښتو : منی (تیر ماه) اوستا همینا

« : منل سنسکرت منم (مصدر) اوستا ماین ایتی

« : مرغاه سنسکرت مرغی که مرغی په معنی د مرغزار او گه په معنی

د تلونکی (رونده) نو مرغی که په معنی دهغه حیوان چه خر کوی

(حیوان چرنده) اوستا مرغاه-نوی فارسی مرغ

پښتو : می سنسکرت مر - نوی فارسی مرده

« : مہانی (پهلوان ، دلاور ، شجاع) سنسکرت مرتیه (و پهلیم

گیگر) د مہانی په معنی لیکلی دی مگر د مہی کندهی - مردنی په معنی دی

او سقا مرتان منزوی فارسی مرت - نوی فرسی مرد ، مردانه

پښتو : مشر سا سنسکرت مشر منزوی فارسی مه . نوی فارسی مهتر

او ستامسیا

پښتو : مزی (قوی ، بباره عام فهم تسمه) سنسکرت مها (بمعنی کلان)

اوستا میشتا

پښتو : مژ (گوسفند زړ) میژ (میش) سنسکرت میبش

« : مژک سنسکرت موبشک یا موش نوی فارسی موش

« : ماغزه سنسکرت مجا او ستا مازگا ، نوی فارسی مغز

« : میله جمع میله مانه سنسکرت مہی من (شخص بزرگ و کلان)

اوستا ادمان نوی فارسی مہمان - سنسکرت کبش « مہرمان » هم ورته وائی

پښتو : میره اوستا ما دریا نوی فارسی مادر اندر

« : مور سنسکرت ما تریا مانه - نوی فارسی مادر

« : ملا (کمر) سنسکرت مدهی (Madhya) بمعنی وسط اوستا

مایدیا نوی فارسی میان

پښتو : مهل مصدر واحد غائب مری سنسکرت مرن (ن علامه مصدر)

اوستا مرتا نوی فارسی مردن

پښتو : زن (امروز) اوستا نورم

« : نل مصدر (اواز کردن ، غنیدن) سنسکرت نلن (ن علامه مصدر)

ندتی (اواز میکند) نوی فارسی نالان ، ناله ، نالیدن .

پښتو : نوی (اسم عدد نود) سنسکرت نوتی - نوی فارسی نود .

« : ناستل مصدر (کینیناسقل) واحد غائب کینینی ماضی ناست

سنسکرت نینیدن (ن علامه مصدر) سیدتی (می نشیند) اوستا

نی شیداتی نوی فارسی نشستن .

پښتو : نیکه (پدرکلان) اوستا نیا کنا - نوی فارسی نیا .

« : نوم (اسم ، شهرت ، عزت) سنسکرت نام یا نامن اوستا

نامان - نوی فارسی نام .

پښتو : نو (ناف) سنسکرت نابهی - نوی فارسی ناف .

« : نژور (زن پسر) سنسکرت سنو بیاد نوی فارسی سنو .

« : په (در ، بر) سنسکرت اوپه اوستا اوپه .

« : پل (یا نقش پا) سنسکرت پد اوستا پدا - نوی فارسی پای .

« : پله (پی) اوستا پمان نوی فارسی پی .

« : پتروس (اسم عدد پنجاه) سنسکرت پنچاشت اوستا پنچاستا

نوی فارسی پنجاه .

پښتو : پری ، پری ، پی (حرف استعلا بمعنی بر بالای) سنسکرت

یوباری اوستا اوپاری نوی فارسی بر .

پښتو : پرو سئ ، پروس (سال گذشته) سنسکرت پرت - نوی

فارسی پارسال .

پښتو: سبي، سنسکرت شوا (مفرد) شوان (جمع) اوستاشيان
نوی فارسی سبک .
پښتو: سپڅه، سپڅه صفت حالیه سپڅن . اوستا سپیش- نوی
فارسی شپش .

پښتو: سپین . اوستا سپینا - نوی فارسی سپید .

«: سپک، نوی فارسی سبک .

«: ستن . سنسکرت ستپونه اوستا ستونه - نوی فارسی ستون .

«: ستر صفت (کلان، بزرگ، قوي) سنسکرت ستپویر

اوستاستا ورا - نوی فارسی ستر گڼ .

پښتو: سور (سرخ) سنسکرت شکر (بمعنی خوش رنگ که
چشم آنرا خوش کند) اوستا سغرا - نوی فارسی سرخ .

پښتو: سوری . نوی فارسی سفتن، سوراخ .

«: سوړ نوی فارسی سرد .

«: ساره (خنکی، خنک) اوستا سارتا - نوی فارسی سرد، سردی

«: سوه (سم) سنسکرت شپه اوستا ساتا فارسی سم .

«: سوی (خرگوش) سنسکرت شش .

«: سول . سنسکرت جول (نم علامه مصدر) فارسی سوختن

«: شئل . سنسکرت اینېږ .

«: شپه : سنسکرت کنیا . اوستا خشپ - نوی فارسی شب .

«: شپون جمع شپانه نوی فارسی شبان .

«: شول مصدر (رفتن، آمدن، بودن، شدن) حال واحد

غائب شی ماضی شه فارسی شدن .

پښتو: پم (ملاعت، مغلوب، مات) سنسکرت پت اوستا پرتیا .
«: پاڼه (برگ، ورق) سنسکرت پرن اوستا پرنه .
«: پیری (اجنه) اوستا پایریکا - منزوی فارسی پاریک - نوی

فارسی پری .

پښتو: پیرونی . نوی فارسی پروین .

«: پښتی (قبرغه) سنسکرت پک پتی اوستا پرشتی (به سنسکرت

کی پښتی دپښتو په تډ دشا په معنی راغلی دی .

پښتو: پوښتیدل واحد غائب پښتی . اوستا پرشات . نوی فارسی پرسیدن

«: پلن اوستا پدانه . نوی فارسی پهن .

«: پلا (سفر، دفعه) سنسکرت پد - اوستا پاد - زړه فارسی پدی

«: پلار (پدر) سنسکرت پیتر اوستا پیتر، پتر .

«: پړانګه نوی فارسی پلنگ .

«: ریل، رایل (آواز کردن خر) واحد غائب رایی .

سنسکرت ریکو (نم علامه مصدر) واحد غائب ریکوتی
(خر هنگس میکند) .

پښتو: رش (چرک، ریم) سنسکرت رج یارجس - نوی فارسی
ریش (زخم) .

پښتو: ریچه (تخم شش) سنسکرت لکینا - نوی فارسی رشک

«: روزاوستا راوچه - نوی فارسی روز .

«: سل (اسم عدد، صد) سنسکرت شت اوستا ساتا

نوی فارسی صد .

پښتو: سخر (پدر زن) مقلوب خسر . سنسکرت شو سر .

اوستا خوا سورا - نوی فارسی خسر .

پښتو: شپښه (رشقه) منزوی فارسی اسپو ست نوی
فارسی اسپو ست .

پښتو: ته ضمیر واحد مخاطب نوی فارسی نو سنسکرت نوم اوستا نوم
«: تم (تور تم) برای تاریکی می آید سنسکرت تهم یا تمس
اوستا تما - روسی تم .

پښتو: تنبا (رعد) سنسکرت ستن ، یقنو - نوی فارسی تندر
(صاعقه) عیناً در پښتو هم تندر است . لاتینی تو ناری ، تو نیترو ،
پخوانی جرمنی دونار اوسنی دو نازر :

پښتو: تر (حرف جر) نوی فارسی تا سنسکرت ترس زړه
فارسی تارا اوستا تارور .

پښتو: تش (خالی) تشول (خالی نمودن) تشیدل (خالی شدن) -
سنسکرت تچ - نوی فارسی آهی

پښتو: تژی سنسکرت تربیت (مذکر) تر شینا (مؤنث) اوستا تر شته
نوی فارسی تشنه

پښتو: تیره اوستا تایرا فارسی تیز

«: تریخ ، ترخه نوی فارسی تلخ

«: تریو ، تروه «: ترش

«: تون داسم وروستی برخه (محل ، جا) لکه میړه تون - سنسکرت
شتانا او ستاستانه نوی فارسی ستان

پښتو: تومه ، نومنه (تخم ، اصل ، ریشه) سنسکرت تکمن اوستا تا و خمان
زړه فارسی تاوما

پښتو: تور (سياه) اوستا مادرا نوی فارسی تار ، تاریک

«: ام ، اوم مونث اومه سنسکرت ام

«: اومه (اسم يك نبات) سنسکرت سوم (واو مجهول) اوستا
هاوما - نوی فارسر هم (په فارسی کی یوه و نه ده لکه شین غزی چه
چوس ئی د زمزمی په وخت کی په لاس کی نیسی فرهنگ رشیدی)
پښتو: اور - اوستا اذر

«: اوره سنسکرت ابهر اوستا آورا

«: وزیدل (باریدن) سنسکرت وربن

«: اوسی ، هوسی ویلهلم گینگر وائی چه په سنسکرت کی آ شو
د هوسی په معنی را غلی دی . مگرداصحیح نه ده ، بلکه بکتیا دهوسی
په معنی ده موژ غرخه هم ارو او په سنسکرت کی گری ش په معنی دهغه
چا چه په غره کی استو گنه کوی را غلی دی .

پښتو: اوښه ، اوښکه سنسکرت اشرو اوستا آسرو نوی فارسی اشک
پښتو: اوه (اسم عدد هفت) اوستا هپتا نوی فارسی هفت

«: واله (بید) سنسکرت و یس اوستا وایتی منزوی فارسی ویت
نوی فارسی بید

پښتو: وڼه (درخت، شجر) سنسکرت وڼ اوستا ونا - منزوی فارسی وان
«: وندنی (ریسمان کناهی یا علفی که به آن پشتهاره می بندند)

سنسکرت بندهن اوستا بنده فارسی بستن - په پښتو کی وڼد بند (آب جمع شده)
پښتو: وړ (در) سنسکرت دوار - اوستا د واری - زړه فارسی

دوار یا - نوی فارسی در

پښتو: وړی (پشم) سنسکرت اورنا اوستا وار نا

«: واله ، واله (جو،جوی) سنسکرت واری به معنی آب اوستا وایدی

«: واوره - اوستا وافره نوی فارسی برف

| پښتو | سنسکرت | پښتو | اوستا |
|----------|--------|-------|----------|
| گریوان - | گریوان | دری | در ایو - |
| خرمن - | چرم | غارو | گاراه - |
| غرمه - | کهرم | مرغه | مرغا - |
| کشر - | کشتهر | ماغزه | مازگا - |
| لس - | دش | نیکه | نیاکا - |
| ایور - | دیور | ساره | سارتا - |
| مخ - | مکھ | تیره | تایرا - |
| مما - | مر | واوړه | وافره - |
| مشر - | مشر | زنه | زاناوا - |
| پل - | پد | زده | ارذا - |
| پانه - | پرني | لیوه | دپوه - |
| سوه - | شپه | اوره | اورا - |

اوم مونث اومه - ام

ونه - ون

اوس نو دامنا لونه اوتناسب چه د پښتو او د سنسکرت او د پښتو او داوستا په منځ کی سته موثر ودی نتیجی ته رسوی چه سنسکرت او اوستا دوه ورونه دی که پښتو د سنسکرت زوی او اولاد وبولو - نو اوستا ته د وراره نسبت مونده کوی - همدا رنگی که داوستا له نسل څخه وی سنسکرت ته د وراره نسبت پیدا کوی - اودا څرگنده ده چه اولاد نسبت وتره ته دیلار سره ډیر پورتنک والی اوڅپره ئی ویلارته لویه ورته وی نو که پښتو د سنسکرت د نسل څخه وای داوستا سره به ئی دونی نژدیکته درلود او که داوستا اولاد وای د سنسکرت سره به ئی خپلوی نه وه - هرکله چه پښتو د سنسکرت او اوستا سره

پښتو ولشت (بلست) سنسکرت ویشتی - فارسی بلست
 * : وريت (کباب ، بریان) سنسکرت بهرج نوی فارسی برشته
 * : وروحه سنسکرت بهرونوی فارسی ابرو
 * : ورور سنسکرت براتر - اوستا برادر فارسی برادر
 * : زنه - اوستا زاناوا - نوی فارسی زنج
 * : زده (یادگرفته) اوستا ارذا
 * : رش (آب دهن) سانسکرت را زا Rasa
 * : زغم (زحمت) سانسکرت کسم (Ksham)

داوه زنی الفاظ اونومونه د پښتو او سنسکرت او اوستا او فارسی چه پورته مو ویکل ، هغه خپلوی او قرابت چه ددوی په منځ کی ددی الفاظو دیورنگوالی څخه څرگندیږی - ښائی محترم ویونکی په پوهیدلی وی او هغه نسبت اوتناسب چه د پښتو او سنسکرت او د پښتو او اوستا په منځ کی سته هم ښائی چه پوهان پرو پوهیږی ز که : په هغه اندازه چه پښتو و سنسکرت ته نژدی ده هغونه او ستا ته نژدی ده - اود دغه تناسب له لامله دی چه مستشرقین او پوهان ئی په شبه کی اچولی دی او پښتو کله د سنسکرت شعبه بولی او کله ئی داو ستا له نسل څخه شمیري او بيله زنو پوهانو لکه دا کشر ترومپ د دی ژبی و حقیقت ته نه دی رسیدلی له پاره ددی چه دادتناسب مسئله هم ښه څرگنده کو ، خومثالونه د پښتو اود سنسکرت د نژدیکت او د پښتو او داوستا د خپلوی هم لیکو بیا به ئی نتیجه باسوا وخیل فکر به په قطعی صورت سره څرگندوو - چه مثالونه ئی دا دی :

| پښتو | سنسکرت | اوستا |
|-------|--------|---------------------|
| اتم - | اشتم | اس مونث اسیه - اسیه |

دی بلکه خپله ژبه ئې په لږ وخت کې ورکه کړې او د بل ژبه ئې اخیستی ده او د هغو په دود او عادات ورگړزیدلې دی .

موږ به پر پښتانه لیدلې دی چه کابل ته راغلې دی یا بل ځای ته چه فارسی و بله کیږی تللې دی اوس ئې زامن په یوه حرف پښتونه پوهیږی او همدارنگه چه په فارسی ژبه کې بدل هرکله چه د پښتو د ژبې منطقی ته تللې دی نن پښتو وائی او په فارسی پوهیږی - یا په پښتو کې مثلاً وردگگ قندهار ته تللې دی خپله لهجه ئې پری ایښی ده د قندهار په لهجه کې ږی او که قندهاری مشرفی ته تللی دی د مشرفی لهجه ئې اخیستی ده خپله لهجه یې هیږه کړې ده همدارنگه اول وگړی او اقوام د دنیا .

د دی معلول علت دادی چه د مسافرو او مهاجرو تعداد خواه نخواه تراصلی او سیدونکو د یوه وطن لږوی هرکله چه تعداد ئې لږوی قوت ئې هم لږوی - قوت چه لږ سو اراده سسته سی د ضدینو مقابله کولای نسی د بل تر اراده لاندی سی - له بلې خوا مسافرو دی ته اړدی چه دخپل معاش او ژوند مایحتاج لاسته راوولی - د مایحتاجو حصول په ټولنه او اجتماع اړه لری - او څو دی د ټولنی پرخیال ولاړنسی اجتماع دده پرخیال نه زی - او یوازنی وسیله د گډون په ټولنه کی او حصول د معاش ژبه ده - نو دی څوماخواه ودی ته اړسی چه خپله ژبه پرېږدی او خپل دود ترک کی - د محیط او اجتماع تر تاثیر لاندی راسی او د هغه محیط ژبه ومنی چه دی په کښ میشت دی اړ ژوند په کښ کوی .

یو ډول او برابر خپلوی او یورنگ والی لری دازنی څرگندیږی او دی نیجی ته رسیږو چه پښتو ، اوستا او سنسکرت ته لکه مشر ورور یا پلار یا تره ده چه دوه کشری ورونه یادوه زامن یادوه ورپرونه لری او دیوه سره هم هغه خپلوی او نژدیکت لری لکه چه دها بل سره یا په بل عبارت سره ژب پوها نو دهند و اړ و پائی (آریائی) ژبه په دوو برخو ویشلې ده چه یوی برخې ته شرقی او بلې برخې ته غربی وائی او د شرقی د برخې څخه دوی برخې نور ی راوتلی دی چه (هند ، ایرانی) ورتنه وائی اودا دوی ژبی چه سنسکرت او اوستا دی دونه سره نژدی دی چه باید دیوه پلار اولاد ورته ووايو ز که دی دواړو ژبوته دباختری یا بخدی شعبی ویلی سواودا زموږ ویل دحقیقت څخه څه لیری خبر نه ده اوژند ته له دی لامله باکتر یانی وائی چه اصل ځای او ټاټوبی ئې باختر و همدارنگه د پخوانی اوزاره سنسکرت اساس او ځای چه رگت ویدی ژبه هم ورته ویلای سو همدغه افغانستان و (د ۱۳۱۳ په سالنامه کی دی دجناب یعقوب حسن خان مقاله و کتنه سی) او دهند و ایران او سیدونکی هم د افغانستان د قطب د ډډی څخه ویشلی سوی او هند و ایران ته تللی دی لکه چه درگت وید څخه دا مطلب پوره څرگندیږی اوداهم پخواجوته سوی ده چه د سنسکرت او اوستا په زمانه کی دپښتون قوم په همدغه افغانستان کی میشت او دغه ئې ځای و .

که موږ په دنیا کی وگورو دا خبره به موږ ته جوته سی چه مسافر او هغه څوک چه د خپل ځای څخه تللی دی یا د محیط د تاثیر له کبله یا د بل قوم د همسایه توب له لامله ئې په ژبه کی ډیر تغیر پیښ سوی

موداویلی دی چه دهند و ایرانی و گړی له دی لځای څخه تللی دی
نو اوس باید ددوی د ژبې حال هم وگورو چه ددی تنگ څخه دوی ته
څه ور پېښه سوی ده اوله څه حال څخه و څه حال ته رسیدلی دی .

دهند د ژبو حال :

په لمړی سر کی چه موثره څرگنده سوی ده دهند د مهاجرو ژبه رگ وید
وه چه اساس او منشائی باید هغه باختري ژبه وبولو وروسته له څه مدی
چه د رگ وید ژبه له افغانستان څخه ووتله او په هند کېښی لځای ونيو
خیل حالت ئی بدل کی لهجه ئی وگرزیده چه په دی نوی لهجه باندي
د سنسکرت مشهور فاضل (پانینی) د چېندس نوم ایښی دی بیاد چېندس
لهجه او ژبه هم ور که سوه خپل لځای ئی و سنسکرت ته پرېښود . بیا
د سنسکرت ژبه په پای بدله سوه . بیا دیالی څخه پخوانی پراگرتونه وژښیدل
او د پخوانیو پراگرتو وضعیت په اوسنی ژبو دهند چه اوسنی پراگرت
ورته وائی بدل سو .

ددی څخه دا جوته سوه چه دهند وگړوله هغه وخته چه د باختري څخه
تللی دی تر اوسه شپږ واړه بلکه زیاته خپله ژبه اړه ولی ده سره
له دی چه دی ژبو اکثر و مذهبی جنبه هم لرله خصوصاً سنسکرت
چه د برهمنو او پالی د بودایانو دینی ژبه وه .

د ایرانی ژبو حال :

وروسته له دی چه ایرانی له باختري څخه پیل او ایران ته ولاړ
ددوی ژبه د اوستاد کتاب ژبه وه سره له دی چه اوستا ددوی مذهبی
او رسمی ژبه بلله کیده دونه پایښت ئی ونکی - بیا زړه فارسی چه
دهخامنشیانو کتبی پر لیکلی سوی دی څرگنده سوه دا ژبه هم وروسته له

ښائی څوک و وائی چه پیر مهاجر داسی سوی دی چه د اصلی
او سیدونکو لځای ئی نیولی دی او اصلی اوسیدونکی ئی په لځان
کی محو کړی دی .

هو ! دا خبره صحیح ده او داسی پیر قومونه سته چه د یوه لځای
څخه و بل لځای ته تللی دی او هغه لځای ئی نیولی دی او اوس د
هغو اصلی او سیدونکو نڅته هم نسته - مگر دا کار چه دوی اصلی
او سیدونکی محو کړی دی او لځای ئی دوی نیولی دی په څو زمانه
کی به سوی وی ؟ - دوی به څونه ور سره چنگیدلی وی ؟ ایا دا
اصلی او سیدونکی به ئی پیلا محو کړی وی که ورو ورو ؟ .

اوس گورو چه پر و سبز کال ایطالیا حبشه و نیوله ایا د حبشی
و گړی ټول مړه سوه ژبه ئی ور که سوه عادات ئی محو سوه ؟

په ! څو دا کار کبزی او د ایطالیا ملت هلته لځای نسی په سو و
کلونه به تیر وی - او ایطالویان و دی خبری ته اړ دی چه
د حبشیانو په واسطه د حبشی څخه گته واخلي او په حبشه کی لځان
بلدی ددی کار دپاره ایطالویان مجبور دی چه د حبشیانو سره گون وکی
او ژبه ئی زده کی ددوی په دود او عادت و پوهیږی - کله چه دوی
ټوله حبشه محو کی دوی به هم لکه نن خالص ایطالوی نه وی د حبشی
او ایطالیا په مینز کېښ به څه زنی جوړسی لکه چنگیز چه راغی
او دا ملکونه ئی لاندی کړه په پای کی ئی اولاد که څه هم
پادشاهان او ددی ملک واک داران وه بیا هم په ژبه ، دین او دود کی
هغسی بوب پاته نسل لکه چه چنگیز و .

ژ به هم که مت همدا رنگه ده لکه چه پورته مو وویل او هم

پړه پسې مېړې سوي دي او ځای ئې بلي ژبي ښوولې دي - پښتو داسې نه ده سوي اونه ئې دونه توپیر کړی لکه چې نوي فارسي کې پدي زک: هر کله چې داتو سووکالو آثار گورو او ادبيات ئې سته هغه پښتو ده چې نن روز وېله کيږي سره له دي چې نه ئې منځې غوره والي درلوداونه ئې په رسمي طور سره څوک مرستی و- اونه ئې د پاللو په غم کې چاسر غوږ کړی ولکه چې دهند وایران ژبي پاللي کېدی- اوزيات پردی چې پښتو خپل ځان ساتلی دی پردیرو ژبو بریالی سوي هم ده او په خپل ځان کې ئې حل کړی دی.

د اوه ددی سیمو او د ژبو حالات چې پورته می محض سرسری او لنډ بیان وکړي - دوددی تغیر څخه چې په دی ژبو کې پېښ سوي دي او پښتو پر خپل حال پاته سوي ده جوتيزی چې پښتو ځانته او دخپل واک خاوند ده نه د سنسکرت څخه راوتلی اونه داوستا څخه زیږېدلی ده اوداهم ویلي سوچه سنسکرت او اوستا - وپښتو ژبي ته دکشر وروریا دوراره نسبت لري اوموز پردی خبره نوردلیلونه هم لرو زک په پښتو کې زني داسي لغات او الفاظ سته چې داريا د ژبي داصلي ريښې سره یورنگ والی لري لکه: تگ (رفتار: teg) چې داريا په اصلي ولی کې په دغه معنی راغلي دي او په سنسکرت کې په تاکتي (takti) بدل سوي اوله هغه څخه ئې دپېړۍ (چاکتیا) او یري (هجوم) معنی اخستی ده او په زندکي په (تاکا taka) راغلي دي اود زغستا معنی ورکوي- اوداسلاو (دروسي ژبي پلار) په ژبه (توک tok) ورته وائی اومعنی ئې بهیدل ده. په پښتو کې وینو چې دغه تگ د نن روزی په پښتو کې په معنی دتگ (رفتار) استعمالیږي او پردی پوره دلیل کیدلای سي چې پښتو داريا داصلي ريښې څخه ده اوپخواه تر سنسکرت او زندو ده.

څه مدی مېړه سوه - پهلوی ژبه رواج سوه روسته له پهلوی څخه ننني فارسي معمول وگرزیده - که ښه ورته څیر سونني فارسي هم دهغه وخت څخه چې ددی پیدایښت دی (دسا ما نیاو زمانه) بیا تراوسه ډیر تغیر کړیدی که داتغیر سړی په زمانو او نسبتو سره وویشي اوییل بیل نومو نه ورته کښيږ دی ښائی چې تر لسو او مو څخه زیات ومني دا و دایراني ژبو حال چې په ډیر لنډ صورت سره موبیان وکړي - اوس باید د پښتو د ژبي هم څه څېړنه وکړو ووی کو روچه څه حال ئې تیر کړی دی.

دېشتو د ژبي حال:

رموز به عقیده سره کله چې داريا تکم له باختر څخه وویشل سوچه هندته ولاړل او څه په ایران کې میشت سول څه هم پخپله په افغانستان کې پاته سول لکه چې زني محققین او مستشرقین هم داوائی او په دی عقیده دي دوی هغه دخپل واکي او دمالداري (پوندءتوب) خوی ټینګ کې ددی له پاره چې ددوی خپل واکي په خپل حال پاته سي تر سموئی غرونه خوښ کړل او دمالداري دپاره به ژمي یوځای وه او اوری به ئې بلځای تیراوه- بایه بل عبارت اوری به سپړاوژمي به تودومسلکوته تلل لکه چې تسراوسه ډیری هم هغسي دي - که موږ دپخوانیو پښتنو حالات اودودگورو دنن روزی دپښتو سره دونه توپیر نه لري او ژبه ئې هم هغه ژبه ده چې دپښتو په نامه دوه نیم زده کاله پخواه یادسوي ده - که څه هم پخوا تر اسلام موږ څه آثار اوسند په لاس کې نه لرو چې داخپله خبره چې پښتو هغه پښتو ده چې وړاندی وه، جوته کو او ثبوت ته ئې ورسوومگر دا ویلسو - چې څنگه چې دهند وایران ژبي

مثالو څخه دى نتيجه ته ورسيدو چه که، څنومستشرقينو يا نورو دا خبره کوله چه پښتو د سنسکرت او اوستا څخه ده - کليمې غلطه او بې اساسه نظريه ښکاريزې زکه په پورته دليلواو په سوو نورو دليلو سره چه لځاى ئې د وېلو نه دى د پښتو ژبه داريا د ژبو لوى غړى او غوره ژبه ده چه د سنسکرت او اوستا په زمانه کې وه اود زموږ دليلو څخه (لکه د تنگ د لغت اشتقاق) داسر گنديزى چه پښتو نسبت و سنسکرت او اوستا ته داريا، واصلې ولى ته نژدې ژبه ده او که چيرې فرض کوچه پښتو له سنسکرت يا اوستا څخه زيږيدلى وى نو بايد خپل لغات ئې داريا د اصلې ريښې څخه نه وى اخيستي ددى دور، ورستيو ژبو څخه ئې اخيستي وى او بايد ريښه ئې نسبت واصلې ريښې ته داريا و هغې ژبې ته نژدې وى چه دازنى راوتلى ده - حال دا چه داسې نه ده - پورته مثالونه ښي چه د پښتو ژبه د سنسکرت او اوستا لوى ور ورده دو راره والى يادزوى نسبت هېڅ دى دوو ژبو ته نه لري :

ادبيات :

دا خبره څومو تر يوزايه ورسوله او خپله دا ډگر نه مو وکړه چه پښتو پخوانى او ځانته دخپلواک ژبه ده نو هر کله چه پښتانه پخوانى او ژبه ئې هم پخوانى لرله خواه پخوانى ادبيات هم در اودز که افلاطون اونور ډير فلاسفه وائې چه دانسان په خټه کې د جمال غوښتل اخېلى دى زکه چه د بديع حس، دده سره يوځاى خلق شوى دى نوله دى لامله تر هغه وخته چه انسانانو مدونه ژبه نه در اوده دا خپل حس ته ئې په څېر و چه په خپلو سوږو کې به ئې ايستلى يا خپل د ډېرو شيان او اسباب به ئې کښيده (نقشى) کول دا ډگر نه ور کوله هر کله چه د ژبې خاوندان

ياد (راشتي) کلمه چه داريا په ژبه کې په معنى دسم (موافق) اورښتيا (راست) او حکمدار ده مگر په زندکي دغه کلمه په (راياى) بدله سوي اود دبلا ئې (ثروت) او حشمت معنى زنى اخيستله سوي ده او په لاتين کې په (رکس - رگيس - روئيس) بدله سوي اود پادشاه - عمومى مدير د مملکت مفهوم او معنى ورکوى اود فرانسه په ژبه کې RICHE وويله سوه چه دبلا ئې معنى ورکوى او په نننې جرمني کې (Reich) او په انگليسي کې (rich) سوه چه په ټولو اروپايي ژبو کې په معنى د قدرت، برى (سلطه) بلا ئې استعماليزى حال دادى چه ريشه ئې هغه (راشتي) يعنى سم (موافق) او رښتيا (راست) او حکم دار ده چه داريا په ژبه کې لېدله کيږي .

دلته هم په زغرد وېلاى سوچه پښتو د ټولو اروپايي ژبو څخه داريا واصلې ريشه ته نژدې ده زکه په پښتو کې دغه د (راشتي) کلمه په لږ څه تغير سره يعنى (رښتيا) په هغه اصلې معنى چه رښتيا ده (راست) ويله کيږي (۱) . نور داسې الفاظ اولغات هم سته چه زمونږ د هر مطلب قوى دليل گرزي چه پښتو ځانته اومستقله ژبه ده اوتر سنسکرت او اوستا مشر بلله کيږي .

زيات پردې يوبل لوى دليل هم سته او هغه دادى چه پښتو علاوه پر سنسکرت او اوستا د ټولو اروپايي ژبو سره په زموږ لغاتو او الفاظو کې چه ما علم راوستلى دى يورنگک والى لري خصوصاً د بولندي سره ډير؛ دا ډول دليلونه اومثالونه په دى باب کې ډير راوړى سواو څېر نه پرکولای سو. ددى له ياره چه زمونږ مقاله په سالنامه کې يو محدود اومعين ځاى لري زيات پردې ئې نه سو اوژ دولای نو په دغونه موبس کړه - اوددى پورته

(۱) د جناب محمد فقير خان تره کې مقالې دى د کابل د مجلو په ۷۶-۷۷ گڼه کې وکتلى سى .

سره پخپل سر به ئې گنگوسي کاوه او دا گنگوسي په عين ددی کی چه بی معنی وه بیا هم دوی ته خواږه وده ولی چه ددوی د بدیعې اړتیا ئې سرته رسوله ، بیا هغه وخت چه ددوی ژبی استعداد مونده کی په معنی لرونکو اشعارو ئې پیل وکی - نو دادی چه په دی ډول شعراو ادب اوبه نتیجه کی داد بیا تواریخ اودا ادبی شاه کارونه څرگند سول .

نود دی غریزی په دستور سره پښتو ادبیات درلود او پښتانه دخوږ وادیپاتو خاوندان وه .

که څه هم موږ دا خبره د هغو وختو د ادبیاتو په نمونه او نښان سره نښتوبه ولای ز که چه د هغه وخت - ادبیات زموږ په لاس کی نسته او نه مونده کیږی .

داولی ؟

پورته مو وویل چه د ژبی اساس په څلور شیانو ولاړ دی او دا څلور شیان دی چه د ژبی مرسته کوی لکه د قوم استقلال د قوم ، سلطنت ، مذهبی شعائر ، مدنیت او معارف اوس موږ باید دا څلور شیان پیل پیل د پښتنو د احوال سره وگورو او ددی خبری علت مونده کو چه تر اسلام وړاندی ددوی دادیا تونښه ولی نسته او که سته تر څو عوامو لاندی راغلی دی چه موږ ئې نه وینو او ثبوت ئې نه سو کولای .

الف : د قوم استقلال :

پښتنو خو خپل قومی استقلال درلود - تر هر شی تیر سوی دی مگر خپل استقلال ئې خورا ټینګ ساتلی دی - هر کله چه د تاریخ ډانی سره اړه وو گورو چه پر پښتنو هچا بری نه دی موندلی او که ئې موندلی د زړه په چاودس څوړه سره له نقصانه بیرته تللی دی - هخامنشیانو (۵۵۰ - ۵۳۰ ق م) د هندو کش قطب ډډه ، بلوچستان ، سنده ، کابل او پېښور ونیو مگر

په لغمان ، کنړ ، نورستان او د سلیمان په غرو کی ئې تر پایه بری و نه موند - سکندر (۳۲۹ - ۳۲۷ ق م) هم چه هندوستان ته تی د پښتنو له لاسه ئې وینی په زړه کی وجی سوی - تر څو چه د دوی د لاسه په سوات کی ټپي (زخمی) سو . مغل هم که تیمور و که بابر او که د انور ، دوی (پښتنو) در په در کره تر پایه ئې د پښتنو د لاسه خوږه کوله (لقمه) په خوله نکړه که زه دا ټول بیان کوم نو پیل کتاب به سی فقط دغه یو عامل د دوی دخپلوا کی اود خپل د ملیت د گرانیت و دلیل ته پس دی چه د دوی ژبه تر اوسه میړه سوی نه ده او ژوندی پاته ده .

ب : سلطنت د قوم :

پښتنوته خو پخوا تر اسلام هېڅ کله د سلطنت و اړ نه دی رسیدلی اونه چیری دوی سلطنت کړیدی ز که په افغانستان کی د وظائف الملو کی قانون جاری و - هری علاقی خاڼه رئیس او مشر درلود کله به چه د باندنیو ملتو لکه هخامنشیان ، اسکندر ، یونانیان یا مغلو پر دوی هجوم راوی - تر یوه وخته پوری ئې به زنی ځایونی ونیول مگر کله به چه دوی د لمړی تر په و لویدل او پښتنو به واری مونده کی بیا به دخپل سر رسول - نوله دی کبله پښتنو ته تر اسلام وړاندی دیوی متحدی اداری وار لاس ته ده دی ورغلی په خپلو غرو کی ئې خپل ژوندون کاوه .

ج : مذهبی شعائر :

پښتنو دینی آثار هم نه درلود ز که د کفر او شرک په زمانه کی (دریم او دوو لقرن ق م) علمی او دینی ژبه د افغانستان سنسکرت وه خصوص په بنیر ، سوات ، دیر ، چترال ، مېمند ، تیرا ، جلال آباد ټول وادی دکابل او غزنی تر بلخه پوری امانه په صورت د محاوری او محلی ژبی .

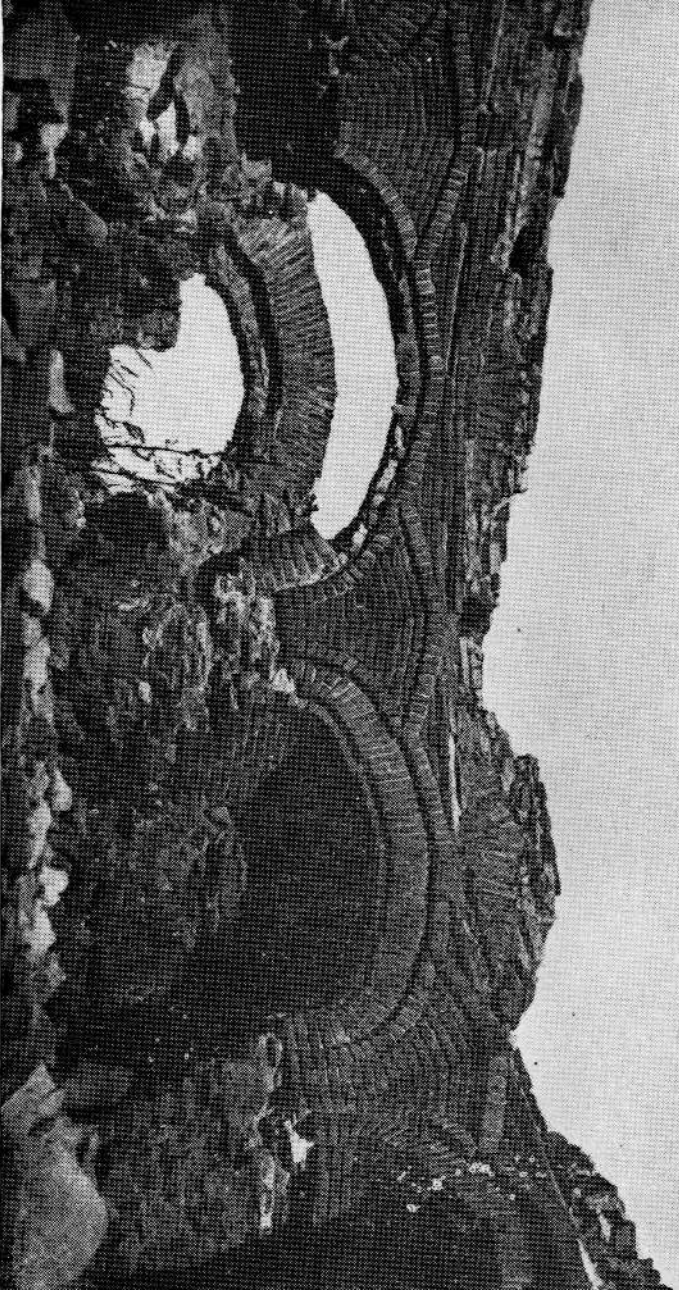
له بلی خواه د بلخ او گرد چاپیر د بلخ (۱۰۰۰ - ۵۰۰ ق م)
 او یستانی ژبه وه اریه قول شمال د هند و کش کی وینه کیده - اما
 هغه وخت چه د بزدا دین په افغانستان کی ننوت د زردشت دین ئی
 و بوست د سنسکرت ژبه مستقلة دینی او علمی ژبه سوه زکړه شه تحریر اولیک
 چه له بامیان څخه راوتلی دی د سنسکرت په ژبه دی - او د افغانستان ورستیو
 یونانی شاهانو او یو گیچیانو په خپلو سکوک کی د سنسکرت ژبه استعماله وه .
 دهخامنشیانو د غلبی په وخت کی (۵۵۰ - ۳۳۰ ق م) د ایران
 په قول شاهنشاهی کی زری فارسی (فرس قدیم) رسمیت درلود -
 وروسته له دهخامنشیانو د هند و کش قطب د دی ته رسمی اودرباری ژبه یونانی
 وه د ساسانیانو په زمانه کی پهلوی ژبی درسمیت مقام نیولی و - ترڅو
 چه د اسلام روښانه دین څرگند سواو د پاک خدای کلام په عربی ژبه راغی
 او د اسلام دینی او رسمی ژبه عربی سوه - که څه ئی هم د سامانیانو د زمانه
 څخه بیا تراوسه په افغانستان کی خپل رسمی زای واوسنی فارسی ته
 پریښود مگر په دینی او علمی صورت سره لکه پخوا په درنه سترگه ورته
 کتل کثیری نوزیات پردی چه پښتو مذهبی جنبه نه درلوده درسمی مقام
 واره هم تراوسه نه دی ور رسیدلی .

د : مدنیت او معارف :

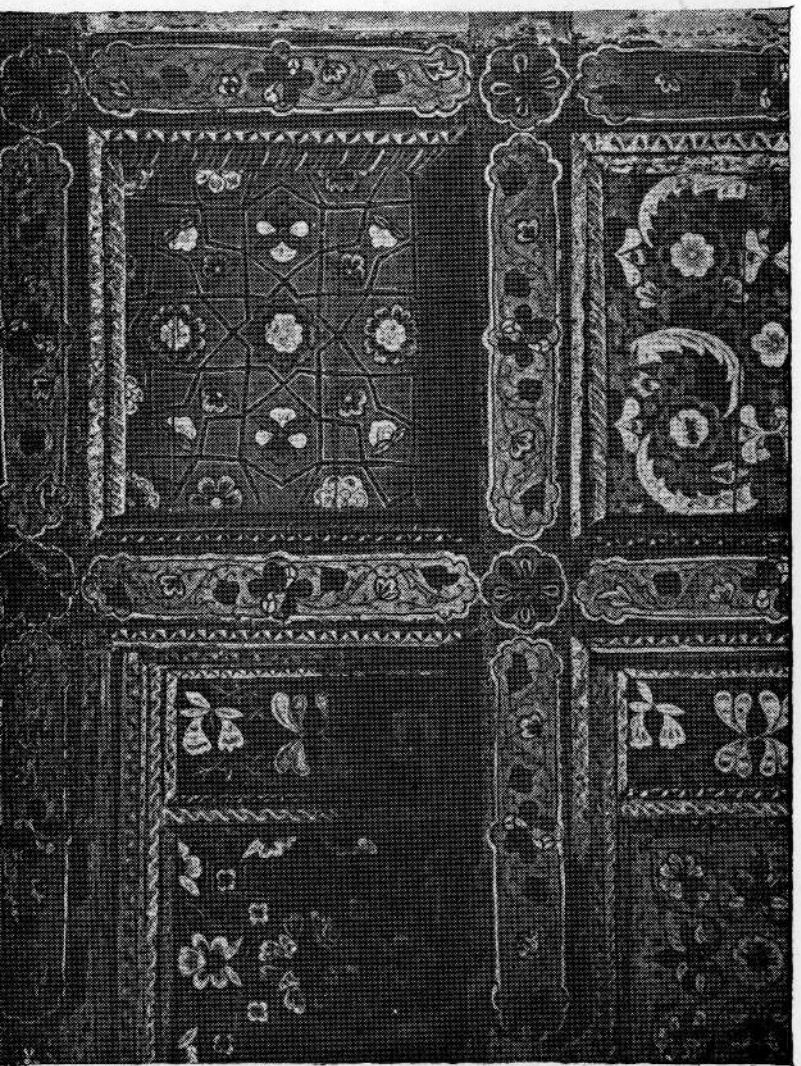
پښتو خومدنیت او معارف درلود مگر داچه په زرو زمانو کی ئی
 ددوی په نامه نسو موند لای یاد اچه ددوی معارف په پښتو ژبه کی نسته
 خو علتونه اوسیدونو ورته ټاکلی سوا موژ ددی جنبو (مدنیت ، معارف)
 بیل بیل څه بحث کوو .

الف : مدنیت : پښتانه د تاریخ په هره دوره کی د تمدن اوناام و نښان
 خاوندان وه هرکله چه دوی ترورستیو پیړیو پوری د افغانستان د بومی

از آثار تاریخی بلخ : یک حصه از خرابه های شهر قدیم
 Une partie des ruines de Balkh (Bactre)



از آثارتاریخی وطن : خرابه‌های قلعه نریمان در بلخ
Ruines d'une ancienne forteresse (Kala Naiman) à Balk(Bactre)



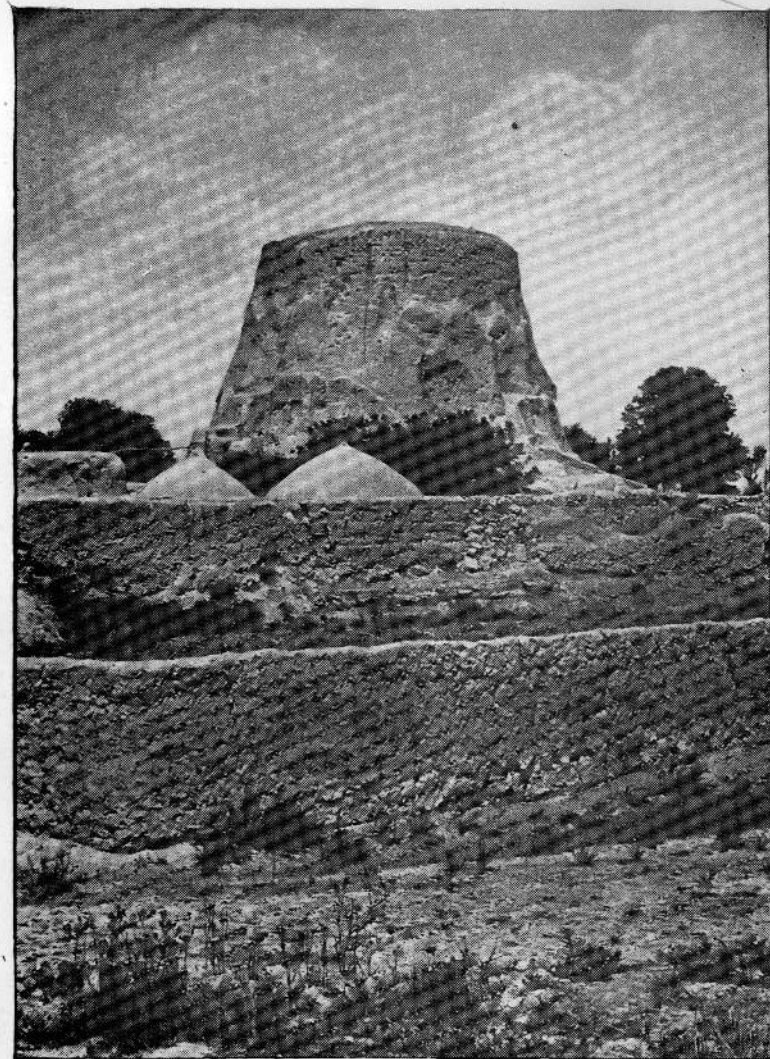
آثار تیس و تاریخی ولایت مزارشرف : نقاشی‌های یکی از معابد قدیمه شیرغان
Spécimen des dessins des anciens bâtimens de Chibirghhan
(Prov. de Mazar-i-Chérif)

د پښتو پر ادبیاتو یوه کتنه

سلاطینو او امراؤ تابع وه لکه غزنویان ، غوریان او نور او یا لکه چنگیز یان ، تیموریان او نود تاریخ په شهادت سره دا ټوله کورنی او یاد شاهان ددوی په توره او مهاغه بریالی سوی او زلاند مدینت ئی پری ایښی دی چه په ټولو هغه مدینتو کی فکر آ او عملاً د پښتنو تاثیر خرگند او ښکاره ریږی . مگر د پخوانیو تاریخو عموماً او د شرقی تاریخو خصوصاً دا عادت وه چه یوازی به ئی د کم مشهور سړی حالات لیکل د عسکری او ملکی تشکیلات ، سیاسی ، مدنی ، اقتصادی ، جغرافیائی حالات زراعت ، فلاح ، حتی د ملت د عمومی وضعیت به ئی هیڅ یاد او بحث نه کاوه .

یا په بل عبارت سره دیوه ملت تمدن به ئی د هغی کورنی مولود گانه چه پوهنه ملت یا قوم ئی حاکمیت او مشرتوب درلود . ټوله دی لامله د پخوانیو او مشر یو قرنو مدینت د پښتنو د هغه کورنی په نامه یاد سوی دی چه پردوی یاد شاهان او حاکمان وه له حال دادی چه په هغو ټولو کی د پښتنو نوم هم باید یاد سوی وای .

ب : معارف په پخوانی دنیا کی خوملیت او قومیت دونه اعتبار نه درلود هر څه چه و . مذهب و او هغی ژبی ته اعتبار وړ کول کیده چه مذهبی ارکان به په کښ لیکل کیده . او دادود په یوه قوم یا یوه ژبه کی نه و دنن روزی لوی او د تمدن خاوندان ملتونه او ژبی چه تاریخ ئی پخوانی حال راښئی هم په دی لومکه کی بندوه مثلاً د ایتالیا ، جرمني ، فرانسه روسی او انگریزی ملی ژبی چه نن روز ئی پر ټول جهان برم پروت دی خو پیږی پخوا داسی نه وی او نه ئی عام آثار درلود او نه عام لوستل ژبه کښ کیده هر څه چه وه په لاتینی ژبه کی چه ددوی دینی او مذهبی ژبه وه لیکل او لوستل کیده بلکله که چا به پخپله ملی ژبه کی څه ولیکل هغه ته به ئی په بد نظر کتل او رقبی به ئی باله مثلاً په څلور لسمه



از ابنیه تاریخی بلخ : خرابه ستوپه (کوناك) در غرب شهر قدیم
Stupa de Konak à Balkh (Bactre)

پيرى كې په ټول اروپا كېښ يوه رسمى اودليك ژبه بې له لاتيني ژبې نه ليدله كېده او ټول كېتابونه په هرباب كې چه وه دلاتين په خط اوژبه ليكل كېده او دادليك دنده (وظيفه) هم رهبانانو سرته رسوله - ډير كېتابونه ئې وليكل مگر د خپلې ملي ژبې په ژوند كې ئې هيڅ هاند (كوشش) نه و - داته لوى شاعر او اديب دايساليا چه خپله كېدى ئې په ملي ژبه وليكله ټولو خواصو ده ته په بدويلو پيل وكى كه څه هم عامو وگړو په ډيره مينه ومنله .

څنگه چه داروپا احوالو ، هغسې داسيا احوال هم و - مثلاً : تر اسلام ډراندې د افغانستان په شمالى خوا او ايران كې د زردشت دين و او ستارسمى او مذهبي ژبه بله كېده - بيا بودايت په افغانستان او هندوستان كې رواج سو - سنسكرت رسمى او مذهبي ژبه وگرزېده ترڅو چه د باطلوا ديا نو پر لځاى د اسلام پاك دين څرگند سو او د خداى كلام په عربى ژبه نازل سو - كه پښتون و كه بل څوك هاند ئې پردي كاوه چه عربى ژبه زده كى او تصنيف او تاليف ئې په عربى كى وى - او په همدغه سبب ترعر يو عجمو په عربى كې ډير خدمت وكى او ډير علما او فضلا په كېښ څرگند سول او تصنيفونه او تاليفونه ئې په كېښ وكړل او تراوسه ئې هم كوى ټلا د يوه بست په سو و سچه پښتانه شوولاي سو چه په عربى كى ئې په سو و كېتابونه ليكلي دي لځانته ئې مدرسي درلودى دهغو جمو څخه دى خطا بې اوسليمان احمد بن محمد چه معالم السنن او غريب الحديث اودنورو مصنف و - او ابوحاتم محمد بن حبان او نظام الدين ابو الفتح بستى وغيره . نو ډېورتيا بيان څخه دا نتيجه اخلو چه پښتو وړاندې تر اسلام او وروسته معارف درلو دمگر نه په پښتو ژبه - ډير پوهان په كېښ وه نه په پښتو كى .

زيات پردى دليلو چه پورته مود پښتو د پخوانيو اثار و د نېستى په باب كې وويل داهم د كې و خبرده چه وړاندې تر اسلام دا رسم الخط او حروف چه نن روز پښتو ژبه لرى او پر ليكله كېږى نه وه ضرور نور حروف او بل رسم الخط رواج در او د - نو كه څه اثار د هغو زمانو پاته وي ضرور به بله څېره لرى چه نن موږ نه په يوهيزو ښاڼي يو وخت د پښتون او لاد د حفرياتو په ذريعه ياد علم او د تحقيق په قوت سره د پښتو د پخوانيو اثارو په موندلو سره بريالى سى - خداى دى وكى .

يوه بله خبره هم بايد وگو او هغه داده چه داز موږ پورته ليك يوازي ددى لامله دى چه پخواه تر اسلام څه تحريري او كتبي اثار زموږ په لاس كى نسته اما هغه څه چه دوگړ و په سينو كى دى او پښت پر پښت موږ ته را رسيدلى دى ښاڼي له هغو اثار څخه وى چه پخواه تر اسلام وه او په لږ تغير سره ئې تر اوسه خپل موجوديت د عامو په سينو كى ساتلى دى او د يوه څخه وبل ته را نقل كېږى . تردى لځايه خو مود پښتو د ژبې څه پاشلى بيان و كى اوس نو پر خپل اصل مطلب چه د پښتو ادبيات دى څه څېړنه كو و او مقاله پاى ته رسو و كه خداى كول .

د ادب او ادبياتو پرفلسفه او معنى ډير وفلاسفه و او پوهانو ويل كې يدى او په سر علومو او فنونو ئې وېشلى دى كه موږ نور علوم او فنون چه تعريفه په ادبيا تو كى داخل دى زنى وباسو گور چه دارسطو په عقيدې سره څلرمه برخه د منطقي صنعتو چه « اپولتيك » يعنى د صنعتو قوانين ورته وائى او هغه شعر دى ، پاته كېږى .

شعر : د شعور څخه اخيستلى سوي دى او مطلب ئې هغه احساسات

جنگیا ليو او برياليو حالات چه پردوی تیر سوی دی موژته رازده کوی او په یادنی راولی او موژ ته د هغو بریالیو می و نو مونه رازده کوی چه د تاریخ څخه پټ پاته دی او تاریخ می یاده دی کړی .

هغه شی چه دالم غلمی زمانی دلاس څخه پاته دی او موژ ته ادبی او تاریخی سند بلل کیږی دغه عشقی او حماسی نقلونه دی چه له پیری پخوانی زمانی څخه موژ ته میراث پاته دی او نن روز می موژ خاوندان یو .

د انقلونه اورویات دونه زړه ته نژدی او مېچ او تاثیر راوړونکي اوشو را چوونکي دی چه ډیر نومه وړی (معروف) لیکونکی او رومان چیان هم نسی کولای چه په خپل اثرکی خوشخلف احساسات لکه عشق ، عفت ، غم او په عین هغه وخت کی ملی تور پالی توب او حماسه - او غوره اخلاقی اوفطری ښکړی وښی یائی ولیکی .

که څه هم د انقلونه اورویات دروایی اشعارو په ډله کی رازی غنائی او تمثیلی اشعار هم لری چه دلید ووردی او ډیر پاسته او زړه منونکی مظاهره د طبیعت یعنی عشق ، خوشحالیا او وصال په زړه ژوندی کوو نکو نارو سره څرگندوی او د انسانی نفیسه جذبات دشور په صورت سره لړزوی او خوشحالیا ورپینوی چه ډیر ما هر اوپوه کامیدی لیکونکی می پیني نه سی کولای - او کله په ډیر جذابت سره د ملی حماسی اولور و عرافو نمایندگی کوی او کله د جنگ مرگ ، داراوهول مناظر داسی رسم کوی چه ډیر غمیتلی او توانا تراژدی لیکونکی می هم نه سی رسولای . سره له دی بیا هم د طبیعت ډگر څخه نه دی وتلی او بنا می پر رښتیا او صحیحو واقعا توده پهلوانان می نه فرضی دی او نه وهمی بلکه واقعی او اصلی دی ، سی ، ای ییدولف انگلیس د دی ډول پښتو اشعارو صفت په دی

او عواطف دی چه د الفاظو په غالب کی څرگندیږی خواه هغه الفاظ وزن او قافیه ولری لکه دخوشحال خان او حمید منظور اشعار او خواه می و نه لری لکه نقلونه او نور منثور لیک - نو پردی اساس شعر دوی برخی لری (۱) نثر (۲) نظم یا په بل عبارت شعر هغه قیاسی ماده ده چه بیله قید څخه د وزن او قافی ، فکر متوجه او روح و ښوروی او دا دروح ښوریدل او حرکت به یاد لذت له کبله وی او یا به د نفرت له لامله - یعنی منطقی یا تعلیمی شعر هغه دی چه د مجسم کولو یا د ښیگر و او عیود څرگندولو په واسطه دویونکو په فکر وکی یوه مخصوصه ناقراری (هیجان) پیدا کی .

د پښتو نثر :

موژ دمخه هم وویل څنگه چه بشر په تصور او انقلاب کی دی الطاف اولغات هم چه شعرا و ویل دهغو زوکړی دی د بشر د فکری او اجتماعی تحولاتو په سبب گرزی او تحول کوی یا بل عبارت خپل ډول او بڼه اړوی نوموژ هم څرنگه چه د پښتو ادبیاتو تحول کړیدی په خوږ خو اوزمانو ویشو اولمړی د پښتو نثر څپر نه کوو :

د پښتو نثر دری لوی او غوره برخی لری (۱) قصصی (۲) تاریخی (۳) مذهبی .

قصصی :

د ډیرو پخوانو زمانو چه د پښتو نثر موژ ته را پاته او اوس می اړو او پیری په پیری دوگر و او خولو په ذریعه موژ ته را رسیدلی دی دغه عشقی او حماسی (رزمی او بزمی) نقلونه اورویات دی داغوره نقلونه او روایات زموږ د وطن او ژبی تاریخ او د نومه وړو مهمو او

د دې نفلو او روایاتو څخه څرگندېږي چې د پښتنو د اخلاقو او عواطفو او مهانۍ وراست وال بلل کېږي .

دهغو جملو څخه دفتح خان پریڅي ، ادم خان یوسفزی ، مومن خان ، خويداد ، ضریف : شاهو او توردلی او نور دی . (۱)
دافقلونه د دې پری پخواني زمانې دی چې زنی ئې پخواه تر اسلام هم گنلي سو که څه هم دا زموږ خبره د نقل د ظاهر و الفاظو څخه نه جوتهږي زکه هغه دینداری چې په پښتنو کې ده او هغه مینه چې و دی خپل پاک او مقدس اسلامي دین ته لری دیر خپل پخوانی او تاریخي شیان ئې اړولی او اسلامي زنگت ئې ورکړیدی لکه نومونه او واقعات او حوادث چې په دی نفلو کې یادسوی دی مگر بیا هم که څوک ښه ورته لڅیرسی داسی الفاظ او کلمات او واقعات په کښ موندلی سی چې د نقل پخوانیتوب او زمانه ئې تر اسلام وړاندی ونیې مثلاً : دهغو جملو څخه دفتح خان پریڅي نقل دی چې موږ څه خبره په کښ کو و .

فتح خان په خټه پریڅ و - او پریڅی دشرخبون د اولادی څخه دی چې شرخبون د څېړن نیکه زوی دی او د پیرو پښتنی قبائلو سلسله ده ته رسیږي . پریڅ داوسنی افغانستان په جنوبی سرحداتو اوها غاړه دهلمند اوریگ او دپیرواوک شاو خوا او په بست کی میشته دی په پخواه پیروی څه هندوستان ته تللی وه چې پاته سونکی ئې تر اوسه په پنجاب او د سرحد په صوبه کی سته .

بهر ایچ د بمبئی په صوبه کی تر اوسه یو شهر دی چې ددی قوم په نامه مشهور دی او ددی ملی نقل اساس دادی چې شپته تنه ددی قوم څخه

(۱) دافقلونه اکثره څښکه چې دوگر وپه سینو کی پراته دی زما همکار ورور محمد گل خان « نوری » ټول کړیدی امیند سته چې زردی چاپ سی .

ډول کوی : « دپښتو ادبیات یوازنی مظهر د احساساتو ، عواطفو تاریخ او اخلاق دپښتو دی - دا اشعار دونه طبیعی او مؤثر دی چې پراړویدونکی بی اختیاره اغیزه کوی مثلاً کله چې دجنگک بیان کوی دارویدونکی سترگی وبریږی او دخپل لځای څخه بیزایه سی او د جنگک حسیات ئې په ښور راسی - او په هغه لځای کی چې د عشق بیان کوی دارویدونکی پر عواطفو تردی حده اغیزه وکی او عواطف ئې دونه نری (رقیق) کی چې دزړه پرله پسې او سیلی ئې نمایندگی کوی زکه دونه لطیف او جنگیالی احساسات دهیچ قوم په زړه کی لکه دپښتنو لاندی او زوری ریشی نه دی زغلولی » :

دمشرق پیرو نقلچیا نو او نقل لیکو نکو لکه (لیلی او مجنون) او (فرهاد و شیرین) او (امیر حمزه) اونور لکه شاه نامه لیکو نکو نفلونه ویلی او لیکي دی مگر د واقعاتو په تصویر کی د طبیعت د ډگر څخه وتلی دی او داسی نفلونه ئې د لځان څخه جوړ کړی اورا ایستلی دی چې بلکل د انسانی فطرت څخه پورته او انسانی عقول او مدارک ئې نه منی او اعتبار نه ورکوی - اما د شه مرغه د پښتو د ژبی لمن له دی ادبی نقصان څخه پاکه ده . او هغه شیان په کښ دی چې د انسانی دغرائز و افطرت سره سم دی .

دا ډول نفلونه هم تتراری او هم نظم - نثر ئې دپهلوانانو او نومه ورو مهمو نفلونه او هغه حوادث دی چې پردوی تیرسوی دی او نظم هغه ناری دی چې دوومینو یادوو حریفانو یو بربل کړیدی (د نارو بیان به د نظم په قسمت کیوسی) دا ناری خورا تاثیر لری او دسړی د ونه ریږدوی . لنډه ئې پردی چې د پیرسوز ، عاشقانه احساسات ، غفت ، میانه تور یالی توب اوساده والی او نوری د پیری اخلاقی ښیگری دپښتنو

سوی وی او فتح خان واسلم خان سوی وی هم بښایي .
بل لځای وائی چه فتح خان دشمس الدین کافر سره چه
دهندوستان پادشاه و جنگ وکی - دهندوستان په پادشاهانو کی تاریخ
موزته دغه یوشمس الدین رابښی چه د قطب الدین ایبک دخوادگوا لبار
اویاد بدوان حاکم او دده د مرگه وروسته ددهلی پریادشاهی کښینوست
اول داچه شمس الدین کافر نه و - مسلمان و بیاموژشمس الدین پښتون
بولو او هیس پښتون دبل پښتانه سره څنگه چه د فتح خان اوشمس الدین
په متر کی تیرسوی دی نه کوی .

بله دا خبر ده څنگه چه تاریخ ښی دشمس الدین په زمانه کی بست
وران سوی و ، ودان نه و زکه اسلامی دائرة المعارف په خپل
اول جلد په ۸۰۵ مخ کی د بست کیفیت په دی خیر څرگند کړیدی :
« څنگه چه د بست د شاوخوا خاور و څخه معلومیږی یوزوړ مرکز
د مدنیت و - او په پخوا پیریو کی ئی خورا شهرت او لوئی اونور والی
حاصل کړی و - د عیسوی شپږم قرن په سر کی بست هفتا لیتا نو
(هفتا لیت ها) یا هیاطله ونیو اویانو شیروان زنی واخیست .

د اسلام په زمانه کی لمړی وار عبدالرحمن بن ثوره فتح کی بیایعقوب
لیث د صفاری کورنی موسس دخپلو جنگو په وخت کی بوکال په بست کی
تبرکی او په (۲۶۶ ۹۷۶ ع) سبکتگین فتح کی .

څنگه چه د بهرامشاه (د غزنویانو د کورنی) سلطنت علاوالدین جها نسوز
وران کی د بست دوری ئی هم وئیسئ - اویاته ئی د اتم (۸) قرن هجری په پای کی
(۱۴ قرن م) تیمور وران کی په دی اړ و دوړ کی یوازی د بست کلا (قلعه)
روغه پاته سوه او هغه هم په (۱۷۳۸ ع) کی نادرساه افشار قوله ډنگه کړه -
اوس یوازی دیوالونه ئی دهلمند در و دیر غاړه ښکاریدوی .

په پخوا زمانو کی دهند د نیولو دپاره تللی وه مشر ددی دلی فتح خان
داسلم خان زوی و چه خپله معشوقه « راییا » ئی هم د خان سره یولی وه .
کله چه دوی تله د بست څخه تللی دی زکه اصلی لځای ئی بست و
او ددوی د تنگ په وخت کی بست ودان او په ترقی کی و - اوددی
خبری ثبوت دا د نقل ناره کوی لکه چه وائی :

« که دوی دی ، کلا بست دروازی دوی دی

پریوه فتح خان وزی پردا بله ئی مور ، مورسوی ناری دی »

بل لځای په نقل کی وائی چه « د فتح خان پلار اسلم خان د کلا
بست پاچاو » ددی څخه دا جوته سوه چه د فتح خان اصلی لځای بست
او د تنگ په وخت کی ئی بست ودان و او دپادشاه یاد قوم د مشر لځای
هم هغه لځای وی چه ودان او ترقی و لری او په نهضت کی وی .

بل داچه په تاریخو کی موژ د اسلام په زمانه کی داسلم خان په نامه
یو پادشاه په بست کی نه سو موند لای - نو ضرور د فتح خان دیلار
پادشاهی په هغه زمانه کی وه چه په افغانستان کی طوائف الملوک
رواج وه - د طوائف الملوک زمانه څرگنده ده چه پخوا تر اسلام
وه یا د اسلام په لمړی قرن کی و د نوکه دا نقل پخوا تر اسلام یا د اسلام
په لمړی قرن کی وی ضرور د فتح خان او اسلم خان نومونه هم بل څه وه
ز که تاریخ پردی شاهد دی چه اسلام هر لځای وینوی سم دلاسه ئی
تبلیغ د اسلام شروع او د اسلام تبلیغ خو په تعلیم د قرآن عظیم الشان
اړه لرله نوله دی کبله په هر لځای کی چه اسلام او عرب داخل سوه
د عربو ادب او لغات هم یو لځای ورسره داخل سوه او دا طبیعی
اوخبرگنده ده چه د عربو ادب اولغت په نومو کی هم اغیزه درلوده -
نوکه د فتح خان او اسلم خان یا نور کسان چه په دی نقل کی اړه لری گرزولی

هلبرانټ (Hillebrandt) وائي په رگ وید کې راغلی دی چې په ارا کوشیا (قندهار) کې یوه قبیله میشته وه چې « واسو دیوا » نامی حکومت او پاچهي (پادشاهي) پرکوله او دی قندهاري قبیلې د دده د زوی « سوداس » نامی په مشر تو ب سره د فتو حاتو لمن تراندس د سنډ پوري و رسوله او د « سوداس » جنگي کار نامی د نقل پر ډول ویلي کېدی .

درگ وید په زمانه کې اریا لایه خط و کتابت اشنا نه وه نو ز که هغه واقعات چې د تاریخ وړ وه د نقل په جامه کې ویل کېده او ښائي چې دا قبیله پر یخ او دا زوی او پلار د پیړیو په تیریدو وروسته له اسلام څخه فتح خان او اسلم خان سوی دی - او څنگه موچه پورته وویل چې بهر ایچ یا بهر وچ تراوسه په هندوستان کې سته دوی (پر یخ) ورو ورو د پیړیو په تیریدو سره د پرو دی د علاقې څخه تیر سوی اوتر بهر وچ پوری را رسیدلی وی - (بهر وچ د سوات د بندر قطب ډی ته د بمبئی په علاقې کې یو ښهر دی) او د پرو دی او بهر یچ او پر یخ په منځ کې کلبی مشابهت او یو رنگ والی سته - او دا چې دا قبیله د قندهار وه موږ د شک څخه باسی او یقین ته موږ دی کوی چې د « واسو دیوا » او « سوداس » نقل دغه نقل دی چې د فتح خان او اسلم خان په نامه تراوسه یاد یږی .

او بل دا دلیل هم سته چې سرسوتی په رگ وید او هرا ووتی په اوستا کې راغلی دی چې د وایره یو نوم او مفهوم ئی د ارغنداب رود دی چې بستی ئی پر غاړه پروت دی او دا چې دوی شپيته کسه وه او د پاچهي سره چنگیدل هم دلیل پر دی چې دا نقل پخوا تر اسلام و ز که وروسته له اسلام څخه داسی واقعه هیڅ کله پیښه سوی نه ده

نوددی بیان څخه دا څرگنده سوه چې شمس الدین نه ، بلکه بل څوک و ، چې پخواه تر اسلام ئی په هندوستان کې سلطنت در او د او دا چې د کافر په نامه ئی یا د کړیدی صحیح معلو میږی ز که په هندوستان کې هغه وخت هندوانو پادشاهي کوله او نوم ئی چې دشمس الدین په نامه گرزیدلی دی سبب ئی هم هغه شی دی چې موږ پورته و ویل - او که فرض کو چې شمس الدین دغه شمس الدین دی چې وروسته له قطب الدین څخه پادشاه سوی دی نو د کافر په نامه ئی ولی پاله او بیا په هغه وخت کې بستی وړان سوی ویو داسی لځی چې د حکومت وروای نه و چې اسلم خان پادشاهي په کین کوله .

دا هم دویاو خبر ده چې ملی نقلونه او زوایات ضرور یو تاریخي اساس لری د خپلې گیلې څخه ئی څوک نسې جوړ ولای - مگر د پیړیو په تیریدو خپل وضعیت اړه وی واقعات دمبالغی په سبب په کین زیاتېږی یاد هیږیدو په سبب په کین کمیږی او څه رنگه چې الفاظ او لغات بدلیږی نومونه هم چې د الفاظو او لغاتو زوکیږی بدلیږی .

اوس له پاره ددی چې ددی ملی نقل او روایت په څیر یوه تاریخي واقعه موندنه کو او په تطبیق سره ئی د امعا حل کو باید تاریخونه و گورو - اما تاریخونه ز موږ درد دو ا کولای نه سی باید د تاریخ د زمانې څخه لوړ ولار سوز که د واقعه د تاریخ د زمانې څخه وړاندی ده که د تاریخ د زمانې وای تاریخ به هرو مرو لیکلی وه دروایت پر ډول به نه ویله کېده .

وړاندی د تاریخ څخه خویوازی رگ وید دی چې نن روز زنی پخوانی واقعات موږ ته راښئی او دا واقعات یا جغرافیائی حالات او بیان موږ ته ښه مرسته را کوی او ویا هم پر کیدای سی .

اودا چه په رگ ويدکي د قبيلې په نامه ياد سوي پردې دلالت کوي چه ددوي تعداد لږ و ز که په اراکو شياکي يوه قبيله نه وه ښايي چه په دوني پراخ ملک کي ډيري قبيلې وي .

د نړ پر قصصی اوروائی ادبياتو موخوڅه څير نه و کړه او ښايي داموهم تربوي اندازی ثبوت ته رسولی وي چه زمور قصصی اوروائی ادبيات د ډيرو پخوانيو زمانودې چه دخپلو و يونکو په ښو او دخپلو لويو او اوږدو غرو په منز کي ئي خپل لحن ساتلی او پيري په پيري په څه تغير سره ترموز ئي لحن رارسولی وي اوس به ددې برخي په د غونه بحث بس کو او د تاريخي نثر پراډيياتو به څه څير نه و کوکه خدای کول .

تاريخي :

تاريخي کتابونه خود ډيري پخواني زمانې زمور لاس ته نه دي راغلي اونه مونوم اريدلی دي که وي هم يا به د خارج په موزيمو او کتاب خانو کي وي يا به په غرو اور غو کي پټ پاته وي چه چاپ سوي نه دي - امري د تاريخ کتاب چه په پښتو کي موز ته معلوم دی د (سوات) تاريخ دی (۱۴۱۳ - ۱۴۲۴ م) چه شيخ مالی يوسف زی (دخپلي قبيلې مشراوصوات هم ده پخپله فتح کړیدی) ليکلی دی له شيخ مالی څخه وروسته خانجوانامي دده دمشرتوب پر لځای کېښوست او د خپل تېر په مشرتوب ومنل سو - هډوهم يو کتاب د سوات د نيو لو په باب کي و ليکي چه دا کتاب د حافظ رحمت د تاريخ مآخذ دی (۱۷۷۰ ع) د شيخ مالی کتاب د لندن په برتښ موزيم کي سته . نورداخند درويزه تاريخي کتابونه دي چه يو تذکرة الابراردی او افضل خان ختک په تاريخ مرصع کي دهغه نوم وړی دی ښايي چه د چا څخه وي - او بل ئي مخزن دی چه يو جلد قلمی ئي د معارف

د وزارت په عمومي کتابخانه کي وړم کال ماليدلی وښايي د نور چا څخه هم وی (دا کبير جلال الدين په زمانه کي ۱۵۴۲ - ۱۶۰ م) .

بل مشهور تاريخ په پښتو کي تاريخ مرصع دی چه افضل خان ختک د خوشحال خان ختک لمسی ليکلی دی - چه پتر م باب ئي په کدشن روه او کليد افغاني کي (راوړتی) نقل کړیدی او پوره نسخه ئي زما په گمان اوس نه مونده کيږي - اما يو وخت ماته جناب سرورخان « گویا » د ملا اغا د قندهار د پخواني نایب الحکومه (سردار محمد عثمانخان مرحوم) ورور دخولي ویلي وچه پوره او مکمل تاريخ مرصع دا کبير خان لعل پوری څخه و او ملا اغا پخپله ليدلی و .

بل تاريخي کتاب چه په پښتوليکلي سوي دی دراوړتی په قول سره تذکرة الملوك دی چه دراوړتی لاسته ورغلی دی او دسدوزو د حکومت په زمانه کي ليکلی سوي دی راوړتی ددی کتاب بيان په دی څير کوي : « په دی باب کي چه يو حقيقت زما لاس ته راغلی دی هغه د تذکرة الملوك تاريخ دی چه په شپږ سره او څلور پښتو نحو او اتو برخو کي ليکلی سوي دی چه اوس نه پيدا کيږي او زما په خيال يوه نسخه به ئي هم په افغانستان کي نه وي د دروبر خو څخه دوی برخي ددی کتاب هغه واقعات دی چه د احمد شاه د مرگ څخه وروسته پيښ سوي دي مگر ما خپل مطلب ددی کتاب دديباچي څخه پوره کي اوتذکرة الملوك په پښتو ليکلي سوي دی - دا کتاب يوه مقدمه او دوه اصله او يوه خاتمه لري ماخذ ئي دا کتابونه دي : تاريخ سلاطين سوريه، طبقات اکبری، مرآة الافغانیه، تاريخ شاهان صفويه، شاهجهان نامه، عالمگیری، تاريخ فرخ سيري، تاريخ محمد شاهي، نادر نامه، تاريخ احمد شاهي، رساله اکبر خادک » .

چه د خيرالبيان قلمي نسخه د (سرديني سن راس) مستشرق څخه سته .
بل فوائدالشريعه داخوند محمد قاسم دی چه په (۱۵۶۰ع - ۱۹۶۷هـ)
کي ليکلي سوی دی محمد قاسم په خټه پاڼني خيل دشوارو او داخند
در ويزه خيل دی او يوه برخه ئي راوړتي په کيلشن روه کي ليکلي دی .
بل د بابو جان کتاب دی چه داخند در ويزه و زمانې ته ئي دی
ليکلي سوی دی او بابو جان په خټه د بلورستان اوچديد الاسلام دی .
يوه برخه د کتاب ئي را وړتي په کيلشن روه کي نقل کړيده .

داوه غوره تاريخي کتابونه چه ماته معلوم وه او زيات پردی
چه دری سوه يا دوه سوه ياسل کاله پخوا ده يا کينته تر هغه ليکلي
سويدي په سو واوزرو دی چه د قولوليکل زموږ محدوده مقاله اجازه
نه را کوي او مادا راز کتابونه دلمړي کال په سالنامه کي څه ليکلي
دی که د چا تفصيل په کاروي هلته دی وگوري .

زيات پردی درو توگو (قصصی ، تاريخی ، مذهبی) اخلاقي او اجتماعي
کتابونه هم په پښتو کي ترچه اوليکلي سوی دی لکه کليله دمنه ترچه
د افضل خان خټک او د سمندي گلستان د عبدالقادر خان خټک ترچه او نور . . .

داو تر د پښتو چه پورته موخه څېړنه پروکړه اوس به نو د نظم
پر برخه هم څه وليکو چه د پښتو نظم د کمي زمانې او تر هغه لخوا به
چه زه معلومات لرم پرڅو پر خو ويشلي سوی دی :

نظم :

پښتو تر تر نظم د يرلري او اکثره اثار او کتابونه په نظم
کي ليکلي سوي تړني هم د نظم پر ډول دی چه داوس په اصطلاح
سره شعر مشور ورته ويل کيږي خصوص په پخواز مانو کي خو داشعر
مشور خورا رواج در لود څنگه چه په شعر کي دقافيي او وزن رعایت

په اوسني پېړي کي خود پر تاريخي کتابونه په پښتوليکلي سوی او ترچه
سوی دی د هغو جملو څخه تاريخ دافغانستان دی چه منشي احمد جان ليکلي
دی او تاريخ دسلطان محمود دی چه مواوي احمد ترچه کړيدي او نور .

مذهبي :

په هره زمانه کي چه تاريخي کتابونه موندلای سو مذهبي کتابونه
هم موندلای سو اوليکلي سوی دی له هغو جملو څخه دی مخزن الاسرار
او ارشاد الطالين او مخزن الاسلام داخند در ويزه - چه د مخزن الاسرار
يوه برخه راوړتي په کيلشن روه او کليد افغاني کي هم نقل کړيدلي
او قول ضروري اولمړي دينيه مسائل په دی کتابو کي په مشور نظم
ليکلي سوی دی اوزوی ئي هم ديلا د مخزن قول کړي او پر هغه ئي څه
زياتوب کړيدي او بل کتاب ئي په زمه د خلاصة البحر ليکلي دی او
يو بل زور شلیدلي کتاب چه سراو پای ئي نه معلوميږي او نه سته او تاريخ
لري زموږ په پښتو ټولنه کي سته ښائي د خلاصة البحر وی يا مخزن -
او يو بل زور کتاب هم په پښتو ټولنه کي سته چه سراو پای نه لري
او پاڼي ئي سره نوسويدي - مصنف ئي حسين نامي او داخوند در ويزه
په سبک ليکلي سويدي معلوميږي چه داخند در ويزه و زمانې ته ئي دی
او داخند در ويزه ديپروانو څخه وی (کله چه ماوخت وموند پوره
تحقيق به ئي وکړم او بيلوگرافي به ئي د کابل په مجله کي وليکم) .

نور د بازيد (۱) نامي کتابونه دی (۱۴ قرن م) چه د خورپان
او خيرالبيان په نامه ليکلي سوی دی جارچ مارکن سترن د فار وی
اوسيدونکي چه داسلوبه اکادمي کي دهند او ايراني ژبو پروفيسر دی
په شلم (۲۰) د دسمبر ۱۹۳۷ ئي په يوه مکتوب کي موږ ته ليکلي وه

(۱) د بازيد مفصل کيفت دی د ۱۳۱۴ په سالنامه کي وکتل سي .

داسی په زړه کی ټینگولای سی لکه چه انسان د هغه ملت په زړه کی ناست دی او خبر وی .»

د پښتو د شعر برخې :

هغه قول مسجع الفاظ او جملات چه په لحن او تغنی او اغلباً د ساز سره ویل کیږی هغوته پښتانه سندرې یا بدلی وائی داسندرې یا بدلی په خپل کور کښ په لاندی ڼو برخو ویشلی کیږی :

(۱) ناری یا ژغونه (۲) لنډی یا مصری (۳) نیمکی (۴) رباعی (۵) غزل (۶) چار بیتي (۷) لوبه (۸) داستان (۹) ستاینه (۱۰) داتپ ناری .

هر کله چه د پښتو د ادبیاتو په دی موضوع باندی تراوسه ښه بحث نه دی سوی او په دی لار کی قلم نا بلده دی - نو هر څوک چه په دی موضوع کی څه لیکي یا گړیږی د اجمال د غولی څخه به ونه وزی ولی چه د دغه پورته اقسامو څه داسی منطقی تعریف نه دی سوی او نه ژر ا میندسته چه و دی شی - بلکه د دوی امتیاز او توپیر یو تر بله د استقراء او تتبع په مهارت سره اړه لری او دا توپیر تراوسه پوری داسی دی لکه د شاتو ، گوری اونیاتو د خوند توپیر ، دا قول خوازه دی خو ځکونکی پوهیږی چه داشت دی او گوړه نه ده ، دغسی د سندرو دغه پورته اقسام هم یو تر بله په ذوق پوری اړه لری چاچه دغه نصوص ذوق د استقراء پر ډول حاصل کړی وی هغه پوهیږی چه دار باغی ده ، دا غزل دی دا لوبه ده او دا چار بیته .

کیږی همدارنگه دوی په خپل شرکی دقافی رعایت کناوه زه څو کرښی د هغه زاړه کتاب څخه چه حسین نامی لیکلی او په پښتو ټولنه کی سته اومائی پورته څه بیان وکی دنمونی پر ډول لیکم چه هغه دادی .

خراب خاطر م (می) تل د شاه پر لوردی - زه د شاه په ننداره یم - ز که دا بشر را څخه خوردی په وحدت کی شاه یودی د کثرت بازارئی لون لون جوړدی - په طلب کی ئی ژوند ون کړم دا طلب ئی پرتاپوردی - هر چه منکر شی له طلب - بی پوښتنی به دوزخ لره ورزی سزائی او ردی غافل مهدی ژوندی نه دی - دی په ژوند بندی دگوردی - هر څه و مرپه ژوند ئی - دلر مود مارانو باندی زوړدی عاشق ولیده په لحن کی داغافل - په غوژو کړ ، په سترگو کوردی - دحجت په اوردی دیزاومه پاخه شوه - دتایوڅه عجب کړ جوړدی - شاه به ووبنی حاضر ای طالب - که دی مخ د شاه پر لوردی - ای حسین ثبت پر کتل خلق یکسان کړ - که دښته (دښمن) دی که دی وروردی »

یعنی د پښتو ژبه په سبب دخپل ارت والی دشعراو طبعی والی ژبه ده چه هر راز مطلب په شعر کی راتلای سی او په پخوا د زمانو کی قول واقعات او سوالونه او جوابونه که دزمی وه که بزمن په شعر کی ویل کیده دار مستر چه تریوڅایه دپښتو په منز ذنوتلی اود پښتو دژبی حقیقت ورڅرگند سوی دی دا پورته مطلب په دی لاندی عبارت سره ادا کوی :

« پښتانه اخبار نه لری غزل د اخبار لځای ښولی دی - قول روز سره افکار او خیالات او واقعات په شعر کی ویل کیږی اوعمو خلکو ته رسیږی - د پښتو تاریخ د دوی داشعار وڅخه غونډیلای سی که څه هم دا تاریخ داروپائیانو د تاریخ څخه مخالفت ولری مگر یوبڼه عمومی فکر په نسبت د ذهنیت د پښتو سړی ته ورکوی او وقایع

اوژ دی یالندی وی یعنی دنا رو په منځ کی یو ډول و حدث سته اما
په خپل کور کی ټوله سره په یوه تله نه تللی کیږی .

(۲) لنډی یا مصری : دایو بل خاص ډول بیتونه دی چه د نازو
پر ډول هر بیت ئی بېله بېله لځته معنی او مدعا اری په دی کی هم
دویمه مصری تراول اوژده وی مگر دلته په دواړو مصریو کی د قافیې
شرط نسته او قافیه نه لری لکه :

چیر ته لندن چیرته چترال دی برنگی زورسود پرنگیان چترال اهزیننه
یا

جانان می سر په سنگر کښینود په تار د زلفوزه کفن ورله گندمه
یا

دغم دیوه را ته لگیشی : اندینو په بالیت خوب ورته کومه
یا

دزره صدف می هجران مات کی زکه په سترگو مر غلری تو یومه
یا

په تور وټوک ټوک را سی مینه چه پرهارونه دی گنهم خوله درکومه
یا

توری به نکړ و نو به څه کړو چه مو شیدی د پښتنی رو دلی دینه
یا

« ته پوه زما په غیږ کی ریږ دی هلته به څه کړی چه د تور و بر ښناسینه »
د پښتو په سند روکی دا نوع ډیر عام او شایع قسم دی ذر ،
شزی ، واړه ، غټ ، خوا ښده او ناخواښه ټول په لنډیو پوهیږی

سره له دی ټولوموز هاند کوو چه ددی پورته اقسامو په منځ کی
تر یوه حده پوری څه بیلو و ټکی حد او توپیر مونده کو چه د باندنی
پلټونکی تر څه حده په پوه سی .

(۱) ناری یا بز غونه : څنگه چه په نځر کی قصصی بر څه ډیر د
پخوانی ده اوناری هم په قصو کی و یلی کیږی او د قصو یو مهم او
غوره غږی شمیرل کیږی نو ناری هم د ډیری پخوانی زمانی یعنی
هغه زمانه موچه قصصی نثر ته مقرر کړیده ناروته ئی هم ټاکلی سو .

ناری عموماً د بیت پر ډول دوی مصری چه په پای کی یو نوع قافیه
هم لری دی مگر دامصری اغلباً د عروضی او زانو لاندی راتلای
نسی - اوداداسی پوښی دی لکه د یورپ د فن روزی ازاد شعرونه
که چاد فتح خان او کر می ، ادم خان و درخانی او موسی و گلمکی
قصی ارویدلی وی هغوی پوهیږی چه دا څه ډول شعر دی مثلاً :

که دوی د کلا بست در وازی دوی دی

په یوه فتح خان وزی پر دابله ئی د مور ، مورسری ناری دی
یا : - هر مرغه چه دانه اخلی څنگه ئی ریږ دی

چه اجل و ر باندی را سی لومه و اخلی دانه پر یږ دی
یا : - خوش کبار په کلی زی کچکول بانه کی

که خدای ورکړه شاه ترینه خوش کبار به دا کچکول دانه دانه کی
تاسی گوری چه په دی ناروکی دویم بند تر اول اوږ دی
او په لمړی نارو کی « دوی » او « ناری » د کلاسیک
شعر په لحاظ قافیه هم کیدلای نه سی - داسی ناری هم سته چه تردی

او ویلای ئی سی . په تو اولنډ یوکی د تقطیع او تللو په لحاظ هرنگی او هم آهنگی سته بی نظمې نه لری .

هو ! لنډی په وینا او لهجه کی د مناطقو په اعتبار ډیر زیات توپیر لری په تیرا ، پینور ، باجوړ تگداو ، وردک ، شلکور ، گر مسیر د قندهار او جنوبی کی په بیلو بیلو نعمو او لهجو ویلی کیژی مگر په دی و زنو کی اول تیرا والی اوبیا د پینور لنډی ډیری خوند وری او موثری دی اوزه افسوس کوم چه د قلم په څوکه دلنډ یووزن ښودلای نه سم - دادهغه آلی کاردی چه ژغ جذب کوی اویائی په برقی موجونو بیرته هوا ته ورکی .

زما په اټکل سره لنډی د ذرو څخه وروستی دی مگر بیا هم د ډیری پخوانی زمانی دی ز که لنډی د طبیعت زاده دی اوداخرگنده ده چه طبعی شی هرو مرو پخوانی او د ډیر وزمانو وی که موثری ډیر پخوانی توب خرگند او ثبوته ولای نسو مگر دوگر و په سینوا وخولو کی داسی لنډی سته چه خپل عمر زرکاله پخواه ښی لکه :

« چه د خالو لشکری را غلی زه به گومل ته د خپل یار دینن ام نه »

د پښتو ملی اشعار اکثراً د ښوواله خواه وی چه خپل یار ته ئی وائی - دلنډی هم هغی ښځئی ویلی ده چه مېړه یامین ئی د هندوستان د فتح دپاره تللی و - او معبرد گومل په پخواه زمانه کی د هندوستان اولار وه - ډیر فاتحان لکه سلطان محمود او تیموراو . . . د دی لاری هندوستان ته تللی دی - ملک خالود سلطان محمود په پاچهی کی ډیر لوی سردار او مشرد پښتو و ، چه د سلطان محمود سره د هندوستان د فتحی

له پاره تللی و - او خورشید جهان ، خصائل السعادت د سعادت تغان تورترین (طبع ۱۲۹۷ ه) دده نوم د سلطان محمود دلویو سردارانو په جمله کی لیکلی دی .

(۳) نیمکی : په نیمکیو کی دوه غوره اومهم عنصره دی یوه هغه جزء دی چه بیا بیا (مکرر) ویل کیژی هغه جزء ته سروائی ، بل په متر متر کی نوری نوری مصری ورلویژی ، دامصری چه په سرکی مستعملیژی تش په همدغه اعتبار سره ټیکي ورته وائی ، نوبه نیمکیو کی یوسردی اونوری ټیکي داسر ، دهری ټیکي سره اوږی را اوږی لکه :

« مایل که زه به درته ژارم ، آ ، وری لیلی سپاردی ، د مانه سرکی ، او ښکی ستا پرمخ رازینه . اخ وری لیلی سپار دی ، شمال لگیژی - ژپری پانی رزونه - آ ، وری لیلی سپاردی شمال لگیژی »
په دی پورته نیمکی سر فقط همدونه دی چه « آ ، وری لیلی سپار دی ، شمال لگیژی ، تنکی پانی خو زینه یا ژپری پانی رزونه »
باقی ورسره په متر متر کی ټیکي اوږی مثلاً په پورته مثال کی ټیکي داده :
« مایل که زه به درته ژارم - زمانه سرکی او ښکی ستا پرمخ رازینه »
قوله نیمکی په همدی یووزن او مقام نه دی بیل بیل و زنونه او نمونی لری مگر کلی قاعده ئی همداوه چه پورته وویلده سوه .

(۴) رباعی : د پښتو په ادب ام موسیقی کی رباعی په دغه عمر بی معنی نه ده چه دربعی څخه جوړه سویده او یا هغه شعر چه څلور مصری لری . بلکه په پښتو کښ بیله او ځانته معنی لری د پښتو رباعی لکه غزل د پښتو نه بیا تر پښتو او شلو پوری بیتونه لری دوی لمړی

بڼه د درې مصری او کله تردرو زیاتې وی دغزل او رباعی فرق په اکثرو لخوا کی خورا گران وی خصوصاً په هغو غزلو کوچه دوی مصری ولری .

د رباعی او غزل توپیر :

درباعی بیتونه ضرور دوی مصری والا وی او دغزل زیات هم کیدلای سی مثلاً :

« رڼا دعلم و عرفان — که وی فانوس ئی قران »
رنوی دواړه جهان — خالی لمبه واړه جهان لره سوختن دی »
جناب « خادم »

دا دغزل یو بنددی چه څلور مصری لری په دی څلوروی کی درې لمړی مصری ځانته قافیه لری او ورستنی مصری د مطلع سره موافقت کوی مطلع ئی داده :

« ستاره کرمه ئی تازه دزړه گلشن دی — شکاره کمال دی برقول وطن دی »
ولی هغه غزلونه چه دوی مصری والا دی هلته په خپل مخصوص آهنگ او طرز سره درباعی څخه بیژندل کیږی لکه دنو روز ، توکل میرا ، رمضان . خرم اوسید کمال سندری اکثره غزلی دی چه نمونه ددوو مصریو والا او څلور و مصریو والا داده :

آدوی مصری والا :

نن می رنر دیلانه دی چه کړیږم نه رغیږم
که وصال را باندی راسی دغچو پشان غوریږم

مصری چه مطلع ورته وائی په قافیه او ردیف کی موافقت لری اونور بیتونه په پای کی په قافیه او ردیف کښ سره یووی او توافقی لری — لمړی مصری ازادی او سیږی لکه درجن بابا او حمید اکثره سندرو ته رباعی ویلی کیږی پښتانه په خپل موسیقی قانون کی دا لازمه گڼی چه اول رباعی وویل سی وروسته غزل پرواخلي .

دا رباعی ده :

دا یو څرنگه ژوندون دی نیو هیږم
خواب وخیال دی که افسون دی نیو هیږم

جام د ميو چه دلجان په وینو مو موم
تروزلال که زگر خون دی نیو هیږم

د پتن او د بلبل تر میان حیرانم
مخ دی او ردی که گلگون دی نیو هیږم

په شاه سره دی تار دزلفو بیل شه
که غوڅ شوی می نارون دی نیو هیږم

عشق په هسی رنگ مقام باندی قائم کړم
چه وصال دی که بیلتون دی نیو هیږم

د خپل زړه دی علامت و ته حیران یم
چه موسی دی که قارون دی نیو هیږم

د «رحمان» سهره ئی ژیره زعفران کړه
خدای زده عشق دی که طاعون دی نیو هیږم

(ه) غزل : غزل زیات درباعی په څیروی ، مگر کله کله دغزل

از آثار نفیس و تاریخی هرات: قسمتی از نوشته جان حکاک از میناره های مصلی
Une partie des inscriptions d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

سالنامه « کابل »

دلیلا سینه باغچه ده رنگارنگ گلان په زانگی
زه بلبل دصبحدم یم د شبنم پر مخ پر بزم
دظالم رقیب دلایه بندی پروت په زولانه کی
خیل اشنا می راخبر کی صبا یا په دار زړه یم
دتهمت به خم کی رنگ سوم پاک به نه شم لکه زاغ
دصیقل طیب را بولی په رنگ روز په روز ژړه یم
زه میران بی څه پروا کم چه خیل یار لرم غمخوره
به دعا د فقیر نوا د بلبل په شان چو نیرم

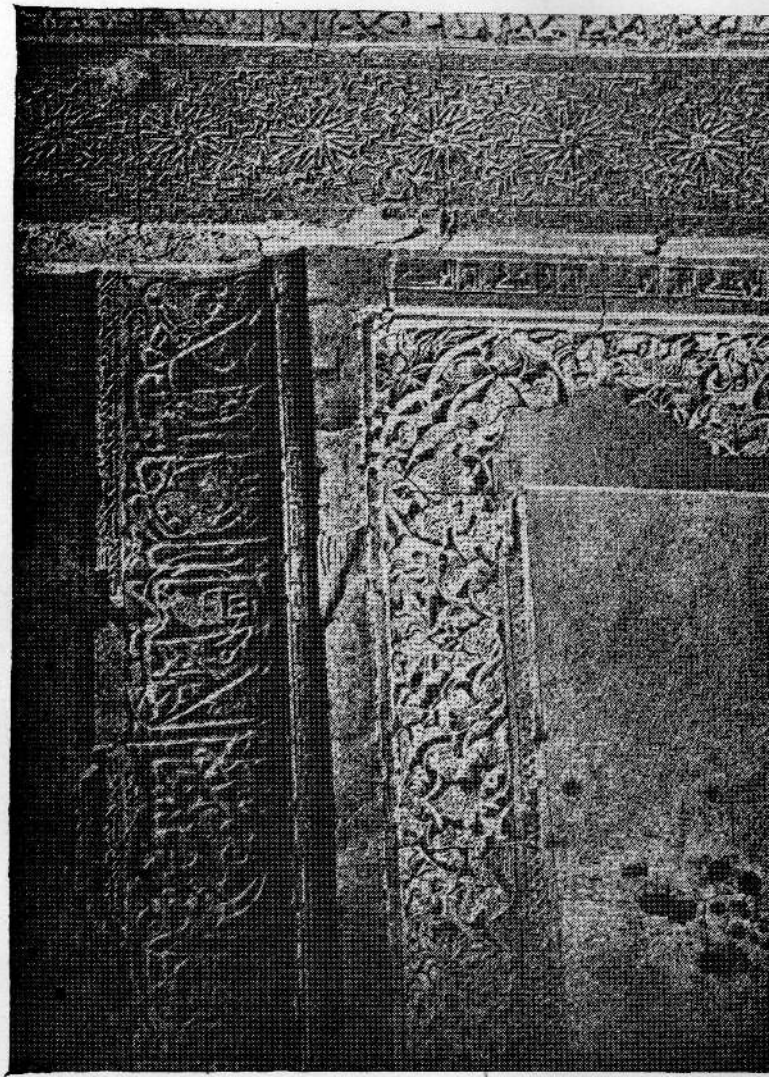
خلور مصری والا :

بی اعتباره ستا په در کی یم شر میژم کوه پر ما نظر صمه
کپ می ناصور په وینوسور کله رغیژم زخمی دزړه پر سر صمه
که وفا دار می زما یار می په زیر یو واری سم و گوره
په می ژپه پر منز دړه زما زړه لکه قلم و گوره
په زړه دزړور سینه تنور زما فریا دونه په هر دم و گوره
مریش یم شپه و روز و لیژم ته نه سکوی باور صمه
ولی و ماته سم نه گوری درب د پاره مر م در پی
ته بی پروا شاه شاهان غی دزړه وینه زه خورم در پی
هیچ دی طلب زما و نه کی شتاب شتاب لرم در پی
لکه بورا دگل پرمخ باندي چغیژم ناری می کال و سر صمه
د عشق له تاوه می ناری زی تر دهانه داخه کانی راوسوی پما
خبر می ولاړی تر دیرو و تر ملتانه داخه کانی راوسوی پما



از آثار نفیس و تاریخی هرات : حصه تختانی یکی از مینارهای مصلی
La base d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

نمونه حجاری قدیم افغانستان : لوح مزار سلطان غیاث الدین غوری در هرات
Specimen de l'ancienne sculpture d'Afghanistan : La dalle du tombeau de sultan
Ghiassud-Din Ghouri à Hérat



دی - هغه ادبیات چې د عربي داد بیا تو څخه متاثر سوي او د عربي دادیاتو اوزان او اصول ئی منلي دی بله ځانته برخه ده چې دیوی یا کلي زماني څخه شروع سوي دی په دی پورته حساب کی نه شمیرل کیږی چه موثر به ئی کښته بیان و کو .

ددی ملی اشعار وشاعران ډیری ناخوانه وه یا اکثرهغه کسان وه چه دښار والو سره ئی دونه تگک اوراتگک نه درلود اود عربي او عجمو په عروض چندان نه پوهیدل اودا اقسام موچه پورته وښودل ضرور پخواه ترهغه وه چه دپښتو شعر د عربي عروض مانه - نو په دی حساب څه رنگه چه انسان دری مرحلی د کوچنی والی او زوانی اوزر توب لری د پښتو ادبیات هم په درو دور وبادر وزمانو ویشلی سو په دی ډول : څنگه چه دباندنی عوامل ، تاثیر د محیط او وضعیت د ټولنی (اجتماع) دانسان پر نفسیه احوال ، فکر او جذباتو اغیزه کوی او تل بشر په تحول او تطور کی وی - شعر و ادب هم چه دانسان د افکارو او احساساتو استازی بلل کیږی ددی تحول او تطور څخه خلاص نه وی تل خپله بڼه او ډول بدلولی او د محیط رنگ اخلی نو د پښتو ادبیاتو هم په مختلفو زمانو کی د تحول قبول کړی اودی تحول ته موثر دری تعبیره کولی سو (۱) طبیعی ادبیات یا پخوانی زمانه (۲) نیم مصنوعی ادبیات یا منزوی زمانه (۳) مصنوعی ادبیات یا وروستی زمانه . .

طبیعی ادبیات یا پخوانی زمانه خود هغی زماني ادبیات دی چه پخواه تراسلام او بیا د اسلام د دریم قرن پوری رواج وه او پښتو په خپلو لوړو غرو کی ویل - صنعت بری نه دی پرموندلی لکه قصصی برخه

د نثر اولندی او دانور زنی اقسام د نظم چه مایورته یاد کړه . نیم مصنوعی ادبیات یا منزوی زمانه : د دریم قرن هجری یا په بل عبارت د سلطان محمود د زماني څخه شروع کیږی او تر شاه جهان او اورنگ زیب تر زماني چه د مصنوعی ادبیاتو پلار خوشحال خان خټک نبوغ کاوه رارسیدی که څه هم دا کبر جلال الدین اونیور و مغلو په زمانه کی زنی شعرا وه چه عروضی او مصنوعی شعری وایه اودیوانونه ئی درلود لکه دولت ، ارزانی او . . . بیا هم هغوا شعراوته پوره مصنوعی نه سو ویلای .

د نیم مصنوعی دادیاتو د شروع سبب خو په دی خیر تعبیر کولی سو چه د سلطان محمود د زماني څخه د طوائف الملوکی کبله ټوله سوه - علم و ادب دوی عام سو چه غره او سمی ته ورسیده پښتانه د سلطنت په اوضاع و پوهیدل دپا د شاه په دربار کی لکه « ارسلان حاجب » د لویو منصبو خاوندان سوه فتوحات ئی و کړه اودیوه ملک څخه ئی و بل ملک ته لښتگ و ئی . دهغه دربار نثر دیکت او معاشرت چه باید د علم و ادب (فارسی ، عربي) دربار ورته و وایو پر دوی هم اغیزه و کړه - معاشرت او ژوندون ئی د خاص مدنیت په غولی کی داخل سو - د عربي او عجمو ادبیات ددوی پر ادبیاتو تاثیر وکی او ورسره گډه سوه او ورو ورو ئی خپل عمل په کښ کاوه تر هغو چه شعرا و د عربي او عجمو عروض و مانه او بیخي تر دی تاثیر لاندی راغله د دی سبک د شعراو مشر خوشحال خان خټک دی

سوک استعمال کی اوڅپل استقلال وټانی نوودی خبری ته امر سول چه په داسی ژبه دوی په دی مطلب پوه کی چه پردوی اغیزه وکی او تاثیر ولری نوهغه ژبه خو د شعر وادب ژبه وه او ددی میدان پهلوان خوشحال خان وچه شعری هم زده وعلم وفضل ئی په فارسی او عربی او هندی کی هم درلود - دده خو یو داخیال وچه دټولو ژبو د ادبیاتو ښه والی اومزیت په پښتو کی ټول کی او پښتو د فارسی (چه په دی وخت کی عروج درلود اومغلو غوښتل چه عامه سی) په مخ کی ودروی اوبل ئی دا غوښتل چه ټول ټول اورنگ رنگ فلسفی ، اجتماعی ، سیاسی ، عشقی اوحاسی او . . . مضامینو سره د پښتو حسابات لوړکی - نو عروضا یی په بل عبارت مصنوعی ادبیاتو ته ئی نهضت ورکی اولوری درجی ته ئی ورساوه چه نن روز دعروضی یامصنوعی ادبیاتو پلار بلل کیژی .

وروسته له خوشحال خان خټک په دی وروستنی زمانه یامصنوعی ادبیاتو کی داسی اورژی شعرا اودیبان څرگند سول چه دپښتو د شعر مرتبه ئی اسمان ته ورسوله .

دپښتو دشعرا ، اودپښتو دادبیاتو مفصل بیان او نمونی ئی خو بیل بیان دی چه دسړکال په دی مقاله کی زیات تردی لځای نلری که ژوندی وم ښائی دا تاریخچه بشپړه کم او که نه وم یا وخت په لاس رانغی بل دپښتون زوی به په دی لار کی زیاروباسی اوزمانیمگری ارمانونه به سرته ورسوی او دخیلی ملی ژبی مزیت به څرگند اوتاریخ به ئی بشپړکی که خدای کول .

چه تفصیل ئی آینده ته پریږدو .

د نیم مصنوعی ادبیاتو نمونه هغه داڅند درويزه اوبازید او حسین او بابو جان او نور چه مائی پورته څه څه بیان وکی گڼلی سو .

داهم باید و وایو چه د عربو او عجمو د عروض تر تاثیر لاندی هغه شعرا ډیر راغله چه یائی په عربی اوفارسی علومو کی بلدیت درلود یا ښه پورته نثر دی او د دربار تر تاثیر لاندی وه او هغه چه طبیعی شاعران او په خپلو غرو کی استبدل یا ناخوانه وه په هغو خپلو ملی قواعد و سره ئی اشعار ویل او تراوسه ئی وائی .

مصنوعی ادبیات یا وروستنی زمانه : هغه اشعار دی چه دعروض او قافیی په زنجیر تړلی سوی اود عربو او عجمو او هنديو د مصنوعی ادبیاتو تر تاثیر لاندی راغلی دی - که څه هم په دی مصنوعی شعر کی دینی او اخلاقی مضمونونه ډیر سته مگر عاشقانه اشعار ئی تر نور و مضمونو ډیر دی او د پیدایښت سبب ئی مایورته و وایه مگر د نهضت او ترقی سبب ئی دادی :

مغلو د دهلی تخت د پښتو څخه ونيو او دپښتو وبادشاهی ته ئی په دهلی کی ځانته ورکړه نو دوی او پښتانه سره بدوړده سول او هم مغلو روز په درز تیری کاوه او غوښتل ئی چه د خپلی استعمار طلبی تنده د پښتو په نیولو سره ماته کی .

له بلی خوا دپښتو مشران اوبوه چه ددوی په مطلب پوهیدل غوښتل ئی چه خپل قوم و ښی کی اودمغلو په مخ کی ئی لکه د پولو دو

مسکوکات افغانستان

قبل الاسلام

نگارش جناب احمد علی خان کپزاد
مدیر شعبه تالیف و ترجمه انجمن

این پارچه‌های فلزات طلائی - نقره‌ای - مسی که دست‌بدست می‌گردد و بنام « پول » یاد میشود اگرچه بالذات به هیچ درد نمی‌خورد ولی اسباب رفع تمام احتیاجات و حوایج بشری است و در عالم مادیات امروز بدرجه صاحب اقتدار است که تمام قوای دیگر را تحت الشعاع خود گرفته است . این پول که در حیات بشر چنین رول مهمی را بازی میکند اول بصورت عمومی دارای تاریخچه مفصل و باز انواع و اقسام آن در دنیا و حتی در يك مملکت و يك شهر بواسطه مرور زمان بدرجه زیاد است که تحقیق آن علم مخصوصی شده و یکدسته علمای معینی بنام « سکه شناسان » در اطراف آن مطالعه و تدقیق مینمایند . مسکوکات برای روشن کردن و قایع گذشته تاریخی یکی از بهترین منابع موثق است و هر جائی که زبان تاریخ خاموش و از کتیبه های سنگی و غیره منابع اثری نیست بدان متمسک شده و بجائی رسیده‌اند . مسکو کات هر دوره و هر مملکت بعلم اینکه اول يك چیز فلزی است و باز در نوع و زمان خود به تعداد زیاد در دسترس عموم بود با اینکه آن دوره و آن عصر باتمام موجودیت و اثار خود ازین رفته باشد این پارچه های فلزی که باتمام معنی نماینده صادق آن دوره و قوم و جامعه

مآخذ او مدارك می په دی مقاله کی دا کتاپونه دی .

- (۱) سخندان فارس تالیف د مولینا محمد حسین آ زاد
- (۲) تاریخ ادبیات ایران تالیف د میرزا جلال الدین همائی
- (۳) دیولهم گيگر المانی د فقه اللغة رساله (۱۱) (۱۸۹۳ ع)
- (۴) د دارمستر کتاب (شان یو یو لیر دیر فغان

Chants populaires des afghans

(۵) د راوړتی دگر امر مقدمه

Grammar of phustu by Raverty

(۶) د هندوستان وژ بوته کتنه مؤلف ابراهام کریر سن

Linguistic survey of India

(۷) د کابل سالنامی او نمبر ۷۱ - ۷۶ - ۷۷ مجلی

(۸) د طلوع افغان د - دیر اسم کال کلهکسیون

(۹) د جناب قیام الدینخان « خادم » زنی یاد داشتونه

(۱۰) زنی پاشلی نو ټوټه د متفرقو کتابو څخه



(۱) د جناب رحمت الله خان لېوال (دبانك ملی ترجمان) څخه

تشکر کوم چه زماسره ئی د جرمني ژبی په ترجمه کی مرسته کړیده .

(۲) دا ه چه په سنسکرت کی معمول ده نه وه آبله « ه » چه لاندی

چه و او غواړی په کښ ترتیب سوه لوستونکی دی د سنسکرت ه وگنی

غیر است وجود نداشته بعد از اینکه انسان وارد مرحله حیات اجتماعی شد وضعیت تغییر کرد، احتیاجات زیاد شد و چون یک نفر به تنهایی تمام احتیاجات خود را رفع نمیتوانست مجبور شد که یک حصه حوائج حیاتی خود را ذریعه دیگران فراهم کند. این وضعیت باعث شد که «عامل» یا «واسطه» پیدا شود که ذریعه آن «کک دیگران» بدست آید. به اساس همین نظریه قبل از ظهور «پول» در تمام ممالک روی زمین «کک دیگران» یا «ماحصل زحمت دیگران» به جنس حاصل میشد یعنی جنس به جنس تبدیل میگردد چنانچه وحشیان اوقافوسیه و آمریکای شمالی و افریقا هنوز هم ما به الاحتیاج خود را به جنس میخرند و جنس را به جنس تبدیل میکنند. قرار تحقیقاتیکه نموده اند بعد از این مرحله ابتدائی در ممالک آسیای غربی و اراضی کنارسواحل بحرالروم که افغانستان و هند هم جزء آن باشد خریداشیا بیشتر با تبادل حیوانات بعمل می آمد چنانچه یادگار این معامله هنوز در بعضی السنه آریائی مانده و از روی کلمه پول (Pecunia پکونیا) در زبان لاتین (fee یا ieh فیه یافیه) در جرمنی (روپیه) در سانسکریت که همه در اوائل به معنی (حیوان) بود حقیقت این نظریه معلوم میشود.

اهالی ممالکیکه به ساحل دریاقریب بودند (پارچه های نمک) و (صدف دریائی) را به سائر اشیا تبدیل میکردند چنانچه قبل از عهد مسیح این صدف به بنام (Cypraea سیپره آ) و (Cauris کورس) در شرق اقصی خیلی رواج داشت و در بعضی نقاط افریقا هنوز هم از بین نرفته است. وقتیکه فلزات وارد میدان مبادله شد قبل از اینکه برنگ سکه حقیقی درآیند مراتب مختلف را یمو دهند.

بوده از بین نرفته و امکان ندارد که از میان گرد و خاک و خرابه های آن نقطه مجهول یکدانه، دودانه پیدانشود و چون در مسکوکات تمام اعصار عوامل دینی و زبانی - رسم الخط - طرزلباس - اسم و صورت شاه سنه - محل ضرب - بعضی اوقات اسلحه و حیوانات و دیگر چیزها بضرر رسیده یک دانه و دو دانه سکه باز بان فصیح بسیار چیزهای مهم آن دوره را معلومات میدهد و همین که یکبار سر رشته بدست آمد و یک اندازه معلومات اساسی جمع شد از روی سکه های مختلف یک پادشاه و یک شهر و یک محل و باز از روی مقایسه مسکوکات مختلف چندین شاه تمام وقایع یک عصر طولانی را میتوان روشن ساخت.

پس اگر مدققین اروپائی امروز در اطراف مسکوکات تدقیق میکنند و علمای مخصوصی حیات خود را در پالش و کولکسیون آنها صرف مینمایند حق دارند، زحمت آنها به هدر نمی رود، سکو کات در حقیقت اوراق فلزی کتاب تاریخی است که شیرازه آن از هم گسیخته و سر سر حوادث روزگار آنها را بهر طرف پریشان ساخته است. برای اینکه این کتاب مطالعه و ازان استفاده شود اول در جمع آوری و ترتیب اوراق آن باید زحمت کشید.

پول چه وقت به میان آمد؟ - سکه چه وقت اختراع شد؟ علت ظهور آن چه بود؟ جواب این مسائل و امثال آن با سرب ارباب تدریجی تکامل بشر هم دوش است و انسان تازمانی که بحالت انفرادی می زیست چون احتیاجات ابتدائی خود را خودش رفع میکرد، و موضوع کک اجتماعی در میان نبود بناء علیه پول هم که اسباب و واسطه تحصیل کک

کارسکه رامیداد گفته میتوانیم که بنوع خودش قدیمترین پولی بود که انسان در سواحل بحر الروم آسیای غربی می شناخت حتماً اهالی قدیم افغانستان ماهم این نوع مسکوکات داشتند .

نا گفته نماند که نزد تمام ملل مفکوره معیار تبادل فلزات بهین اساس روی کار نیامده است بلکه اوائل آن در بعضی جاها طور دیگر هم بوده و اوائل قضیه مسکوکات آنها به مبادله اشیا و اوزار فلزی شروع شده است . چنانچه در شرق افغانستان در مملکت پهن و رچین واحد معیار مبادله (کارد) و در امریکا (تبر نقره بود .)

از سکوکات حلقه ئی که فوقاً متذکر شدیم حین حفاریات آسیای غربی بسیار پیدا شده چنانچه « دو مرگان » سکه شناس معروف و فقید فرانسه در ۱۸۸۹ از قبرستان قدیم ارمنستان روس به تعداد زیاد کشف کرده و قرار گرفته خودش چون فلز حلقه های مذکور از آسوری آمده تقسیمات خورد و کلان آن نهم از نقطه نظر وزن به اصول همان مملکت شده است . هکذا ازین قبیل مسکوکات چه طلا و چه نقره و چه مس از تهداب معابد سوز هم بسیار بدست آمده و قراریکه « موسیو موریس برارو » ۷۷ حلقه طلارا وزن نموده وزن آنها از یکدیگر مختلف و اختلاف آن بین ۶۵ گرام و ۴۵۰ گرام تفاوت میکند . این مسکوکات بشکل انگشتی میباشد که حلقه آن بسته نشده و قطر آن ۱۵ میلیمتر میباشد .

پس گفته میتوانیم که در ۲ هزار ق - یعنی عصری که تاریخ این معابد را به آن نسبت میدهند در سوز و اراضی فقار یعنی نقاط

در مصر در عصر فراغه که سکه وجود داشت تمام فلزات از قبیل طلا الکترم - نقره - مس - سرب و آهن در مبادله استعمال میشد چنانچه تصاویر مصری پارچه های فلزات را بصورت ضمیمی طوریکه از معدن می برآمد یا بشکل گرد درخیزه های کوچک ، یا بصورت پارچه و خشت و میله و غیره اشکالی که عملیات ذوب به آن میداد نشان میداد و فلز هر شکلی که داشت معیار آن از روی وزن با ترازوی کوچکی سنجیده میشد و چون برای خریداری یک چیز هر دفعه مجبور میشدند که برابر ارزش آن چیز فلز بدهند کسج های آن را میسایند و می بریدند و آخر اشکال این کار ایشان را مجبور کرد که مقطوعه های فلزی به اوزان معین بسازند .

پس آن ترمصری ها حلقه های فلزی از طلا و نقره ایجاد کردند که آن را « Outen » او تن میگویند و یک دانه آن به ده « Kat » کت تقسیم میشود و وزن یک دانه آن ۷۲ ر ۵ گرام بود این حلقه ها بعبارت دیگر یک نوع « سکه حلقه ئی » مدوری بود .

همچنان گلدانی ها و عیلا می هاهم این مراتب را پیموده و به تدریج آنها هم دارای پول های حلقه ئی شده اند . اهالی کلد و عیلام در میان اسبائی ها از همه اول تر فلزات را شناخته اند و واحد فلزی آنها که کار سکه را میداد (مین mine) نام داشت و آن دو نوع بود « مین بزرگ » و « مین کوچک » اولی ۱۰۱۰ گرام و دومی منصفه آن ۵۰۵ گرام وزن داشت و به اصول ۶ در ۶ به ۶۰ سیکل sicle خورد و کلان تقسیم میشد .

مسکوکات حلقه ئی که اول در مصر و بعد نزد کلدانی ها و عیلامیها رواج یافته بود اگر چه دارای علائم اعتبار ضمانت نبود معذالک چون

که وزن آن ها از ۸۲۰ ر. ۱۰ تا ۲۵۵ ر. ۱۴ گرام فرق میکند و برطبق «استاترس» Stateres « بابلی ها و فبقی ها تقسیمات دارد .

این مسکوکات مقطوعه از روی شکل ، غیر منظم و مختلف و عموماً مایل به گردی و لوزی است . یکطرف آن عموماً رده رده علامت ضرب روی سندان و طرف دیگر آن نشانی هائی که با قلم و چکش نموده اند معلوم میشود . بعضی های دیگر یکطرفش چقرور و غیر منظم و طرف دیگر آن دو رو باد بحال دوش معلوم میشود .

در عصر کروزوس «Croesus» یا د شاه دیگر «لیدی» که بین ۵۵۴-۵۶۸ ق م سلطنت نموده سکه یکقدم دیگر پیش گذاشته و دارای خواص صنعتی گردید چنانچه روی راسته فلز مقطوعه نیم مقابل بدن شیر و کاهو بروی هم و طرف دیگر دومربع چقرور معلوم میشود .

اگر چه هخامنشی ها بعد از فتح آسیای صغیر سکه را شناختند معذالک در زمانه هائی که مقررین باولین تصادف آنها با غرب آسیا بود خود شان سکه نزدند قرار گفته «هرو دت» داریوش اول پسر «هشتاسپ» در میان ایشان سکه رارواج داد .

چون روابط تجارتنی یونانی ها با سواحلی آسیائی خصوصاً بالیدی های آسیای صغیر مخترع او این فلزات مقطوعه نشانی نشده زیاد بود این عمل در زمان آنها هم رواج یافت و چون قوم تجارت پیشه بودند به دادوستد احتیاج زیاد داشتند قبل از هخامنشی ها به ضرب فلزات پرداختند و هر ولایت و شهر یونان به حساب و اوزان خود سکه هائی بمیان آورد و چون هخامنشی ها که درین وقت در غرب آسیا حاکمیت

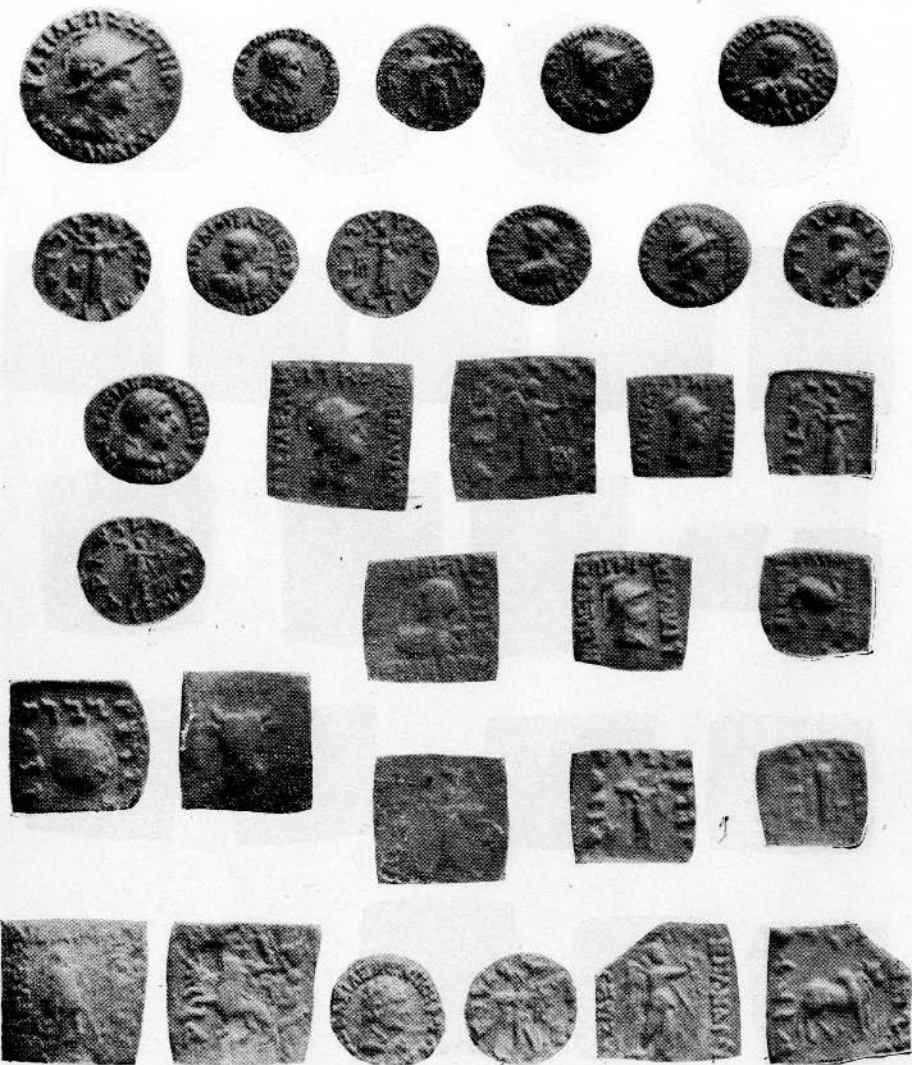
غربی آسیا فلزات بصورت حلقه در آورده شده بود تا داد و ستد و مبادله آن با اجناس آسان باشد ولی هنوز هم کنار پول را نداده رول جنس را بازی میکرد بصورت جنس تبادل میشد .

بعد چون دامنه زندگانی اجتماعی وسعت پیدا کرد و با آن دایره احتیاجات هم وسیع تر گردید معاملات مبادله و خرید و فروش بیشتر گردیده تجارت هم روی کنار آمد و در نتیجه ، دست بدست گردیدن فلزات هم بیشتر شد . درین وقت برای اینکه از تقلب جلوگیری بعمل آمده باشد و تقلب نه از نقطه نظر وزن بلکه از لحاظ معیار صافی فلز جلوگیری شود قواهای اجتماعی آنوقت و یا سوداگر خانه ها ب فکر افتادند تا پارچه ای فلز را نشانی کنند چنانچه با قلم و چکش و سندان فلزات مقطوعه را نشانی میکردند تا نزد عوام از نقطه نظر وزن و خصوصاً صافی فلز اعتبار داشته باشد و این مرحله اولی ظهور مسکوکات است که در قرن هفتم ق م مصادف می باشد .

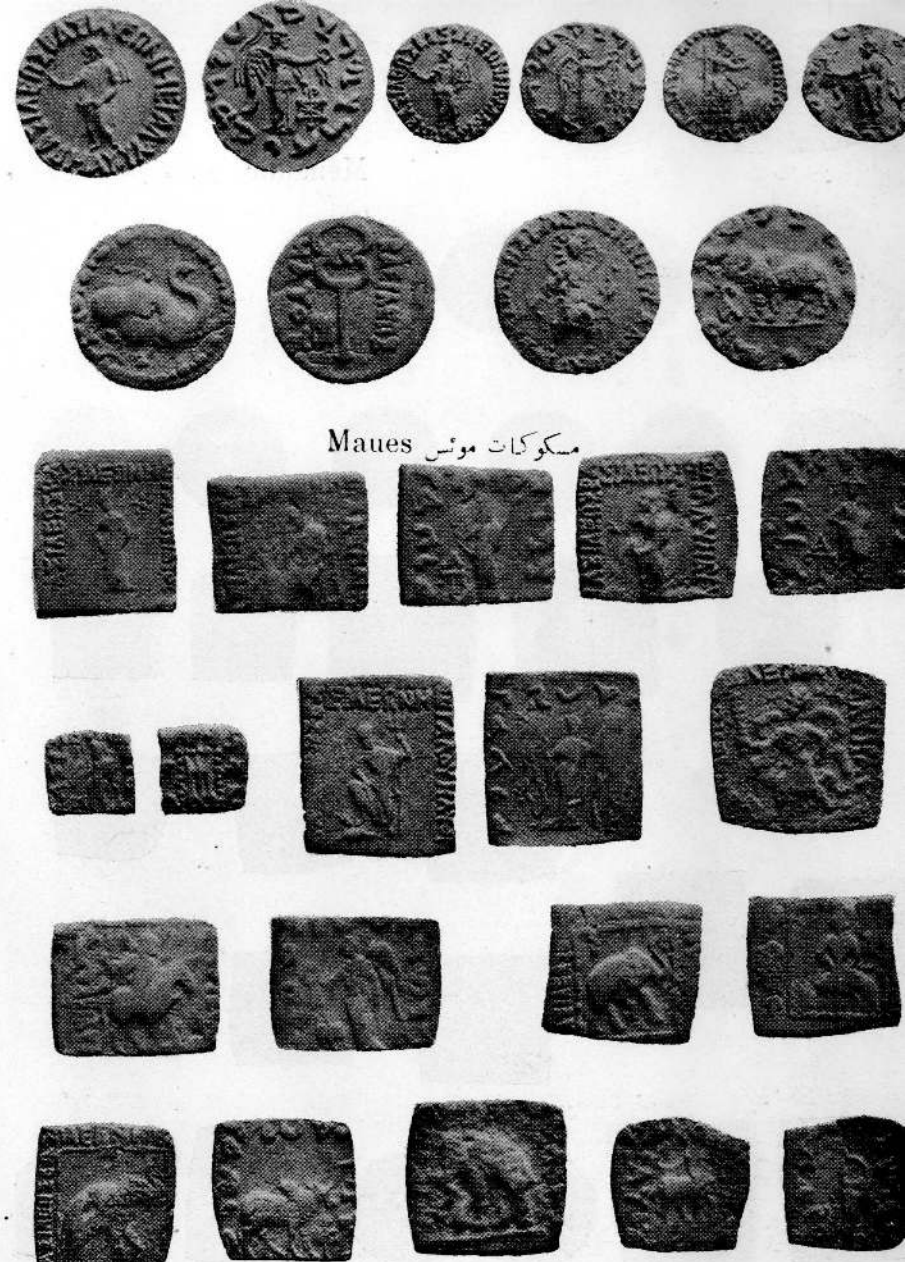
اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را برخی به اهالی شهر (سارد Sardè) پایتخت (لیدی Lydie) مملکت قدیم آسیای صغیر و بعضی به ساکنین یونانی جزیره (اژین Egeine) که در خلیج «اژین» واقع است نسبت میدهند ولی چون اهالی «لیدی» قدیم نتواند و در تجارت از همه پیش قدم میباشند با عموم اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را به ایشان نسبت میدهند و میگویند که (ژی Gyges) مؤسس خانواده سلطنتی (مرم Mermnades) قرن ۸ ق م کسی است که قدیم ترین فلزات مقطوعه نشانی شده را بمیان آورده است .



مناندر Menandre



داشتند به پول و سکه توجه نکردند در بابل و سایر قسمت های
 آسیا همان پارچه های مقطوعه فلزات مانند و یونان دارای مسکوکات
 شد. بعد سایر ممالك سواحل آسیائی هم شروع به ضرب مسکوکات
 نمودند و هخامنشی ها هم به تقلید دیگر ها داخل این کار شدند.
 قرار بکه F. Lénormant «لنورمانت» در کتاب (مسکوکات
 در عصر قدیم جلد ۲ صفحه سوم) میگوید دار یوش اول ضرب طلارا
 برای خود اختصاص داده و باقی نایب الحکومه ها و شهرها را از
 داده بود که تقره و می سکه زنند اما «دومورگان» سکه شناس
 فرانسوی قول او را صحیح نمیداند و میگوید که نایب الحکومه ها
 و شهرها در انتخاب فلز مسکوکات خود آزاد بودند.
 سکه شاهی عصر هخامنشی سکه بود طلائی موسوم به (دادیک)
 که ۸۴۲ گرم وزن داشت و از روی وزن بر این نصف سکه شهر
 (فوسه Phocée) آسیای صغیر بود زیرا سکه شهر اخیر الذکر
 ۸۴۲ گرم وزن داشت سکه تقره می هخامنشی موسوم به «سیکل
 sicile» ۶۰ ر ۵۰ گرم وزن داشت. در زمان دار یوش سوم «دادیک»
 مضاعف طلا بوزن ۱۶۶۵ گرم هم برآمد. یونانی ها عموماً آنها را که
 محکوم هخامنشی ها بودند و یا نبودند «الیکترم» یعنی فلزی
 را که از سه حصه طلا و یک حصه تقره مرکب بود ضرب میزدند. خود
 هخامنشی ها گاهی مفرغ سکه نروده اند.
 «وادیک» و «سیکل» شاهی هخامنشی ها مانند سکه های قدیم
 یونان مدور بود. بطرف روی سکه شاه به زانو نشسته بجانش



Diodotos



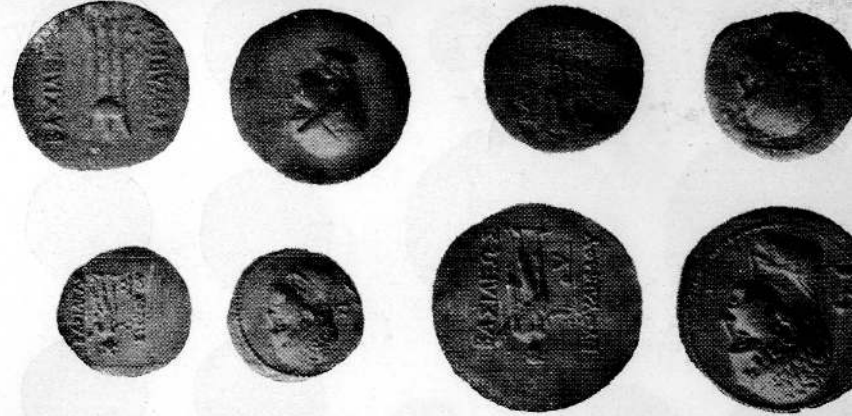
Euthydeme



Demetrios



Euthydeme II



Azilises



Euthydeme



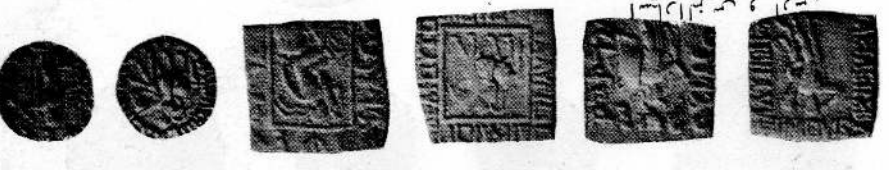
Vonones Spalahores



Sparalizes Azes



Sparalizes



Eukratides ابو کراتیدس



Helio-Kles هلیو کلس



Pantaléon پانتالاه اون



Agathokles آگاتو کلس



Antimachus آنتی ما کوس



Eukratides ابو کراتیدس



مسکوکات افغانستان

(کندل Candyle) و پسرش (سید ارس Cidaris)

یکنوع کلاه گرد داندانه دار است . دردست چپش کمان و در دست راستش نیزه - خنجر یا تیر میباشد . پشت سکه تازمان داریوش سوم چیزی نداشت جز سوراخی که در وقت ضرب روی هندان نهاده میشد در زمان داریوش سوم به پشت سکه هم اشکال ساده از قبل دو ماه نوپشت به پشت ، خطوط موج و غیره ظهور کرد . این مسکوکات نوشته ندارد فقط بعضی بطرف روی سکه دارای علامه ضرب یا حرف دیگری است که تا حال خوانده نشده .



حالا که مبداء ظهور سکه و مراتب تدریجی آن در غرب آسیا بملاحظه رسید میخواهیم ببینیم که مسکوکات در شرق افغانستان در سرزمین سری هند چطور بود و چه مراتبی را طی کرده است . هندی ها مانند چینی ها و اکثر ممالک دیگر آسیائی در تمام اعصار قبل التاریخ حتما « سیر » آ « صدف دریائی را در مبادله اجناس و معاملات خرید و فروش خود استعمال نموده اند و چون بعدها در شرق اقصی استعمال صدف و فلز در یک عصر هم رواج داشت میشود معیار ارزش این صدف ها یا پول های اولیه هند را تعیین نمود . « کوری » خوردترین واحد پول هند بود بعدگند gandā معادل چهار « کوری » و بالا تر « پانا ۲۰ Panā یا ۸۰ کوری میشد که از روی وزن با ۳۳۰ ر ۹۰ گرام تعادل داشت . ازین چیزها بالا تر « تنکه Tangka یا « ana » می آمد که مساوی چهار « پانا » میشد و آخر « کرشه karsa » واحد عالی بود که یکدانه آن مساوی ۴ تنکه و معادل ۲۸ ر ۱۴۹ گرام مس و ۳۶۲۸ گرام نقره میشد .



هرمایوس Hermaïos



اسکندر Alexandre

دمتریوس Demetrios



ایو کراتیدس Eukratides



ایو کراتیدس باهلیو کلس دلاودیس Eukratides-Héliocles-Delaodis



حالا که تاریخچه عمومی ظهور مسکوکات به اندازه کافی شرح یافت می‌خواهیم چند سطر در رشته‌های عمومی راجع به افغانستان هم گفته بعد بصورت خصوصی تغییرات مراتب مسکوکات را در مملکت خود شرح دهیم.

طبیعی است که در افغانستان ما هم مبادله اشیا اول بصورت جنس شروع شده و بعد ضریکه در آسیای غربی اجناس بیشتر به حیوانات مبادله میشد در افغانستان هم حتما این معامله رواج داشت چنانچه هنوز از نورستان بعضی چیزها را به « گاو » می‌خرند. همیطور مبادله اشیا با صدف هم در افغانستان دوره داشته و گفته میتوانیم که این دوره در مملکت ما طولانی تر بوده چنانچه تا همین یک قرن قبل هم به یاد بود همان معامله ها « کودی ها » را در بازار می‌گرفتند و هنوز هم در مواد بی اهمیتی یک چیز میگویند که به « یک کودی نمی ارزد » سپس فلزات مقطوعه نقره و مفرغ هم مراتب خود را پیموده چنانچه خبراً از کول چمن حضوری از پای تپه مرخان مسکوکات زیادی یافت شده که نوشته ندارد و محض دارای نشانی‌ها و علائم مخصوصه میباشد و حتاً بخيال من در جمله مقطوعات فلزی نشانی شده حساب میشوند.



وضعیت مسکوکات در ممالك آسیای بهمن منوال بود که لشکر کشی هائی اسکندر شروع شد. فتوحات اسکندر در اوائل به مسکوکات دول مفتوحه چندان اثر نکرد بلکه برعکس مسکوکات فاتح یونانی

با این حساب‌ها چیز عجیبی که یافته اند این است که سکه « کرشه » نقره‌ای هندی از روی وزن کاملاً مساوی سکه « سیکل » فنیقی‌ها است و به اساس این نظریه مورخین میگویند که سکه فنیقی‌ها یا ذریعه خودشان یا ذریعه ملاحان عرب که برای تجارت به هند می آمد درین سر زمین وارد شده و بعدها نفوذ مقدونیه با اسکندر سرایت کرده است.

قدیمترین سکه هندی که نقرائی و مسی است بشکل فلزات مقطوعه نشانی شده است اما ازین نشانی‌ها به هیچ صورت محل ضرب و ضرب زنده آن معلوم نمیشود. تقریباً معاصر همین زمان در هند سکه‌های مفرغ ریخته شده هم به میان آمده. بعضی سکه شناسان اوائل سکه هند را به هزار سال ق م بلند می‌برند اما « دو مرگان » در کتاب مسکوکات شرق جلد دوم صفحه ۳۴۴ میگویند که این نظریه مبالغه کارانه است و احتمال دارد که اوائل مسکوکات این سرزمین در حوالی قرن ۵ یا ۶ ق م شروع شده باشد. دو مرگان این را هم میگویند که این هم معلوم نیست که آیا اختراع سکه در هند بومی است یا از خارج وارد شده اگر از خارج گرفته شده باشد اثرات نفوذ هخامنشی، فنیقی یونانی در آنجا سرایت کرده است.

خلاصه این مسکوکات بی نام و نشان یا طوریکه در قسمت اول مطالعات خود تعریف نمودیم این مقطوعات فلزی نشانی شده در تمام خاک هند رواج داشت و اشکال آن عموماً مربع و مستطیل و نشانی که میکردند علی‌الخصوص در روی سکه بوده و طرف دیگر آن لشم بود و قرار مطالعاتی که نموده اند ازین نشانی‌ها ۳۰۰ رقم مختلف در هند یافت شده.

زیر نفوذ شرق آمد چنانچه در بعضی سکه های اسکندر حرف اول نام محلی که در آنجا به ضرب رسیده به رسم الخط فنیقی تحریر است. علاوه برین در چهار سکه که اسکندر رو شهر هیرا پولیس Hierapols یا (بام بایس Bambyc شهری بود در شام) ب ضرب رسا قیده نام او به رسم الخط سامی نوشته شده است. همین طور چندی دیگر هم مسکوکات یونانی تحت نفوذ سکه های شرق بود چنانچه در مدت ۲۵۰ سالیکه از سقوط امپراطوری هخامنشی تا زمان مرگ اسکندر میگذرد مسکوکات یونانی ها به سبک و رویه هخامنشی ب ضرب میرسد.

بعد از مرگ اسکندر چون حصه بزرگ آسیای غربی بدست سلوسیدها افتاد ایشان مسکوکات خود را به رویه مخصوص یونانی در آوردند لیکن هنوز هم در بعض سکه ها مثل مسکوکاتی که در منطقه فنیسی Phénicie (کنارسواحل غربی شام) ب ضرب رسیده هنوز نام کبار خانه ضرب به رسم الخط سامی نوشته شده است لیکن پسان تر آخرین اثر شرق هم از مسکوکات یونانی ها زایل شده و با سلاطین یونانی خاندان سلوسید شامی مسکوکات کاملاً یونانی بمیان آمد چون ایشان خود را به تنهایی وارث اراضی مفتوحه اسکندر در آسیا تصور میکردند مسکوکات ایشان در ایران و افغانستان کم و بیش شیوع داشت و در عین زمان بامداخلت خاندان موریای هندی و پیش قدمی آنها در افغانستان جنوبی مسکوکات شاهان این سلسله هم در جنوب هندو کوه انتشار یافت همین طور این وضعیت پراگندگی تاوقتی دوام داشت که در حوالی ۲۵۰ ق م سلطنت مستقل یونانی در باختر و متعاقباً سلطنت دیگری در پارتیا بمیان آمد. اگر چه مسکوکات « ارساسیدهای » پارتی هم

مسکوکات افغانستان

در افغانستان بکثرت یافت میشود و موسس این خانواده سلطنتی هم باختری است لیکن چون معاصران شاهان یونانی باختری مستقیم تر جزو تاریخ قبل الاسلام افغانستان است چند کلمه راجع به مسکوکات « ارساسید » گفته بد که مسکوکات یونانی های باختری میرد ازیم. ارساسیدهای پارتی فقط نقره و مس سکه زده اند و پولی طلائی از آنها دیده نشده سکه های نقره ای آنها مدوروکلان و خورد است و مسکوکات مفرغ آنها در زمان « مهردا » اول و جانشینان او خورد ترشد. روی مسکوکات خاندان « ارساسید » عموماً نوشته ندارد و نوشته آن بطرف پشت سکه است و مضمون آن عموماً طوری تحریر شده که شکل مربعی بخود میگیرد. سنه این مسکوکات از روی عهد سلوسیدها که مبدء آن سال ۳۱۲ ق م میباشد حساب شده. پشت مسکوکات آنها خیلی مختلف است و عموماً شخصی را نمایش میدهند که بالای تخت نشسته، به سرش گوش پوشك مخروطی و در دست راست کمانی را گرفته است این شخص در پشت تقریباً تمام مسکوکات خورد و کلان نقره ای و در بعضی مسکوکات مفرغ هم دیده میشود. روی هم رفته شاهان ارساسید از روی سکوکات سلوسیدهای شام تقلید نموده اند مضمون ضرب و سنه آن طوریکه بالا گفتیم بطرف پشت سکه است و نام پادشاه عموماً نوشته نیست و این بزرگترین اشکالی است که در تعیین مسکوکات شاهان مختلف این سلسله بمیان می آید.



بعد از فتوحات اسکندر و ادعای سلوسیدهای شامی و تجاوزهای خاندان موریای هندی بهترین مسکوکات افغانستان بعد از ۲۵۰ در اثر تشکیل سلطنت مستقل باختری بمیان می آید. درین وقت چون

مسکوکات افغانستان

استعمال کرده لیکن این رویه بیشتر نردان طبقه شاهان یونانی افغانستان معمول بود که ظهور اسکائی‌هایشان را بجنوب هندو کوه محدود ساخته و عموماً مسکوکات آنها به (کاپسیا) به ضرب رسیده است و قراریکه از شهادت مسکوکات معلوم میشود زبان و رسم الخط یونانی همیشه به روی سکه وعین ترجمه آن به زبان پراکريت و رسم الخط خروشتی بطرف پشت آن تحریر میباشد.

یونانی‌ها عموماً چه در باختر و چه در کاپسیا بطرف روی سکه تصویر خود و در طرف چپ آن ارباب النوع یونانی مثل : - زوس - هراکلس - پالاس - ارتیس - اپلو - یوزیدون - وغیره را به وضعیت های مختلف ضرب میزدند. اما آنها بیکه محض در جنوب هندو کوه سلطنت نموده اند بلاوه اینکه زبان و رسم الخط بومی در پشت مسکوکات شان عمومیت دارد بعضی اوقات تصاویر ارباب النوع محلی را نیز در مسکوکات خود بضرب رسانیده اند چنانچه . قرار نظریه « موسیو فوشه » بعضی مسکوکات « ایوکراتیدس » که در شهر کاپسیا ضرب زده شده رب النوع مخصوص این شهر را نشان میدهد

بهر حال یونانی‌های جنوب هندو کوه تا زمان هرما یوس (۵۴ - ۵۰ م) آخرین شاه یونانی کابل زمین زبان پراکريت و رسم الخط خروشتی را در چپ مسکوکات استعمال نموده اند و حتی اگر به مسکوکات اتکا شود در اوایل از نقطه نظر دین و لباس و زبان و رسم الخط بیش از پیش تحت اثرات محیط و مملکت ما واقع شده بودند چنانچه بعضی مسکوکات « مناندر » و حتی « دمتریوس » شاهد این مدعا است شاهان یونانی جنوب هندو کوه سر اسر نقره و مس سکه زده اند.

افغانستان یکطرف از قلمرو امپراطوری یونانی سلوسیدهای شام مجزا شد و از طرف دیگر تجاوز خاندان موریای عقب نشست با سلاطین یونانی با ختری که در شمال و جنوب هندو کوه سلطنت نموده اند مسکوکات افغانستانی ضرب (باختر) و (کاپسیا) رائج شد.

این مسکوکات قطع نظر از اینکه باختری و کاپسیائی است و تعریف آنرا از این جهت نمیکنیم که در سر زمین وطن ما بضرب رسیده بلکه همه سکه شناسان هم قول و معترف اند که در نفاست نقوش و اشکال و رسم الخط و تمام جهات ضرب در دنیای قدیم نظیر نداشت چنانچه باز بیابای خود حتی امروز هم از بهترین سکه های ممالک متدنه خوب تر، فشنگ تر و با دوام تر اند و هر يك از مسکوکات شاهان یونانی باختری خصوص مسکوکات « اوتیدموس » و « ایوکراتیدس » مانند مدال های زیبایی است که دیگر نظیر آن بمیان نخواهد آمد.

یونانی‌هایی که در باختر سلطنت مستقل تاسیس نمودند ابتدا در ضرب مسکوکات خود تنها زبان یونانی را استعمال می نمودند چنانچه این نظریه عموماً در مورد آن شاهانی حقیقت دارد که در شمال هندو کوه سلطنت نموده اند ولی چون زبان یونانی را کس نمی فهمید دیری نمیگذرد که مجبور شده زبان بومی « پراکريت » و رسم الخط « خروشتی » را که قسمی از رسم الخط (ارامی) بود و قرار عقیده مستشرقین از عصر هخامنشی به بعد در افغانستان رواج داشت در پشت مسکوکات خود استعمال میکنند اگر چه « ایوکراتیدس » شاه یونانی باختر اولین کسی است که در مسکوکات خود دو زبان و دو رسم الخط را

سا لنامۀ « کابل »

بعد از یونانی‌ها در زمان تهاجم اسکائی‌ها و شاهان ایشان یا « هندو یست » و پهلواها یا « هندو پارت » مسکوکات افغانستان سراسر تفرقه‌ئی و مسمی است و ضرب آن از نقطه نظر سبک زبان، ارباب النوع و غیره تقلیدی بود یعنی چیز نوی از خود نداشت بلکه از روی مسکوکات شاهان یونانی باختری که در افغانستان به تعداد زیاد موجود است تقلید میشد. نوشته این مسکوکات مانند عصر یونانی‌های جنوب هندو کوه یونانی بر روی سکه و پراکریت به رسم الخط خروشتی به پشت آن بود. اسکائی‌هایی که بعد از فتح باختر از راه سیستان و اراکوزی مساوی قندهار به حوضه اندوس مساوی سند فرود آمده اند و در پنجاب و حوضه مشرقی افغانستان حکم فرمائی کرده اند هم به دوزبان سکه زده اند همین طور پهلواهای سیستان و قندهار، که موسس خانواده شاهی آنها « ونوس » را تصور میکنند بر علاوه زبان یونانی در روی سکه پراکریت را به رسم الخط خروشتی به طرف چپ مسکوکات خود استعمال نموده اند ازین ملاحظات معلوم میشود که در زمانه‌های قبل الاسلام مدت مدیدی زبان « پراکریت » و رسم الخط « خروشتی » که انرا رسم الخط « باختری » یا « آریو — باختری » هم گویند تقریباً در تمام افغانستان و پنجاب معمول بود و الا زبان و رسم الخط بومی گفته در مسکوکات استعمال نمیشود

کوشانی‌هایی که آخرین عناصر یونانی‌ت را از جنوب هندو کوه می‌بردارند هم از نقطه نظر مسکوکات چیز تازه بمیان نیاوردند بلکه سراسر تقلید مسکوکاتی را نمودند که چین و رودشان در افغانستان معمول و مروج بود چنانچه « کجولا کد فیزس » که « هرما یوس »

مسکوکات افغانستان

یونانی و آخرین عناصر هلیترم را از صفحات جنوب هندو کوه محو میکنند بدرجه در تقلید مبالغه میکند که در مسکو کاتی که دارای تصویر «هرمایوس» است نام خود را ضرب میزند و حتی در بعضی مسکوکات نام هر دوی شان ذکر است. پسان ترقام «هرمایوس» یونانی را کاملاً از بین برده و نام خود را بضر رسا نیده است اما رسم الخط و زبان یونانی و حتی تصویر هرمایوس در تمام مسکوکات او باقی مانده. علاوه برین در بعضی مسکوکات مسی سری را بضر رسا نیده که قرار نظریه سکه شناسان از روی سکه «اگوست» امپراطور رومن تقلید شده است. بعد از وبا عصر «ویما کد فیزس» و سائر کوشانی هائی که بعد از کنشکا می آیند مسکوکات کوشانی ها آهسته آهسته خواص خصوصی بخود میگیرد: رسم الخط یونانی کم کم بدرجه تغییر کرده و خراب میشود که در آخر از خواندن می براید. جای ارباب انواع یونانی را آهسته آهسته ارباب انواع محلی باختری مثل: «میرو-مهر» افتاب قرئی و مسی و از روی شکل نازک میاشد در روی مسکوکات آنها عموماً شکل شاه و کلمه «پنکی ملک» و در پشت آن در وسط، دویا به و دو طرف آن دو نفر معلوم میشود و بعلاوه درین طرف سکه بعضی اوقات کلمه «شاه» هم خوانده میشود. این مسکوکات روی هم رفته از روی شکل و اندازه شبیه سکه های ساسانی ها و از روی البسه و زیورات اشخاصی که روی آنها نمایش یافته به هندی هم قرابت دارند.

ازین گذشته آخرین دسته سکه هائی که به آنها مسکوکات عصر قبل الاسلام افغانستان تمام میشود سکه های نقره ای و مسی است که عموماً در

(مضمون ذیل بعد از سطر ۱۳ کلمه آفتاب صفحه ۳۱۷ خوانده شود)

ما او - ماه و ارباب انواع هندی مثل: «شیوا»، «فانا» و غیره میگیرد «دی کد فیزس» مس و طلا سکه زده و عموماً بطرف راسته سکه بلباس کوشانی ایستاده معلوم میشود. بطرف چپ سکه او بلا استثنا شکل «شیوا» بضر رسیده است «ویما کد فیزس» در مسکوکات عناوین مجلل و با شکوه اختیار نموده و خود را: «شاه کبیر» «شهنشاه» «با واردینا» «پیر شیوا» خوانده است.

تصویر «کنیشکا» در مسکوکات شبیه تصویر ایستاده ویما کد فیزس است و دور صورت او عموماً هاله نور دیده میشود. در سکه های کوچک طلا بصورت نیم تنه یا ربع تنه نمایش یافته. در چپ مسکوکات «کنیشکا» تمام ارباب انواع یونانی - باختری - هندی دیده میشود. «هویشکا» سکه های طلایی بیشتر دارد در بعضی فقط سراو در بعضی های دیگر مناصفه بدن او نمایش یافته است. در سکه های مسی یا برفیل سوار است یا بالای تختی دراز کشیده و یا بوضعیت چهارزانو معلوم میشود. بعد از «واسودوا» قوای خارجی کوشانی ضعیف شده و قلمرو آنها به اراضی دره کابل و گندهارا محدود میگردد و مسکو کاتی که بنام «کانیشکو» و «وازو» دارند متعلق به همین عصر انحطاط آنها است.

بعد از تهاجم هیا طله و سقوط آنها کوشانی هائی که به کوه های چترال بالا رفته بودند به وادی کابل فرود آمده چند نفری از ایشان به سلطنت رسیده که بنام کوشانی های خورد موسوم اند و ایشان را معمولاً (پنکی) هم میگویند مسکوکات آنها عموماً

مسکوکات شاهان یونانی باختر

« دیودوتس » که از طرف شاهان یونانی خاندان (سلوسید) شاهی در بکتریان باختر حکمران بود در حوالی ۲۵۰ اعلان استقلال نموده و ازین تاریخ بعد سلطنت مستقل یونانی در (اریانا) یعنی افغانستان تاسیس میشود که تاچندی مرکز آن در شمال هندوکوه شهر (بکتر) و بعد از تهاجم اسکائی ر کوشان در حالیکه نفوذ یونانی ها به جنوب هندوکوه محدود میشود در کاپیسا یا بگرام فعلی منتقل میگردد .

نفوذ یونانی از شمال هندوکوه با « هلیوکلس » و از کابلستان با « هرپالوس » در حوالی شروع عهد مسیحی به آخر میرسد . مسکوکات ایشان تا یکرمان تنها به زبان یونانی و بعد ازینکه به جنوب هندوکوه منتقل میشوند به دو زبان یونانی و پراکریت افغانستان و رسم الخط یونانی و خروشتی به ضرب میرسد . باقی تفصیلات فرار آتی است :

دیودوتس Diodotos : حوالی ۲۵۰ - ۲۴۵ ق م

(۱) سکه منور طلا وزن مساوی ۱۳۰ گرین

اندازه مساوی (۷۵ ر) انچ

روی سکه : سر پادشاه به نیم رخ راست

پشت سکه : تصویر ایستاده (زوس) رب النوع یونانی ،

دیودوتس پادشاه .

نزد عوام بنام « فیل سوار » و « گاو سوار » معروف است . این مسکوکات مربوط بیک دسته شاهان هندو است که در تاریخ بنام « کابل شاهان هند » یاد شده اند و چون آخرین اولاد کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند جای ایشان را گرفته و سلطنت رسیدند چنانچه الیورنی درین موضوع اشاره کرده میگوید که جای آخرین شاه کوشانی کابل را Lagaturman « لاگاتورمان » نام داشت وزیر برهمنی اش « کالار Kallar » گرفته و سلسله « هندو شاهی ها » را بعیان آورد . این دسته که روی هم رفته از ۸۷ ب م تا ۱۰۰ ب م سلطنت کرده اند حین ورود فاتحین اسلام و چندی بعد ترهم در کابل و اراضی شرقی آن حکومت نموده اند . مسکوکات این سلسله را سکه شناسان فرنگک از روی نقوش به سه دسته تقسیم نموده اند :

۱ - رقم گاو و سوار کار .

۲ - رقم فیل سوار

۳ - رقم شیر و طائوس

روی راسته این مسکوکات عموماً اشکال گاو و فیل و در پشت آن بعضی اوقات شاه بالای اسب و بعضی اوقات شکل شیر نمایش یافته است ازین مسکوکات اگرچه « گاودار » و « فیل دار » مسمی آن زیاد است از رقمی که شیر و طائوس در آن نمایش یافته فقط یک دانه بدست آمده کدر (برتش موزیم) لندن میباشد .

- دمتر یوس Demetrios پسر اوتید موس در حوالی ۲۰۰ ق م
بجنوب هند و کوه و پنجاب سلطنت نموده است. این شاه نقره و مس
سکه زده و خود را « دمتر لوس پادشاه » خوانده .
- (۶) سکه مدور نقره : وزن - ۲۵۵ گرین
اندازه (۱٫۳) انچ
روی سکه : صورت پادشاه به نیم رخ راست نمایش یافته و بر سرش
کلاه بشل سر فیل است .
پشت سکه : هراکلس برهنه ایستاده است .
- (۷) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۶ گرین
اندازه مساوی (۰٫۹) انچ
روی سکه : در اینجا پادشاه ریش دارد و به نیم رخ راست
دید می شود .
- پشت سکه : « ارتمیس » Artemis (رب النوع یونانی)
ایستاده است .
این شاه سکه مسی مربعی هم دارد که در پشت آن به رسم الخط
خروشتی نوشته است .
- اوتیدموس دوم پسر اوتیدموس اول : این شاه در نقره و نیکل
و مس سکه زده است .
- (۸) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۶۰ گرین
اندازه مساوی (۱٫۳) انچ

- (۲) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۵۵ گرین
اندازه « (۱/۱) انچ
روی سکه : سر پادشاه .
- چپ سکه : تصویر ایستاده (زوس) ، دیو دوتس پادشاه
(۳) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۶۹ گرین
اندازه « (۰٫۷۵) انچ
روی سکه : صورت پادشاه . بر سرش کلاه مقدونوی (کوسبا)
که بشکل کلاه بارانی است مشاهده می شود .
- پشت سکه : پالاس Pallas رب النوع جنگ ، دیو دوتس پادشاه
اوتید موس Euthydemos (حوالی ۲۲۰ ق م)
(۴) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۶۰ گرین
اندازه « (۰٫۶۵) انچ
روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم رخ
پشت سکه : « هیراکلس » (رب النوع یونانی) برهنه بالای
سنگی نشسته در دست راستش چوبی می باشد .
- (۵) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۱۰ گرین
اندازه مساوی (۰٫۹) انچ
روی سکه : تصویر ریش دار هراکلس
پشت سکه : اسب بحالت خیز کردن

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : تصویر برهنه ایستاده هر ا کاس

(۹) سکه مدور نیکل : وزن مساوی ۱۱۰ گرین

اندازه مساوی (۰.۹۵) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه شاه

پشت سکه : سه پایه

(۱۰) سکه مدور مسی : این سکه هم مانند سکه (۹) است

اما وزن و اندازه آن خورد تر میباشد .

پانتالئون Pantaleón (حوالی ۱۹۰ ق م) در روی سکه بزبان

پراکريت در پشت آن به زبان یونانی نوشته دارد و خود را

« پانتالئون پادشاه » خوانده است این شاه بیشتر مس سکه زده

(۱۱) سکه مربع مسی، وزن مساوی ۱۶۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۸) انچ

روی سکه : دختری به لباس شرقی میرقصد

پشت سکه : شیر ایستاده است

اگاتوکلس Agatbokles (حوالی ۱۸۵ ق م) این شاه درنقره

ونیکل و مس سکه زده و خود را « اگاتوکلس پادشاه » یا « اگاتوکلس

پادشاه کبیر » خوانده .

(۱۲) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۲۲ گرین

اندازه مساوی (۰.۵۵) انچ

روی سکه : سرا سکندر

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی بالای تخت نشسته است

(۱۳) سکه مدور نیکل : وزن مساوی ۱۰۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۸۵) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه دیونی زوس رب النوع یونانی

پشت سکه : پلنک ایستاده

(۱۴) سکه مربع مسی : وزن مساوی ۱۸۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۷۵) انچ

روی سکه : مانند (سکه ۱۵)

پشت سکه : مانند سکه (۱۰)

انتی ماکوس ته اوز Antimachos Theos درنقره و مس

سکه زده و خود را به لقب (ته اوس - کبیر) خوانده

(۱۵) سکه مدور نقره وزن مساوی ۲۵۰ گرین

اندازه مساوی (۰.۸) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : پوزیدون Posridon (رب النوع بحار) ایستاده است.

ایوکرآتیدس (حوالی ۱۷۵ ق م) درنقره و مس

سکه زده و خود را «ایوکرآتیدس پادشاه» خوانده.

(۱۶) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۶۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۷) انچ

روی سکه : سر شاه

پشت سکه : اپلو (رب النوع یونانی) ایستاده بدست را ستش
تیر و بدست چپش گمان می باشد .

(۱۷) سکه مدور مسی :

وزن مساوی ۸۸ گرین

اندازه (۰.۸۵) انچ

روی سکه : شاه در حالیکه کلاه فولادی به سر دارد به نیم رخ

راست نمایش یافته

پشت سکه : (دیوسکوری) ستاره صبح و شام بالای اسب ها

سوار اند

هلیوکلس Heiokles (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) در نقره و مس

سکه زده و خود را « هلیوکلس شاه کبیر » خوانده .

(۱۸) سکه مدور نقره :

وزن مساوی ۲۴۶ گرین

اندازه « (۰.۸۳) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : زوس (رب النوع یونانی) ایستاده و بدست چپ

چوب درازی را گرفته است

(۱۹) سکه مدور مسی : این سکه مانند سکه نقره فوق الذکر

می باشد وزن آن کمتر است .

اپلودوتس Apollodotos : (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) در نقره

و مس سکه زده و خود را به لقب (سوتروس یعنی منجی) یاد کرده مضمون

ضرب سکه او چنین است : (اپلودوتس یاد شاه منجی)

(۲۰) سکه مدور نقره :

وزن - ۳۱ گرین

اندازه - (۰.۶) انچ

روی سکه : فیل ایستاده

پشت سکه : گاو ایستاده

این شاه سکه مربع نقره هم دارد .

مناندر Menandre : حوالی ۱۴۰-۱۶۰ ق م - در نقره و مس سکه

زده و خود را « مناندراس پادشاه منجی » خوانده . این شاه به نمونه های

مختلف خورد و کلان ، مسی و نقره ، مربع و مدور سکه زیاد دارد .

(۲۱) سکه مدور نقره :

وزن مساوی ۱۴۰ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : پالاس Pallas رب النوع جنگ یونانی ایستاده

همین قسم سکه مدور نقره خورد هم دارد که وزن آن ۳۴ نخود

و اندازه آن (۰.۶۵) انچ است .

(۲۲) سکه مربع مسی :

وزن مساوی ۲۴۰ گرین

اندازه (۰.۹) انچ

روئی سکه : تصویر نیم تنه پالاس

پشت سکه : نیک Nike بالدار ایستاده است

هرمایوس Hermaias (حوالی ۴۵ - ۲۰ ق م) در نقره

موئنس **Maues** یا **Moa** (حوالی ۷۵ ق م) خود را

شهنشاه کبیر «ماوس» خوانده است.

(۲۶) سکه مدور نقره: وزن مساوی ۱۳۸ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه: زوس رب النوع یونانی ایستاده

پشت سکه: نیک **Nike** بالدار ایستاده است

(۲۷) سکه مدور مسی: وزن مساوی ۱۳۰ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه: سرفیل

پشت سکه: چوبی بالای آن در حلقه

این سلطان یکنوع سکه مسی مدور دیگر هم دارد که در روی آن

ارتیمیس رب النوع یونانی و در پشت آن شکل گاو دیده میشود

(۲۸) سکه مربع مسی: وزن مساوی ۱۶۸ گرین

اندازه مساوی (۱٫۸) انچ

روی سکه: رب النوع مهتاب بین دو ستاره ایستاده

پشت سکه: نیک رب النوع فتح بالدار

ازس **Azes** (حوالی ۵۸ ق م)

(۲۹) سکه مدور نقره: وزن مساوی ۱۴۲ گرین

اندازه «(۱٫۱) انچ»

روی سکه: شاه براسپ سوار است و در دست چپ نیزه است

پشت سکه: زوس رب النوع یونانی ایستاده است.

و مس سکه زده و خود را (هرمایوس، یاد شاه منجی) خوانده

(۲۳) سکه مدور نقره: وزن مساوی ۱۴۵ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه: (زوس) بالای تختی نشسته

(۲۴) سکه مدور مسی:

روی و پشت سکه مانند سکه (۲۳) است.

(۲۵) هرمایوس با ملکه عیال خود (کالیوپ) هم در نقره

سکه زده وزن مساوی ۳۷ گرین

اندازه (۰٫۶۵) انچ

روی سکه: تصویر شاه و ملکه

پشت سکه: شاه براسپ سوار است

مسکوکات شاهان و سلاطین اسکائی

این سلسله بعد از اینکه یونانی‌های باختر را مضمحل می‌سازند

از راه سیستان و راگوزی (قندهار) به وادی سند فرودمی آیند و از پنجاب

به بعضی قسمت‌های افغانستان جنوبی و جنوب شرقی سلطنت کرده‌اند

در ضرب مسکوکات خود بطرف روی سکه زبان یونانی و در پشت

آن زبان پراکریت و رسم الخط (خروشتی) را استعمال نموده و

عموما خود را (شاه شاهان) (شهنشاه کبیر) خوانده‌اند

مسکوکات شاهان ایشان قرار ذیل است:

مسکوکات افغانستان

روی سکه : شاه بر اسب سوار است
 شاه شاهان از بلیزس
 پشت سکه : تصویر ایستاده « زوس » رب النوع یونانی
 شاه شاهان « ائی لی ر. اسا »
 (۳۳) سکه مربع مسی وزن : ۱۲۳ گرین
 اندازه : (۰.۸۵) انچ
 روی سکه : شاه بالای اسب سوار است و در دست راست
 قمچین را گرفته است .
 شهنشاه کبیر از بلیزس
 پشت سکه : « هرا کلس » رب النوع یونانی برهنه بالای
 سنگی نشسته است .
 شاه کبیر « ائی لی زاسا »

مسکوکات پهلوانهای سیستان

و قندهار

پهلوانها عبارت از يك سلسله پارت هائی است که در حوالی
 « قرن دوم ق م » یا « ونوس » استقلال خود را از پارت های خراسان
 گرفته و در سیستان و قندهار، قسمتی از حوضه اندوس (رودسند) سلطنت
 علیجده تشکیل نمودند. معاصر شان در حوالی کابل آخرین شاهان
 یونانی در پنجاب شرقی اولاده اسکائی ها حکمفرمائی داشت و تا اندازه که

ازس در مسکوکات، خود را شاه شاهان شاه کبیر خوانده است .
 (۳۰) سکه مدور مسی :
 روی سکه : پادشاه چهارزانو نشسته و شمشیری بر دوزانوهای
 خود گذاشته است .
 پشت سکه : هرمس Hermès رب النوع یونانی قدم میزند
 ازس در میان شاهان اسکائی مسکوکات خورد و بزرگ
 خیلی زیاد دارد .
 ازس و از بلیزس : بطرف روی سکه ازس نوشته یونانی نام
 « ازس » و در پشت سکه در رسم الخط خروشتی نام « از بلیزس »
 تحریر است .
 (۳۱) سکه مدور نقره : وزن : (۱۵۱) گرین
 اندازه : (۱) انچ
 روی سکه : پادشاه بر اسب سوار و در دست چپ نیزه را
 در حال زدن گرفته .
 شهنشاه کبیر ازس
 پشت سکه : رب النوعی ایستاده و در دست راستش شعله نور را
 گرفته است .

شاه کبیر ، شاه شاهان « از بلیز اسا »

از بلیزس (حوالی ۴۸ ق م)

(۳۲) سکه مدور نقره : وزن : ۱۵۰ گرین
 اندازه : (۱) انچ

مسکوکات افغانستان

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی .

مهاراجا سا ماها تا کاسا اسپالی ریزیا شهنشا کبیر اسپالیریزس .

گندوفارنس Gondopharnps حوالی ۱۹ تا ۴۵ ب م

(۳۶) سکه مدور مسی : وزن ۱۵۱ گرین

اندازه (۰.۹) انچ

روی سکه : تصویر شاه براسپ

بازیلوس بازیلون ملاؤس گندوفارنس یعنی شاهنشاه کبیر گندوفارنس .

پشت سکه : تصویر ایستاده زوس .

مهاراجا راجاتی راجا ترا تا را گند و فارا سا یعنی شاه کبیر شاه

شاهان گندوفارنس .

قرار سکه فوق سکه مدور از مزوج مس با نقره هم دارد .

ابدا گازس Abdagases (حوالی ۶۰-۶۵ ب م) .

(۳۷) سکه مدور مخلوط مس و نقره : اندازه (۰.۹۵) انچ

روی سکه : پادشاه بالای اسپ سوار است .

بازیلوس بازیلون ابداس گازس یعنی شاه شاهان ابداس گازس .

پشت سکه : (ژوبی تر) رب النوع یونانی تاجی در دست دارد .

گندو فرابراتا پوترا سامهرا جا ترا تاراسا اوا را کاسا یعنی

شهنشا کبیر ابداس گازس برادر زاده گندو فارنس .

اورتا گنس Ortagnes «حوالی ۶۰-۷۰ ب م»

(۳۸) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۴ گرین

اندازه « (۰.۹) انچ

سالمه « کابل »

تخمین میکنند علت سقوط یونانی های کابل زمین این بود که از طرف شمال کوشانی ها از جانب غرب و جنوب غرب پهلوا ها و از طرف شرق اسکائی ها برایشان فشار می آوردند . مسکوکات پهلوا ها طلائی نقره ای و مسی است در روی سکه آنها زبان یونانی و در پشت آن زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی استعمال شده . ارباب انواع یونانی هنوز از بین نرفته است . تفصیل مسکوکات شاهان ایشان قرار آتی است .

و نونس Uonônés : (حوالی ۱۰۵ ق م)

(۳۴) سکه مدور نقره : اندازه مساوی ۱.۰۶۵ لیج

روی سکه تصویر شاه بالای اسپ .

بازیلوس بازیلون ملا اوس و نونس شهنشا کبیر و نونس .

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی ایستاده .

مهاراجا براتا درامی کاسا سیلاهوراسا یعنی شهنشا کبیر دین دار اسپالا هورا . ملتفت باید بود که درین سکه درست پراکریت نام (سیلاهوراسا) هم ذکر شده و نشان میدهد که شاه با نائب السلطنه خود یکجا سکه زده .

همین قسم و نونس با (اسیلا گاداس) هم سکه زده است .

اسپالیریزس Spalirisés برادر و جانشین و نونس (حوالی ۱۰۰-۹۰ ق م)

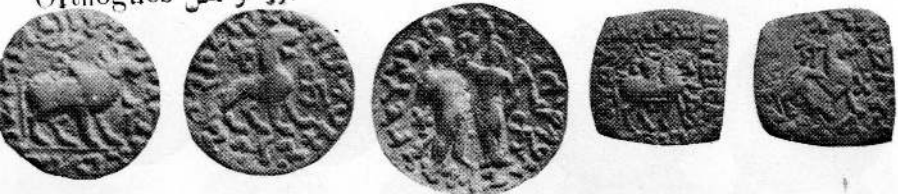
(۳۵) سکه مربع مفرغ : وزن ۲۲۷ گرین اندازه (۰.۸۵) انچ

روی سکه : پادشاه در حال رفتار . بازیلون بازیلوس ملا اوس

اسپالیریزس یعنی شاهنشاه کبیر اسپالیریزس .



Orthognes اور توگنس



Pakores پا کورس



Hermaios هرمايوس



Hermaios هرمايوس



سا لنامہ « کابل »

روی سکہ : تصویر شاہ بصورت نیم تنہ نوشتہ فوقانی آن پریدہ و خوب خوانندہ نمیشود .

پشت سکہ : نیک Nike بالدار . درین طرف سکہ او نام گندوفارنس و Guada گودا برادرش ہم ذکر شدہ .

پاکورس Pacores : « حوالی ۷۵-۷۰ ب »

سکہ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۱ گرین

اندازه « (۹ ر) » انچ

روی سکہ : تصویر نیم تنہ شاہ

بازیلوس بازیلون ملاس یا کورس یعنی شہنشاہ کبیر یا کورس .

پشت سکہ : تصویر نیک رب النوع یونانی بالدار

مہاراجا ساراجاتی راجا سامہا تا سا یا کوراسا یعنی شہنشاہ کبیر یا کورس . مسکوکات این شاہ زیاد از قندھار پیدا میشود .

مسکوکات سلاطین کوشانی

هرمایوس با کجو لا کد فیزس :

(۴۰) سکہ مدور مسی : وزن مساوی ۱۱۵ گرین

اندازه « (۹ ر) » انچ

روی : تصویر نیم تنہ هرمایوس « شاہ منجی هرمایوس » .

پشت : « هراکلس » پوست شیر را روی بازوی چپ گرفتہ

« کجو لا کازاسا رئیس کوشانی »

کجو لا کد فیزس یا کد فیرس اول « حوالی ۶۰-۴۵ ق م » :

(۴۱) سکہ مدور مسی :

مسکوکات افغانستان

روی : صورت نیم تنه هر مایوس « کوزولو کد فیزس » نام
 هر مایوس به رسم الخط خراب یونانی نوشته شده . . (۵۵)
 پشت : تصویر ایستاده « هرا کلس » « کوجولا کازاسا رئیس
 کوشانی »

(۴۲) سکه مدور مسی :
 روی : سری نمایش یافته که قرار احتمال از روی سکه « اگوست »
 امپرا طور رومن تقلید شده « رئیس کوشان کوزولا کد فیزس »
 پشت : شاه بالایی چوکی نشسته « بزبان خروشتی مضمون فوق
 نوشته است »

ویما کد فیزس یا کد فیزس دوم « حوالی ۷۰ - ۶۰ ق م »
 (۴۳) سکه مدور طلا ، وزن مساوی ۲۴۲ گرین
 اندازه « (۱۸) انچ
 روی : شاه روی چوکی نشسته « و موکد فیزمن باد شاه »
 پشت ، شیوا و گاو « شاه کبیر ، شاه شاهان - بدار دنیا ،
 مدافع و یما کد فیزس »

کنشکا حوالی (۸۰ - ۱۱۰ ق م)

(۴۴) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۳ گرین
 اندازه « (۰۹) انچ
 روی : تصویر ایستاده شاه بلباس کوشانی « بازیلوس بازیلون
 گانیسکوس » یعنی شاه شاهان کنشکا .

از آثار تاریخی وطن .

دیوار شهر کابل که در زمان فتوحات اسلام از طرف کابل شاهان ساخته شده بود
 Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit
 par les Rois de Kaboul, lors de l'invasion Islamique.

پشت : صورت ایستاده « هلیوک » رب النوع آفتاب .

(۴۵) سکه مدور طلا : وزن مساوی ۱۲۲ گرین

اندازه « (۰۸) » انچ

روی : تصویر ایستاده شاه بلباس کوشان به سر شاه کلاه
پیک دار آهنی - بجانش چین بلند و شلوار است. بیش رویش میز
کوچک قربانی است و به دست چپ نیزه طویلی گرفته است « شاه اونا
نوشا او کانشکی کوشانو یعنی از شاه شاهان کنیشکا، کوشانی » .

پشت : تصویر « میرو » رب النوع آفتاب .

(۴۶) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۲۵۷ گرین

اندازه « (۱۰۵) » انچ

روی : قرار تفصیل (۴۵)

شا او کنیشکی - کنیشکا یاد شاه

پشت : « میرو » رب النوع آفتاب

هو ویشکا « حوالی ۱۶۲ - ۱۸۳ ق م »

(۴۷) سکه مدور طلا : وزن ۱۲۱ گرین

اندازه - « (۰۸) » انچ

روی : تصویر نیم تنه شاه . یاد شاه کلاه آهنی مدور بسر
کرده و چین خامک دوزی پوشیده است . بدست راستش چوبی را
گرفته که علامه سلطنت است .
شاواناوشاو، هوشکی، کوشانو یعنی از شاه شاهان هویشکا، کوشانی

پشت : (میرو) رب النوع آفتاب

(۴۸) سکه مدور مسی : وزن ۲۴۵ گرین اندازه « (۱) » انچ

روی : یاد شاه برفیل سوار است شا او، نانو، شا او، هوشکا
کوشانو یعنی از شاه شاهان هویشکا، کوشانی .

پشت : (میرو) رب النوع آفتاب

واسودوا « حوالی ۱۸۲ - ۲۲۰ ق م »

(۴۹) سکه مدور طلا وزن ۱۲۱ گرین اندازه ۸۵، انچ

روی : شاه ایستاده کلاه آهنی مخروطی سردارد بجانش لباسی
است به شکل زره و بادست راست بالای میز کوچک چیزی تقدیم میکند،
دردست چپش چوب درازی میبشد .

شا او، نانو، شا او بازو دو کوشانو یعنی از شاه شاهان واسودوا
کوشانی

پشت : شیوا رو برو ایستاده . عقبش گاو معلوم میشود .

(۵۰) سکه مدور مسی وزن ۱۵۴ گرین اندازه « (۰۹) » انچ

روی : بقسم « ۴۴ » نوشته یونانی آن کامل خراب شده

پشت : مانند سکه « ۴۳ »

مسکوکات شاهان هیاطله

من های هفتالیت دراوائل قرن ۵ ب م ظهور نموده کوشانی ها
را موقتاً مضمحل و مدت تقریباً نیم قرن در افغانستان و پنجاب سلطنت
نموده اند مسکوکات ایشان قرار آتی است :-

مسکوکات « نیکي ها » يا کوشاني هاي « کوچک »

چون حين تهاجات هن هاي هفتاليت کوشاني ها مضحل شده واز آخريں ملجاء خود « علاقہ کابل » به کوها بالا رفته بودند نيم قرن بعد از سقوط هن هادوباره به وادي کابل فرو آمده و بسلطنت رسيده اند . اگرچه نام هاي ايشان صريحاً معلوم نميشود روى هم رفته سلسله شان به « کوشاني هاي خورد » موسوم است و ايشان را معمولاً « نیکي » هم ميخوانند و عصر شانرا بعد از وسطه قرن ۵ تا اخير قرن ۶ هم نسبت ميدهند . مسکوکات آنها عموماً نقره ئي و مسي - شکل آن بزرگ و نازک است . اين مسکوکات از روى شکل و اندازه به سکه هاي ساساني و از روى قيافه و لباس شاه به هندي نزديک است . شرح يك سکه آنها بطور نمونه فراير آتي است .

سکه مذکور نقره : وزن ۵۲٫۸ گرین اندازه « ۱۳ » انچ « ۵۳ » روى سکه : تصوير شاه بصورت نيم تنه قيافه شاه بيشتر به هندي شباهت دارد ، درگوش گوشوارم است و در كلاهش بالاي پيشاني ماه نوي ديده ميشود پيش روى شاه « نیکي ملك » و عقب او کلمه « شاه » نوشته است .

پشت سکه : در وسط مجمر دو پا يه ئي ديده ميشود و به دو

Toramanali « حوالی ۵۰۰ ب م »

« ۵۱ » سکه مدور مسي : وزن مساوی ۴۷٫۳ گرین

اندازه « ۸ » انچ

روی سکه : تصوير شاه بصورت نيم تنه و نيم رخ پشت سکه : در وسط سکه خطي افقي کشيده شده بالاي آن قرص آفتاب و پايين کلمه « تورا » به رسم الخط خروشتي نوشته شده است

مهي را کولا يا مهر گل پسر توراها نا

« حوالی بين ۵۱۰ - ۵۴۰ ب م »

« ۵۲ » سکه مدور مسي : وزن مساوی ۵۶٫۳ گرین

اندازه « ۷ » انچ

روی سکه : تصوير نيم تنه شاه به قيافه ساساني . به رسم الخط خروشتي چنين نوشته دارد : - شري « مهي را کولا » يا « کولا » پشت سکه : خط افقي در وسطه سکه - بالاي آن تصوير گاو . در روي بعضي مسکوکات نقره شاه به رسم کوشان ايستاده نمايش يافته و اين نوشته را دارد « شاهی می را کولا » بطرف چپه مانند مسکوکات کوشاني رب النوع بالاي تخت نشسته است .

مسکوکات هياطله از افغانستان و هند بسيار پيداميشود ليکن متاسفانه يکعمده زياد آن خوب تشخيص نميشود .

سالمنامه « کابل »

طرف آن دو نفر ایستاده بالای سر آنها عراده رسم شده ، نوشته آن خوانده نمیشود .
این سکه درموزه کلکته هند است .

مسکوکات کابلشا هان هنود

چون آخرین اولاده کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند جای ایشان را طبقه از اهل هنود گرفته و به سلطنت رسیده اند « ونسنت سمیت » مورخ انگلیسی در جلد اول کتلاک مسکوکات موزیم هند کلکته از زبان البیرونی صورت فضیه را چنین مینویسد که جاه آخرین شاه کوشانی کابل را که « لا گاتورمان » نام داشت وزیر برهمنی اش « کالار » گرفته و سلسله (هندوشاهی) را بیان آورد .

این دسته از ۸۷۵ تا ۱۰۰۰ ب م تا زمان ورود فاتحین اسلام و بعد تر در کابل زمین سلطنت نموده اند مسکوکات چند نفر آنها قراریکه در جلد دوم کتلاک مسکوکات موزیم هند کلکته تشریح یافته قرار آتی است :

اسیالاتی دوا Spalapati - deva حوالی

اواخر قرن ۹ ب م رقم گاو و سوار کار

سکه مدور نقره وزن - ۵۴ گرین

اندازه (۸) انچ

روی سکه : گاو در رفتار بطرف چپ بالای آن به زبان و رسم الخط

مسکوکات افغانستان

Sri Spalapati - deva هندی نوشته :

پشت سکه : پاد شاه بالای اسپ سوار است و نیزه را در دست راست گرفته . پیش روی او کلمه (گرا) به هندوئی نوشته شده

سامانتا دوا Smanta-deva حوالی اوائل قرن ۱۰ ب م (

رقم گاو و سوار کار

(۵۵) سکه مدور نقره : وزن ۵۱٫۲ نخود

اندازه - (۸) انچ

روی سکه : مانند سکه (۵۵) فوق

پشت سکه : « » « » « » متنها عقب سر شاه کلمه (بهی و) نوشته است .

مسکوکات مسی این شاه مانند سکه هائی نقره ای او میباشد

رقم فیل و شیر

(۵۶) سکه مدور نقره : وزن ۳۰٫۷ نخود

اندازه - (۷٫۸) انچ

روی سکه : فیل استاده است و پائین این نوشته است

Sri Samanta-deva

پشت سکه : شیر دم خود را قرقره نموده

واکا دو Vakk-deva (قرن ۱۰ ب م)

(۵۷) سکه مدور نقره : رقم فیل و شیر

وزن مساوی ۳۱۶ نخود

اندازه مساوی (۰۷۵) انچ

روی سکه : فیل و نوشته ذیل Sri Vakka - deva

پشت سکه : تصویر شیر

چوداوا یا کا Chudavayaka قرن ۱۰ ب م

رقم گاو و سوار کار

(۵۸) سکه مدور نقره : وزن ۷ ر ۴۹ نخود

اندازه ۰۴۷ انچ

روی سکه گاو Seri Chudavayaka

پشت سکه : سوار کار

ستا پالا Asta - Pala حوالی ۱۰۰۰ ب م

بعد تر

۵۹ سکه مدور نقره : وزن ۴۷ - گرین

اندازه ۰۶ انچ

روی سکه : کاو Asta pâla

پشت سکه : سوار کار

صنایع و فنون در افغانستان

صنایع ملکی - قسمت مادی

بقلم جناب احمد الله خان کریمی

عضو انجمن

مقدمه - اهمیت صنایع - سیر تدریجی صنایع مادی در افغانستان
 بصورت اجمالی - صنایع و فنون موجوده ملکی - خاتمه و تبصره .
 تحت عنوان فوق درصددیم تا بصورت اجمالی راجع بآن قسمت از صنایع
 و فنون وطن بحث را نیم که به عناوین خصوصی بدان اشاره رفته و تعلق
 به صنایع و فنون مادی ملکی (غیر از نظامی) دارد . نظر باین
 خصوصیت مقاله ، کارخانه های حربی که دران انواع آلات و لوازم
 حربیه و عسکریه اعمال میگردد ، بابعضی از صنایع و حرفت های خورد
 و ریزه دیگری که به عناوین خصوصی بدان اشاره نشده خارج بحث مانده
 است . ذواتیکه این مقاله را مطالعه میفرمایند البته این خصوصیت را
 مد نظر خواهند داشت . در تدریج این مقاله علاوه از یک سلسله مشاهدات
 و کنجکاویها و نوت های شخصی در قسمت تاریخی بیشتر از کتاب پرو فیسر
 (دنیسکی) و پرو فیسر (بارتولد) روسی کتاب قلمی تاریخ طاهری
 نگارش جناب محمد طاهر خان هراتی و تاریخ ترکستان (ترکی) تحریر
 مختار بکر و در خصوص مسائل علمی اقتصاد از کتب اقتصادی و در قسمت

مینماید و يك چیز مسلم است که در عوامل مستعمره گیری و کشورستانی آینده موضوع صنعت دخل قوی دارد. خلاصتاً میگوئیم که صنعت مولد ثروت و ثروت مولد قوت و قوت هم معاون تفکر یعنی آله فعل، شرط نهضت و بالاخره مرجع اسناد ملل و محور تحولات و تطورات است. این بود شمه از اهمیت صنعت اینک لازم است مختصراً به بینیم که سیر آن در افغانستان که يك مملکت خیلی باستانی است، چه بوده؟

سیر اجمالی صنایع مشهور در افغانستان:

صنایع افغانستان در ازمنه قدیم، تاریخ خیلی درخشان و مشعشع دارد. قبل از ورود اسکندر مقدونی این سرزمین از خود صنایع بزرگ و مخصوصی داشت. در زمان سلوکس (موسس سلسله سیلوکوها) صنایع یونانی با صنایع سابق این سرزمین مخلوط گشته و رفته رفته بعدی این صنایع مرکب ترقی نمود که در صنایع مشرق و حتی چین نفوذ کرد. باوجود از دست رفتن و تالف زیاد و آثار عمده در فتنه مغل و تهاجمات خراب کارانه کشورستانان سفاک و ۲۴ مرتبه منهدم شدن املاک (بلخ) و بیش تر از ده مرتبه از هم ریختن دیگر شهرهای افغانستان، از روی القاض تاریخی و سیاحتنامه های اجانب امثال یونانی ها و چینی ها و غیره میتوان ثابت کرد که این خاک مهد پرورش چه صنعت کاران زبر دست و چه کارگرهای با ذوق و سلیقه و ماهری مثل مجسمه سازان، سنگ تراشان، معماران، نقاشان

صنایع موجوده از مقاله «بیشرفتهای اقتصادی افغانستان» تحریر فاضل محترم «رشتیا» منتشره سالنامه ۱۳۱۵ و مقاله «جغرافیای اقتصادی افغانستان» تحریر جناب میر محمد صدیق خان منتشره سالنامه ۱۳۱۳ استفاده شده است.

اهمیت صنایع:

صنایع جهت استحصال ثروت و نیروی يك قوم و رفع قسمت کلی از احتیاجات جوامع بشر واسطه بس مهم است. اندك عطف نظر بماضی واضح میکند که بشر از آوان ترك مغاره ها و استفاده از پاره عاصر خارجی دست بدامن صنعت زده بیاری و مدد آن توانست برای خود بصورت خیلی ساده و بسیط خانه، لباس، آلات... و غیره تهیه کند تا از برودت، حرارت و حمله حیوانات درنده و هم نوعان خود مصون بماند. از همین تاریخ است که صنعت به نظرها محبوب جلوه نموده اهمیت آن حس و آهسته آهسته نظر به تنوع و زیادت احتیاجات بشری اهمیت آن کسب فرونی کرده انسانها در تکامل و ترقی آن بایک مجاهدت خسته گمی ناپذیری کوشیدند تا اینکه از دوره ابتدائی بدوره لوجه ویا «لوجه» (جمعیت صنفی) و (صنایع کوچک) و (ماونفاکتور - کارخانه ها) و بالاخره باین دوره محیر العقول صنایع بزرگ رسیدند. زبده و شروع این دوره اخیر الذکر اهمیت آن باندازه بلند رفت که دیگر امور نتوانست با آن رقابت و همسری کند. مشهودات بما ثابت میکند که دنیای صنعتی برای خریداری مواد خام بقیعت نازل و استهلاك مستحصلات خود چه مخارجات خفیه را روی کار آورده و چه کوشش ها

تصعید، ترشیح و غیره روی کار آمده مردم بدرجه بلندی به صنعت و حرفت اهمیت داده صنعت را بدرجه تقدیر نمودند که پادشاهان و حکام نیز برای یاد گرفتن صنعت، با طفلان خود نصیحت ها نمودند مساعدتها میکردند و بسی مرتبه در مواقع تشویق به صنعت از زبان ایشان این جمله شنیده شده که «صنعت انسان را از فقر نجات میدهد»

اگر بصورت مجموعی دوره های حضارت صنعتی اسلامیه را درین مرزبوم قید کنیم میگوئیم که ازدور عباسی ها گرفته الی او آخر دور مغل باصرف نظر نمودن از بعضی وقفه های خوردیکه باعث بعضی بر بادی ها گردیده، ادوار نهضت و تکامل صنعت بود عمارات کارخانه کاغذ سازی، رصدخانه ها و لوازم مسی و برنجی و غیره دور سامانی های بلخ، همچنان رصدخانه غزنوی و رسامی، نقاشی مسگری زرگری و حجاری و معماری و غیره زمان غزنویها و غوریها همه دلالت بر عظمت صنایع دور اسلامی این مرزبوم میکند. همچنان است دور مغل. لیک تاجیکه تاریخ بما معلومات میدهد این دور را خیلی درخشان تر میبایم چه پارچه های پشمی و ابریشمی آن در نفاست و خوبی سر آمد تمام پارچه های دنیا بود بالخاصه پارچه های زربفت تصویر دار آن تجار را از نقطه های خیلی دور دست بطرف خود جلب نموده بازار معاملات را گرم میساخت همچنان رسامی و مینا طوری به منتها عروج رسیده بود. مکتب هرات ابتدای صنعت رسامی و مینا طور شمرده میشود و در آنجا این صنعت بدرجه ترقی نمود که در بلاد مجاور نفوذ کرد چنانچه صنعت رسامی و مینا طور ایران را هم بلاشک میتوانیم گفت که از هرات نشئت کرده است. در زمان تیموریان، هرات یکی از پررگترین مراکز

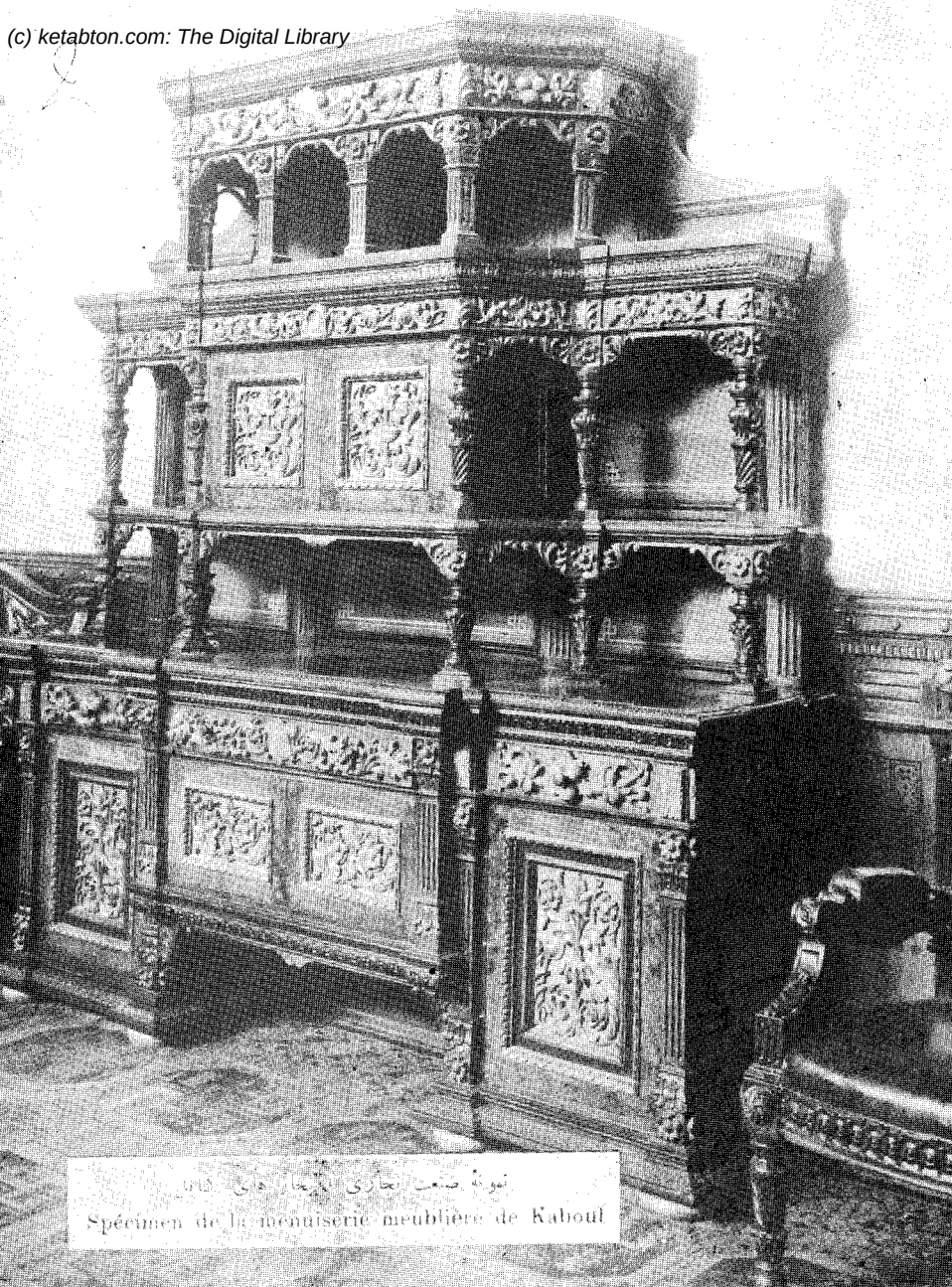
زرگران، (۱) و غیره... بود. در عهد کوشانیان عمارات و صنایع مخصوصا صنعت حجاری و مجسمه سازی باندازه ترقی داشت که بسی آثار آن تا حال در بازارهای دنیا بقیمت های خیلی گزافی بفروش میرسد. بخصوص در زمان کانشکاه اول، این ترقی به منتهای عروج رسیده عمارات پررگ و متعددی بنا گردید و همین موقع است که شکل صنایع بودائی بصنایع یونانی افزوده شده صنعت (گریکو بودیک) «یونانی و بودائی» بوجود آمد. و قتیکه انسان مجسمه های زمان برهمن و بودائی را با بسی آثار نقره ای و غیره تیکه در اثر حفاریات بدست آمده دقیقا نه از نظر میگذرانند ممکن نیست که انسان به پیش عظمت صنایع باستانی قبل از اسلام این مرزبوم متعبرانه سر فرود نیارد زیرا اکثر این اشیاء انقاضی باندازه دارای ظرافت و نازکی های صنعت است که انسان را در نگاه اول دچار بهت و تعجب میسازد. ازین گذشته هرگاه بدور ساسانیان نظر افکنیم باز هم می بینیم که این خطه شهرت پیشینه خود را از دست نداده تیکه های پشمی و ابریشمی و زربفت و قالین... ان باعث گرمی بازارهای دنیا بود. ازین بایان تر برویم: ظهور دیانت حقّه اسلامی گرچه در ابتدا صدمه بر رخ بعضی از صنایع این خطه فرود آورد لیک دیری نگذشت که علاوه بر احیای صنایع سابقه، به استثنای مجسمه سازی و هیکل تراشی، بسی چیزهای دیگری مثل آلات رصدخانه ها، اسطرلاب، اسباب تقطیر

(۱) در حفاریات ۱۹۰۹ از تهداب استویه ها تیکه کانشکاه اول در حصص مشرقی وطن بنا نموده بود بسی یادگارهای نقره ای بوجود آمده که عظمت صنعت زرگری آن وقت را ثابت مینماید.

بصورت خوبی این حقیقت را روشن میسازد همچنان بر وفق دیگر صنایع صنعت معماری این ادوار اسلامی هم قابل ملاحظه است . اندک مطالعه در تاریخ افغانستان برای انسان واضح میسازد که چه قصور و عمارات عظیم الشان و مجلل درین ادوار بوجود آمده و چه شهرهای قشنگ و بزرگی به نیروی معماران و نجاران وطن آباد و از دست جهان گیران سفاک منهدم و خاک ریز شده است ، باوجود این همه خرابیهای بس زیاد ، آثار نسبتاً کمی هم که از طوفان حوادث ندرتاً محفوظ مانده بصورت خوبی شهادت بر عظمت صنعت معماری آنوقت میدهد . در اینجا بطور مثال مصلی های هرات ، مسجد جامع هرات ، مضعج مولینا جامی و پیر بزرگوار شان ، مقبره حضرت خواجه عبدالله انصار ، روضه مزار شریف ، مسجد خواجه محمد پارسا در بلخ ، منارهای غزنی ، مسجد سنگی بابر شاه در کابل ، و غیره عمارات هرات ، بلخ ، قندهار را تذکار میکنیم خلاصه افغانستان از نقطه نظر صنعت الی او ایل قرن ۱۶ م (قرن ۹ ه) دارای شهرت بسزا بوده ازین تاریخ به بعد انحطاط آغاز و آهسته آهسته از اهمیت صنعتی خود کاسته رفت . گرچه در زمان اعلیحضرت احمدشاه درانی (۱۱۶۰ ه) صنعت معماری ، نقاشی ، نجاری ، اسلحه سازی و غیره سر از نو قدم بنمو گذاشت لیک محاربات پی در پی وقتی نداد که صنایع ترقی شایانی نموده همان شهرت از دست رفته خود را بصورت صحیح دوباره بستانند - بهترین نمونه معماری و نقاشی آن دور مقبره خود اعلیحضرت احمدشاه میباشد . منبت کاری های روی چوب عمارات آن وقت بطرز قلمدانی تاوه دان ها ، قرمز کاری ها و نقاشی

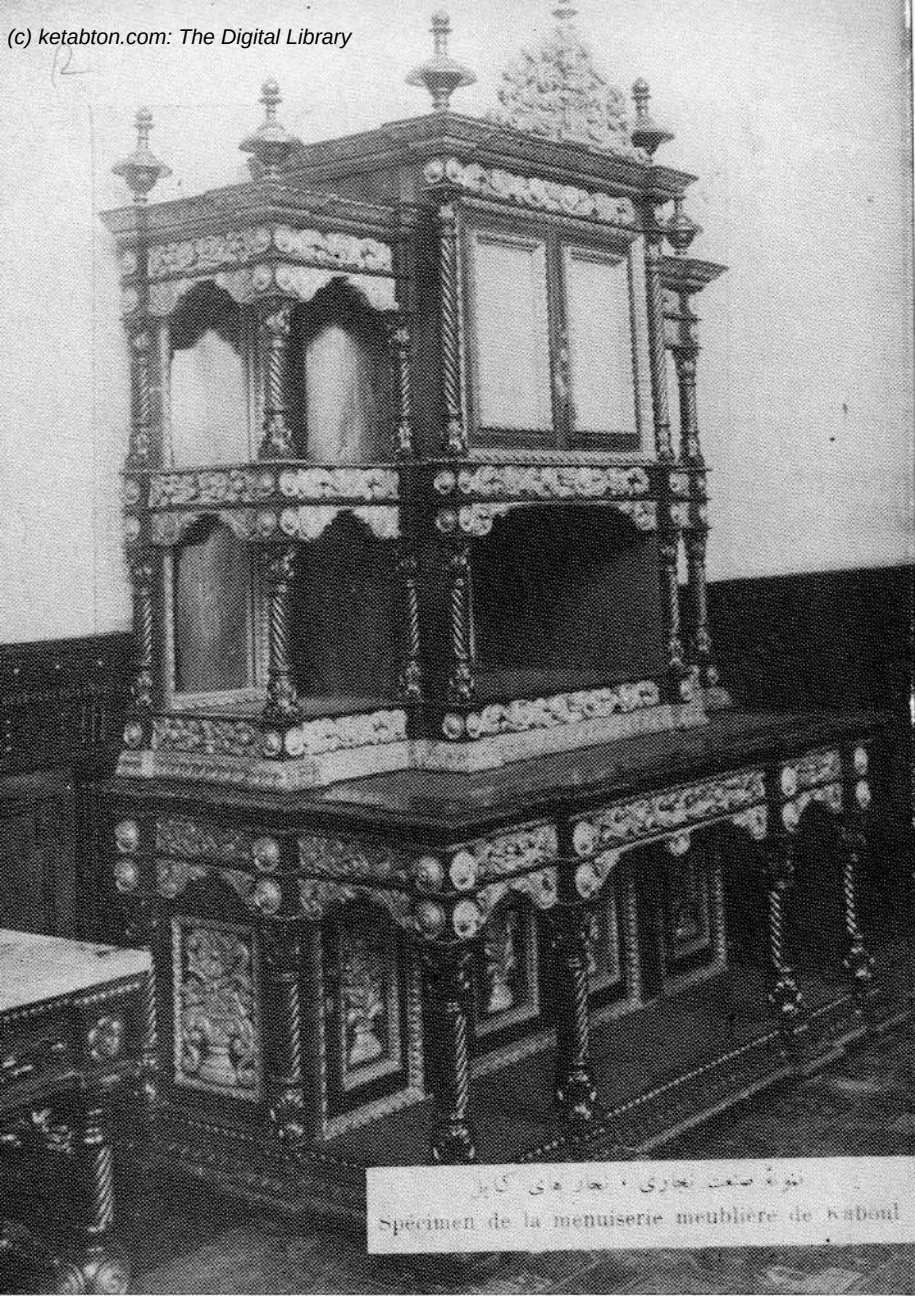
پرورش صنعت رسامی و میناتور بود . ابتداء تأسیس مکتب رسامی و میناتور در زمان شاه رخ ۱۴۰۵-۱۴۴۷ ع بوده و در ۱۴۳۳ ه کادمی استحاله نمود . ازین وقت است که نفوذ آن نخست در میناتور آسیای وسطی محسوس و رفته رفته رول مهم را بازی نمود . عروج انتهائی این اکادمی در زمان سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۹ - ۱۵۰۶ ع) بوده در (۱۵۰۷) با عظمت عمرانی هرات قشنگ یکجا از میان رفت . بهر اد بزرگترین و مشهورترین رسامان آنوقت بوده در ترقی اکادمی صنعت رسامی و میناتور هرات خدمات خیلی ذیقیتی نموده که آثار وی تا حال به نظر احترام دردنیا دیده میشود . در اثر همان خدمات قابل قدر و رسمهای قیمت دار وی است که دنیا برای وی عنوان (ره فائل شرق) را داد (۱) . راجع به رسمهای این وقت هرات خلاصتاً مستند به نظریه (مارتین) میگوئیم که هرات مرکز بهترین رسمهای عصر خود بود . صنایع مشهور هرات نه تنها منحصر به رسامی و میناتور سازی بود بل درین اوقات شهرت تکه های زربفت تصویر دار و ابریشمی و پشمی و قالین و قالینچه آن با کار زرگری ، برنج کاری ، آهن گری و غیره آن هم شهرت بسزا دارد . دیک برنجی که در سنه ۱۱۶۳ ع مطابق ۵۵۹ هجری اعمال و در هرات موجود است شایان تعجب و حیرت میباشد همچنان چراغ کوچک برنجی متعلق بقرن ۶ هجری که در موزیم کابل موجود است

(۱) بهزاد در سنه ۱۴۴۰ م در هرات تولد یافته از ایام خوردسالی نزد شخصی موسوم به سید احمد شروع بشغل رسامی نموده از ۱۴۶۸ - ۱۵۰۶ رئیس اکادمی رسامها و نقاشهای هرات بود .



نمونه صنعت نجاری و نجاری های کابل
 Spécimen de la menuiserie meublière de Kaboul

سیم گل کاری و سرطاق و گنبد بستن آنوقت خیلی استادانه بوده
 یادی از دور تعالی باستانی و وطن میدهد - این وضعیت دیری دوام
 ننموده در زمان فتور یعنی بعد از وفات اعلیحضرت تیمورشاه رونجاموشی
 گذاشت و تا زمان امیر عبدالرحمن خان صنایع بکلی خفک گشته اثری
 از آن معلوم نمیشود . در زمان امیر عبدالرحمن خان يك جنبش بسیار
 خفیفی در صنعت معماری و اسلحه سازی دیده شد علاوه از اینکه
 يك تعداد معماران و وطن شروع بکار نموده مثل مسجد عیدگاه و
 مسجد چوب فروشی چند عمارت خوبی ساختند کارگرهای انگلیسی
 هم خواسته شده معماران و نجاران وطنی جمع و بریر دست شان
 سپرده شد تا عمارت چند بطرز ارو پائی بسازند این معماران و
 کارگران حسب تعالیم و هدایات متخصصین خارجی چند عمارت
 بطرز ارو پائی که در آن کمی سلیقه معماری و طن هم دیده میشود
 با يك فابریکه باسم (ماشینخانه) ساختند درین فابریکه علاوه از
 کارخانه اعمال بعضی از اسلحه و لوازم ساده و بسیط حربی و غیره
 کارخانه نجاری ، رنگمالی ، شطرنجی بافی ، چوکی و میزسازی ،
 نقاشی ، مسگری ، کلاه دوزی ، خیاطی ، گلبت گری (لعاب کاری)
 ریخته گری ، ضرابخانه ... و غیره کارخانه های خورد - خورد هم
 بصورت ابتدائی وجود داشت که بذریعۀ دست بعضی فرمایشات شاهی را
 تهیه و تدارک مینمودند. در زمان پسر وی امیر حبیب الله خان این جنبش
 چیزی بیشتر شده فابریکه هایی چند مثل فابریکه چرمگری ، يك فابریکه
 مختصر پشمینه بافی (در ماشینخانه عمومی) باسه پایه ماشین برق
 جبل السراج تأسیس گردید. دیگر قسمتهای فابریکه عمومی ماشینخانه



صنایع و فنون در افغانستان

هم قدری وسعت یافت. از همه بیشتر صنعت زرگری خیلی ترقی نمود که این هم زاده احتیاج شخصی شاه بود. درکارخانه زرگری اقسام اقسام زیورات: گلوبند، انگشتر، دست بند، و انواع لوازم خانه مثل بشقاب، صراحی، قاشق، سماوار، آبخوره، آفتابه، لگن و غیره از طلا و نقره درست میشد. صنعت این زرگران باندازه ترقی نموده بود که میتوان گفت با کار زرگران دنیا همسری میکرد و همین زرگران است که در صنعت زرگری رول مهمی بازی نموده شاگردان شان تاحال شهرت بسزائی دارند. کارهای دستی این زرگران خیلی نفیس و قابل دید است و باید متذکر شد که این صنعت موجوده زرگری برای ما به صرف ملیونها روپیه نصب گشته است. علاوه بر این حرکت در نجاری، معماری و خیاطی و رنگمالی هم دیده شده: وی مثلیدر خود بزیر دست چند نفر انگلیس بعضی معماران و نجاران را و بزیر دست چند نفر استر یائی که در وقت حرب عموم فرار نموده و به افغانستان آمده بودند چند نفر رنگمال را داده بذریعه ایشان چندین عمارت مثل قصر د لکشا و چهل ستون و زین العمارت در کابل و سراج العمارت و قلعه السراج در جلال آباد و لغمان و همچنین سامن مویل و غیره را: اصول اروپائی ساخت. ازین به بعد معماران و نجاران و رنگمالان در اثر ممارسات متمادی به طرز معماری و نجاری و رنگمالی اروپائی هم آشنا شده اند که اندک پیشه خود را ترقی دادند همچنان چند نفر خیاط بزیر دست استاد خارجی به «مود» اروپائی هم آشنا شده کم، کم این مود را عمومیت دادند. نخست مثل برق، تلیفون و تلگراف هم در زمان وی با افغانستان



قالینچه نفیسی که از طرف شاگردان مکتب صنایع ساخته شده
Joli tapis fabriqué par les élèves de l'école des arts
et métiers

آمده آهسته آهسته وسعت یافته ترقی نمود. بعد از فوت امیر شهید حبیب الله -ان با اینکه چند فابریکه دیگری مثل فابریکه گوگرد سازی سمیت سازی، کارخانه شیشه سازی روی کار آمد لیکن بالعوض بعضی از شعب فابریکه عمومی (ماشینخانه) بکلی لغو و اکثر آن ده چند خورد گردید یعنی اگر در یک کارخانه یک صد نفر کار میکرد (۱۰) نفر باقی ماند و همین دوسه فابریکه تاسیس یافته بود جز فابریکه گوگرد سازی دیگران نتیجه نداده سبب مصرف لکها روپیه گردید. و نیز شرکتی بنام شرکت رفیق و ریاستی بنام (تعدیل صنایع) روی کار آمده تا اندازه اشیای نفیس و خوبی ساختند و هم مکاتب خیلی خوردی بنام رسامی، سمیت سازی شیشه سازی، مهندسی تاسیس گردیده اما دیری از تاسیس این مکاتب نگذشته بود که جز مکتب رسامی یکی متعاقب دیگر از باعث نبودن لوازم و اساس صحیح و اصول اساسی در همان آوان سقوط نموده هر کدام از شاملین برای خود شغل جدا گانه اتخاذ و نتوانستند که حتی مبادی صنعت را هم بخوبی بیاموزند چه رسد به اینکه در مسلک اعمالی از خود نشان دهند ضمناً چند مؤسسه مختصر فنی مثل اکسریز و دستگاه بسیار کوچک را دیو تاسیس یافت که در زمان انقلاب اکثراً تلف و از هم پاشیده شد. آمدم بقسمت معماری، نجاری، حجاری، درین صنایع نسبت به زمان امیر حبیب الله خان شهید چیزی ترقی دیده میشود: معماران، نجاران، حجاران در اثر یک سلسله کار تحت تعلیم و هدایات مهندسين وطنی و جرمنی ها و ایتالوی ها تا اندازه کسب مهارت نمودند لیکن این فائده ما هم مثل فائده ما در صنعت زرگری است که در اثر

صرف پول بس زیاد که معادل چندین قیمت عمارات آن وقت است یک عده عمارات معدود بوجود آمده و یک عده معماران، نجارها حجاران ما باصول تعمیر جرمنی، ایتالوی آشنا شدند. در زمان انقلاب اخیر فابریکه ها و کارخانه هائیکه از سابق باقی مانده بود اکثراً برهم و خراب شده پرزه ها و اکثر اسباب آن بدست هر کس و نا کس افتید. از زمانیکه زبانه بزرگ وطن اعلیحضرت فقید شهید (رح) سریر آرای سلطنت افغانستان شدند بر وفق دیگر امور معارف، عسکری، اقتصادی و... و غیره، صنعت و فنون هم آهسته آهسته سراز نوجان گرفته مانند طفل شیرخواری مجدداً به پا ایستادن شروع کرد. فابریکه های برهم و خراب حکومتی مجدداً تکمیل گردیده علاوه بر توسیع فابریکه عمومی بسا فابریکه های جدیدی مثل کارخانه ترمیم موتور و بسته کاری، دو کارخانه صابون سازی، کارخانه سنگ لاجورد، کارخانه تبل کشی از نباتات، کارخانه نجاری مرکز و کارخانه نجاری دارالفنون، کارخانه اساسی جراب و بنیان بافی، کارخانه دکمه سازی... و غیره کارخانه ها با بسی موسسات قیمتدار دیگر تاسیس گردیده وسائل تشویق و ترغیب صنعتکاران از هر سو مهیا گردیده و با اهل صنعت بسی مساعدتها بعمل آمد. برای اصلاح و بهبود صنایع نفیسه، مکتب صنایع نفیسه به اصول خیلی خوب و اساسی تاسیس و جهت ایشان معلمین لائق داخلی و خارجی استخدام شده که اکنون در بعضی شعب صنعت تأثیر این مکتب را بطور بارزی مشاهده میکنیم. گذشته ازین در قسمت فنون و معماری، نجاری، حجاری هم نهضت جدیدی دیده شده بسی عمارات عظیم الشان تعمیر و یک تعداد معماران، نجاران، حجاران

بالعمل بصورت بهتری کار آگاه گشتند علاوه بر مدیریتی باسم مدیریت عمومی فابریکات در وزارت فواید عامه تشکیل شد تا در راه ترقی فابریکات و صنایع وطن خدمت کثیری نماید چنانچه تا اکنون مصدر خدمات خوبی شده است. همچنین در همین زمان راجع به تلیفون و تلگراف اصلاحات خوبی بعمل آمده سلسله تلگراف و تلیفون در بسی ولایات و اطراف تمدید شد. خلاصه در زمان این پادشاه ترقیخواه، افغانستان با وجود مدت بس قلیل، گامهای وسیعی بسوی ترقی صنعت برداشت. در زمان خلف الصدق وی اعلیحضرت جوان بخت معظم المتوکل علی الله همه پلانها و پروژه های آن فقید شهید یگان یگان تطبیق شده از اثر آن روز بروز تطور بزرگی در امور صنعتی و فنی دیده میشود. در این زمان بر علاوه توسیع و اصلاح فابریکهای بزرگ سابقه مثل فابریکه بزرگ پشمینه بافی قندهار، کارخانه بزرگ نخ تابنی و پارچه بافی جبل السراج کارخانه عصری پخت چرم، کارخانه پشمینه بافی قندهار، کارخانه کنسروه (حفظ میوه) کارخانه سنگتراشی، کارخانه دباغی مزار، ماشین برق قندهار، ماشین برق هرات، مزار شریف، چهار یکار، ماشین دیزل ماشین خانه کابل، ماشین جدید برق جهت جبل السراج و غیره در همین زمان سعادت اقتران روی کار آمده است که جز کارخانه کنسروه و چرم گری و یخ سازی دیگر همه ان از طرف حکومت تاسیس یافته. بر علاوه بسی فابریکهای دیگر مثل فابریکه بزرگ نساجی که دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی است و فابریکه چرم گری و نجاری جدید ما و رای سه فابریکه نجاری سابقه با استیشن بزرگ تلگراف، رادیو، اکسریز (به استثنای اکسریز سابقه) و . . . و غیره در

شرف تسکیم و توریید است که عنقریب از اینها استفاده گرفته خواهد شد. ضمناً روز بروز به مکتب صنایع توجه شده معلّمین لائق استخدام و شعبات آن وسعت یافته میروند. همچنین در امور عمرانی ترقی محسوسی دیده شده میروند. برای صلاح امور عمرانی علاوه بر مدیریت عمومی تعمیرات و مدیریت مهندسی و شعبه مهندسی ریاست بلدیة کابل و دیگر ولایات که دارای مهندسین لائق بوده برای تعمیر اصولی پای تخت و باقی بلاد وطن خدمت میکنند در مرکز شرکتی باسم (شرکت عمران) تشکیل و دران مهندسین لائق و مقتدری موطّف گشته اند تا نهضت عمرانی را تسریع نمایند این ریاست علاوه از اینکه يك سلسله عمارات را تعمیر و نگرانی میکند حسب هدايات متخصصین آن، معماران و مهندسین دیگر هم بصورت بهتر و جدید تر کار آگاه میشوند. از اینهم گذشته بعضی اصولات Protection (محافظت صنایع ملکی) هم مثل منع صادرات اثاث البیت (چوکی میز، الماری و غیره) و قالین و غیره، ترنید محصول بر صنایع خارج و تشویق و ترغیب جبهه ساختن شرکتها، دادن انعام در جشنها، اعطای تقاوی هم بعمل آمده که اینهم نوید آتیه درخشانی را بوطن پرستان میدهد. از همه بیشتر اقداماتیکه راجع بتاسیس کارخانه بزرگ برق آبی بقوه ۳۰۰۰ کلووات برای تمویل کارخانه جات آتیه که در کابل تاسیس میشود و اقدام به توریید کارخانه سمنت سازی (غیر از کارخانه سابقه) و کارخانه قندسازی از بلبلو (غیر از کارخانه قندسازی مژمت طلب که از نیشکر قند میسازد) کارخانه ساخت پنبه هیدرو فیل برای شفاخانه ها و غیره مؤسسات فنی و کارخانه های صنعتی دیگر باقراردادیکه راجع به تیل نفت هرات با شرکت (ایتلیندا کسپلوریشن کمپنی)

کثیری از اهالی افغانستان را رفع و ضمناً منافع کثیری بدست آورد . تعداد مجموعی ماشینهای این فابریکه تقریباً بالغ به (۶۰) میشود .

فابریکه نختابی و پارچه بافی جبل السراج :

این فابریکه نیز از جمله فابریکه های جدید التاسیس است که بدوره فرخنده اعلیحضرت المتوکل علی الله تاسیس یافته . این فابریکه دارای (۷۸) پایه ماشین اتوماتیکی عصری بوده از بنه های وطن که خوبی آن دردنيا شهرت بسزائی داشته و در اکثر نقاط افغانستان به يك پیمانه خیالی زیادی بدست میآید نخ و پارچه های خوب نخی از قبیل : جیم کشمیره ها ، سرخی ، چیت مخصوص به يك پیمانه زیادی تهیه میکند . این فابریکه تقریباً مدت ۵ ماه است که تکمیل گردیده شروع بکار نموده است . تکه های این فابریکه از اکثر تکه های نخی خارج تفوق و مزیت دارد . در همین زودی ها محصولات آن در بازارهای وطن آمده گرمی بازار يك تعداد منسوجات نخی خارج را به برودت مبدل خواهد ساخت .

فابریکه نساجی کابل :

این فابریکه مدت زیادیست بکار انداخته شده روز بروز اصلاح و بزرگتر شده رفت . حاضرأ يك فابریکه بس مفیدی بوده به يك مقیاس زیاد تکه های گرم زمستانی و بهاری از پشم های وطن تهیه میدارد . این فابریکه هم شعبه شست و شوی ، خشک کردن و ریسن و بافت و غیره علیحده دارد . تکه های آن بصورت عمومی به سه نوع تقسیم میشود : املی ، اوسط ، ادنی ، تکه های اعلاي آن از اکثر تکه های خارجی ممنوعش برتری دارد . ماشینهای این فابریکه نیز برقی میباشد .

علاوه برین فابریکه ها يك فابریکه بزرگ دیگر نساجی که دارای

و قرار داد معادن جنوب که با يك شرکت آلمانی شده مارا بیشتر مسرور میسازد . خلاصتا باید گفت که درین عرصه ۳ سال حکومت ترقیخواه نهضت پسند ملت پرور ما باوجود مدت قلیل در راه صنعت و فن هم خدمت قابل قدری نموده است که اولاد موجوده و آتیۀ وطن باوجود مرور قرنهای این خدمات ایشان را نیز فراموش نخواهند کرد .

فنون و صنایع موجوده ملکی

قسمت مادی

صنایع متعلقه به منسوجات و پوشا که

دراثر اقدامات جدیانه حکومت موجوده صنعت نساجی روز بروز اصلاح شده و روشتر قیست و این صنعت را نخست به دو قسم تقریق میتوان کرد (۱) نساجی بذریعه ماشینهای برقی (۲) توسط آلات و کارگاههای دستی . کارخانه هائیکه بذریعه ماشینهای رقی فعلاً مصروف کار و تدارک منسوجات اند عبارت از فابریکه پشمینه بافی قندهار ، فابریکه نختابی و پارچه بافی جبل السراج و فابریکه نساجی کابل است که اینک تا يك اندازه راجع به آنها معلومات میدهم :

فابریکه پشمینه بافی قندهار :

این فابریکه از جمله فابریکه های جدید التاسیس بوده دارای بهترین و جدیدترین ماشینهای شست و شوی پشم ، خشک نمودن و تاب دادن و بافت و غیره اتوماتیکی است که هر نوع تکه پشمی بکمال نفاست و لطافت از آن بیرون می شود . این فابریکه درین نزدیکی شروع بکار نموده در عرصه کی بخوبی میتواند که يك قسم احتیاجات عده

زیادی بر رنگ های مختلف بصورت خوبی بافته میشود ، تکه فقهه يك تکه نازك و نفیس و برشته پشمی است که نخ آن در اثواب دادن زیاد چون نخ پنبه‌ئی باریک و عاری از موهای برجسته میگردد. ازین تکه خوب و نفیس اهالی کرتی ها ، واسکت ها ، چین های بهاری میسازند بافت آن بیشتر در هرات ، مزار ، قطغن و بدخشان صورت میگیرد رنگ آن مثل كرك و ترك مختلف است . بشرویه یکی از قسم های نازك و لطیف كرك است که از ان مردم کرتی ، چین ، پیراهن های زمستانی میسازند . گذشته ازین در شغنان ، نورستان ، سمت جنوبی ، پنجشیر بعضی تکه های مثل ترك بذریعه کارگاهای دستی میافند که اکثرآ از ان چین ها و چکن ها (۱) ساخته میشود .

در حصص مرکزی ، نورستان و سمت شمال مملکت شلهای مختلف کرکی و در کابل و استانای پتوهای مختلف بافته میشود و بالخاصه پتوهای نفیس کابل خیلی ها قابل تعریف بوده به يك پیمانه زیاد بخارج بفروش میرسد .

تکه های ابریشمی :

بذریعه کارگاهای دستی از ابریشم های وطن در کابل ، هرات ، جلال آباد سمت شمالی قنایز های خوب ، کیش بافها ، تسر ، لنگی های سر ، روجائی ، دستمال ... وغیره بافته میشود ليك تکه ها و اشیائی که در کابل و هرات ساخته میشود از همه نفیستر و بهتر بوده فروش آن به يك پیمانه محدودی در خارج هم صورت میگیرد . قنایز و لنگی های سر که مطابق لنگی های یردی بل براتب بهتر و خوبتر از ان است بیشتر تکه های قابل تعریف میباشد يك قسم تکه ابریشمی دیگری در حصص قطغن و بدخشان به اسم الچه

(۱) چکن نوع لباس است که اکثرآ مردم سمت جنوبی آنرا بغرض کرتی استعمال میدارند .

(۲۰۰۰) دستگاه عصری اتوماتیکی است قریب ۲ سال میشود که از طرف شرکت نساجی خریداری شده معطل تکمیل پاره ازاموار است که ان شاء الله بطرف یکنیم سال آئیده کار آن تمام شده بکار شروع خواهد کرد .

فابریکه بنیان و جراب بافی :

این فابریکه از مدتیست که جاری بوده انواع بنیایهای مردانه و زنانه ، جرابهای مردانه ، دستمال های گردن از پشم خالص وطن بصورت خوب و نفیسی میسازد که از اکثر امتعه خارجی بهتر و نفیس تر و با دوام تر است . این فابریکه دارای ۱۶۵ پایه ماشین برقی بوده یومیه محصولات زیادی میدهد . شعبه پشم ریزی فابریکه پشمینه بافی قندهار عقرب در قسمت تهیه پشم های باریک و لطیف این فابریکه خدمت خوبی نموده بقیمت ناظرتری امتعه درجه اول و خیلی اعلاي آن در بازار خواهد بر آمد . امتعه این فابریکه بیشتر در مغازه مخصوصه مدیریت فابریکه های عمومی بکثرت وجود میشود . آمدیم بقسمت دوم یعنی نسج بذریعه کارگاه ها و آلات دستی : صنعت نسج بذریعه کارگاهای دستی در اکثر نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد . بذریعه این کارگاهها کشمیره نخي و پشمی ليکه در جبل السراج و مشرفی و کابل میافند اکثرآ از تکه های بافت ماشین فرقی ندارد نقصی که مشاهده میشود تنها قلت استحصال است نسبت بر حتمکشی و صرف وقت . در بین تکه های پشمی ليکه بذریعه کارگاهای دستی بافت میشود تکه كرك ، فاقه ، بشرویه ، ترك ، شهرت زیادتری دارد . كرك و ترك خیلی مضبوط و گرم و با دوام است حتی دیده شده که بیشتر از ۱۰ سال هم با وجود استعمال زیاد دوام کرده است . این دو تکه جهت کرتی ، برجس ، بالاپوش استعمال میگردد كرك در هرات و میمه و ترك در علاقجات مرکزی ، غزنی ، سمت شمالی کابل و نیز هرات به يك اندازه

اکثراً از امتعه تجارتي اروپائي پس نيماند. بصورت عمومي امتعه پشمي عبارت از پنبانهای مردانه و زنانه، جرابها، دستمالهای گردن، کلاهها و غیره میباشد. آمديم به امتعه سندی، امتعه سندی عموماً از سندها نيکه از خارج میآید بافته میشود و این عبارت از جاکتها، روپنوسهای، سرمیزی های گلداز، کلاهها، چادرهای گل دار است. امتعه نخي منحصر به جراب، کلاه و پیراهن هامیباشد. این صنعت روز بروز درین مردم رواج پیدا کرده میرود. هرگاه اشخاصی که بذریعه دست جراب و پیراهن میافند نیز تهیه ماشین خورد دستی را بنمایند استفاده ایشان بمراتب بلند خواهد رفت. این صنعت بیشتر در کابل، هرات، قندهار سمت شمالی، مشرقی، علاقجات مرکزی، مزار رواج دارد.

بوت و موزه دوزی :

این صنعت درین اواخر ترقی خوبی نموده روز بروز دیده میشود که بازار چنین امتعه خارج سست و اموال وارداتی شان از سالی بسالی میماند. حاضراً فابریکه به اسم فابریکه بوت دوزی در حصه زنده بانان کابل وجود دارد که بذریعه يك تعداد ماشینهای برقی و دست دوز روزانه ۸۰ جوره بوت رقم سائری و ۷۰ جوره موزه اعلی و اوسط چیزی بوت خاصه تهیه میدارد علاوه يك عمارت جدیدی هم برای فابریکه جدید بوت دوزی تعمیر و يك تعداد ماشینها تهیه شده که چندی بعد مابقی کار آن تکمیل گردیده شروع بکار خواهد نمود. در شرکت و دکانهای شخصی کاراکثراً بذریعه دست است. تنها رویه بوت و موزه و غیره را بذریعه ماشینهای که بذریعه یا و دست چرخانده میشود میدوزند. این صنعت کاران از عهده دوخت هر نوع بوت و موزه و غیره

بافته میشود که دارای الوان مختلف بوده اهالی مزار و قطن بیشتر از ان چین های اعلی میسازند. علاوه در جلال آباد لنگی های سرشانه که حیواخی آن مزین با ابریشم های ملون است بصورت خوبی میافند.

نسج امتعه نخي :

کشمیره های مختلف، تسر، چادر شبها، لنگی های سر، لنگی های سرشانه، روجائیها، دستمالهای دست، کرباسهای اعلی و غیره به يك اندازه زیاد از پنبه های تاب داده وطن و نخ های خارج در اکثر نقاط افغانستان و بالخاصه جبل السراج و نواحی کابل، مشرقی بافته میشود. لنگی های سر نخي که در جبل السراج و جلال آباد ساخته میشود مطابق لنگی های بشاور است علاوه در مشرقی يك نوع لنگی های سرشانه با حاشیه های مخصوص از نخ تیار میکنند که مورد احتیاج اکثر اهالی مشرقی میباشد و نیز در حصص شمال وطن تکه هایی به اسم لچه از نخ به الوان مختلف (رهدار و غیر رهدار) بکثرت تهیه میدارند بعضاً گلابتون و ابریشم و نخ را مخلوط نموده تکه خوب و نفیس تری بوجود میارند.

انواع بافت بذریعه آلات دستی :

به استثنای کارخانه بنیان و جراب بافی، در بسی نقاط افغانستان بکثرت زنها و مردها وجود دارد که بذریعه ماشین خورد دستی و کرشیل و سیخها مصروف بافت انواع امتعه اند. چنین امتعه بصورت عمومی عبارت از سه قسمت است: پشمی، سندی، نخي، قسمت پشمی آن به دو تقریق است. امتعه که دران پشم تاب داده آلات دستی (که بذریعه چرخه و چیلک تاب میدهند) و امتعه که با پشم تاب داده ماشین افت میشود. امتعه نيکه بذریعه پشم اول الذکر بافته میشود قدری کلفت و درشت است اما امتعه نيکه از پشم موخر الذکر ساخته میشود خوب و نفیس بوده

گاو میشی و آهوگی را گرفته بصورت چپه و بعضاً راسته بصفتی بطرز مخصوصی دوخته به آن پسکی دراز تر از نیم ساق و بینی چپه داده تلی های مضبوط و محکمی را ضم و در وسط رویه آن جری میکشند. پیزارها چون بوتهای جیر حاجت پروغن و جلا نداشته بدون استعمال هیچ نوع مواد شحمیه چندین سال داشت و دوام دارد بعضاً بروی پیزارها از ابریشم و بعضاً هم از گلابتون گل هم میدوزند این صنعت در تمام جلال آباد، کابل، غزنی، قندهار، هرات بیشتر رواج دارد.

پوستین دوزی :

اکثراً پوست بره، روباه، خفک، سگ آبی، قره گلی... و غیره را گرفته بعد از دباغی بصورت مخصوصی جهت خنک های زمستان پوستین و پوستینچه های اعلی و خوبی میسازند. نظر به دیگر پوستها از پوست بره بیشتر پوستین تیار میکنند. مهمترین مراکز پوستین دوزی غزنی، هرات، سمت شمالی (استالف و چهار یکار)، کابل (زنده باقان و بی بی مپرو) میباشد. در این مواضع پوستین به یک اندازه خیلی زیادی ساخته شده در بازارهای داخل و خارج بفروش میرسد. پوستین های غزنی در همه جا شهرت بیشتری دارد. این صنعت روز بروز اصلاح شده اکنون مطابق ذوق هر نوع مشتری بقسم یلان، بالاپوش و غیره نیز میسازند اکثراً پوستین های بره ئی را که در روی آن رویه از تکه گرفته نمیشود بادوخت ابریشم های نارنجی و زرد مزین میکنند. به استثنای پوستینهای که در فوق بدان اشاره رفت و درین مملکت به کثرت وجود دارد از پوستهای سمور، خز، آلتای... هم پوستین های نفیس و خوبی

برآمده کار را بکمال نفاست و خوبی میکشند. اکثراً بوت و موزه های ساخت وطن از بوتهای کم دوام تجارتنی خارج بمراتب برتری و مزیت دارد. درین صنعت بوت دوزهای کابل و قندهار شهرت بیشتری دارند. ثمره دست همین صنعت کاران است که احتیاج یک طبقه زیاد را تدارک میکشند. از ۱۰ هزار یک نفر خواهد بود که ازین قبیل مستحصلات وطن استعمال نکرده امتعه خارج را ترجیح دهند. خوریکه در فوق به ان اشاره رفت بوت دوزهای وطن تنها بوت و موزه تهیه نکرده بوت موزه، گیتس، بوت نیم ساق و ساقدار، سلیمیر مسیح سرپائی، چپلی... هم یک تعداد زیاد اعمال و در معرض فروش میگذارند. خلاصه این صنعت یکی از صنایع ترقی یافته وطن است لیک نقصیه که دران وجود دارد همین اجتهاد انفرادی صنعتکاران بارار و عدم توجه به تاسیس شرکتهائست که از عهده تورید ماشین های برقی برآمده بتوانند. اگر به این هم موفق شوند در آینده قریب میتوانند که بمقابل امتعه خارجی که محصول ماشین های بزرگ است در بازارهای خارج نبرد آزما گردند. گرچه شرکتی بنام «شرکت رفاه» تاسیس و چندی از کار یگرها جمع و رونقی بکار بخشیده اند لیک از باعث قات سرمایه نتوانسته که ماشین های لازمه برقی تورید و درجه مستحصلات خود را به اندازه که از واردات خارج بی نیازی حاصل شود، بلندبرد.

پیزار دوزی :

این صنعت از ادوار تاریخی درین مملکت رواج داشته حاضراً هم مثل بوت و موزه به یک پیمانه خیای زیادی اعمال میگردد. صورت ساختمان پیزارها به این طریق است که اکثراً چرمهای گاو و

سالنامه « کابل »

میسازند. خلاصه این صنعت با کمی اصلاحات فنی يك صنعت خیلی قیمتدار شده بخوبی میتواند که در بازارهای مناطق بارده و معتدله مشتریهای بس زیادی پیدا کند.

خیاطی :

در خیاطی از زمان امیر عبدالرحمن خان تجدید دیده میشود و مشارالیه يك عده خیاطها را برای کار شخصی خویش بر دست يك نفر خارجی داده و ادارشان به آموختن خیاطی جدید نمود. همچنان امیر حبیب الله خان نیز خیاط خانه شخصی تحت اثر يك نفر خارجی داشت که اکثر خیاطها ازان استفاده نموده اند. از همین تاریخ است که بعضی خیاطهای وطن به «مود» اروپائی هم آشنا شده آهسته آهسته ان را عمومیت دادند. حاضراً بسی خیاطهای ماهری در وطن وجود دارد که از عهده دوخت هر نوع لباس اروپائی و ملی بخوبی بدر شده میتوانند. تمام خیاطهای وطن جز امور یکه از ماشین ساخته نیست قسمت زیاد دوخت خود را ذریعه ماشینهای دستی خیاطی اجرا مینمایند. در سه گذشته برای زیادت خیاطهای خیلی ماهر و متخصص، صنفی برای خیاطی در مکتب صنایع نفیسه ایزاد گشته که دران به اندازه ۴۵ نفر طلبه بریر دست يك نفر متخصص وطن مصروف تعلیم خیاطی اند.

کلاه دوزی :

کلاه دوزها دو قسم اند، کلاه دوزهاییکه کلاه های رقم عسکری و مامورین ملکی از قبیل قره گلی، بیری، شاپو، کاسکت میسازند و کلاه دوزهاییکه کلاه های قتیله ئی قرص مردانه و زنانه سیم دوزی تیار میکنند کلاه دوزهای اول الذکر از عهده ساخت هر نوع کلاه

صنایع و فنون در افغانستان

بدر شده بسی کلاه های قشنگ و نفیسی میدوزند این نوع کلاه دوزها بیشتر در کابل و دیگر شهرهای مهم وجود دارد. کلاه دوزهای موخر الذکر هم در رقم کار خود ماهر بوده انواع کلاه های قرص و سیم دوزی و غیره میدوزند. در ساخت کلاه قرص و سیم دوزی کلاه دوزها و عرقچین دوزهای قندهار و کابل و در دیگر نوع کلاه های قتیله ئی و غیره مزار، فطعن و بدخشان، مشرقی، هرات و کابل شهرت و مهارت بیشتری دارند. این قسم دوم کلاه و عرقچین دوزی اکثر مشغله زنهار است

دکه سازی :

جهت ساخت دکه های مختلف شاخی خورد، وسط و کلان يك کارخانه در کابل موجود است که بذریعه ۱۵ پایه ماشین برقی و متخصص و کارگرهای وطنی از شاخ گاو، بز و شنگل های گوسفند و غیره دکه های خیلی خوب و قشنگ مثل دکه های شاخی خوب و نفیس خارج میسازند. این کارخانه از ۸ سال باینطرف مصروف کار میباشد علاوه برین در شعبه ریزه کاری ماشینخانه عمومی دکه های برنجی محراب و مشردار و در دکانهای ریخته گرا دکه های برنجی ساده به يك پیمانه زیادی اعمال میگردد

صنایع متعلقه غفروشات

قالین و قالینچه :

این صنعت مثل صنعت حجاری يك صنعت خیلی مشهور قدیمی است. حاضراً در افغانستان انواع قالین های منقش و زیبا که از حیث دوام و بخت گوی رنگ و نفاست با تمام قالین های اعلائی دست

ساخته میشود. این صنعت هم يك صنعت قدیمی بوده با چیزی
تغیر و ترقی تا حال دوام نموده است صورت بافت آن مثل قالین
ذریعه کارگاه دستی بوده نظریه قالین سهل تر بافته میشود. مشهورترین
ونفیس ترین گلم ها گلم های: حصص شمالی، مقری، اندری، فراهی، هراتی
میباشد. بعض گلم های فرمایشی بزرگ فراهی، قاقمه ئی، مزاری
هرانی به اندازه ۴۰۰ و ۵۰۰ افغانی هم قیمت دارد. بر علاوه مواضع
فوق در حصص سطح مرتفع مرکزی، غور بند، سمت شمالی کابل، غزنی
و غیره هم به يك پیمانه و سیمی گلم میسازند لیکن این گلم ها اکثر
بدرجه دوم و سوم است. درین گلم های قاقمه ئی، مزاری، فراهی
مقری و غیره آنطور گلم های مضبوط پیدا میشود که بیشتر از ۳۰
۴۰ سال دوام دارد اگر از طرف کارگرافداری دقت بعمل آمده
در طرز و رنگ آن ذوق و سلیقه بخرج دهند این صنعت بیشتر ترقی
یافته مشتریهای خارج را زیاد تر بسوی خود جلب خواهد نمود.
چنانچه اخیراً صنعت گلم بافی در محس عمومی با اصول صحیح ترقی کرده و از
لاحظه مضبوطی ساخت و خوبی رنگ و نفاست خود خیلی جالب توجه واقع شده است

شطر نجی :

شطر نجی يك فرش بهار است كه از نخ های تاب داده
بذریعه کارگاه دستی بصورت گلم نازك، بافت و در بهار بموض قالین
و گلم استعمال میشود. این صنعت در جبل السراج، شتل، سالنگ، مقر
بکثرت وجود دارد مستحضرات آن عبارت از فرش خانه سرچهار پاگی ها
جای نمازها میباشند باین نوع شطر نجی ها ابتداء در زمان امیر عبدالرحمن خان توجه
بعمل آمده مشارالیه يك کارخانه شطر نجی بافی تأسیس نمود که در آن

بافت دنیا همسری میکند بذریعه کارگاه های دستی از یشم های متنوعه
وطن به يك پیمانه خیلی زیادی بافته میشود. این صنعت به اعتبار اکثریت
مشغولیت و بیشه خانهاست. مشهورترین قالین و قالینچه های افغانستان
قالین و قالینچه های دولت آبادی، قزل ایاقی، آقچه ئی، کرخی،
کابلی (۱) و غیره میباشد ليك از همه اینها قالین ها و قالینچه های
دولت آبادی بهتر و نفیس تر است زیرا همان قالین موری (مروی) که
سابقاً در مرو ساخته میشد اکنون بهمان نفاست توسط همان صنعت کاران
در دولت آباد افغانستان بکثرت اعمال میگردد. صنعت قالین بر علاوه مواضع
فوق الذ کرد در فراه و اسفزار... و غیره جاهای هرات و قندهار بکثرت
وجود دارد ليك باعتبار اکثریت باقالین و قالینچه های مواضع فوق
الذ کر چه از نقطه نظر بافت و چه از نقطه نظر رنگ همسری
کرده نمیتواند.

اکثر قالین های افغانستان به اندازه بادوام و مضبوط است که با وجود
استعمال دائمی الی ۱۰۰ سال هم دوام دارد. در ظرف این مدت
در رنگ های پخته آن نیز تغییری رخ نمیدهد.

مستحضرات قالین به اندازه زیاد است که قسمت زیاد آن در داخل
ویک قسمت آن در خارج بفروش میرسد. این صنعت روز بروز رو به ترقی
بوده سالانه يك تعداد صنعت کاران ماهر چه از مکتب صنایع نفیسه و چه
از زیر دست صنعت کاران دیگر خارج میشود.

گلم :

گلم در افغانستان يك فرش عمومی بوده به يك پیمانه خیلی زیادی

«۱» در کابل از طرف طلاب مکتب صنایع نفیسه و فارغ التحصیل های
آن مثل قالین و قالینچه های ایرانی و فروشات نفیس ساخته میشود.

تیل تولید برق مینماید بقره ۲۲۰ کیلووات در ماشینخانه کابل، یک ماشین آبی بقره ۵۰۰ کیلووات در هرات، ماشین بقره ۳۰۰۰ کیلووات در قندهار، ماشین آتشی بقره ۲۵ کیلووات در مزار، ماشین آبی بقره ۲۰۰ کیلووات در پغمان و ماشین بقره ۲۵ کیلووات در جلال آباد وجود دارد که از تمام آنها جهت تنویر و غیره بذریعۀ متخصصین و کارگرهای داخلی و چند نفر مستخدمین خارجهی کار گرفته میشود. بر علاوه این ماشینها در همین نزدیکیها چند ماشین ترین جدید بقره (۹۶۰) کیلووات برای فابریکۀ برق جبل السراج وارد شده است. گذشته ازین چون کارخانه های متعدد دیگری در نظر است بکار افتد فابریکۀ مالک ماشینهای چند بقره (۳۰۰۰) کیلووات برای مقام وردک که کرد تعمیر آن جاریست و ماشین بقره (۴۵) کیلووات برای چهاریکار تهیه دیده شده که عنقریب ماشینهای آن وارد و بموضع مذکور نصب خواهد شد. خوشبختانه وجود آب فراوان و آبشارهای قدرتی زیاد جهت انبساط کارخانه جات برق سهولت زیادی پیش کرده و بنابراین ترفی آئینۀ کارخانه جات برق که عامل درجه اول ترقی و توسعه صنایع است یک امر یقینی میباشد.

تلفون و تلگراف سیم دار :

تلفون به تمام ولایات و حکومتیها و حتی علاقه داربها تمدید یافته روز بروز دامنه آن وسعت یافته میرود ازین جمله اکثر سیمهای تلفون و تلگراف سیمدار یکجا میباشد و بهمه نقاط مهمه بخابره میکنند. حاضرأ به ایندرجه تعمیم یافته که در شهرهای مهم علاوه بر تمام دوائر و شعب رسمی

به الوان و اقسام مختلف سطرانچی بافته میشود. اینک در محبس عمومی یک شعبۀ سطرانچی بافی در جلۀ دیگر شعب صنعتی از طرف حکومت متبوعه تأسیس یافته که مجوسین بکمال ذوق و شوق این صنعت را آموخته کار میکنند.

نمد :

بمثل قالین و گلم و غیره کارگاه نداشته بذریعۀ فشار و ماشینهای متعددی و زیادیک فرش گرم برای خنک های زمستان تهیه میدارند این صنعت بیشتر در هرات، فراه، قندهار، وردک، حصص سطح مرتفع مرکزی وجود دارد. نمدآبداری هرات که آنرا نمد کرکی هم میگویند که نفیس ترین و خوبترین نمدهای افغانستان است. بعد ازین، نمدهای سه تکه ئی هرات و ازین بعد تر نمدهای سه تکه قندهار سپس نمدهای دیگر حصص میباشد.

برق و آلات مختلفۀ برق

فابریکۀ و ماشینهای تولید برق :

چون برق در امور صنعتی موجوده دخل قوی دارد و آن بمثابۀ روح صنایع بزرگ ماشین است لذا در افغانستان از چندینست که بدان توجه شده و روز بروز به ترقی و توسیع دامنه آن اهتمام میشود. فریب ۲۲ سال قبل سه ماشین آبی بقره ۱۵۰۰ کیلووات در جبل السراج نصب و ازان یک قسمت اهالی شهر کابل و بعضی فابریکۀها استفاده مینمودند لیک رفته رفته ماشینهای متعددی تولید و دامنه آن تا اندازه وسعت یافت در حاضر بر علاوه سه پایه ماشین فوق الذکر یک ماشین دیزل که بذریعۀ

رادیو :

تا اکنون استیشن صحیح در افغانستان وجود نداشته و یک استیشن بسیار خورد مرسله که محض جهت شهر کابل در سابق وجود داشت در زمان انقلاب وطن بکنی از میان رفت. حکومت متبوعه از چند یست به تهیه یک استیشن بتوه ۲۰ کیلوات اقدام فرموده که عنقریب انشاء الله تمام لوازم آن تکمیل یافته شروع بکار خواهد نمود. برای نصب و ترمیم و رفع نواقص رادیو های که بدست اکثر اشخاص موجود بوده و از استیشن های خارج استفاده میکنند چند نفر متخصصین داخلی وجود دارد که بسی رادیو های مرمت طلب را ترمیم و تکمیل مینمایند .

آلات مکبرالصوت :

چند دستگاه مکبرالصوت که اصوات را برای استماع یک جم غفیر ، بزرگ میسازد وجود داشته در اکثر نطق ها از آن استفاده میشود کارگران آن هم داخلی بوده در صورت خرابی بعضی حصص آن از طرف او شان ترمیم و تکمیل میشود .

لوازم برقی جهت معاینه و تدایوی :

یک موسسه از طرف حکومت در کابل وجود دارد که بنام «موسسه اکسریز» یاد میشود این موسسه دارای چهار شعبه میباشد : اکسریز دیاترمی ، ویربوستاد ، کوارتس لمپ . اکسریز آن داری رادیو سکوی ، رادیو گرافی ، رادیو تراپی است . اول الذکر برای معاینه و دومی برای گرفتن عکس اعضای داخله وجود و سومی برای معالجه بعضی امراض مثل

شایقینیکه استعداد تادیه محصول آن را دارند به یک تعداد زیادی بخانه ها و شرکت های خود تلفون دارند. درین چند سال اخیر تلفون های مرکز بصورت سیستم جدید « سنترل بیتری » و سیم های آن همه « کیبل » زیر زمینی شده امور مخا براق ذریعه تلفون به یکصورت بسیار منظم و خوبی جریان یافته است . برای مخا برات (شخصی) محصول هم تسهیلات خوبی فراهم گردیده هر شخص بتادیه محصول خیلی جزئی بدور ترین زوایای مملکت شخصا مخا بره میتواند بر علاوه تلفون سیمدار یک نوع تلفون بی سیم هم وجود دارد که از کابل باهرات و مزار و دایزنگی مخا بره میکند. متخصصین و کارگرا اکثر داخلی و فقط چند نفر خارجی میباشد .

تلگراف بی سیم :

فعلا بذریعه تلگرافهای موجوده فیما بین کابل ، هرات ، میمنه مزار ، دایزنگی و ترمز (و توسط ترمز بدیگر نقاط خارج) و در صورت سقوط سیم تلفون تورخم با پشاور بحروف (مورس) مخا بره میشود. در صورت تکمیل کار مرکز مخا بره متون (سمت جنوبی) که در همین زودی ها تکمیل خواهد شد با آنجا هم مخا بره تلگرافی جاری خواهد شد . بر علاوه این ، یک استیشن خیلی بزرگ عصری در زیر کار است که جز کار نص کردن « آیرل » آخذ و بعضی کار های جزئی ، دیگر امور فنی و تعمیر آن تکمیل شده که بعد از سه چهار ماه ان شاء الله با تمام نقاط دنیا بالخاصه اروپا و امریکا و آسیا مستقیما مخا بره خواهد شد. متخصصین و کارگرا های تلگرافها جز یک دو نفر خارجی دیگرها تماما داخلی میباشند که بعض در خارج و برخی در همین جا تحصیل کرده اند .

از چندینست که مصروف تحقیق و تتبع بوده عنقریب بصورت اساسی شروع بکار خواهند نمود .

حکاکی :

به نسبت وجود احجار کریمه زیاد و قیمت دار، این صنعت مدتهاست که در افغانستان وجود داشته از آنها ولاجورد بدخشان ، یا قوت و سنگ شام مقصود و غیره احجار نفیسه دیگر حصص مملکت دانه ها و بعضی اشیاء خیلی نفیس میساختند. امیر عبدالرحمن خان چند نفر حکاک ها را جمع نموده جهت کار شخصی خود داخل ماشینخانه ساخت ازین تاریخ به بعد حکاک های ماهری دوباره بوجود آمد لیک به نسبت عدم وجود ماشین نمیشد که از معادن به یک پیمانه زیادی کار گرفته شود. حکومت موجوده باین موضوع ملتفت گشته تقریباً سه سال قبل با اندازه ۱۵ پایه ماشین حکاکی احجار کریمه از خارج وارد نموده بکار انداخت که اینک آثار آنرا در بازار های وطن و خارج ملاحظه میکنیم. درین فابریکه اشیائیکه حکاکی میشود عبارت از سنگهای سرهیزی، دسته تابه های مهر ، خاکستر دانهها، نگینها. و غیره، از سنگ لاجورد - و نگینهای زیر گوشی ، انگشتر و غیره از معین امتیست و یا قوت و غیره میباشد. حکاک های قندهار و کابل که به ذریعۀ آله های دستی کار میکنند نیز بعضی نگینها و قطبهای نضوار دماغ و سگرت و حتی پیاله و نعلبکی ، بوطالبهای خورد ، سنگ های سرهیزی و غیره از احجار قیمت دار بکثرت میسازند. بالخاصه حکاکهای قندهار تسایح و غیره اشیائیکه از

سرطان و غیره میباشد . شعبه (۲) که عبارت از دیاترمی است برای تداوی روماتیزم، فلج و غیره تخصیص یافته و شعبه سوم برای کزوری و فلج گشت و پا و شعبه (۴) یعنی کوارتس لمپ جهت شعاع جلد و تداوی سالادانه و غیره میباشد . و هم یک دستگاه اکسریز در ساتوریم وجود دارد که مریض های سل یومیه ذریعۀ آن معاینه میشود کذا در دیگر شفاخانه ها و مؤسسات هم بعضی لوازم برقی وجود دارد که بعضی امراض را بذریعۀ آن معاینه و معالجه مینمایند . بر علاوه این ماشینها لوازم برقی ، حکومت یک دستگاه مکمل و جدیدترین معالجات برقیه را خواسته است که بعضی لوازم آن رسیده و مابقی آن عنقریب وارد و به ذریعۀ متخصصین وطن بمورد استفاده اهالی گذاشته میشود .

صنایع معدنی

کشف و قرار داد معادن :

در افغانستان روز بروز بمعدن اهمیت زیادی تری داده میشود بالخاصه درین اواخر توجه مخصوصی را جمع به آن شده یک تعداد متخصصین لائق خارجی و داخلی مامور شده اند تا حتی الامکان معادن را کشف نمایند چنانچه تا کنون متجاوز از ۳۰۰ معادن مفیده متنوع کشف گردیده که نمونه های آن در موزیم وزارت تجارت موجود بوده و از چند آن استفاده هم شده است. علاوه برین درین زوایا راجع به معادن تیل هرات به همراه کمینی اینلیند اکسپلوریشن امریکائی و راجع به معادن سمت جنوب با شرکت المانی که با شرکت افغانستان متفقاً کار خواهد نمود قرار داد شده چنانچه نمایندۀ ایشان ایشان

سالنامه « کابل »

سنگهای نفیس لاجورد، سنگ شاه مقصود و غیره میسازند خیلی نفیس و بیمثل است.

زر شوئی:

این صنعت در قطغن و بدخشان بکثرت وجود داشته بذریعه پوست های گوسفند و بز و غیره از دریای کوکچه بیشتر در ایام خریف بصورت خصوصی ذرات طلا را جمع میکنند بر علاوه در کابل و بعضی شهرهای دیگر افغانستان هم خاک شویهای وجود دارد که ذرات طلا و نقره را از بین خاک ها و براده مس و غیره جدا مینمایند. اما سه سال پیش برای زرشوئی ماشینهای جدید خریداری و در ولایت قطغن بکار انداخته شده که ذرات طلا را بصورت فنی جمع آوری میکنند.

صنایع متعلقه بفلزات

زر گری:

این صنعت هم يك صنعت خیلی قدیمی بوده در معابد و مساجد بسی آثار قیمدار و نفیسی که در دیگر جاها مثل آن بندرت سراغ میشد وجود داشت. این نوع شاه کارهای صنعت دردورهای اسلام بیشتر و بهتر از سابق بنظرها جلو گر بوده اشیاء مصنوعه اوشان باعث حیرت ناظرین میگردد در قرون اخیره این هم مثل دیگر صنایع رو بخاموشی گذاشته بود در زمان شهنشاه افغان اعلیحضرت احمد شاه دوباره شروع بحیات نوین نموده با وجود بعضی وقفه ها آهسته آهسته

صنایع و فنون در افغانستان

ترقی نمود وحد انتهای ترقی آن در زمان امیر شهید حبیب الله خان بود چه وی از باعث احتیاجات زیاد شخصی به این صنعت توجه خاصی داشت. اکنون بعضی از همان زرگران و بسی شاگردان شان وجود داشته در بازارهای شهرهای مهم افغانستان و با لخاصه کابل مصروف ساخت انواع زیورات نفیس و قابل دید از قبیل کلو بندها دستواها، طوقها، لاکت ها، انگشترها و آویزه های گوش دانه نشان و منقش طلائی و اشیا و زیورات فشنگ نقرهئی میباشد حتی اینها از روی نمونه کتلاک از عهده ساخت بسی زیورات اروپائی و ظروف که عمل آن بدست ممکن باشد بخوبی بدر شده میتوانند. گذشته از این بعضی صندوقچه ها و قطی ها و سگرت دانی ها و غیره سامانهای ظریف و کارآمد منقش طلائی که در روی آن خطوط نقره بصورت نفیسی کار شده باشد میسازند. علاوه سواد و مینا کاری هم از دست استادان ماهر پوره بوده بخوبی میتوانند که در بالای بعضی اشیاء نفیس سواد و مینا کار کنند. تمام این کارها بذریعه دست و آلات دستی اجرا میشود. خلاصه زرگری موجوده نفیس بوده منتها اگر تشکیل شرکت های متعدد گردیده و شرکت ها هم بعضی لوازم ضروری عصری را به پیمانه زیاد تهیه و قدری تجدید و انتظام دیگر هم بدین صنعت نفیس بخشند، ترقی آن بپایه بلند رسیده بیشتر جلب توجه مردم را خواهد کرد.

صنایع فولاد و آهن:

صنایع فولاد و آهن از ازمته خیلی قدیم درین سر زمین باشهرت خوبی وجود داشته در هر دور آلات و اسباب مختلفی از قبیل پیکانهای تیر

ژوین ها ، سر نیره ها ، خنجر ، تبر زین ، خود ، زره ، سپرها ، ...
و آلات شخم زمین و غیره بکثرت بوجود آورده میشد این صنعت
در دوره های اسلام بیشتر ترقی نموده بعضی آلات دیگری
جهت رصد خانه ها و بعضی اسلحه از قبیل کمریج ها و غیره
ساختند تا آنکه آلات ناریه اختراع و ساختن تفنگ های چماقی ، فتنه نی
پتافی دار ، قره بونه ... و اخیراً در سایه فابریکه عمومی (ماشینخانه)
به اعمال تفنگ های متنوع ، توپ ، کارطوسها ، شریتل ، بم ها ، انواع
باروتها و بعضی لوازم و اسلحه دیگر موفق شدند که توضیح این نوع
صنایع نظامی بمسلك مقاله ما تعلق ندارد . آمدیم بدیگر صنایع فولاد
و آهن ، حاضرأ سه کارخانه نسبت بزرگ به استثنای کارخانه های
مخصوص نظامی جهة صنایع فولاد و آهن وجود دارد : کارخانه فولاد
و آهن گری فابریکه عمومی (ماشینخانه) ، کارخانه موتور بسته کاری
حکومتی و فابریکه ترمیم موتور شرکت اسهامی . کارخانه فولاد و آهن
گری دارای يك تعداد لوازم ارقیبل و سائط ذوب ، خرا دی ، آهن بری
کوره ... و غیره آلات و ادوات ریخته گری و غیره بوده بسی سامان
آهنی و فولادی نظر به احتیاجات و کار آمد میسازند ، در
دو فابریکه ترمیم موتور انواع موتورها و پرزده های شکسته ترمیم و تکمیل گردیده
مالك سامان لیمکاری لوازم پرکاری آکومولاتورها و غیره آلات و ادوات
لازمه و متخصصین است .

علاوه برین در بسی نقاط افغانستان (کابل ، قندهار ، هرات ، مزار
جاغوری ، لغمان ، غزنی ، چهاریکار ...) بعضی کارخانه های خورد
خورد شخصی که بدریجه و سائط بسیط و دست کار میکند موجود است

همین مواضع بصورت بسیط ساخته میشود .
در شهرهای مهم و حصه جاغوری و چهار یکار کارخانه های خورد و
خورد شخصی نیز برای ترمیم عماردها وجود دارد . با اینهم درین
قسمت صنایع فولاد و آهن کارگرهای ملی از باعث مر و گذاشت از
شرکتها و عدم توريد لوازم ذوب ، خرا دی و غیره سامان ریخته
گری ... عصری خیلی هائس بوده تا حال نتوانسته اند که اکثر
سامان فولادی و آهنی خارج را بواسطه مستحصلات خود ازین خاک
مانع شوند . بالخاصه از نقطه نظر فابریکه داری خیلی عقب مانده اند
و این مسلم است که جز از اتحاد و اتفاق يك دسته کارگرهای صاحب
روت و دیگر مستعدین از دست دیگرها ساخته نیست .
اما بالمقابل حکومت متبوعه که همواره بفکر ترقی و نهضت های علمی

مسگری :

ظروف مسی عصر تعالی غزنویها و غوریها که در موزۀ کابل موجود است بصورت واضح ترقی این صنعت را در ایام سابق نشان میدهد. این صنعت در هر حصص افغانستان وجود دارد لیک مسگران قند هار کابل، غزنی، رستاق، مشهور بوده بسی ظروف و لوازم را مثل صراحیها، پطنوسهای مشبک و پایه دار، سماوارهای خورد و پررنگ جامها، آفتابه لگنها و انواع ظروف طعام خوری طشتها، آبدانها و غیره بذریعۀ دست و آلات دستی بصورت خوبی و نفیسی میسازند برای اینکه ظروف تولید نیل طوطیا نمایند یعنی از رنگ زدن محفوظ بماند روی آن را بذریعۀ قلعی ملمع میکنند. بعضاً قسمت خارجی ظروف را صیقل نموده، بدون ملمع میگذارند این صنعت روز بروز رو بترقی بوده اشیاء مصنوعۀ مسگران رنگ و رونق بهتری گرفته میرود.

برنج کاری :

بلۀ ترازوی برنجی که دارای اشکال بروج قمری و خط کوفی است و چراغ برنجی متعلق به قرن ۶ هـ، و پایه چراغ برنجی متعلق به قرن ۴ هـ غزنوی که در موزیم ما و بسی آثار دیگر که در موزیمهای دنیا وجود دارد، همه شاهد قوی و دلیل قاطعیت برای اینکه صنعت برنج کاری افغانستان در ازمۀ قدیم نفاست و رونق بسزای داشت حاضرأ در کار برنج صنعت کاران غزنی و کابل نسبت بدیگر حصص مهارت زیاده تری داشته از برنج آفتابه لگنها و رقم روسی، شمع سوزها، پطنوسهای حاشیه مشبک، چلمها، آونها، شیر دهنها

اقتصادی، صنعتی و غیرۀ مملکت است اخیرأ در مکتب صنایع یک صنف بزرگ بسته کاری تأسیس و معلمین اروپائی و ماشین و لوازم ذوب و غیره برای آنها خواسته که عنقریب در جوار فابریکه های خواجه ملای چهاردهی عمارت آن تعمیر و ماشینها در آن بکار خواهد افتاد و در آن وقت بسیاری از آلات فلزی دستی و افکارها و غیره و حتی بعض ماشینهای ساده و پرزه جات ماشین در آن اعمال خواهد شد و احتیاجات ما را ازین ناحیه تا اندازه تقلیل خواهد داد.

صنعت مسکوکات

این صنعت مثل محسمه سازی سابق افغانستان، یک صنعت خیلی قدیمی است چنانچه از مقالۀ (مسکوکات افغانستان) این موضوع بخوبی فهمیده میشود. حاضرأ در افغانستان یک فابریکه که دارای ماشینهای ذوب، حلاجی، برش، ضرب و غیره لوازم است تحت ریاست ضرابخانه وجود دارد که حسب احتیاج و ضرورت مملکت یومیۀ طلا، افغانی، ۲۵۰، ۱۰۰ و ۵۰ پولی طوریکه در دنیا مروج است ضرب میزند (مسکوکات کاغذی اکثرأ در مطبعۀ عمومی و بعضی در خارج بطبع میرسد ولی ماشینهای طبع نوت تازه وارد شده است).

مسگری، برنج و رو کاری

این صنایع از جمله صنایع قدیمی افغانستان است که راجع به هر یک آن آتیا معلومات میدهم :

و غیره اوازم برنجی به کمال خوبی به يك مقیاس زیاد میسازند. درین صنعت غزنی از کابل هم بیشتر کسب شهرت نموده اکثر اشیای مصنوعه برنجی آن مورد استعمال اهالی است. علاوه برین صنعت کاران بازار در فابریکه عمومی يك شعبه برنج کاری موجود بوده انواع لوازم کار آمد را از قبیل نشان، گیل های کمر بند، دکه ها و غیره بکمال صفائی و خوبی اعمال میکنند.

رو :

در غزنی از ترکیب جست و بعضی فلزهای دیگر يك نوع صراحی و گیلان نفیس و خوبی میسازند که در دیگر جاها ساخته نمیشود. خلاصه صنعت مسگری و برنج کاری و روگری افغانستان اگر قدری اصلاحات فنی در آن بعمل آید و تعداد مستحصلات هم بذریعه تشکیل شرکت ها و تورید ماشین ها و ادوات لازمه جهت تجارت خارج به يك مقیاس زیادتری بلند رود بخوبی میتواند که در بازارهای خارج بدر شده پول زیادی نصیب صنعت گران خود گرداند.

گلیت کاری (لعاب دادن فلزات) :

در شعبه گلیت کاری فابریکه عمومی و سایر بازارهای افغانستان روی اشیای مسی و برنجی را بصورت خوبی صیقل نموده جلایمی بخشند. علاوه بر بعضی اشیای برنجی و مسی را بذریعه مواد کیمیایی و لعاب فلزات قیمتی بصورت نقره و طلا و غیره رنگ میدهند این صنعت برای درخشان نمودن و جلای بخشیدن اشیای مسی و برنجی و حتی طلا و نقره يك صنعت قیمت دار است

سرب کاری :

از سرب در مطبعه به اندازه مکفی حروفها و خط کش ها و

در بازار ها انواع ساجمه ها و گله ها میسازند .

چودن کاری :

در ماشینخانه به يك اندازه زیادی از چودن بعضی اشیای کار آمد تهیه میکنند. بر علاوه در بدخشان و کابل و بعضی حصص دیگر هم ریخته گرها دیگر ها، کرائی ها، کنداله ها، آون ها ... و غیره به يك پیمانه زیادی میسازند. این صنعت بیشتر در بدخشان رواج دارد.

حلبی سازی :

از حلبی و آهن چادر بسی لوازم کار آمد ساخته میشود این صنعت در تمام ولایات افغانستان وجود دارد امتعه ئیکه از آهن حلبی ساخته میشود عبارت از آفتابه، چایچوش، قیف ها، پیپ ... و سامانیکه از آهن چادر اعمال میگردد عبارت از آبدانها، بخاریها، تپ های غسل قایق های خورد سطل ها ... و غیره میباشد علاوه تا سقف های عمارات جدید را بذریعه آهن چادر حلبی سازها به يك صورت مقبول و قشنگ می پوشانند و در بعض حصص روی کار عمارات و دود کش ها و ناوه ها آهن چادر را که بصورت مشبك استعمال میکنند قشنگ بوده باعث زینت عمارات میشود.

ترمیم ساعت :

در تمام ولایات ساعت سازها وجود دارد که هر نوع ساعت های برهم و خراب را ترمیم میکنند در کابل مرمت کاران ماهری وجود دارد که بعضی پرزده های شکسته ساعت را نیز لیم میتوانند.

صنایع کیمیاوی

ساختن ادویه و پنبه هیدروفیل :

مدیریت که متخصصین لاتی جهت تعلیم دواسازی از خارج استخدام و بر زیر دست او شان يك تعداد طلاب داده شده تا ساخت بعضی ادویه را از نباتات وطن و غیره بصورت اصولی وقتی به ایشان تعلیم نمایند. از جمله این طلاب يك تعداد آن قریب ۵ ماه است که مکتب را تمام نموده مصروف ستاژ (کار) علمی اند که عنقریب ستاژ را تکمیل نموده به تهیه بعضی ادویه مشغول میگرددند. برای ساخت بعضی ادویه عمرت جدیدی هم تعمیر شده که عنقریب کار آن ختم میگردد. کذا برای مصارف بنیه شفاخانه های افغانستان فابریکه جدیدی در نظر است که از طرف مدیریت عمومی فابریکات در پهلوی فابریکه نخ تابنی و پارچه بفی جبل السراج تاسیس میشود تا بنیه هیدروفیل را طوریکه در دنیا مروج است تهیه نموده بمصرف شفاخانه ها رسانده ماشین های این فابریکه جدید عنقریب تهیه گردیده بکار خواهد افتید.

گوگرد سازی :

در حصص دارالفنون فابریکه بنام گوگرد سازی از چند است در جریان بوده به اندازه (۹۰۰۰۰) قطی گوگرد در ایام بهار روزانه تهیه میدارد و این فابریکه دارای ماشین های برقی بوده بخوی می تواند که احتیاج اهالی را ازین رهگذر رفع نماید در سایه این فابریکه قیمت دار صنعتی يك قلم واردات گوگرد خارج منع شده است، گوگرد مصنوعه آن مثل گوگرد های بی خطر

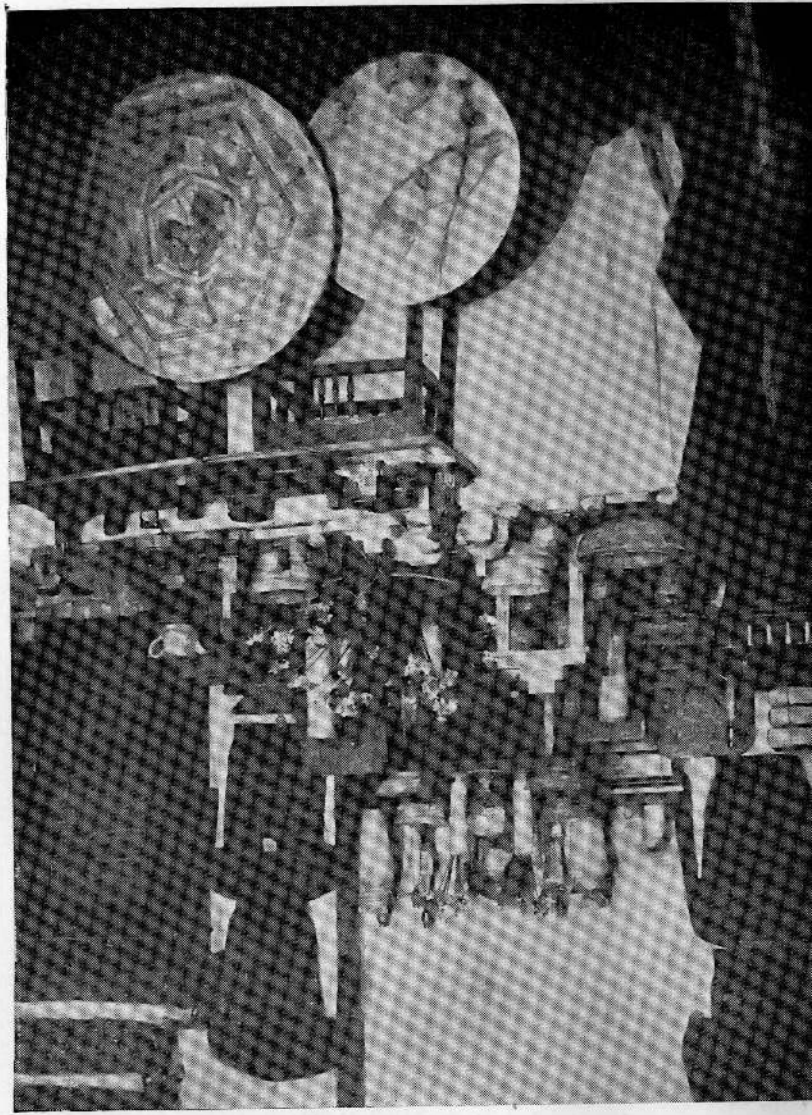
نمونه کار زرگری در کابل (دکان عبدالله خان زرگر)
Spécimens d'orfèvrerie existante à Kâboul





نمونه کار زرگری در کابل (در ان عده عبدالله خان زرگر)
Spécimens d'orfèvrerie existante à Kaboul

نمونه های اشیای سنگی (مرمر ، رخام ، لاجورد ، شاه معصود و غیره) در نمایشگاه فابریکه حکاکی و سنگتراشی مراکز
Les objets en pierre (marbre, lapi - lazuli etc.) fabriqués avec art en Afghanistan



صنایع و فنون در افغانستان

هوایمای روسی است که بجز از قطی خود توسط دیگر چیزها بسپوات در نمیکرد اکثر مواد آن از داخل مملکت تهیه و بدو یعه متخصصین وطن در ساخت آن یومیه مجاهدت بخرج داده میشود.

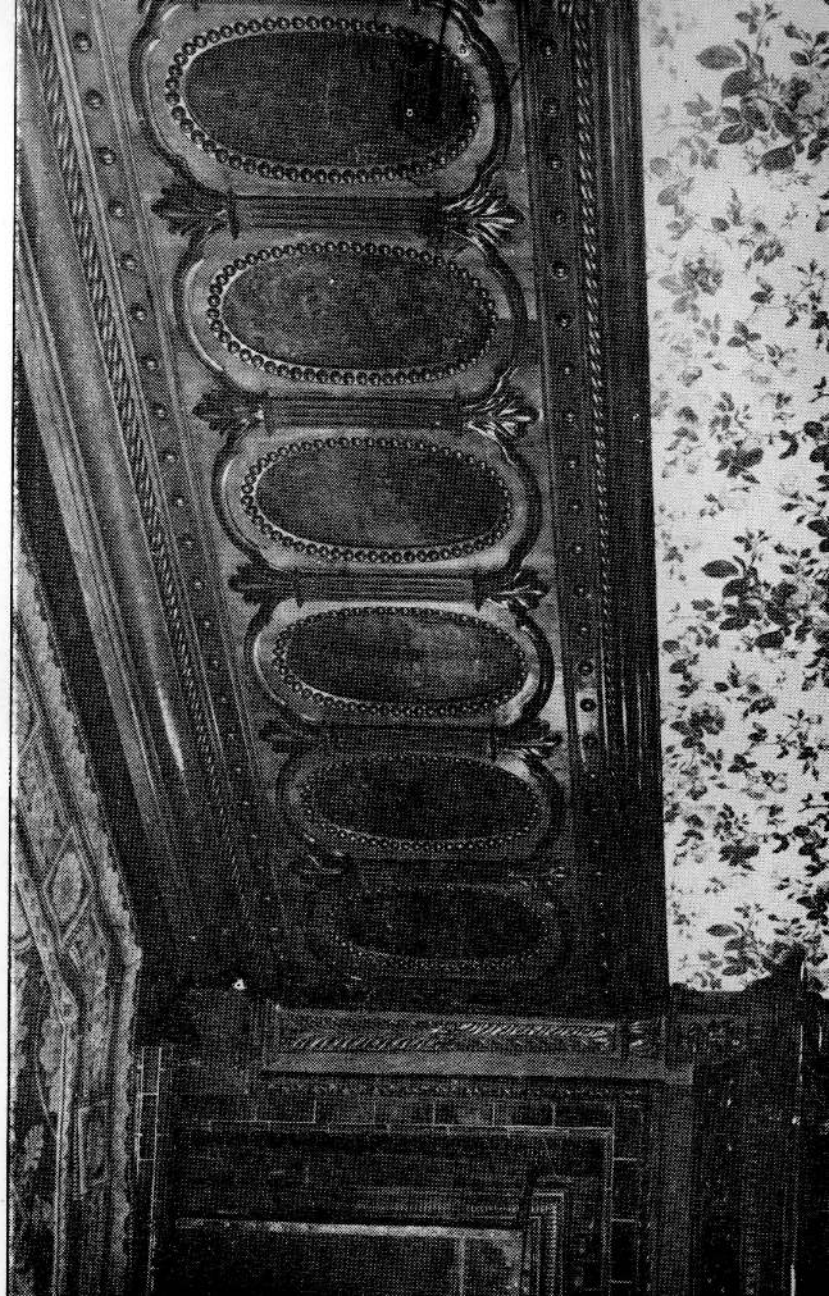
صابون سازی:

فعلاً دو کارخانه صابون سازی که روزانه تقریباً (۳۰۰۰) کیلو صابون میسزد وجود دارد بر علاوه این، در بسی نقاط افغانستان صابونهای مختلف کلاشونی به یک پیمانگیکه احتیاجات داخلی را کفایت میکنند ساخته میشود به استثنای این یک نوع صابون های مخصوص روی زنانه هم میسازند که اکثر زنهای این صابون وطنی را از بسی صابونهای قیمت دار خارج مزیت و برتری میدهند.

ساخت عطر و عرق گلاب:

بدو ربه عطاران و غیره از گل گلاب، چینیلی، را بیلی و غیره گلپهای خوشبو که بکثرت وجود دارد عطرهاى خوبی میسازند لیک به نسبت و رود عطریات خارج و نبودن ماشینهای لازمه نتوانسته که این صنعت قد راست نماید و نیز همین عطاران به یک مقیاس خیلی زیادى از گل گلاب عرق میکشند که در بسی اطعمه استعمال میشود. یک مرتبه در زمان امیر حبیب الله خان شهید یک نفر عطرساز از اروپاء استخدام و مشارالیه چند نفر را تحت تعلیم گرفته بعضی عطریات از گلپهای اهلی و وحشی ساخته بود. اما دنباله این صنعت نفیس ترك شده امروز عطركشی باز باصول قدیم و اینهم به پیمانگی مختصری رواج دارد.

نمونه کار نجاری های کابل
Spécimen des travaux des menuisiers de Kaboul



حرارت انتظام خود را می‌بازد این صنعت در کابل به يك مقیاس بیشتر و جود دارد .

صنایع عمرانی

معماری :

در معماری موجوده افغانستان نهضت و تجدید خوبی دیده میشود يك تعداد عماراتی که از زمان امیر عبدالرحمن خان الی اکنون از طرف حکومت و موسسات و اشخاص صاحب ثروت بوجود آمده اکثر دارای يك نظام و ترتیب خوب اروپائی است بالخاصه يك تعداد عمارات کشیک که از ۱۳۰۵ الی اکنون انشاء گردیده خیلی مقبول و قشنگ است . این نوع عمارات يك تعداد قلیل نبوده به اندازه زیاد است که شکل شهرها را بکلی تغییر داده رنگ و رونق جدیدی بآنها بخشیده است از جمله این عمارات جز چند عمارات محدود، دیگر تمام آن بدوره اعلیحضرت فقید شهید (رح) و اعلیحضرت نهضت خواه المتوکل علی الله تعلق میگیرد . گذشته ازین حسب يك پلان منظم همه ساله يك تعداد عمارات مکفی از طرف حکومت متبوعه بذریعه مهندسين داخلی و خارجی به تعداد این عمارات افزوده شده میرود و این فعالیت عمرانی نوید میدهد که انشاء الله به آینده قریب طرز شهرهای سابقه افغانستان بکلی تغییر نموده بوضعیت شهرهای قشنگی درآید . تمام عمارات دولتی و بالخاصه عمارات جدید افغانستان که از طرف حکومت اعلیحضرت فقید شهید و اعلیحضرت موجوده تعمیر یافته اکثر دومتزله بصورت پخته کاری است . زینته ها و ساقهای روی کار آن از سنگ های مختلف و طن بوده دارای دروازه ها و روشن دانه های متعدد و پررنگست ، سقف ها بعمامسطح و بعضاً از سمنت

رنگ ریزی :

در فابریکه عمومی (ماشینخانه) کارخانه تحت نگرانی متخصص داخلی جهة رنگ ریزی وجود دارد که بصورت فنی امتعه یشمی و نخی بایک صفائی و نفاست خوبی بصورت ساده در آن رنگ میشود . این کارخانه بر علاوه انجام امور رنگ ریزی و احتیاجات حکومتی بعضی از امتعه اهالی را هم رنگ میدهد . علاوه برین فابریکه در تمام حصص افغانستان دکانهای متعدد رنگ ریزی وجود دارد که باوجود عدم ماشین های لازمه استادان این فن از عهد هرنوع رنگ دادن ساده بخوبی بدر شده میتوانند بالخاصه الوان مختلفه که به ابریشم و سند و یشم میدهند خیلی روشن و نفیس است . رنگ ریزها در اولین اشیاء بیشتر از الوان نباتات پیداوار افغانستان استفاده میکنند اکثر اشیای رنگ شده اوشان پخته بوده بزودی تغییری بدان رخ نمیدهد و حتی در اکثر تابش متعادی آفتاب هم لون خود را نمیبازد .

تجر به خانه کیمیاوی رنگ :

در گبرک کابل تحت نظر جناب نورالله خان متخصص کیمیا «لایراتواری» تأسیس یافته که در آن ترکیبات رنگهای معدنی آموخته میشود .

جیوه گری :

در کابل بذریعه آئینه سازها و غیره کارگران يك پیمانه خیلی زیادی آئینه های خورد و کلان جیوه میشود . در افغانستان جیوه به دوصورت انجام میگردد : بدون لاک و بالاک ، جیوه که در روی آن لاک گرفته میشود خوب و فنی است اما بدون لاک آن کم دوام بوده با اندک

متخصصین لائق داخلی و خارجی مصروف تعلیمات اند که بعد از فراغ تحصیل مانند مهندسين خارج دپاوم گرفته در انتظام ترتیب عمارات ما خدمت بیشتری خواهند نمود .

نجاری :

افغانستان درین صنعت هم طوریکه در سایر صناعت اشاره نمودیم سابقه خوبی دارد مجسمه های قدیم نورستان ، منبت کاریها و شبکه کاریهای لطیف و نازک روی پایه ها و تاوه دانه ها و غیره که حاضراً نمونه آن را در موزیم و بعضی عمارات قدیمی میتوانیم یافت گواهی خوبی است مهت و ثقافت این مدعا . در زمان امیر عبدالرحمن خان نجاری قسمت عمارات شکل جدیدی بخود گرفت . ازین تاریخ به بعد آهسته آهسته در صفائی خود افزود . قسم منبت کاری و گل و برگ کاری آن هم شکل نوینی بخود گرفته و روز بروز فوراً آن به شکل بهتری تغییر یافته رفت . در زمان موجوده لوازم عمارات به اندازه خیلی خوبی کسب نفاست نموده است . از روی نقشه ، استادان از عهد اعمال هر نوع در وازه های عالی ، روشن دانه ها ، مسطح ها ، پیزاره ها . . . و غیره بدر شده میتوانند اکثر کار قسمت چوبی عمارات هم از عمارات اروپائی فرقی ندارد در بعضی از عمارات استادان این فن ، از ذوق و سلیقه خود هم نجاران چیزی گل و برگ افروخته اند . حاضراً بر علاوه صنف نجاری مستعجله و مسلکی که مشترکاً کار عمارات و چوکی و میز و غیره را مینمایند یک فابریکه مخصوصی جهت تهیه لوازم عمارات در دارالفنون وجود دارد که بذریعه ماشین های مختلف برقی اره کشی چول کشی ، رنده زنی ، ریگمال و صفا کاری ، تیز کاری پلها ... و غیره کارگران کار میکنند . گنشه ازین در کابل ، قندهار

و (بتون) کار میشود بامها هم آهن پوش و باسنتی و سفالی بوده ارتفاع اطرافها اکثر از ۱۵ الی ۲۰ فوت است . فیل پایه ها در دهلیزها و حصص زینه رواج دارد . فرش عمارت عالی اکثر سنگ مرمر ، و بعضا سنده و سمنت و تخته پوش است . روی کار اکثر ساده بدون منبت کاری و بعضا دارای سلاتین و فته ها و علائم نشان و غیره میباشد داخل عمارات بصورت خیلی نفیسی رنگ آمیزی میشود بالخاصه حواشی قسمت علیاء دیوارها پیزارها اکثر چوبی میباشد . سرهای در وازه و روشن دانه ها اکثر بصورت کمان و بعضا بصورت مسطوی بنا شده . خلاصه عمارات موجود دولتی (از چند سال قبل) افغانستان هم به اصول فنی بوده به یک صورت قشنگ و زیبایی تعمیر یافته و در آن هر نوع مسائل هندسی و معماری سنجیده شده است . این نهضت عمرانی نه اینکه تنها در تعمیرات حکومتی دیده میشود بل در عمارات توده ملت هم کم و بیش نمایان است هر شخصیکه در شهرها بنای تعمیر جدید داشته باشد اعم از اینکه در شهر جدید باشد مجبور است که از بلدیة نقشه و دستور گرفته ، مطابق آن عمل کند تا عمارات شهر مطابق نقشه کاداستر و (نقشه مخصوص بلدیة) اصولی و یک نواخت تعمیر گردد . چنانچه عمارات شهر نو کابل و بسی عمارات جدید تعمیر دیگر این شهر و شهرهای مهم بهمین اساس تعمیر یافته است .

اکثر این عمارات به نقشه مهندسی وطن و تمام آن توسط معماران وطن تعمیر گردیده است . خلاصه اکثر مهندسان و معماران وطن به نقشه و تعمیر عمارات جدید اروپائی و سابقه وطن اقتدار داشته میتوانند که عمارات بزرگ و عظیم الشان تعمیر نمایند . معافیه برای اینکه یک تعداد مهندسين و معماران لائق تری بوجود آید از چندین شعبه مهندسی و معماری در مکتب صنایع نفیسه بوجود آمده تحت اثر

کار بوده برای عمارات و غیره بسی اشیای نفیس میسازند علاوه بر کار گاهای بس بزرگی در پغمان و چهل ستون و غیره دایره و برای عمارات پابخت سنگهای خشتی و غیره لوازم سنگی به یک پیمانۀ خیلی زیادی تهیه میکنند .

رنگمالی و سفیده کاری :

تاریخ رنگمالی موجوده با تاریخ معماری جدید ما یکی است یعنی از زمانیکه ساخت عمارات تغییر نمود و به اصول اروپائی شده رنگمالی جدید هم چهره کشوده است رنگمالهای موجوده علاوه از اینکه از ذوق و سلیقه خود رنگ های بس نفیس و خوبی بعمارات میدهند از روی هر نوع کتلاک نیز میتوانند که با تمام باریکی ها و نازکی ها رنگ آمیزی نمایند گل های مختلف حواشی قسمت داخلی طاقها و پیزاره های سنگ نما و رنگ های قسم چاغر و رنگ دار و غیره رنگ های ورنسی و اسپریتی و لاکهای کار رنگمالهای ماهر نهایت نفیس و خوشناست برای امور رنگمالی عمارات و غیره لوازم حکومتی از چند یست که کارخانه برای رنگمالی - تاسیس گردیده است که بامهارت مخصوصه کار نموده اثرات قیمته داری از خود گذاشته اند تاچندی قبل رنگمال ها تماماً الوان خارجی را مورد استعمال قرار میدادند لیک مدتیست که رنگهای آبی (که توسط آب کار میشود) بامیانی و غیره وطن را استعمال میدادند . خلاصه درین رشته هم صنعت کاران ماجنبش بکار خود داده اند . بعضی از برادران هندی ما که استعداد مالی اوشان اجازه میدهد و کنار رنگمالان ما هر وطن را مشاهده کرده اند رنگمال ازین جا برده منازل خود را با ذوق تمام توسط ایشان رنگ و روغن میدهند . برای بیشتر ترقی دادن و خوبتر اصولی ساختن این

هرات ، مزار ، قطن و بدخشان و دیگر حصص مملکت بسی نجارهای خوبی موجود است که مصروف اعمال قسمت چوبی عمارات میباشند . درین قسمت نجاری موجوده هم طلاب فارغ التحصیل مکتب صنایع رول مهمی بازی نموده و طلائی که در آینده از صنف مسکنی مکتب صنایع می برآیند مسلماً تصور بیشتری در امور نجاری تولید خواهند کرد .

حجاری :

حجاری یک صنعت خیلی قدیمی این مملکت کوهستانی بوده بر وفق امور معماری ، نجاری و غیره مجدداً زنده گشته کثرت احجار نفیسه و اهتمام حکومت و مردم ، حجاران وطن را بشوق آورد تا این صنعت میراثی خود را سر از نو در معرض نمایش گذارند . این صنعت در قندهار و کابل و نواح آن بیشتر رواج پیدا کرده صنعتکاران موجوده از سنگ های مرمر قلم کارخواجه بفرآور غیره سنگ های وطن خشت های متنوع ، لوحه های قشنگ و غیره فرش ها ، پیزاره های داخل و ساقهای خارجی عمارات و مزارهای اشخاص بزرگ و منارها و طاقهای ظفر، قیل پیاه ها ، حوض ها و فواره ها ... را بایک نفاست و فشنگی جاب دقتی اعمال کرده اند و حسب الخواش از عهدۀ اعمال هر نوع اشیای سنگی بدر شده میتوانند نمونه حجاری موجوده در قسمت عمارات مشهد اعیان حضرت قادر شاه شهید (رح) و مضجع بابریادشاه و مرقد حضرت تعیم انصاری است . در هر سه جاسنگتراش های وطن باریکی های صنعت خود را بخوبی نشان داده اند .

از چند یست که از طرف حکومت متبوعه کارخانه به اسم کارخانه سنگتراشی در مرکز تاسیس یافته که در آن بیشتر از ۶۰ عله مصروف

تورید يك تعداد ماشین های خشت مالی جدید يك اندازه خیلی زیادی ازین خشت بدست آورده سالیانه تقریباً يك میلیون افغانی ما که جهة خرید آهن چادر بخارج میرفت بجبب ما باقی خواهد ماند. این خشت کیریل مثل خشت های کیر بلیکه در ار ویا ساخته می شود خیلی مضبوط بوده به هر نوع حرارت وبردوت جوی مقاومت دارد .

خشت پخته :

در تمام حصص افغانستان و بالخاصه نواحی کابل داشهای متنوع بوده در ایام بهار ، روز ملیونها خشت جهة عمارات پخته میشود در اینجا پخته کردن خشت بدو صورت است یکی بنریعه داشهای قسم سابق که دران به فروخته میشود و دیگر توسط داشهای زمینی و بس کلانیکه سنگ ذغال و چوب افر وخته شده يك دور ، لکها خشت پخته بیرون میکشد. این پخته کردن خشت از زمانهای قدیم در افغانستان وجود دارد چنانچه اکثر عماراتیکه از دوره های سابق باقیمانده بنریعه همین خشت پخته انشاء یافته است .

چونه :

از سنگ چونه که در بسی نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد چونه میسازند برای پخت چونه داشهای خشت استعمال میشود .

سفیده مرمر و غیره مواد پخته کاری :

سفیده مرمر را از سنگ مخصوص استخراج و بنریعه داشها پخته میکنند . دیگر مواد پخته کاری مثل صندله و غیره را از اختلاط چونه و گرد خشت پخته و غیره میسازند . گچ خاک مخصوص دارد و سیاه چونه از امتزاج چونه و خاکستر و منج بدست می آید .

صنعت نفیس شعبه در مکتب صنایع نفیسه ایراد شده که دران يك تعداد طلاب مصروف تعلیم قوانین فیزیکی و کیمیاوی و صورت امتزاج رنگ ها و استحصال الوان از بعضی نباتات و پوست درختها و غیره میباشد . آمدمین سفیده کاری . سفیده کاری هم بنریعه رنگمالان اجرا میشود جهة سفیده کاری رنگمالان در بالای چونه سفیده مرمر ودر بالای سیم گل يك نوع سنگ دیگری را که خیلی نرم و سفید (گل ایرانی) است به ترتیب مخصوصی که قطعاً در اثر تماس ، رنگند ندهد استعمال میکنند جهة سفیده کاری نیز در مکتب صنایع صنفی تخصیص یافته که بصورت اساسی و فنی مصروف تعلیم و تطبیقات اند .

سمت سازی :

فعلاً فابریکه که دران سمت ساختن وجود ندارد گرچه قبل از انقلاب وطن فابریکه خورد سمت سازی تأسیس یافته و دران یکمده متخصصین و کارگرها مصروف کار بودند لیک باوجود صرف لکها روبه مع الاسف نتیجه درستی ازان گرفته نشده در همان ایام دست ازان برداشتند . اکنون حکومت موجوده در نظر دارد تا علاوه از اینکه همان فابریکه ویران را تعمیر و تکمیل نماید فابریکه بزرگی تأسیس نماید تا اگر خدا بخواهد مصرف سمت عمارات افغانستان که سالیانه يك پیمانه زیادی بکار میشود از افغانستان تهه گردد .

ساخت خشت کیریل :

تا کنون سقف اکثر عمارات بزرگ بنریعه آهن چادریو شاذه شده به نسبت نبودن خشت کیریل خساره زیادی را متحمل می شدیم اکنون مکتب صنایع موفق بساخت خشت کیریل گردیده که بعد از

خشت کاشی :

صنعت کاشی سازی در افغانستان سابقه خوبی دارد. گرچه کاشی سابق را با همان نازکی ها کسی ساخته نمیتواند لیک روی هم رفته کاشی ها بیکه در کارخانه محبس عمر می کابل و در مرزا و غیره نقاط افغانستان کم و بیش میسازند خوب و قابل استفاده است. درین اوقات مکتبی در مرزا شریف به اسم مکتب کاشی سازی تاسیس یافته تا این صنعت را بصورت بهتری بیاموزند.

صنایع تزئینی

نقاشی :

با اینکه از قرن نهم هجری نقاشی ربه انحطاط گذاشت لیک بکلی نمرده بحالت نیمه خاموشی تا زمان ما دوام نموده است گرچه نقاشی حاضر را نمونه نقاشی قدیم گفته نمیتوانیم لیک با وجود سادگی و محدودیتی که دارد بکلی مغایر آن هم نیست یعنی در بعضی خیال و سلیقه مشابهت بهم میرساند در نقاشی قدیم شکل های اشیاء بصورت خیلی نفیس که گویا عین اشیاء است وجود داشت لیک در نقاشی موجوده این قسمت مرده و جای خود را برای رسامی گذاشته است. حاضران نقاشان گلپای مختلف و بالخاصه ، سوسن ، گلاب ، شبو . . . و غیره را با بعضی خطوط و اشکال هندسی و جدولها کار میکنند. این صنعت در غزنی و کابل و فرخار و غیره وجود دارد لیک شهرت نقاشی غزنی در حال هم بیشتر است. چندی قبل که میخواستند بعضی نقاشی مضجع اعلیحضرت احمد شاه غازی را که به نسبت مرور زمان خراب شده بود ترمیم کنند

از غزنی چند نفر نقاشها پیدا شده بصورت خوبی که از نقاشی قدیم فرقی نمیشود ترمیم نمودند. اثر نقاشان موجوده ، وطن ، به اعتبار اکثریت در روی بساط شطرنج ، تخته برد ، پطنوس ها ، چوب دست ، پایه های چیرکت و غیره جلوه میدهد. درین نقاشی های موجوده به آنطور نقاشی های هم تصادف میشود که از هر حیث قابل تقدیر و شایان توصیف است بالخاصه از نقطه نظر پخته گی رنگ و باریکی صنعت ! بسی دیده شده که رنگ های بعضی از نقاشی ها بذریعه آب جوش و حرارت زیاد آفتاب هم تغییری نکرده است.

گل سازی :

اکثر از تکه ها ، و کاغذ و بعضی مواد دیگر انواع گلها جهت زینت خانه ها ، طاقهای ظفر ، دروازه ها در ایام جشن ها (حائل عروس در شب حنا ، تخت خینه . . . و غیره بصورت نفیس و فشنگی میسازند بالخاصه گلها بیکه جهت سر عروس مثل شکوفه نارنج و گل های متنوع و گل تخت خینه و اکلیل های گل که جهت بفل عروس ساخته میشود خیلی نفیس و لطیف است بر علاوه این بعضی از گلسازها موجود است که از پرهای مختلف بطور به یک صورت نهایت دلربا جفه های بس نفیسی میسازند. این صنعت گلسازی در هر ولایت کم و بیش موجود است لیک گل سازهای کابل شهرت بیشتری دارند

شیت سازی :

از تکه های ابریشمی نازک اعلی شیت های نفیس و خیلی خوبی

صنایع و فنون در افغانستان

های بس طبیعی وجاندارایشان دیده میشود. دیری نخواهد گذشت که در سایه مکتب صنایع رسامهای بیشتر وقیمت دار تری پیدا شده از آثار جذاب خود زیاد تر مارا محظوظ و مستفید سازند.

عکاسی :

صنعت عکاسی در افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان قدم گذاشته آهسته آهسته رو بترقی گذاشت اکنون در هر ولایت بر علاوه اشخاص صاحب ذوقیکه کامره هاداشته بگر قتن عکس مهارت دارند يك عده عکاسهای قابل کار و ماهری نیز وجود دارد بالغت خاصه در کابل این صنعت ترقی خوبی نموده عکاسها از عهده رتوش واج و غیره امور عکاسی بخوبی بدر شده میتوانند بعضی از عکاسهای وطن مخصوصاً در ارو با تحصیل هم نموده است. در کابل عکاس خانه های مشهور يکه دارای استعدادی خوب و لوازم مکمل عکاسی است عبارت از عکاس خانه وزارت دربار. عکاسخانه مطبعه عمومی، عکاس خانه ملی صاحب داد خان عکاس، عکاسخانه قوماندانی طیاره، عکاسخانه قوماندانی کو توالی، عکاسخانه بنسلی لال ... و غیره میباشد. همچنان در دیگر ولایات بعضی عکاسخانه ها وجود دارد.

سینما :

قریب (۱۸) سال است که در افغانستان سینما وجود دارد گرچه قبل از انقلاب وطن سینمای عمومی طعمه حریق گشت و در زمان انقلاب وطن که بعضی لوازم باقیمانده بود همه برباد شد يك در اثر توجه نهضت خواهان حکومت متبوعه مجدد آ لوازم سینما تهیه و عمارت سینمای عمومی و بزرگ که قبل از انقلاب سوخته و خراب شده بود دوباره با اصول

توسط گل-ازها و غیره به يك پیمانه زیادی ساخته میشود. بعضا بدامن شت ها پرک های مناسب و بعضی هم مهره های مختلف را علاوه میکنند.

صنایع تمثیلی

رسامی :

رسامی این صنعت بعد از يك مدت طولانی در زمان امیر حبیب الله خان باجناب مرحوم غلام محمد خان پرویسر در صحنه حیات قدم نهاده و این فرزند قابل قدر و وطن علاوه ازین که در ایام مدیریت مکتب صنایع در راه ارتقاء صنعت کاران خدمت بسزا نمود، بسی آثار قیمت داری هم از خود بیادگار گذاشته که انسان بی اختیار میشود که با آثار او بنظر تحسین بشگردد ازین بعد تر آهسته آهسته جنبشی در صنعت رسامی دیده میشود ابتدا مکتب رسامی دائر و چندی بعد در زمان اعلیحضرت شهید فقید (رح) مکتب صنایع روی کار آمده صنعت پررنگی برای آن دران مکتب تخصیص داده شد که اکنون بسی طلاب ازین مکتب عالی فارغ التحصیل شده بعضی عهده معلمی دارند و برخی در شعب مختلفه مصروف صنعت رسامی اند حاضرأ شخصی که در مملکت ما درین صنعت ممتاز و سرآمد تمام رسامهاست جناب عبدالغفور خان «برشنا» فارغ التحصیل یونیورسته جرمنی مدیر مکتب صنایع میباشد. این شخص علاوه بر خدماتیکه در راه تعلیم طلاب نموده يك عده رسامها و تابلوهای رنگ آبی و روغنی قیمت داری هم از خود بیادگار گذاشته است دیگر رسامهای جوان وطن هم از عهده استعمال رنگ آبی و روغنی بخوبی بدر شده در بسی جاها تابلوهای قشنگ و دلربا و پورتریت

و عصری اتوماتیک به سرعت نشر و کثرت کار و زیبایی طباعت این مطبعه بطور بزرگی بخشیده است. (که تفصیل آن تحت عنوان «مطابع -رافغانستان» درج است).

دیگر مطابع فوق الذکر افغانستان بعضی دارای شعب حروف چینی و طباعت و برخی مالک شعب کاپی نویسی و طبع میباشد یعنی بعضی آن حروفی و برخی آن (لیتوگرافی) است. مکتب صنایع حسب هدایات مقامات مربوطه جهت اصلاح لیتوگرافی، صنفی در مکتب صنایع ایزاد و در آن یک عده جوان ها را مشغول تعلیم فن لیتوگرافی ساخته است که با وجود مدت قلیل تحصیل از روی اثرات نفیس او شان میتوان گفت که ترقی خوبی نموده و عقرب صنعت لیتوگرافی ما را رنگت و رونق عصری خواهند بخشید. خلاصه طباعت موجوده افغانستان نظر بدوره های سابق به مراتب کسب نفاست و زیبایی نموده در آینده قریب میتواند که با طباعت اکثر ملل شرق که دارای طباعت نفیس و عالی اند همسری کند فعلاً از روی همین سالنامه در باره طباعت موجوده افغانستان میتوان فکری حاصل نمود.

صنایع متعلقه بسامان چوبی

ساخت میز، چوکی، الهاری و غیره:

صنعتکاران ما درین قسمت هم ترقی خوب و نمایانی نموده روز بروز تجدد و رونق بهتری باین صنعت می بخشند. اکثر مستحصلات استادان این فن از سامان اروپائی که بکمال دقت و نفاست بوجود آمده فرقی ندارد. برای فرمایش دهندگان اکثر از روی کتلاک سامان تهیه میدارند در جمله کارهای چوکی سازان (که الهاری، میز

بهتری تعمیر و تکمیل گردید که اینک از عرصه چندبست باقلم های مختلفه چه اطاق و چه رنگه یومیه و سیله تفریح اهالی را فراهم نموده است اکنون در کابل دو سینما وجود دارد که یکی آن جهت عسکری و دیگر آن برای افراد ملکی و اهالی تخصیص یافته. درسینمای متعلق وزارت حربیه بیشتر فلم های تعلیمی عسکری و محاربه وی نشان داده میشود. برعلاوه این دو سینما در ایام جشن با افتخار استقلال یک سینمای موقتی در منطقه جشن استقلال همه ساله دائر شده تا مدتی دوام میکنند برعلاوه درین ایام وزارت جلیله معارف در نظر دارد که یک سینمای مخصوص تعلیمی طوریکه در دنیا معمول است جهت اطفال مکاتب دائر سازد تا اطفال ازان بصورت محسوس بعضی چیزها را بیاموزند چنانچه ماشینها و لوازم آن به مرکز رسیده و در شرف تاسیس است همچنین یک سینمای طبی و حفظ الصحه نیز از طرف وزارت جلیله صحه تاسیس میشود.

طباعت در افغانستان:

طباعت در افغانستان از زمان امیر شیرعلیخان قدم به عرصه حیات گذاشته آهسته آهسته ترقی نمود. حاضرراً در افغانستان ۷ مطبعه نسبتاً خورد ملکی و یک مطبعه بزرگ عمومی (به استثنای مطابع عسکری) وجود دارد در مطبعه های خورد بعضی از مجلات و جرائد و کتب و در مطبعه عمومی تمام ضروریات و امور طباعتی رسمی و غیر رسمی یک صورت بسیار خوبی بطبع میرسد. مطبع عمومی افغانستان یک ریاست بزرگ بوده دارای شعب بزرگ حروف چینی، طبع حروفی و عکس لیتوگرافی، و خطاطی، آفسیت، زنگوگرافی، صحافی، حروف ریزی و غیره میباشد بالغاضه ماشینهای متعدد و مختلف جدیدالورود

پرکاری چوکی و بیت بافی:

چوکی سازها بعد از آنکه قسمت چوبی کوچ و چوکی و کنجی را تکمیل نمودند تفویض (پرکارهای چوکی) و یا تسلیم بیت بافها نموده از طرف ایشان چوکیها پرکاری و بیت بافی میشود. در پرکاری بعضاً فنر و بعضاً هم ریشه نالیار، پشم ... و غیره را استعمال نموده بروی آن تکه های نفیس و قشنگ میگیرند.

ساخت لوازم موسیقی:

ساخت لوازم موسیقی با تاریخ موسیقی و این هم با تاریخ دیانت در افغانستان توأم است. ساخت لوازم موسیقی بالخصوص در زمان موجودیت دیانت برهمن و بودائی علی الرغم ساده و بسیط بودن لوازم بیشتر اعمال میگردید در زمان اسلام الی سقوط خاندان تیموریها در ترقی خود افزوده رفت. حاضراً در افغانستان به يك پیمانه زیادی از طرف صنعتگران، رباب، تنبور، دلربا، سارنگ، غیچک دایره، ارمونیه، انواع توله ها، زنگ ... و غیره ساخته میشود. در بعضی از لوازم مثل تنبور، دلربا، سارنگ، غیچک بصورت اشکال منظم هندسی صدف کار میکنند که از هر حیث به نفاست اشیا صدف کاری شده میافزاید.

خرادی چوب:

بر علاوه تیکه در فابریکه نجاری مرکز و دار الفنون بذریعه ماشینهای برقی خرا دی اجرا میشود در تمام ولایات اشخاص وجود

و غیره هم میسازند (بالخصوص کارهای ورق شانی و چوب جاجر خیلی نفیس و قابل تعریف است. مستحضرات اینها عبارت از انواع میز: میز کار، چایخوری، نانخوری، میوه خوری، میز آرایش میزهای بازی ... و اقسام کوچ ها، چوکی ها، الماری ها، کنجی ها ... و غیره به يك پیمانه میباشد که تمام احتیاجات مملکت را تکه فو کرده میتواند. فعلاً بر علاوه صنعتکاران بازار سه کار خانه نجاری وجود دارد که بیشتر مصروف اعمال همین قبیل اشیاء هستند: کارخانه مرکزی و کارخانه دار الفنون، کارخانه مکتب صنایع نفیسه. کارخانه نجاری مرکزی و دار الفنون دارای ماشینهای برقی از قبیل ماشینهای مختلف اره کشی، چول کشی، رنده زنی، ریگمال و صفا کاری، تیز کاری پلها میباشد که در تسریع کار و صفائی اشیاء خدمت خوبی مینماید درین فابریکه در ظرف یکماه؛ اندازه ۴۰۰ میز و صدها دروازه و غیره ساخته میشود. کارخانه مکتب صنایع يك کارخانه تعلیمی بوده این هم دارای ماشینهای برقی بزرگ و دیگر نوع سامان و لوازم است که بسی سامان نفیس، تهیه و تدارک میکند. این نوع صنعتگران که پیشه ساخت و تهیه میز، چوکی، الماری و غیره اثاث الیت را دارند در تمام شهرهای مهم موجود میباشد لیک باعتبار اکثریت صنعتگران کابل مزیت خاصی دارند چه در اشیاء مصنوعه او شان بعضی ظرافتها و باریکی هایی خوبی بشاهده میرسد. باید تذکر نمود که در نجاری موجوده طلاب فارغ التحصیل صنف مسلکی مکتب صنایع رول مهمی بازی نموده و طلاب آینده آن تطوری زیادی را درین صنعت با خاطر نشان میکنند.

بطریق قدیم : مزار ، قطغن و بدخشان ، هرات سمت شمالی ، کابل میباشد .

سراجی :

برای تهیه قطار و زنه ، کمر بند ، قیزه و زین و غیره کارخانه در پهلوی فابریکه بوت دوزی وجود دارد که یک پیمانه زیادی سامان سراجی در آن تهیه میشود علاوه در بازار های کابل ، قندهار ، هرات ، قطغن و بدخشان و غیره جاها هم سراج ها وجود دارد که کمر بندها ، زین ها ، پوشهای تفنگ ، بکس ها طبراقها ، قیزه ها و غیره میسازند لیک سراجی کابل نسبت بدیگر جاها بهتر و خوبتر بوده و لوازم مصنوعة اوشان نفاست خوبی دارد .

صنعت استحصال ابریشم

این صنعت در حصص مشرقی ، قندهار ، قطغن و بدخشان بکثرت وجود دارد ابریشم قندهار مشهور و بهتر است . پيله های افغانستان اکثرآ خورد و دارای الوان مختلف میباشد از حصص قندهار قریه جات متصل شهر و بالخاصه ارغنداب و از حصص مشرقی بالخاصه چپرهار و سرخ رود و از قطغن و بدخشان رستاق ، چایان بیشتر به این شغل ذوق نشان میدهند . در دیگر حصص ولایات شمالی هم صنعت پيله رواج دارد ازین ابریشم ها یک قسم زیاد آن بخارج رفته و یک قسم آن در داخل بمصرف میرسد ، صنعت شست و ریشیدن غوزه ها هم در همین حصص بعمل میآید . اگر به این صنعت قدری اصلاحات فنی بعمل آید ترقی خوبی نموده و ابریشم آن از بسی ابریشم های دنیا بهتر و خوبتر خواهد شد . از چند سال به اینطرف از طرف حکومت درین

دارد که وظیفه اوشان مخصوصاً خرا دیست . این نوع خرادها بذریعه آلات دستی از چوبهای متنوع وطن ، پایه های چیرکت ، چهارپائی ، فی های چلم ، گاز های چوبی جهة اطفال واز شاخها سرهای چوب شاخی اعمال میکنند این صنعت در تمام ولایات کم و بیش وجود دارد لیک به نسبت فقدان ماشینهای خرا دی نمیتواند که تطوری در کار خویش تولید کنند .

دباغی و سراجی

دباغی :

برای دباغی چرمهای گاوی و گوسفندی و بری . . . و غیره فعلاً دو کارخانه در کابل وجود دارد : کارخانه دباغی حکومتی کارخانه دباغی ملی که از طرف شرکاء تا سیس یافته . در هر دو کارخانه یک تعداد ماشینهای برقی وجود داشته چرم های مختلفی به اصول جدید دباغی میشود چرمهای رقم کرم و جیر هم در همین فابریکه ساخته میشود . علاوه برین فابریکه ها در ولایت مزار هم از طرف شرکاء فابریکه دباغی بنا نهاده شده که عنقریب شروع بکار خواهد کرد و نیز ماشین های اتوماتیکی سیستم جدیدی برای کارخانه دباغی حکومتی خواسته شده تا بذریعه آن ماشینها هم درجه مستحضلات چرم بلند رود و هم چرمهای خوبتری بدست آید عنقریب این ماشینها وارد و در عمارت مخصوصه نصب خواهد شد . گذشته ازین کارخانه ها در بسی نقاط افغانستان هم آش دادن و پخته کردن چرم به اصول قدیم به یک پیمانه زیادی رواج دارد . مشهورترین مراکز دباغی

مورد توجه زیادی بعمل آمده علاوه از توزیع را بگان تخم پیله ، يك تریه خانه دواتی بصورت نمونه جهت پرورش کرم ابریشم در کابل دایر میباشد .

صنایع خورا که

قند سازی :

حکومت موجوده در نظر دارد که علاوه بر تکمیل کارخانه قند سازی که سابقاً خریداری شده و حال ترمیم طلب میباشد يك فابریکه جدیدی قند سازی که از لبلبو ، قند استخراج نماید وارد ساخته از لبلبوی قطغن و غیره جبهه صرفیات افغانستان قند استخراج نماید . فعلاً بوره از خارج آمده و بذریعه قناد های بازار قند سرآب و غیره ساخته میشود .

یخ سازی :

مناطق افغانستان دارای هوای مختلف است بعضی جاها سرد و بعضی جاها معتدل و بعضی هم گرم است جاهای سرد احتیاج به یخ و برف ندارد جاهای معتدل و سرد از زمستان در یخدانها یخ و برف ذخیره نموده در بهار بمصرف میرسانند حصص گرم چون زمستان شدید ندارد و اکثر برف هم نمیشود .

لذا نمیتوانند که یخ و یا برف ذخیره کنند . قندهار از جمله مناطق گرم افغانستان است درین ولا کارخانه جبهه ساختن یخ تأسیس شده که برای تمام اهالی قندهار یخ مصنوعی بذریعه ماشین میسازد و هم در نظر است که کارخانه مذکور در ۱۳۱۷ توسیع داده شود .

صنایع و فنون در افغانستان

حفظ انار :

میوه در افغانستان بصور مختلفی حفظ میشود بعضی ها خانه های خصوصی جبهه حفظ میوه تعبیر نموده میوه را بذریعه ینبه ، کاه ... از همدگر بعید داشته در اطاق آتش و چراغهای تیلی میگذارند تا هم تأثیر هوا به این طریق کم گشته و هم میوه از یخ بستن محفوظ ماند . برای انگور طرز مخصوصی دارند بعضی انگورها را بیشتر بذریعه قطی ها و بعضی را بذریعه کنسکینه (۱) حفظ میکنند اکثر میوه های تازه که در بازارهای افغانستان در ایام زمستان دیده میشود بهمین طریق حفظ میشود در ۱۳۱۵ از طرف شرکت پشتون قندهار يك کارخانه حفظ میوه (کنسرو) تأسیس یافته که بذریعه ماشین های برقی بصورت جدید کنسرو میکنند این کارخانه دارای (۱۱) پایه ماشین برقی است .

صنعت گر و شکر :

در بعضی حصص مشرقی مثل جلال آباد ، لغمان ... و غیره بذریعه ماشین حلاجی نیشکر حلاجی شده از شربت آن گر و شکر یکمقدار زیادی ساخته بقیمت نازلی در تمام نقاط افغانستان بفروش میرسد .

علاقه بندی و کار سوزن

علاقه بندی :

علاقه بندی صنعتیست که از ابریشم ، سند ، گلابتون ، نخ بذریعه (۱) کنسکینه : محفظه از گل و یا ظروف سفالین ساخته انگور را درین آن میگذارند .

سیم دوزی :

سیم های خیلی باریک تاب داده را بصورت خوشه های گندم و گل اکثراً در کابل و قندهار بر روی یخن و پیک های کلاه های رسمی عسکری و یکنوع کیلای ملکی که به اسم کلای سیم دوزی یاد میشود بصورت خوب و نفیسی میدوزند این صنعت در زمان امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان بیشتر رواج و ترقی داشت چه این صنعت در لباسهای رسمی و غیره خیلی زیاد استعمال میگردد و هم در کابل و بعضی ولایات سیم های نقرئی را در روی چادرها بصورت ستاره های متعدد دوخت میکنند .

زر دوزی :

بیشتر در قندهار ، کابل ، مشرقی بذریعۀ گلاباتونها در روی عرق چین ها ، روپنوسی ها ، روبۀ پزار ها ، بوتهای زنانه ، چپلی و غیره بایک سفتی مخصوصی دوخت میشود که در گلهای و بته های دوخت شده تار های گلاباتون تمام سطح تکه را مطلا و یا قره کوب نماید. این صنعت بیشتر در قندهار ، کابل ، مشرقی وجود دارد.

چکن دوزی :

بذریعۀ ابریشم های رنگه و گلاباتون اشکال هندسی و گلهای به یک صورت مخصوصی بروی روپنوسها ، سرمیزی ها ، سرصندلیها یکنوع کلای های مخصوصی جلال آباد ، و چکن ها میدوزند چکن دوزی زیاد تر در مشرقی ، ترکستان ، وردک ، سمت جنوبی

دست و کار گاهای دستی روبل ها و جالبهای نفیس و یوپکهای خیلی خوب چته پرده ها و این ها ، قیطانها ، ریشه ها ، پهمک ها ، فیه ها و غیره میسازند ضمناً تسایح و غیره را پتوه مینمایند .

کار سوزن :

این صنعت متنوع بوده بصورت عمومی مشهور ترین آن را به (۶) میتوان تفریق نمود : خامک دوزی ، پخته دوزی ، سیم دوزی ، گلاباتون دوزی ، چکن دوزی و گل دوزی .

خامک دوزی :

صنعت خیلی نفیس است که بذریعۀ سوزن و ابریشم های مختلف غیر تاب خورده اشکال هندسی و گل های برجسته بروی سرمیزی ها و پیشکی های بقره ، قطیفه ها ، چین ها ، لنگی های سرشانه و سرو غیره بصورت خیلی نفیس و قشنگ دوخته میشود این صنعت در بسی نقاط افغانستان وجود دارد ایک قندهار و غزنی ، به این صنعت بیشتر نسبت شهرت نموده است در غزنی این صنعت را بیشتر در پوستین ها استعمال میکنند .

پخته دوزی :

ابریشم را تاب داده بصورت غیر برجسته عین اشکال هندسی و گل خامک دوزی را بصورت غیر برجسته (عمیق) میدوزند که این صنعت را تور بخیه هم میگویند تور بخیه اکثراً بروی یخن ها و دهن های پاچه و کلای بقره زنانه استعمال می شود این صنعت در قندهار ، مشرقی ، جنوبی ، وردک بیشتر مروج است .

سالنامه « کابل »

رواج دارد. بالخاصه چکن دوزی اشیای خورد و ردك خیلی نفیس بوده و بچنان مهارت روی اشیاء را بذریعۀ دوخت از اشکال هندسی مزین میسازند که گویا بذریعۀ يك ماشین خیلی حساس دوخته شده که تمام تقسیمات هندسی را رعایت توانسته است.

گل دوزی برجسته :

بذریعۀ پشم وابریشم های ملون، سند، گلابتون انواع گلهای و طيور درخت، انسان بصورت برجسته و بزرگ میدوزند این اکثرأ در تکیه ها (بشتی ها) روپنوسها یا پرده ها دوخته میشود بذریعۀ ماشین هم در روی چادرها و غیره بعضی گاهای سندی نفیس و خوبی میدوزند این صنعت در کابل بیشتر رواج یافته.

انواع صنایع سوزنی فوق به يك مقیاس زیادی رواج داشته اکثرأ مشغولیت زنهارست.

دندان سازی

این صنعت در تمام شهرهای مهم افغانستان وجود دارد لبك در کابل يك صورت اساسی و عصری بوده علاوه از پرکاری و پوش کردن و پاك و صفا کردن دندانهای طبیعی دندانهای صنعتی يك صورت بسیار خوب و اساسی تیار میشود، علاوه بر مؤسسات شخصی در کابل يك مؤسسۀ عالی تحت ریاست يك نفر متخصص لائق از چندینست تاسیس یافته که دارای لوازم عصری بوده از عهدۀ هر نوع دواوی، پر دیز ساخت دندان و غیره امور دندان سازی بخوبی بدر شده میتواند

صنایع و فنون در افغانستان

این مؤسسۀ نظر بدیگر مؤسسات خیلی مفید بوده برای مراجعین تسهیلات لازمه فراهم میکند در تمام مؤسسات دیگر متخصصین وطن که بعضی در خارج و بعضی هم در همین جا تحصیل دیده اند مصروف کار اند.

کشیدن تیل از نباتات

کارخانه جبه تیل کشی از نباتات وجود دارد که توسط آن از نباتات چربی دار تیل کشیده میشود این کارخانه در ۱۳۱۱ تأسیس یافته است. علاوه در بسی نقاط افغانستان بذریعۀ ماشین هائیکه ذریعۀ حیوانات بحرکت آورده میشود از شرشم، پنبه دانه، زغر، کنجد... و غیره تیل میکشند. مستحضرات شرشم، و پنبه دانه، و زغر به يك پیمانه خیلی زیاد است.

کلا لی

این صنعت بر وفق ممالك سائره درین مملکت نیز یکی از صنایع خیلی قدیمی است که حسب احتیاجات به آن در هر وقت تغییری داده شده حاضرأ این صنعت در اکثر نقاط افغانستان کم و بیش رواج دارد. از جمله ظروفیکه دراستالف، بعض حصص جلال آباد، قندهار و هرات اعمال میگردد نفیس تر و مضبوط تر میباشد. اشیاء مصنوعه عبارت از صراحی ها، کوزه های آب بخی، دیگ های مختلف، گلدانی ها، تقاره های خمیر، کاسه های شیشه دوانده (کاشی) و ساده و غیره ظروف میباشد.

بعضی حرفه های متنوعه

علاوه بر صنایع که در فوق بدان اشاره رفت بعضی صنعت ها و حرفتهای دیگری هم بمنثل : مهر کنی ، لوحه نویسی بصور مختلفه (به حرف سایه دار ، برجسته ، مشبك ...) ، رفوی قالین و پتوها ، شانه سازی که از چوب شانه های رنگه و نقش دار میسازند ، سیم و مهره کاری های نئ چلم و غیره ، بافت پکه ها ، بوریا و غیره صنایع و حرفتهای ضروری و لازمی حیاتی وجود دارد که در راه تطمین احتیاجات اهالی خدمت میکنند که تفصیل همه این ها در خور کتاب خیلی ضخیم است . حال لازم است که را جم به دو مؤسسه مهم صنعتی چیزی عرض معلومات نمائیم :

مکتب صنایع نفیسه

اعلی حضرت فقید شهید (رح) بخوبی درک فرموده بودند که صنایع افغانستان در خور اصلاح بوده و میدان وسیعی جهت ترقی دارد که این اصلاح و ترقی جز بوجود آوردن يك عده صنعت کاران خیلی لائق وطن که صنعت را با تمام پاریکی ها بیاموزند چاره دیگر نیست که صنایع ملی رنگ و رونق جدیدی بخود گیرد . بتأسی این فکر ، مکتب عالی بنام مکتب صنایع نفیسه تأسیس فرمود که چنین مکتب در شرق خیلی کم نظیر دارد ، برای امور تعلیمی آن متخصصین مجرب داخلی و خارجی را تهیه و به اندازه زیادی طلاب را امر شمولیت فرمود . در اول به نسبت ابتدائی بودن کار ، گرچه خالی از نواقص نبود لیک رفته رفته نواقص آن تکمیل و اینک به اندازه ۱۲۰۰

نفر طلبه به شعب رسامی و نقاشی ، رنگامی ، رنگریزی ، نجاری (مسلكی و مستعجله) ، مهندسی ، معماری ، بسته کاری ، قالین بافی خیاطی ، لیتوگرافی ، سفیده کاری ... تقسیم یافته بعضی شعب که سابقاً تأسیس یافته بود از ان يك تعداد طلاب زیادی فارغ التحصیل شده و در شعب مختلفه مصروف کار اند و بعضی شعب که بعد تر بوجود آمده طلاب آن رشدی واعدادی و بعد تر از ان ابتدائی اند . حاضراً مکتب تحت مدیریت یکی از جوانهای لائق تر این کار جناب عبدالغفور خان برشنا فارغ التحصیل یونیورسیتی رسامی آلمان به يك صورت عصری و اطمینان بخشی جاری بوده روز بروز فعالیت و بطور خوبی در ان دیده میشود .

صنعت در محبس مرکزی

جهت تهیه مشغولیت و آموختن صنعت و ضمناً استفاده مادی محبوسین ، حکومت ترقیخواه ما از مدتیست که کارخانه چندی مثل کارخانه : شطرنجی بافی ، الچه بافی ، تسربافی ، گلیم بافی ، خیاطی ، بوت دوزی و سراجی ، کاشی سازی ، آهنگری و حلبی سازی ، نجاری و خرا دی ، رنگریزی ، ساخت نل و خشت سمته ، سرلوحه نویسی ، بنیان بافی و جراب بافی ... و غیره تأسیس و محبوسین بکمال ذوق و رغبت هر يك یکی از این کارخانه های دستی که اکثراً بذریعه دست و آلات دستی کار میکنند مصروف بوده روز بروز بهمارت شان افزوده شده میرود . حاضراً اکثر مستحضلات محبس مرکزی خوب و نفیس بوده در بازار کابل بکثرت بفروش میرسد . این بود نبذی از فنون و صنایع مادی موجوده افغانستان که مختصر آ

بدان اشاره نمودیم. حال پی مورد نخواهد بود که در اطراف اصلاح و ترقی صنایع عمومی تبصره خوردی بنمائیم:

تبصره مختصر در اطراف اصلاح و ترقی صنایع

درین جای شك نیست و منکری ندارد که افغانستان در سایه حکومت ترقیخواه درین مدت خیلی کمی جدیت و فعالیت زیاد و خوبی نموده بسی فابریکه ها و کارخانه های بزرگ تأسیس و بسی مؤسسات که در راه تطور صنایع خدمت های خوبی نموده میرود روی کار آمده و روز بروز بعد از آن افزود شده میرود که در آینده قریب نتیجه آن را بصورت خیلی درخشان خواهیم دید لیک از باعث کمتر اهتمام نمودن اهالی مخصوصاً صنعتکاران ملی منصفانه باید گفت که نظر بملل صنعتی دنیا خیلی عقب مانده سالها مجاهدت طاقت فرسا میخواهد تا خود را ازین ناحیه همقطار ایشان بسازیم. این پس ماندگی ما بیشتر زاده کوشش های انفرادی و پابندی توده صنعتکاران به طرز قدیم و بیکاری ملیونها دهاقین و مزدور کاران در ایام زمستان است. هرگاه تمام صنعتکارانیکه بصورت انفرادی در اثر یک سلسله حرکات پیدی تهیه متاع و لوازم مینمایند دست اتحاد و اتفاق را بسوی همدگر دراز نموده شرکت های متعددی تأسیس و از مجموع اندوخته های خویش لوازم و ماشین های لازمه عصری از اروپا وارد کنند و از دیگر طرف رونق جدید و اصلاحات در صنعت خویش به تعاون صنعتکاران ماهر بنمایند در مدت قلیل یک تطور عظیم در درجه مستحضرات و یک نفاست خوبی در صنایع ملی بعمل آمده هم مملکت مسعود و هم خود ایشان شیرین کام میگردد. ازین جله اخیر الذکر اصلاح صنعت چنین فهمیده نشود

که صنایع موجوده ملی را میخواهم بکلی از میان رفته صنایع جدیدی جای گیر آن شود. نه خیر!

مطلب از اصلاحات تعدیل و تصحیح نواقص است یعنی میخواهم بفهمانم که باید در شکل صنایع موجوده ملی یک تجدید و رونق بهتری داده شود. ما بعضی صنایع نفیس ملی داریم که اندک نقص باعث تنقید مشتریان در بازارهای دنیا میشود مثلاً قالین را بصورت نمونه نشان میدهم: در بازارهای دنیا تنقیدی که راجع بقالین ما میشود عبارت ازین است که میگویند رنگ تمام آن بیک نواخت نبوده بعضی جاها کم رنگ و بعضی جاها تیز است. همچنان گل های تمام قالین ها چند نمونه تغییر ناپذیری دارد. نقص اول ناشی از کم، کم رنگ کردن پشم است که این هم زاده محدودیت سرمایه و نقص دوم مشتق از عدم وجود رهبران ماهر و فنی است که جز در سایه شرکت ها و تدابیر فنی بدیگر صورت اصلاح آن پرودی میسر نمیشود، همچنان است بعضی از صنایع دیگر که به اندک همت بصورت نهایت خوبی اصلاح شده ترقی میکند. آمدم به این شق که دهاقین ما با مزدوران اکثر در ایام زمستان بیکار میانند: هر گایکی از شرکتهای ما و یا جمعی از صاحبان ثروت که تشکیل شرکت میتوانند مطابق هدایات حکومت ترقیخواه برای چنین اشخاص که تعداد آن از ملیونها تجاوز میکند مثلاً ماشین های خورد دستی جهت بافت جراب، بنیان، و چندین امته ایکه بسهولت بذریعه ماشین های خورد تهیه آن ممکن است وارد نموده و به اقساط معینه بالای ایشان بفروشند و بذریعه مستخدمین شرکت در خانه ها این دهاقین و غیره کار آگاه شده و مستحضرات او شان را بقیمت مناسبی که برای طرفین فائده باشد

اشياء کارآمد دیگر که در وطن دست یاب میشود استعمال کنند هم صنعت کاران و طن دارای سرمایه خوبی گشته پول ما بجهت خارجی ها نمی افتد و هم لوازم مضبوط و با دوام بقیمت نازل بدست میآید بالعکس اگر چنین نشود و این حس غریزی وطن بمتأثیری نکند صنعت ملی ما ازین هم پست تر گشته صنعت کاران موجوده که داریم آهسته آهسته از میان خواهد رفت. چه ثابت شده که تمام ترقیات بشرزاده احتیاج است و احتیاج هم ما در ایجاد؛ وقتیکه ما احتیاج خود را از خارج رفع کنیم آیا ممکن خواهد بود بچیزیکه احتیاج نداشته باشیم ترقی کند؟ پس درینصورت گناه انحطاط صنایع وطن بدوش فرد فرد ما افتیده ظلم بر خویشتن و وطن خواهیم کرد.

چون در فوق راجع به ترقی و اصلاح صنایع وطن تبصره نمودیم حال بی مورد نخواهد بود که پیشنهادات (تایلر) مهندس امریکائی را که قریب ۲۵ سال قبل برای تنظیم و تشکیل صنایع دستی نموده و آن را (طریقه کار عملی) نام نهاده است برای استفاده شرکتها و ذواتیکه خیال تشکیل شرکتها را مینمایند در معرض اشاعه بگذاریم:

کار عملی یا طریقه تایلر

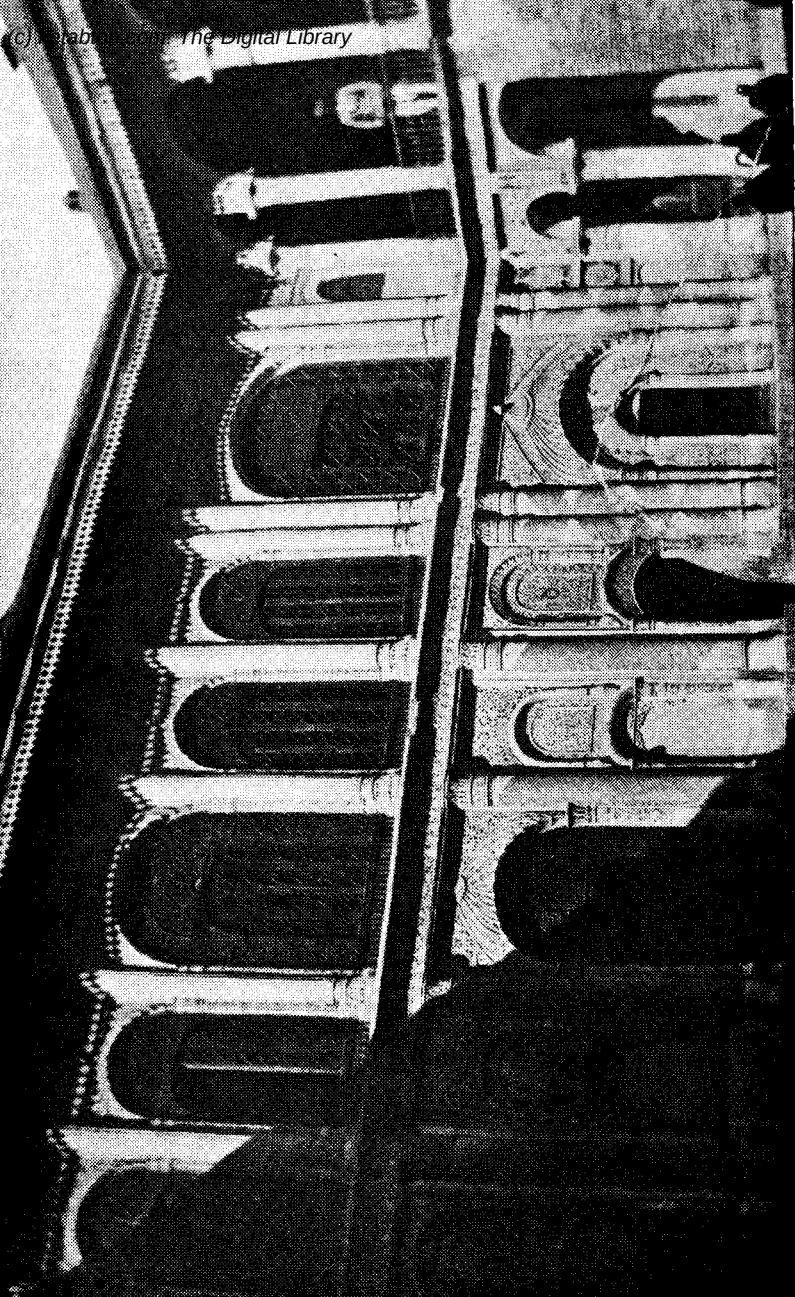
روح طریقه مذکور این است که کارگر صنایع دستی طرز کار را نمیداند و امراعات اصول ذیل باید تعلیم یافته و آموخته گردد:

- ۱ - تجزیه کار بعناصر ساده و تنظیم اوقات هر يك از آنها.
- ۲ - حذف حرکات زائدیکه ببرد حصول نتیجه نمیخورد و استفاده از اوقات بسمیکه جز زمانی که برای استراحت کارگر ضرور است

بخرند در ماه فوائد هنگفتی بشرکت رسیده ضمناً يك عده زیاد برادران وطن صاحب ثروت خواهند شد کذا بسی طریقه های دیگری وجود دارد که به جیب مائثروت هنگفتی را میریزد. امر و مملکت جایان که از نقطه نظر صنعت شهرت بلندی حاصل و بمقابل امتعه دیگر ملل اعلان دمینگ (ارزان فروشی) نموده بسا فایر یکه هارا ورشکست میکند در سایه همین نوع تدایر است که شرکت آنرا بکار میاندازد.

خلاصه عصر حاضر عصر ترقی و تعالی صنعت بوده بدون رسیدن بدور صنایع پررنگ و لوائیکه زراعت و فلاحت ما خیلی و ترقی باشد غیر ممکن است که مثل ملل مرفقی و صنعتی دنیا شاهد سعادت ملی را به آغوش کشیم امروز سعادت مند ترین ملل آنانیست که مستحصلات آن چون سیل در بازارهای دنیا جریان داشته بمقابل ده رویه مواد خام ۱۰۰ ها رویه نقد را بجهت خود می اندازند.

در اینجا مورد روشن کردن دارد که پیشرفت و ترقی صنایع تنها وابسته بمساعی و مجاهدت صنعتکاران نبوده يك قسمت مهم متوجه مشتریان و طن هم میگردد یعنی اگر مشتریان به پاس حقوق وطن و به لحاظ ملت دوستی امتعه خارج را که ازان صنعت کاران و طن بکثرت تهیه کرده میتوانند از قلب خود دور کرده به استملاک مستحصلات خود بکوشند یعنی بعوض تافهای بی دوام، کلم های خوب و قشنگ بجای تکه های پوده و بی داشت خارج انواع تکه های با دوام و مضبوط وطن را و بعوض ظروف برنجی، المونیمی، حلبی خارج صراحی آفتابه لگن، بشقاب، سماوار، پلتنوس و صدها سامان مسی و برنجی و حلبی و طن را و بعوض چاقو، کارد، قیچی ... و غیره آلمانی، جاپانی ... و غیره چاقوهای آبدار فولادی و خیلی بران وطنی را باینها



از عمارات قدیمه هرات : حرم سرای باغ کارته
Type des anciens bâtiments du 18^e. siècle à Hérat

وقت اوتضیع نگردیده و حرکات مفیده متصل به یک دیگر انجام شوند .
۳ - جریان کار قسمی منظم گردد که خط و خطائی دران رو نداده و یک مرتبه که کارگر شروع بکار نمود تا اختتام بکمال صحت وانتظام پیش برود .

۴- مصالح و آلات هر کار یراقبلا برای کارگر تهیه نموده و در دسترس اوبگذارند .

۵ - عمده نگرانها ومقتشین فنی برای نظارت حسن جریان کار و ضمناً تربیه کارگران معین کرده و کار فرمایان فاسدیرا که با تحککات خود روح کارگر را متألّم سازند دور نمایند .

۶ - حداقلی برای کار کارگرو اجرت او مشخص ساخته و برای اضافه کار نسبت معینی به او اجرت اضافی دهند .

در صورتیکه نکات فوق کاملاً مرعی ومجرا گردد نتایج خوبی ازان بدست خواهد آمد .

شرط عمده استفاده ازان، صورت عمومیت پیدا کردن این اصول است .



نباتات مشهور افغانستان

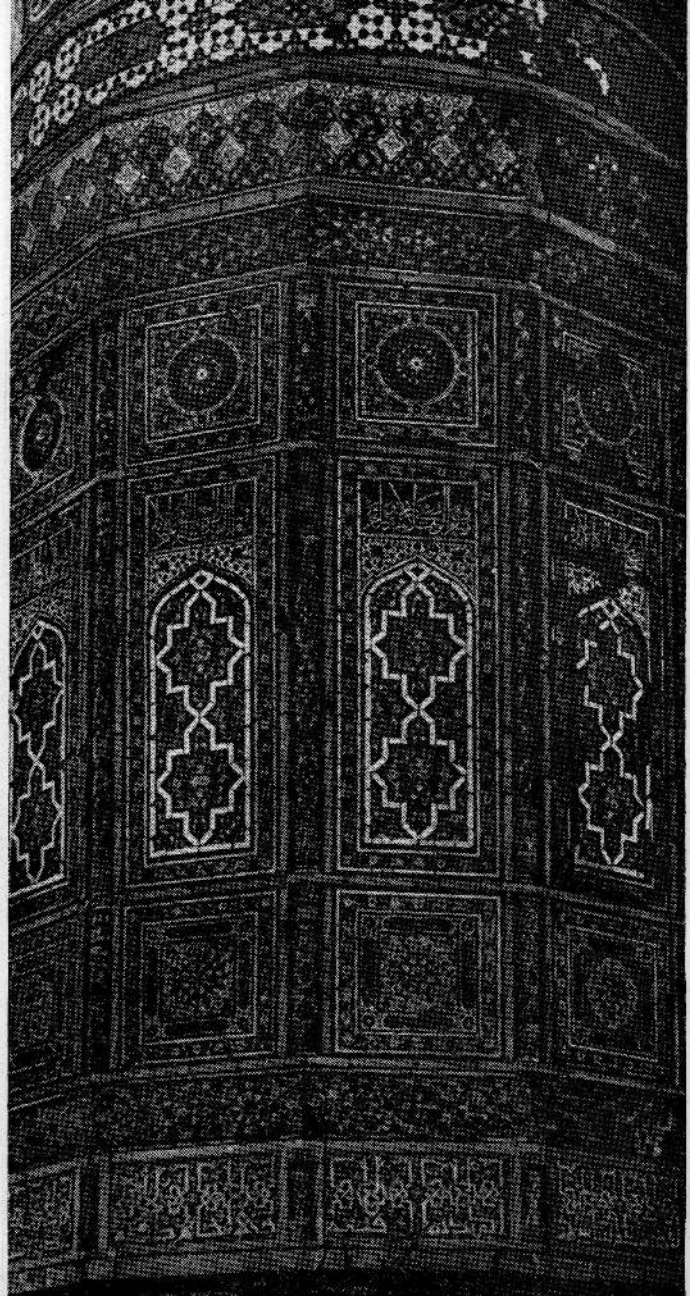
و معلومات طبقات الارضى آن

بقلم جناب محمد زمان خان متخصص ، مدير عمومي زراعت
سال گذشته مقاله تحت عنوان (نباتات مشهور افغانستان) نگاشته
معلومات خود را نسبت به نباتات مشهور قطغن و به، خشان و قندهار و هرات
و فراه ، مشرقی و جنوبی تحریر و با بعضی توضیحات طبقات الارضى حصص
مذکور برای درج سالنامه سنه ۱۳۱۵ کابل فرستاده وعده داده بودم
که نباتات مشهور و خصوصیات زراعتی حصص ولایت کابل و مزار شریف
و میمنه را برای سالنامه سنه ۱۳۱۶ ترتیب داده بآنجنم ادبی تقدیم خواهم
داشت . اینک قرار معهود و حسب خواهش آنجنم محترم ادبی معلومات
مختصری که نسبت بزراعت علاقه جات مذکوره فوق داشتم در سلك
تحریر در آورده تقدیم مینمایم ، ضمناً کمک هایی که جناب فاضل سید قاسم خان
رشتیا در قسمت معلومات ولایت کابل بپابنده فرموده اند تشکر میکنم .
« محمد زمان »

حصص مرکزی افغانستان یا ولایت کابل

حصص امر کزی افغانستان که از روی تقسیمات ملکیه شامل
ولایت کابل میباشد از حیث وسعت خاک و زراعت مهمترین و حاصل
خیزترین حصص افغانستان را تشکیل داده ، دارای اراضی کشتندوی

از آثاریست و تاریخی هرات : حصه تختانی یکی از مینارهای مصلى
La partie inférieure d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat



و نخلستانها و باغات و دره های پر درخت و رود خانها و چشمه سارهای فراوان است که رو بهمرفته این علاقه را با وجود اختلافات اراضی آن که بعضی کوهستانی و برخی دشتی و قسمتاً سطوح مرتفعه است، يك علاقه پر برکتی گردانیده است. بطورعمومی آب و هوای ولایت کابل بری و سرد بوده، مناطق گرم سیردران وجود ندارد و در زمستان تمام حصص آن برفگیر و در تابستان شاداب میباشد. باران کمتر میبارد و اکثریت زراعت آبی بوده، مناطق للمی کاری در بعضی حصص خاص میباشد اراضی ولایت کابل که اکثراً از نقطه نظر طبقات الارضی به زمانه جدید نیوژن Néogène متعلق بوده شامل اراضی مختلفه طبقات الارضی است (که تفصیل آن علیجده علیجده در ذیل آمده) که بیشتر آن دارای مواد آزوت و فوسفات بوده ازین رهگذر حاصل خیزی زیادی را دارا بوده استعداد پرورش اقسام نباتات را از قبیل غله جات، سبزیجات و میوه جات مناطق معتدله دارا میباشد.

حصص مرکزی افغانستان با عبارت دیگر ولایت کابل را از نقطه نظر مناطق جغرافیائی به شش منطقه میتوان تقسیم کرد، اتفاقاً همین تقسیم با تقسیمات ملکیه نیز تا اندازه مطابقت میکند :-

اول - کابل و نواحی آن

دوم - سمت شمالی

سوم - غرنی

چهارم - لوگر

پنجم - سطح مرتفع مرکزی (دایرنگی)

ششم - سروب

اول - کابل و نواحی آن :

شهر کابل بشمال مشرق افغانستان و بجنوب سلسله کوه هندوکش واقع بوده نواحی مشهور و زراعتی آن قرار ذیل است :-

۱ : پغمان - بطرف شمال مغرب .

۲ : چهارده - بطرف غرب و جنوب غرب .

۳ :- ده سبز و بتخاک و شیوکی و غیره بطرف شمال شرق،

شرق و جنوب شرق

کابل:

شهر کابل ۱۷۶۲ متر ارتفاع دارد و از جبال شیر در وازه و آسمائی و قوروغ و پغمان محدود بوده بجنوب کوه دامن واقع است

دریای کابل که از سمت جنوب آمده از بین کوه آسمائی و شیر دوازه میگردد بدون اینکه بمزروعات قریبه شهر از آب آن فائده برسد بطرف تنگ غارو و سروب و مشرقی جریان پذیرفته بالاخره بعد از آنکه داخل دریای سند میگردد .

آب و هوای شهر کابل بری بوده در زمستان سرد و در تابستان گرم است : درجه حرارت تابستانی در ماههای سرطان و اسد تا به ۳۶ درجه سانتی گراد فوق الصفر بوده در ماههای جدی و دلو که وقت سرما و برودت است تا ۲۰ درجه تحت الصفر نیز پایان شدن مقياس الحرارة ممکن است .

نباتات مشهور

از ۲ بجه بعد ظهر تا ۳ بجه درجه حرارت خیلی بلند میرود. و حرارت ۸ بجه صبح باحرارت ۹ بجه بعد ظهر خیلی مشابه است. از نقطه نظر زراعتی آب و هوای کابل برای زراعت هر گونه نباتات ممالك معتدله مستعد است. تمامی اقسام سبزیجات در گرد و انواع کابل ذریعه دهافین ررع میشود. غله جات مشهور نواحی کابل گندم، جو، جواری، کل جو، ارزن است. اصلاح غله جات مذکور از مهمات است برای اصلاح غله جات از طرف ریاست زراعت برای سال آینده ترتیبات لازمه فنی گرفته شده است. از اقسام سبزیجات کچالو، لبلبو، شلغم، سبزی پالک، پیاز، گندنا، زردک، لویا، فاسولیا و بادنجان سیاه و بادنجان رومی و غیره زرع و نتایج خوبی ازان گرفته میشود. برای اصلاح سبزیجات وطنی و ترویج سبزیجات خارجی موسیو اوزاکی متخصص جاپانی که مستخدم ریاست زراعت است، در باغ بینی حصار تجارب خود را شروع نموده، اصول جدید زراعت سبزیجات را بطلبه زیر دست خود تعلیم مینماید. متخصص مذکور در اطراف امراض نباتات نیز مطالعات و تجسّسات نموده بعضی امراض سبزیجات را بطلبه زیر دست خود آموخته است. جهت اصلاح سبزیجات در کابل ترتیبات لازمه اصولی گرفته شده و بعضی سامان فنی نیز بخارج فرمایش داده شده است. از قبیل اشجار شمر درخت سیب و ناله و آلو و زرد آلو و قیسی و آلو بالو و آلو بخارا و شفتالو و بادام و چار مغز در کابل نمو کرده نتیجه خوب میدهد در کنار تپه ها و دامنه های کوه ها بشرط بودن یک مقدار آب لازمه زراعت انگور نیز میشود و نتیجه خوب میدهد.

طور مثال حرارت سالانه کابل را از ۲۵ جنوری (۵ دلو) يك سال تا ۱۵ فروری (۲۵ حوت) قرار ذیل معلومات میدهیم:

| ۲۵
سنه
جنوری
۱۹۲۳ | ۱۰
سنه
جولائی
۱۹۲۳ | ۱۵
سنه
نومبر
۱۹۲۳ | ۱۵
سنه
فروری
۱۹۲۴ |
|----------------------------|-----------------------------|----------------------------|----------------------------|
| درجه اعلى درجه ادنى | درجه اعلى درجه ادنى | درجه اعلى درجه ادنى | درجه اعلى درجه ادنى |
| ۳۳ / ۲ | ۴۴ / ۴ | ۱۸ | ۲۰ |
| ۱۷ / ۲ | ۱۷ / ۴ | ۲ / ۸ | ۱۳ / ۹ |
| ۱۶ / ۳ | ۱۷ | ۲۰ / ۸ | ۱۵ / ۹ |
| فروق
مايین | | | |

۱۳۱۶ جهت اخذ معلومات ابتدائی بوده برای سال آینده در نظر است که قوریه های وسیع و مهم اشجار جنگلی ترتیب یافته یکمقدار نهال زیادی هر سال از قوریه های مذکور کشیده و به نقاط قابل الزرع جنگل نقل داده و غرس شود یک گونه نبات تجارتی موسوم به (سوژ) در باغ بینی حصار زرع گردیده و نتیجه محصوله اطمینان بخش بوده از تخم سوژ ۲۵ فی ۱۰۰ تیل کشیده میشود که درخورا که نیز بکار برده شده میتواند .

زراعت پنبه در نواحی کابل به نسبتیکه حرارت در ماه های سبزه و میزان در وقت شب خیلی یابان میشود نتیجه نداده غوزه ها ناشگفته میماند . زراعت خر بوزه و تربوز در نقاطیکه شب باده داشته باشد نیز نتیجه اعلی میدهد . از جمله غلات چیز یکم زراعت آن مروج نیست گندم سیاه است ، و اون گندم سیاه علاوه بر اینکه سخت سر بوده بهر قسم زمین نتیجه میدهد قوه غذائی آن نیز زیاد است . خوردن گندم سیاه در روسی خیلی مستعمل است و اگر در ترویج زراعت آن در نواحی که بل کوشش شود نتیجه خوبی بدست خواهد آمد .

اون يك گونه غنه خیلی مفیدی است که در ممالك اروپا بهزارها هکتار زمین را فرا گرفته محصول آن حیوانات خصوصاً برای اسب ها داده میشود . در مکتب زراعت مرکز یکمقدار تخم آن موجود است و قراریکه در اراضی متعلقه مکتب مذکور تجربه بعمل آمده است اون بخوبی در کابل نمومیکند . اون دو قسم است یکی اون سفید بهاری ، دیگر اون سیاه زمستانی . اگرچه اقسام متعدد دیگر نیز دارد لاکن دو قسم مذکور خیلی مشهور است .

در علاقه چهاردهی زراعت گندم به نسبتیکه ترکیب طبیعی زمین

لاکن نقائصیکه در زراعت اشجار دیده میشود همانا اینست که اصول قطع اشجار بطور فنی بهیچ يك ناحیه افغانستان مروج نیست . جمیع مواد غذائی که توسط ریشه های اشجار از اعماق زمین جذب میشود بطرف شاخچه های درخت رجعت می کنند . شاخچه های زاید و بی ثمر نیز مانند شاخچه های میوه دهنده از مواد غذائی مستفید گردیده درخت شکل غلو و آکنده را بخود میگیرد ، روشنی و هوا بخوبی در میان شاخچه ها نفوذ نداشته میوه درخت در بعضی جاها خیلی زیاد بنظر میرسد و در بعضی جاها لا اثر میباشد قطع درخت ها بطور فنی قوه آنرا زیاده می سازد ، بمقدار حاصل می افزاید و منتج باصلاح نبات میگردد ، از چند نیست که تحت هدایات فنی موسیو اوزاکی متخصص یکمده طلبه افغانی مشغول اخذ معلومات عملی قطع اشجار و پیوند و شاخه خوابانی و غیره بوده طلبه مذکور در اصول قطع اشجار معلومات کافی حاصل نموده اند .

در باغ بابر شاه اشجار مثمر تماماً در شروع سال تحت اثر موسیو اوزاکی توسط طلبه زیر دستش باصول جدید قطع می شود و نیز پیوند نهالها بطرز جدید بعمل میآید . در باغ مذکور یکمده اشجار میوه دار جاپانی که از جاپان خواسته شده است در سنه ۱۳۱۴ غرس گردیده الان يك تعداد مهم آن سبز گردیده رو به نمو است . در خصوص اشجار جنگلی نیز تحت نگرانی (موسیو آیزاوا) متخصص جنگلات در پیمان و چهارده اقسام متعدد آن از فیصل سرو صنوبر و بلوط و پسته و ارغوان و اکاسی و غیره زرع شده نتیجه بعضی از آنها اطمینان بخش است . عملیات موسیو آیزاوا در سنه

بطرف جنوب کابل کوه شیردروازه و به غرب جنوب کابل کوه آسمانی نیز از احجار صوانی و صوانی ورقی ساخته شده متعلق بر مانه اولی میباشد. بطرف جنوب مشرق اگر بیشتر برویم در دره او گر بعضی طبقات اراضی متبلوره ورقی *terrains cristallophylliens* دیده میشود، بدامنه سمت چپ دره او گر (کوه نوشته) احجار صوانی ورقی *Gneis* و احجار شیستی *Micaschiste* که دارای دانهای یاقوت و (آندالوزی) میباشد دیده میشود. ساختمان دره سمت چپ او گر مربوط بر مانه اولی *Primaire* بوده اراضی که از تجزیه احجار کوههای سمت مذکور حاصل شده است دارای حامض فسفور و چونه نبوده برای اصلاح اراضی مذکور لازم است که یکمقدار پاروی فسفوری و یکمقدار چونه داخل زمین کرده شود.

بطرف سمت راست دره او گر کوه شاخ برته (ارتفاع ۲۳۲۰ متر) نیز دارای ساختمان فوق بوده علاوه طبقات آهک های خاکی و سیاه نیز در بین طبقات احجار کوه مذکور بنظر میرسد معلوم است که اراضی تحت دامنه سمت راست دره او گر تا یکمقدار دارای چونه بوده برای اصلاح آن تنها دخول یکمقدار حامض فسفور لازم است.

ساختمان طبقات الارضی کابل مربوط عصر جدید نیوژن *Néogène* عصر نیوژن *Meogène* مربوط زمانه ثالث *Tertiaire* است و مشتمل بدوره های پلیوسن *Pliocène* و ملیوسن *Miocène* میباشد.

سطح شهر کابل که ۱۷۶۲ متر ارتفاع دارد از رسوب جدید تشکیل *Néogène* ملغوف بوده و تپه (تپه بی بی مهر و تپه سیاه سنگ) که ۱۹۴۵ متر بلندی دارند از طبقات رسوبی عصر نیوژن تشکیل یافته بالای طبقات پالئوژئیک *Paléozoïque* قرار گرفته اند.

آن رستی و آهکی است و نیز درجه حرارت مستعد است خیلی زیاد میباشد. دو قسم گندم شهرت تامی دارد: یکی گندم لیچ و دیگر خاردار. هر دو قسم گندم مذکور مقدار آذون زیاد بوده قوه غذائی آن زیاد است. انواع مذکور متعلق به جنس گندم سخت *Hordeum Compactum* است.

کابل از نقطه طبقات الارضی:

سیستم پرید ویشیه *Système prédovinienn* کوه خواجه هزاره (هزاره بغل) که بشمال کابل واقع است از صوانه ورقی *Gneiss* احجار ورقی *Micaschiste* تشکیل یافته. اراضی که بدامنه کوه مذکور واقع است طبعاً از تجزیه احجار مذکور تشکیل پذیرفته چونکه متعلق به اراضی زمانه اولی *Ereprimaire* است دارای یکمقدار (پتاس) بوده (حامض فسفور) و (چونه) آن کم است، لهذا برای تقویه اراضی مذکور مواد کیمیاوی فسفوری و یکمقدار چونه لازم است که بصورت پاروی کیمیاوی داخل زمین گردد.

بطرف مشرق کابل در کوتل پای منار نیز صوانه ورقی *Gneisa* دیده شده علاوه بر آن احجار شیستی *Schiste* نیز بنظر رسیده خواص زراعتی اراضی محدوده کوتل مذکور قرار فوق است. یعنی حامض فسفور و چونه آن کم بوده لازم است که مواد مذکور بصورت پارو داخل زمین کرده شود بطرف مغرب کابل کوههای باغ بالا نیز از احجار متبلوره ورقی ساخته شده اراضی قریه آن مانند اراضی فوق الذکر فاقد مواد فسفوری و چونه بوده برای اصلاح آن دخول مواد فوق در اراضی مذکور لازم است.

پغمان :

صیفیه پغمان بشمال مغرب کابل واقع و دره شاداب آن دارای آب سرد و صاف بوده از سبب مجاورت جبال برف گیر و ارتفاع زیاد خود همیشه هوای مطبوع و مصفائی را داراست منبع آب نوشیدنی اهالی کابل از دره پغمان است و در هر کنج و کنار این ناحیه زیبا در بین اشجار سرسبز کوتی های متعدد و نفیسی جلب نظر مینماید در پایان دره پغمان وادی شاداب ارغنده وقوع دارد که دارای زراعت غله جات و بعضی درختان از قسم بید و چنار و غیره است اما کشک که قریب پغمان است دارای باغات میوه میباشد در پغمان درخت سیب و ناک خیلی کم است ، لاکن درخت گیلاس و آلوبالو و زرد آلو و چارمغز و آلوبخارا و بادام و توت بکثرت دیده می شود . چنار عرعر و سفید ارو پنجه چنار و نیله چنار و بید و کاسی و زیره از جمله اشجار جنگلی مهمی است که در ناحیه مذکور بکثرت میر وید به نسبت ریگی بودن اراضی درخت چارمغز و پنجه چنار که ریشه های شان بزمین خیلی عمیق فرو میرود نتیجه خوبی داده بزرگی و ضخامت اشجار مذکور قابل توجه است .

زراعت سبزیجات از قبیل کچالو و شلغم و سبزی پالک و انخود و زردک و باقلی و غیره نتیجه خوب میدهد و نیز زراعت گندم و جو و جواری و ارزن در ناحیه مذکور معمول است ، لیکن بسبب سردی هوا در حصص بلند تو دره پغمان حاصل غله جات کم میباشد . چیزیکه مهم است مسئله توسعه جنگل است که در پغمان باید از همه زیاده تر مورد توجه واقع شود . زیرا که برای زراعت و توسعه

و نموی جنگل یکمقدار رطوبت بذر هوا و بارانهای کم دوام موقتی لازم است و اینچنین شرایط در آب و هوای پغمان دیده می شود . خوشبختانه از چند سال باینطرف برای مشجر ساختن کوه های پغمان ترتیبات گرفته شده و در يك قسمت کوه ها درختان بادام و چارمغز و توت و زیره و غیره غرس شده است .

معلومات طبقات الارضی ناحیه پغمان

۱ - سیستم پرید و نیه : در نقطه انتهائی کوه های پغمان بطرف شمال قدری دور تر از توب دره آهک های (عصری دیونیه) دیده می شود که دارای (هماتیت) Hematite بوده بالای طبقات احجار صوانی و رقی Gneiss و میکا ایست Micacsbiste قرار گرفته از تجزیه احجار فوق خاکیکه حاصل می شود حامض فسفور کمتر داشته برای تقویه آن دخول مواد کیمیای فسفوری لازم است . بدون دخول مواد لازمه فسفوری بودن (پتاس) و (آزوت) و (چونه) و غیره نیز در همه اراضی فائده مطلوبه را داده نخواهد توانست ، زیرا برای اینکه از يك زمین حاصل خوب گرفته شود بودن آزوت و فسفور پتاس چونه لازم است .

چهاردهی :

چهاردهی کابل میدان سبز و خرمی است بطرف جنوب مغرب کابل اشجار سبز و بر جسته و اراضی مزروع زمردین خود را از دور بنظر جلوه میدهد . کوه قوروغ بطرف مغرب چارده قلل شامخه برف گیر خود را بانظار عرضه میدارد مخلوط طبیعی اراضی چاردهی

حاصل گرفتن از فالیز کاری شب باده لازم است از قبیل میوه جات آلوچه وزرد آلو و قیسی و توت و سیب چاردهی مشهور است آلو بالو و شفتالو کم است از درخت چارمغر نتیجه درست گرفته نمیشود، زراعت با دام ممکن است لاکن کم دیده میشود. برتیه های قریب دارالفنون يك تعداد زیاد نهال خورد با دام بشازگی غرس شده و رو به نمو میباشد لاکن توجه و مواظبت بکاردارد زراعت تارك در چهاردهی مروج نیست و از سببیکه شب باده نیست میگویند که زراعت تارك در چاردهی نتیجه نمیدهد.

درختیکه از همه بهتر نتیجه میدهد درخت چنار عمری است که دور اکثر اراضی زراعتی را فرا گرفته برزینت چاردهی افزوده است اگر حفاظت این درخت در سال اول قلمه نمودن بطور اصولی کرده شود بعد از آن بدون زحمت آبیاری دیگر تکلیفی بکار ندارد و حاصل آن عموماً بعد از مدت ده سال خیلی اطمینان بخش است زیرا که دستک چناری امروز از ده الی پانزده افغانی قیمت دارد. مع الاسف آب چاردهی کم است و اگر بکدام صورتی مقدار آب این حصه زیاد شود از مقبول ترین نقاط همجوار مرکز محسوب می شود. باوجود قلت آب گفته میتوانیم که چاردهی از حیث سرسبزی و قشنگی يك علاقه جالب الطبع و بس حاصل خیزی است. درخت اکاسی و نیله چنار و سفیدار و بید و سنجد نیز به تعداد زیاد بوده درین ناحیه خوب نمومی کنند. آنچه سبب قلت روز افزون آب چاردهی شده همانا توجه مردمان آن علاقه بسوی سبزی کاری و باغ سازی است که روز بروز دامنه آن وسعت یافته میرود و سبزیجات و میوه جات چاردهی در کابل بصرف میرسد.

از آهک ورست بوده برای زراعت غله جات خصوصاً گندم خیلی مساعد است از همین جهت است که گندم لوچک و خار دار چهاردهی بهمه جا مشهور بوده. باوجودیکه اکثریت زمین های آن انبار داده نمیشود هر سال یکمقدار مهم گندم بار می آورد. آبیاری اراضی چاردهی توسط جوی، پستو و جوی خنگوت می شود و دهاقین این علاقه با آنچنان مهارت آخرین جرعه آب را بصرف زراعت خویش میرسانند که میتوان گفت امروز هیچیک قطعه در چاردهی نیست که بصورت خار و لا مزروع دیده شود. سمت شرقی و جنوبی چاردهی موسوم به چار آسیاب است که وادی شاداب و حاصل خیزی بوده در زراعت شبیه چهاردهی ولی در حاصل خیزی کمتر از آن میباشد. در چاردهی چنار عمری و در چار آسیاب زراعت فالیز کاری زیاد است. تمامی اقسام غله جات در چاردهی زرع میشود و نتیجه محصوله نیز اطمینان بخش است پارودادن زمین چندان مروج نیست و اکثر اشخاص خاک تعمیرات کهن و خرابه را که دارای يك مقدار آزوت است بصورت یارو بالای زمین های خود میباشند. این قسم خاک را که خاک شوره می نامند برای زراعت غله جات خصوصاً گندم مفید است. شالی کاری نیز در بعضی حصص سیراب چاردهی رواج دارد.

زراعت سبزیجات در نقاطیکه آب وافر میسر باشد بخوبی میشود و زراعت تمامی اقسام سبزیجات معروف کابل از قبیل بادنجان و کچالو و شلغم و کدو و کدو و پیاز و سبزی پالک و غیره ممکن است، فالیز کاری چندان مروج نیست تنها در بعض نقاط خر بوزه تر کستانی و باد رنگ و تر بوز خوب نتیجه داده است. اهالی چاردهی میگویند که برای

گردیده است که شامل درختان آلو و اقسام زرد آلو، قیسی، سیب، ناک شفتالو، بادام، بی، توت سنجید و غیره میباشد چون این علاقه جات قریب کابل است زراعت سبز بجای از قبیل باد نجان، سبزی پالاک کچالو، کاهو، پیاز، سیر، زردک و غیره و زراعت شبدر (شفتل) رشقه و غیره نیز رواج دارد. چنار عری و درخت پنجه چنار بنا بر اینکه اکثر حصص زاء آب دارد ممکن نیست.

دوم سمت شمالی :

سمت شمالی یکی از حاصلخیزترین علاقه جات ولایت کابل بلکه تمام افغانستان را تشکیل داده در حقیقت عبارت از نشیب های جنوبی هندوکش میباشد که حصص شمالی تر آن کوهستانی و حصص جنوبی تر آن دشتها و دره های شاداب بوده، آب هندوکش بصورت نهرها و دریاها و چشمه ها و کاریزها حصص مختلفه آنرا آبیاری می کند سمت شمالی دارای زراعت مختلف بوده، اقسام غله جات و انواع میوه جات و سبزیجات فراوانی در آن بعمل می آید و مخصوصاً محصول غنمه و میوه آن بقسم آذوقه در شهر کابل وارد و حتی قسمتی از میوه جات تازه و خشک آن بخارج نیز صادر میگردد. مهمترین و حاصل خیزترین حصص سمت شمالی کوهها من و کوهستان است که ذیلاً به تفصیل ذکر میگردد.

این دو علاقه که قسمت بزرگ (سمت شمالی) کابل را تشکیل میدهد، از حیث حاصل خیزی خود در تمام افغانستان شهرت زیادی را مالک بوده، نخلستانهای شاداب و تاکستانهای فراوانی دارد که مقدار کثیری میوه تازه و خشک از آن حاصل شده در کابل و قسماً

از نقطه طبقات الارضی اراضی چهاردهی متعلق به عصر پربه و ینبه بوده حامض فسفور آن کم است و اگر حامض فسفور بصورت پاروی کیمیای و یا پاروی عضوی در اراضی مذکور داخل کرده شود اراضی منه کور قوه و حاصل خیزی فوق العاده حاصل نموده محصولات زراعتی مهمی از آن گرفته خواهد شد.

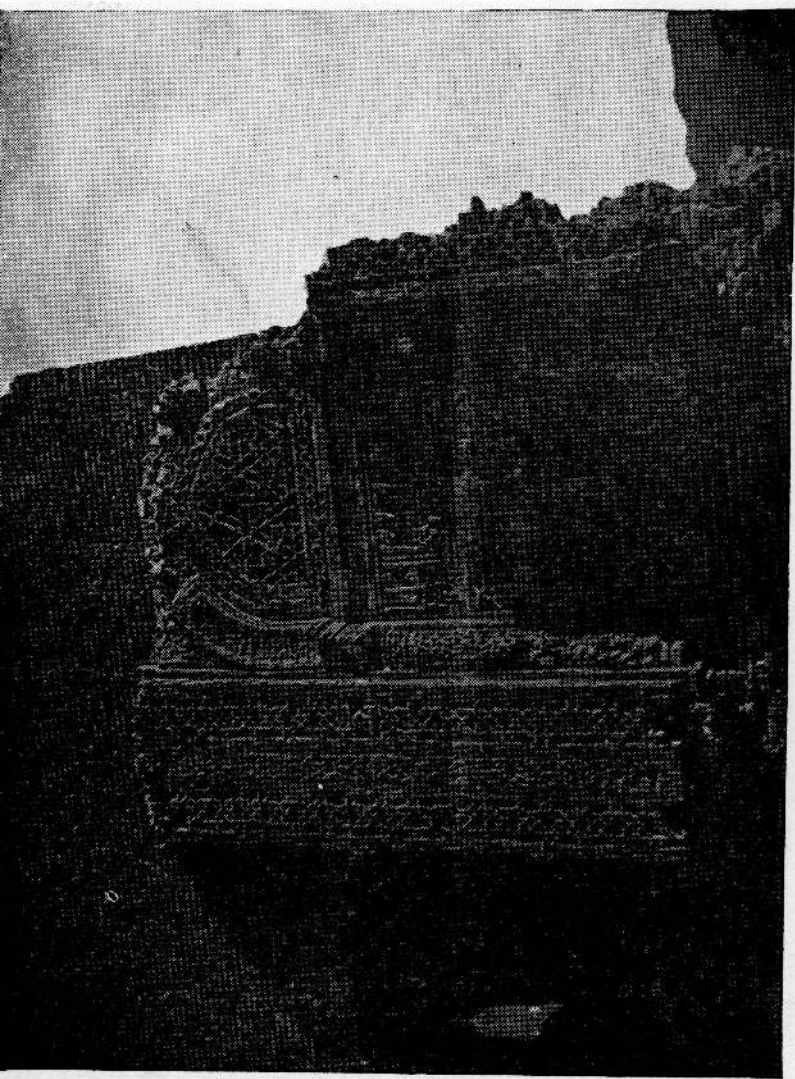
ده سبز، بتخاک و شیوکی و غیره :

این سه علاقه بسمت شمالی شرق و شرق کابل افتاده و عبارت از دشت های حاصل خیزی میباشد که حاصلات فراوانی از آنها گرفته می شود، زمین ده سبز خیلی مستعد پرورش فالیز بوده خر بوزه آن شهرت زیادی دارد. اما غله جات نیز در آن جا زراعت شده بعضی باغات زرد آلو و آلو و سیب و ناک و درختان توت و چنار نیز وجود دارد.

اراضی بتخاک که تا چند سال قبل کاملاً دشت خاره بود، بعد از آبادی بند خورد کابل (۱۳۰۴) عموماً مزروع و حاصل خیز شده اکنون در پرورش گندم و جو و فالیز کاری و رشقه کاری در تمام ولایت کابل شهرت پیدا کرده است.

باقی در بتخاک باغات وجود نداشته تنها بعضی درختان بید و چنار و توت اینجا و آنجا بنظر میرسد.

شیوه کی، یعنی حصار متصل شهر کابل و دارای باغات زیاد میوه دار و اراضی خیلی حاصلخیز زراعتی میباشد حاصلات گندم اراضی شیوه کی مشهور بوده، جویهای متعددی سبب ایجاد باغات وسیع و زیبائی



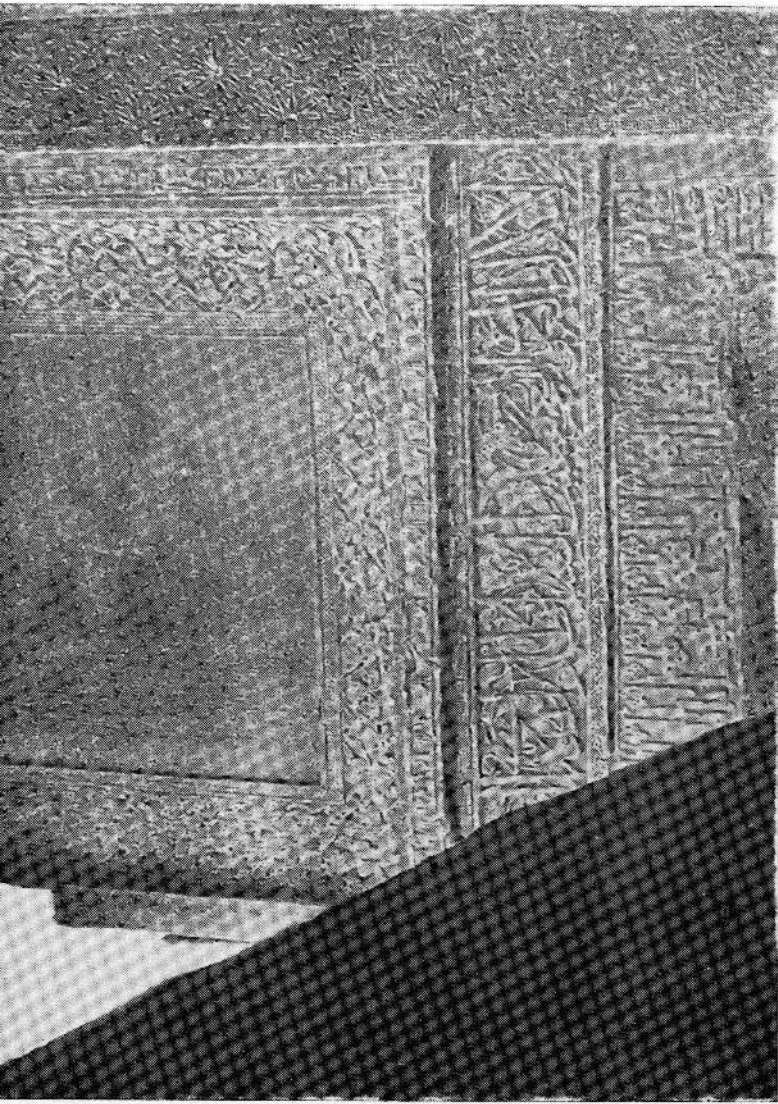
از آثار قدیم و تاریخی وطن : مقبره خواجه چشت در هرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja Tchecht à Hérat

سا لنامه « کابل »

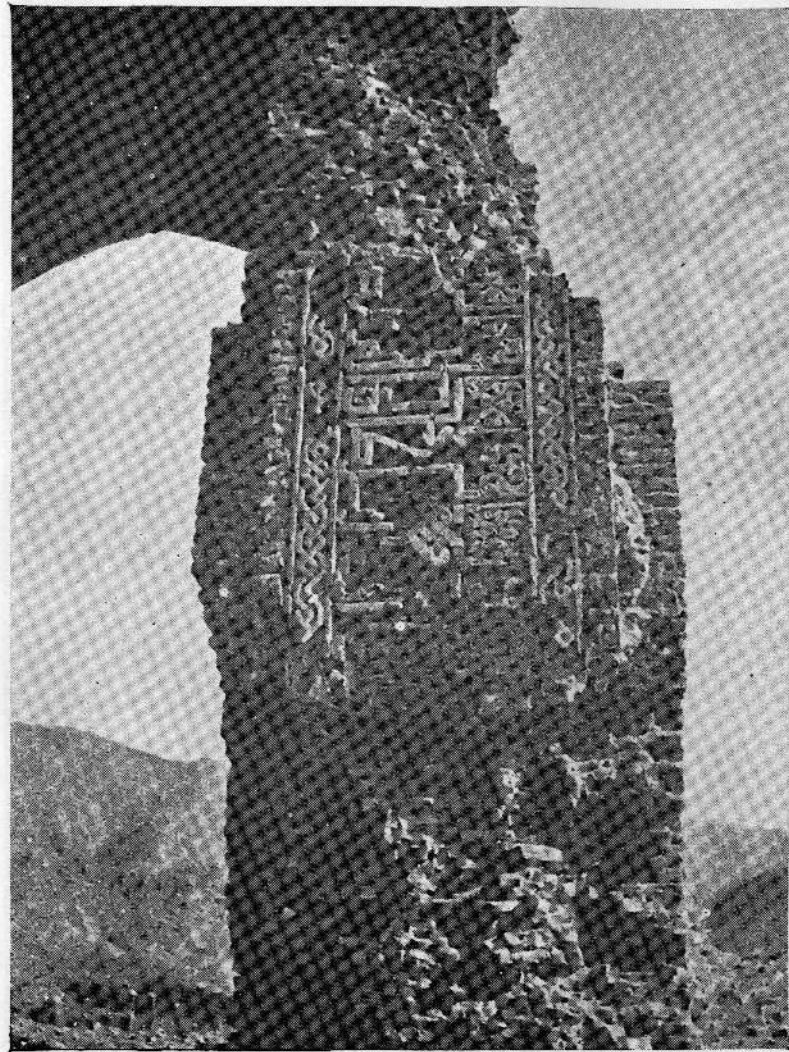
در خارج باس تهلاك ميرسد . اما بسبب كوهستانی بودن آن وسعت اراضی زراعتی كوهدامن و كوهستان نسبتاً كم است و قسمت عمده آبادیهای مذکور در دره جاتيكه ییای سلسله كوه یغمان افتاده ، وقوع داشته آب كافی دارد . لیكن به دشت های زراعتی آن قدر آب زیاد نمیرسد - زراعت كلان این علاقه جات عبارت است از اقسام گندم و جو و ارزن و باقلی و مشنگ و جواری و فالیز كاری (خربوزه و تربوز و خیار) و غیره - لیكن زمینهای كوهستان استعداد پرورش پنبه را نیز داشته ، زراعت پنبه روز بروز در ترقی است . دره های حاصلخیز و معروف كوهدامن كه آب و هوای خوش نیز دارد قرار ذیل است شكر دره ، گلدره ، فرزه ، استالیف ، استرغچ و از مناطق سرسبز و نخلستان های آن سرای خواجه و شش دره و باغ عارق و قره باغ و چاریكار و گل بهار و جبل السراج مشهور میباشد از میوه های مشهور كوهدامن و كوهستان یکی زرد آلوست كه نوع میرمخودی آن كه از پیوند سیب و زرد آلو بعمل می آید خیلی مشهور است . قیسی و سفید چه و زرد آلوی خشك و زرد آلوی خسته تلخك زرد آلوی فندق كه میوه خورد و خیلی شیرینی دارد از اقسام زرد آلوی این علاقه جات بشمار میرود .

اقسام سیب كوهدامن و كوهستان متعدد است ، مثلاً سیب نازك بدن و سیب حنیفه كه خیلی شیرین و بادوام است و سیب آهنگری كه رنگ سرخ تیره دارد و سیب جورس كه اقسام مشهور سیب كوهدامن و كوهستان را تشكيل میدهد .

اقسام ناك نیز در كوهدامن و كوهستان زیاد بوده مشهور ترین آنها ناك شكر امرد و ناك گل امرد و ناك شمرقند و ناك آبی است شفتالوی



از آثاریست و تاریخی وطن : مقبره خواجه چشت درهرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja techacht à Hérat



از آثاریست و تاریخی وطن : مقبره خواجه چشت درهرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja techacht à Hérat

Gneiss و سلیت ابرک دار نقاط Micaschiste که در بعضی نقاط خود پیچ خورده و دارای کفیده گی ها معلوم میشود موجود است قدری دورتر از نوپ دره بطرف شمال بابتها نقطه کوه پغمان آهک های عصری دیونین Devonien که متعلق به زمانه اولی دیده میشود Calcaires dévoniens Hématite rouge آهک های مذکور را رای احجار همیت سرخ است که بالای احجار صوانی ورقی و سلیت ابرک دار واقع است . بطرف جنوب کوه دمان کو بجه خواجه هزاره و کوتل خیرخانه نیز از احجار صوانی ورقی و سلیت ابرک دار تشکیل یافته . اراضی زراعتی کوه دمان نیز از تجزیه احجار صوانی ورقی و سلیت ابرک دار حاصل شده است .

در اراضی مذکور تیزاب فسفور Acide phosphorique کم است و باید بصورت انبار کیمیای آورده شود ، تا زمینها حاصل بیشتری بدهند - از این رو است که دشتهای کوه دمان از حیث حاصل چندان قناعت بخش نمیشد .

بعد از کوه دمان و کوهستان در حاصل خیزی تنگاب و نجراپ و پنجشیر اهمیت دارند این علاقه جات کاملاً کوهستانی بوده شامل باغات و جنگلات خود روی میباشند و زراعت غله جات در آن ها کمتر است . پنجشیر علاقه سرد سیر و دارای باغات خوب و تنگاب خصوصاً در حصص شرقی و جنوبی خود گرمتر بوده دارای جنگلات جلفوزه و باغات انار بوده این دو محصول بخارج نیز صادر میگردد . غور بند ، بامیان و سیغان و کهمرد نیز در جمله علاقه جات سمت شمالی بشمار رفته آب و هوای آنها عموماً بسیار بری بوده ، زمستان

سخت و باد های شدیدی دارند و بنابراین حاصلات آنها نیز کم است . غله جات به مقدار کم و درختان میوه بندرت یافت میشود اما در بعض حصص از سبب فراوانی آب شالی کاری نیز میشود تنها در غور بند میوه جات زیاد بعمل میآید و منجمله بآدام آن اهمیت تجارتی زیاد دارد . در سیغان درختان میوه دار موجود است لکن بنابر تبدلات ناگهانی هوا بعضی اوقات شکوفه شان بارور نگردیده بر زمین میریزد . تپه های گرد و نواحی سیغان از علف های طبی و سبزه ملفوف است در گوشه های جنوبی سمت شمالی که متصل با نواحی کابل است دشت های نسبتاً کم آبی وجود دارد که در بعضی امکان للمی کاری موجود میباشد (مثل چمنله) اما اگر آب از دیگر نقاط آورده شود دشتهای مذکور استعداد آبادی زیادی را داراست .

سمت شمالی را رودخانه های پنجشیر ، غور بند و انهاریکه از آنها کشیده شده با چشمه ها و کناریر های که از کوهستانات مختلفه خصوصاً سلسله پغمان بوجود می آید ، آبیاری میکنند .

سوم - غزنی :

غزنی که مهد تمدن يك هزار سال قبل افغانستان بوده است . از حیث آب و هوا بری و سرد و شامل کوهستانات و دامنه های فراوانی میباشد . فراوانی آب و احداث بندهای جدید اراضی غزنی را حاصل خیز ساخته است ، اقسام غله جات از قسم گندم و جو و جواری و گنجوات مختلفه از قبیل باقلی و نخود و مشنگ و سبزیجات و شلغم و غیره مانند کچالو ، باد نجان ، پالک و از میوه جات اقسام آلو و زرد آلو و بادام و توت در علاقه غزنی پیدامی شود

نباتات مشهور

جغرافیائی آن را کدام غله شهر کابل نامیده اند . اراضی لوگر بسبب زیادی مواد اغذیه زمینی و فراوانی آب برای پرورش غله جات از قبیل گندم و جواری و جو و برنج لك خیلی استعداد داشته ، باغات در خود علاقه لوگر رو به ازدیاد است و درختان سیب و زرد آلو و سنجد و توت و غیره خوب پرورش میابد . آبیاری لوگر از دریای لوگراست که یکی از بافیض ترین دریاهاى افغانستان بشمار میرود . آب و هوای لوگر نسبت بکابل گرمتر بوده ، دشت های سرخاب و خروار بواسطه بند سرخاب و بند خروار حاصلخیزی زیادی حاصل خواهد کرد . درختان چنار در لوگر خوب بعمل آمده برای پوشش عمارات بکابل نیز آورده می شود . تنباکوی لوگر نیز شهرت زیاد دارد . دیگر از علاقه جات حکومت کلان لوگر میدان و وردك است که شامل سطوح مرتفع و بعضی دره ها بوده دریای کابل و بعضی چشمه سارها و نهرهای دیگر آن را آبیاری میکنند ، درمیدان و وردك غله جات خوب بعمل می آید ولی باغات کمتر است تنها درختان پید و مخصوصا چنار بصورت جنگل زیاد بوده چنار میدان برای تعمیرات شهرت زیادی دارد . در دشت های وردك و میدان نباتات طبی بصورت وحشی زیاد است .

پنجم - سطح مرتفع مرکزی

سطح مرتفع مرکزی که در تقسیمات ملکیه بنام حکومت کلان دایزنگی یاد میشود عبارت از کوهستانات و تپه های خاکی بلند و سردسیر بوده آب و هوای آن خیلی شدید و زمستانش قریب ۸ ماه طول کشیده تنها در ۴ ماه کشت و زراعت آن بعمل می آید ، حاصلات

آلویخا راى غزنى مشهور است . با دام و زیره در تپه ها بصورت خود روی نیز زیاد است . تپه های اطراف شهر غزنى و کوهستانات دورتر آن مانند واغز و غیره برای پرورش با دام خیلی مستعد بوده ، اگر این محصول در آنجا توسعه داده شود برای تجارت صادراتی بسیار كمك می رساند . انگور در غزنى بسبب سردی هوای اخیر تا بستان بد رستی بعمل نمی آید ، از درختان بی میوه پید و کمی گز و بعضی اقسام چنار در غزنى یافت میشود با وجود این در غزنى باغات كم بوده ، و اراضی دشتی مصروف زراعت غله جات و فالیز کاری میباشد . از توابع غزنى سرده و قره باغ در حاصل خیزی شهرت دارد ولی مقرر عبارت از دشتی است که آب نداشته ولی هموار و در صورت پیدا کردن آب خاک آن خیلی مستعد زراعت میباشد .

حصص کتوازم دشتی و بعضی حصص آن کوهستانی ، بوده زراعت مهمی ندارد . در حصص مختلف علاقه جات غزنى چمن های سرسبز برای چرای مواشى وجود دارد که مشهورترین آن چمن زار ناوور است . روپهمرفته علاقه غزنى طبعاً استعداد پرورش اقسام غله جات و سبزیجات و میوه جات را داشته ، بند هائیکه درانجا سردست تعمیر است ، آئینده زراعتی خوبی را برای حکومت کلان غزنى پیش بینی میکند .

چهارم - لوگر :

حکومت کلان لوگر که بسمت جنوب و جنوب غرب کابل واقع و شامل سطوح مرتفع و دشت های هموار و بعضی کوهستانات است یکی از حاصلخیزترین مناطق و لایات کابل بشمار رفته علمای

می یابد. زراعت سرو بی قلیل و منحصر به کمی غله جات و بعضی حبوبات عادی است و رو بهمرفته زمین کشتی چندان وسعت ندارد. مردمان مذکور جنگلات را قطع کرده ازان ذغال درست می کنند و بکابل آورده می فروشند. از همین سبب روز بروز دامنه جنگلات کوتاه شده می رود. این منطقه مخصوصا برای پرورش انار که اهمیت صادراتی روزافزون دارد و نیز برای ذوی جنگلات بنوط که ارزش اقتصادی مهمی را داراست استعداد زیاد داشته اگر این دو محصول دران جا ترقی داده شود، علاقه سرو بی یکی از علاقه جات مهم زراعتی و اقتصادی مملکت خواهد شد.

ولایت مزار شریف

ولایت مزار شریف از حیث دارائی میدانهای وسیع و اعتدال آب و هوا - مشروط بمساعی و توجهات لازم - میتواند که منطقه بس حاصلخیز و وسیعی را تشکیل بدهد. لکن برای قابل الزرع ساختن میدانهای وسیع نواحی ولایت مذکور بحفر کاریها و نهرها و در بعضی نقاط به تعمیر بندها احتیاج بوده برای توسعه و اصلاح امور زراعتی مناطق متعلقه آن مجبوریم که بوسائل زراعت عصری دست زده آئنده زراعت آنولارا سرازحالا مدنظر داشته باشیم. زیرا که بحال موجوده اصول زراعت جدید در حصص ولایت مزار شریف مرعی نبوده و دشتهای وسیع کم نفوس تطبیق زراعت عصری و استعمال ماشینهای زراعتی را دران جا ایجاد میکنند و علاوه بران مقدار آبیکه مخصوص آبیاری آنست کفایت بخش نمیشد.

اگرچه تجزیه کیمیاوی اراضی ولایت مزار شریف تا حال بعمل

آن خیلی کم و منحصر به گندم و جو و کلبه و باقلی و مشنگ بوده درختان آنجا عبارت از پید و چنار میباشد، در اطراف و مرکز دایرنگی مثل دایکندی و یکاو لنگک زرد آلو و توت کم کم پیدا می شود. اما دره ها و سطوح مرتفع دایرنگی در تابستان سرسبز و شاداب بوده برای پرورش مواشی خیلی مساعد است، چنانچه مردمان کوچی مالدار و لایات شمالی و جنوبی، مشرقی، قندهار که بهزارها خانوار می شوند، همه ساله رمه های خود را در تابستان برای چرابه علاقه مذکور می آورند، خصوص برای فر به ساختن مواشی مالدار کوچی دو علف که بوفرت در دره ها و تپه های خاصی علاقه دایرنگی پیدا می شود کمک زیاد میکند که علفهای مذکور موسوم به (کمی) و (غیغان) است که تقریباً در ظرف ۲۰ الی ۳۰ روز مواشی لاغر و ضعیف مردمان کوچکی را نهایت فر به می سازد. غیغان مذکور یک خاصیتی دارد که اگر برای اسب داده شود فوری اسب را کور می سازد، مگر برای دیگر حیوانات بغیر از فایده ضرر نمیکند. و ازین قبیل نباتات عجیب و غریب در علاقه دایرنگی زیاد است که اکثراً خواص طبی را دارا میباشد. اگر نباتات مذکور جمع آوری شود استفاده خوبی ازان گرفته خواهد شد.

ششم - سرو بی :

سرو بی علاقه ایست بجانب غرب جنوبی کابل و از حیث منطقه جغرافیائی در بین کابل و مشرقی بوده، کوه های آن پر از جنگلات بلوط و خنجرک و کمی سرو و صنوبر میباشد ولی باوجود این بر فکیر و در دامنه های کوه های مذکور باغات انار و توت و غیره پرورش

از مواد تجار تی خیلی مهم و توسعه پذیر وطن عزیز ما بشمار میرود خوشبختانه درین سالهای اخیر از حسن توجهات ذات شاهانه که دراز دیاد جنگل و درخت میذول فرموده اند، سال بسال عده درختان در ولایت مزار نیز کسب زیادت مینماید.

زراعت سبزیجات خیلی کم است. تنها در گرد و نواح مزار شریف بادنجان رومی و بادنجان سیاه و کچالو و سبزی پالک و زردک بمقدار کم زراعت می شود. مردم خارج شهر بخوردن سبزیجات چندان عادت ندارند و خیال می رود که عدم وسعت زراعت سبزیجات هم از جنبه قلت آب است. زراعت کنبج و زغر نیز بنا براینکه بعضی مردمان تیل آنرا کشیده با خوراکه میخورند معمول است.

فالیز کاری بصورت للمی در دشتهای ولایت مزار خیلی وسعت داشته خر بوزه مزار در تمام افغانستان از حیث نازکی و شیرینی مشهور است. اما متأسفانه تا کنون بسبب نازکی خود امکان صادرات را پیدا نکرده در خود محل صرف می شود. بیشتر گفته شد که در ولایت مزار شریف و نواحی آن جنگلهای وسیع موجود نیست. جنگلهای خوردخورد ارچه کوهی اینجا و آنجا بنظر می خورد. چوب آن بدون محروقات بجز دیگری کار نمیدهد. قراریکه معاینه می شود ممکن که در سابق دامنه این جنگل های خورد خیلی وسیع بوده بالتدریج دست مخرب اهالی باعث استیصال اشجار آن گردیده.

از اشجار کوهی چیزیکه زیاده دینه می شود. درخت پسته است که آنهم از بی رعایتی اهالی بمرورایام قلت پذیر گردیده. ازقرینه معلوم میشود که در سابق دامنه جنگل پسته خیلی وسیع بوده از میمنه تا بد خشان امتداد داشته است و حالا تنها در بعض حصص سنگ چارک و سرپل

نیامده لاکن قراریکه تجر به نشان میدهد اراضی مذکور دارای مواد عضوی بوده اگر آب لازمه برایش برسد خیلی حاصلخیز میباشد عموماً زمین های مذکور رستی آهکی و یا رستی شنی (ریگی) است.

زراعت گندم و جو و جواری وارزن و مشنگ و باقلی نتیجه خیلی خوب میدهد. درین سالهای اخیر دهاقین آنولا بغرس اشجار رجوع کرده بعضی حصه های اراضی آن که بیشتر زمین های زراعتی بوده پیانهای اشجار مبدل گشته، لاکن در وسعت باغهای مذکور نسبت به قلت آب مردم دچار مشکلات خواهند شد. تنها همان یک دریا که ازان هژده نهر منشعب گشته اراضی موجوده نواحی ولایت مزار شریف را آبیاری کرده خود شهر و نواح همجوار آنرا تا دولت آباد و آفچه آبیاری میکند. لاکن باوجود آن برای زراعت اراضی وسیع دشتی مربوطات ولایت مذکور مجبوریم که آنها را جدید حفر نموده به کندن کار یزها بپردازیم.

شهر شبرغان از سرپل آبخوره دارد. در مناطق زراعتی ولایت مزار شریف جنگل بجز برقه های خورد و بی اهمیت بصورت وسیع و غلو موجود نیست. از جمله اشجار جنگلی چیزی که خوبتر میرود و پنجه چنار و سفیدار است. از قسم اشجار میوه دار چیزی که دیده میشود، درخت ناک و سیب و زرد آلو و شفتالو و آلو بالو و انگور و آلو است، لاکن تعداد آن کم است. چیزیکه زیاده است درخت بادام است و حاصل آن از ولایت مزار شریف بخارج هم صادر میشود در وسعت زراعت بادام باید صرف مساعی شود؛ زیرا که بادام یکی

سالنامه « کابل »

و ایلك تاغوری (قطن) وجود دارد. درین اواخر از طرف حكومت
متبوعه احتیاجات لازمه گرفته شده از قطع نمودن جنگلهای پسته جلو گیری
بعمل آمده است. يك نوع درخت جنگلی دیگر نیز بنام سكاوول دیده
می شود كه اهالی آنرا بسوخت میسرانند.

از قسم نباتات طبی ترخ و هنگ و سرنجان پیدایش دارد.
قراریكه مدیریت زراعت ولایت مزار شریف اطلاع میدهد انواع
میوه های مشهور ولایت مزار شریف قرار ذیل است :

| نام میوه | انواع |
|----------------------------------|-------|
| شقنا لو بهاری تیر ماهی | |
| بادام عبدالواحدی كاغذی سنگکی | |
| پسته | |
| زرد آلو قیسی باقی خانی ته لو خسك | |
| بهی تیر ماهی | |
| سنجد خرمائی خسك قندك | |
| انجیر | |
| انار دانه دار بی دانه میخوش | |
| سیب بهاری رخس شیرینك تیر ماهی | |
| ناك یخ ناك امروت ثمر قندی | |
| آلو بالو | |
| توت ابراهیم خانی شیر توت خسك | |
| آلو كوك سلطانی | |
| » دم روباه | |
| » بخارا | |

نباتات مشهور

| نام میوه | انواع |
|---|-------|
| گرد آو | |
| گیلاس | |
| شاه توت | |
| الوی ناك | |
| انگور عاقلی، قندهاری، كشمشی، حسینی، مسكه، شورتاك، | |
| كالیفی، شهابی، كله زاغ، پیدانه | |
| اقسام غله جات مشهور نیز قرار ذیل میباشد : | |

| نوع غله | اقسام |
|-----------|-----------------|
| گندم للمی | سفید چه سرخ چه |
| گندم آبی | » |
| جو | جو عمومی كیل جو |
| جواری | گره سرده سفید |
| ارزن | گال |
| زغر | آبی للمی |
| كنجد | » |
| ماش | » |
| پنبه | » |
| لوبیا | » |
| نسك | » |
| نخود | المی آبی |
| برنج | باريك لك |

نواحی مربوطہ ولایت مزار شریف از نقطہ نظر زراعت خیلی قابل توجه است .

تاشقرغان :

در حصہ تاشقرغان از حیث خوبی آب و هوا زراعت هر گونه درخت میوه دار ممکن است به نسبتیکه زمین آن تا یکجد ریگی است زراعت انجیر و نازک و زرد آلو نتیجه خوب بدهد و بحال موجوده نیز این سه نوع درخت اراضی وسیعی را فرا گرفته . درخت انار نیز نتیجه خوب میدهد ، زراعت خربوزه للمی و آبی نیز معمول است . گندم ، جو ، جوار ، نخود ، پنبه ، خربوزه ، تربوز ، کدو ، بادرنگ نیز یافت میشود .

فیروز نخجیر :

در حصہ فیروز نخجیر که از مربوطات حکومتی تاشقرغان است ، تمامی انواع میوه هائیکه بیشتر به تفصیل معلومات داده شد یافت میشود و باغات و اراضی قابل الزرع در هر طرف جلب نظر مینماید . از حیث اینکه اراضی علاقه مذکور را زمین بوده چشمه های متعدد دارد مقدار آب کفایت بخش بوده میتوان اراضی وسیع دیگری را نیز تحت زراعت آورد . درخت زرد آلو و سفید چه و اقسام انگور خیلی زیاد است .

هژده نهر :

در منطقه هژده نهر ولایت مزار شریف از حیث فراوانی آب زراعت هر گونه سبزی و غله و غرس هر نوع درخت میوه ممکن است .

دهدادی :

اراضی حصہ دهدادی ریگی است ، درین دهدادی يك نهر جریان دارد که بنام نهر شاهی موسوم است که از حصہ گل در گب جدا شده اراضی وسیعی را تابع حصہ گورمار آبیاری میکند . گندم ، جوار ، جو و تمباکو و پیاز و کچالو ، بادنجان سیاه ، بادنجان رومی ، گندنا ، خربوزه ، تربوز ، بادرنگ ، کدو در حصہ مذکور زراعت میشود . انار اعلی و آلوئ کوك سلطان و توت و بادام نیز پیدایش دارد .

شیر آباد :

زراعت حصہ شیر آباد و بابه یادگار و علی چوپان و قرل آباد نیز مانند زراعت دهدادی است .

سلطان بابه علی شیر :

سلطان بابه علی شیر بمسافه تقریباً ۶ کیلومتر (دو کروه) بجنوب مزار شریف واقع است در آنجا خربوزه و اقسام غله زرع میشود . زراعت للمی نیز معمول است . آب اراضی حصہ مذکور از دره شادیان میرسد . سبزی پالک خودرو پیاز کوهی و سمارق و قوزه قرنی نیز در اقصای مرتفعه حصہ مذکور یافت می شود .

دشت شادیان :

دشت شادیان مدعا از دشت وسیعی است که در آن نباتات مخصوصی از قسم پیاز های کوهی و رواش و سمارق بقسم خود رونمو

ثمر قندیان :

در ناحیه ثمر قندیان که از مربوطات بلخ است ، آلو با لو ، زرد آلو ، قیسی ، ناک ، انگور ، بهی فراوان است . گندم ، جو ، جواری ، پیاز ، گندنا ، کدو و خربوزه و تربوز نیز زیاد میباشد .
بلخ و نواحی آن ذریعه نهر بلخ که از پل امام بکری جدا می شود ، آبیاری میگردد .

دولت آباد :

در حصه دولت آباد گندم ، جو ، جواری ، نخود ، پیاز ، کدو ، بادرنگ ، خربوزه تربوز زرع می شود . اراضی آن از نهر دولت آباد مشرب می شود ، توت و انگور و زرد آلو نیز یافت می شود ، لاکن بالعموم اشجار میوه دار در این ناحیه کم است .

ایبک :

علاقه ایبک برای غرس هر گونه درخت مساعد است ، و به نسبت فراوانی آب آن میتوان در آن حصه بزراعت سبزیجات مشاغل و وزید زراعت گندم للمی و خربوزه زیاد است در حصص کوهی ایبک و حصه رباطک و لریمون و گنده چه جنگلهای پسته موجود است که حفاظت و توسعه آن از مهمات امور زراعتی است . درخت ارچه نیز در این جنگلهای مهذکور دیده می شود . خوشبختانه آبادی ایبک طرف توجه مخصوص ع ، ج محمد گل خان رئیس تنظیمه ولایت شما لی واقع شده است .

میکند ، اشجار چار مغز و سفیدار بمقدار زیاد است . شادیان مربوطه علاقۀ چار کشت است ، در علاقۀ چار کشت چیزیکه زیاده تر معمول است زراعت للمی است ، لاکن بعضی اقسام میوه از قبیل آلو و انگور و سبزیجات از قسم گندنا ، پیاز کوهی و سبزی یا لک نیز موجود است ، تمام نقاط چار کشت چشمه سار میباشد .

مارمل :

بحصه مارمل که بجنوب ولایت مزار شریف واقع و دارای سطح مرتفع است انگور و توت و زرد آلو درین اواخر بسیار غرس شده ، گندم و جو و اشجار کوهی از قسم ارچه زیاد دیده می شود .

سیاه گرد :

حصه سیاه گرد بشمال مزار واقع است و گندم و جو و جواری و رشقه و پیاز و خربوزه و تربوز بمقدار زیاد در آن زرع می شود زمین آن ریگی است و آب جاری دارد که از نهر اصفهان جدائی می شود .

بلخ :

در حصه بلخ که در ازمنه قدیم شهر مشهور و معموری بوده انواع نباتات در آن زرع می شد ، بحال موجوده گندم و جو و جواری و سرچ و پیاز و بادنجان و کدو و گندنا بمقدار کافی زرع میشود ، بادرنگ آن که به بادرنگ سواره مشهور است در ولایت مزار شریف شهرت تامی را داراست . از انواع میوه ، توت زرد آلو ، آلوی کوك سلطانی و بهی بسیار است .

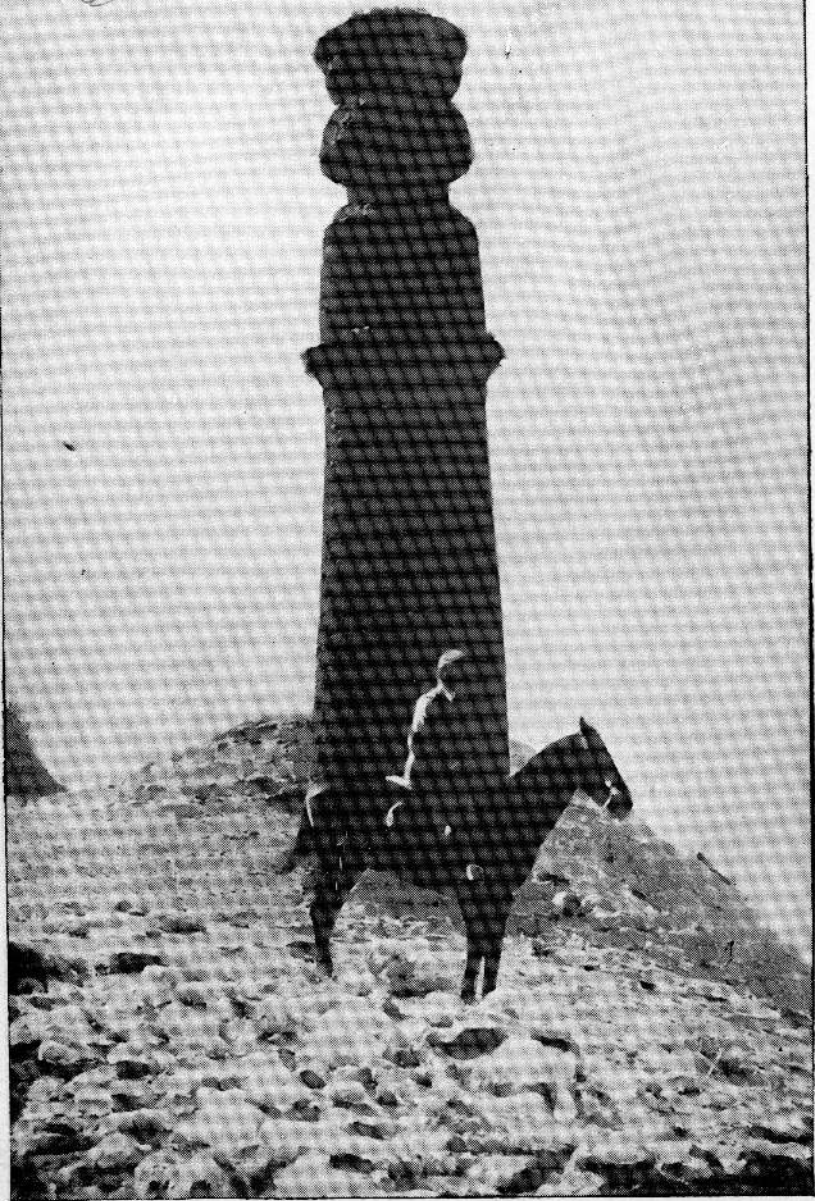
چیزیکه مهم است همانا آبیاری زمین های خاره ولا مزروع نواح ولایت مزار شریف است در موضعیکه مشهور باب مکی است و درین خرم وروئی واقع است. تعمیر بند ممکن میباشد، و میتوان توسط آب بند، حصص لا مزروع اییک را سیراب نموده زمین های خاره ولا مزروع تاشقرغان را تحت زراعت آورد. قراریکه معلوم است در سالهای سابق از دریای قندوز يك نهر بطرف مزار شریف جاری بوده که دشت های حصه های سیاه گرد را آبیاری می نمود. از علایم خرابیهای علاقه سیاه گرد معلوم می شود که سابق علاقه سیاه گرد دارای تعمیرات زیاد و محل سکونت نفری زیادی بوده است، لاکن در اثر تبدلات مجبوری مردم علاقه مذکور برا گنده و نهریکه آبیاری اراضی شانرا می نمود از گل وریگ مسدود گردیده چون نهر مذکور پیشتر از چهار صد سال آباد و آب دران جاری بوده حالا نیز ممکن است که نهر مذکور را دوباره صاف نموده اهالی از آب آن مستفید گردد. چنانچه برای این مقصود اعزام متخصصین فنی زیر نظر است.

یکی دیگر از مشغولیات خیلی مهم اهالی ولایت مزار تریه مواشی اهلی خصوصاً گوسفند قره قلی است که محصول آن بهترین و مهمترین اقلام تجارت صادراتی افغانستانرا تشکیل میدهد و قسمتی از این مواشی در دشت های ولایت مزار پرورش شده باقی در دیگر حصص بچرا گذاشته میشوند.

حکومت اعلا ی میمنه

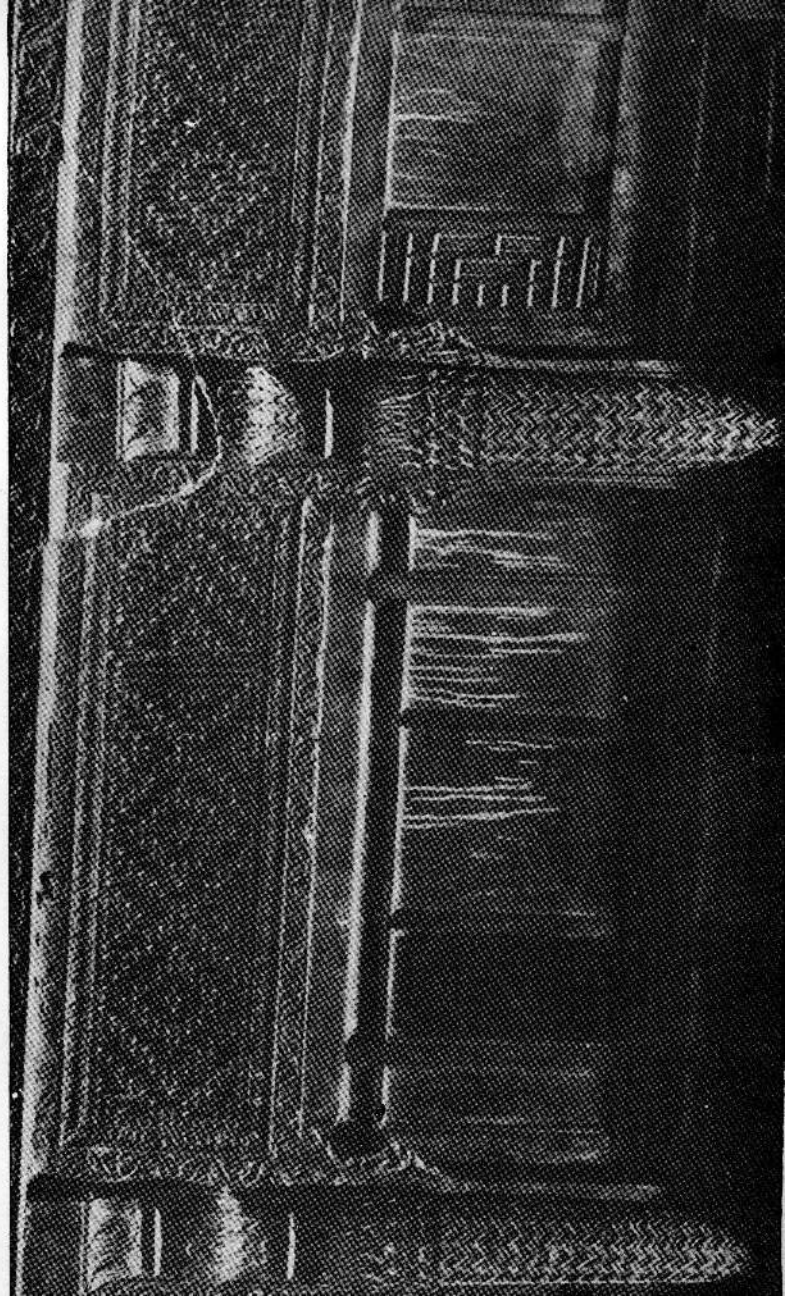
حکومت اعلا ی میمنه اکثر آدشتی و قسمتای دارای دره های شاداب است پس از نقطه نظر آب و هوا نیز اراضی مذکور مختلف میباشد. ولی عموماً زراعت غله جات و بسیاری اشجار دران ممکن است.

از انبیه معروف کابل : مسجد عیدگاه که در عصر اعلیحضرت امیر عبدالرحمن
La grande mosquée de Kaboul (196. s.)
خان ساخته شده



از آثار تاریخی وطن : منار چکری (زبدك كابل) کدور دوره بودایی ساخته شده
- La célèbre colonne bouddhique, nommée Minari - T'hakari à Kaboul

يك نمونه از چوب کاری قدیم كابل كه در یکی از منازل شخصی عكس گرفته شده
Spécimen de l'ancienne menuiserie de Kaboul



نباتات مشهور

شهر میمنه و اطراف آن :

میمنه دارای آب و هوای خوبی است و زمین آن برای زرع اکثر نباتاتیکه بحصه قطن میرود مستعد بوده ، اگر اهالی آن که بزراعت اشجار و سبزیجات چندان شوق ندارند به توسعه دائره زراعت آنولا پیردازند نتیجه خوبی بدست شان خواهد آمد .

چیزیکه مهم است این است که اهالی میمنه نسبت بدیگر حصص زراعتی افغانستان بزراعت کمتر توجه دارند و علت آنهم تمایل آنها بسوی مالداري و تربیه حیوانات است ، بنا بران اکثریت مردم دردشت های علف دار به تربیه گوسفند قره قلی و غیره مواشی میپردازند . از جمله غله جات زراعت کنندم ، جو ، جوار و ارزن مروج است . علاوه برغله جات ، نخود و باقلی و عدس و مشنگ نیز معمول میباشد . از انواع سبزیجات بادنجان رومی و بادنجان سیاه و پیاز و گندمنازع میشود . فالیز کساری خرپوزه ، تربوز و بادرننگ نیز دیده میشود .

اشجار مثمر خواه از باعث اینکه اهالی بزراعت آن شوق ندارند خواه اینکه از ابتدا زراعت آن مروج نبوده است چندان بنظر نمی خورد . باوجود آن آلوی کوك سلطانی و سیب و ناك و غیره اینجا و آنجا دیده میشود . زیاده تر چیزیکه دیده می شود درخت های غیر مثمر از قبیل چنار و بید و سفیدار است . زراعت تانك اگرچه تقریباً غیر معمول است اگر تقویه داده شود نتیجه خوبی خواهد داد زیرا که در حدود میمنه تپه های آهکی و ریگی که برای زراعت تانك مستعد است بهر طرف دیده میشود .

بطور خلاص شهر میمنه و نواحی آن برای زراعت اشجار و سبزیجات خیلی مستعد و چیزی که لازم است تشویق اهالی است بزراعت .

از آثار تاریخی وطن
دیوار شهر کابل که در زمان فتوحات اسلام از طرف کابل شاهان ساخته شده بود
Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit
par les Rois de Kaboul, lors de l'invasion Islamique.

نهضت اقتصادی در افغانستان

بقلم سید قاسم « رشتیا »

مدیر شعبه نشریات انجمن و «مهتم سالنامه»

در سالنامه ۱۳۱۵ مقاله تحت عنوان (پیشرفت های اقتصادی افغانستان) درج و دران ترقیات امور اقتصادی وطن عزیز را که در دوره بعد از انقلاب ۱۳۰۷-۱۳۰۸ در عصر فرخنده نادرشاهی و ظاهرشاهی از قوه بفعل آمده خلاصه کرده بودیم و ضمناً در مقدمه و در پایان مقاله مذکور نظر به مظاهر اطمینان بخشی که نسبت به پیشرفت های آینده اقتصادیات مملکت موجود بود، چنین اظهار امیدواری نموده بودیم که (ازین تاریخ به بعد افغانستان عزیز داخل یک دوره نهضت اقتصادی جدیدی شده و بنابراین امید میرود که در آتیۀ قریبی تغییرات و پیشرفت های مسعودی در امور اقتصادی وطن عزیز بوجود خواهد آمد)

این است که امروز با نهایت مسرت و سرفرازی عملی شدن آرزوها و امیدهای مذکور را بصورت یک نهضت بسی فرخنده اقتصادیات کشور خود بچشم سر مشاهده کرده می بینیم که مطابق نیات ترقیخواهانه پادشاه جوان و منور و مساعی وطن خواهانه اولیای امور دولت متبوعه و حسن استقبال سایر طبقات ملت، یک دوره جدیدی در عالم اقتصادیات افغانستان آغاز گردیده است. بنابراین اینک در ضمن یک سیر مختصر می خواهیم نهضت اقتصادی جدید وطن عزیز را که از یکسال باینطرف آغاز گردیده است، با قدمهای مهمی که در راه پیشرفت اقتصادیات مملکت درین سال (۱۳۱۶) برداشته شده باطلاع خوانندگان سالنامه و عموم علاقه مندان ترقی و تعالی افغانستان برسانیم و من الله التوفیق . « رشتیا »

اند خوی :

در اند خوی آب نسبتاً کم است و از میمنه می آید، اند خوی کم آب ترین حصص حکومت اعلا میمنه بشمار میرود و دران بدون زراعت گندم و جوار چیز دیگر دیده نمیشود، جنگل و باغ نیز خیلی کم است. هوای آن نیز گرمتر بوده در تابستان درجه حرارت به (۴۴) درجه سانتیگراد میرسد.

درزاب و گرزبان :

علاقه شیرین تگاب و بلچراغ که سرکنز گرزبان است به نسبت اعتدال آب و هوا و فراوانی آبشارها مستعد هر گونه زراعت بوده اگر زراعت سبزیجات و اشجار شمر درین نقاط ترقی داده شود نتیجه خوبی بدست خواهد آمد، ناحیه قیصار نیز دارای آب فراوان و آب و هوای مناسب بوده برای زراعت سبزیجات و درختان میوه دار مستعد است. در حصه میمنه و شیرین تگاب و بلچراغ و قیصار درخت عری به تعداد زیاد دیده می شود و عری های مذکور خیلی بلند میرود. درخت پشه خانه و چار مغز و از اقسام میوه چنانچه پیشتر مذکور شد ناک و سیب و شفتالو و انگور یافت میشود لاکن مقدار شفتالو و انگور کم است. سبزیجات مشهور از قبیل کچالو و شلغم و پیاز و گندنا و بادنجان نیز یافت میشود. لیکن اهالی بزراعت چندان شوق ندارند، حکومت اعلا میمنه به ترویج سبزیجات خارجی از قبیل کرم گلداری و لوبیا و بامیه سعی نموده تا یکجد ازین اقسام سبزیجات نیز در میمنه یافت میشود. و نیز در غرس اشجار درین سالهای اخیر توجه زیادی بعمل آمده است. زراعت میمنه از بعضی نهرها و قسمة کاریزی است و بنابراین زمین بحساب کاریز خرید و فروش میشود.

کار انداختن چشمه های نفت و معادن جنوب :

برهیچکس پوشیده نیست که افغانستان یک مملکت کوهستانی بوده و بنابراین در داشتن معادن ذیقیمت امتیاز خاصی را دارا می باشد. چنانچه در ظرف ۱۵، ۱۰ سال گذشته که برای کشف معادن و ذخائر تحت الارضی تحقیقات فنی بعمل آمده متجاوز از (۳۰۰) معادن مفیده مختلفه مکشوف گردیده است. طبیعی است که افغانستان برای پیشرفت های مدنی خود که اکنون سر دست دارد، مجبور به استفاده و استخراج معدنیات خود بوده ولی چون بوضعیت موجوده از استخراج و بکار انداختن صحیح و اساسی معادن و ذخائر تحت الارضی عاجز است، پس یکی از مهم ترین اقداماتی که میتوان برای پیشبرد اقتصادیات وطن و روی هم رفته جهت ترقی عمومی شتون مملکتی انجام داد همانا کار انداختن معدنیات است بواسطه سرمایه و متخصصین خارجی، چنانچه این موضوع از بنو تاسیس حکومت موجوده مورد نظر اولیای امور واقع و چون دارای جنبه های دقیقی بود در اطراف آن با موشگافی و احتیاط زیادی مطالعات بعمل آمده تا آنکه بالاخره در سال گذشته قرار داد بزرگی برای کار انداختن چشمه های نفت بایکی از شرکتهای مهم امریکا موسوم به اینلیند اکسپلوریشن کمپنی عقد و قرار داد های مذکور بعد از تدریقات لازمه از طرف شورای ملی افغانستان تصویب و بامضای ذات ملوکانه موشح گردیده است.

چون این قرارداد برای انبساط اقتصادیات وطن عزیز ما بمنزله یک عامل خوبی بشمار رفته و در عین حال باسنجش های زیادی مطابق منافع و مصالح اقتصادی و سیاسی مملکت عقد گردیده و در ذات خود

یک نهضت بی سابقه گفته میشود، لهذا اولتر از همه بد کرسورت قرارداد مذکور می پردازیم :

قرار داد نفت مابین حکومت پادشاهی افغانستان

و انلاندا اکسپلوریشن کمپنی امریکا

مقدمه :

بقصد تحصیل اطلاعات کافی راجع با مکان وجود مواد نفتی در مملکت شاهی افغانستان و اتخاذ طرق منظم و صحیح برای بدست آوردن مواد منبور که ممکن است بمقادیر تجارتی و جود داشته باشد دولت شاهی افغانستان و انلاندا اکسپلوریشن کمپنی موافقت مینمایند که برای تأمین منافع فیما بین با صول عادلانه در اموریکه مشمول این قرار داد است اشتراک نمایند.

تعریف :

تعریفات ذیل با اصطلاحات آتی اطلاق خواهد شد مگر آنکه خلاف آن بطور واضح در ضمن قرارداد تصریح شده باشد، لفظ « دولت » یعنی دولت شاهی افغانستان، لفظ « کمپنی » یعنی اینلیند اکسپلوریشن کمپنی که مرکز اصلی آن در ایالت « دلاویر » از ایالات دول متحده امریکا میباشد، لفظ « امتیاز » یعنی قرار داد فعلی و حقوقیکه بوسیله آن اعطاء میشود، لفظ « حوزه امتیاز » یعنی اراضی واقعه در افغانستان که مشمول امتیاز فعلی خواهد بود. لفظ « نفت » شامل کلیه نفت خام گازهای طبیعی و قیرها (اسفالت) مومهای طبیعی و مواد

صورتیکه این حق در مدت مزبور تحصیل نشود دولت شاهی افغانستان حق خواهد داشت که این قرار داد را لغو نماید .
(ماده ۳) :

(الف) : در مدتیکه از یکسال از تاریخ تحصیل حق حمل و نقل نفت از طریق یک یا چند مملکت که خارج ازین قرارداد میباشد، تجاوز نماید، کمپنی مطالعات طبقات الارضی و جغرافیائی و سطح الارضی را شروع خواهد کرد و عملیات مزبور بلا انقطاع برای مدت شش ماه ادامه خواهد داشت ، قبل از انقضای یکسال از تاریخ شروع مطالعات مزبور کمپنی ایالاتی را که متجاوز از پنج ایالت نخواهد بود انتخاب خواهد کرد و در اراضی مزبور که باین ترتیب انتخاب شده مجاز خواهد بود عمل تفحصات و استخراج نفت را ادامه دهد ، پس از انتخاب مزبور کمپنی کتباً بوزارت تجارت قطعاتی را که از ایالات مذکور انتخاب نموده به ضمیمه نقشه که در آن اراضی منتخبه رنگ آمیزی شده اطلاع خواهد داد .

(ب) : در صورتیکه مقررات این ماده از طرف کمپنی اجرا نشود دولت میتواند الغای این قرارداد را به کمپنی اخطار نماید و در صورتیکه در ظرف مدت یکسال پس از وصول اخطار به کمپنی ثابت نماید که مقررات این ماده اجرا شده این قرارداد لغو و باطل خواهد شد .

(ج) : برای حسن پیشرفت عملیات اکتشافی و استخراجی دولت اختیار کاملی به نماینده گان کمپنی و مستخدمین آنها خواهد داد که بتوانند بدون ممنوعیت و یا تشریفات دیگر در هر قسمت از حوزه امتیاز مسافرت نمایند. در مورد مناطق نظامی اجازه مخصوص دولت باید قبلاً

مشتق از آن و همچنین کلیه مواد حاصله از اختلاط و امتزاج این مواد بامواد دیگر خواهد بود، لفظ « تاریخ تصویب » یعنی تاریخیکه این امتیاز به تصویب مجمع ملی رسیده و فرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان موشح شده باشد ، لفظ « اراضی منتخبه » یعنی اراضی انتخاب شده طبق ماده (۳) ، لفظ « لیره » یعنی واحد پول انگلیس ، یک « شلنگ » مساوی است بیک بیستم یک لیره و یک « پی » مساوی است بیک دوازدهم یک شلنگ ، لفظ « تن » یعنی تن متریک که عبارت از هزار کیلوگرام و معادل با (۶۲-۲۲۰) دو هزار و دوصد و چهار صحتیح و شصت و دوصدم Avoir du pois است ، لفظ « سالها » یا « سال » و « ماه » یعنی زمانیکه با تقویم مسیحی گریگوریان تطبیق مینماید .

(ماده اول) : دولت در مدت مذکوره و طبق شرائط مندرجه در این قرارداد حق مانع للغير تفحص اکتشافات و حفاری و استخراج و حمل و نقل نفت و سائر عملیات مختلف مزبور آن را در حوزه امتیازیه به کمپنی اعطاء مینماید و همچنین حق غیر انحصاری انبار کردن ، حمل و تصفیه کردن و عمل آوردن و صادر کردن نفت و سائر عملیات مختلفه مزبور آن را در طرق حمل و نقل واقع بین حوزه امتیاز و سرحدات افغانستان به کمپنی تفویض مینماید منظور از حق تفحص حق مساحی کردن جغرافیائی و طبقات الارضی و اکتشافات و اجراء عملیات سطح الارضی و حفر چاهها خواهد بود .

(ماده ۲) : در مدتی که از هشت ماه از تاریخ تصویب تجاوز نماید کمپنی اقلاً از یکی از دول مجاور افغانستان حق ساختمان لوله نفت و یا لوله های نفت از افغانستان به اوقیانوس را تحصیل خواهد نمود ، و در

و ذخیره کافی که استخراج آن را تجویز نماید « که قضاوت آن منحصر با کمپنی است » استخراج آن محل را با سرعت لازمه و با حسن نیت و کوشش واقعی تا آخر ادامه داده بطوریکه نواحی مزبور بطرز صحیح و بدون هیچگونه تاخیر غیر مناسب استخراج شود علاوه بر وجوه لازم التادیه طبق جزو (د) ماده شش کمپنی تعهد مینماید که جدیت خواهد کرد که میزان محصول را سالانه اقل به شش میلیون (۶,۰۰۰,۰۰۰) تن برساند مشروط باینکه با در نظر گرفتن عوامل طبقات الاراضی منابع نفت محوطه تعیین شده استخراج این میزان محصول را سالانه اجازه دهد.

(ه) در صورتیکه پس از پانزده سال از تاریخ تصویب در یک یا چند ایالت (در محوطه پنج ایالت که طبق جزء الف از ماده ۳ حوزه امتیاز را تشکیل میدهد) محصول نفت کشف شده بمقداری برسد که قابل صدور باشد یکی از ایالات مزبور را کمپنی بدولت مسترد خواهد نمود ، بیست سال پس از تاریخ تصویب چنانچه در بعضی ایالات « یعنی چهار ایالتیکه بعداً حوزه امتیاز را تشکیل خواهد داد ، محصول نفت کشف شده بمقداری نرسد که قابل صدور باشد یکی از ایالات مزبور بدولت تسلیم خواهد شد بیست و پنج سال پس از تاریخ تصویب در صورتیکه در بعضی ایالات « یعنی سه ایالتیکه بعداً حوزه امتیاز را تشکیل میدهد » محصول نفت کشف شده بمقدار قابل صدور نرسد اقل یکو ازان ایالت بدولت مسترد خواهد شد ، در ظرف پنج سال بعد در صورتیکه نفت کشف شده در یکی از دو ایالت باقی مانده بمقدار قابل صدور نرسد یکی از آن ایالات بدولت مسترد خواهد شد .

تجصیل شود . نمایندگان و مستخدمین کمپنی حق خواهند داشت که همیشه اوقات بر طبق مقررات جاریه ویزه ، از هر یک سرحدات مجاز وارد افغانستان یا خارج شوند و حق مسافرت در سائر نقاط افغانستان را غیر از آنچه در حوزه امتیاز است برای انجام وظائف خود نیز خواهند داشت .
(ماده ۴) :

(الف) : در ظرف مدت یکسال بعد از اعلام انتخاب اراضی مذکوره در جزو الف ماده ۳ ، کمپنی شروع به حفر افلاک حلقه چاه خواهد نمود . حفر چاه مزبور با سرعت لازمه و بدون تاخیر غیر مناسب پیش خواهد رفت تا آنکه افلاک به عمق سه هزار یا (۳۰۰۰) برسد ، مگر آنکه نفت بمقادیر تجارتی در عمق کمتری یافت شود (درین مورد قضاوت آن منحصر با کمپنی است) و یا آنکه قبل از رسیدن به آن عمق بمقدار کمپنی بواسطه عدم وجود نفت در آن نقطه مخصوص بمقادیر تجارتی حفر زیاد تر لزوم نداشته باشد .

(ب) : در صورت کشف نفت بمقادیر تجارتی « که قضاوت آن منحصر با کمپنی است » کمپنی حفر چاه را در نقاطیکه متخصصین معرفت الاراضی او توصیه میکنند ادامه خواهد داد باین نظر که ثابت شود ذخیره کافی نفت که استخراج آن را تجویز نماید وجود دارد (ج) : شش ماه پس از شروع عملیات حفاری کمپنی را پورت از عملیات مزبور که شامل عمق چاه و مقادیر نفت کشف شده - در صورتیکه کشف شده باشد و سائر اطلاعات مربوطه باشد بوزارت تجارت تقدیم خواهد نمود .

(د) : کمپنی تعهد مینماید که در صورت کشف نفت بمقادیر تجارتی

مبالغ مزبوره فروخته خواهد شد (۲) هر گاه در موقع دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت ها و معاملات نیست و طریق تادیه های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم ننمایند طرفین موافقت مینمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند. در صورت عدم حصول موافقت فضا به مطابق ماده (۲۰) بحکمیت ارجاع خواهد شد، که نسبت به تغییر یا عدم تغییر تضمین مذکوره جزو (۱) این ماده رأی دهند، و در صورت تغییر شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهند نمود (ج) علاوه بر کلیه وجوه لازم التادیه مذکوره در این امتیاز، کمپانی تعهد مینماید سالیانه مبلغی معادل صدی بیست (۰/۰۲۰) از منافع پرداختی به صاحبان سهام عمومی آلیند اکسپلوریشن کمپانی پس از وضع صدی پنج که بابت سرمایه تادیه شده کسر میشود بدولت افغانستان بپردازد. طرفین موافقت مینمایند که طرز محاسب کمپانی نفت انگلیس و ایران (لیمتد) را درین مورد تعقیب نمایند و نیز مقررات ذیل مرعی خواهد شد (۱) هر موقعی دولت تصور کرد که محصول نفت افغانستان به قیمت مناسب در خارج فروش نمیرود دولت حق خواهد داشت صدی بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرایط که کمپانی به مشتریان دیگر خود میفروشد از کمپانی خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میداند خود بفروش برساند (۲) در موقع انقضاء این امتیاز و هم چنین در صورت ترك آن از طرف کمپانی مطابق ماده (۱۸) کمپانی معادل بیست فیصد (۰/۰۲۰) از تفاضل بین مبالغ کل ذخایر یکسکه آلیند اکسپلوریشن کمپانی در تاریخ انقضاء این امتیاز و یا ترك

(ماده ۵) : عملیات کمپنی در افغانستان بطریق ذیل محدود میشود (۱) ساختمان هر خط آهن موکول بحصول موافقت قبلی بین دولت و کمپنی خواهد بود (۲) اگر کمپنی بخواهد ارتباط تلیفونی و تلگرافی و تلگراف بیسیم و هواپیمائی در افغانستان دائر نماید قبلاً رضایت دولت را درینخصوص تحصیل نماید (۳) اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع بیش آمد های فوق العاده دیگری احتیاج بوسائط نقلیه و وسائل ارتباطیه کمپنی پیدا کند وعده مینماید حتی الامکان کمتر موجب تضییع عملیات کمپنی بشود و نیز اجرت استفاده از وسائل مزبور را بطور معقول جبران نماید.

(ماده ۶) :

(الف) : در مقابل امتیازات اعطا شده بوسیله این قرار داد کمپنی « علاوه بر مبالغ پیش بینی شده در سائر مواد قرار داد » حق الامتیاز دیگری بمبلغ چهار شلنگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در افغانستان بفروش میرسد و یا از افغانستان صادر میشود خواهد پرداخت (ب) برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت در موقع تنزل قیمت پول انگلیس طرفین بشرح ذیل موافقت حاصل نمودند :

(۱) هرگاه موقع قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلنگ (۶ لیره) در مقابل یک اونس تروی (Troy ounce) تجاوز نماید برای هر پنی (Penny) که علاوه بر شش لیره استرلنگ در مقابل یک اونس تروی (Troy ounce) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التادیه بدولت از طرف کمپانی به موجب این قرار (باستثنای مبالغیکه بموجب جزو « ج » این ماده باید به دولت برسد) بمیزان یک بریک هزار و چهار صد و چهل و ۱۴۴۰ - ۱

نهضت اقتصادی در افغانستان

میشود ، برای حداقل وجوه لازم التأدیة پنج سال اول بطوریکه در جزء (د) این ماده قید شده این مبلغ در هر ربع سال شصت و دو هزار و پانصد لیره (۶۲،۵۰۰) خواهد بود ، و بعد از آن به یکصد و دوازده هزار و پانصد لیره (۱۱۲،۵۰۰) در هر ربع سال بالغ خواهد شد ، هر مبلغ که طبق بند (الف) و (ب) و (ج) طلب دولت باقی میماند در ظرف شش ماه بعد از انتهای سالیکه این مبالغ در آن سال طلب دولت باقی مانده تأدیه خواهد شد . (ز) هرگاه وجوه لازم التأدیه به دولت طبق جزء (هـ) از طرف کمپانی در مواعد مقرر تأدیه نشود کمپانی فرع وجوه مزبور را از اقرار صدی پنج در سال برای مدتیکه تأدیه آن به عقب افتاده خواهد پرداخت ، علیهذا پرداخت . هیچیک از وجوه لازم التأدیه بیش از شش ماه نباید به تعویق افتد . (ح) دولت حق تفتیش و رسیدگی به دفاتر و اسناد و نیز حق رسیدگی به محاسبات کمپانی را دارد .

(ماده ۷) :

(الف) : کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در افغانستان ، از پرداخت هر گونه مالیاتیکه به دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یا در آتی وضع میشود معاف خواهد بود ، و در عوض مبالغ ذیل را به دولت تأدیه خواهد نمود : (۱) در مدت پانزده سال اول این قرارداد بتاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در اولین سال بعد از تحصیل نفت در افغانستان بمقادیر تجاری نه پنس بابت هر تن از شش میلیون تن (۶۰،۰۰۰،۰۰۰) نفتیکه بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) از ماده شش (۶) میگردد و شش پنس (۶) بابت هر تن نفت

آن موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائریکه کمپانی در تاریخ تصویب این امتیاز موجود دارد بدولت تأدیه خواهد نمود ، پرداخت وجوه لازم التأدیه بدولت بر حسب این جزء يك ماه پس از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که بعد از انقضاء یا ترك امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت . (۳) طرفین موافقت مینمایند که در موقع لزوم کمپانی میتواند سهام مرجعه با شرایط لازمه صادر و یا آنها را استرداد نماید ولی این عمل نباید باعث ضرر و زیان منافع و حقوقیکه جهت دولت طبق شرائط این قرار داد پیش بینی شده بشود ، و کمپانی باید قبلاً بانمایندة دولت راجع بشرائط صدور سهام مزبور مذاکره نموده و تصویب کتبی او را تحصیل نماید . (د) : صرف نظر از چگونگی عملیات استخراج نفت ، مجموع مبلغی که طبق این ماده سالیانه باید از طرف کمپانی به دولت در پنج سال که بدو آن از ربع آخر سال پنجم از تاریخ تصویب این امتیاز شروع میشود پرداخت شود هرگز نباید از دو و یست و پنجاه هزار لیره (۲۵۰ ، ۰۰۰) کمتر باشد و از بدو ربع آخر سال دهم (۱۰) سالیانه از تاریخ تصویب امتیاز مجموع وجوه لازم التأدیه هرگز نباید از چهار صد و پنجاه هزار لیره (۴۵۰ ، ۰۰۰) کمتر باشد . (هـ) : علیهذا هرگاه در یکسال وجوه لازم التأدیه به دولت طبق جزء (الف) و (ب) و (ج) این ماده در آن سال از حد اقلی باشد که طبق جزء (د) تعیین شده کمپانی مجاز خواهد بود مابه التفاوت ضرر را در اولین سال یا سالهای بعد در موقع تعیین منافع خالص موضوع نماید . (و) : وجوهیکه طبق جزء (د) این ماده لازم التأدیه است به اقساط متساوی سه ماهه هر سال پرداخته خواهد شد ، و بدو آن از ربع آخر سال پنجم از تاریخ تصویب

سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دائر بفروش آن اراضی خواهد داشت، در صورتیکه دولت اعتراض و احتیاجی با اراضی مزبور نداشته باشد قیمت این اراضی را کمپانی تأدیه خواهد کرد، قیمت مزبور باید عادلانه باشد، و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید.

(ج) : در صورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش بینی شده در جزء های (الف) و (ب) مذکور در فوق جوابی بدهد پس از انقضاء دو ماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمپانی تذکر نامه جدیدی بدولت خواهد فرستاد. چنانچه به تذکر نامه مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی میگردد. (د) : اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور با توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد، در صورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت با صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند. برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمپانی از مصرف آنها دارد، مآخذ قرار داده نمی شود. (ه) : اما کس مقصد و محل های که جنبه تاریخی دارند از مقررات مذکوره مستثنی هستند. (و) : کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی نه جای دیگر از هر زمین بآثار متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود هر نوع خاک و شن و آهک و سنگ گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجازا استفاده نماید. مسام است اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی بشود باید کمپانی جبران خسارات ذوی الحقوق را بنماید.

اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود. (۲) در مدت پانزده سال بعدیک شلنگک بابت هر تن از شش میلیون تن (۶۰۰۰۰۰۰۰) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) از ماده شش (۶) میگردد و نه پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد شد.

(ب) : قبل از انقضای مدت سی سال، بعد از تاریخ تصویب راجع به میزان مبالغه کمپانی دارای معافیت کامل عملیات خود در افغانستان از پرداخت هر گونه مالیاتی بنفع دولت و یا ادارات محلی در بقیه مدت این امتیاز میشود، باید بپردازد، طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.

ماده (۸) :

(الف) : هر زمین بآثار متعلق به دولت را که کمپانی برای عملیات خود در افغانستان لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجازا به کمپانی واگذار خواهد شد، طریقه تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود : هر وقت قطعه از اراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع میشود باید کمپانی یک یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت تجارت در کابل ارسال دارد، دولت در صورتیکه اعتراض نداشته باشد وعده میدهد که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد. (ب) اراضی دائر متعلق به دولت را که کمپانی احتیاج پیدا میکند بطریقی که در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف

معموله حین و رود را بپردازد. کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخاص غیرمستخدمین خودش فروخته یا واگذار نشود. (ب): کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوص حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه را که برای مریض خانه ها و مطب های خود در افغانستان لازم دارد و ارد نماید و اشیاء و اجناس مذکوره درموقع ورود از تادیبه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ج): بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصر برای عملیات اکتشافی و حفاری و استخراجی و تصفیه کردن و لوله کشی و انبار کردن در افغانستان لازم دارد و ارد نماید. (د): صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ه): برای جلوگیری از هر گونه تاخیر در تهیه نفت دولت عبوراثیه مذکوره در جزء (ج) این ماده را که جهت استخراج نواحی نفت، ساختمان کارخانجات و خطوط لوله و عمل کردن آن لازم است از سرحدات افغانستان مجاز خواهد نمود، مشروط بر اینکه قبلاً نقطه سرحدی را که کمپانی انتخاب نموده با اطلاع دولت برساند، عبور دادن اجناس منبر بجز از سرحدیکه انتخاب شده و غیر از طرق مجاز تجارتي ممنوع است. دولت تادم تیکه کمپانی تقاضا نمینماید بست گمرکات را در نقاط معینه در ظرف شب و روز حتی در ایام تعطیل های عمو می باز نگاه خواهد داشت. کمپانی عمارات مخصوصی را که برای این منظور لازم است باموافقت دولت خواهد ساخت و حقوق اعضای اضافی گمرک را باضافه مخارجی که دولت

(ماده ۹): کمپانی برای احتیاجات داخلی افغانستان و از آنجمله احتیاجات دولت بنزین و نفت لایمپ و مازوت که از نفت افغانستان حاصل می شود بر اساس ذیل خواهد فروخت. (۱) در اول ماه ژوئن هر سالی کمپانی معدل قیمت های (خوب) رومانی را راجع به بنزین و نفت لایمپ و مازوت و معدل قیمت های (خوب) خلیج مکزیک را راجع به پریک از مواد مذکوره نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ سی (۳۰) آوریل معین خواهد کرد، فازل ترین معدل های مذکور اختیار و اساس قیمت ها برای سالی که از اول ژوئن شروع میگردد قرار داده میشود (اساس قیمت ها بمنزله قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد). (۲) کمپانی بنزین و نفت لایمپ و مازوت را به ترتیب ذیل خواهد فروخت: اول: بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران، مطابق اساس قیمت های مذکور در جزء (الف) فوق با تخفیف بیست و پنج درصد (۰/۰۲۵) دوم: به کمپانی مطلقاً افغانی که از طرف دولت تعیین می شود از قرار (اساس قیمت) با تخفیف ده درصد (۰/۱۰) (۳) کمپانی حق دارد که بقیمت های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات منبر را بیفزاید. (۴) دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد.

(ماده ۱۰):

(الف): کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که مختصراً برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد و ارد نموده و حقوق گمرکی و مالیات های

برای اجرای این تعهد خود متحمل میشود و خواهد پرداخت ، کمپانی مجاز است عملیات خود را در مدت روز و شب و در تعطیل های عمومی ادامه دهد .
(ماده ۱۱) :

(الف) : کمپانی و اعضای آن از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهد شد ، (ب) : دولت در حدود قوانین و مقررات جاریه خود کلیه تسهیلات ممکنه را جهت توسعه عملیات کمپانی در افغانستان تأمین خواهد نمود (ج) : در صورتیکه دولت امتیازات به اشخاص دیگر جهت استخراج مواد معدنی « غیر نفت » در حوزه امتیاز اعطا نماید ، کلیه احتیاطات لازمه را مرعی خواهد نمود ، به طوریکه استخراج آن ها موجب خسارت به تأسیسات و کارخانجات کمپانی نشود ، در ظرف مدت این امتیاز و قبل از انتخاب اراضی بطوریکه در جزء (الف) از ماده (۳) مقرر است هیچگونه امتیاز استخراج نفت در حوزه امتیاز از طرف دولت دیگری داده نخواهد شد .

(د) کمپانی موظف است مناطقی را که برای ساختمان منازل و دکاکین و مغازه و سایر ساختمان ها خطرناک است تعیین نماید که دولت بتواند سکنه آن را آگاه بنماید که درین قبیل مناطق سکونت ننمایند (ه) هرگاه کمپانی صلاح بداند محصول نفت را از مملکت دیگری غیر از افغانستان عبور دهد ، بنابر تقاضای کمپانی دولت مساعدت اخلاقی خواهد نمود که کمپانی تحصیل اجازه مخصوصی بنماید .

(ماده ۱۲) :

(الف) : کمپانی ملزم نیست وجوه خود را که شامل وجوه حاصله از فروش صادراتش از افغانستان نیز میا شد به پول افغانی یا به پول دیگر محلی تسعیر نماید ، هیچگونه ممنوعیت های راجعه به صادر

یا وارد کردن وجوه کمپنی و یا اعضای آن در هیچ موقع وضع نخواهد شد ، کمپنی علیهذا تعهد میکنند که در موقع تسعیر اسعار خارجه خود به پول رائج افغانستان این قبیل خریدهای اسعاری را بر طبق قوانین افغانستان معمول دارد . (ب) : کلیه مبالغ که طبق این قرار داد دین کمپانی بدولت است بغیر از آنچه صریحاً درین قرارداد ذکر شده ، به لیره انگلیسی تصفیه خواهد شد .
(ماده ۱۳) :

(الف) : برای اجرای عملیاتیکه طبق این قرار داد به کمپنی در افغانستان اعطا شده : کمپنی تعهد مینماید که کلیه وسائل مناسب را برای تأمین صرفه جوئی و حسن جریان عملیات خود مرعی خواهد داشت ، که کلیه مخازن تحت الارضی نفت محفوظ بماند و این امتیاز را با صولیکه با ترقیات علمی روز افزون دنیا تطبیق نماید اجرا کند . (ب) : حفاریاتیکه منجر بکشف نفت نگشته و آب یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا شود مجاناً بدولت واگذار خواهد شد (مگر آنکه کمپانی آب چاه ها را برای آشامیدن و مصرف حفاری و دیگهای بخار احتیاج داشته باشد) . کمپانی دولت را فوراً از کشفیات مزبور مطلع خواهد ساخت دولت نیز هرچه زود تر قصد خود را را جمع بتصرف آنها اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف احتیاطات لازمه را مرعی خواهد نمود که در عملیات کمپانی هیچگونه وقفه حاصل نشود .
(ماده ۱۴) :

(الف) : کمپنی بخرج خود و بر حسب تقاضای نماینده مختار وزارتخانه ، عین سواد هر طرح نقشه و رسمها و سایر اطلاعات را که در دست کمپانی است اعم از اطلاعات سطح الارضی و طبقات الارضی مربوط

مرکز تجارت کمپنی تشکیل شود. جلسات مزبور در مدت بیست روز بعد از وصول تقاضای کتبی نماینده دولتی به منشی، کمپنی تشکیل خواهد شد. (ب) پس از کشف نفت در حوزه امتیاز بمقادیر تجارتی کمپانی بابت بخارج نماینده دولت علیه سالیانه مبلغ ده هزار (۱۰,۰۰۰) دلار بحساب اعتبارات دولت در یکی از بانگهای نیویارک پرداخت خواهد نمود دولت کمپانی را کتبا از تعیین نماینده مزبور و تغییر او همچنین از تعیین قائم مقام او مطلع خواهد ساخت.

ماده (۱۶) :

(الف) : طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصلی که مدار اجرای این قرار داد میباشد آن است که در منافع طرفین حفظ اعلای منتج بودن و صرفه جوئی در اداره و عملیات کمپنی در افغانستان و خارج از افغانستان ضرورت عالی دارد. (ب) مسلم است که کمپنی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجارتی خود را باندازه که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در افغانستان یافت شود از اتباع افغانستان انتخاب خواهد نمود، طرفین موافقت مینمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که برطبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر افغانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعبدی و در مدت کوتاه ترین ممکنه از اتباع افغانی بگمارند. (ج) در موقع ضروری کمپانی مجاز است متخصصین فنی خارجی استخدام نماید مشروط بر اینکه این قبیل مستخدمین مطلقاً از بین اتباع دول متحده امریکا انتخاب شوند و نیز مسلم است که مستخدمین مزبور در مدت توقف خود در افغانستان تابع کلیه قوانین داخلی مملکتی خواهند بود و داخل در هیچگونه تبلیغات سیاسی و مذهبی نخواهند شد. (د) پس از شروع بصدور

به حفر چاهای واقع در حوزه امتیاز در ظرف مدت مناسب بوزارت تجارت تقدیم خواهد نمود. (ب) : دولت حق دارد که بمیل خود هر موقع عملیات فنی کمپانی را در افغانستان توسط اشخاص مطلع تفتیش کند و متخصصین خارجی نیز برای این منظور تعیین نماید، راجع به صحت تصمیمات متخذ از طرف کمپانی نسبت به مفاد ماده (۴) نیز دولت حق رسیدگی خواهد داشت. (ج) : کمپنی کلیه اطلاعات علمی و فنی مربوط به عملیاتش را به علاوه اطلاعات راجع به تأسیسات و وسائل اندازه گیری و سائر وسائل فنی را در اختیار این قبیل متخصصین رسمی خواهد گذاشت. و متخصصین مزبور حق خواهند داشت کلیه اطلاعات مربوط بادارات کمپنی را (واقع در افغانستان) بخواهند کلیه اطلاعات و مدارک و اسناد را بدولت بطور محرمانه تلقی خواهد نمود.

(ماده ۱۵) :

(الف) : دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور مأمور دولت علیه نامیده شده و اختیارات ذیل را دارا خواهد بود : (اول) اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپنی است از کمپانی تحصیل نماید. (دوم) در کلیه جلسات که برای مذاکره در مسائل راجع بروابط دولت و کمپانی تشکیل میشود اعم از جلسات مجمع عمومی و یا کمیته های آن و یا جلسات صاحبان سهام حضور بهم برساند. (سوم) کمیته را که کمپنی برای توزیع اعتبار مذکور در ماده (۱۶) برای نظارت در تحصیل محصولین افغانی در دول متحده امریکا تشکیل میدهد بعنوان رسمی یا حق رأی قاطع ریاست نماید. (چهارم) هر وقت مقتضی بداند تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره برای مذاکره در مسائل که دولت پیش نهاد مینماید در

نفت از حوزه امتیاز کمپنی سالانه مبلغ پنجاه هزار (۵۰۰،۰۰۰) دلار برای اینکه اتباع افغانی در دول متعدده امریکا علوم و فنون مربوط بصناعت نفت را فرا گیرند تخصیص خواهند داد. اعتبار مذکور بوسیله يك كوميته كه مطابق ماده يازدهم (۱۵) تشكيل ميشود بمصرف خواهد رسید.

(ماده ۱۷) :

(الف) : پس از تاريخ تصويب ، هر موقع كمپنی اسهام جديدی اشاعه ميدهد و دفاتر ثبت تقاضای اشتراك آنرا در همان موقع كه در سائر نقاط شروع ميشود در كابل نیز برقرار خواهد نمود در اين موارد يك قسمت از اسهام منتشره تا مدت سی روز از تاريخ صدور برای اتباع افغانستان كه مائل به اشتراك هستند نگذاشته خواهد شد و پس از انقضای سی روز هرچه از اين قسمت باقی مانده بديگران فروش خواهد شد . (ب) : كمپنی تعهد مينمايد كه هيچوقت اجازه نخواهد داد كنترول اكثريت سهام خود غير امریکائی و افغانی بدست ديگری يفتد و نیز اعضای هیئت مدیره غير از افغانی و امریکائی دیگری نمیتواند باشد .

(ماده ۱۸) :

(الف) : این قرار داد برای مدت هفتاد و پنج سال از تاريخ تصويب و اگذار ميشود . (ب) : در ظرف مدت ده سال اول از تاريخ تصويب امتیاز كمپانی مجاز خواهد بود این امتیاز را فسخ نماید مشروط براینكه شش ماه قبل كتباً بدولت اطلاع دهد ، بعد از ده سال اول از تاريخ تصويب كمپنی حق فسخ این قرار داد را دارد در صورتیکه دوسال قبل کتبادولت را از قصد خود مطلع سازد درینصورت

كمپانی از کلیه تعهدات موضوع این امتیاز بادر نظر گرفتن شرایط ذیل بری خواهد شد . (ج) : در مدت ده سال اول این امتیاز یا بعد از آن تا موقعیکه استخراج نفت شروع شود كمپانی مجاز خواهد بود کلیه اموال منقوله خود را كه در دفاتر كمپنی جزء اموال ثبت شده از افغانستان خارج نماید ، در اینصورت اگر قیمت اموال مزبور مستهلك شده باشد كه در نتیجه از حقوق پرداختی بدولت كسر گردیده ، صدی بیست از مجموع مبلغ استهلاكی در موقع صدور اموال مذکور بدولت مسترد خواهد شد ، و کلیه اموال غیر منقول با همان وضعیت موجوده با اختیار دولت گذارده خواهد شد . (د) : در مدت بیست سال بعد از ده سال اول از تاريخ تصويب ، كمپنی مجاز خواهد بود اموال خود را كه برای امور اکتشافی و غیره بكار میرود از افغانستان خارج نماید ولی در ظرف این مدت حق صدور یا فروش کلیه سائر اموال خود را نخواهد داشت مگر آنكه اشیای مزبور غیر مفید بوده و یا آنكه برای عملیات كمپنی در افغانستان دیگر مورد احتیاج نباشد . (ه) : در ظرف بقیه مدت بعد از سی سال از تاريخ تصويب كمپانی حق فروش یا انتقال يك یا چندین قسمت از اموال غیر منقوله واقع در افغانستان را نخواهد داشت ، و در ظرف همین مدت كمپانی مجاز نخواهد بود هیچيك از اموال منقول خود را خارج نماید به استثنای آنچه از حیز انتفاع افتاده باشد . (و) : كمپنی حق فروش اراضی را كه از دولت مجازا تحصیل نموده نخواهد داشت (ز) : در موقع انقضای این امتیاز به استثنای موارد پیش بینی شده طبق جزء (ج) و (د) این ماده ، کلیه اموال كمپانی در افغانستان بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت افغانستان

(ب) : طرفیکه تقاضای حکمت میکند باید تقاضای خود را کتبا بطرف دیگر ابلاغ نماید ، هر یک از طرفین یک حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع بحکمت یک حکم ثالث انتخاب خواهند نمود . هرگاه حکمین نتوانند در ظرف مدت دوماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند ، حکم مزبور را به تقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داوری بین المللی تعین خواهد نمود ، چنانچه رئیس دیوان داوری بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرایط لازمه برای تعین حکم ثالث نباشد بوسیله نائب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

(ج) حکم ثالث باید از ملت افغان و یا دول متحده امریکا نباشد وبعلاوه ارتباط نزدیک نیز به افغانستان و یا بادول متحده امریکا از حیث تعلق به یکی از مستملکات یا ممالك تحت الحمايه و یا مستعمرات و یا ممالك تحت قیمومیت و ممالیکه بوسیله یکی از ملکین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالك مزبوره بوده و یا میباید نداشته باشد .

(د) اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از حصول تقاضای حکمت طرف مقابل حکم خود را تعین نکرد و یا تعین آن را بطرف دیگر ابلاغ ننمود طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری بین المللی « یا نائب رئیس درموردیکه مطابق قسمت اخیر جزء (ب) پیش بینی شده » تقاضا نماید که یک حکم منفرد ذی صلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعین کند و درینصورت اختلاف موجوده بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

خواهد بود . (ج) : جمله تمام « اموال » مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کسار خانه ها و ساختمان ها و چاه ها و راه ها و لوله های حمل نفت و پلها و رشته نفت های فاضل آب و و سائل توزیع آب و ماشین ها و مؤسسات و تجهیزات (ازان جمله آلات و ادوات) از هر نوع و تمام وسائط نقلیه و ارتباط در افغانستان « مثلا اتوموبیل های سواری و باری طیاره و غیره » تمام اجناس انبار شده و سایر اشیائیکه کمپنی در افغانستان برای اجرای این امتیاز ازان استفاده مینماید . (ماده ۱۹) : در صورت وقوع « فورس ماژور » که مانع از اجرای مقررات این قرارداد از طرف کمپانی شود این مورد از موارد نقض قرار داد محسوب نخواهد شد . در صورتیکه در اثر وقوع « فورس ماژور » اجرای مواد این قرار داد از طرف کمپانی بتأخیر افتد مدتیکه برای ترمیم خسارات وارده در ظرف تأخیر لازم است بمدت این امتیاز اضافه خواهد شد . علیهذا به مدت مقرر در جزء « الف » ماده (۱۸) علاوه نخواهد شد ، مگر اینکه تحویل و یا صدور نفت از طرف کمپانی در اثر وقوع « فورس ماژور » بیشتر از نود روز معطل بماند ، مسلم است وقوع « فورس ماژور » تأثیر و تأخیر در پرداخت وجوه لازم التادیه به دولت طبق این قرارداد نخواهد داشت . (ماده ۲۰) :

(الف) : هر نوع اختلاف حاصله بین طرفین و مخصوصا اختلافات ناشی از تغییر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیت های مقرر آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردیکه بموجب این امتیاز نامه محتاج بتوافق نظر طرفین است بطریق حکمت قطع و فصل خواهد شد .

(د) پس از تصویب این قرارداد اصلاحات به یکی از دو طریق ذیل عمل و قبول خواهد شد .

اول در صورتیکه اصلاحات توسط کمیته پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف هیئت مدیره کمیته تدوین و قبول شده با مضای رؤسای مربوطه رسیده باشد . در صورتیکه اصلاحات مزبور از طرف مجلس ملی تصویب شود پس از توضیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزء امتیاز حاضر خواهد شد .

(دوم) در صورتیکه اصلاحات از طرف دولت پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف مجلس ملی تدوین و قبول شده با مضای رئیس مجلس رسیده به تصویب قوه مقننه نیز برسد ، بعد ازان در صورتیکه از طرف هیئت مدیره کمیته پیشنهاد مذکور تصویب شود با مضای رؤسای مسئول خواهد رسید و پس از توضیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزء این امتیاز خواهد شد .

(ماده ۲۲) :

(الف) طرفین متعاهدین اعلام میدارند که اجرای این قرار داد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و تفسیر معقول و متناسب این قرار داد باشد .

(ب) کپانی صریحا تعهد مینماید که هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی و یا خود داری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید .

(ج) این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقرر رات آن در آتی به وسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچ یک از

(ه) اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصول خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داورى دائمى بین المللى معمول و مجراست . وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مزبور در جزء (د) معین خواهد کرد .

(و) حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده (۳۸) اساس نامه دیوان داورى دائمى بین المللى بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود . (ز) مخارج حکمیت به نحویکه در رأی حکمیت معین میشود تادیه خواهد گردید .

(ماده ۲۱) :

(الف) این امتیاز فوراً پس از تصویب آن از طرف مجلس ملی و توضیح فرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان قابل اجرا خواهد بود ، دولت تعهد میکند امتیاز را هر چه زود تر برای تصویب و توضیح تقدیم نماید .

(ب) دولت تصدیق مینماید و جناب اجل آقای وزیر امور خارجه تأیید مینماید که هیچگونه امتیاز دیگری نسبت به حقوق اعطا شده موجب این امتیاز یا هر يك از اجزای آن وجود ندارد ، و هیچ شخص یا تجارتخانه یا کمیته هیچگونه ادعای معتبر یا قانونی نسبت باین حقوق ندارد ، به علاوه دولت تصدیق مینماید و جناب اجل تأیید مینماید که این امتیاز با حقوق مزایای مربوط بآن يك امتیاز مطلق و منحصر میباشد .

(ج) هر گونه انتقال این امتیاز توسط کمیته بر طبق جزء (ب) ماده (۱۷) موکول به تصویب دولت خواهد بود ، و منافع مربوط باین امتیاز عیناً بقاءم مقام مجاز او منتقل خواهد شد .

د ستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرا ئه قابل تعیر نخواهد بود .

(د) این امتیاز قبل از انتهای مدت مندرجه در جزء (الف) از ماده (۱۸) منقضی نخواهد شد مگر در صورتیکه کمپنی آن را طبق جزء (ب) همان ماده فسخ نماید و یا اینکه بواسطه عدم اجرای تفحصات طبق ماده (۳) و حفاری طبق ماده (۴) و یا عدم تادیبه و جوه طبق ماده (۶) این امتیاز لغو شود . (ه) در سایر موارد نسبت بمقررات این امتیاز از جانب هریک از طرفین محکمه حکمیت مسئولیت ها و حقوق و تعهدات طرفین متعاهدین را تعیین خواهد نمود .

ماده (۲۳) : این امتیاز که شامل بیست و سه ماده بر بان انگلیسی در دو نسخه جهت امضاء تحریر شده ترجمه فارسی آن بعد بعمل خواهد آمد ، در صورت بروز اختلاف نسخه انگلیسی آن معتبر خواهد بود . در برلین نوزدهم نومبر سنه هزار و نه صد و سی و شش .

پرو تو کول

تعدیلات ذیل در متن قرار داد امتیاز بطرول منعقد نوزدهم نومبر ۱۹۳۶ برلین بین حکومت شاهی افغانستان و انلاندا کسپلوریشن کمپنی بعمل آمده است قرار داد مذکور بطوری باید ملاحظه گردد که تعدیلات مذکور یک حصه اول آن را تشکیل میدهد . (۱) تعریف کلمه کمپنی بعد از کلمه امریکا بایزاد کلمات « تمام کمپنی های تابعه آن » تعدیل یابد و همچنین تعریفات ذیل ایراد گردد . « کلمه انلاندا کسپلوریشن کمپنی یعنی انلاندا کسپلوریشن کمپنی و هر شخص حقوقی دیگری از دول متحده امریکا که این امتیاز با تصویب حکومت

مطابق (ماده ۲۱) بدو منتقل شود » کلمه کمپنی تابعه ، یعنی کمپنی که این کمپنی حق تعیین بیش از نصف مدیران آنرا مستقیماً یا بطور غیر مستقیم داشته یا بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مالک مقداری از اسهام آن باشد که بآن مقدار سهم بیش از پنجاه فیصد حق رأی در مجمع عمومی آن برای کمپانی تضمین شده باشد . « ۲ » در ماده (۱) عوض عبارت « حمل و نقل راهای آهن مابین حوزه امتیاز و سرحد » عبارت هذا « هر جای در افغانستان » خوانده شود در اخیر همان ماده کلمات ذیل علاوه شود . « بطرولی که بوسیله انلاندا کسپلوریشن کمپنی در افغانستان حاصل شده و تا ساحل از راه ایرانین یا بیلان کمپنی ترانسپورت ، میگردد . بهمان مساعد ترین نرخ که از طرف کمپنی برای ترانسپورت بطرول ایرانین آیل کمپنی ضمانت گردیده است ، ترانسپورت خواهد شد ، کمپنی تعهد مینماید که برای خودش و برای حکومت تمام اسناد لازمه را در موضوع محصولات ترانسپورت که از طرف ایرانین آیل کمپنی و سایر کمپنیهای متشابه آن ، ایرانین یا بیلان کمپنی تادیه شود فراهم آورد در صورتیکه محصولات ترانسپورت مذکور که برای انلاندا کسپلوریشن کمپنی وضع شده باشد از محصول ایرانین آیل کمپنی و کمپنی های متشابه آن برای فاصله معینی تجاوز نماید فرق آن بعد از انلاندا کسپلوریشن کمپنی خواهد بود ، به صفت مضرف کمپنی مذکور در سنجش منافع خالص حساب نخواهد شد . (۳۱) در جزء الف ماده ۳ عبارت ذیل ملغی است « قبل از انقضای یک سال بعد از اعطای حقوق حمل و نقل بطرولیوم به کمپنی از یک ملک یا ممالکی که شامل این قرار داد نباشد » و بجای آن عبارت ذیل درج میشود . « قبل از انقضای مدت شش ماه بعد از تاریخ تصدیق »

نباشد یکی از ایالات مذکوره باتمام مؤسساتی که در آن وجود داشته باشد از طرف کمپانی مسترد میشود در آخر ۲۰ سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضه امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار بطرول منکشفه آن قابل صدور نباشد یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد، در انجام ۲۵ سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضه امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار بطرول منکشفه آن قابل صدور نباشد یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد. در آخر سی سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضه امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار بطرول منکشفه آن قابل صدور نباشد یکی از ایالات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد. در اختتام ۵ سال آینده اگر در آنجا ایالاتی باشد که مقدار بطرول منکشفه آن قابل صدور نباشد آن ایالات بهمان صورت مسترد می شود.

(۷) در فقره (۱) ماده (۵) بعد از کلمات « راه » آهن کلمه کمپنی درج شود.

(۸) در جز و « الف » ماده ۶ کلمات « یا صادر شده باشد از افغانستان » حذف میشود و بجای آن عبارت ذیل درج میگردد « از افغانستان صادر شده باشد » برای فروش در افغانستان و یا صدور ذخیره شده باشد جزء « ج » همان ماده و قسمت های ۱-۲-۳ حذف شود و بجای آن فقرات ذیل درج شود. « ج » علاوه بر تمام تأدیات متذکره این امتیاز کمپنی تعهد می کند که سالانه بحکومت مبلغ بیست فیصد « ۲۰٪ » از منفعت خالص که برای اسهام عادی اذلانند اکسپلوریشن کمپنی تقسیم می شود پس از توزیع مبلغ ۵ فیصد از

(د) جزو الف و ب ماده « ۴ » لغو و بجای آن عبارت ذیل درج گردد « الف » قبل از اختتام ۲۶ ماه بعد از تاریخ تصدیق کمپانی اقلایك دستگاه برمه انكشافی چاهها را بكار خواهند انداخت قبل از اختتام سال پنجم بعد از تاریخ تصدیق اقلایك دستگاه برمه بدون يك وقفه معقول متواتر بكار انداخته خواهد شد ، تا که چاهایك عمق معقول برای انكشاف بطرولوم برسد ، هر يك چاه انكشافی باید تا عمق سه هزار فیت برسد ، مگر در صورتیکه بطرول بمقدار نافع در عمق کمتر ازین پیدا شود (که تنها این منحصر به قضاوت کمپنی خواهد بود) و یاد در صورتیکه ماهرین طبقات الارض ثابت کنند که بطرول در اینجا مصارف آنرا تلافی کرده نمی تواند اگر ثابت شده بتواند که بطرول بمقدار تجارتی حاصل می شود بعد از ان دستگاههای برمه اقلایك تا شش دستگاه اضافه خواهد شد و عملیات بدون کدام معطلی دوام داده میشود تا که مواد ذخیره بطرول تمام شود و با امتیاز متروک گردد . « ب » در صورتیکه مقررات جزء الف ماده موجوده از طرف کمپانی اجرا نشود حکومت حق خواهد داشت به کمپنی یاد داشت بدهد که او میخواهد این امتیاز را اختتام بدهد و در ظرف ۶ ماه بعد از وصول یاد داشت حکومت به کمپنی امتیاز ملغی می گردد .

(۵) در جز و (د) ماده (۴) کلمه Commercial (تجارتی) به کلمه Profitable قابل (استفاده) تغییر میشود .

(۶) جز و (ه) ماده (۴) لغو و بجای آن عبارت ذیل درج گردد (ه) بعد از معیاد پانزده سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضه امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار بطرول منکشفه آن قابل صدور

سا لنامۀ « کابل »

سرمایۀ تادیه شده بپردازد این ۰.۰۵ فائده است که بصاحبان اسهام عادی قبل از تادیه حصۀ حکومت تادیه میشود مراد از سرمایۀ تادیه شده که درین فقره استعمال شده است مبلغی است که بطور قطعی در کتابهای کمپنی از روزیکه صادرات تنظیم بطرول بواسطۀ کمپنی از افغانستان شروع شده است تعیین گردیده در هر صورت مبلغ پنج فیصدی که سابقاً با سهام عادی تقسیم شده است از سه صد هزار ۳۰۰,۰۰۰ پوند استرلینگ سالانۀ تجاوز نخواهد کرد، مبرهن است که منافع دیگر از فائده خالص قبل از تقسیم حصۀ حکومت چنانچه در اینجا ذکر گردیده است تادیه نخواهد شد و همچنین متقابلاً تعهد می شود که اصول حساب و تادیه مستعانه انگل و ایرلیند آیل کمپنی محدوده تعقیب خواهد شد، در حالیکه سنجش های مذکورۀ مواد مندرجات ذیل قرار گیرد.

(۱) هر موقعیکه حکومت تصور کرد که محصول نفت افغانستان بقیمت مناسب در خارج بفروش نمیرسد حکومت حق خواهد داشت صد بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرائطیکه کمپانی بطرول افغانستان را بمشتریان دیگر در همانجا می فروشد از کمپنی خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میداند خود بفروش برساند.

(۲) در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترك آن از طرف کمپنی مطابق مادۀ (۱۸) کمپنی مبلغ معادل ۲۰ فیصد ۲۰۰ از بابت های ذیل بحکومت تادیه خواهد کرد:

- (الف) از مجموع ذخائر کمپنی در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز
(ب) از مبالغ موجودی کمپنی در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز درین فقره مراد از کلمۀ ذخائر، ذخائر عمومی کمپنی است، یعنی همان ذخائریکه

افغانستان



این نقشه برای نشان دادن خطوط مخابراتی، بندها و تقسیمات ولایات و حکومتات اعلی و حکومتان ترریب یافته در تجدید حدود و سرحدی با مالکات مجاور قابل اعتبار نیست.

Cette carte indiquant les routes, les lignes téléphoniques et télégraphiques, les limites des Provinces et les barrages d'Afghanistan ne garantit pas l'exactitude du tracé des Frontières.

علامات مخصوصه

note

| | |
|--|---|
| خطوط مخابراتی که در سال ۱۳۱۶ شمسی ساخته شدند | ROUTES CONSTRUITES ENTRE 21 MARS 1937 ET 21 MARS 1938 |
| سرکهای سابقه تا اخیر جوت ۱۳۱۵ | ROUTES ANCIENNES (CONSTRUITES AVANT LA DATE SUSMENTIONNEE). |
| این تلیفون که در سال ۱۳۱۶ شمسی ساخته شدند | LIGNES TELEPHONIQUES ET TELEGRAPHIQUES CONSTRUITES ENTRE 21 MARS 1937 ET 21 MARS 1938 |
| این تلیفونهای سابقه تا اخیر سال ۱۳۱۵ | LIGNES TELEPHONIQUES ET TELEGRAPHIQUES CONSTRUITES AVANT LA DATE SUSMENTIONNEE. |
| خط تقسیم ولایات | LIGNES SEPARANT LES PROVINCES. |
| خط تقسیم حکومتان | LIGNES SEPARANT LES GOUVERNATS. |
| بند | BARRAGES |

فوت : از خطوط کوچک تلیفون و سرک صرف نظر شده

Les petites lignes ne figurent pas sur cette carte

نهضت اقتصادی در افغانستان

برای مقصد مخصوصی معین نشده‌اند، مثلاً برای بیمه هر وجه لازم التادیه بحکومت بر حسب این فقره یکماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمیانی که بعد از انقضاء یا ترک امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت، حکومت حق خواهد داشت که محاسبات مفصل ذخائر متذکره فقره (الف) را کنترل نماید و محاسبات مذکوره سال ماقبل باید اخیراً الی ۲۸ فروری بحکومت فرستاده شود.

(۲) کمپنی میتواند اسهام مرجه بهمنافع شش فیصد که حق اولیت در اخذ منافع داشته باشد به قیمت اسمی بفروشد. مراد از اسهام مرجه اسهامی است که اولاً حق حصول منافع سالانه را صرف تا اندازه شش فیصد متذکره قبل از کدام تقسیم منافع با اسهام عادی و یا بحکومت داشته باشد. در صورت انحلال و یا الغای کمپنی اسهام مرجه حقدارند که قیمت شان را بعلاوه منفعی که بآنها بایستی تادیه شود قبل از کدام تقسیمی با اسهام عادی و یا بحکومت حاصل دارند، کمپنی حقدار دارد که مقدار اسهام مرجه را که در دوران میباشند بواسطه اعاده قیمت آنها بعلاوه منفعی که باید با آنها تادیه شود در وقت باز خرید تقلیل دهد، در (۴) مثال آتی طریقه ترتیب بلامنس سالانه در تحت بعضی فرضیات اصول این ماده را توضیح میدهد مثال فرض کنیم که سرمایه تادیه شده ۷,۵۰۰,۰۰۰ پوند استرلینگ است و نفث صادر شده و فروش رسیده به ۶,۵۰۰,۰۰۰ پوند بالغ میگردد عایدات شش میلیون لیره و اقل ضمانت بحکومت ۵۰۰,۰۰۰ لیره و دیگر مصارف ۳,۰۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ است.

| | |
|----------------|--------------|
| مجموع عایدات | منافع حکومت |
| ۵,۵۰۰,۰۰۰ لیره | ۵۰۰,۰۰۰ لیره |

سالنامه « نابل »

| منافع حکومت | بمزرع هایادات |
|--------------|--|
| ۸۰۰،۰۰۰ لیره | بلانس چهار شلینگ بایالتی ۸۰۰،۰۰۰ لیره |
| ۲۳۸،۰۰۰ » | تادیه بعوض محصولات ۲۳۷،۰۰۰ » |
| | مصارفیکه حاوی درك های ذیل است : |
| ۳،۰۰۰،۰۰۰ | تنخواه های اداری ، استخراج ، توسعه ، ترمیمات ، محروقات ، |
| ۴،۰۳۷،۰۰۰ | برمه آلات ، ادوات ، نماینده حکومت ، تعلیم صلاب ، منافع استهلاک ، |
| ۱،۴۶۲،۰۰۰ | منافع اسهام مرجعه وغیره . |
| ۵۰۰،۰۰۰ | مصارف مجموعی |
| ۹۶۲،۰۰۰ | منافع خالص |
| ۳۰۰،۰۰۰ | ذخائر و سرمایه کار |
| ۶۶۲،۰۰۰ | بلانس منافع |
| ۵۳۰،۰۰۰ | منافع اولیه اسهام عامه |
| ۱۳۲،۰۰۰ | بلانس باقیمانده |
| ۱۰،۶۷۰،۰۰۰ | ۸۰ فیصد صاحبان اسهام |
| | ۲۰ فیصد حکومت |
| | مجموع منافع حکومت |
| | (۹) درجه «د» ماده ۶ کلمات «دو صد پنجاه هزار پوند سترلینگ» |
| | حذف و بجای آن فقره ذیل درج خواهد شد « دو صد و هشتاد هزار |
| | پوند سترلینگ» . (۱۰) درجرو (د) ماده ۶ عبارت «چهار صد و پنجاه |
| | هزار پوند سترلینگ» حذف و بجای آن عبارت ذیل درج خواهد |
| | شد « پنج صد هزار پوند سترلینگ» . کل مبلغ تادیات سالانه برای |
| | هر یک سال که از ربع آخر سال چهار دهم جنتری بعد از تاریخ |
| | تصدیق شروع میشود هرگز نباید از شش صد هزار پوند سترلینگ |

نهضت اقتصادی در افغانستان

کمتر باشد. (۱۱) جزو «ح» ماده ۶ حذف میگردد (۱۲) جزو «و» ماده (۶) به «ه» تبدیل گردیده و کلمات «شصت و دوهزار و پنجاه یوند سترلینگ» بکلمات «هفتاد هزار یوند» تبدیل خواهد شد و نیز کلمات «مبلغ آخر الذکر یکصد و دوازده هزار و پنجاه یوند سترلینگ» بکلمات ذیل تبدیل میگردد «برای چهار سال آینده حداقل این تادیات مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار یوند سترلینگ و بعد ازان مبلغ یکصد و پنجاه هزار یوند سترلینگ خواهد بود». در همان جزو کلیات «در ظرف شش ماه متعاقب اتمام سال جنتری» بطور ذیل خوانده شود «در ۲۸ فروری سال جنتری متعاقب». (۱۳) جزو «ز» ماده (۶) به «و» و نیز جزو «و» جزو «ه» خوانده میشود (۱۴) جزو «ح» ماده (۶) جزو «ز» خوانده خواهد شد. (۱۵) بعد از قسمت «۲» جزو «الف» ماده (۷) قسمت ذیل علاوه خواهد شد:

«۳» کمپانی ضمانت میکند که مبلغ تادیه شده به قرار مقرر سابقه بعد از تاریخ تصدیق تا آخر سال دهم از پنجاه هزار یوند سترلینگ و بعد از تاریخ مذکور از هفتاد و پنج هزار یوند سترلینگ هرگز کمتر نخواهد بود؛ تادیه اول فوق الذکر سال تمام متعاقب آخر سال پنجم تادیه خواهد شد. «۱۶» جزء «د» ماده (۱۰) حذف خواهد شد.

«۱۷» جزو «ه» ماده «۱» جزء «د» خوانده خواهد شد. «۱۸» در آخر قسمت «د» ماده «۱۱» کلمات ذیل علاوه شود: در صورتیکه کمپانی بگرفتن اقدامات تخنیکی برای «تجدید» منطقه خطر مذکوره موفق نشود در صورت وقوع کدام حادثه مسئول میگردد. «۱۹» در آخر ماده (۱۶) عبارات ذیل علاوه میگردد: «ه» در صورت وفات

ومعوبیت مستخدمین و کارگران کمپانی که علت آن عملیات آخرالذکر باشد کمپانی تعهد مینماید که بخود مستخدمین و کارگیران مذکور و بایه عایله شان جبران نماید ، اساس قواعدیکه درین حکومت و کمپانی درباره این مسئله انعقاد خواهد یافت مقررات و هدایات انتظام بین المللی کار جینوا (سویس) خواهد بود . (۲۰) درجه (الف) ماده (۱۷) بعد از الفاظ (سهام) کلمه مرجعه درج خواهد شد . (۲۱) در جزء (الف) ماده (۱۸) کلمات : در هفتاد و پنج سال با شصت سال تبدیل گردید . (۲۲) جزء (ب) و (ج) و (د) و (ر) و (ه) ماده (۱۸) حذف و جزء های ذیل درج خواهد شد : (ب) کمپانی حق خواهد داشت که امتیاز را در آخر هر سال تقویم مسیحی ترک نموده حکومت را قبلاً و کتباً بواسطه یاد داشت بصورت ذیل اطلاع بدهد : (الف) شش ماه در ظرف هفت سال اول . (ب) بیست و چهار ماه در ظرف میزان آخرین اوقات امتیاز . (ج) اگر کمپنی در هفده سال اول بعد از تاریخ تصدیق این امتیاز را لغو نماید تمام اشیای منقوله خود را بدون تأدیة محصولات گمرکی و هر نوع محصولات و تا کس های دیگر که مرعی الاجرا باشد خارج کرده میتواند و پادر افغانستان بعد از تأدیة محصولات گمرکی و دیگر محصولات مروجة آن زمان فروخته میتواند . (د) اگر ترک امتیاز بعد از مدت هفده سال اول واقع شود بعد از انقضاء دوسال مهلت مذکور در جزء (ب) این ماده ، کلیه دارائی شرکت در افغانستان (بطوریکه در قسمت « ز » ماده موجوده تصریح شده) مجاناً وبدون هیچ خرچی بطور سالم و قابل استفاده ملک مملکت گردیده و شرکت در آینده از هر گونه تهدید ببری خواهد بود . (ه) صورت کدام در مناقشه مابین

حرفین راجع به فرائض شان قبل از اختتام میعاد فوق الذکر اختلافات شان بواسطه حکمیت چنانچه در ماده (۲۰) تذکار یافته است فیصله خواهد شد . (۲۳) جزو (ز) ماده (۱۸) حذف میشود . (۲۴) جزو « ح » ماده « ۱۸ » به « ز » تبدیل میشود . (۲۵) در ماده « ۱۹ » کلمات نود روز مسلسل به شصت روز مسلسل تبدیل گردد ، عبارت ذیل باید در آخر ماده ایزاد شود : هر واقعه که کمپنی آنرا فورس ماژور ملاحظه نماید باید که وزارت تجارت را یکبار در ظرف دوهفته از ان اطلاع بدهد و حکومت در ظرف شصت (۶۰) روز بعد از وصول یاد داشت ، کمپنی را از نظریه خود کتبا راجع بموضوع اطلاع خواهد داد . سکوت حکومت در مدت متذکره دلالت میکند که اونظریه کمپانی را راجع به فورس ماژور قبول دارد برخلاف آن اگر کمپنی اراداً و یا غفلاً بحکومت در ظرف دو هفته متذکره فوق اطلاع ندهد حکومت مجبور نخواهد بود که واقعه را از واقعات فورس ماژور ملاحظه نماید ، در هر صورت تمدید موعده این امتیاز بجهت فورس ماژور نباید از دوسال بعد از تاریخ اختتام امتیاز مطابق جزو الف ماه « ۱۸ » تجاوز نماید . (۲۶) در جزء « ج » ماده « ۲۰ » کلمات ذیل بعد از کلمه « امریکا » درج میگردد « علاوه بر روابط محرمانه با افغانستان و اضلاع متحده امریکا نخواهد داشت » (۲۷) جزء « ج » ماده « ۲۱ » حذف و بجای آن عبارت ذیل درج گردد : « هج » هراقتال امتیاز از طرف کمپانی باید مورد تصدیق حکومت واقع گردد و منافع و وظایف و واجباتیکه درین جا ذکر گردیده به کمپانی خلف آن مطابق شرایط قرار داد انتقال می یابد . (۲۸)

مستقل تشکیل و مطابق احتیاجات فنی، شعبات مختلفه برای آن منظور و در رأس آن «لا لتاب محمد کریم خان سابق معین وزارت صحتیه که از جوانان تعلیم یافته ترکیه و دارای معلومات عصری خوبی میباشند تعیین گردیده اند چنانچه رئیس مستقل معادن از جمله اعضای کابینه وزراء شناخته شده، معاون او نیز یک شخص فنی (ص، عبدالله خان دوکتور معادن تعلیم یافته المان) میباشد و اکنون ریاست معادن بروی یک نقشه اساسی و فنی شروع بکار کرده است.

تشکیل ریاست زراعت:

همچنین هر کس خبر دارد که در ظرف چند سال اخیر توجه خیلی زیادی بسوی ترقی و توسعه زراعت مملکت مبذول گردیده و برای این مقصود علاوه از تشویقاتیکه بطور عمومی جهت توسعه زراعت در سراسر افغانستان بعمل آمده بندها و نه‌های متعددی احداث و بسوی آن محصولات زراعتی که دارای جنبه تجارتی میباشد، مخصوصاً عنایت به صرف رسیده است. بادر نظر گرفتن اینکه افغانستان یک مملکت زراعتی بوده و آب و هوای معتدل و آبهای فراوان و دشتها و دره‌های کثیره آن مستعد پرورش هر قسم نباتات بوده و گنجایش توسعه زراعتی مهمی را دارا میباشد. پس نظر باین ملاحظات، از هر جهت لازم دیده میشود که امور زراعت یک مرکزیت صحیحی پیدا کرده و واجد تشکیلات فنی و عصری وسیعی گردد تا از تمام جنبه‌ها وسائل پیشرفت و نگرانی امور زراعتی آماده گئی پیدا کنند. از این بود که بمثل ریاست معادن یک ریاست مستقل زراعت نیز تاسیس و تمام تشکیلات زراعتی مملکت بریر اثر آن تمرکز یافته، ریاست مذکور مطابق اصول عصری شعبات فنی تقسیم و هر شعبه از شعبات مذکوره باشخاص فنی تعلیم

پروتو کول هذا که جزء اصلی قرار داد بطر و لیوم منعقدہ نور ده نومبر ۱۹۳۶ برلین میباشد باقرار داد مذکور یکجا تصدیق و بعد از تصدیق قرارداد و این پروتو کول هر دو عملی میگردد. « ۲۹ » در صورت هر اختلافی بین متن فارسی و انگلیسی این پروتو کول انگلیسی آن معتبر شناخته خواهد شد.

قرار داد استخراج معادن جنوب:

این قرار داد که بایک شرکت مختلط افغان و المان برای استخراج معادن حصص جنوبی افغانستان بعمل آمده تا کنون مراتب قانونی را طی ننکرده است هرگاه تاوقت نشر سالنامه مراتب قانونی را طی کرد البته بصورت ضمیمه درج خواهد گردید.

تشکیل ریاست معادن:

توجه خاصیکه درین سال نسبت برامور معادن وطن از طرف حکومت متبوعه ما مبذول و به سلسله آن قرار داد استخراج معادن سمت جنوب (مطابق شرح فوق) با آلمانها عقد و از طرف دیگر کار استخراج ذغال سنگ برای احتیاجات کارخانه جات و غیره مصارف داخلی شروع گردیده است، این اقدامات و نظریات آینده که را جم به توسعه امور معادن و استفاده از آنها مد نظر اولیای امور میباشند ایجاب میکرد که تشکیلات دوائر مربوط نیز وسعت لازمه را دارا گردیده و شعبات اداری جهت پیشبرد و نگرانی هر قسمت از امور مذکوره موجود باشد. ازین رو باین مطالعاتیکه درین باره بعمل آمد بالاخره در تیرماه سال ۱۳۱۶ دائرة معادن که سابقاً جزء وزارت تجارت و از شعبات مدیریت عمومی زراعت بود بصورت یک ریاست

یافته تفویض شده است چنانچه در رأس این ریاست جلال‌آباد میر محمد یوسف خان سابق مدیر مکتب زراعت که شخصاً از جوانان لائقی و دیپلومه فرانسه میباشند، قرار گرفته و معاون و سائر مدیران شعبات فنی مذکور نیز از جمله متخصصین فنی تعلیم یافته فرانسه مقرر شده اند و این ریاست نیز که رئیس آن شامل کابینه دولت میباشد، مطابق یک پروگرام اساسی و فنی آغاز بکار نموده است.

برینوجه با در نظر گرفتن این حقیقت مسلم که پیشرفت هر کار بسته بدرکیت یافتن و یکدست شدن آن و نیز مربوط باصولی بودن تشکیلات کار مذکور میباشد، بنابراین میتوان ادعا کرد که از این پس امور معادن و زراعت که مهمترین شعبات اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد داخل یک دوره نهضت جدیدی شده است که از هر جهت امید پیشرفت و ترقی هر دو شعبه مذکور موجود میباشد.

تأسیس شرکت های جدید:

در سلسله پلانهای اقتصادی که از چند سال باین طرف سر دست اجراء گرفته شده، یعنی تمرکز سرمایه بوده که حکومت متبوعه ما و بانک ملی برای این کار به تأسیس یک دسته شرکت های تجارتی مساعدت ورزیده و در نتیجه برای هر قلم از صادرات مهمه و همچنین برای واردات مختلفه، شرکت های علیحده تأسیس و مطابق پروگرام هائیکه با پلان اساسی حکومت متبوعه ما اثر به ترقی عمومی اقتصادیات مملکت موافقت دارد، شروع بکار نموده اند. چنانچه اگر بمطبوعات وطن عموماً و خصوصاً به سالنامه های کابل نظر انداخته شود، صورت کارروائی و اصلاحاتی که توسط شرکت های مذکور در امور اقتصادی وطن بعمل آمده خوشتر واضح خواهد شد. درین

ضمن از همه مهمترین موضوع ترقی صادرات است که اساس ترقی اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد و برای این منظور حکومت مطبوعه و تجار منور وطن خیلی بجذیت مشغول اقدامات میباشد. چیزیکه مداومت و حسن توجه را درین راه نشان میدهد همانا امتداد یافتن دامنه تأسیس شرکت های جدید است که علاوه بشرکتهای سابقه جهت ترقی صادرات و اصلاح امور وارداتی و غیره امور مدنی تأسیس و ما ذیلاً بطور مختصر از اسما و نوعیت کار و سرمایه و غیره خصوصیات مؤسسات و شرکت های جدیدالتشکیل که در جریان سال ۱۳۱۶ تشکیل شده ذکر کرده، تفصیل البته آن در قسمت های مخصوصه آنها خواهد آمد:

۱- مؤسسه پنبه:

بدیهی است که پنبه امروز در دنیا اهمیت خیلی بزرگی را کسب کرده و بنابراین ارباب تجارت آنرا (طلای سفید) نامیده اند. خوشبختانه افغانستان ما از حیث آب و هوای معتدل و داشتن دشتهای وسیع برای پرورش این محصول بزرگ زراعتی که در عالم تجارت قیمت روز افرونی کسب میکند، استعداد خاصی را نشان میدهد. ازین است که درین چند سال اخیر موضوع کشت پنبه و توسعه زراعت آن خیلی مورد توجه اولیای امور قرار گرفته برای تشویق زراعتین به تقسیم تخم مفت و بسا سهولت های دیگر اقدام کرده شده و از اثر این کوششات اکنون رفقه پنبه کاری در حصص مختلف وطن عزیز ما که بطور خاصی مستعد پرورش پنبه میباشد مثل قطغن و خجانشور و گرشک و غیره به پیمانه وسیعی کسب ازدیاد نموده است. بنابراین پیش از پیش برای استهلاك حاصلات پنبه (که تا چند سال قبل تقریباً هیچ صادرات نداشته) بادیول خارجه قرار دادهای عقد شده است که مطابق آن همه ساله باید

حمل و نقل و مخصوصاً طرز فروش این میوه جات در ست نبوده نواقص زیادی را دارا بود، لهذا در تیرماه سال ۱۳۱۶ موضوع تجارت میوه کابل جداً زیر بحث آمده، منجر به تشکیل شرکتی گردید که بنام (شرکت میوه) و سرمایه ابتدائی آن دو ملین ۲۰۰،۰۰۰ افغانی تعیین و ریاست آن به جناب محمد موسی خان رئیس شرکت پشتون قندهار که شخصا از تجار لائق و در تجارت میوه معلومات خوبی دارند تفویض شده است. این شرکت، مرکز خود را در کابل قائم و شعبات خویش را در پشاور و دهلی و کلکته و کراچی و بمبئی و چمن و غیره نقاط هند افتتاح کرده و اراده دارد که از یک طرف تجارت میوه را از اصول و وساطت (دلالتی) خلاص کرده سراسر با معامله داران هر جا معامله کند و از طرف دیگر برای پاک کردن وقطی سازی میوه جات و غیره خصوصیات فروش آن اقدامات لازم را بعمل بیاورد.

از آنجائیکه میوه خشک یکی از اقلام صادراتی مهم وطن عزیز ما را تشکیل داده و خصوصاً امکانات ترقی و استهلاك مزید آن در هند خیلی زیاد است، پس میتوان امید کرد که شرکت میوه به مثل شرکت پشتون بلکه بیش از آن برای تجارت خارجی وطن عزیز ما یک مؤسسه مفید ثابت شده، در ترقی صادرات و موازنه تجارتی وطن سهم بزرگی خواهد گرفت.

۳- شرکت عمران :

ترقی و توسعه عمرانات و آبادی های عمراتی با پیشرفت عمومی یک مملکت توأم بوده و هر قدر مملکت مذکور از دیگر جهات کسب

حاصلات پنبه رو باز دیاد رفته و در عین حال ترتیبات صفائی و بار بندی و حمل و نقل آن نیز اصلاح بشود. از اینست که برای پیشبرد این مقاصد که مراد از ترقی و توسعه روز افزون زراعت پنبه و اصلاحات رفع حاصلات، بار بندی و حمل و نقل و سر رشته صادرات و فروش آن و پیدا کردن بازارهای جدید در خارج باشد، در شروع سال ۱۳۱۶ در تحت اثر (شرکت اتحادیه شمال) شعبه برای کار پنبه تاسیس و اکنون شعبه مذکور برای ترقی کاشت پنبه از یک طرف و برای اصلاح غوزه تکانی و بار بندی و حمل و نقل و غیره آن (توسط خریداری ماشین های جدید) از طرف دیگر داخل اقدامات شده و هم بمساعدت بانک ملی در رساندن مقناری قرار دادهای که با دول خارجه عقد گردیده است صرف مساعی مینماید.

روی مهرفته این مؤسسه پنبه یکی از موسسات خیلی مهم و مفید مملکت ما بوده و آینده بسی درخشانی را برای خود و هم برای بهبود عمومی اقتصادیات وطن در بر دارد.

۲- شرکت میوه :

خوانندگان گرام از تاسیس پشتون قندهار که از چهار سال باین طرف برای ترقی صادرات میوه خشک آن ولایت تشکیل شده و نیز از صورت موفقیات و اصلاحات شرکت مذکوره که در قسمت ترقی مقدار میوه صادره و ایزاد نرخ فروش آن و از طرف دیگر در قسمت توزیع و بکار انداختن ماشین های قطی سازی و پاک کرده میوه، بوجود آمده است، اطلاع خواهند داشت. از آنجائیکه ولایت کابل نیز در قسمت حاصلات میوه و مخصوصاً میوه جات خشک که اهمیت تجارتی و صادراتی دارد، مقام قابل اعتنائی را داراست، چون اصول خشک کردن و

زیاد میشود (البته از دیاد نفوس نما ینده ترقی و آ با دی هر مملکت و هر شهر میباشد) بهمان اندازه موضوع تهیه و تکافوی ارزاق دران، کسب اهمیت کرده، اگر برای تدارک آذوقه اقدامات صحیح کرده نشود برای اهالی از سبب عدم کفایت ارزاق مشکلات زیادی پیش میشود .

همینست که هر قدر شهر کابل که پای تخت مملکت و مرکز رجوع عمومی می باشد، از حیث نفوس و آبادی ترقی کرده ، به همان اندازه آذوقه رو به قلت و گرانگی گذاشته - پس باین لحاظ بود که در اواسط سال ۱۳۱۶ در موقع تشکیل جدید ریاست بلدیۀ کابل ، موضوع آذوقه و ارزاق نیز مورد توجه مخصوص او لیای امور قرار گرفته برای چاره جوئی قطعی مشکلات ارزاق شرکتی بنام (شرکت ارزاق) در کابل تاسیس و سرمایه ابتدائی آن سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) افغانی قرار داده شده . چنانچه رئیس این شرکت جناب عبدالرشید خان تاجر کابل (از جمله شرکاء) انتخاب و شرکت موصوف در نظر دارد که از يك طرف آذوقه خورا که و غیره را از قاطبیکه دران وفور دارد، بمرکز وارد و بالمقابل در نقاط مذکور اموال وارداتی را برده به معامله داران خویش بفروش برساند تا برای هر دو طرف از سبب مبادله جنس با جنس فائده برسد .

از آنجائیکه مسئله قلت و بی انتظامی ارزاق در پای تخت خیلی ناموزون و اسباب نقصان عمومی بود و نیز ازین جهت که اکنون معامله داران اطراف شرکت ارزاق ، اموال وارداتی خویش را توسط شرکت بشرايط آسان تری دستیاب کرده میتوانند ، بنا برین

ارتقاء نماید ، عمرانات نیز همراه آن ترقی و توسعه یافته می رود . از این است که در ظرف چند سال اخیر از اثر نهضت ارتقائی که در تمام شعب امور مملکتی بوجود آمده تعبیرات نیز توسعه زیادی پذیرفته چه از قسم عمرانات دولتی و چه از قبیل عمارات بلدی مانند بازارها و جاده ها و چه از قسم عمارات شخصی روز بروز در از دیاد میباشد از آنجائیکه برای پیش بینی وسائل و لوازم تعمیریه و توجه بسوی فنی بودن و عصری شدن عمارات مختلفه ، وجود يك موسسه ملی مورد ضرورت بود ، بنابراین در اواسط سال ۱۳۱۶ نظر به تشویقات حکومت متبوعه و حسن نظریۀ تجار داخلی شرکتی بنام (شرکت عمران) بسرمایه ابتدائی دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) افغانی در کابل تاسیس و جناب محمد یونس خان سابق مدیر عمومی اداری وزارت خارجه که در فن تعبیر تخصص و بلدیت کافی دارند ، بریاست آن انتخاب شدند . حالیه شرکت مذکور برای ساختمان يك سلسله عمارات عصری در کابل بابلدیۀ همکاری کرده ، برای آینده نقشه های مهمی را نسبت به توسعه کارهای خود در قسمت شهر سازی در نظر دارد . میتوان گفت که این شرکت نیز از لحاظ اینکه سبک تعبیر را در مملکت اصلاح و دامنه آبادیها را توسعه میدهد و نیز در تهیه مصالح تعبیریه مساعدت کرده ، تسهیلات زیادی فراهم میسازد، یکی از موسسات مهم و مفید وطن عزیز شناخته شده ، آینده خوبی را برای خود و نیز برای بهبود مملکت در پیش دارد .

۴ - شرکت ارزاق :

بدیهی است هر قدر در يك مملکت و یا در يك شهر نفوس

آینده ما کفایت نکرده ، از يك طرف توسعه و پخته کاری سرك های موتر رو ، و از طرف دیگر تمدید خطوط آهن لازم میباشد ، چنانچه برای این هر دو موضوع از حالا ترتیبات لازمه گرفته شده و در عین حالیکه شوسه های معتبر تجارتي مثل سرك کابل - پشاور پخته کاری میشود ، موضوع احداث خطوط آهن نیز زیر بحث بوده ، حکومت متبوعه ما اراده دارد که از طریق که مطابق مصالح سیاسی و اقتصادی وطن باشد ، به تمدید خطوط آهن اقدام ورزد . اما برای وقت حاضر که از سبب توسعه معاملات ، موضوع حمل و نقل خیلی کسب اهمیت نموده ، برای رفع حوائج تجارتي و غیره به يك اقدام بسیار مفیدی که عبارت از تاسیس يك اداره عمومی حمل و نقل و خریداری (۳۵۰) عراده موتر بار کشی بزرگ باشد ، تشبث ورزیده چنانچه تا کنون تعداد زیاد موتر های مذکور از کارخانه (بدفورد) امریکائی وارد و در ساختن بدنه آن نیز طوری ترتیب گرفته شده که بارهای کلان آزادانه در آن حمل و نقل شده بتوانند و از خطرات شکستن و چپ شدن نیز تا اندازه زیاد محفوظ باشد . از طرف دیگر برای این تعداد موتر ها در مرکز ساختمان موتر خانهای بزرگ عصری در نظر گرفته شده که عموماً در حوالی قریب شهر کابل تعمیر میشود و حاکم کار تعمیرات مذکور جریان دارد .

همچنین برای موتر های مذکور تهیه موتر رانهای لایق و عمه لازم ، و کارخانه ترمیم و بسته کاری تحت توجه قرار داده شده و برای این مقصود مکتب موتر رانی و فابریکه ترمیم موتر وسعت زیاد داده شده است و بالاخره از طرفی هم برای اصلاح سركها اقدامات زیادی بعمل آمده و چنان ترتیب گرفته شده است که سركهای مهم

جهات سركت از زاق را میتوان در جمله مؤسسات مفیده جدید مملکت شمار کرد . ۶

نهضت حمل و نقل :

یکی از لوازم درجه اول پیشرفت و ترقی يك مملکت همانا وسائل حمل و نقل بوده و وسائل حمل و نقل نیز اولاً بسته بوجود راه های شوسه و خطوط آهن و غیره خطوط ارتباطیه میباشد که بهر سمت مملکت و تا سرحدات خارجه امتداد داشته باشد و بوسیله آن اموال تجارتي و مسافرين و سیاحین و مخبرات بکمال اطمینان و سرعت ارسال و مرسل شده ، سلسله روابط معاشرتي و مدنی بصورت صحیح جریان داشته باشد . افغانستان ما که از سبب کوهستانی بودن خود و بعضی عوامل دیگر تا مدت های درازی از داشتن خطوط سرك و غیره لوازم حمل و نقل عصری محروم بود ، خوش بختانه در عصر فرخنده نادر شاهی و ظاهر شاهی باثر جدیت زیادیکه از طرف اولیای امور نسبت به تمدید سركها بهر سمت مملکت و ربط دادن ولایات و محالات خورد و بزرگ با يك دیگر و با سرك ، بعمل آمد ، دارای يك سلسله خطوط موتر رو زیادی شده که امروز بواسطه آن تمام ولایات و تقریباً تمام حکومتات محلی و بسیاری از علاقه دارها با يك دیگر و به سلسله با سركها مهمه و همچنان با پایتخت مربوط گردیده است . و طبیعی است که وجود همین جاده ها (اگر چه تمام آنها اساسی گفته نمیشود) نه تنها در اتساع تجارت و روابط مدنی بلکه در تحکیم بنیان امنیت و حسن اداره و بالجملة در ترقی عمومی مملکت عامل نهایت مهمی ثابت گردیده است . البته که این خطوط سرك موتر رو برای احتیاجات

این سرك
فاطمه
لیله بد
نادر شاهی
اصطلاح
نوع
با
ع
و نادر شاهی
سنة ۱۳۴۰
می

این سرک از خان آباد تا فیض آباد مجموعاً (۱۱۰) کیلومتر طول دارد و یکی از مهمترین جاده های افغانستان است که علاوه بر ارتباط صحیح که از وجود آن مابین بدخشان و سایر مراکز افغانستان، ایجاد شده، از نقطه نظر اقتصادی نیز برای پیشرفت پای زراعتی و تجارتی آن حصص و بلکه اکثر نقاط ولایات شمالی، امداد شایانی میسراند.

سرک تگاب :

علاقه نجراب و تگاب که در سمت شمالی کابل واقع و از یک طرف باراه های ولایت شمالی و از جانب دیگر باجاده سمت مشرقی (که بطرف هند می رود و راه تجارتی مهم افغانستان محسوب میگردد) اتصال دارد، دارای کوهستانات دشوار گذاری بوده و با وجود نزدیکی به مرکز و اهمیت اقتصادی که داشت از دور افتاده ترین حصص مملکت بشمار میرفت. تا آنکه در سال اول زمامداری اعلیحضرت همایونی برای احداث یک سرک موثرتر و از راه چاریکار تا مرکز نجراب و تگاب و بعد اتصال آن با سرک سمت مشرقی عملیات ساختمانی آغاز گردیده، سرک مذکور که احداث آن عملیات مشکله سرفنگ پرانی و پل سازی و غیره را ایجاب میکرد، در اخیر سال ۱۳۱۵ به مرکز تگاب اتصال یافته و اکنون نزدیک است که با سرک مشرقی اتصال پیدا کند.

احداث این سرک علاوه از آنکه دو علاقه خیلی مهم را به مرکز مربوط و راه رفت و آمد موثر را بآن باز میسازد، از نقطه نظر اینکه پس از اتصال یافتن سرک مذکور با سرک مشرقی، مال التجاره ولایات

حتی المقدور بوسائل ممکنه پخته کاری شود چنانچه جهت این منظور کار سنگ انداختن و فرش جفله و ریگ در تمام سرکهای عمومی آغاز گردیده است. ازین رو میشود ادعا کرد که از حالا موضوع حمل و نقل که بقرار تشریحات فوق اساس هر قسم پیشرفت و ترقی را تشکیل میدهد، داخل یک نهضت جدیدی شده است که میتوان گفت آینده درخشانی را در بر دارد.

سرک بدخشان :

علاقه بدخشان که یکی از علاقه جات مهم و شاداب و حاصلخیز و پر ثروت حصص شمالی افغانستان و از روی تقسیمات ملکیه یگانه حکومت کلان ولایت قطغن و بدخشان میباشد، بسبب کوهستانی بودن از مدت ها جاده صحیحی که این علاقه را با مرکز ولایت (خان آباد) و باقی حصص افغانستان و بسلسله به مرکز کابل اتصال بدهد، وجود نداشته بنا بران ۳ سال پیش حکومت متبوعه احداث یک سرک موثرتر و عصری را از خان آباد تا فیض آباد (مرکز حکومت کلان بدخشان) و از آنجا به حصص سرحدی و علاقه جات دور دست نواح مذکور، تصمیم نموده، درین سه سال بتوجه جدیانه و، ج شیر محمدخان نائب الحکومه قطغن کار احداث سرک مذکور که پر از کوتل ها و سنگلاخ های و غیره موانع طبیعه میباشد، بجذیت تمام جریان داشته، خوشبختانه در سال ۱۳۱۶ سرک به فیض آباد وصل و در ماه اسد با تشریفات بلندی از طرف ع، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف افتتاح گردید. و بلافاصله کار امتداد آن بسوی پامیرات و غیره نواحی بدخشان آغاز یافت.

۴- مطبعه جدید در هرات :

که از طرف جناب دوست محمد خان ایماق معاون بانک ملی تاسیس و بتازگی شروع بکار نموده است.

۵- کارخانه ترمیم موتر شرکت اسهامی :

که دارای تمام لوازم ترمیمیه و بسته کاری بوده و درین سال آغاز بکار نموده است.

علاوه برین ، ضریکه اضلاع گرفته ایم در جریان این سال کارخانه بزرگ نساجی (دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی) و کارخانه بزرگ قند سازی (از لیلو) و کارخانه بزرگ سمٹ سازی و سرکر رادیو و دستگاه معالجات برقی و فابریکه ۳۰۰۰ کیلوواته برق خریداری شده است که عنقریب وارد و نصب و تاچندی بکار انداخته خواهد شد چنانچه از طرف دیگر کار تعمیر و سائر ترتیبات این کارخانه جات جدیدہ قبلا آغاز شده است .

۶- دستگاه بیسیم میمنه و دایزنگی :

که اگر چه در قطار کارخانه جات نیست ، اما باز هم از نقطه نظر اهمیت خود در اینجا ذکر گردید . علاوه برین دستگاه بزرگ بیسیم که تا تمام دنیا مخیره کرده میتواند در کابل در شرف نصب میباشد .

ترقی تجارت :

یکی دیگر از مظاهر پیشرفت اقتصادی وطن در سال ۱۳۱۶ همانا ترقی تجارت است که نسبت به سال قبل بلکه نسبت به سالهای

شمالی از راه مذکور را سبطف خارج صادر و در مسافت ضعیف کردنی در حدود هفتاد (۷۰) کیلومتر تقلیل بهم رسیده موجبات فائده موتر دارها و تجارت و هم اسباب زود رسیدن اموال را فراهم خواهد ساخت ، پیشتر حائر اهمیت میباشد . سرک تگاب روی هم رفته از گلبهار تا مرکز تگاب (۶۰) کیلومتر و از تگاب تا سرک مشرق (۳۶) کیلومتر ضول دارد .

تاسیس کارخانه جات :

یکی از امراء های خیلی مهم حکومت متبوعه در قسمت امور اقتصادی تاسیس و تدویر کارخانه جات است تا روز بروز احتیاجات صنعتی ما از خارج کم شده رفته از مواد خام پیدا وار ممکنست رفع احتیاج بشود . چنانچه درین چند سال یک تعداد زیاد کارخانه جات مختلفه خریداری و دایر شده است . بهمین سلسله چند کارخانه ذیل در سال ۱۳۱۶ دایر و افتتاح گردیده :

۱- کارخانه ساختمان پنبه هیدرو فیل :

که برای شفاخانه ها و غیره مؤسسات فنی پنبه مخصوص را تهیه میکنند و در جبل السراج بجوار فابریکه نختابی در شرف تدویر است .

۲- دستگاه های پاک کردن و عدل بندی و روغن کشی پنبه : که از طرف شرکت اتحادیه شمالی در نقاط مختلفه قطن دایر شده است .

۳- مطبعه جدید :

که دارای تمام لوازم ضابطی عصری و از جدید ترین سیستم ها بوده و اکنون بکلی جریان یافته است .

مطبعه در افغانستان

بقلم جناب احمد الله خان « کریمی » عضو انجمن

مطبعه یکی از رؤس عوامل مدنیت و یکی از بزرگترین وسائل تعمیم و اشاعه علم و عرفان و افکار است. قبل از ایجاد مطبعه علوم و فنون و افکار به یک صورت نهایت بطنی و به یک مقیاس خیلی محدودی انتشار یافته هر شخص نمیتوانست که بسپولت از نور معرفت مستفیض گردد و حتی از باعث فقدان کثرت آثار در آن علوم و فنون و معرفت را منحصر بفرده میتوان خواند. بقا که در اثر مساعی قیمتدار مرید شهر آلمان (گوتبرگ) مطبعه ایجاد و در اثر توجهات یگرا خادمان بشر ترقی و تعمیم یافت، نظر بدرجه ترقی و توسعه آن علم و عرفان هم از خصوصیت و حوزه های خیلی محدود خود بدر شده بالاخره عالم شمول شد. امروز مطبعه علاوه از اینکه وسیله مهم تعمیم معارف و اشاعه افکار و نظریات است در سایه ظرافت و نفاست طبع و قشنگی گراورهای خود بهترین تازیانه شوق هم میباشد. خلاصه مطبعه سرچشمه معرفت و یکی از وسائل مهمه ناقل مدنیت است.

در افغانستان مطبعه ابتداء در زمان امیر شیر علیخان مرحوم قدم گذاشته آهسته آهسته بوسعت و ترقی خود کمیتاً و کیفیتاً افزوده رفت. در آن وقت مطبعه عبارت از یک ماشین (به رس) مانند بعضی ادوات ساده و بسیط لیتوگرافی چاپ « سنگی » بود که بذریعه آن اخباری به اسم

گذشته رو بترقی بوده، اگر به احصائیه تجارتی نظر انداخته شود درین سال مجموع میزانیه تجارتی «صادرات و واردات» باوجود بحران مواد خام و غیره عوامل ناگواریکه در برابر تجارت بین المللی در دنیا رخ داده است. نسبت به سال ۱۳۱۵ فیصد (۵) اضافه تر است که این بذات خود یک دلیل محکمی است برای ادعای اینکه اوضاع اقتصادی افغانستان رو به بهبود میباشد.

همچنین عایدات دولت روی هم رفته نسبت بسال ۱۳۱۵ فیصد (۲) اضافه تر بوده، بنابراین دودلیل فوق میتوان گفت که اوضاع معیشت ملی نیز در حال ترقی میباشد.



این بود خلاصه اقدامات برجسته اقتصادی که در سال ۱۳۱۶ در تحت توجهات قیمت دارا علیحضرت معظم همایونی، بمساعدت و همکاری حکومت و ملت، صورت اجراء بخود گرفته و از روی آن میتوان امیدوار شد که وطن عزیز ما از جنبه اقتصادی نیز داخل یک دوره نهضت ارتقائی صحیح و سریعی بوده گامهای بزرگی را بسوی پیشرفت اساسی میبرد دارد.

« رشتیا »

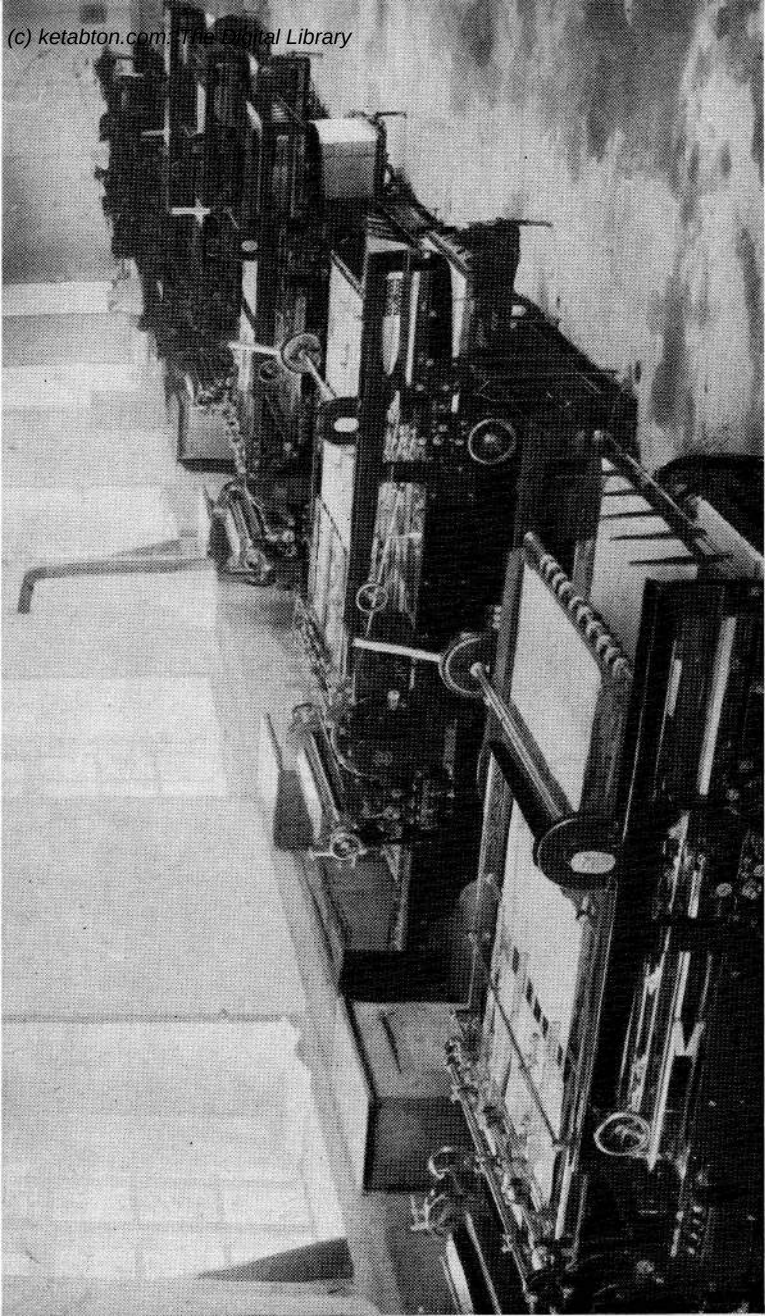


اندك و مشاغل به سائر امور مهمه ، مطبعة نسبت بدوره های سابق نظم و نسق خوبی پیدا نمود . در زمان سعادت اقدیس حضرت جوان المتوکل علی الله که حوزه نشریات و سعت یافت حسب اراده سنیة های یونی ع ، ص عبد الحمید خان رئیس مطابع حجة تورید يك تعداد ماشینهای زیاد متنوع عصری برای مطبعة عمومی به اروپا اعزام گردیده مشارالیه يك تعداد ماشینهای زیاد را از بهترین و جدید ترین ماشینهای اروپا که تفصیل آن در ضمن عنوان این خصوصی درج است تورید نمود . اینک بذریعه همین ماشین ها و لوازم جدید و عصریت که در نفاست و زیبایی ضعیف حروف و عکس ها و بانك لوتها و صکوکات و سرعت کار و غیره امور ضابطه تطویر عظیمی رخداده . ما برای اینکه دائر به نبشت طابعی افغانستان معلوماتی تقدیم علاقمندان کرده باشیم مطبعة عمومی افغانستان را که نسبت بدیگر مطابع این مرزبوم از هر حیث بزرگ و دارای اهمیت و قیمت خاص و مقام خیلی ممتاز است مطرح بحث اجمالی خوش قرار میدهم :

عمارت مطبعة عمومی :

عمارت این مطبعة در یکی از مواضع بهترین کابل بجوار شمالی باغ ارگ واقع است . نخست این عمارت گرچه محدود و کوچک بود ليك در سایه توجهات قیمتدار عرفان پرورانه اقدیس حضرت فقیه شهید (قادرشاه جنت مکان) و اهتمامات معارف خواهانه پادشاه فهیم و جیران المتوکل علی الله متدرجاً بزرگ و اصلاح شده رفت . فعلاً عمارت آن بروی (۱۰) جریب « سه ونیم هکتار » زمین به يك صورت قشنگ و متن استوار بوده بخوبی توانسته که صدها ماشین و چندین صد نفر عمه و فعه را در خود بگنجاند .

شمس النهار بابعضی از تکت های پسته و چند کتاب دران بطن رسیده ، در عصر امیر عبدالرحمن خان این مطبعة کمی وسعت یافته صکوکات دولتی بابعضی اعلانات و کتابها چاپ شد . در زمان امیر حبیب الله خان هم از نقطه نظر فزونی ماشینها و هم از باعث تحریک آن بذریعه قوت بخار به يك صورت خوبتری ترقی نمود ليك با وجود این تا اواخر ۱۲۹۰ ش تماماً لیتوگرافی چاپ سنگی بود در اوایل ۱۲۹۱ ش لوازم لیتوگرافی (چاپ حروفی) که ماشین آن بذریعه قوه بخار حرکت میکرد ، نادستگاه بسیط زینگوگرافی ، جدیداً خواسته شده سراج الاخبار و صکوکات بابعضی آثار دران ضعیف گردید . اخیراً يك مطبعة لیتوگرافی خیلی بسیط و کوچک دیگری بنام مطبعة عنایت که تقریباً شخصی بود هم بوجود آمد . در عصر امانیه مطبعة عنایت بامطبعة بسیط و کوچک دولتی ضم و چند پایه ماشین دیگر جدیداً از قسم حروفی به آن علاوه گردید و ضمناً در بعضی ولایات مطابع بسیار بسیط و کوچکی حجة نشر جرائد و بعضی امور ضروری که هر کدام دارای يك پایه ماشین مودل سابقه بود بوجود آمد . در زمان منجی افغانستان اقدیس حضرت نادرشاه فقید (رح) علاوه از اینکه خساره ها و شکست و ریخت زمان انقلاب تلافی و نوافس سابقه تکمیل گردید عمارت مطبعة به يك صورت خوبی توسیع یافته تمام مطابع مرکز به استثنای متابع شخصی تحت يك ریاست جمع و دو پایه ماشین جدید برقی لیتوگرافی و يك پایه ماشین مودل جدید « آفسیت » بايك تعداد لوازم ضروری دیگر مثل کامره و چراغ زینگوگرافی حروفهای فارسی ، لاتینی پشتو و غیره سامان تورید گردید و ضمناً به تعداد مرتبین و ماشین کارهای مطبعة عمومی هم افزوده شد خلاصه در زمان اقدیس حضرت نادر شاه باوجود مدت



مطبعة جدید کابل : کارخانه طبع حروف و ماشین های اتوماتیک « گودرون » و « استرا »
Nouvelle imprimerie de Kaboul : vue générale des machines de type Gudrun et Astra

سالنامه « کابل »

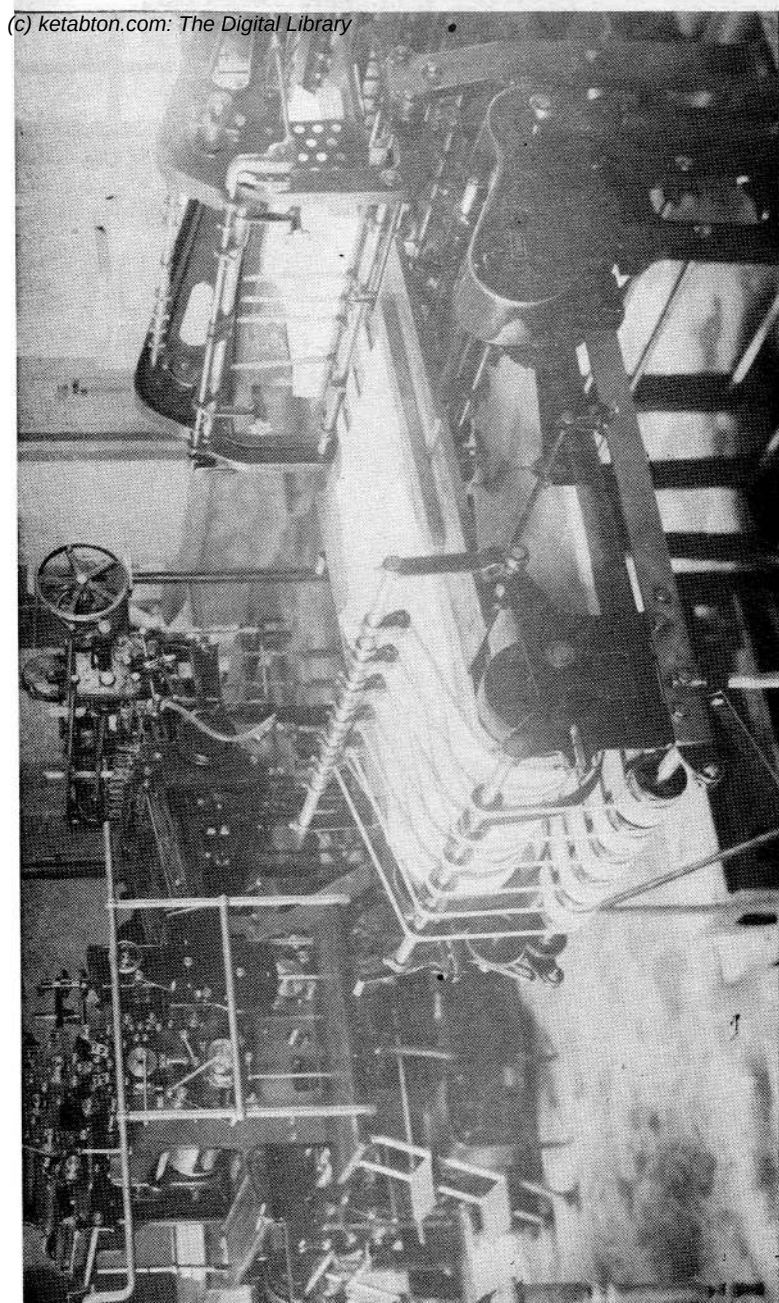
این عمارت چه در قسمت داخل و چه خارج صحن های وسیع و هواداری جهت تفریح و تفرج برای اوقات استراحت کارگرها دارد. فرش بعضی اطاقها از سنگ و بعضی از سنده و برخی هم از خشت ریخته است. سقف خارجی آن عموماً با آهن چادر پوشانده شده و رخ و داخلی آن از چوب مسطح شده است. جز قسمت درب عمومی که محل ریاست و دوائر مطبوعه است دیگر حصص عمارت یک پوشیده بوده مطابق یک کارخانه عصری هر نوع لوازم و احتیاجات آن مکمل میباشد.

شعبه حروف ریزی و حروف چینی :

حروف ریزی :

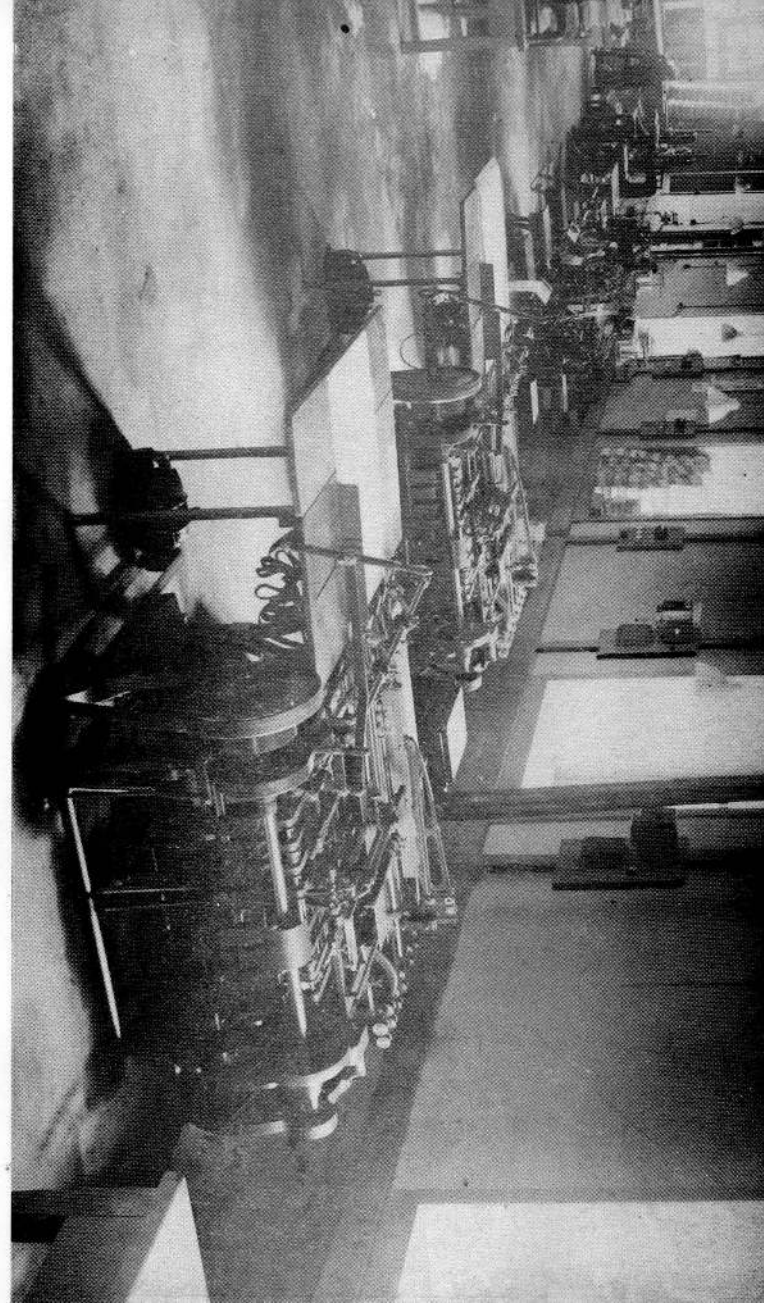
قبل از سنه حاضر حروف از خارج خواسته میشد که این مسئله علاوه بر مضرت اقتصادی مانع بررگی در راه بهبود طباعت آثار بود. اینک در سایه ماشین های جدید حروف ریزی هر نوع حروفهای خورد و کلان با سرب ها و غیره به یک تعداد زیادی در خود مطبوعه تهیه میشود ماشین های حروف ریزی به این تعداد است :

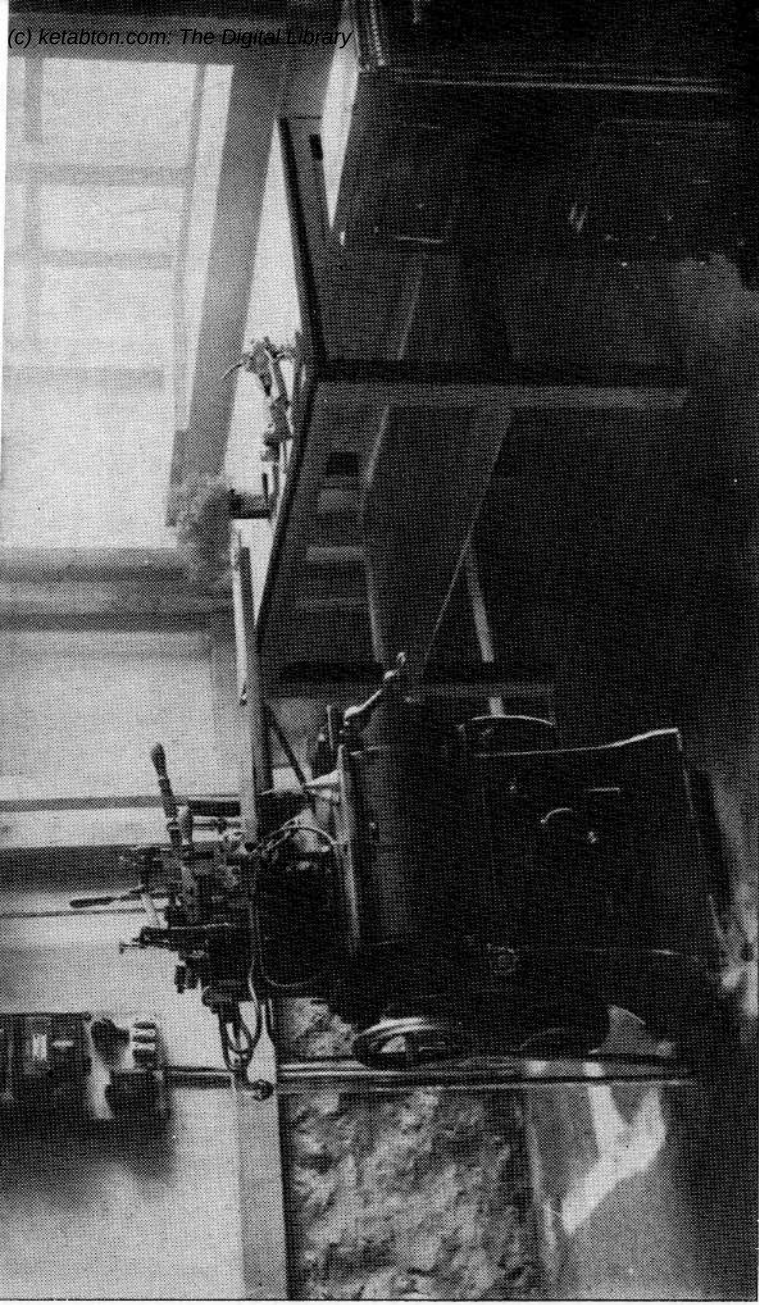
- (۱) دستگاه گرد از سرب و آتین ذریعه گیس ، تیل ، ذغال سنگ
- جهت ماشین های حروف ریزی و ساخت سرب های فاصله (۳) پایه
- (۲) ماشین حروف ریزی جدید از قابریکه (منرفیل) آلمان که بذریعه قالبهای مختلف هر نوع حروف فارسی ، افغانی ، لاتینی و اقسام اشکال تزئینی و غیره میریزد (۲) پایه .
- (۳) ماشین برش لوحه های سربی و برنجی از نوع اعلی باموتر برقی و تمام لوازم مکمل (یک) پایه .



مطبعة جدید کابل : ماشین های افرت که از روی جست تصاویر و مضامین را چاپ میکنند
Nouvelle imprimerie de Kaboul : vue générale des machines de type Offset

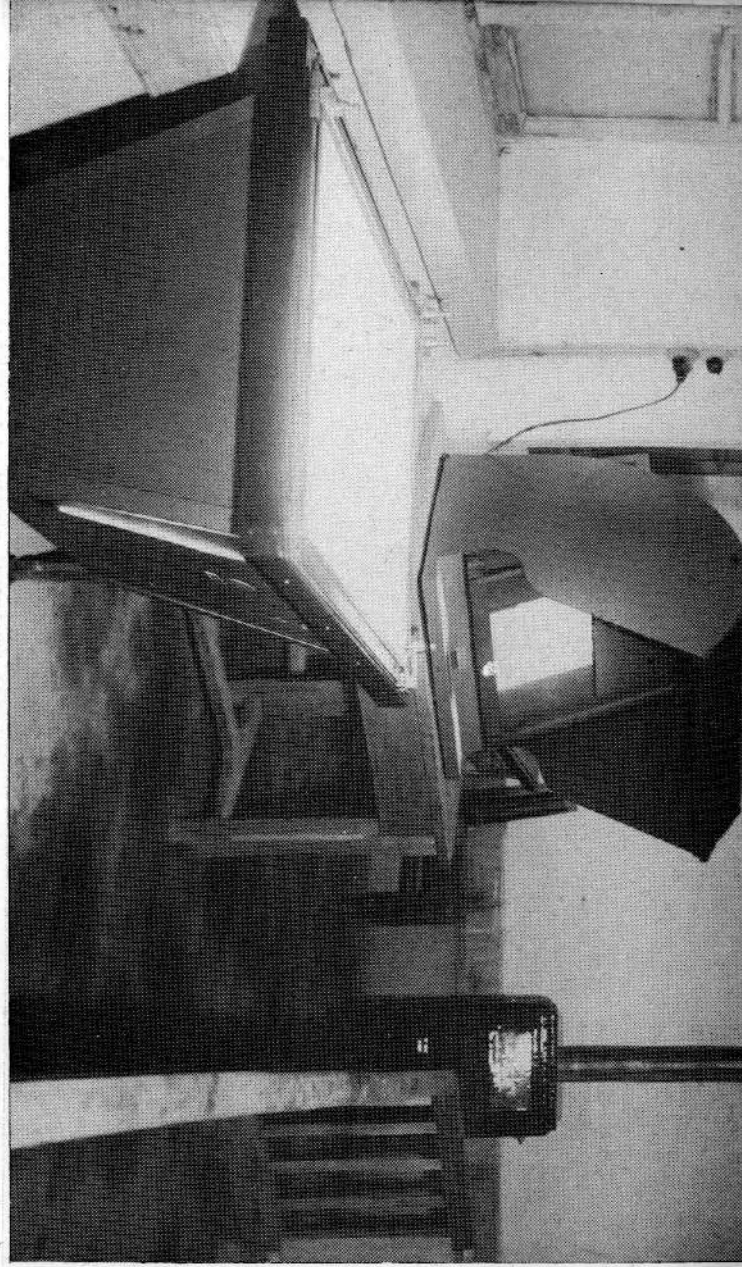
مطبعة جدید کابل : ماشین های اتوماتیک صحافی ، فالت کاری ، دوشخت ، جربندی و غیره در کارخانه صحافی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une vue des machines de reliure





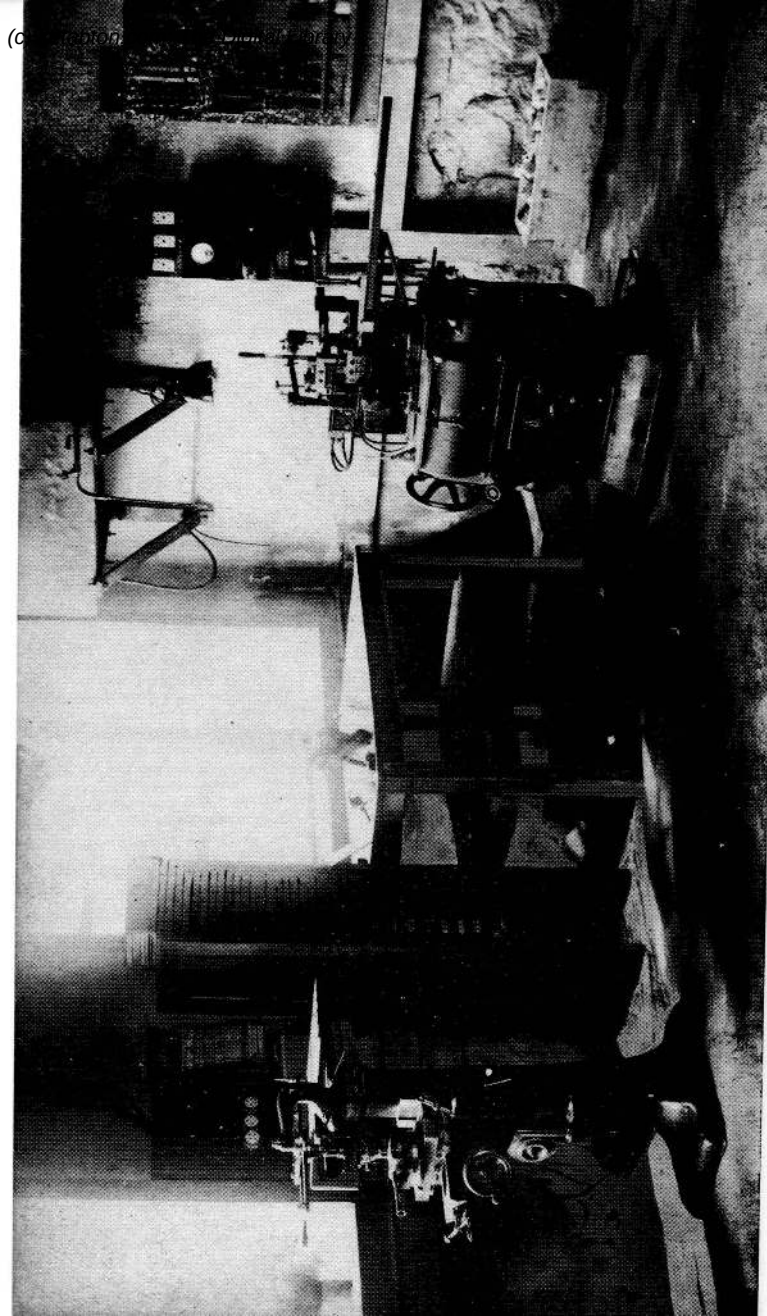
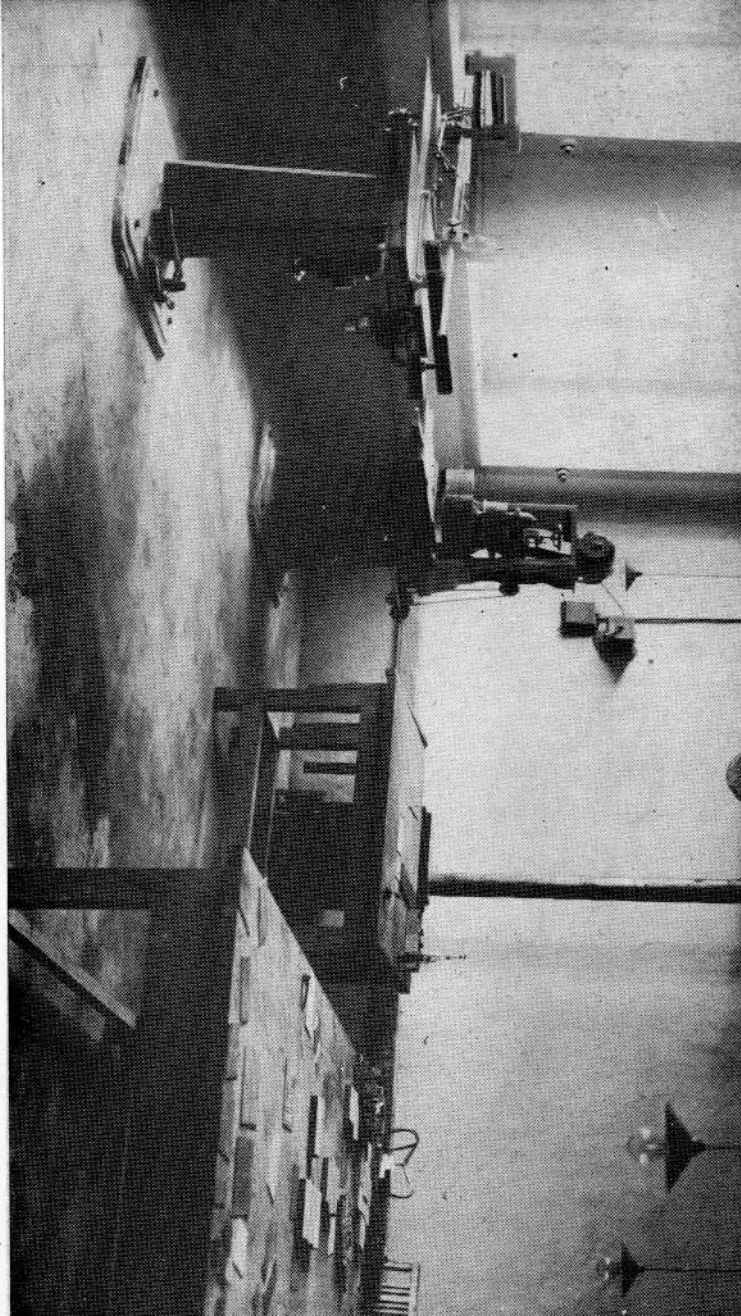
مطبعة جدید کابل : يك قسمت از کارخانه زنکوگرافی و ماشین های مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de typographie

مطبعة جدید کابل : کارخانه صلیح روی جست و ماشین های مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : l'atelier de reproduction sur les plaques de zinc



مطبوعه جدید کابل : يك قسمت از کارخانه زنکوگرافی و ماشین های مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de typographie

مطبوعه جدید کابل : يك گوشه کارخانه کلیشه سازی و ماشین های مربوطه آن
Imprimerie moderne à Kaboul : l'atelier de préparation des clichés



حروف چینی :

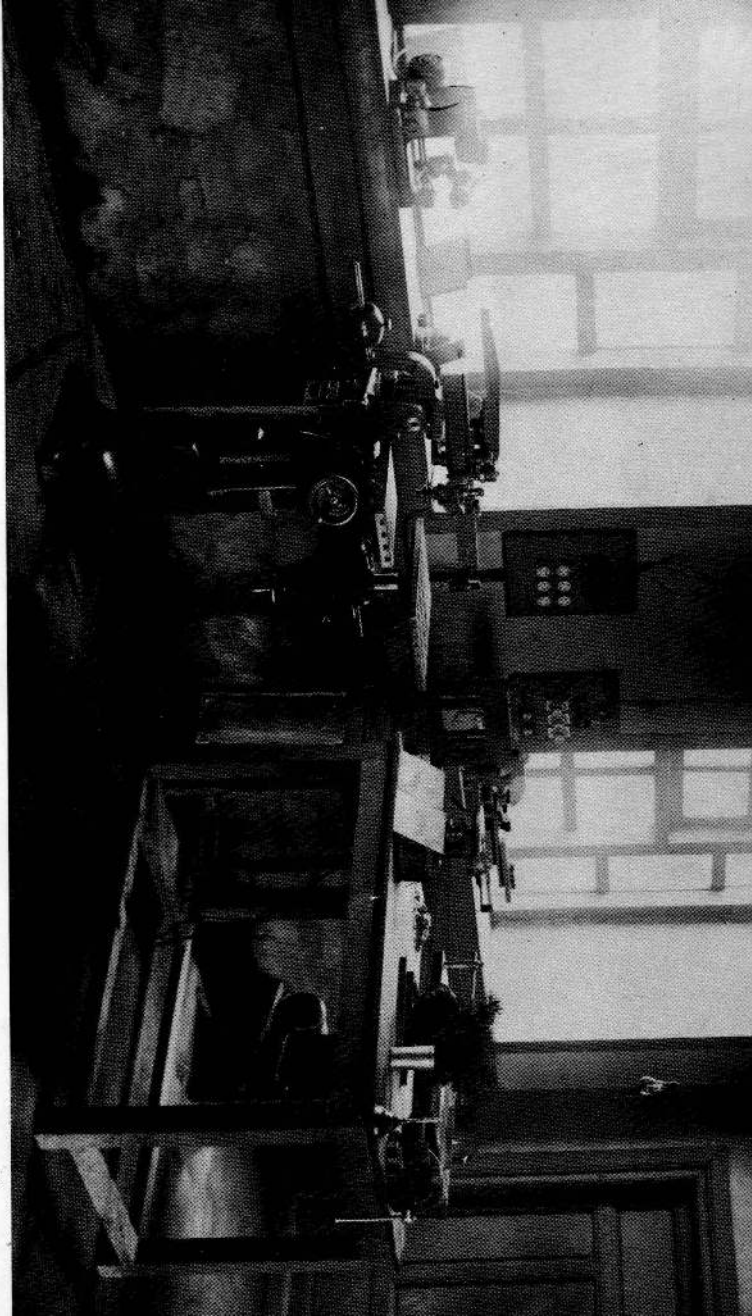
حروف چینی بذریعہ يك تعداد حوا نپای با سواد که بصورت خوبی درین کار کسب مهارت موده اند توسط دست اجرا میگردد در شعبات حروف چینی برای هر شخص میزهای مخصوصی بصورت جدا جدا وجود دارد . جبهه اخذ یروف سه پایه ماشین از سیستم های جدید فابریکه (هوگن فورست) که درین تازگی وارد شده و ۲ پایه ماشین از سیستم های سابقه به اندازه های مختلف موجود است .

شعبه طبع حرفی :

برای طبع حرفی نخست دو قسم ماشین وجود دارد ، ماشین های سیستم جدید و ماشین های سیستم سابقه . ماشین های سیستم جدید که درین تازگی ها وارد شده بدین قرار است :

- (۱) - ماشین های مدل ۱۹۳۶ ساخت فابریکه مشهور آلمان (اروتکسترو) : (ویکتوریا فروند گدرون) که تماماً اتومات (عامل بالذات) و دارای وسعت کدانی میباشد جبهه طبع صحائف بزرگ با لوازم و موتور برق
- (۲) - ماشین ساخت فابریکه (ویکتوریا استرا) کاملاً عامل بالذات با موتور برق و سایر لوازم
- (۳) - ماشین بولی ساخت فابریکه ۹-آ-ن - کارخانه ماشین سازی اوگس بورک نورن برگ کاملاً اتومات (عامل بالذات) (۲) پایه .
- (۴) - ماشین (اتومان) ۶۱ دره ۸ سانتی اندازه طبع تماماً عامل بالذات (۲) پایه .

مصطفی جدید کابل : يك قسمت از کارخانه زنکو گرافیک و ماشین های مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de zincographie



- (۵) - ماشین پوش کردن رو لپای آفریت مکمل اسباب از فابریکه « کلمش » (۱) پایه .
- (۶) - ماشین حل کردن رنگ باموتر برق مکمل اسباب از فابریکه (هوگن فورست) (۱) پایه .
- (۷) ماشین صاف کردن جسته های آفریت باموتر برق و سامان لازمه از فابریکه کلمش (۲) پایه .
- (۸) ماشین صاف کردن پلیت های المونیمی و سنگ های طبع از فابریکه (گلوئسر) (۲) پایه .
- (۹) ماشین های شستن رولهای آفریت و ماشینهای (بوکدروک) کامل عامل بالذات باموتر برق (۲) پایه .

ماشین های سابقه :

در اوایل سلطنت اعلیحضرت نادر شاه فقید شهید يك عدد ماشین آفریت برقی کلان از فابریکه (کلا یئوی آلمان) بایک ماشین برقی صاف کردن پلیت های المونیم در مطبعه نصب و بکار افتیده که حاضرأ نیز از آن به بسیار خوبی کار گرفته میشود .

زنکو گرافی :

ماشین ها و آلات زنکو گرافی هم به دو تفريق است ماشین ها و آلات مودل جدید که درین تازگی ها وارد شده و ماشین و آلات سابقه .

ماشین های مودل جدید :

- (۱) کمره (اتو رتیگال) برای عکاسی زنکو گرافی از نوع و مودل جدید از فابریکه (هوهانن) يك عدد .
- (۲) ماشین (آیرو گراف) مکمل باموتر برق از مودل جدید از فابریکه هوهانن جهت کارهای رسمی وزنوش (۱) پایه .

- (۵) - ماشین « ترنو » کامل عامل بالذات ۷۰ در ۱۰۰ سانتی اندازه طبع (۱) پایه .
- (۶) ماشین « تیگل » تماما عامل بالذات از فابریکه (جوئورک) (۱) پایه .
- (۷) ماشین « بروفریر » برای زدن بوک (حل طلا مانند) بر روی کاغذ تماما عامل بالذات باموتر برق از مودل جدید از فابریکه (گراوز) (۱) پایه .
- (۸) ماشین ساختن و ریختن رولهای جلاتینی (۱) پایه .
- ماشین های سابقه :

- (۱) ماشین برقی خورد و کلان حروفی از مودل های سابقه که از عمر صده چندین سال است که کار میدهد (۴) پایه .
- (۲) ماشین پایکی خورد و وسط از مودل های سابقه (۱۰) پایه .

شعبه آفریت وام دروک :

- ماشین های بکلی جدید که در همین نزدیکی ها وارد شده :
- (۱) ماشین (رولند آفریت) نمبر ۳ از فابریکه (فابر واند شلاشر) آلمان (۱) پایه .
- (۲) ماشین (کلای نود آفریت) از فابریکه (پلانیتا) که توسط آن اقسام نوشته جات و تصاویر و جداول و نقشه ها به الوان مختلفه و ساده با نقاست مخصوصی طبع میشود (۱) پایه .
- (۳) ماشین کبابی برای جسته های آفریت باموتر برق و سامان لازمه از مودل جدید فابریکه (کلمش) (۲) پایه .
- (۴) - ماشین (آف سیاریش) جهت کبابی او رگنیل گرفتن از فابریکه (گراوز) (۱) پایه .

دستگاه زنگو گرافی سابق :

دستگاه زنگو گرافی سابق بسط بوده عبارت از يك كامره زنگو گرافی و بعضی سامان ساده مثل چراغهای برقی کار بونی و غیره میباشد قبل از ورود ماشین های جدید اکثر کار زنگو گرافی بذریعۀ دست اجرا میشد .

هیوگیووشی سازی و گراور:

برای ساخت نوتها و چشها و تهیه هر نوع خطوط مسلسل تلافیف و تعاریخ دار و تحریر برجسته و نقر اشکال مختلفه در روی مس ، فولاد جست ، شیشه و غیره بقسم برجسته و هموار ، ماشین های تماماً اتوماتیک جدید در همین نزدیکی ها توریده شده که در راه يك قسم مهم حوائج مملکتی خدمت شایانی مینماید . تعداد ماشین های عمده آن قرار ذیل است :

(۱) ماشین خیلی ذیقت گراور گیووشی سازی ساخت فابریکۀ ندرلای استرایا ، بکلی اتومات (عامل بالذات) از بهترین و جدید ترین مودلهای دنیا ، باموتر برق و لوازمات . این ماشین جهت هر نوع گراور گیووشی سازی بر مس ، فولاد ، شیشه ، سنگ و غیره کار داده از بهترین و جدیدترین ماشین های گیووشی سازی دنیا است تا کنون در تمام دنیا ۱۲ عدد ازان وجود دارد و این ماشین سیزدهم است که در افغانستان آورده شده .

(۲) ماشین گراور برای ترسیم خطوط مستقیم ، متوازی ، منحنی و منکسر و غیره اشکال هندسی با ذک نوتها چک ها ، بر شیشه و سنگ از فابریکۀ مشهور (کاماش) يك پایه .

- (۳) ماشین آتسه کاری کلیشه های زنگو گراف مکمل اسباب باموتر برق از فابریکۀ (هوهانن) (۱) پایه .
- (۴) ماشین ترنت برای شیکمال دادن کلیشه ها از فابریکۀ کاماش (۲) پایه .
- (۵) ماشین کبابی برای کلیشه زنگو گرافی از مودل جدید بابمه و چراغهای برقی کار بونی از فابریکۀ (هوهانن) (۱) پایه .
- (۶) ماشین (ردو کسیون) برای انلازج نقشه ها و کلیشه ها مکمل اسباب ، ساخت فرانسه (۱) پایه .
- (۷) ماشین برش جست های زنگو گرافی برای کلیشه سازی از نوع اعلی باموتر برق از فابریکۀ هوگن فورس (۱) پایه .
- (۸) ماشین رو و تنگ برای کندن و خالی کردن کلیشه های زنگو گراف باموتر برق و سامان لازمه (۱) پایه .
- (۹) ماشین صاف کردن تخته های چوبی و فلزی جهت نصب کلیشه ها از فابریکۀ (هوگن فورس) باموتر برق (۱) پایه .
- (۱۰) میز های منماش برای درست کردن فلما که ذریعۀ چراغ برق روشن میشود از فابریکۀ (هوهانن) (۲) پایه .
- (۱۱) رو براتهای رتوش از قسم اعلی از فابریکۀ (هوهانن) (۲) پایه .
- (۱۲) کمره عکاسی رنگه که ذریعۀ آن عکسهای رنگه گرفته میشود از مودل جدید فابریکۀ (بریم فون) (۱) پایه .
- (۱۳) کمره انلازج از مودل جدید از قسم اعلی (۱) پایه .

- (۳) ماشین‌های کاغذقانی کامل اتومات از مودل جدید اندازه ساین ۸۵ در ۱۱۶ از فابریکه گوت برلین (۲) پایه .
- (۴) ماشین‌های شیرازه بندی کامل اتومات اندازه دوخت از ۵ الی ۳۶ سانتی از فابریکه (گوت برلین) (۲) پایه .
- (۵) ماشین‌های دوخت سیم ، کامل اتومات باموتر برق از فابریکه برابرسر (۲) پایه .
- (۶) ماشین سرش‌زدن کاغذ کامل اتومات ، ساین ۶۵ سانتی از فابریکه (پرکما) یکپایه .
- (۷) ماشین صاف کردن پستی کتاب و غیره باموتر برق کامل اتومات اندازه کار ۶۰ سانتی از فابریکه (پرکما) (۱) پایه .
- (۸) ماشین خط انداختن دوسیه ها و کتابها و غیره کامل اتومات باموتر برق از فابریکه پرکما (۱) پایه .
- (۹) ماشین پری گی پرس برای کارهای برجسته مکمل اسباب از فابریکه (گراوز) (۱) پایه .
- (۱۰) ماشین تیز کردن تیغ‌های ماشین‌های برش کامل اتومات باموتر برق از فابریکه (هوگن فورست) (۱) پایه .
- (۱۱) ماشین برش و ساخت پاکت‌های متنوع از کاغذ از فابریکه گراوز (۱) پایه .

ماشینهای سابقه :

قبلی از تورید ماشین‌های جدید فوق‌الذکر صحافی به اصول سابق بذریعه دست اجرا میشد تنها برای برش يك دانه ماشین برقی و ۳ دانه ماشین پایه‌کی و جهت شبکه ۳ پایه ماشین پایه‌کی از سابق وجود داشت

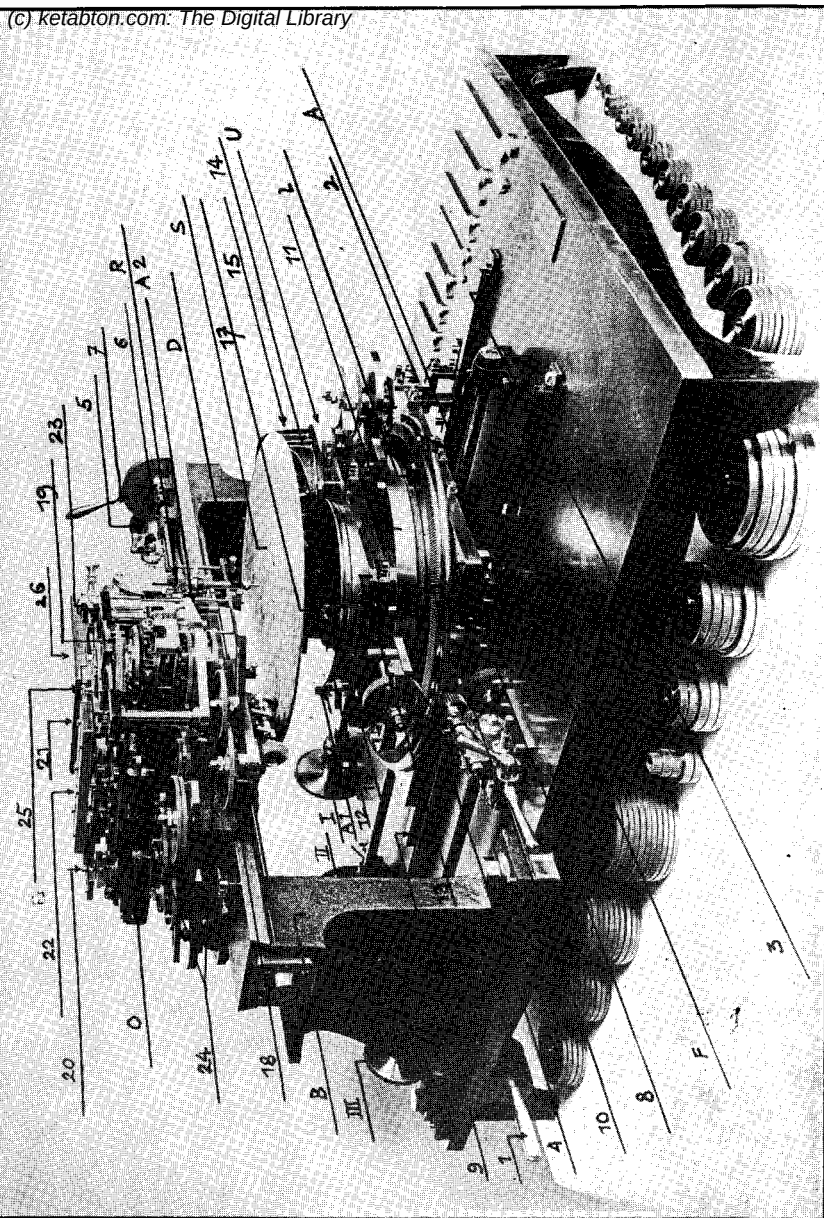
- (۳) ماشین گراور برای ساختن گل‌های گیو لوشی جهت بانك فوتها وچك‌ها غیره از فابریکه كاماش (۱) پایه .
- ۴ - پنتوگراف جهت تصغیر و تكبیر تحریرات و غیره بر روی كاغذ و غیره از بهترین و اعلی‌ترین مودل جدید از فابریکه (اتو) يك پایه .
- ۵ - كامره (روفرود كسیون) کامل اتومات با تمام لوازمات از مودل جدید رقم كلان برای ساخت هابو گیو لوشی‌ها هر رقم و تونها جهت استعمات چك‌ها و اسناد بانكي . . . از فابریکه (هو هان) يك پایه .
- ۶ - ماشین گوهر دروك از قسم اعلی برای چاپهای برجسته مكمل اسباب در فابریکه هوگن فورست (۱) پایه .
- ۷ - ماشین‌های (پنتوگراف گراور) برای نقر و تهیه هر نوع كلیشه‌ها از فولاد ، مس ، چست ، سنگ و غیره بقسم برجسته و هموار از فابریکه (دكل مشین) مودل ۱۹۳۶ - (۲) پایه .

صحافی :

قبل از تورید ماشین‌های جدید ، صحافی باصوّل قدیم بود يك حاضرأ درسایه ماشین‌های اتوماتيك جدید هر نوع امور صحافی بذریعه ماشین اجرا میگردد . ماشینهای صحافی قرار ذیل است :

ماشینهای جدید :

- ماشینهای برش كاغذ كامل اتومات از اعلی‌ترین و بهترین مودل جدید از فابریکه جونبورك (۲) پایه .
- (۲) ماشین شبکه کردن كاغذ و تكات‌های پستی باموتر برق كامل اتومات از مودل جدید از فابریکه هوگن (۱) پایه .



مطبعه جدید کابل : ماشین نو سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : la machine de Hyliouiolochie

سا لنامه « کابل »

که فعلا درین مطبعه بیکار بوده ممکن درمطابع دیگر ازان کار بگیرند .

لیتوگرافی :

برای امور لیتوگرافی فعلاً ماشین ها و لوازم ذیل وجود دارد :

(۱) ماشین برقی سنگی از قسم اعلى که در زمان اعلیحضرت فقیه شهید خواسته شده

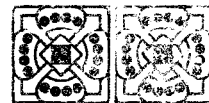
(۲) ماشین خورد و کلان دستی سنگی از مودلهای سابقه (۵) پایه

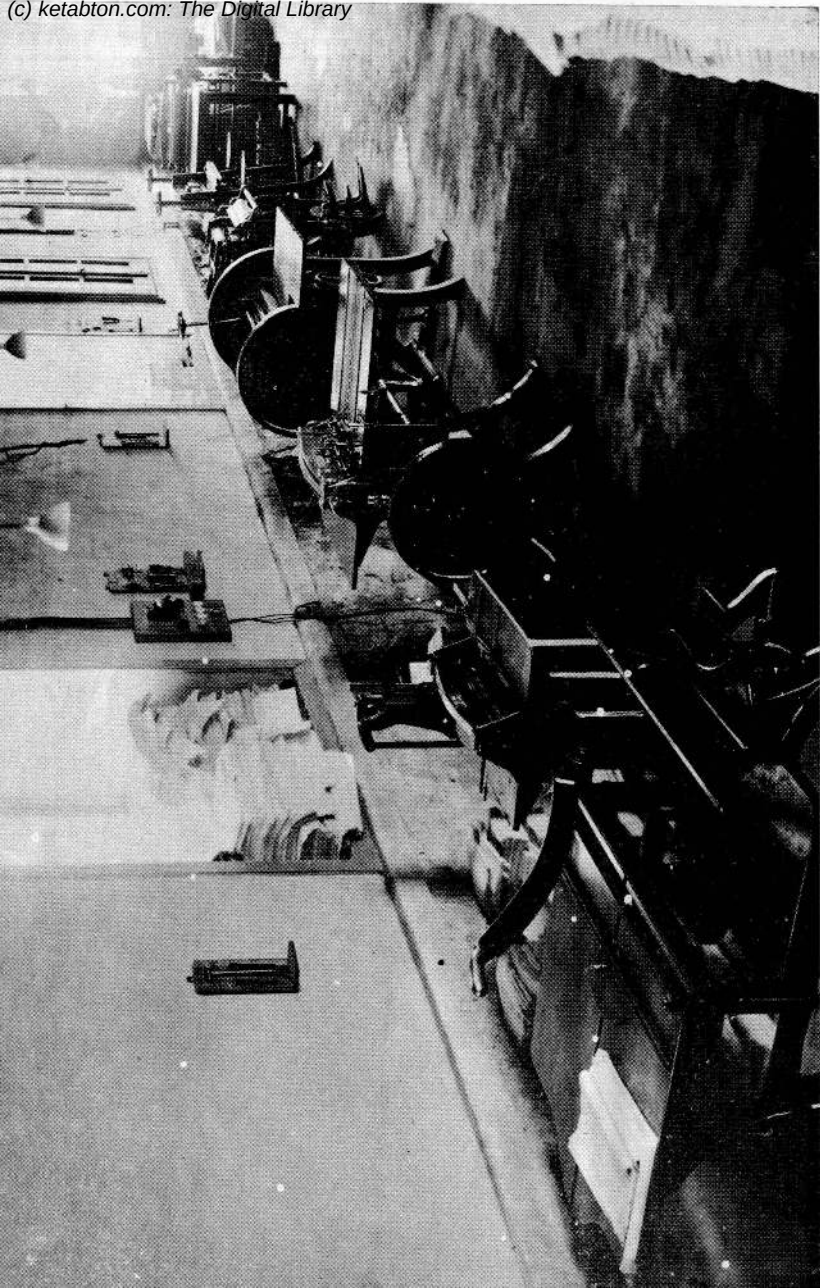
(۳) ماشین چسپاندن کاپی بر روی سنگ « (۱) پایه

فعلا در شعبه لیتوگرافی تجدیدی خوبی دیده میشود لیک در نظر است که در آینده قریب در این شعبه مطبعه هم مثل دیگر شعب تعاضری بوجود آید .

عمله و کار گرهای مطبعه :

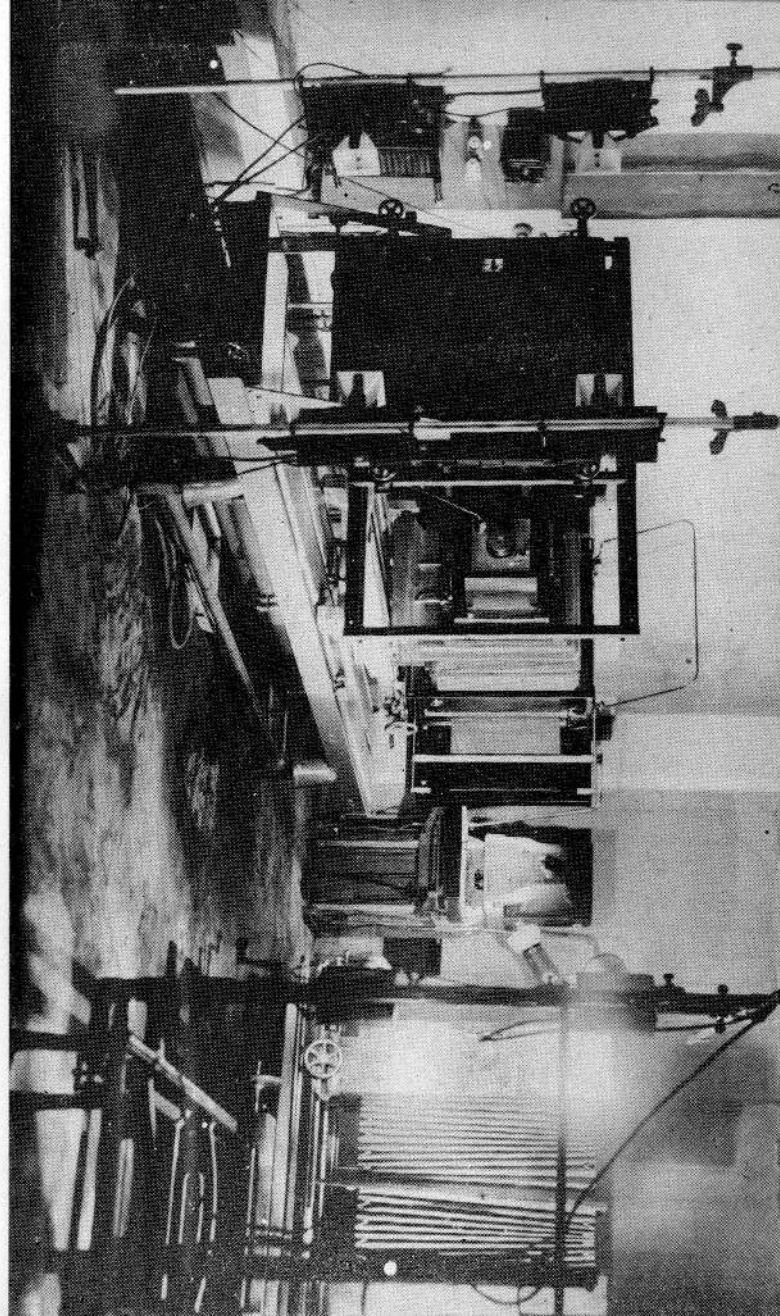
درین مطبعه مرتبین و ماشین کارها و کاپی نویس ها و غیره نفری که در شعب مختلفه یومیه مصروف کار اند عبارت از (۳۰۰) نفر میباشد .

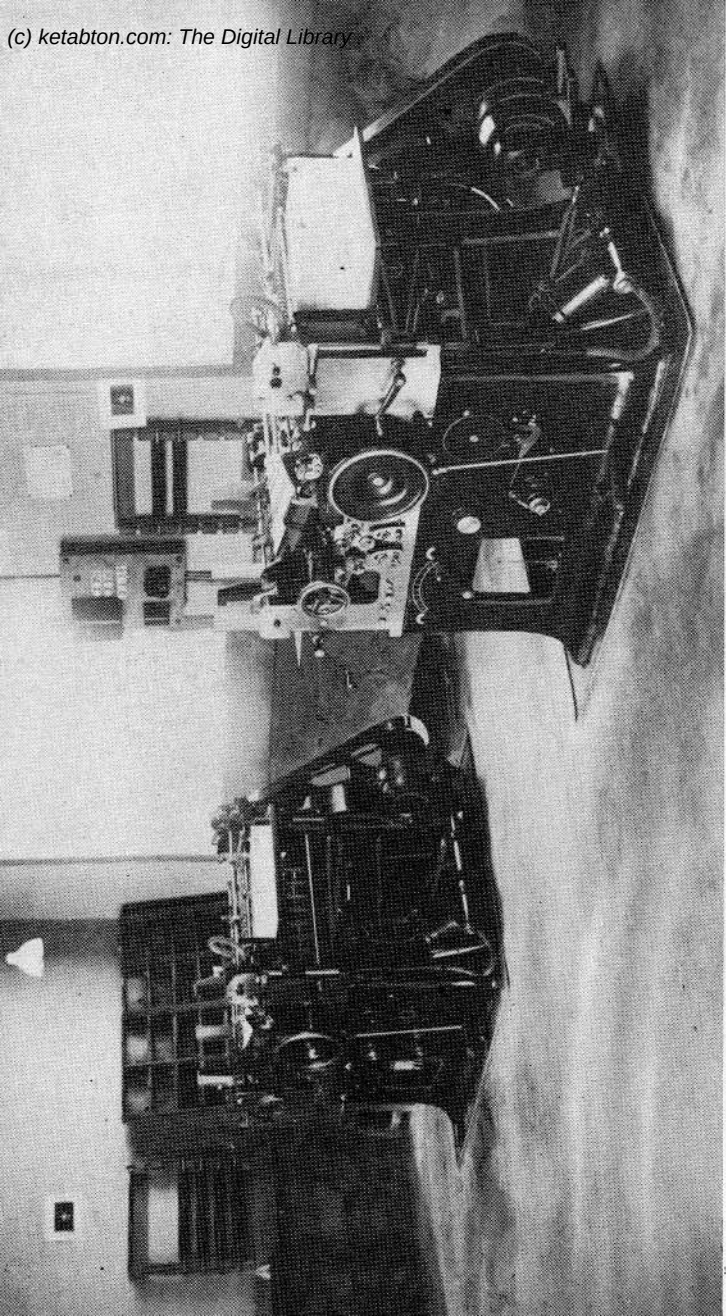




مطبعه جدید کابل : بانکسنت از کارخانه صحافی بامشین های اتوماتیک ، برش ، شبکه ، حاشیه گیری وغیره
Nouvelle imprimerie de Kaboul : au coin de l'atelier de reliure

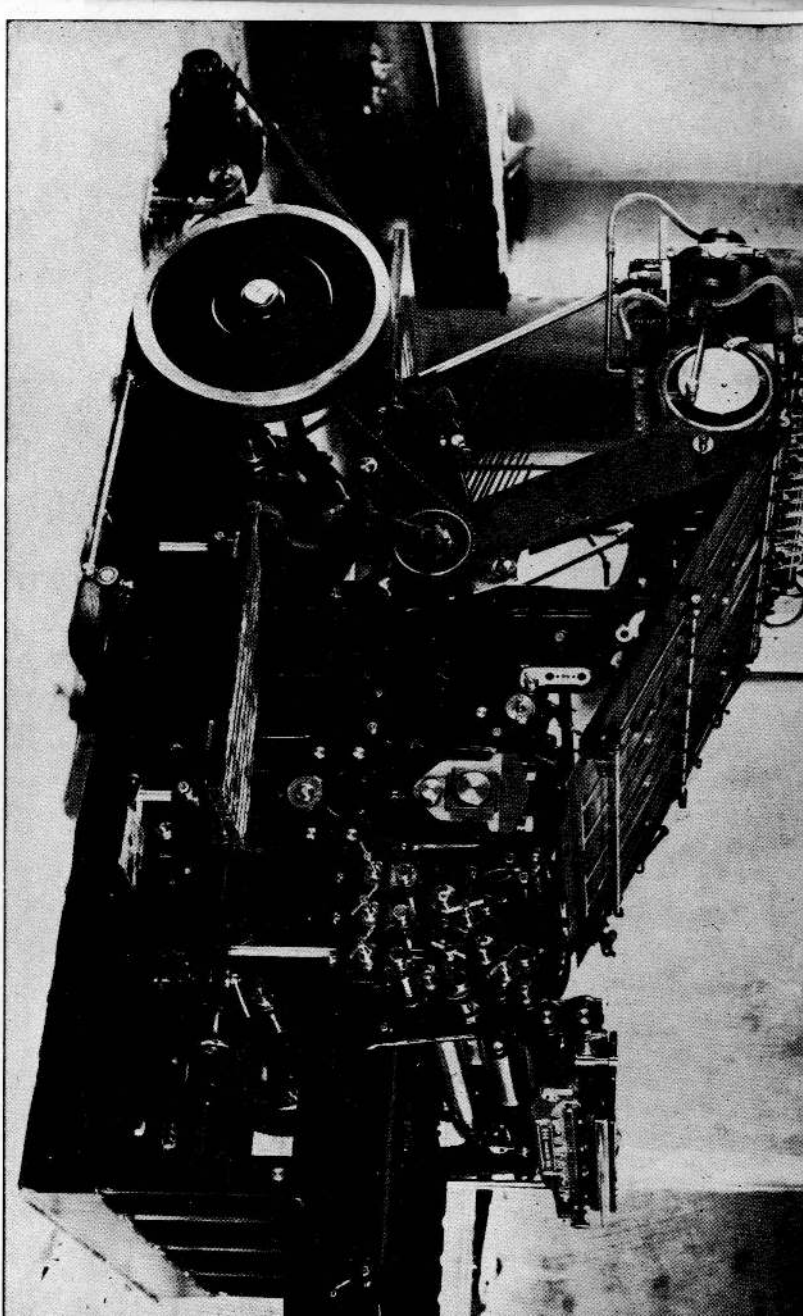
مطبعه جدید کابل : ماشین های عکاسی کارخانه زنکو گراف
Nouvelle imprimerie de Kaboul : les appareils photographiques

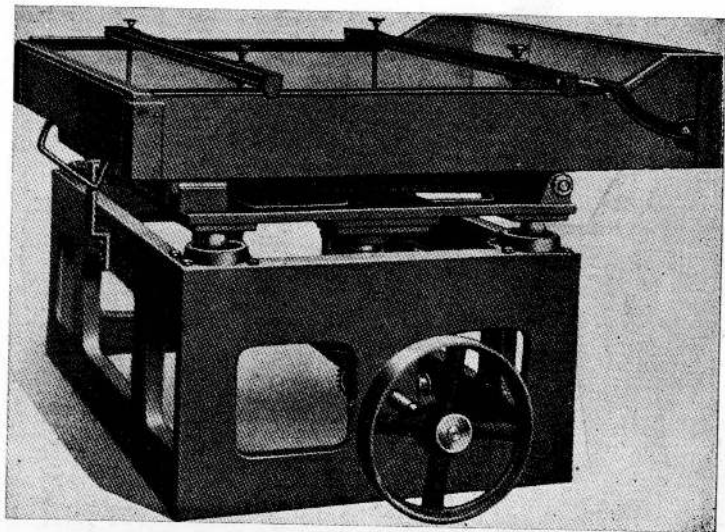




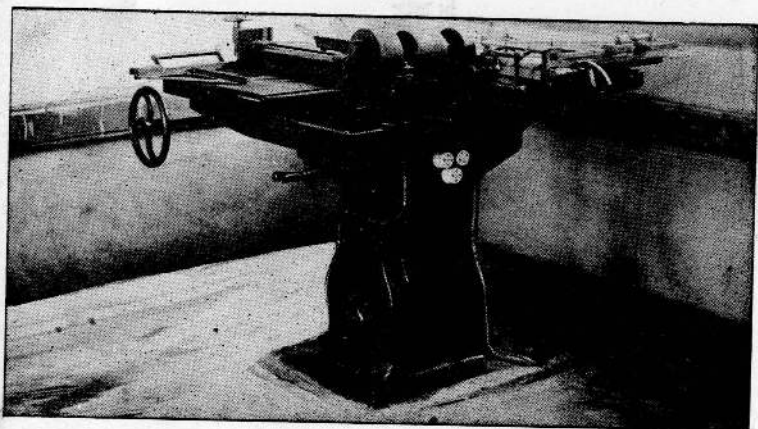
مطبعة جدید کابل : ماشین های اتوماتیک طبع حروفی از رقم یوسی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : les machines de type Possi

مطبعة جدید کابل : ماشین بزرگ طبع حروفی که تا اندازه ۷۰ در ۱۰۰ سانتی را نیز طبع کرد میتوانند
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une des machines à grand forma

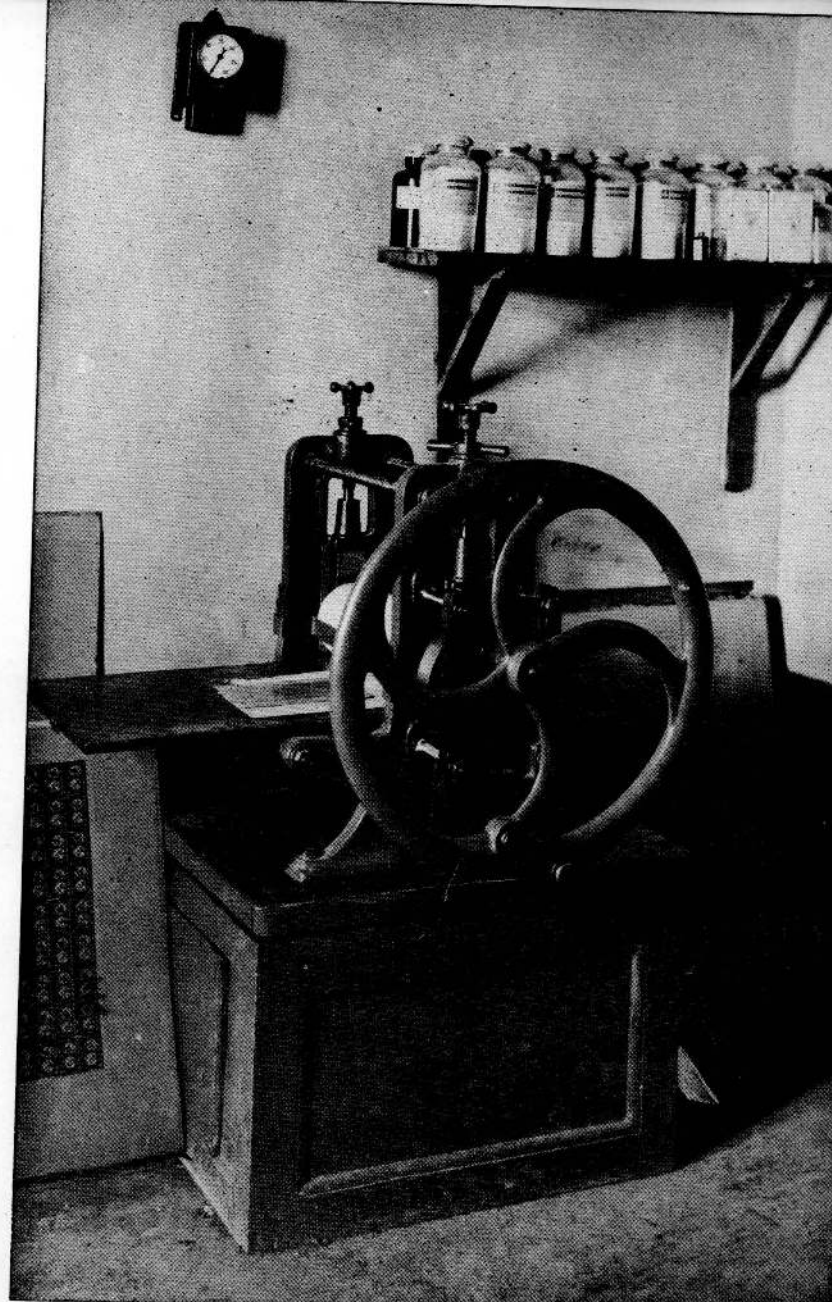


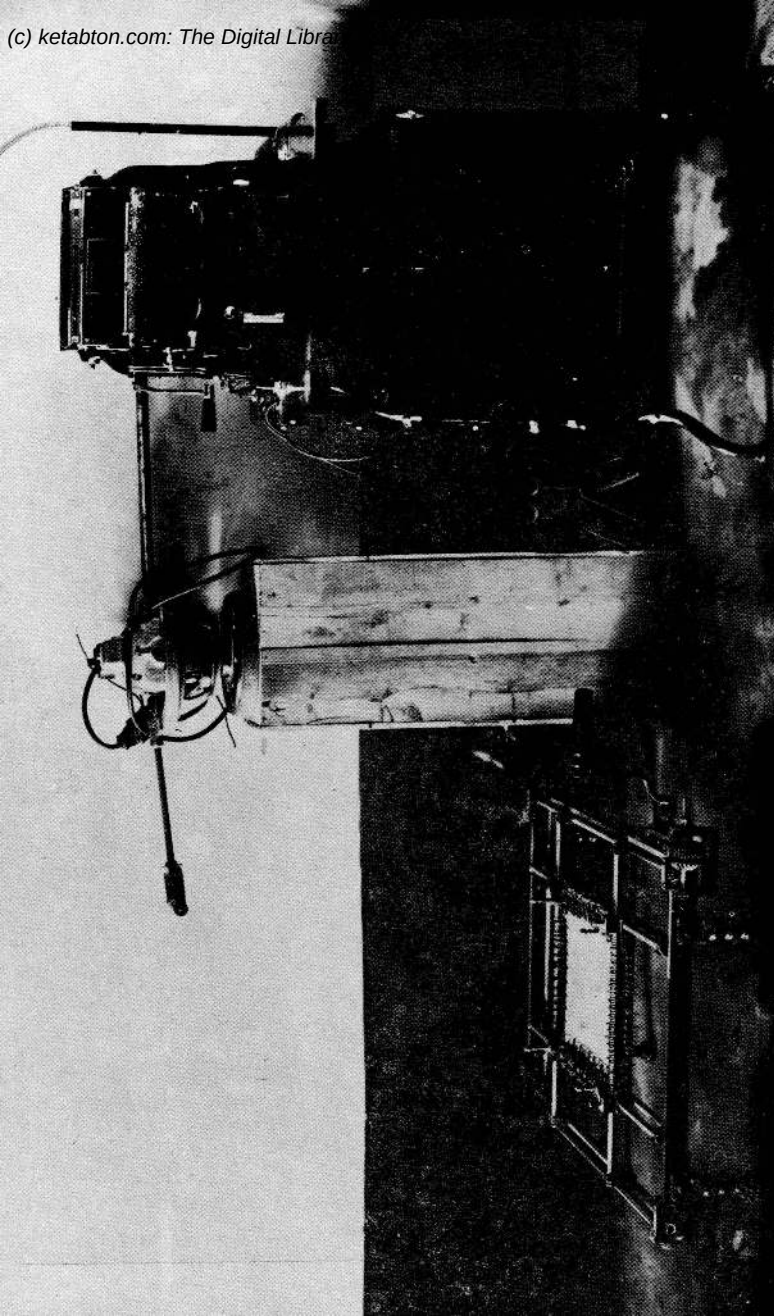


مضبعة جدید کابل : از ماشین های کلیشه و کاپی سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : quelques une des
machines de zincographie

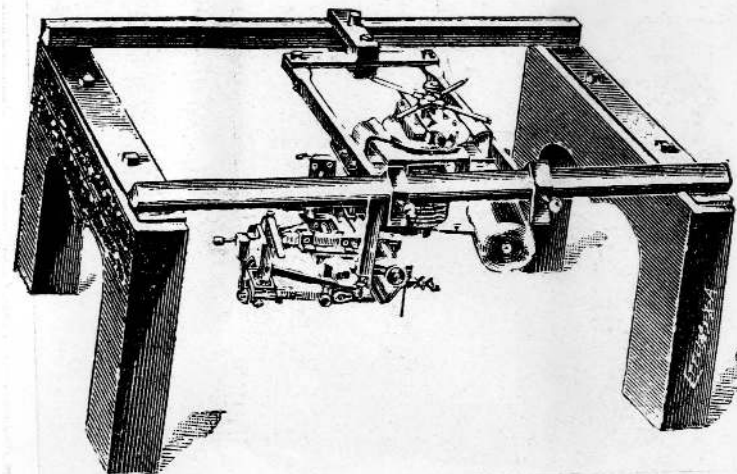


مطبعة جدید کابل : ماشین کاپی روی چست در کارخانه (اوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

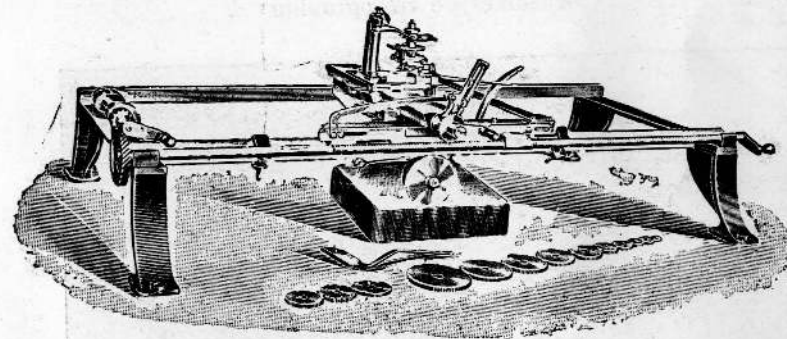


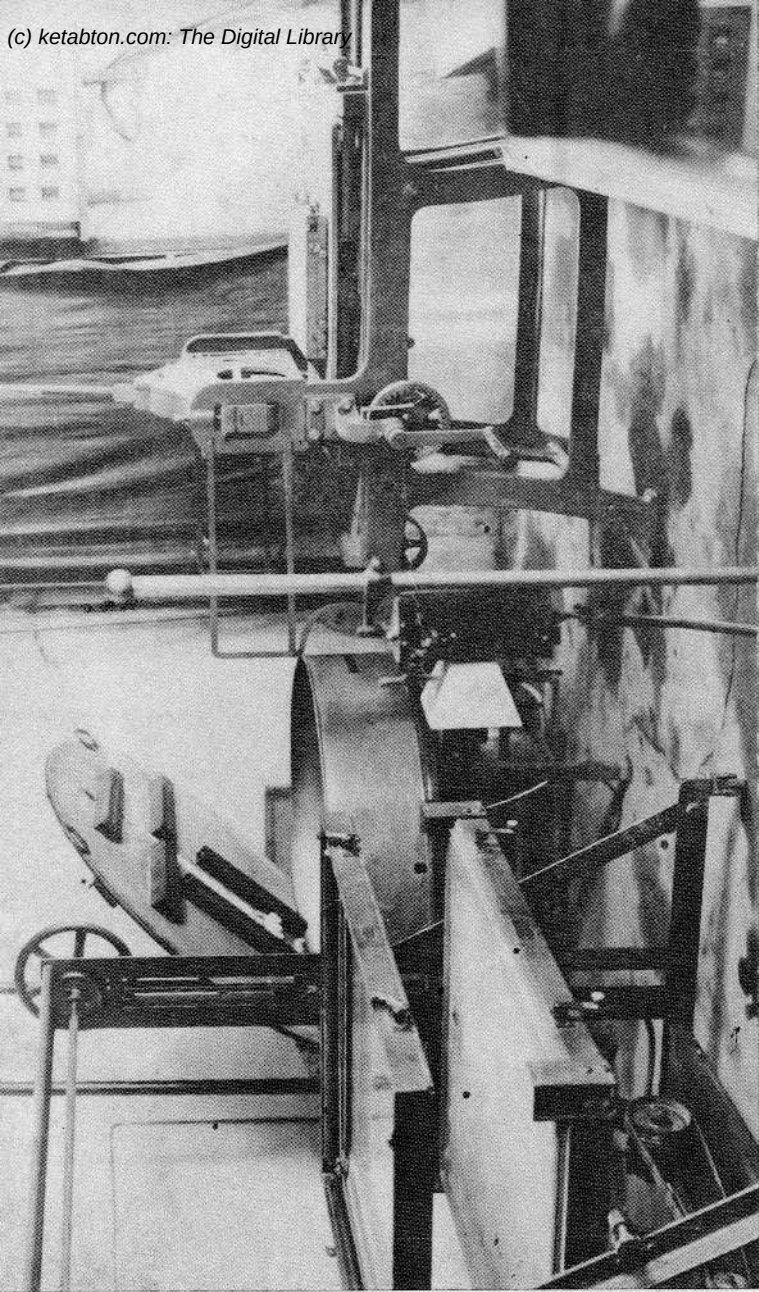


مطبعة جدید کابل : یک‌نصبه از کار خانه طبعه دیو جست (افرت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset



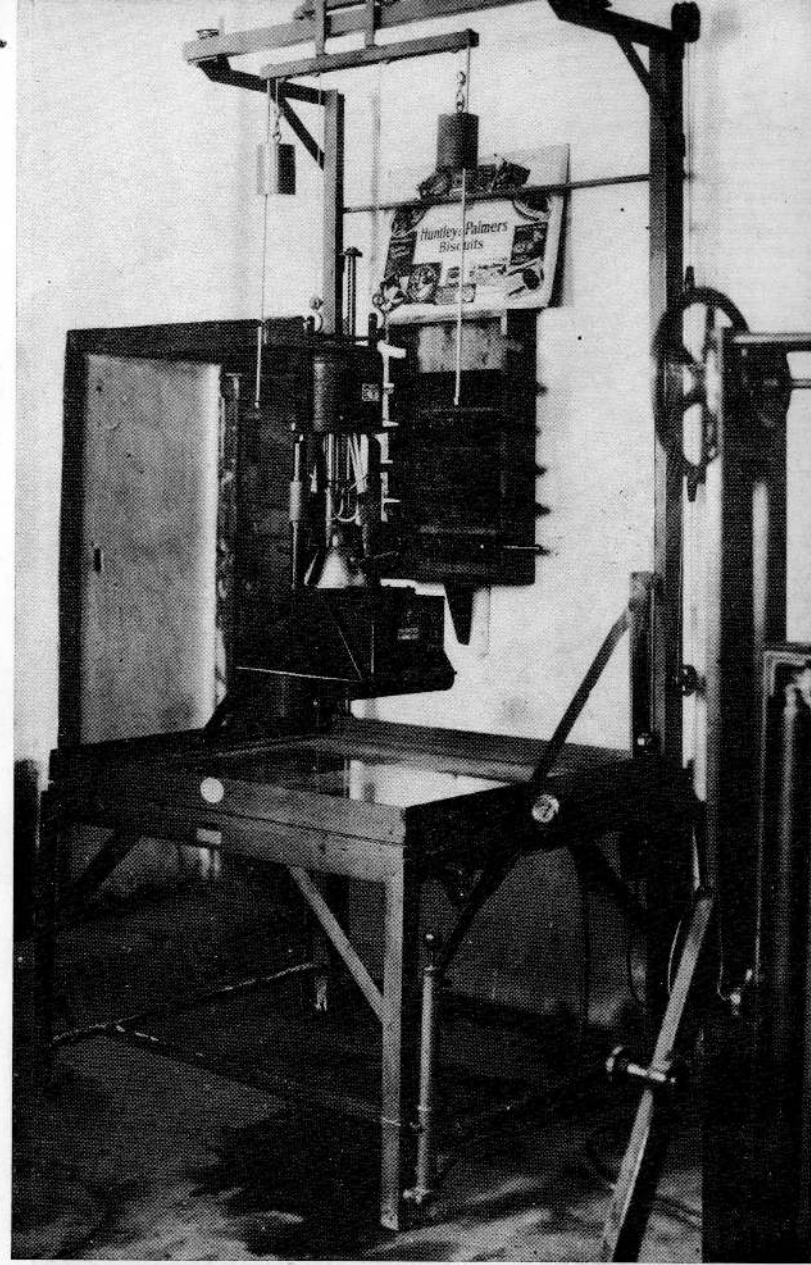
مطبعة جدید کابل : ماشین های گراور ونوت سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : les machines de gravure
hylioguiolochique





مطبعه جدید کابل : یک حصه از کارخانه طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

مطبعه جدید کابل : یک حصه از کارخانه طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

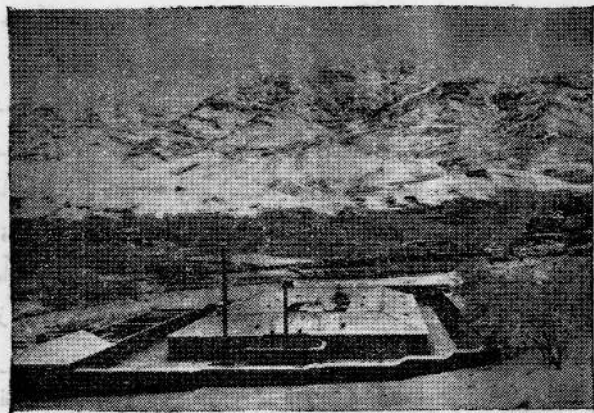


فابریکه نختابی جبل السراج

بقلم جناب محمد ابراهیم خان متخصص نساجی

مدیر فابریکه نختابی جبل السراج

ترقی صنعت و حرفت در یک جامعه نه تنها از جمله عوامل پیشرفت
صنایع و مدنی به شمار می رود بلکه مؤثر بزرگ ترقی امور تجاری و اساس

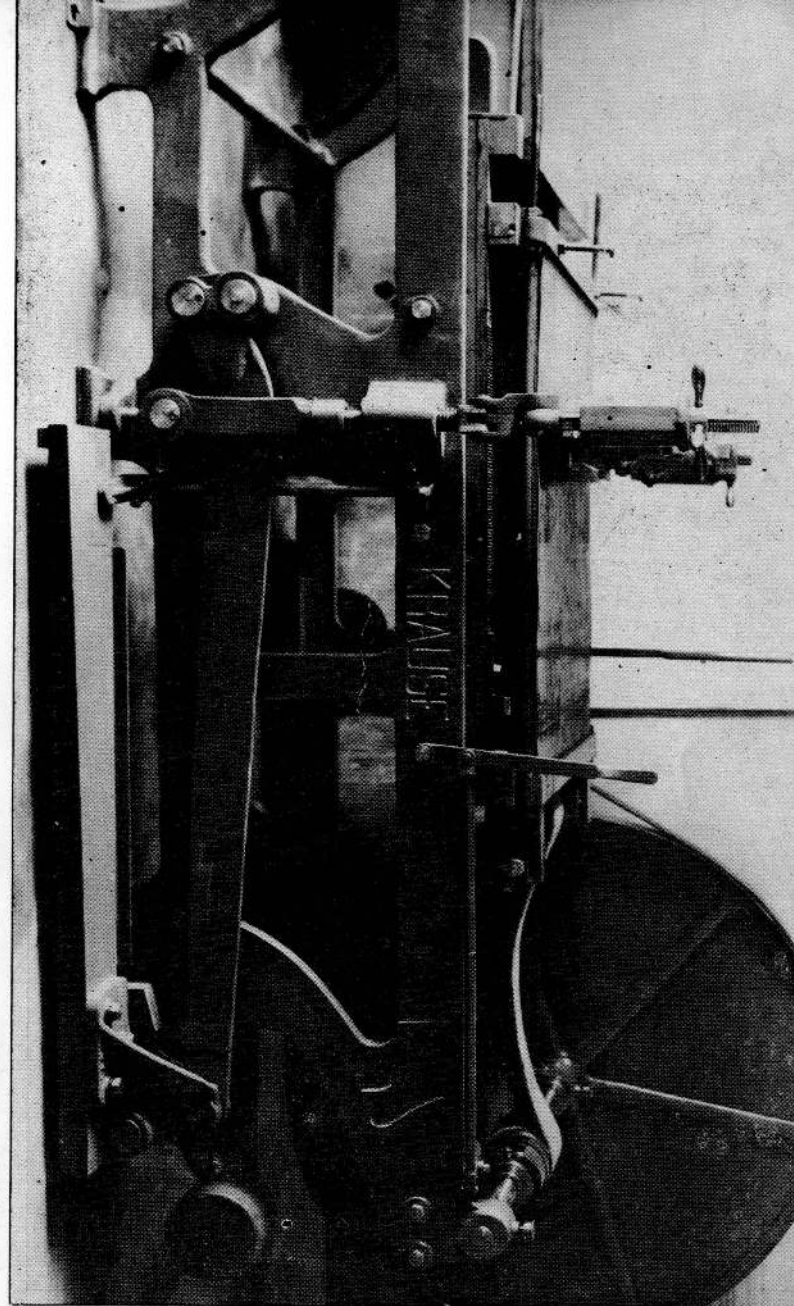


منظره عمومی فابریکه نختابی جبل السراج

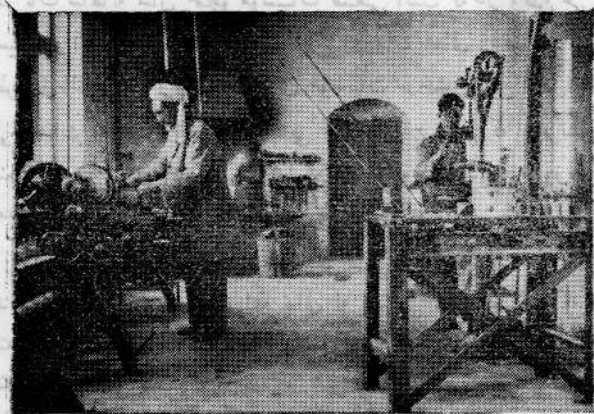
Nouveau fabrique de textile et de filature en Afghanistan
(voir les autres photos sur les pages suivantes)

نهضت مادی و سعادت حیاتی یک قوم بوده خدمات خوبی بعالم بشر نموده
است . اشخاصیکه بتاريخ حیات ملل معلومات مکفی دارند البته میدانند

مطبعة جدید کابل : یک حصه از کارخانه طبع روی جست (اوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset



در یک مملکت چون زراعت ترقی نماید البته مقدار مواد زراعتی از قبیل نباتات تجارتی و مواد حیوانی زیاد گردیده صنایع زراعتی نیز روبرو به ترقی می‌نهد مثلاً ملتی که مقادیر مهم ابله حاصل می‌کند در حصول قند و تعمیر فابریکه‌های قند سازی توجه می‌کند حصول مقادیر پنبه منتج به اتحاد فابریکه‌های متعدد نجاتی بگردد از همین علل است که از

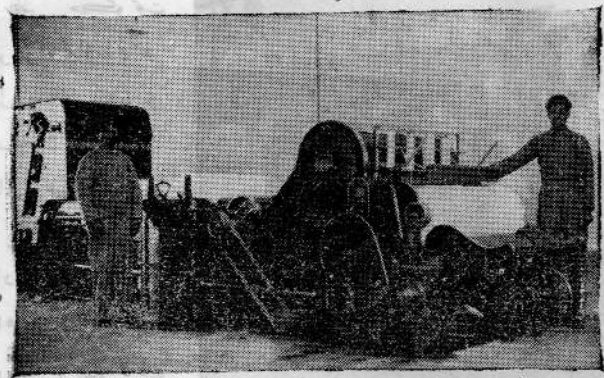


کارخانه ترمیم فابریکه نختابی

بنیاد سلطنت اعلیحضرت شهید در ترقی صنعت و حرفت و زراعت توجه زیادی معطوف گردیده امروز دیده می‌شود که حکومت خبر خواه و ترقی پرور ما در بهبود امور اقتصادی ملت صرف توجه نموده به تاسیس فابریکه‌های جدید و تشکیل موسسه‌های تجارتی ساعی بوده از نقطه نظر پیشرفت تجارتی و صنعتی و زراعتی افغانستان

که ترقی صنعت و حرفت در یک مملکت منتج با استعمال اقتصادی مواد خام آن گردیده منابع ثروت ملی از قبیل مواد زراعتی و معدنی بکار افتاده و افراد ملت را از احتیاج خارج رها نموده استقلال مادی و فعالیت معنوی میبخشد. مللی که از ثروت‌های طبیعی خویش مستفید شده نمیتوانند همانا همان مللی اند که در ترقی صنعت و حرفت صرف مساعی نموده اند هر قدر تجارت در یک قوم و جامعه بیشتر موقعیت پیدا کند همان اندازه ثروت‌های را که مورد استعمال ملت قرار یافته علاوه بر اینکه مواد سرمایه گردیده منتج به بهبود اقتصادی میگردد بعضی ملل دیگر را که طبعاً فاقد ثروت‌های طبیعی اند محتاج به یک صنعتی و حرفتی میسازد و در نتیجه نهضت اقتصادی و مدنیّت آن قوم روبرو به بالا نهاده صفحه جدیدی در حیات مترقیانه اش باز میدارد امروز فی الحقیقت زمام امور سیاسی دنیا بدست دولی است که در جنبه صنعت و حرفت ترقی نموده دارای سرمایه‌های هنگفتی میباشند و چون ثروت طبعاً مؤلف ثروت است فابریکه‌های جدید و موسسه‌های جدید تجارتی روز بروز زیاد گردیده ماشین مدنی یک قوم را بصورت فوق العاده بحرکت می‌اندازد. ترقی امور صنعتی و حرفتی در یک مملکت آنقدرها با امور زراعتی ربط دارد که گفته میشود آنجا که ترقی صنعتی دیده میشود حتماً در امور زراعتی که مولد مواد خام است نیز ترقی وارد گردیده اهالی آن ممکت جهت حصول مواد خام ضروری فابریکه‌های خود مجبور است که دست بطرف زراعت دراز نموده مواد لازمه خود را از اعماق اراضی وطن توسط آلات زراعتی عصری و استعمال پاروهای کبیاوی بمقادیر تجارتی فراهم نمایند.

پر راعت پنبه توجه نموده اراضی وسیعی از پنبه مزروع شده جز جریان فابریکه مذکور طوریت پر راعت پنبه ترقی زیادی را داخل خواهد نمود. جای بسیار خوشی است که در عصر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که خلف الصدق اعلیحضرت محمد قادر شاه مرحوم میباشند به پیروی همان افکار بهی خواهان آن شهید مغفور در توسعه و ترقی صنعت توجه زیادی بعمل آمده علاوه بر مؤسسات نافع دیگر موفق شدیم که عنقریب



ماشین ندافی

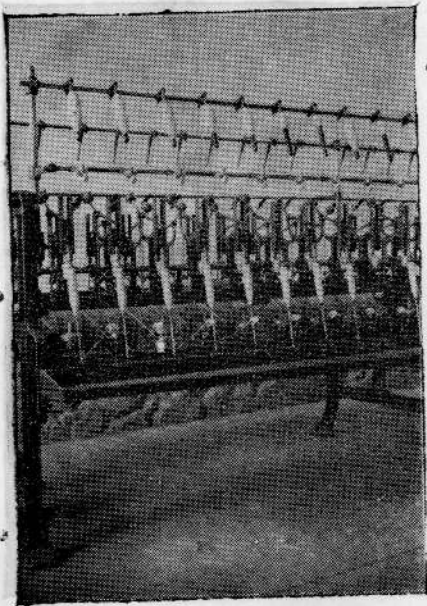
فابریکه نساجی جبل السراج را بحرکت اندازیم فابریکه نختابی جبل السراج دارای عمارات پخته کاری با اصول جدید بوده بهر اطاق آن ماشین های مخصوص از قبیل - نخ ریشی و بافت و رنگریزی نصب بوده مالک اطاقهای متعدد دیگر از قبیل کدام خانه پنبه و اطاق حلاجی و اطاق ندافی و اطاق خاک تکانی و اطاق قیته سازی و اطاق نخ ریشی و بیچاندن تار

موجوده خیلی هار و به ترقی نهاده اصلاحات مهمی در امور اقتصادی آن بعمل آمده است و اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه که قدم قدم در ترقی وطن افکار پدر بزرگوار خویش را تعقیب مینمایند و به بهبود ملت و وطن علاقه مندی زیادی دارند در ترقی و توسعه صنعت و حرفت اهتمام زیادی داشته صرف مساعی مینمایند و شاهد نظریات شاهانه شان همچو مؤسسات صنعتی است که در وطن عزیز ما تأسیس و ایجاد شده و یک قسمت از احتیاجات اهالی را فراهم نموده وطن را بالتدریج از یشرفت های مؤسسات درخشان این عصر فرخنده یکی احداث و تأسیس فابریکه نختابی جبل السراج است که با ترشویقات صنعت پروریهای اعلیحضرت همایونی و حکومت مصلح امروزه بعمل آمده موجبات امیدواری را فراهم ساخته است :

این فابریکه بر طبق مرام مؤسس بزرگ خود اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید سعید غفر الله تعالی له تأسیس شده نظیر باینکه ماده ابتدائی آن پنبه در اکثر حصص شمالی زرع شده از خود وطن حاصل میشود بقین کلی است که از جریان این فابریکه رفاه کلی برای اهالی وطن حاصل گردد برای تکافوی حوایج ملت که به منسوجات پنبه ئی خیلی ها ضرورت دارد هر سال یک مقدار سرمایه بزرگ و طن بخارج میرود . چقدر جائی خوشی است که مواد ابتدائی منسوجات توسط خود افراد ملت بدست آمده توسط خود آنها منسوجات مرغوبی تبدیل گردد نه تنها همین فائده است که بوضن رسیده بلکه چنانچه پیشتر گفتیم ترقی صنعت و حرفت مربوط به ترقی و امور تأسیس زراعتی بوده می بینیم که دهها قبن وطن برای مواد ابتدائی فابریکه مذکور سراز حال

« ماده ابتدائی فابریکه جدید التاسیس پنبه است »
پنبه یکی از محصولات مهم فلاحتی بوده در امریکا و مصر و هند
زراعت آن وسعت زیادی حاصل نموده است کاشت پنبه در افغانستان

از قدیم الایام معمول
است لاکن زراعت
آن تا این اوقات قرار
رسوم زراعتی قدیمه
بمحل آمده از آلات
جدید زراعتی و اصول
زراعت عصری کار
گرفته نمیشد خوشبختانه
حکومت ترقی خواه ما
که در هر زمینه برای
بهبود اهالی عطف توجه
نموده و می نماید برای
توسعه و اصلاح زراعت
پنبه ترتیبات مهمی ذریعه
شرکت اسهام گرفته
هر روز اصلاحات



ماشین مشله

جدیدی در زراعت پنبه
حاصل میگردد. حکومت ترقی و زما نه تنها به تکافوی حوایج فابریکه نساجی
عطف توجه نموده بلکه نظریه دارد که دامنه این شق زراعت روز بروز

وخانه بافت وخانه رنگرزی وخانه اصلاحات تنکه - تحویلخانه تنکه های
بافته و دفتر، وخانه ترمیم واستیشن برق - تحویلخانه پرزه باسامان فالتو بوده
از هر جهت اطمینان بخش است ، امید است که از جریان فابریکه نساجی

مصنوعات وطنی روبه

ترقی گذاشته برای

رفاه عامه که همیشه

مد نظر حکومت

خیر خواه ما است هر

سال وسائل جدیدی

احداث گردد .

اهالی وطن عزیز ما

که بزراعت طبعاً میل

زیادی دارند امید که

بر اهمیت این موسسه

بزرگ و مهم دقت

نموده به توسعه زراعت

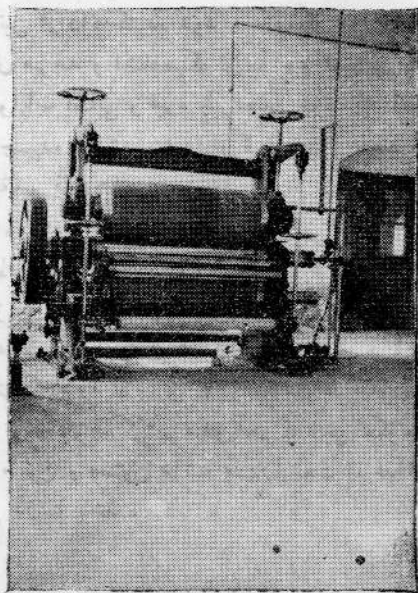
پنبه که شرط اول جریان

فابریکه نساجی است

ماشین شانه

توجه نموده در ترقی و اصلاح پنبه و توسعه زرع آن صرف مساعی نمایند
تایک حصه احتیاجات اهالی وطن ما در خود وطن تهیه گردیده تا یکحد
از احتیاج خارج فراغت حاصل نماییم .

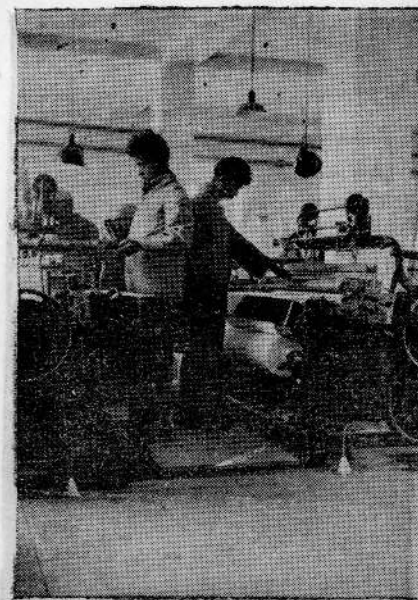
زاکه میکارند از جنس خوب انتخاب نمایند و مانند ممالک خارج در اصلاح
اجناس پنبه وطنی صرف مساعی شده یک اداره فنی جهت تجارت لازمه
و اصلاح انواع پنبه
تشکیل یابد البته از
زرع پنبه در وطن
عزیز ما که برای زرع
آن دارای خواص
طبیعی لازمه است فواید
خوبی حاصل خواهد شد.
اگر در ترویج
زراعت پنبه امریکائی
ومصری در افغانستان
صرف مساعی شود
زرع نیکی بدست
خواهد آمد، پنبه
امریکائی در حصص
شمالی افغانستان نتیجه
صحت خواهد داد.



ماشین اتو

لیکن پنبه مصری
چون زیاده تر حرارت بکار دارد برای حصص مشرقی و قندهار
موزون تر معلوم میشود. این نبات از عائله پنیروک میباشند پنبه را از
غوزه های نبات بدفعات متواتر بادست جمع میکنند لهذا این نبات
در وقت درو نفری زیاد بکار دارد فی سال چهارمیلیارد کیلوگرام که

رو به توسعه بوده یکمقدار پنبه وطنی بخارج هم صادر گردد، چنانچه
یک مقدار پنبه افغانی در روسیه در اثر قراردادیکه مابین دولت علیه افغانستان
و جواهر اشترایک روسیه بعمل آمده صادر شده است. لهذا مسئله پنبه



ماشین های بافت

هر روز رو به ترقی
بوده صورت تازه بخود
گرفته میرود و میتوان
از فواید زرع این
ماده مهم جبران
بسیاری از مشکلات
تجارتی خود را نموده
اراضی وسیعی را
در افغانستان که
استعداد خوبی برای
زرع پنبه دارد قابل
الزوع سازیم چنانچه
در حصص قطغن و
بدخشان رقبه های وسیع
زمین بحال زراعت
پنبه آمده برای

دها قین وطن شغل اقتصادی مهمی پیدا شده است محصول پنبه امروز یکی از
اجناس مهم تجارتی است اگر فلاخین در زراعت پنبه دقت کافی نموده و تخم های

در افغانستان

منشی انجمن اولمپیک افغانستان

برحسب معمول در سال ۱۳۱۶ هم از خارج سه تیم دعوت شده در جشن استقلال سال ۱۹ در بازیهای هاکی و فتن بال با هیئت های افغانی مقابله کردند علاوه بر تیم های خارج ، امسال يك تیم فتن بال از قندهار هم برای شمولیت و بازی در جشن استقلال آمد و کسانکه

۱ - پنبه تار کوتاه که از ۱۳ الی ۲۴ ملی متر طول دارد

» » » » ٢٨ » ٢٤ » » اوسط » » - ٢

» - ۳ - » دراز » » ۲۸ » ۳۶ » » »

هر قدر که تار پنبه طویل تر و محکم تر باشد همانقدر قیمت آن بلند تر است زیرا که ختم کلام را بدوای بقای حکومت خیر خواه و ترقی پرور خود نموده از خداوند کریم میخواهم که این حکومت ترقی پرور را از بلیات مأمون و مصئون داشته ملت را تحت اثر عدالت گسترش آرام و مترقی داشته باشد.



پیشرفت های سپورتی در افغانستان

۲ - تیم فوتبال « ستاره سرحد » تیم منتخبه سرحد شمال مغرب هندوستان »

۳ - تیم هاکی « اندیندنت سپورت کلب دهلی »
مسابقه هاکی سپورت با هیئت های خارجی بصورت آتی الذکر اجرا شد :
مسابقه هاکی بین تیم رودرز کلب پشاور و تیم هاکی کلوب عسکری
افغانی ۲ مقابل ۱ کلوب عسکری موفق گردید .

مسابقه هاکی بین تیم اندیندنت سپورت کلب دهلی و تیم کلوب عسکری
۱ مقابل ۲ کلوب عسکری مغلوب گردید .

مسابقه فوتبال بین تیم محمودیه و ستاره سرحد مقابل ۲ تیم ستاره سرحد
موفق گردید

مسابقه فوتبال بین تیم استقلال و تیم سرحد ۲ مقابل تیم استقلال
موفق گردید

علاوه بر تیم هاکی که از خارج آمده بودند مسابقه که حسب معمول
در جشن بین تیم افغانی و تیم سفارت برطانیه کابل بعمل آمد در هاکی
و تنیس به موفقیت تیم های افغانی منتج گردید .

مسابقه های فوتبال بین « پشتون خوا » قندهار و تیم های کابل
تیم پشتون خوا بمقابل تیم استقلال مقابل ۴ تیم استقلال موفق گردید
» » » تیم تفریح ۱ مقابل ۲ تیم تفریح موفق گردید

در مسابقه والی بال که در جشن استقلال اجرا شد تیم فرفه شاهی
نمره اول را حایز گردیده « قهرمان » تیم های والی بال در کابل
شناخته شد .

در جشن بازی این تیم جدید افغانی را دیدند منصفا نه خواهند گفت که
درین غرضه قلیل از ترویج سپورت های عصری در افغانستان ولایت
قندهار هم سهم بزرگی را در پیشرفت سپورت گرفته است اگر چه در بین
شبیه نیست که معیار بازی تیم (پشتون خوا) قندهار به نسبت کابل
بست تر بود اما نباید فراموش کرد که اولاً جریان سپورت های عصری
در قندهار از عرصه یک سال است و دوم انتخاب یک تیم از یک
تعداد خیلی محدود ورزش کاران بعمل آمده است با این هم دوسه
نفر در تیم پشتون قندهار چنان مهارت در بازی نشان میداد که نظیر
آن ها در کابل کمتر دیده شده ، زحمتی را که ع ، ش سردار
محمد داؤد خان نائب الحکومه و قوماندان عسکری قندهار درین زمینه
کشیده اند خیلی قابل تمجید است و از اثر همین زحمت کشی ها بود
که تیم قندهار برخلاف توقع یک نمایش فوق العاده را در جشن داده
مورد تلطیف مخصوص حضور والا حضرت سردار سپه سالار صاحب
غازی و رئیس انجمن اولمپیک افغانستان گردیده والا حضرت موصوف
برای تقدیر خدمت که جناب سردار محمد داؤد خان و تیم قندهار برای
پیشرفت سپورت کرده اند یک عدد « بلیزر » که از تنگه رنگ
بیرونی ملی افغانی ساخته شده بود بهر یک از ورزش کاران اعطاء
فرمودند . پوشیده نماند که موفقیت بگرفتن بلیزر یک افتخار فوق العاده
یک ورزش کار میباشد .

تیم هاکی که از خارج در جشن استقلال ۱۹ شرکت ورزیدند قرار
ذیل است : -

۱ - تیم هاکی « رودرز کلب » پشاور

تورنمنت های داخلی

امسال نیز بقرار سالهای گذشته تورنمنت های هاکی و فتن بال در مرکز اجرا شد. در تورنمنت های تیم های فرقه اول قول اردوی مرکزی تیم هاکی مکتب فنون حریه تیم وزارت حریه و تیم مکتب حبیبیه شرکت ورزیدند درین تورنمنت بازیها بصورت ناک اوت (Knockout) اجرا گردیده - از شروع الی ختم تورنمنت بازی ها بصورت خیلی درست و منظم و به اثبات دسلین فوق العاده از طرف شامین تورنمنت اجرا شد - اگرچه از دو سال باین طرف تیم فرقه اول قول اردوی مرکزی (قهرمان) تیم های کابل بوده ولی درین سال مسامی که افراد تیم مکتب احضاریه در پیشرفت بازی کرده بودند ثمر بخشیده در مسابقه آخرین تورنمنت تیم مذکور بر تیم فرقه اول قول اردوی مرکزی به ۲ مقابل ۱ گول غالب گردید - و به مصداق « مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد » جایزه معمول را گرفت .

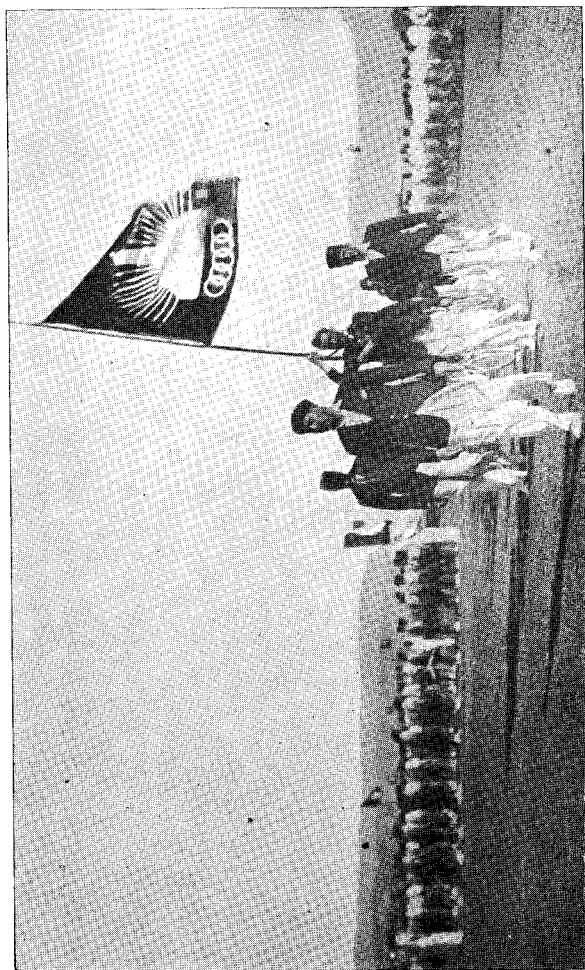
شاه محمود فتن بال تورنمنت

از چند سال است که يك تورنمنت فوت بال بنام « شامخود فتن بال تورنمنت » در کابل بازی میشود و این تورنمنت نسبت بدیگر تورنمنت ها فوق العاده طرف توجه ورزشکاران و علاقه مندان سپورت واقع گردیده است . اگرچه امسال قبل ازین تورنمنت يك تورنمنت دیگری هم از اوائل بهار اجرا شده و در آن تنها سه تیم شمولیت ورزیدند که از جمله آنها تیم مکتب استقلال قهرمانی را گرفت لیکن حسب معمول « شاه محمود فتن بال تورنمنت » در شروع تیرماه جریان یافت . درین

تورنمنت از اصناف مختلف کابل « اغنی معارف ، عسکری و ملیکی » ده تیم شامل شدند . در نتیجه تیم « محمودیه » در مسابقه آخرین تورنمنت بر تیم مکتب حبیبیه به ۲ مقابل - غالب و برای سه سال علی التواتر قهرمان تیم های کابل در تورنمنت « شاه محمود » شمرده شد اعضای « تیم محمودیه » اکشر ورزشکاران سالخورده در سپورت شخصیکه سن او از ۳۰ بیشتر باشد سال خورده گفته میشود « کابل هستند و مشهور به « استخوان قدیم » میباشند - اگرچه امسال هم آنها « کب » را گرفتند لکن چیزی را که در تورنمنت مشاهده کردیم و ترقی فوق العاده تیم های حبیبیه و استقلال را دیدیم گفته میتوانیم که در سال آینده تیم محمودیه برای نگاهداشت نام خود بحث قهرمان تیم های کابل دچار مشکلات خواهد گردید . اگرچه کپتانی تیم « محمودیه » از آقای سید عبدالاحد خان دیپلوم انجنیر معادن (که يك ورزشکار صبیح است و برای سپورت افغانستان خدمات زیاد کرده) به آقای عبدالحکیم سرکاتب دائره تشریفات وزارت خارجه (که نسبتاً جوان تر میباشد) نقل کرده مگر ما به تیم محمودیه توصیه میکنیم که از حالا نفری جوان تر را در تیم خود موقع بدهند - و گرنه استخوان قدیم خدا نخواسته جو جو خواهد شد .

رسم گذشت ورزشکاران افغانی

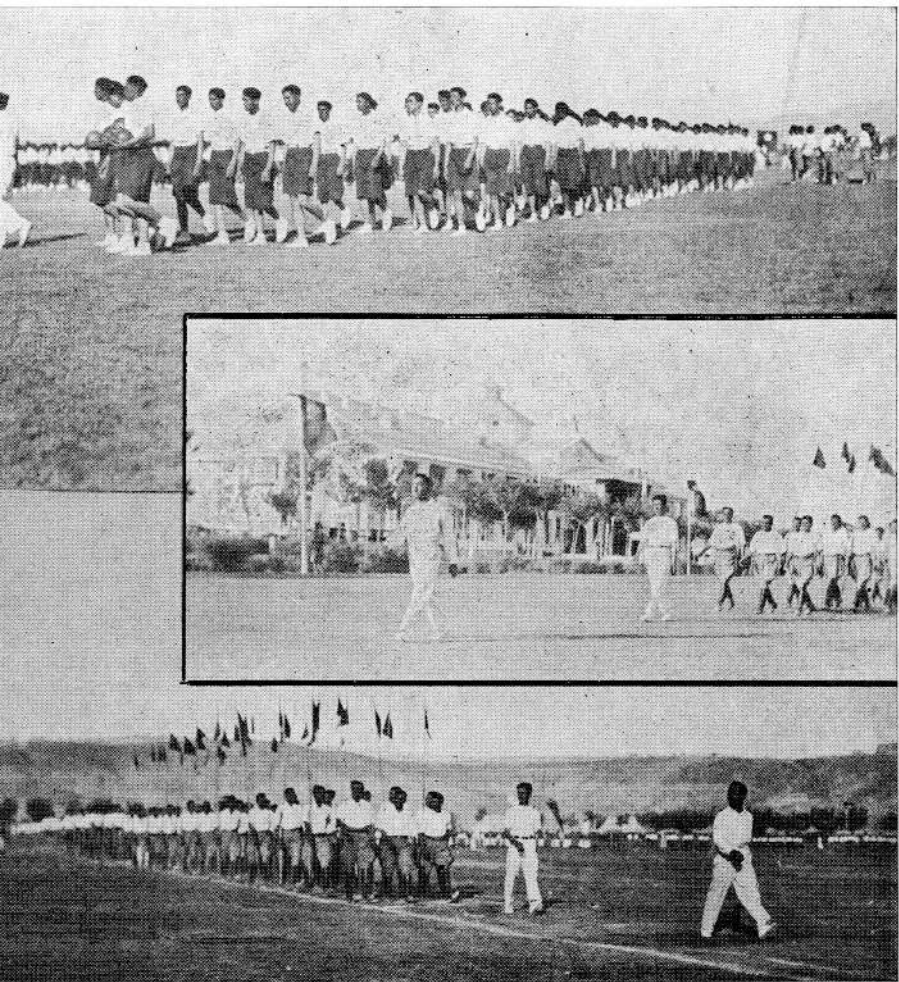
امسال نیز بر طبق سالهای گذشته رسم گذشت و ورزشکاران افغانی باتشریفات بزرگی بحضور اعلیحضرت اقدس همایونی اجرا گردید قرار پروگرام بالغ بر شش هزار سپورت مین در میدان هاکی مقابل عمارت کلوب حریه بصورت تیم های تنیس - هاکی - فتن بال - والی بال ، ورزش های انفرادی ایستادند - لدی الورد و اعلیحضرت اقدس همایونی



رسم گذشت ورزشکاران افغانی در نزد همین جشن استقلال، والا حضرت افغم وزیر صاحب خریه
و اعضای اولمپیک افغانی با بیرق اولمپیک افغانی از حضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند
Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance)
au devans S. A. R. le ministre de la guerre

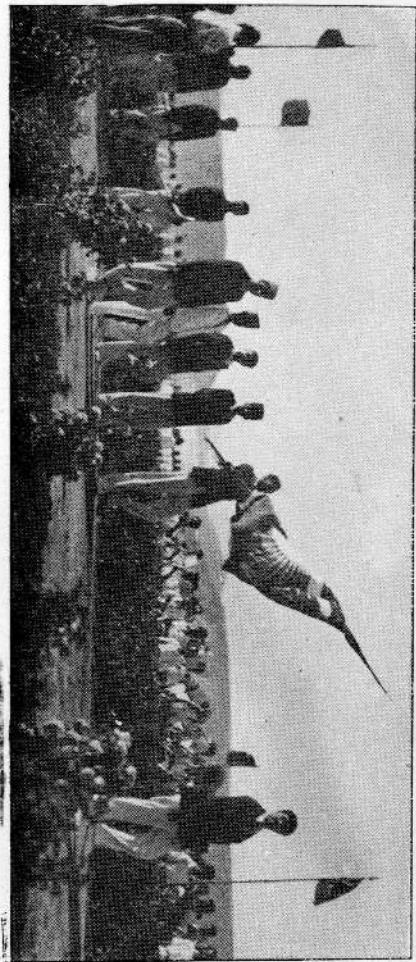
سالنامه « کابل »

والاحضرت معظم سردار شاه محمود خان رئیس انجمن اولمپیک افغانستان که لباس تینس ملبس بودند رسم تعظیم حضور اقدس اعلیحضرت شهبازی را بقوماندۀ « تبارسی » اجرا و موزیکه نغمۀ سلامی اعلیحضرت شهبازی را نواخت و در هر حصه نعرۀ « عمر دیر شه پاچا » از ورزشکاران بلند گردید . بعد از ایفای رسم تعظیم رسم گذشت شروع شد و بقرار معمول اول والا حضرت سردار شاه محمود خان که در عقب آنها پرچم اولمپیک افغانستان گرفته شده بود از حضور مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی گذشتند و به تعقیب آنها اعضای انجمن اولمپیک افغانی ، اعضای هیئت ورزشکاران افغانی که در اروپا رفته بودند - اعضای هیئت افغانی که در هند رفته بودند ، نقری تینس ، نقری هاکی ، نقری فٹ بال ، نقری والی بال ، نقری ورزشهای انفرادی علامه های مخصوص ورزش و قطعه و صنف خود را گرفته رسم گذشت را ایفا کردند . اعلیحضرت اقدس همایونی هم بتوبۀ خود رسم تعظیم هر صنف را علیحده علیحده به الطاف مخصوص ذات شاهانۀ خویش قبول فرمودند - رسم گذشت ورزشکاران یک ونیم ساعت دوام کرد و حسن اجرای آن و ترتیبات عالی وزیای رسم گذشت چه از حیث لباس و چه از حیث وضعیت و رفتار ورزشکاران که به توجه خصوصی حضور والا حضرت معظم سردار شاه محمود خان غازی بروی کار آمده بود مورد تحسین و تمجید فوق العادۀ اعلیحضرت اقدس همایونی و عمومی ناظرین واقع گردید .



رسم گذشت ورزش کاران در جشن استقلال سال نهم
défilé des sportifs afghans à l'occasion des fêtes de l'indépendance (1397)

رسم گذشت ورزشکاران افغانی در نهمین جشن استقلال : والا حضرت افغمن وزیر صاحب حرب به
و اعضای اولمپیک افغانی با بیرق اولمپیک افغانی از حضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند
Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance)
au devans, S. A. R. le ministre de la guerre

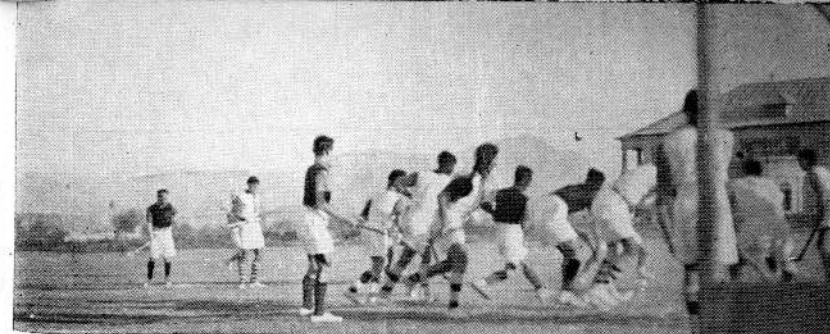


پیشرفت‌های سیورتنی در افغانستان

نظریه انجمن اولمپیک امریکا نسبت بوضعیت تیم افغانی
در یازدهمین بازیهای اولمپیک که در سال ۱۹۳۶ در برلین

انعقاد یافته بود

پوشیده نیست کاریکه از خارج در یک مملکت داخل میشود و بیایه
تکمیل رسانیدن و بادران کار تخصص پیدا کردن برای خود زمانه
درازی میخواهد. چنانچه مشهور است (بسیار سفر باید تا پخته شود خامی)،
سیورت های عصری مثلکه پیشتر عرض شد در مملکت عزیز ما از عرصه
خیلی قابل ترویج یافته است و در حینکه حکومت متبوعه ما بواسطه
انجمن اولمپیک افغانستان دعوت کمیته اجرائیه بازیهای یازدهم اولمپیک
بین المللی منعقد برلین را قبول کرد در عالم سیورت هیجان فوق العاده
تولید گردید و از هر طرف حاشیه آرائی میشد که هیئت اولمپیک افغانی که
هنوز مراحل ابتدائی سیورت را هم طی نکرده بالمقابل ورزش کاران دنیا که
هر یکی آنها از هزاران نفر انتخاب و تجارب عملی و نظری چندین ساله را دارا
میباشد چه خواهند کرد؟ مگر بفعوای مثل مشهور انگلیسی (جائیکه
خواهش باشد، راه پیدامی شود) افغانها هم به همان عزم متین خود که
خاصه قوم افغان است از استعداد فطری خود استفاده کرده در همه
سیورت ها مشق چند ساله و مخصوصاً در هاکی ملکه فوق العاده را
نشان داده در میدان مسابقه داخل گردیده دیدند چنانچه از دوره اروپا
نتایج مسابقه هارا مفصل در سالنامه گذشته عرض کرده ایم اعنی از
۴۵ مسابقه افغانها در ۲۹ موفق در ۱۱ مغلوب و در ۵ مسابقه مساوی
بر آمدند - صرف نظر از نتایج بازی - چیزیکه در یک مسابقه مورد



ورزشکاران افغانی در جشن
استقلال سال نهم (۱۳۱۶)
Les sportifs afghans pendant

در بالا منظره

مسابقات دوستانه

بین تیم هاکی

افغانی و تیم

le fêtes de
l'indépen-
dence (1937)

L'équipe
de hockey



پشاور در وسط و باین مناظر مصاحبه
دوستانه تیم های مذکور
afghan avec l'équipe de Peshawar

حکم معرفی شده بود و وظیفه حکمت را در تورنمنت ها کی در بازیهای بین المللی هم داورانه اجرا کرده بود، حکم بین المللی شناخته شد « درستون دوم صفحه ۲۱۷ - آن تحریر است :

« ممالك مختلف اروپا هنوز هم نوع قدیم بازی (اعنی توپ را بجاییت رد کردن و دور رساندن) را تعقیب میکنند این نوع بازی خیلی مخوف و برخلاف اصول است . لاکن جایا نیها و افغانها صورت بازی هندی را تعقیب کرده و بسیار خوب ترفی میکنند »

از اقتباس راپورت فوق مقصد ما این بود که برای فائزین گرام و علاقه مندان سپورت و ورزش کاران و وطن عزیز خود خاطر نشان کنیم که مقصد از سپورت تنها موفقیت نیست بلکه حسابات صحیح سپورت را نشان دادن میباشد . اگرچه افغانستان در اولمپای یازدهم در هاکی نمره (۵) را حایز گردیدند لاکن بصورت عموم با در نظر گرفتن کم سنی افغانستان در فامیل سپورت دنیا مخصوصا در هاکی بهترین و مترقی ترین تیم آن وقت شمرده شدند .

انجمن اولمپیک افغانستان بکمال افتخار گفته میتواند که زحماتیکه شخص رئیس اولمپیک ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازي و باقی اعضای اداری انجمن مذکور برای پیشرفت سپورت کشیده اند ، بیچ صورت بیجا نرفته و نتیجه فوق العاده خوب بخشیده است البته از طرف جنبه هاکی که یکی از اساس های پیشرفت سپورت است انجمن اولمپیک افغانستان فوق العاده از حکومت متبوعه خویش ممنون است که نظر به پیشنهاد ریاست اولمپیک حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله از هیچ گونه کمک مادی و معنوی خود داری نفرموده

توجه مخصوص ناظرین میباشد اصل بازی نیست که کدام طرف غالب میشود و یا کدام طرف مغلوب باشد « این دیده میشود که کدام تیم پر نسپ (اساسات) های سپورت را بدرستی تعقیب و مقابله جدیانه میکند از همینست که مادرین جا بعضی حصص راپورت کمیته اولمپیک امریکائی را که راجع به تیم افغانی است اقتباس میکنیم :

در صفحه (۱۶ - ۲۱۵) راپورت مذکور تحریر است :

« مسابقه سوم ما به تیم افغانستان بتاریخ ۱۳ - اگست در میدان دوم اجرا شد . نتیجه به ۳ - مقابل موفقیت افغانها گردید .

در نصف وقت اول بازی نتیجه ۲ مقابل بطرف افغانها بود . اگرچه افغانها بمثل هندیها آنقدر تیز و متخصص فن ها کی نبستند لاکن طرز بازی هندیها را خوب درک کرده اند و درین وقت مترقی ترین تیم های تورنمنت بودند . در اختتام تورنمنت به آنها (کپ پال لیوتی) اعطا گردید . اگرچه درین اشتباهی نیست که تیم افغانستان (بدون از هند و آلمان) بهترین تیم های مشمولین تورنمنت بودند لاکن تیم ما هم مقابله خوب و جدیانه بر علیه آنها کرد . » درستون دوم صفحه ۲۱۶ راپورت مذکور تحریر است .

« صورت حکمت مختلف بود . حکم های هندی افغانی و اکثریه آلمانی فوق العاده خوب بود اگرچه دیگر ممالك هم حکم های درجه اول داشتند لاکن بصورت عموم معیار حکمت آنها اینقدر بلند نبود .

از اثر همین بود که قرار پیشنهاد کمیته تخنیکي انجمن بین المللی هاکی و منظوری انجمن مذکور شد ، محمد یعقوب خان سکرتر اولمپیک افغانی که در بازیهای اولمپیک یازدهم در آلمان از طرف افغانستان

بود که يك پروگرام صحيح و يك معلم در ست برای سیورت نداشتند و درحینکه اولیای امور معارف باین طرف توجه خود را شروع کردند دیدیم که شاگردان معارف گامهای سریع را بطرف پیش رفت اساسی سیورت میبردانند - چشم امید ما چه در دیگر شعبات امور وطن عزیز و چه در سیورت بسوی معارف است و ما یقین کامل داریم که انشاالله تعالی در یرتو افکار قیمت دار حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله و زحمت کشیهای فوق العاده جناب وزیر صاحب معارف و دیگر مامورین وزارت مذکور، معارف و سیورت اهل معارف افغانستان در مدت قلیل بدرجه های اعلی خواهد رسید انجمن اولمیک افغانستان هم بنوبه خود زحمتی را که ع ، ج سردار محمدنعم خان وزیر صاحب معارف و باقی مامورین وزارت مذکور در توسعه سیورت کشیده بصورت تقدیر نگر بسته از خدای متعال آرزو دارد که وزارت جلیله معارف در پروگرام عرفانی و سیورتی خود به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

تورنمنت شطرنج در کابل

علاوه بر بازیهایکه منتج به تربیه بدنی میشود شطرنج يك بازیست که به تربیه دماغی تاثیر فوق العاده میکند و امروز این بازی شهرت بزرگ بین المللی را حائز گردیده است . علاوه شوق شطرنج بازی در مملکت ما از قدیم موجود و همواره این بازی در مجالس اشخاص مهذب موجود بوده و میباشد . چنانچه به اساس همین نظریه انجمن

و علاوه بران دلچسپی که شخص مبارك اعلیحضرت المتوکل علی الله شاه جوان افغانستان به شرکت وجود مسعود مبارك شان به نفس نفیس در سیورتهای عصری نشان داده فوق العاده به ترقی سیورت افغانستان کمک رسانده است . انجمن اولمیک از درگاه حضرت ایزد متعال نیاز میکنند که افغانستان عزیز به زیر سایه این شاه منور و صاحب ذوق خود پیش از یش به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

پیشرفتهای سیورت در معارف

وزارت معارف به توجه خصوصی ع ، ج ، سردار محمدنعم خان وزیر جوان و فعال خود در امور سیورت هم پیشرفت زیادی کرده چنانچه دیده شده که علاوه بر بازیهای مروج از قبیل هاکی - فتبال و الی بال - سیورت های دیگری هم از قبیل سکی (برف مالک) و (هیند بال) و آب بازی خوب جریان دارد - برای اینکه بازی های مذکور بصورت فنی ترویج یابد وزارت معارف آقای (بردوز) المانی را که از فارغ التحصیلان اکادمی سیورت المان است استخدام نموده - از راپورتهائیکه دائره اولمیک گرفته معلوم میشود که این معلم جدید سیورت معارف در وظایف خود خیلی جدیت و فعالیت نشان داده از معلومات و تخصص خود شاگردان خود را عملا يك معیار بزرگ سیورت رسانده چنانچه در اوائل سال در تورنمنت فتبال وزارت معارف تنها يك تیم مکتب استقلال را داشت ولی در تورنمنت شاه محمود از وزارت معارف تیم داخل شدند .

شبه نیست که بهترین تیم های سیورت باید از وزارت معارف برآید و اگر تا حال وزارت معارف باین مقصد نائل نبود سبب آن

اولمپیک افغانستان برای انعقاد یک تورنمنت شطرنج اعلان کرد و خوش بختانه چون این بازی علاقه مندان زیاد دارد یک عده بزرگ شطرنج بازان کابل درین تورنمنت شرکت ورزیده اند - از انجا که تورنمنت مذکور بایستی بصورت قوانین بین المللی جریان می یافت اداره اولمپیک بمعاونت جناب عبدالوهاب خان مدیر شعبه شرق وزارت خارجه قوانین بین المللی را ترجمه و برای علاقه مندان شطرنج توزیع نمود وضعیت بازی درین مسابقه خیلی اطمینان بخش بوده ، مهارت و رسائی فکر شطرنج بازان افغانی را باثبات میرساند و در نتیجه تورنمنت جناب سید فیض الله خان پاچا نومه اول و جناب ایشانصاحب «خیام» نومه دوم و جناب عبدالوهاب خان مدیر شعبه شرق وزارت خارجه نومه سوم برآمدند .

تورنمنت بلیارد

بازی بلیارد که یکی از بازیهای معروف و مفید و ضمناً یک قسم سیورت خانگی نفیس است ، درین اواخر در وطن عزیز ما رواج زیادی پیدا کرده - بنابراین انجمن اولمپیک اخیراً برای یک تورنمنت ابتدائی ترتیب گرفته و عموم شوقمندان بلیارد را دعوت داده است تا در کلوب حریه این مسابقه را شروع کنند برای موفقیت حاصل کنندگان از طرف انجمن اولمپیک علاوه بر لقب (قهرمان بلیارد افغانستان) جوایز مناسب نیز داده خواهد شد .

پشتو تولنه

انجمن ادبی

بقلم جناب محمد قدیر خان « تره کی »

فلسفه پیدایش اکادمی ها و اهمیت و لزوم آن ها

درین شاید هیچ اشتباهی نباشد که هر ملت از خود خصائصی دارد که آن خصائص عبارت از خصائص روحی و جسمی بوده هر دوی آن مولود عوامل جغرافیائی و وراثت نژادی و محیط اجتماعی همان ملت میباشند .

این خصائص در افراد ملل در عین اینکه متفاوت است یعنی کم و بایزاد میباشند مگر در کلیات و اساس امر هم واحد و یکسان بوده روح همان ملت را بوجود میآورد یعنی از تفاعل و تمازج اعمال و حرکات افراد یکدسته حقایق بیرون میآید که مظهر روح همان ملت بوده و همان صفت ممتاز ملی را تولید میکند که اروپائی ها آن را (کولتور) ، و عربها (ثقافت) نام میگذارند و ما هم آنرا (قریه ملی) میتوانیم نام بگذاریم . کولتور هر ملت صفت ممتاز و وجه ما به الامتیاز همان ملت است و همان طوریکه بال وصف امتیاز مرغ از مخلوقات حبه و مسباح صفت ممتاز ماهی از حشرات خشکه است همچنان کولتور نماینده امتیاز و فرق یک ملت از ملت دیگری میباشد ، از همین سبب است که

پشتو تولنه را در ذیل این مقاله الحاق مینمائیم ازین جهت زاید درباره اهمیت و لزوم و وظیفه مذکور بحث نکرده همین قدر میگوئیم که : مملکت ما مملکتی است کوهستانی و از روی بحر روی همرفته (۲۰۰۰) متر ارتفاع داشته دارای هوا و فضای است دلکش محیط مساعد برای برداشتن هر گونه محصولات لهذا مؤثرات متوالیه هوای نسبی ، محیط جغرافیائی ، رفاه و آسوده گی اقتصادی و صدها گونه عواملی دیگر که ازین گونه محیط ها در روح و جسم ملل رونما میشود همان طوریکه هویت ظاهری (جسمی) ملت ما را ممتاز جلوه میدهد در روح ملت هم استعدادات بس گران بهائی تولید کرده است که هر کدام آن استعدادها در موارد خودش مزیتی است که باین ملت میبخشد پس زبان ادبیات عرف و عادات قومی و اجتماعی و بالاخره تمام مسائلیکه را بطه باروح ملت دارد دارای اهمیت خصوصی بوده زمینه تتبع و کنجکاوی را تهیه میکند و ایجاب مینماید که اولاد های این خاک باید هر کدام علی قدر سهمم در احیا و تنبیه این قبیل مفاخر ملی خود بگو شدند و طبیعی بود که باید اکادمی مخصوصی در مملکت برای تتبع درینگونه مسائل روی کار میآید همین بود که این افتخار اولا نصیب اعلیحضرت شهید غفرالله له و سپس عائد به اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه شد زیرا که اولی اساس انجمن ادبی و دومی شالوده پشتو تولنه را گذاشتند .

گفتیم طبیعی بود بلی : البته ما میل داریم سعادت آتیه ملت ما تامین شود ، ملت عالم و با سواد گردد ، زبان پشتو تعمیم یافته استقلال زبان داشته باشیم ، علوم و ادبیات ملی ما بهر اندازه

حس ناسبو نالیزم (ملیت خواهی) افراد منور و علمای هر ملت را وادار کرده است تا جهة حفظ همین امتیازات ملی خود شان مؤسسه ها ئی بوجود آورند که آن مؤسسه ها همین اکادمی ها میباشد (۱) پس از روی این مطالعات فهمیده میشود که اکادمیها به مفهوم امروز حافظ ادبیات ، صنایع اخلاقیات ، اجتماعیات ، عرف و عادات ، زبان و بالاخره تمام عوامل روحی و معنوی ملل است که آن را در فوق کولتور یا ثقافت گفتیم .

وظیفه امروزه اکادمی های عالم اینست که آن ها ازینک طرف علوم و فلسفه و ادبیاتی را که بروی ساختمان روحی ملی ایشان اتکاء دارد ترقی و از طرف دیگر علوم ، فلسفه ، ادبیات و ... ملل دیگر را وارد وطن خود نموده آن را با مبادیات روحی و اخلاقی ملل خود شان تطبیق و جزء کولتور ملی خود میگرددانند و آن را رنگ ملیت میدهند یا به تعبیر بعضی ها بران (تاپه) ملی میزنند ، گویا اکادمی ها در حیات اجتماعی ملی و حیات عمومی بین المللی دارای رول عمده و مهمی میباشند و از همین جهة است که باید وجود پشتو تولنه را که اکادمی افغانستان میباشد بسیار قدر کرده اهمیت اقدام بر رنگی را که حکومت متبوعه در تاسیس این مؤسسه نافع بعمل آورده است بسیار بزرگ دانست زیرا اگر خدا بخواهد این مؤسسه منشاء تمام نهضت های آتیه ملی ما خواهد بود زیرا این مؤسسه محی زبان و ادبیات پشتو و وارد کننده علوم و فنون ، فلسفه دنیا در مملکت میباشد و چون مرامنامه

(۱) طوریکه در تاریخچه اکادمی ها مطالعه میفرمائید پیدایش اکادمی های اولیه نه باین مقصد بلکه جنبه مدرسه وی داشته است ولی امروز مرام آن ها عوض شده باین حال در آمده است « تره کی »

بردن نام و هویت همان اکادمی‌ها می‌پردازیم. که دارای شهرت بین‌المللی اند و از بردن اسمای اکادمی‌های در جات دوم به علت جلوگیری از طولیل شدن بحث خود داری می‌کنیم :

پیدایش کلمه اکادمی :

همان طوریکه منشأ تمام اختراعات علمی و مدنی و فلسفی و صدها فضائل دیگر انسانی یونان است هم چنان منشأ اکادمی‌ها هم یونان می‌باشد زیرا این کلمه مولود مدرسه فلسفه افلاطون است چه افلاطون بر خلاف شاگرد خود ارسطو که مدرسه فلسفی خود را در تفرجگاهی بنا نموده عنوان مشائی یافت درسگاه خود را در باغی که اکادمی نام داشته متعلق به پهلوانی موسوم به اکادموس بود بنا نهاده ازین سبب به مدرسه خود عنوان اکادمی و به فلسفه خویش نام اکادمیک داد و تا امروز هم وقتیکه نامی از فلسفه یا مدرسه افلاطون برده می‌شود توأم با نام اکادمی می‌باشد .

گویا افلاطون اولین مؤسس اکادمی و مدرسه او نخستین اکادمی دنیا بوده است مرام اکادمی افلاطون خالص فلسفه و اعضای آن شاگردان او بودند که رشدترین آن‌ها ارسطو می‌باشد ، فلسفه افلاطون در اطراف موضوعات مهمه ماورای طبیعی و نفسیات بوده اساس آن را به عقیده خودش ریاضی تشکیل میداد زیرا او در دیوار اکادمی ننوشته بود که « هر که ریاضی نمی‌داند وارد اکادمی نشود. » بعد از افلاطون اگرچه دریونان انجمن‌های متعدد دیگری هم شبیه باین اکادمی روی کار آمد ولی چون آنقدر اهمیت نداشتند صرف نظر شد .

و هر ششگلی که هست است در اداره واحدی تمرکز داده شده پیشرفت کند ، افسانه‌ها و داستان‌ها و تمام عناصر مردم‌شناسی (فولکلور) از تمام زوایای مملکت جمع شود ، تاریخ ملی تدوین گردد ، اختراعات پدران پاك روان ما آفتابی شود ، قاموس ، گرامر زبان تدوین و مکمل گردد ، علوم ، ادبیات ، فنون ، صنایع نفیسه و فلسفه عصری دنیا را تا به ملی زده به جامعه نشر نمائیم و بالاخره بتمام فضائل معنوی ملت خود را مجهز به بینیم این‌ها و امثال این‌ها تماماً عواملی می‌باشند که وجود يك اکادمی را در مملکت ما ایجاب میکرد همین بود که خوش بختانه وجود پشتو تولنه این آرزوی ما را بر آورد و مملکت را دارای يك اکادمی گردانید .

توجهات حکومت و زحمانی که وزیر دانشمند معارف سردار محمد نعیم‌خان در پیش برد مرام پشتو تولنه متحمل می‌شوند و در اکثری از جلسات آن شخصا حضور بهم می‌رسانند بما یقین میدهد که پشتو تولنه مانند تمام اکادمی‌های دنیا بالمره به مرام خود نائل خواهد شد .

تاریخچه اکادمی‌ها :

برای اینکه خوشر توانسته باشیم اهمیت پشتو تولنه و بالنتیجه اهمیت اقدام حکومت را درین زمینه نشان بدهیم رجوع می‌کنیم به تاریخچه اکادمی‌های دنیا تا دیده شود که ممالك عالم در طی چگونه زحمت اکادمی‌ها را اساس گذاشته و اکادمی‌های آن‌ها در ممالك خود شان مصدر چگونه خدماتی شده و دارای چه نوع اهمیت می‌باشند ؟ این است بالنوبه نگاشته می‌شود ولی باید ملتفت بود که ما تنها به

سالنامه « کابل »

بعد ازان که یونان از سیادت و عظمتیکه داشت اقتاد و بیرق علم و معرفت بتوجه جانشینان اسکندر ریه اسکندر در اسکندریه بلند شد مدرسه فلسفی دیگری در اسکندریه بوجود آمد که دارای عنوان اکادمی بوده است و آن را (Neu academy) اکادمی جدید نام میگذاشته اند ، این اکادمی هم دارای مرام فلسفی بوده بعلمی اکادمی جدید نامیده شد که مؤسسين آن میخواستند فلسفه افلاطون را با بعضی ازادات از مدارس دیگر فلسفی که بصورت انتخاب Eclactic (۱) ۹ بوجود آورده بودند تجدید نمایند و نیز در اوائل قرن ۳ میلادی اولین شاه بطالسه در اسکندریه انجمن دانشی به نام موزیم تاسیس کرد که شبیه به اکادمی های امر و زه بوده است و اعضای آن اکادمی متبحر ترین مردان شرق و یونان بوده اند .

روپهرفته اکادمی هائیکه بعد ازان در اسکندریه و سپس در مراکز علمی و ادبی رومای کبیر تاسیس شدند تماماً شبیه بانجمن هائی بوده است که نمی توان آن ها را اکادمی نام داد یعنی دارای شرائطیکه اکادمی ها میباشند نبودند .

اساس اکادمی های امروزه :

بعد از قرن ۱۲ میلادی نهضتی در اروپا دیده شد که منشأ آن ایتالیا بوده است این نهضت اولاً بشکل يك نهضت ادبی که بعدها

فلسفی (۱) مدعا اقتباس افکار صحیح و طرد افکار ضعیف از طریقه ها و مذاهب سائره است و چنین يك طریقه را که در اخذ افکار دیگران پابند انتخاب باشد مدرسه انتخابی میگویند .

پشتو توله

رول عمده آن را دانت ، پترارک ، بوکاس به عهده داشتند جلوه نموده اولاً زمینه سبک ادبی موسوم به هوما نیزم (بشردوستی) را حاضر و بعد ازان سبب انتشار دوره رنسانس (انتباه و پیداری) در اروپا شدند .

دوره رنسانس در اروپا در حقیقت آفتابی بود که باروپا طالع شده زوایای تاریک آن دیار را منور گردانید زیرا دوره رنسانس ادبیات ملل اروپائی را احیاء ، صنایع ایشان را ترقی ، علوم و معارف را ترویج داد .

گویا در نتیجه مهارت و تبحر اشخاصیکه رول های رنسانس را به عهده داشتند علما ، ادبا ، صنعتکاران از در و دیوار پاریس گرفته هر طرف اروپا مخصوصاً فرانسه بالاخص قسمت جنوبی آن مملکت یعنی (پراونس) کانون شعرا و نویسندگان شد پس اکادمی های امروزه را میتوان نتیجه مستقیم حرکت یکدسته شعرای جنوبی فرانسه که ابتدا در شهر پراونس ظهور و از قرن ۱۱ الی اواخر قرن ۱۳ رونق افرا بودند دانست زیرا در سنه ۱۴۳۳ درین شهر اکادمی معنون (اکادیمیا پوشانیانا) تاسیس گردیده فکر تاسیس کردن اکادمی و لزوم آن را در اروپا ترویج و تعمیم دادند تا اینکه رفته رفته در هر مملکت اروپا اکادمی های متعددی که مصروف اصلاح و ترقی يك شعبه زندگانی ملی بودند روی کار آمد گویا باین صورت اکادمی های امروزه دنیا را میتوان به پنج نوع تقسیم کرد :

- ۱) اکادمی های علمی و فنی (۲) اکادمی های ادبی
- (۳) اکادمی های آثار عتیقه و تاریخ (۴) اکادمی های طب و جراحی
- (۵) اکادمی های صنایع نفیسه .

اما این تعداد تا سنه ۱۶۳۹ اکمال نگردیده بود .
وظیفه مهم اعضا تحریر مقالات ادبی بود که به نوبت مینوشتند .
بزرگترین خدمتیکه اکادمی مذکور در آن وقت نمودها نا تدوین
قاموس زبان فرانسوی بود که در سنه ۱۶۳۹ آغاز و اولین طبع قاموس
مذکور در سنه ۱۶۹۳ و آخرین آن که دفعه ششم بود در سنه ۱۸۳۵
به عمل آمد و از آن به بعد ضامی به قاموس مذکور الحاق گردیده است .
کارتدوین قاموس زبان فرانسه در آن وقت در حقیقت آب حیات
بود که به گلولی مریض مختصری ریخته شد زیرا السنه دیگر اروپائی
به شدت تمام بالای زبان فرانسه نفوذ میکرد و کمر آن را در زیر بار
لغات بیگانه خم مینمود از همین جهت (و البته بزرگترین نویسنده آن
عصر) این اقدام را چنین تمجید نموده بود :

« این هیئت کوچکی که آن راجعیت میگویند شکوفه بشریت است
و بزرگترین انسان ها برای اجرای مرام آن ها کار میکنند » و مولیئر
گفته بود : « چیزیکه باید از همه بیشتر حاصل کرده شود ذوق دربار
شاهی است زیرا در هیچ جامانند در بارشاه تصاویر درستی اتخاذ
کرده نمی شود . »

تشکیل دوباره اکادمی مذکور :

انقلاب معروف سنه ۱۷۹۳ فرانسه هم چنان که اکثری از موسسات
قبل از انقلاب را از بین برد اکادمی فرانس هم سقوط کرد و بعد از آن
مجلس کونواسیون که در خرابه های باستیل بوجود آمده بود ، تصمیم
کرد تا تمام موسسات ویران شده انقلاب را بصورت يك موسسه جامع

اینك در ذیل به نهایت اختصار در اطراف معروف ترین اکادمیهای
مذکور وارد بحث می شویم و قبلا باید گفت که از اکادمیهای
درجات دوم و سوم به نهایت اختصار و از اکادمی های درجه اول
که در دنیا دارای شهرت و مقام بزرگی میباشند قدری مفصل تر بحث
خواهیم کرد تا خوبتر بتوانیم درجه لزوم و اهمیت اکادمی ها و
وظایف آنها را خاطر نشان نمائیم .

یکی از همین اکادمی های بزرگ و معروف اکادمی فرانس است
که اینك مورد بحث قرار داده می شود .

اکادمی فرانسه :

در سنه ۱۶۲۹ چند نفر ادبای پاریس درین خود مجلس نموده فیصله
کردند که هر هفته جلسه کرده در اطراف موضوعات ادبی بحث کنند و
وقتی که یکی از ادبای مذکور کدام مضمون ادبی مینوشت همان مضمون
را در محضر رفقای دیگر خود قرائت میکرد . اگر چه اعضای این مجلس
تعهد نموده بودند جلسات ایشان مخفی بماند ولی آوازه مجلس مذکور
به سمع ریشلیو وزیر معروف لوی ۱۳ رسید وقتی ریشلیو دید جلسه های
ایشان به حال ملك و ملت بسیار مفید است عهد کرد که شخصا از ایشان
حمایت نماید همان بود که برای تشکیل يك انجمن بحضور پادشاه وقت
پیش نهاد نموده پیش نهاد مذکور در ۲۹ جنوری ۱۶۳۵ منظور شد .
اعضای رېسسه این انجمن عبارت بود از يك مدیر و يك نفر مهر دار
که بطور قرعه انتخاب میگرددند و يك منشی که بقرار رای مقرر میشد ،
وظیفه مدیر ریاست بود و مهر دار سندات رسمی اکادمی را
مهر و لاک میکرد . عده اعضای این اکادمی معین و چهل نفر بود

مجدداً تشکیل و احیاناً مهین بود که اکادمی معروف فرانس را که تا کنون وجود داشته از معروف ترین و بزرگترین اکادمی های دنیا میباشد تاسیس نمود اعضای اولیه این اکادمی ۱۸۴ نفر از مرکز پاریس و ۱۸۴ نفر از اهالی اطراف و ولا یات داخلی فرانسه و ۲۴ نفر خارجی تعیین گردیدند .

هر کدومی از اعضای این اکادمی در وظیفه خود مختار بوده همه وقت مورد نوازش حکومت واقع میشدند .

این اکادمی در اول تاسیس خود دارای سه شعبه بوده است از قبیل : « ۱ » علوم طبیعی و ریاضیات « ۲ » علوم اخلاقی و سیاسی « ۳ » ادبیات و صنایع نفیسه .

اولین جلسه این اکادمی در سنه ۱۷۹۶ منعقد گردید و بعد از آن ناپلئون کبیر در اکادمی مذکور بعضی تعدیلاتی وارد کرد و تعدیلات مذکور در سنه ۱۸۳۲ دوباره فسخ شده اکادمی بحال اصلی خود عودت و اکنون دارای پنج شعبه مثل : « ۱ » شعبه علوم طبیعی و ریاضیات « ۲ » ادبیات و زبان فرانسه « ۳ » تاریخ و ادبیات قدیمه « ۴ » صنایع نفیسه « ۵ » شعبه علوم اخلاقی و سیاسی میباشد .

این اکادمی دارای يك خزانه عمومی و يك کتابخانه بزرگی میباشد که بادیگر معاملات مربوطه از طرف هیئت داخلی اکادمی که بصورت انتخاب معین می شوند اداره کرده می شود .

همان سکسیون اکادمی مذکور که موظف به زبان و ادبیات فرانسه است به نسبت سکسیون های دیگر بر آن دارای مزیت و اولویت

میشد و این سکسیون همان سکسیون معروفی است که ادبیات امروزه فرانسه مرهون خدمات او میباشد .

این سکسیون که امروز مدلول یگانه اکادمی فرانسه میباشد دارای چهل نفر اعضا است که ایشان را اهل فرنک Immortels (لایموت ها) نام میکنند .

رجال معروفیکه درین اکادمی بالنوبه حائز رتبه سکرتری بوده اند عبارت اند از : سوار د ، فرانسواژ وسترنوارد ، فرانسوا آندرو ویلامین ، لامارتین ، و یکتور هو گو .

این اکادمی در معاملات سیاسی هیچ رابطه و علاقه ندارد و تمام مساعی خود را در احیا و ترقی زبان و ادبیات فرانسه حصر کرده اند ازین سبب رژیم های متوالی و بیهم سیاسی که مانند صحائف کتاب در آن مملکت زود زود ورق میخورند هیچوقت در امور اکادمی مداخله نمی نمایند .

برای این اکادمی عطایای هنگفتی وقف گردیده است که میتواند تمام حوائج اکادمی و اعضای آن را جبران نماید .

این اکادمی هر ساله در حدود چهل هزار فرانک به اشخاصیکه در زمینه های علمی و ادبی و غیره توجه اکادمی را بخود جلب کنند بنام جائزه میدهد .

شرائط دخول درین اکادمی :

در اکادمی فرانس محض همان اشخاصی حق دخول و عضویت را دارند که دارای سن معینه اکادمی بوده صاحب شهرت و سوابق

ارنست رینان مینوسد : « بواسطه همین اکادمی است که شخص میتواند دراطراف زبان ، شرف ، ادب فرانسه بدون خودنمایی و علم فروشی هرچه میخواهد بگوید ، نگوید که آن ها (اعضای اکادمی) چیزی نکرده اند این مخلصان وفاداران راه تهذیب حیات خوش را وقف تحقیق و تدقیق الفاظ و سنجش اجزای کلمه نموده اند . آن ها چنان شاه کاری بوجود آورده اند که عبارت از زبان فرانسه است . »
این است مقام ، اهمیت ، خدمت و بالاخره رؤس معلومات دراطراف اکادمی فرانسه .

انجمن شاهی لندن یا اکادمی انگلستان :

انجمن مشهور شاهی لندن در اثر تحریک فرانسیس بایکن (۱) بوجود آمد چه مشارالیه در یکی از محررات خود سفارش کرده بود که باید در انگلستان انجمنی که در تربیت و ترقی دادن علم بصورت درستی بکوشد تشکیل نمود اما حلول جنگ داخلی در انگلستان اجرای این تجویز را به تعویق انداخت و باز در سنه ۱۶۶۳ در اثر فرمان چارلس دوم در انگلستان انجمنی بنام انجمن شاهی تاسیس گردید و چارلس پادشاه انگلستان که میل زیادی به تعمیل آن داشت (۱۳۰۰) یونند برای لوازم اداری و تعمیل نقشه مذکور از جیب خود داد ، جلسه نخستین این اکادمی در ماه مارچ سنه ۱۶۶۳ تحت ریاست (وسکونت بروکر)

(۱) بایکن : فیلسوف معروف انگلیس و همان مردی است که فلسفه تجربی را که امروز مروج است اساس گذاشت . گرچه ابتکار آن راجع بابن سینا است ولی تعمیم مذکور و مدنیت حاضره بواسطه بایکن شده است (تره کی)

خوبی باشند از همین جهت در قرن ۱۷ مولیر بزرگترین نویسنده آن عصر را به علتی به اکادمی نه پذیرفتند که او مشهور به (آکتور) بوده به شهرتش لکه موجود بود ولی بعد از آنکه او مرد اکادمی دانست که درباره آن شخصیت بزرگ مرتکب سهو عظیمی شده است پس برای تلافی این کفاره ادبی و علمی مجسمه نیم تنه او را تراشیده در سالون اجتماع عمومی اکادمی نصب کردند و به نوشتن این عباره حق آن مرد نامی را ادا نمودند :

« در شرافت مولیر نقصی عائد نگردیده تقصیر از ما ست »
کرسی های این اکادمی وقتی يك مرتبه اشغال شد تا وقتی که صاحب آن زنده است مال اوست و باز وقتی دارنده کرسی فوت کرد نام او را در زمره (به عقیده خود شان) لا یموت ها داخل مینمایند و شاید این لقب برای این باشد که آثار ایشان تا ابد نام آن ها را زنده نگه میدارد .

مؤثرات این اکادمی :

اما در اینکه این اکادمی چه تاثیر کرده است ؟ بر علاوه اینکه میتوان ادبیات ، زبان ، علوم ، فنون ، فلسفه و صدها عوامل دیگر مدنی مملکت فرانسه بلکه اکثری از ممالک دیگر را از مؤثرات این اکادمی پنداشت ، رجال بزرگ و متفکرین نامور هر کدام در تعریف و توصیف این اکادمی چیزهایی نوشته که از همه و یا چند نفر آن ها به علت ضیق بودن صحیف مقاله صرف نظر کرده تنها قول ارنست رینان فیلسوف فرانسه را ذکر مینمائیم :

اعضا با کثريت آرا از بين خود اعضای انجمن انتخاب می شوند اجرا مينمايد بعد از آنکه مدت تقرر رئيس مذکور ختم شد دوباره انتخابات شروع میگردد و جاز است اگر رئيس برای دوم بار هم انتخاب کرده شود . حکومت انگلستان در هر سال برای تحقیقات علمی تقریباً ۶۰۰۰ پوند بانجمن مذکور میدهد .

اعضای انجمن مذکور در هیئت های انتخابیه که برای تقرر پروفسورها در دارالفنون ها و مدارس عالی دیگر تشکیل می شود نیز نمایندگی دارد . باین اکادمی از طرف متمولین محض بغرض خدمت در راه پیشرفت علم هر ساله يك مبلغ هنگفت پول بطور اعانه داده می شود و انجمن مذکور از همین مبلغ هر ساله مبالغ هنگفتی را بنام جائزه به مقتدايان علم و فن بطور تشویق انعام میدهد . اما در اینکه این اکادمی در تطور ذهنی و علمی و ادبی ملت انگلیس چه تأثیری نموده است ؟ میتوان گفت و کتب تاریخ علوم ، فنون ، فلسفه ، ادبیات صنایع و بالاخره تواریخ تمام شئون زنده گانی بشر گواهی میدهد که تأثیر بسیار نموده است و اینکه اگر بخوایم درجه تأثیر این اکادمی را با اسکادمی فرانس مقایسه کنیم مجبوریم به نوشته یکی از علمای انگلیس ما تو آرنولد رجوع نمائیم زیرا او درین این دو اکادمی مقایسه و قضاوتی نموده است ما تو آرنولد در مقاله خود که به عنوان تأثیرات ادبی اکادمی ها نوشته و نوشته مذکور را عیناً در دائرة المعارف بریتانیکا اقتباس کرده اند و ما این بطور را از ان دائرة المعارف النقاط مینمائیم :

« در انگلستان که چنین اکادمی وجود ندارد آن حرکات غریب و غیر معمول آن روحیه محدود و آن خشونت و پستی به نظر میرسد که

که شخص نجیب و در علم ریاضی تبحرز زیادی داشت انعقاد یافت . این اکادمی مدت ۲۷۰ سال در حیات فکری و علمی ملت انگلیس رول منحصر به فرد و نهایت مهمی را بازی کرده است .

روسای آن بآلانو به عبارت از نیوتن کبیر ، دیوی ، هوگر ، کلونین و ها پکنس است که هر کدام در موضوعات متخصصه خود علامه زمان خویش بوده اند .

چون انجمن شاهی لندن در میان مجامع دیگر علمی انگلستان دارای مقام شایخی میباشد ازین جهت باید قدری مفصل در اطراف آن بحث کرد .

اکادمی مذکور دارای ۴۵۰ نفر عضو میباشد و غیر ازین اعضا که همه انگلیس و دارای تابعیت انگلستان اند دارای تقریباً ۵۰ نفر عضو خارجی هم میباشد که از جمله اعضای طبیعی ۷۷ نفر برای فزیک و علم المواسم و ۵۳ نفر برای ریاضیات و ۲۴ نفر برای انجنیری و ۷۰ نفر برای کیمیا و ۹۰ نفر برای طب و ۳۶ نفر برای حیوان شناسی و ۳۴ نفر برای گیاه شناسی و ۳۵ نفر برای علم طبقات الارض و ۱۰ نفر برای علم النفس و ۱۸ نفر برای موضوعات متفرقه علوم و ۸ نفر برای امور منی و ۳ نفر برای عتیقه شناسی است .

منتظری که میخواهد به صفت عضویت وارد اکادمی شود باید یکی یا چندی از اعضای اکادمی را طرفدار خود بسازد تا اسم او را در اکادمی به صفت عضویت پیش نهاد کنند و این انتخاب را باید شش نفر عضو دیگر اکادمی تصدیق نمایند تا بعد ها به تصویب برسد .

امور اداره و انتظامات اکادمی از وظیفه رئیسی است که برای دو سال به اکثریت آرا از طرف اعضای انجمن انتخاب میگردد این رئیس وظیفه مفوضه خود را به اتفاق يك نفر خزانه دار و ۲۲ نفر عضو که از طرف

این انجمن غیر رسمی و مرکب از فضلا و دانشمندان تورکیه بود که در زمینه‌های مختلفه علمی، ادبی، تاریخی و بالاخره تمام مسائل اجتماعی خدمات شایانی به ملت عثمانی انجام داد.

این انجمن در اوقات معین همراه مجمع میکرد و بجمله هم بنام ثروت فنون ازان مجمع انتشار می یافت.

از رجال بزرگیکه این اکادمی را بذریعه قلم و افکار خود اداره میکردند میتوان رجائی زاده، محمود اکرم، نامق کمال، احمد مدحت و بعد از آن‌ها عبدالحق حامد، احمد احسان، فیلسوف رضا توفیق وحسین جاهد را نام برد.

بعد از انجمن ثروت فنون دران مملکت انجمن دیگری معنون به (فخرآنی) تاسیس و سپس مجمع برگشتی بنام (تورک انجاقی) که موسس آن فیلسوف جوان تورک (ضیا کوك آلب) بود تاسیس گردید این انجمن طوری که از نام آن فهمیده می شود انجمنی بود دارای مرام مفرط ناسیونالیزم (ملت خواهی) زیرا دران انجمن اعضای عالم و درعین حال باحرارتی جا گرفته از جریانات ناسیونالیزمی اروپا متأثر و در زمینه علم، تاریخ، ادبیات طوری رویه میکردند که تمام علوم قدیمه را باید هر طوری هست به ملت خود شان نسبت بدهند و اثبات کنند که پیش قدمان تمدن دنیا افراد ملت ایشان بوده اند.

بعد ازین انجمن اگرچه دران مملکت انجمن های متعدد و مختلف دیگری از قبیل (تورکیات انستیتوسی) و امثال آن روی کار آمد ولی هر کدام آن ها دارای عمر کمی بوده و به سقوط رفتند. ولی اکنون، امروز در مملکت تورکیه مؤسسه یگانه که میتوان آن را بتمام مفهومش اکادمی نام داد همانا (انجمن زبان و تاریخ تورک) میباشد.

بواسطه نواغ آن جبران پذیر نیست

کلمه (چنین) در جمله فوق اشاره به اکادمی فرانس است زیرا او در نوشته خود اکادمی فرانس را دربار عالی ادبی نام داده است. این است مقام و تاثیر علمی و ادبی و . . . دوا اکادمی بزرگ اروپا ولی در اینکه نهضت اکادمی در ممالك دیگر اروپائی چطور و در چه وقت رو داده است؟ این خود موضوعی است که از دائره احاطه این مقاله خارج میباشد و صرف اینقدر میتوان گفت که: اولین اکادمی در استریا در سنه ۱۸۴۶ عیسوی و در سنه ۱۶۷۲ در جرمنی و در سنه ۱۷۲۵ در روسیه تزاری یعنی امپراطوری روسیه و . . . تاسیس شده است که هر کدامی ازان ها در ممالك خودشان خدمات گران بها و در ممالك دیگر موثراتی دارند که رویهمرفته غنیمت بوده است.

تصور میکنم حد محدودیکه برای این مقاله در نظر است در زمینه اکادمی های فرنگستان کافی باشد.

حالاً نوبت آن آمد که قدمی نزدیک تر آمده در اطراف انجمن های علمی و ادبی ممالك اسلامی مخصوصاً تورک، ایران، هند، مصر صحبت کرده به بینیم که اوضاع انجمن های دول مذکور که هر کدام در عصر خودش به منزله اکادمی بوده است چطور بود؟ و اکنون چیست؟

تورکیه:

نخستین مجمع دانش تورکیه که میتوان آن را شبیه به اکادمی پنداشت انجمن (ثروت فنون) بود که در اواخر سلطنت عبدالحمیدثانی (اواخر قرن ۱۹) در دولت عثمانی تاسیس گردیده بود.

روپهرفته اعضای اکادمی مذکور ادعا دارند که با وضع کردن نظریه های تاریخ و زبان در زمینه های مذکوره حائز موفقیت شده اند .

ایران :

اگرچه از سنوات قبل یعنی از ابتدای انقلابات سیاسی ایران باین طرف دران مملکت انجمن های متعدد و مختلفی با دارائی مرام های علمی ، ادبی ، تاریخی ، اجتماعی و بالاخره هرگونه شئون حیاتی روی کار آمده هرکدام آن ها علی قدر قدرتهم در زمینه های متعده خویش خدمت کرده اند اما انجمن های معروف آن مملکت که هرکدام بشکل اکادمی های کوچکی بوده است عبارت از انجمن دانشکده بود که مؤسس آن آقای ملک الشعرای بهار و انجمن فرهنگ که مؤسس آقای ترجمان الممالک و انجمن تربیت در تبریز که مؤسس آن میرزا محمد علیخان تربیت و انجمن ادبی ایران که مؤسس آن آقای شهزاده افسر بوده است .

از انجمن های متذکره فوق اکنون فقط تنها انجمن ادبی ایران باقی و بایه دار است که فعلاً هم ریاست آن را همان مؤسس اولیه او آقای شهزاده افسردار میباشند . یگانه اکادمی که بهر اسم و رسم میتوان آن را اکادمی گفت فرهنگستان ایران است .

این اکادمی که دارای نام فرهنگستان میباشد مستیماً اکادمی است زیرا آقای فروغی در موقعیکه زمام اداره و سیاست ایران را بدست داشته رئیس الوزرای آن مملکت بودند اکادمی مذکور را شخصاً افتتاح و در خطابۀ افتتاحیه خود (فرهنگستان) را مقابل کلمۀ اکادمی استعمال کردند .

این انجمن مؤسسه رسمی دولتی بود و رئیس بزرگ آن کمال آتا تورک (رئیس جمهور) آن مملکت میباشد ، اعضای آن عبارت از مبرزترین رجال تورک و اشخاصی میباشد که هرکدام در زمینه های متخصصۀ خودها به رتبه دکتوری نائل شده اند .

این انجمن دارای دو شعبه است یکی سکسون (شعبه) تحقیق تاریخ تورک و دیگر سکسون (شعبه) زبان و ادبیات تورک میباشد . اکثری از اعضای این دو شعبه در فاکولته تاریخ ، زبان ، جغرافیه هم سمت استادی (پروفیسوری) دارند و اکثراً در مجله رسمی سکسون های مذکور مضامینی را که پروفیسورها در اثباتی درس برای شاگردان ایراد کرده اند برای اطلاع عامه نشر میکنند .

این انجمن ها بعد از يك مدت معینی از پروفیسورها و متخصصین زبان و تاریخ خارجه دعوتی نموده مجلس بزرگی که آن را (کورولتای یعنی لویه جرگه) نام میگذارند منعقد میکنند تا نتیجۀ تحقیقات ایشان کاملاً شایع و تعمیم گردد .

روپهرفته قیمت و اهمیت علمی کار ایشان هر چه می خواهد باشد اکادمی مذکور با جدیت و عزم مرادۀ کار میکنند و طرف توجه آتا تورک واقع شده است و از همه مهمترینکه این اکادمی در زمینه زبان تطوری (نظریۀ زبان آفتاب) و در موضوع تاریخ نظریۀ مقایسه جمعه را بوجود آورده از ان حسب مطلوب نتیجۀ بر آورده اند که این نتایج در نزد مبتکرین آن بس گران بها و فائز آور است .

اعضای مبرز این اکادمی : بای شمس الدین و بای فواد کورپرو و بای یوسف ضیا و بای احمد جواد و بای عبدالقدیر و بایان آفت و ... میباشد .

مضی از انجمن های علمی آن دیار که اکنون هم موجود است انجمن ریاضی کلکته - و انجمن ریاضی هند و انجمن گیاه شناسی هند و انجمن کیمیاوی هند است که زیاده تر از دارائی ماهیت یک اکادمی شبیه، انجمن های عمده و بزرگ علمی میباشد که در یک رشتا از علوم طبیعی دارای اختصاص اند.

انجمن های علمی هند که میتوان آن ها را دارای ماهیت اصلیه اکادمی پنداشت همانا دوا اکادمی است که یکی آن (انجمن آسیائی بنگال) و دیگری (اکادمی علوم و لایات متحده) میباشد که این است به نوبت بحث کرده می شود:

انجمن آسیائی بنگال در سنه ۱۷۸۴ از طرف مستشرق معروف سرولیم جونز تأسیس گردید تا در اطراف تاریخ قدیمه هند و تاریخ قرون وسطی و آثار عتیقه مشغول شود. همان بود که در هر سه مورد مخصوصا در قسمت سوم وظیفه خود. خدمات شایانی نموده است.

اکادمی علوم و لایات متحده در سنه ۱۹۳۰ در آله آباد تأسیس گردید اعضای این انجمن اغلب از همان ولایت بوده و یک عده اعضای دیگر مذکور از ولایات دور دست میباشد. این انجمن دارای یک کتابخانه و یک مجله است که در هر سه ماه یکبار نشر می شود.

غیر از این اکادمی ها و انجمن ها یک که ذکر شد در هند بسا انجمن های غیر رسمی دیگری هم وجود دارد که با انجمن های علمی رسمی و دولتی همیشه معاونت مینمایند و این انجمن ها هر کدام در یک یک زمینه های عمده علمی مصروف تحقیقات و تنبغات میباشد.

مصر:

علامه فرید وجدی در جلد اول دائرة المعارف وجدی در ختم ماده

این اکادمی در ۲۹ ماه ثور سنه ۱۳۱۴ با راده اعلی حضرت پهلوی دران مملکت تأسیس گردیده دارای ۲۴ نفر عضو طبیعی است که ریاست آن را آقای حسن وثوق (وثوق الدوله) که یکی از فضلاء نامور آن کشورند دارا و مهمترین وزیده ترین اعضای آن آقای ابوالحسن فروغی و آقای بدیع الزمان فروزان فرو آقای سعید نفیسی و آقای دکتر شفق و آقای علی اصغر حکمت و آقای دهخدا و آقای یاسمی میباشد.

مرام این اکادمی حفظ و ترقی زبان و ادبیات ایران و جمع کردن آثار ملی و بالاخره انجام هر گونه وظائفی است که مربوط به ثقافت (کولتور) ایران میباشد.

این اکادمی در مواعید معینه قانون نامه خود جلساتی عقد و در اطراف موضوعات موظفه خویش شور و غور میکنند و میتوان گفت که از روز تأسیس خود تا امروز که در حدود دو سال می شود اکادمی مذکور در وظائف خود مخصوصاً در قسمت وضع کردن لغات جدید که آن را وسیله یگانه استقلال زبان فارسی قرار داده اند خدمات خوبی کرده است.

هند:

دیار وسیع و پهناور هند که سرزمین فلسفه، ریاضی، نجوم و بالاخره اکثری از علوم و ادبیات قدیمه است در قرون اخیر هم در زمینه های علمی نهضتی نموده انجمن ها و مؤسسه های بزرگ بزرگ علمی ادبی را دیده است که دران دیار تأسیس و بعد از یک مدتی از بین رفته اند.

روپهرفته این اکادمی طوری تاسیس شده که شیه به اکادمی فرانس باشد و مقرر گردیده است کده نفر از اعضای این اکادمی از افراد علمای تبعه مصر و ما بقیه از افطار ممالک دیگر عربی و مستشرقین باشند که به لغت و ادب عرب رابطه و علاقه دارند .

چون اساس این اکادمی بر روی مبانی قویه و وسائل اساسی گذاشته شده است امید می رود بتواند در مصر و بالاخره در ممالک دیگر عربی زبان از ناحیه لغت ، زبان ، ادبیات و علوم مصدر خدمت شایانی شود .

این است مطالعات مختصری که در اطراف اکادمی های ممالک نموده شد حالا موقع داریم به وطن خود برگشته به بینیم مادرین راه چه کرده و چه میکنیم ؟ :-

نخستین انجمن علمی در افغانستان در قرون اخیر :

در سنه ۱۳۰۹ اعلیحضرت مفور شهید (محمد نادر شاه افغان) بنا بر عشق و علاقه که به مطبوعات و مفاخر ملی خود داشتند اراده فرمودند در کابل انجمنی تاسیس شود که مرام آن پیش برد ، ادبیات ملی ، تعمیم علوم ، تدوین تاریخ وطن و مسائل دیگر که رابطه ب حیات علمی مملکت دارد باشد . این فکر شاهانه عملی شده ، انجمنی بنام (انجمن ادبی) تاسیس و یکده فضلا و نویسندگان وطن را به صفت عضویت وارد انجمن کرده ریاست آن را به ع ، ج ، محمد نوروز خان سرمنشی حضور شاهانه شان سپردند .

انجمن ادبی از روز تاسیس خود الی اول ثور ۱۳۱۶ که روز تحویل آن به پشتو توله میباشد بدستاری اعضای فاضل و حسن

اکادمی می نویسد :- « در مصر هم جمعیتی شیه با این اکادمی (اشاره به اکادمی فرانس) تاسیس شد ولی چون آن ها مستند به معاونت و سلطه حکومت نبودند منحل شدند »

علامه مذکور در دائرة المعارف مزبور احتیاج شدید زبان و ادبیات عربی را به وجود يك اکادمی خاطر نشان کرده در اخیر تاسیس يك اکادمی شیه به اکادمی فرانس را از حکومت مصر التجا کرده است . پس معلوم است که در مصر تا زمان تدوین دائرة المعارف موصوف و اکادمی لغویه که ذیلا عرض کرده می شود موسسه شیه به اکادمی موجود نبوده و اگر بوده هم بعد از يك مدت کوتاهی از بین رفته است که در محضر علم شهرتی ندارد .

اکادمی لغویه عربیه (الاکادیمیه اللغویه العربیه) :

در ماه ستمبر ۱۹۳۲ حلمی عیسی پاشا وزیر معارف مصر اکادمی در مصر به عنوان (الاکادیمیه اللغویه العربیه) تاسیس کرد و اساس اکادمی مذکور طوری گذاشته شد که باید از فضلی تمام ممالک عربی اللسان و برخی از مستشرقین راجع به لغت و ادبیات عربی و بعضی از علوم دیگر استعانت نموده شود .

این اکادمی موظف است تا بوسیله وضع کردن لغات جدید و تدوین قاموس مکمل عربی زبان عربی را برای رفع حوائج علمی و فنی و بالاخره تمام شئون زندگانی مستعد نماید زیرا علمای مصر عقیده دارند « و حقیقت همین است » که زبان چون مولود زندگانی بشر است طبعاً مثل نوامیس دیگر بشری محکوم به تحول و تکامل میباشد ازین جهت اکادمی که یگانه و سیله تکامل السنه میباشد برای زبان عربی کمال لزوم و اهمیت را داشت .

یکهده شعرا، محررين، تذکره نويسان است که در اثر نشریات و اقتراحات و جوائز انجمن تشویق شده خود را بذریعہ مقالات، اشعار، نوشتن تذکره های بعضی از رجال ادبی، علمی و غیره وطن بجامعه معرفی کردند و این خدمت انجمن بحدی بارز است که اگر احصایه نویسندگان و شعرای قبل از انجمن باشماره نویسندگان و شعرای حاضره مقایسه کرده شود دفعه حس کرده می شود.

رو بهمرفته انجمن ادبی در اثر انتشار کتب، مجلات کابل، سالنامه ها، طرح نمودن اقتراحات و اعطای جوائز و امثال آنها در راه بیداری و عرفان مملکت خدمات غیر قابل انکاری نموده است چنانچه یکی از خدمات بزرگ او این است که او سبب نشر افکار شاهانه راجع به احیای زبان پشتو و تهیه نمودن زمینه برای ترقی و تعمیم زبان شده است زیرا انجمن ادبی از اشعار شعرای قامور پشتو منتخبات واقباساتی نموده وقتاً فوقتاً به مجله کابل نشر و در اطراف اهمیت زبان پشتو و رو بهمرفته اهمیت السنه و زبان مستقل برای یک ملت مستقل در مجله، سالنامه کابل مقالات متعددی نشر کرد تا اینکه از داخل و خارج اذهان را ملقت و متوجه اهمیت و مقام زبان پشتو نمود و بتاریخ ۲۰ حمل ۱۳۱۶ که ع، ج، سر دار محمد نعیم خان بوزارت معارف مقرر شدند ریاست رسمی انجمن را حائز و آن را مبدل به پشتو تولنه فرموده بشکل اکادمی در آوردند.

بعد از آنکه انجمن ادبی عنوان پشتو تولنه یا اکادمی افغان را یافت وظایف آن وسعت و برعده اعضای مذکور افزود شده به چهار شعبه منقسم گردید از قبیل: شعبه تالیف و ترجمه، شعبه ادبیات، شعبه نشریات، شعبه لغت و صرف و نحو پشتو.

اداره رئیس صاحب فعال و توجهاتیکه از مقام منبع یاد شاهی مبذول میشد به انواع وسائل پیشرفت امور که شائسته يك انجمن فعال و کارکنی باشد متوسل شد مثلاً وقتاً فوقتاً دعوتی از اعضای افتخاری خود نموده در زمینه های مهمه و وظائف خویش از او شان استعانت و برای اینکه نتیجه کارها و تتبعات اعضا به عامه تبلیغ شده خدمتی بعرفان مملکت نموده شود مجله بنام مجله کابل انتشار داد.

چون افغانستان درین چند سال اخیر در اثر جدیت و زحمت مقامات عالی مملکتی در هر رشته از امور مصدر اصلاحات عمده و بزرگی شده است، لهذا انجمن ادبی برای اینکه از جاری امور سالانه وطن و اجرا آت مامورین و دوائر و بالاخره روح سعی و عملیکه خوشبختانه در مملکت تولید شده است سالیانه تذکری نموده باین وسیله روح کار رادر افراد داخلی تنمیه و سبب معرفی پیش رفت های امور اداری مملکت در خارج شود به نشر سالنامه معنون به سالنامه کابل اقدام کرد.

این مملکت قدیم و دارای هزارها افتخارات تاریخی باز هم متأسفانه تاریخ مدونی از ملت و نیاکان خود نداشت پس انجمن ادبی بوسیله اعضای طبیعی و افتخاری خود سعی کرد تاریخ وطن را از چندین جنبه مثل تاریخ سیاسی، تاریخ ادبی، علمی، احیای اسمای رجال نامور و امثالهم در طی مقالات، کتب، رسالات، سالنامه ها روشن نموده زمینه را برای تحقیق و تتبع در تاریخ افغانستان باز کرد بحدی که اکنون بتناسی انتشارات انجمن ادبی هر فرد صاحب سواد وطن بکمال سهولت میتواند نقاط باعث افتخاری تاریخ و وطن خود را به خاطر بیاورد.

یکی از بزرگترین خدماتیکه انجمن ادبی نمود هما نا به میدان بر آوردن



ع. ح. شهزاده احمد عليخان دراني مدير عمومي
انجمن ادبي
M. Chahzadah Ahmad Ali Khan Durrani
directeur général



ع. غلام جيلاني خان اعظمي معاون عمومي
انجمن ادبي
M. Gholam Djelani Azami
vice-directeur

سا لنامۀ « کابل »

پشتو ټولنه در ظرف يك سال بوسيلۀ شعب خود مصدر خدمات قابل قدری شده است که ميتوان گفتم بهمين اندازه موفقيت در مراحل اوليه برای يك موسسۀ علمي منتهای موفقيت است .

اين است برای ايشکه نتيجۀ اجراآت و کارهای يك سالۀ پشتو ټولنه را بطور مختصر از نظر قارئین گرام گذرانېده باشيم امورات هر شعبه عليحده عليحده مورد مطالعه قرار ميگيرد .

شعبۀ تاليف و ترجمه :

چون مرام عمده شعبۀ مذکور تدوين تاريخ افغانستان است ازين جهت اجراآت او زيادتر در اطراف تحقيق تاريخ افغانستان انحصار دارف و بنا بران شعبۀ مذکور طوریکه ذيلاً مطالعه ميفرمايد در ظرف اين مدت قليل موفقيت خوبی حاصل کرده است :

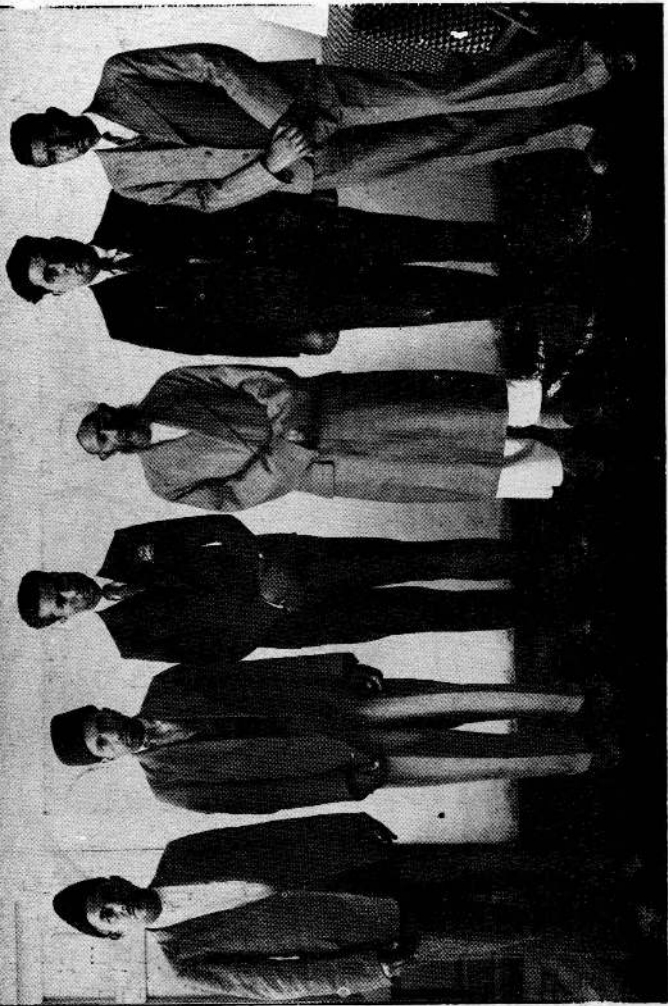
مؤلفات و ترجمات شعبۀ مذکور :

« ۱ » صنعت باختر :

تاليف موسيؤ ژوزف هاکن : ترجمۀ جناب احمد عليخان کهزاد مدير شعبۀ تاليف و ترجمه : اين کتاب که بشکل رسالۀ کوچک به فارسي و فرانسه نشر شده اگرچه بيش از يك مقاله نميباشد بذات خود خیلی مهم است زیرا بعد از کشفیات فندوز ثابت ميسازد که مهد تولدی صنعت گريک و بوديک در شمال هندوکوه در بکتریان است .

« ۲ » بگرام :

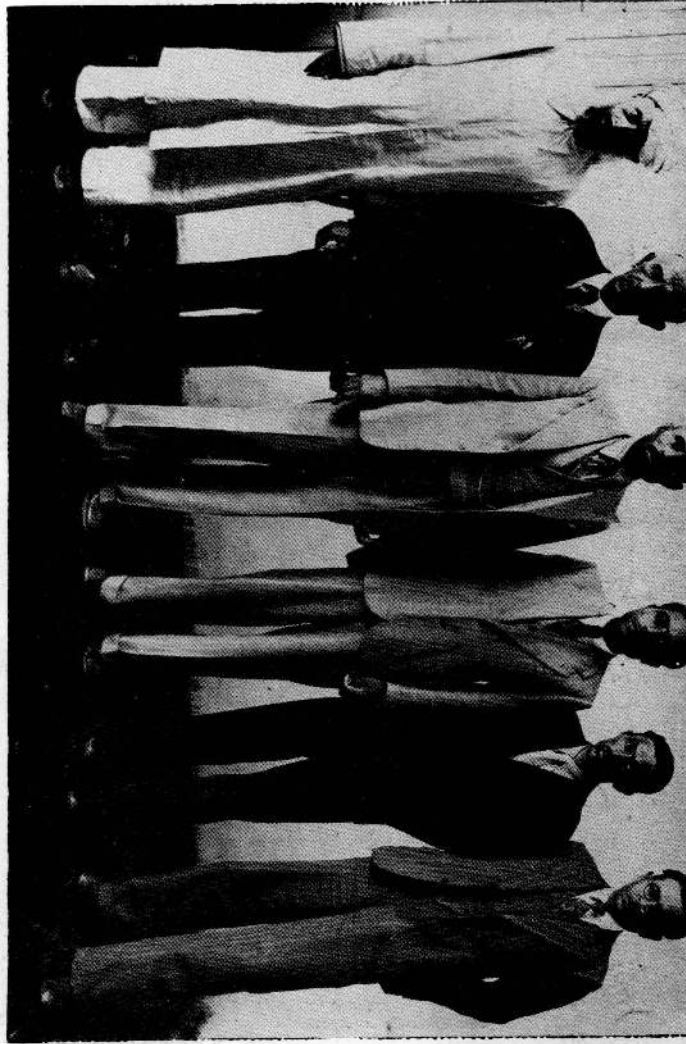
تاليف جناب احمد عليخان کهزاد مدير شعبۀ تاليف و ترجمه :

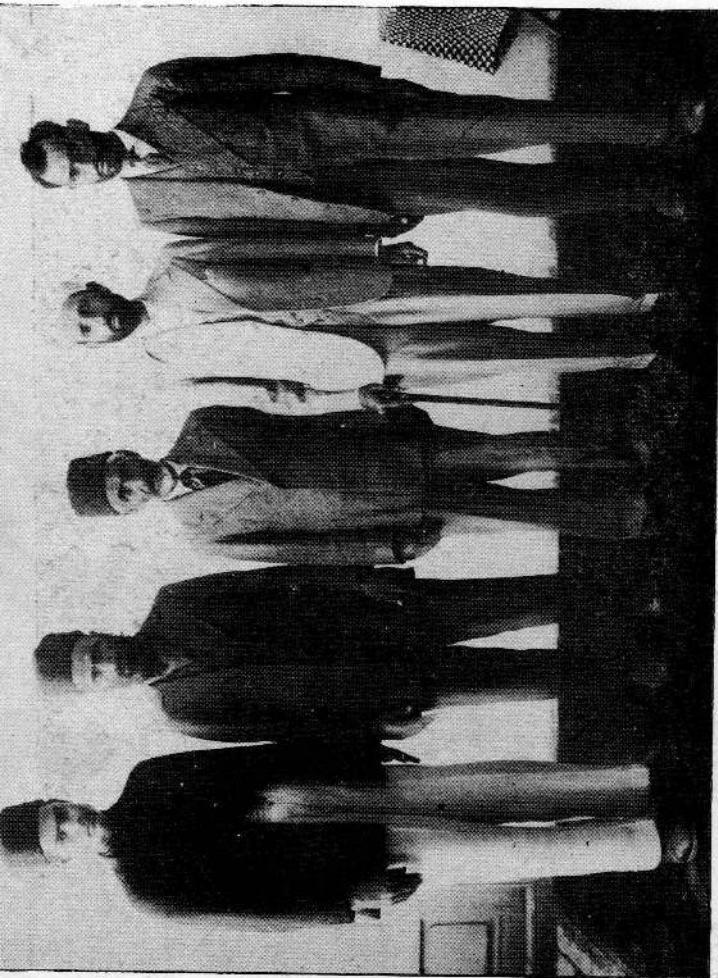


هیئت انجمن ادبی: شعبه ادبیات و حفظ آثار ملی - از راست به چپ ع ، امین الله خان زحریالی معاون
ع ، سرور خان گویا مدیر - ع ، قاری عبدالله خان ملک الشعراء - ع ، محمد قدیر خان تره کی عضو
ع ، محمد گل خان نوری عضو - ص ، محمد سرور خان پویا کاتب

L'Académie Afghane: section de littérature et de folklore. 2ème personne de droite
M. Gouya directeur de cette section.

هیئت انجمن ادبی: شعبه تالیف و ترجمه - از راست به چپ: ص ، عبدالغفور خان مترجم انگلیسی - ع ، عبدالباقی خان
اصطفی عضو - ع ، احمد علیخان کبراد مدیر - ع ، یعقوب حسن خان معاون - ص ، عبدالواحد خان مترجم روسی
ص ، اورادالدین خان مترجم عربی - ص ، (عبدالباقی خان کاتب حاضر نیست)
L'Académie Afghane: section de l'histoire. 3ème personne de droite M. Ahmad Ali Kohzad
directeur de cette section





هیئت انجمن ادبی : شعبه لغت و صرف و نحو . از چپ بر راست : ص عبدالصمد خان کاتب -
ع ، عبدالخالق خان اخلاص عضو ، ع ، محمد اعظم خان ایازی مدیر - ع ، صالح محمد خان
مبصر پشتو ، ع ، گل پاچا خان الفت عضو

L'Académie Afghane-section de la langue ; au centre M. Mohd Azam Ayazi
directeur de cette section .



هیئت انجمن ادبی . - شعبه نشریات : از چپ بر راست ع ، یار محمد خان عضو -
ص ، میر عبد الواحد خان کاتب - ع ، احمد الله خان کریمی عضو - ع ، سید قاسم رشقی
مدیر نشریات و مهتم سالنامه - ص ، محمد معصوم مصحح - ع ، قیام الدین خان خادم عضو

L'Académie Afghane - section des publications et de la presse.
3ème personne de droite M. S. Kassém Reshtya directeur
de cette section et rédacteur en chef de l'Almanach de Kaboul

این کتاب که عجلتاً بصورت مقاله درجمله کابل نشر شده میرود در آخر چهارصدجلد مستقل هم طبع خواهد شد. این اثر کوچک بصورت مختصر وقایع تاریخی بگرام پای تخت شاهی و امپراطوری افغانستان را در عصر قبل الاسلام باچیزی فلهکلمه مربوطه آن شرح میدهد.

«۳» سلطان محمود :

تالیف داکتر ناظم ترجمه جناب عبدالغفور خان «امینی» مترجم انگلیسی شعبه تالیف و ترجمه : این اثر که بادت و به اساس مآخذ معتبر نوشته شده برای روشن ساختن وقایع عصر سلطان بزرگ افغانستان محمود غزنوی کمک زیاد میکند این اثر مفید عجلتاً در مجله کابل نشر میشود و بصورت مستقل هم طبع خواهد شد.

«۴» قلب آسیا :

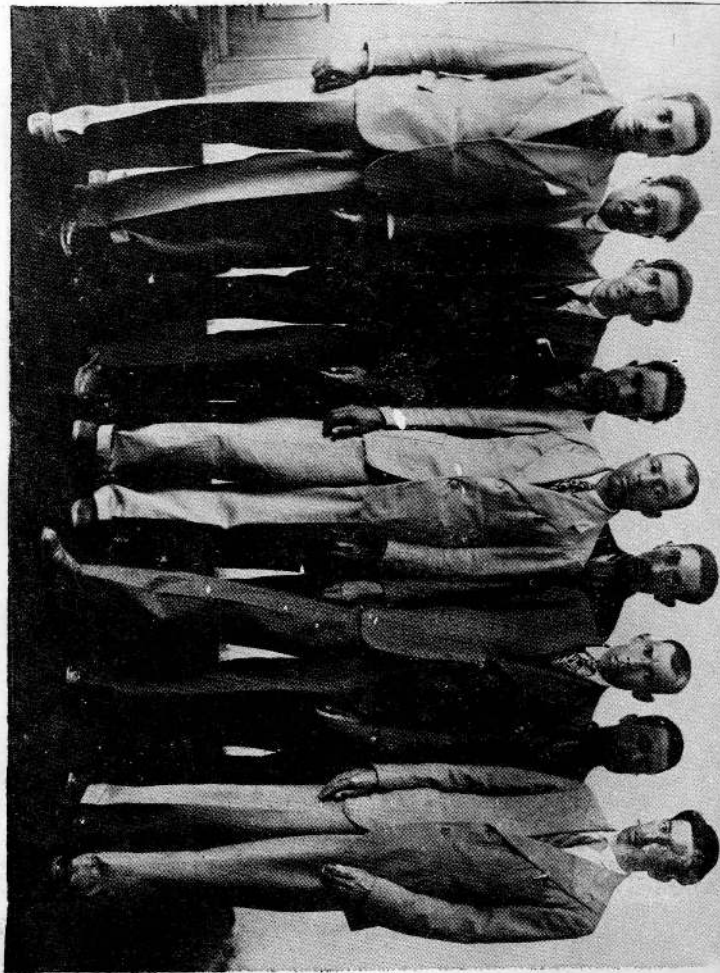
تالیف «هنری اسکر این» و «سردینی سن راس» ترجمه جناب عبدالغفور خان امینی : این کتاب شامل دو حصه است : چون حصه اول آن مشتمل بر ۱۷ فصل است و سراسر مربوط به افغانستان میباشد آقای امینی محض همین قسمت را ترجمه نموده اند.

«۵» یسوعیان در افغانستان :

تالیف پروفسر هانری هراس ترجمه جناب عبدالغفور خان امینی : این اثر کوچک رساله ایست مرکب از مجموعه یادداشت های که مبلغین مسیحی حین ورود خود در افغانستان نوشته اند. این رساله هنوز به طبع نرسیده.

هیئت انجمن ادبی : شعبه محاسبه و تحریرات و توزیع و غیره : از چپ بر راست من ، محمد امان خان کاتب اجراییه من ، سید غلام خان خانان سامان - من ، محمد یعقوب خان کاتب توزیع من ، بهرام خان کاتب اجراییه - من ، امیر محمد مامور اجراییه - من ، غلام جان خان کاتباندار من ، عبدالمالک خان سرکاتب تحریرات - من ، محمد شعیب خان بخوبلدار - من ، محمد کریم خان کاتب تحریرات

L'Académie Afglane: les fonctionnaires des bureaux administratifs.



« ۶ » تاریخ هرات :

تألیف جناب فاضل جلالی معاون سابق شعبه تألیف و ترجمه مدیر معارف ولایت کابل : این اثر به صورت عمومی وقایع تاریخی ولایت هرات را ترسیم میکند . هنوز به طبع نرسیده .

« ۷ » تاریخ اراصی خلافت شرقیه :

تألیف لوستراج : ترجمه جناب عبدالباقي خان لطیفی عضو شعبه تألیف و ترجمه : از این کتاب راجع به بعضی ولایات غربی افغانستان معلومات خوبی بدست میآید جناب لطیفی محض ۶ فصل آنرا که مربوط خراسان و سیستان میباشد ترجمه نموده اند .

« ۸ » یوچی و کوئی شوانگک :

کنفرانس پروفیسر « هانداتورو » جاپانی ترجمه کهزاد : در تاریخ افغانستان قبل الاسلام مسئله یوچی ها و کوشان سی از مسائل خیلی مهم و نسبتاً تاریک است : این کنفرانس که بصورت رساله طبع و ترجمه آن در شعبه تاریخ موجود است از شرح اقصی در آن روشنی خفیفی می اندازد .

« ۹ » مسکوکات افغانستان :

مقاله مفصل راجع به مسکوکات افغانستان در عصر قبل الاسلام نگارش جناب « کهزاد » این مقاله در سالنامه امسال طبع میشود .

« ۱۰ » اشیای قدیم « مرگزی و جنوب شرقی » قرار

نظریات بطلمیوس

تألیف « آندره برتلو » : ازین کتاب مراد زیاد راجع به جغرافیا و تاریخ اعصار قدیم افغانستان بدست میآید . عجالتاً فصل بکتریان و مارژیان واری « آنرا کهزاد ترجمه نموده و در شعبه تاریخ موجود است .

« ۱۱ » چنکیز و چنگیزیان :

مقاله ایست در ۶۲ صفحه جناب فاضل جلالی از تاریخ حبیب السیر و بعضی کتب دیگری اقتباس و خلاصه نموده اند .

« ۱۲ » مواد متفرقه راجع به افغانستان :

جناب غلام جیلانی خان جلالی از کتب مختلف عربی مثل طبری - ابن خرداد به - المسالك و الممالك - بیهقی - تاریخ امم و الملوك حبیب السیر و غیره اقتباس و ترجمه نموده اند .

« ۱۳ » درامه تاریخی « مردان پاروپا میزاد :

نگارش جناب احمد علیخان کهزاد این درامه در حقیقت یک افسانه قدیم ملی است که با وقایع تاریخی تطبیق داده شده و شهادت ملی پشتون و اشکالاتی را که اسکندر در افغانستان دچار شده بود ترسیم میکند . هنوز به طبع نرسیده است .

(تبصره : کتب و رسائل فوق یا طبع شده مثل صنعت باختر و یا تحت طبع و یا آماده طبع میباشد)

(۱۴) ایجاد رابطه با علمای تاریخ و مؤسسات تاریخی عالم که دامنه آن روز بروز درتر اید میباشد.

شعبهٔ تألیف و ترجمه برای تدوین يك دورهٔ مکمل تاریخ افغانستان پلانی ترتیب داده و برای اینکه این مرام ملی بزودی عملی شود مفردات آنرا علاوه بر اعضای منسو به شعبهٔ تألیف و ترجمه يك عده فضلاء وطن تقسیم نموده تا اگر خدا خواسته باشد ماهم بزودی دارای يك دورهٔ تاریخ مکمل گردیم:

شعبهٔ ادبیات و حفظ آثار:

این شعبه متعاقب تاسیس خود مجموعهٔ کوچکی بنام رهنمای مردم شناسی نشر کرده دران خط مشی خود را اعلان نمود تا مردم از يك طرف به اهمیت کار این شعبه بدانند و از طرف دیگر بنا بر اشتراك مفاد ملی با او معاونت نمایند.

رهنمای مذکور در عین اینکه مجموعه ایست که بغرض تأمین تعاون ابنای وطن نوشته شده معیناً برای اطلاع از رؤس مسائل فولکلور (مردم شناسی) اثر مفیدی میباشد. شعبهٔ ادبیات این اثر را بذریعهٔ مکتب متحد المال بتمام فضلاء مرکز و اطراف فرستاد تا ایشان هم به سهم خود در تدوین و جمع کردن مواد مذکور باشعبهٔ موصوف امداد نمایند. چنانچه بعضی از فضلاء دیار خواست او را قبول نموده بفرستادن آثار متنوع و مختلف ما را ممنون ساخته اند و شعبهٔ ادبیات برای اینکه بتواند عهده خود را خوبتر انجام بدهد با فضلاء و ادبای پشتو زبان روابط ادبی و لغوی خود را قائم نمود.

شعبهٔ ادبیات از روز تاسیس تا کنون چند جلد کتابی هم مطابق

وظائف خویش آمادهٔ چاپ نموده است از قبیل کتب ذیل:

۱: ضرب المثل های پشتو حصهٔ اول: - این کتاب محتوی ضروب امثال است که هر کدامی از ان ها در دوستون مقابل هم دیگر بزبان پشتو و فارسی شرح گردیده است و انشاالله تعالی عنقریب چاپ خواهد شد
۲: - منتخبات اشعار خوش حال خان خټک: منتخب این اشعار ومدون آن به موضوعات چند از روی تناسبی که اشعار مذکور موضوعاً باهم دارا بود جناب زمریالی معاون شعبهٔ ادبیات میباشند.

۳: - کتاب عرف و عادات قومی و ملی و.....: مدون و مؤلف این کتاب، هم کارماجناب سرورخان «گویا» مدیر شعبهٔ ادبیات میباشند و نیز درین کتاب شجرهٔ انساب خانوادهای معروف و عرف و عادات ملی بعضی ضوایف افسانه های محلی و ترانه های ملی را جمع کرده بصورت کتاب در آورده است.

۴: - کتاب فضیلت: مؤلف این کتاب محرز عا جز این مقاله محمدقدیر «تره کئی» است این کتاب حاوی مطالب و مذاهب فلسفی در تعیین فضائل انسانی بوده بغرض تربیهٔ اخلاق اجتماعی که یگانه حافظ عرف و عادات مستحسنة ملی میباشد نوشته و چاپ شده است.

۵: - کتاب داستان های ملی بزبان پشتو: مدون و مؤلف این کتاب جناب محمد گل خان نوری عضو شعبهٔ ادبیات میباشد این کتاب محتوی افسانه و داستان های مهمی که نمایندهٔ اصلی روح ملی میباشند هست.

۶: - کتاب سوم درسی پشتو: مؤلف این کتاب جناب زمریالی معاون شعبهٔ ادبیات اند این کتاب يك کتاب مفید متودیک (اصولی)

برای آموختن زبان پشتو است که برای مرحله سوم نو آموزان افغانی نوشته شده .

۷ :- کتاب لندی های پشتو :- (اشعار ملی) این کتاب حاوی يك تعداد لندی های پشتو است که از طرف شعبه ادبیات تدوین شده است .

این بود کار های شعبه ادبیات و چون سلسله مراودات او بافضلاي مملکت جاری است و مواد موفقه خود را از سینه های عوام نه از روی کتب و وثائق مطبوع جمع میکند ازین جهت امید میرود در آتیه مصدر خدمات خویشی در زمینه متعده خود شود .

شعبه نشریات :

شعبه نشریات بعد از آن که شروع بکار کرد در نظر گرفت امور طباعت و سروقت چاپ شدن مجله کبایل و فاست طبع مطبوعات « پشتو تولنه » شبیه به مطبوعات ممالک مهمه دنیا باشد . این آرزو بکار بردن سلیقه خوب درین راه شعبه مذکور را موفق با اجرای امور ذیل نمود :

۱ :- چون مرام اساسی پشتو تولنه احیا و تعمیم زبان پشتو است ازین جهت شعبه نشریات برای اینکه نصب العین پشتو تولنه از ناحیه نشریات زود تر و بصورت مطلوب تر بر آورده شود به نشر نمودن يك جریده هفته گي تعلیمی بنام (زیری) اقدام کرده آن را به تمام مامورین و عامه طور رایگان توزیع نمود .

این جریده که در ابتدا بصورت يك ورقه دو صفحه بود بعد از شماره ۳۲ بقطع کوچکتر در چهار صفحه چاپ شد تا کلیکسیون آن در آتیه بصورت کتاب مستقل و مقبولى در آید .

۲ :- شعبه نشریات از روز تاسیس تا اکنون اصلاحات عمده و اساسی در مجله کبایل بعمل آورده است و این اصلاحات عبارت از زیبائی طباعت و طرز تدوین مضامین و افتتاح عناوین و مباحث تازه و ایزاد قسمت پشتو و امثال آن میباشد .

۳ :- شعبه نشریات در ظرف این مدت قلیل دو اقتراح مهم (وسائل و طرق ترقی و تعمیم پشتو - درامه نویسی) با دارائی مرام های عمده و اساسی طرح کرده است که اولی منتجع و بیرندگان درجه جوائز اعطا و دومی تاکنون از محضر قضاوت نگذشته است .

۴ :- شعبه نشریات در طبع کردن و در نظر گرفتن مزایای صوری و صنعتی مطبوعات پشتو تولنه جدیت خوبی کرده است چه در ظرف این مدت قلیل موفق به طبع نمودن کتاب های ذیل شده است :

۱ :- صنعت باختر تالیف موسیو ها کن ترجمه جناب احمد علیخان « کهزاد » مدیر تالیف و ترجمه .

۲ :- آثار عتیقه ککو تل خیر خانه تالیف موسیو ها کن ترجمه جناب سید قاسم خان « رشتیا » مدیر نشریات .

۳ :- مرام نامه انجمن تدوین شعبه نشریات .

۴ :- رهنمای فولکلور « » ادبیات .

۵ :- کتاب فضیلت مؤلفه جناب محمد قدیر خان « تره کی » عضو شعبه ادبیات .

۶ :- پشتو ژ به (لمړی ټوک) برای تدوین و یس به کورس های پشتو ، تالیف جناب صالح محمد خان مبصر پشتو که بصورت رایگان به نو آموزان زبان توزیع گردیده است .

۷ :- ترتیب مجلس تذکار این سینا و نشر مجله مخصوص یادگار آن

مرد نامی با بهترین اصول طباعتی و گراورهای زیبا و تاریخی .

۸ :- تألیف يك كتاب در سی پشتو برای تعلیم زبان پشتو که مؤلف آن جناب قیام الدین خان «خادم» عضو شعبه نشریات میا شد .

۹ :- تدوین و ترتیب سالنامه ۱۳۱۶ با در نظر گرفتن قسمت پشتو و زیبائی طباعتی و خوبی مضامین و مقالات و اطلاعات متفرقه آن .

۱۰ :- توجه به تعمیم آثار به مقصد نشر معارف و جهة ترغید عائدات پشتو قولنه چنانچه در سال ۱۳۱۶ عده مشترکین مجله نسبت به سال ۱۳۱۵ فیصده ۲۰ زیاد و عم فروش سالنامه فیصده ۱۲ بیشتر بوده اکنون هم روز بروز بر عده مشترکین مجله زیادت میکند .

۱۱ :- طبع و تهیه عموم اشیای مطبوعه پشتو قولنه از قسم کارت ها اعلانات پروگرام ها و غیره .

۱۲ :- تشویق عموم شعرا و نویسندگان به ابراز هم کاری با مجله و سالنامه چنانچه کثرت و تراکم اشعار و مقالاتی که از دور و نزدیک وارد میشود دلیل است بر اینکه تشویقات مذکور مؤثر واقع شده است .

۱۳ :- اتخاذ ترتیب جدید و اصولی برای کتبخانه انجمن و تاسیس يك قرائت خانه و خریداری کتب تازه از داخل و خارج بمقصد توسیع کتب خانه موجوده .

شعبه لغات و صرف و نحو :

این شعبه از روز تاسیس تا اکنون کتب لغات پشتو را که در داخل و خارج نوشته شده به هم کرده بر روی آن ها مرور و لغات خالص پشتو را از بین آن کشیده بالغاتی که خود شعبه مذکور از بین اقوام و طوائف جمع کرده اند يك جا کرده سلسله لغات مردفه ذیل را

ترتیب داده است چون نهضت زبان در وطن ما يك چیز جدیدی است و وسائل مطلوبه به صعوبت یافت میشود ازین جهت مقدار موجوده کار شعبه مذکور اطمینان بخش و استقبال آن مارا بآئیه درخشانی نوید میدهد :

۱ - تدوین لغات :

| ردیف | لغت خالص پشتو | مشتقات آن | جمله |
|---------|---------------|-----------|-------|
| » (۱) : | ۵۱۶ | ۱۵۴۸ | ۲۰۶۴ |
| » (ب) : | ۵۷۳ | ۲۰۰۰ | ۲۵۷۳ |
| » (پ) : | ۵۵۷ | ۱۶۷۱ | ۲۲۲۸ |
| » (ت) : | ۵۰۰ | ۱۵۰۰ | ۲۰۰۰ |
| » (ث) : | ۲۱۸ | ۶۵۶ | ۸۷۲ |
| » (خ) : | ۲۳۶ | ۷۰۸ | ۹۴۴ |
| » (ج) : | ۲۴۷ | ۷۴۱ | ۹۸۸ |
| » (چ) : | ۲۹۰ | ۸۷۰ | ۱۱۶۰ |
| جمله | ۳۶۳۷ | ۹۴۹۴ | ۱۳۱۳۱ |

۲ - قوا عد ز بان پشتو :

چون دومین وظیفه شعبه مذکور تدوین صرف و نحو پشتو است ازین جهت درین زمینه هم ذیلاً اقدام کرده است :

(الف) کتاب اول (صرف پشتو) : با اصول عصری تألیف و تدوین شده است که تقریباً ۶۰۰ صفحه میباشد بایک جلد در مصادر و صفی و ترکیبی که آن هم تقریباً ۶۰۰ مصدر میشود .

(ب) کتاب دوم (نحو پشتو) : با اصول عصری تألیف و تدوین شده است که تقریباً ۱۶۰ صفحه میشود . البته میتوان فهمید که در مراحل

اولیه نهضت زبان و عدم وسائل مرتب ساختن گراسر هم باین زودی
وباین ملکیت شایسته تقدیر است .

این بود مختصر ترین معلوماتی که در اطراف اکادمی های دنیا
وانجمن ادبی (پشتوتولنه) داده شد و چون درج تمام سرامنامه این
انجمن از احاطه این مقاله خارج بود ، و از طرف دیگر چون مواد مهمه
سرام انجمن موصوف در ضمن تشریحات فوق تذکار گردیده لهذا از
درج اصل سرامنامه صرف نظر نموده ، مقاله را به همین جا ختم مینمایم .

ماخذ هائیکه در تحریر این مقاله بکار برده شده :

- ۱ - تاریخ مدنیت مؤلفه شارل سه نیوبوس جلد اول و دوم و سوم .
- ۲ - تاریخ فلسفه مؤلفه آبه بارب .
- ۳ - اصطلاحات فلسفه مؤلفه نامدار رجمی .
- ۴ - تاریخ عمومی از قرن ۴ الی زماننا مؤلفه ارنست لا ویس
ورامبو و رفقای شان .
- - نوت های نگارنده که برای تدوین اصطلاحات عنیمه
گرفته شده :

۶ - مجله عصری منطبعه کابلکته

۷ - انسایکلوپیدی بریطانیکا ماده اکادمی .

ترجمه مضمون مجله عصری و انسایکلوپیدی مذکور رادوست فاضلم
جناب عبدالغفور خان « امینی » مترجم « پشتوتولنه » از راه لطفی که
دارند دردست رس بنده گذاشتند تا مطالب لازمه و ما یحتاج خود را



- از ان بگیرم ازین جهت از ایشان تشکر مینمایم .
- ۸ - انسایکلوپیدی حیات منطبعه استانبول ماده اکادمی .
 - ۹ - دائرة المعارف وجدی « قاهره »
 - ۱۰ - مجله کل شی والدنیا « »
 - ۱۱ - مجله ثروت فنون « استانبول .
 - ۱۲ - مجله ارمغان منطبعه طهران خطابه آقای فروغی راجع به
فرهنگستان ایران

۱۳ - سالنامه معارف ایران منطبعه طهران .
بعضی کتب و یاد داشت های دیگری که ذکر آن ها بطول میانجامد .

پشتو نولی

تاریخ سره بیل کړی دی نو له دغه پورته سببه څخه زینو علماؤ ددی متشابه الخلق قومونو دویښ معیار ژبه ، مذهب او دسیاست د نظام اختلاف مقرر کړی دی . ولی داهم نه ده صحیح !

اصل خبره داده چه انسان یوازی دیو سو جسمانی اعراضو د مجموعی نوم نه دی ، بلکه دی په خپل ځان کښ یو کملک روح ، ټینګه سببه او راښخ اخلاق هم لری . عنا صر و دترکیب نه چه کوم مزاج پیدا کیږی ددی نه علاوه یو عقلی مزاج هم شته چه په استقلال ، استحکام او کله کوالی کښ د جسمانی اعراضو سره په هیس شان کم نه دی د عقلی او اخلاقی او صاف چه د دوی د مجموعی نه په هر قوم کښ یو مشترک روح پیدا کیږی د زمانی د سوونو کالو د ګر د شونو نتیجه وی . نو زکه دا د هر قوم د تیرو وختونو خلاصه او ددوی د پلرونو او نیکو نو وراثت او ددوی د موجوده روش د رومینې مبداء حسابیږی . دغه اوصاف که به هم په زیني افراد وکښ متفاوت اوسی ولی د جسمانی عوارضو غوندی د مقام په زیاته برخه کښ مشترک لیده کیږی . اودا د جسمانی عوارضو په شان تل دنوی نسل سره نوی او تازه کیږی ، د دغه اوصافو د مجموعی نه هغه عام وصف پیدا کیږی چه هغی ته دیو قام اخلاق و ای . د دغه پورته میزانونو او بیلو ونیکو په ذریعه یو قام د بل څخه پیژندل کیږی د دغه متحده عقلی مزاج په لحاظ ، مونږک ویلی شو چه قام تش دخپل موراو پلار اولاد نه دی بلکه دخپلی پوره خاندانی سلسلی زوی دی . د هر قام دا اخلاقو د نظام پیدا کوونکی ددوی پلرونه او نیکونه دی . او هر فرد همیشه د دغه زنیرخواه راځکل کیږی چه دی یی روستنی کړی حسابیږی . نو انسان د مادر وطن پرستش تش د جذباتو او احساساتو په لحاظ

پشتو نولی

پقلم د جناب قیام الدین خان « خادم »

عضو د پشتو تولنی

مخکینی خبری :

د نباتاتو او حیواناتو په شان بلکه دهغونه زیات انسان د قدرت د کړشو یو عجیب او غریب مظهر دی . د افراد و تشخصات خولا پریده خپله د هر قام ، هر ملک او نسل په مېز کښ دومره لوی لوی فرقونه موجود دی چه پرته د انسانیت دکلی مفهوم څخه په دوی کښ بل قسم اشتراک اېو لیدل کیږی نه ! طبعیتو د انسان د نوع ما به الامتیاز - درنګ ، ډول ، قد و قامت اود د ماغی ساخت اختلاف مقرر کړی دی او په دی لحاظ سره ئی د انسان نوع په سین ، تور ، سور او زیر اقسامو ویشلی ده . بیا به دی ویش د انسان نوع په سو محدود و قسمو ویشل کیږی . ولی په دنیا کی داسی ډیر قومونه شته چه په ظاهری خط و خال کښ چند این فرقه نه لری لیکن سره د دی هغوی په قومیت کښ بېل دی . دهغوی احساسات جلادی . اوددی احساساتو او جذباتو دا اختلاف په سبب د دوی عقائد ، تمدن اوددوی علوم اوفنون دنور و قومو سره بیل شوی دی . دغه دی چه مونږک وینو چه د ډیرو ایشیائی او یورپی اقوامو په مینر کښ سه سر ګند جسمانی اختلاف نه شی لیده - لیکن بیا هم یو قوم نه شی شمیرلی په دی چه ددوی په مینر کښ یو عقلی فاصل حد قایم دی ، چه دغه فاصل د دغه اقوامو

(۱) هغه موقتی افکار او خیالات دی چه د زبني موقتی حوادثو او واقعاتو په اثر د قوم په ذهن کې پیدا کیږي .

(۲) هغه اساسی افکار او خیالات دی چه دکوم مخصوص ما حول وراثت وغیره په اثر پیدا کیږي ، او رسوخ پیدا کوي . د اساسی افکار و او خیالاتو حال دهغه او یو پشان دی چه په دریاب کېن په قلاړه اوسکون سره بهیږي او فرعی افکار ، دهغه ورو ورو وچپو غوندی دی چه د دریاب او بوته سپړی ورکوي ، او پیدا کیږي او ور کیږي ؛ لیکن سره ددی کموالی او ضعه د دریاب په ملاحظه او کتلو کې همدوی سترگو ته رازی او ښکاری . نودغه قومی روایات دی چه نسل په نسل همداسی مسلسل را درومی . د دغو څخه قومی روح ، یا په بل عبارت سره د قوم عقلی مزاج تشکیلیږي . دغه روایات د قومونو په قیث و یاس او ترقی او تنزل کی ډیر دخل او اهمیت لري .

شاه ولی الله صاحب په حجة الله الباقه کی لیکي چه : « داپه یقین سره ومنه چه (رسم و رواج د تمدن سره هغه نسبت لري لکه د انسان زړه ئی چه دده د جسم سره لري . هر کله چه هر قوم بیل قومی روح ؛ زانته عقلی مزاج ؛ علیحده قومی روایات ؛ او مخصوص رسم و رواج لري ، او دغه پورته شیان د هر قوم په تمدن او کو ذویاس کش زیات اهمیت لري . نوددعی پیژندل دهر همدرد او خوا خوگی دپاوه لازمی او ضروری دی . نوزه غواړم چه په دی مقاله کی دپښتنو په ملی عاداتو او خصایلو باندی یوه تته رنډ او غور زوم . د دی موضوع لیکل علاوه دپورته فوایدو سره د قومی روح داستحکام او ټینګوالی دپاره فایده لري . اودادشکه وتلی خبره ده چه قومی روح چه هر څومره زیات یو خوالی او اشاعت او نفوذ ومومي هماغومره قومی اتفاق ؛

نه کوی . بلکه د دغه جذباتو په پیدا کو او کښ د جسمانی نظام په شان د موروثی اخلاقی نظام عنصر هم شامل دی . د موروثی اثراتونه علاوه ، آب و هوا ، جغرافیائی حدود ، او ما حول هم اثر لري . ولی دا اثرونه د موروثی اثراتو نه لاندی درجه لري . قام دهغه مجموعه خلیاتو سره مشابهت لري چه دهغی نه هر فر د پیدا شوی دی . د دغه خلیاتو د ژوند زمانه په خپله ډیره لږه وی . لیکن دهغو نه چه کوم ذات پیدا کیږي هغه ډیری مودی ژوندی اوسی . دغه رنگ د قام هر فرد ډیر لږ محدود شخصی ژوند لري لیکن د ده کلی ژوند چه د قیول قوم د ژوند سره عبارت دی ، ډیراوگد او پاتی کیدونکی وی . دغه روستنی ژوند ته « قومی ژوند » وائی . او قام تل ددی د آثارو او نتایجو سره متاثر کیږي .

بنا په دی ، قام یو داسی پاتی کیدونکی ذات دی چه د زمانی د قیودو سره ازاد دی چه د ژوند و افرادو د عنصر نه د مړ و او پخوانو د خا ورو د عنصر اثر پکښ ډیر لیدل کیږي لکه چه دهغوی تعدد او د ژوند وسخه زیات وی . او غیر شاعرانه ژوند ډیر دهغو د اثر لاندی وی . ژوندی خوتش د قام تشکیل کوي ، لیکن عدم اباد او سیدونکی په دغه ژوند و افراد و کښ د خیالاتو او جذباتو روح پو کوي . د قومیت اثر دومره قوی دی چه ددی اثر د وجود په حال کی دیو قام د تمدن مظاهر دهغه وڅه پوری بل ته نشی تلی ترسو چه خپله په دی مظاهر و کښ تغیر او تبدل و نکړی شی .

دکو مو افکار و او خیالاتو چه په قام باندی عموما اثر اویږي داپه دوه قسه دی :

لږ دی ، نو وی به چه د دوی په مینز کې به هم نور قومونه گډ شوی وی ولی دا قاعده ده چه لږد ډیرو تابع وی او قلیل په کثیر کی منحل کیږي نو دغه لږ تعداد - د پښتنو د زیات او قوی قومیت سره داسی خلط او مزج شوی دی لکه غوړی د شو دو سره ! چه اوس ئی په قومی روح او اساسی افکارو کښ هیس یلتون نه شی کاوه .

دغه دی اوس مونک د پښتونولی عنوان په لاندی برخو ویشو . او په هریو باندی بیل بیل بحث کوو ، ولی د موضوع د اهمیت ، وسعت او باریکی له کبله زه نه شم ویلی چه د دی موضوع حق به ادا کړی شم نو زکه زه په ډیری خوشحالی د هغه ذو اتو د زیار ، زحمت او زهیر تباخته استفاده کوم چه په دی موضوع کښ ئی له ما نه مخکښ څه لیکلی دی او ماته معلوم دی . داسی : چه د خپلی مدعا ټکی ورنه انړوم او د خپلو یا داشتو او مشاهد و سره ئی پیوندوم .

او که بیا هم په مضمون کښ څه نقص پاتی شی هغه د نورو پښتنو ورونو همت ته پر یگدم !

توره :

پښتانه توره یو قسم خاصی ولسی ته وائی چه تقر بیا یو گز او ژد شاوتلی تیغ وی ، او په خپل مخصوص ټپکی کی ساتل کیږی پخوا چه جنگونه په میدان کېدل ، توپ ، توپک ، او نور حربی الات نه وو پیدا شوی ، دا وسله ډیره پیکاریده . او مخصوص بیا په پښتنو کښ دا وسله د ډیرو ډیرو ، ودوخڅه مروجه وه . لیکن اوس د توپک او نورو ناره وسلو پیدا یخت د بته سقوط ور کړو . اگر چه اوس هم د توپ او پښتویه کورو کښ دا وسله ډیله ونو ، نیکونو دوختو څخه ساتلی لیدل کیږی ولی زما مطلب دلته د توری په لفظ سره دغه مخصوصه وسله نده

اتحاد ؟ قوت مومی . اونزاع او خاصات کمیږی . په دی موضوع کښ د ومبئی خبره چه پښتانه ورباندی دنور و قومو سخته ممتاز شویدی هغه داده چه دوی د خپلو ملیاتو او روایاتو سره زیات شغف او ډیره دلچسپی او پوره مینه لری . زکه چه دوی دغه پورته قول عنوان ونه په سبب د پراهمیت چه دوی ئی ورکوی ؟ په خپله ژبه کښ را لیدل کړی دی ؟ او بوه کله ئی ورته وضع کړی ده ؟ او د هغی کلې بیخی زیات احترام او پاسداری کوی ! گویا دغه ددوی د ژوند « نصب العین » دی .

هغه کلمه څه ده ؟ - هغه د « پښتو نولی » خوگه کلمه ده . د پښتون په لږد پښتونولی داسی یوه کلمه ده چه په دی کښ هغه قول شیان پراته دی چه ددوی د قومی روح او تاریخی عظمت اوملی روایاتو ییخ او اساس شمیرل کیږی - وگورئ ! « پښتو » ددوی د ملی ژبی نوم دی . « پښتون » ددوئی قومی نوم دی . اوله همدی لفظ څخه د « پښتو نولی » معنی دار لفظ جوړ شوی دی . د دغه دری کلمو لفظی تناسب چه په یو عمیق معنوی او روحی ربط باندی دلالت کوی دنور و قومو په لغاتو کښ هیس نه موندنه کیږی . « پښتون » د هغه قام نوم دی چه د - آمود دریاب نه د - اباسیند غاړی پوری د جگو غرو په مینځ کښ پروت دی چه ددوی د هر فرد د فراح تندی ؟ متناسب او خپلکی قواری ؛ تو دو وینتو ، غمی رنگو ، تیزو او بریشیدونکو ستر گوسڅه سڅا ، میلمه پالنه ، رواداری ، عزم ، استقلال ، شجاعت او اقدام معلومېږی او چه ددوئی هریو په خپل ملیت « پښتونولی » خورانا زان او مغرور دی . د دی قام په دغه ملک کی د ډیره پخوا سخته استوگنه ده . - هر کلمه چه په دنیا کی یوازی ؟ خالص او بی اختلافه قومه ونه ډیر

د پښتو ملی ادبیات که څه دی هغه ټول تقریبا له یونځه زرمیات او حماسیات دی ؟ او د توریالیټوب په مدح اوستاینه ډک دی. وگوری ! لاندی لنډی :
 « چه توری و خیزی گپیره — مایه همزولو پوری ډیر خندلی دینه »
 « په تور ټوپک ویشتلې راشی — د بی ننگی احوال دی مه راڅه مینه ! »
 « جانان می جنگ کښ توره وکړه — څکه همزولی راله کوبینی سموینه »
 « یار می له تورو رایه شاشو — په بیگانی ورکړی خوله پښیمانه یمه »
 « توره رنجه سورشی په وینو — سالم په تن بی ننگه را مشی مینه »
 « دتو روجنگ وی ما به کړی — د نصیب جنگ دی وار خطا ولاړه یمه »
 غږ شوی په کتنی جانان راوړ

زړه می په پرشوچی په شانوی زخونه
 تر توریالی مین به جار شم

چه د غلبم په وینو سره کاندی لاسونه
 د پښتنو زلمیو، واری

پر خپل وطن به توریالی مه ونه مرینه
 زلمی ولاړ توری تر ملا دی

غزاله زی پر خپل وطن سرور کوینه
 جانان می سر په وطن کښیښود

په تار د زلفو به کفن ور له گڼمه
 ستا تر دی خکلی پوری جار شم

یه اوږه ستادی کږه زه در سره څه
 دمیر نو خویندی به ژاری

د سیمو موزیا نو خویندی سترگی توره وینه

بلکه زما مراد د لته د دی لفظ په اطلاق سره هغه لازمه معنی ده چه پښتانه یی عموما ددی لفظ څخه مراد وی. د مثال په طور : پښتو د پښتنو د ژبی نوم دی. لیکن پښتانه یی په عهد، لفظ و قول او عزم و ثبات اطلاق کوی او بیاد همدی لفظ نه د دغو معانیو د قیام د محل خود لو د پاره صفت مشبه جوړوی : مثلا د پښتونه « پښتون ».

دغه رانیک د توری د لفظ اطلاق په زیر ورتیا، شجاعت بهادری او میدان گتلو باندی کوی، او د دغه معانیو په اعتبار د دغه لفظ نه صفت مشبه جوړوی : لکه « توریالی ». او کله د فارسی په رننگ کښ د دغه معنی د پاره د توری نه « توزن : شمشیر زن » سازوی. او د همدغه معنی گانو په ملاحظه د توری نه « توره کول » : مصدر — او د دی مصدر نه افعال جوړ یگی :

پښتانه عموما توری ته ډیر اهمیت ورکوی. اوداپه دوی کش یوه منلی عنعنه ده چه پښتون باید ضرور توریالی ؟ شمشیر زن، زړور او بهادر اوسی. د میدان نه به هیسکله مخ نه اړوی ؟ او نه به شاگرزوی اوضرور به میدان گتنی یاب به مری !

د اصفت د پښتون دختی سره دومره کلک اخلکل شوی دی چه که دا صفت دیو پښتون نه لری کړی شی ؟ نو پښتو نولی ورسره زی ؟ او پښتون، پښتون نه پاتی کیژی. نو گویا پښتون یو شجاع، بهادر، جنگیالی اوتوریالی قام دی.

داپورته مدعا دومره ښکاره او سرگنده ده چه اړ و براهینو او شواهدو ته ضرورت نه لری :

دیو قام دملی روح نمایندگی د دغه قام دملی ادبیاتو پر ذمه ده ؟ او

جانانه جنگه نه پشان نه شى
 چه دهمز و لورا له نه شى پيغورونه
 توره به كړى برى به راوړى
 كه برى نه وى زوانان تل په تورو مړينه
 هلك به خنگه توره نه كا
 تر نيمائى مور چله زه ورسره څه
 له خپله لاسه مې پرې مې كړى
 چه ډزى وشوى زه پر بام درو ختمه
 خال به ديار د وينو كښيږدم
 چه شينكى باغ كښي گل گلاب وشموينه
 غازى په اوږه غونډى كښيږدى
 چه يې زيارت كا د گيلان ملالى نجنونه
 خوشحال خان توريالى اديب خوددى هنر فدايى دى . دى وايي
 چه خرگنده سر بازي كاندې د تورو
 زه خوشحال خټك ترداسي هنر چارشم
 دانا مقوسردار د پښتو د ټولو وړانو علاج تورياليتوب بولى : او وايي :
 پښتانه چه نور څه فكر كا نا بوددى
 بى د توري خلاصى نه شى په بل كار
 په دى لاندې رباعى كښ خوشحال خان د پښتوالى د لازمه
 غريزه داسي بيانوى :
 چه ننگيالى دى دولت هغه مومى
 چه جنگيالى دى دولت هغه مومى

(۱) اخسته د كابل د مجلى څخه .

دا دواړه توگه سره تړلى
 چه محنت كاندې راحت هغه مومى
 د جنگه تجربه كارزسرى خوشحال خان دېرى د گټلو چار داسي بښي .
 كه د جنگه په كار كښي ډيردى حكمتونه
 چه په سر صرغه و نكړى نو برى دى
 د سردار ټي د تكميل د پاره دادوه شيان دى ضرورى بولى :
 وركول ، توره وهل دا دواړه بويه
 چه پرى چار د سردار ټي شى انصرام
 خوشحال خان د ټو لو كارو دا تمام د پاره د خداى د توكل
 نه روسته په خپل مټ او توره تكيه كول د كاميابى سبب بولى :
 يا تكيه د يوه خداى ده يا د توري
 په جرگو مړ كونه شى كار تمام
 همدارنگه د تورياليتوب په باب وايي :
 خوره شور وا د خپلو ليچو غضنفر شه نه رو باه
 مزرى توب بويه د تورو په ميدان كښي
 په خالى ميدان هريو گيدر مزرى دى
 د افغان په ننگ و تړا له توره
 ننگيالى د زهاني خوشحال خټك يم
 يو ټيټون شاعر د تورياليتوب ستاينه داسي كوي :
 چه په جنگه كښي ملا وستنى ترى جوړ نه شى
 د هغه شملى په ول باندې نو څه !

دغه حضرت ، دتمته البيان د څلورم فصل په سر کې داسې ليکي :
 « لوی او ستر قام چه د افغانستان په افطار وکې او سيگي هغه افغان
 « پښتون » جنس دی . ددی جنس غالب خوی انتقام ، جنگه -
 او په جگړو او منا زغانونو کې زړ وړتيا ښکاره کول دی . لکه چه د دوی
 ظاهري صور تونه ددی خوی ترجماني کوي . همدارنگه ددوی دلفت
 او ژبي او غځونو زړ والی او سختی ددوی په دی خوی او د دوی
 د طبیعتونو او زړو نو په کلکوالي دلالت کوي . »

کرنیل میلسون دخپل کتاب : تاریخ افغانستان ، په اول باب کې
 داسې ليکي : « دسرحد عام اوسیدونکي بالکل غرسه دی . او په دی
 خوی کې زبني له زبونه کم نه دی . » دده مراد په غرسه توب سره
 دپښتو چالاکی رشادت او دغره دخکته پورته کیدو قوت دی .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په آخر فصل کې ، په
 کوم زای کې چه نوری ختري کوي ، هلته داهم ليکي ، چه : « پښتانه
 د سرگ نه ډیر لږ ویر یږي . د جنگ په میدان کې مړه کیدلونه
 دعزت په نظر گوري . که په جنگ کې څوک مېاشي ، او دهغه څوک
 داسې وارث پاتی وي چه دهغه توره جگه کې ، نو دپښتنو ښږی په هغه
 بساندی غم کول عیب گنږي ، او وایي چه سړی دروح دور کو لو
 د پاره پیدا شویدی ! دخیگان موقعه به هغه وای چه دده توره په
 کښکې یا تی شوی وای ! » په پښتنو کې دامشهور مثل دی چه :
 « نر پسر دحللولو دپاره دی »

مولوی عبدالمجید صاحب دخپل کتاب په بل زای کې وایي : « پښتانه
 په تورزني اوښه بازغي کښ فطرتا ماهردي . دغه رنگ داس په
 سورلی کښ هم . په دی خبرو کښ دوی ته داستاذ ضرورت نشته . »

یوبل پښتون شاعر د پښتو نولتي په غرور سره وایي :
 شا ډول مخ د دښمن ته مونږ ته دین نه وای ملي آئين نه وای
 مونږ خپلو توروته د سرو وینو جوهر ورکو و آب د خطر ورکوو
 په بل لځای کښ وایي :

سر به تری غوس کوو که کاږه ز مو نړه کورته گوري
 کور خولاڅه کوي که سبي ته ز مونږ پورته گوري

پښتانه په دی خوی تردی پوری ټینګ دی چه دپرستنی او سړی
 سینی مرگ نه خوښوي . دوی تل آرزو اری چه په خپلو سرو جا موکښ
 بی داینزوکی دلاس دوهلو نه په خاورو کښ کښودل شي لکه چه پو پښتون
 شاعر ددی ملي احساس ترجماني داسې کوي ،

« دامصره به زه ورنکړم دقصر په تاج وتخت
 د پرستنی مړی نه دی دپښتون دکلی کور »

زما باور دی چه زه به په دی موضوع کې په همدی لفظ سره
 دفاقد دخولی نه خلاص شم ، چه نور و او پر به خلقو ویلی دی هغه
 دا دی ، چه : « فارسی زبان بزم است و پښتو زبان رزم » مگر
 دزیات ټینګار دپاره نور هم تحقیق کوو ، نو اوس گوز و چه په دی
 باب کې نور د فکر او قلم خاوندان څه وایي :

حضرت سید جمال الدین افغانی دتمته البيان د دریم فصل په سر کې
 ليکي : « داامت په جلالت او اقدام زړ یدلی دی ، او بوحرې ملت دی .
 د اجنبي سلطی ایسکله انقياد نه کوي تردی چه چنگیز ، او تیمور
 گورگانی ته هم دا ملت له خطر خالی نه و ، سره له دی چه هغوی
 په ټولو قوتوسره په دی قام مسلط و و . »

ددی زمانو انتظام ته د پرزېدی دی ؟ هغه دادی چه دوی صفونه تړی ؟ او ټینگ ترتیب جوړوی. جنگ اوڅکنه منصبداران مقرروی. دسوق په وخت کی منصبداران مخکښ کیږی چه قیادت وکړی. ولی ، کوم وخت چه جگړه ونهلی نوعسکری مشران ددی د پاره وروسته کیږی چه فکروکی اودوراندي کید واووروسته کیدو ، دښی خوا ، آوکیږی خوا د توقف ، اقدام او دنور ولازموکار وحکم پخپل وخت کښ اجرا کړی د دوی په عاداتو کښ یوه داهم ده چه کوم عسکر د تیختی په نیت دښمن ته شاوړ وی ، نوسزائی مرگ دی . لکه چه دا صفیان په واقعه کښ داسی پیښه وشوه چه یو عسکریو ضابط و لید چه له جنگه پر شا کیږی ، نو ضابط په قرار د خپل جنگی قانون دخپل دغه عسکر د مرگ اراده وکړه ولی عسکری ده ته خپل ښی لاس وښود چه په جنگ کښ پری کړه شوی و ، نومصنبدار دی پریښود ، خو بیا هم دده دعتاب آود راڅکلونه خلاص شو ، او منصبدار د ده په تیښته اووروسته کیدو دیر ناراض شواو عسکرهای ته ئی بیرته ولیږلو ، او ورته ئی وویل ښوونوکیه کیښ لاس دی نشته ؟ که داهم درنه پر یکره شی ، غاښونه خودی شته په ذی دښمن غوښی پریکود ! زه ، آوداخری خلگی پوری د دښمن مقابله کوو ! »

بله د پښتو د جنگی قوانینو څخه داده چه خپل می هیسکله د جنگ په میدان کښ نه پریږدی ، چه دښمن لاس ته ورنشی او بی حرمته نشی نو په عین دزو او تودنه جگړه یا تیاره شپه کښ خپل می هی رازخمی په شا کوی د جنگ دمیدان نه ئی اوباسی . که مړوی نو ښخوی یی . او که زخمی وی نو د خپل وطن او تجربی به موافق ئی علاج کوی .

همدارنگه دی وای : « دپښتو ښو سازدیر د مزی اومهیچ وی . دوئی په بدلو کښ اکثره دخپل قام ، بهادران ستائی . په سندر وکښ هیس تصنع نه وی ؟ شاعرانه لوازمات هم نه لری ؟ خود ، فطری جذباتو نه ډکی وی . »

هو ، دا هماغه دتوریا لیتوب د روح اثر دی چه ددی قام دشو و ، نرو ، ورو ، غوږ په وینه کښ گیددی . مونگ داوسه پوری ، صبا ، بیگا ، د سردار محمد ایوب خان ، غازی محمد جانخان ، وزیر محمد اکبر خان ، عمراخان دناوگی ، ملتان دتیرا ، او داسی دنورو بهادرانو دبهادرئی سندری په کوڅو کښ دماشو مانو ؟ په کورو کښ دښو ؟ او په حجر و اودیر وکښ دزلمیانو دخولی څخه په موثره اوخوندوره لهجه سره اورو ؟ او حظ اخلو . دادتوریا لیتوب حس نه دی نوڅه دی ! دپښتو په ښو وکښ دادمتل په طور مشهوره ده ، چه : « ښی په گانړه نه ستری کیږی او نارینه په وسله »

دجنگ قوانین:

څه رنگه چه پښتانه دتوری ، شجاعت اومیدان گتلو خاص استعداد اوددی کار سره خاصه دلچسپی لری ؟ دارنگه دوی دجنگ او محاربی دپاره لځانه قوانین هم لری چه هغه پدی ځای کښ د ذکر قابل دی : حضرت سید جمال الدین افغانی دتتمه البیان د څلورم فصل په اول کښ لیکي : -

« له دی سببه چه دپښتو په طبیعت کی شجاعت ؟ تعرض ؟ اود جنگ طبیعتی میل راسخ شوی دی ، نو دوئی ته طبیعت دپیر وپیږوڅخه دعسکر نظام او دجنگ قوانین ښوولی دی ؟ په داسی ډول سره چه

د کتلو د پاره را وږه شوی وو . ده ، ملک فیروز را وغوښت او د دی سرو نوځاوندانو نومونه ئی زنی و پوښتل ؟ ملک سروونه وکتل ؟ او نومونه ئی ورته وویل . په دغه جمله کښ د ده د زوی شاهین خان سر هم راغی ؟ ملک وویل : « دا نه پیژنم » - ولی څه وخت چه د جسرت کهکړ خلقو وویل چه دا سړی د یرتور یالی و ؟ او تر آخره ئی د جنگ نه مخ وانه وړولو . نو د ملک د سترگونه او ښی جاری شوی ، وی ویل « دا زما زوی دی » جسرت کهکړ ورته پوښتنه وکړه چه « مخ کښ دی ولی نه ویل ؟ » ملک فیروز ورته وویل چه « ماته نه وو معلوم چه زما زوی په میپانه مړدی اوکه نه ! نو بیریدم چه د بی ننگی پیغور را وانه وړی . »

په تور وټوک ټوک شی لالیه !

دبی ننگی غگ دی رامشه تروطنه ! (۱)

دغه اعتقاد چه د جنگ په میدان کښ به یابری وی او یا مرگ دمخ گرزولو دریم شق پښتانه نه پیژنی . داد هر پښتون فرد په روح کښ نرویی او که ښه را سخ دی . لکه چه یوه معشوقه خپل مین ته وایي :

توره به کړی بری به راوړی - که توره نه وی زوانان تل په تور و مړینه « د جنگ په وخت کښ چه دښمن زور ښکاره کړی نروښی ، واړه غټ ، ټول ، د جنگ میدان ته حاضر یږی ،

« تلواله به زو د جنگ میدان ته - نه چه پیغور کوم دښمن را پاتی شینه » د جنگ په وخت کښ ښی ا کشره نارینه و پشان میدان

(۱) طلوع افغان .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په ۱۹۱ مخ کښ داسی لیکي « د مړی وږ لواونه پر پښتو دو عادت تراوسه په پښتو کښ دو مره کلک دی چه دیوه مړی په وږ لو سوونه مړی ولی مړی نه پیژدی . دوی که څه هم د یره کما میایی حاصله کړی وی ، خو چه مړی ئی د دښمن په لاس کښ پاته شی - هغی ته دوی لوی شکست وائی . اوس هم که چیری کم وخت افغانی قبائل په انگریزی حدودو حمله وکړی نو چه له دوی څخه څوک مړ شی او پاته شی نو د هغی د پاره دوی مغر مقرر ه وی . قبرئی معلوموی او دښی ئی له قبر ه او باسی وړی ئی » .

د پښتنو په نرد د جنگ سخته تیښته یادښمن ته شا گرزول اوی عیب دی چه نسل تر نسل پوری پیغور پاتی کیږی . پښتانه د تور یالیو پښتنو په مدح کښ ملی ترانی لری . اودوی هغه زلمیان ستائی چه په جنگ اومقابله کښ مقاومت ښکاره کي ، اومخ و نه گرزوی !

یوه معشوقه دخپل گران مین د مرگ غگ اوری ، نوری ټول غمونه هیردی . فقط په دی فکر کښ ده چه ټپ (زخم) ئی له شاد خوانه وی خوړلی ! چه دی ته د آشنا د تیښتی ؟ اوددوسی د مرگ پیغور پاتی نشی . نو وائی :

غږ شو په کټ ئی جانان را و وړ

زده می پیر شو چه پر شاهه وی زخمونه

د سلطان بهلول لودین په وختو کي چه پتزه سوه کاله دغه د هندوستان پاچا و ، ملک فیروز یونشگیالی پښتون و چه د جسرت کهکړ په لاس بندی شو . د ده زوی چه شاهین خان نومید و ، په جنگ کښ مړ شو ، د ملک فیروز د ملگرو سروونه سرهند ته د جسرت کهکړ

ته حاضرېږي. او په قومي او وطني دفاع کېن دنرانو غوندې برخه اخلي لکه چه يوه معشوقه خپل عاشق ته داسې وايي :

« پر سين ميدان به در سره یم - زه پښته دتوري نه تر پلم مينه »

دجنگ په وخت کېن چه سوک تپښته وکړي يا دښمن ته شا واهري نو پښتانه هغه ته دؤس وايي. اودې ټول عمر بيا خپل قام او عزيز ته سترگي نه شي پورته کولي ! - او که دشا اړولو په وخت کېن مړ شي نو پښتانه يې مړي نه وړي - او نه يې ښځوي . په دې موضوع کېن دالاندې قصه بايد زموږ لگ د مقالې لوستونکي په پوره دلچسپي سره ولولي :

قصه :- دخپلو سين ژيرو او مشرانو دخولي ذمي دا خبره يادمه ده چه دتيرا په لام سنه ۱۸۹۷-۱۸۹۸ع کېن چه کوم وخت اير يدي دخپلو لوړو وغړو دساتلو دپاره دخپل اسلاميت او پښتونولي په جذبه په سرو مال جنگيدل . نو يوه ورز داسې پښه وشوه چه دجگړې دسرښت نه پس ته دمرو وودپاره دصلح غږ وشو ، نو دواړو خواؤ به خپل خپلې مړي وړل. په دې ميز کېن يو انگريز جر نيل په يوه خړه غولنې ناست دورين په لاس دښمن وخوا ته گوري ، سه ويني چه يوه غټه لوړه ښه جبي دارخت (کميس) اغوستي ؛ تور پورېني په سر ؛ ټوپک په اوږه ؛ گردني تر ملا ؛ دجنگ ميدان ته راغله ؛ په مړو گزۍ . ديو مړي سر را پورته کړي ؛ وي گوري ؛ نو په دواړو مخونو ځکل کي ؛ پري يې ايږدي . بيا دبل سر را پورته کي وي گوري ؛ ځکل يې کي ؛ نو پري يې گډي. دښپرومړو سره خوي دغه چل وکړو داوم سړي چه راپورته کړو ؛ وي کوت ؛ نوزري په زمکه وغورزو او اوياوڅو څيږي يې په مخ مخ و وهلو .

جر نيل صاحب خو په ډير تعجب ورته په زير شوي دي ، مگر

هيس يوه نه شو چه مطلب څه دي ! نو په صلح کي يې سړي ورو لېگنو چه يو پښته تړي وکړي - چه سړي ورنژدي شو ، ښي و ليد ، ورباندي غږي کړو چه : « سړي څوک يې ! څه مطلب لري ؟ !... »

سړي : « موري ! زه صاحب را لير لئي يم چه تانه ديوي خبري پوښتنه وکړم !... »

ښي ورته په خپله لهجه وويل : « بس ، رادري ناشي ! ويايه ، څه ويايي ؟... »

سړي : « صاحب پوښتنه کوي چه تاڅنگه دښپرو تنومو و سرو نه را پورته کړه ځکل دي کړلي ؛ او داوم سردی دکتلو نه روسته ه زمکه وويشت ، او په سپر و دي ووهلو ؟ »

ښه : « يا چه درومه ، خونه دي وپروته شه ! يتو په دا کي څه کور دي !... »

سړي : « موري په ديکتس خوستا نقصان نشته ، نوولي . . . ؟ »

ښه : « نسخون خو يې مي نه وي ، خو نويدا څه ؟... »

سړي : « زه اوس راغلي يم ، پوښتنه درنه کوم ، نو څنگه جواب نه را کوي ؟... »

ښه ، « خبره خود وده چه دوشيږ مي زومن دي ، دو مردک دنجي نه خوړلي دي ، په توره مړه دي ؛ شهيدان دي . نو زکه مي ځکل کړه . و دو يومي څښتن دي ، دده مردک په شوگيدلي دي ، دي په دؤسني (تپښته ، بيما توب) کش مهدي . د دؤس مخ په کفن کش هم کسل نه دي په کور ، نو ايسي مي وغور زلو ! » (۱)

(۱) دادخزي دپښتونولي جذبه ده ؛ که نه ؛ دکوم سړي نه چه داسي توريالي زامن زيري ، هغه هيسکه دښمن ته په تپښته شانه اړوي . « خادم »

سری : « بس نور نو خدای سیارلی ! »

بیزه : « خلوی دی مل شه ! . . »

د دینه روسته بیزه خپل مهمی یو یو په شا کوی ، او وری یی .
سری چه بیرته راغی ، جرنیل ته یی ټوله واقعه ټکی په ټکی وویل .
جرنیل ورومبی د تعجب نه گوته په غاښ و نیوه . بیا یی واقعه یو په
یو خپل کور نمنه ته ولیکله ، او وی لیکل چه : « د دی قام سره
جنگیدل او د دوی نه گته کول ډیر گران دی . د ستی خو کا میایی
نه ده ممکنه ! که څه زمانه پسته د دی خلقو اخلاق بدل کړی شی ،
نو امکان به وی . »

د او چه د دینه روسته اډر (حکم) راغی چه « جنگ بند ! »

داړه :

لیکه څه رنگه چه مونږ مخ کی اشارت وکړلو پښتانه د توری اومیدان
په جنگ کی وتلی او ښکاره دی . په همدغه مناسبت میدان گتلوته توره
او گتندوی وی ته تور یالی وائی . ډیر کرته داسی شویدی چه د تویونو
او مشین گینونو مقابله دوی د شړ یو په سپر کړیده : داسی چه د تویونو
په اور او مشین گینونو په گولبو روی لاس ورختلی دی او د تویونو
توری خولی یی د شړ یو په کولو بندی کړیدی . دا واقعات تل لیدل
شوی دی څه ډیری تشریح ته حاجت نه لری .

په دی لحای کی موږ یو بل رقم جنگ چه پښتانه پکی خاص
مهارت لری بیا نول غواړو . دی قسم جنگ ته پښتانه په خپله اصطلاح
(داړه) وائی چه په فارسی باید ورڅخه په (شیخون) تعبیر وکړه شی .

ز مونږ اسلامي شاعر حضرت اقبال دا قسم جنگ د ترکانو
له خواصو څخه بولی . او دوی ته یی نسبت کوی لیکه چه (د ز بور
عجم) په یو غزل کی وائی :

بر عقل فلک پیم ترکانه شیخون به یکدره درد دل از عقل فلاطون به
وی به چه ترکان هم په شبخون کش ماهر اوسی ، لیکن د (روه)
پښتانه په دی قسم جنگ کش دومره معروف او میرانی دی چه زمونږ
په یاد دوی همیشه په دغه رقم جنگ کامیابی حاصله کړی ده او
دښمن یی مات کړیدی .

دغه پورتنی څلور حرفی کلمه په دوه ډوله لوستل کیږی چه
یوه تلفظ سره اوږ د او نیغ وتلی غاښ ته وائی ، لکه د سبی یا دیل
غاښ . ولی په دی بل تلفظ سره دغه مخصوص جنگ ته وائی چه
« نا گهانی یو مسلح ټولی د دښمن په سیمه ورو اوږی » د لغت
په معنی کښ دانه ده داخله چه نا گهانی ځمکه دښپی وی یاد ورزی .
لیکن د دی قسم جنگ د پاره شپه ډیره مساعده ده .

زما خپل فکر دادی چه دا رقم جنگ دوی ته د دوی غر خنی
توب ، مشکل پسندی او د دښمن د و سلی تفوق ښودلی دی . پښتانه
اکثره په غرونو او کوهستانو نو کښ پراته دی . د غره په ختو ،
کوزید لو او گرزید لو کش ضعا بددی . د بلی خوانه دا هم شویده
چه دوی اغلباً توره په لاس ، توپ - او ټوپک په لاس ، طباری ته
نخامخ شویدی . میدان کش شادرو ل خود دوی دروایاتو برخلاف ده .
نو . دوی ته طبیعت دا تعلیم ور کړیدی چه که ورز د زور ورو ده
شپه خود کمزور و ده . نو دورزی دومره کوی چه خپل سنگر ونه

چه خپله دغه مدعي د دښمن کاله ته پري په غاړه او واښه په خوله ورشي. ددی دا معنی ده چه زه ملامت یم ، عفو غواړم . مگر دا ذلت ډیر شاذ او نادر قبول کیږي. کله کله د ننوتی دپاره دسین ډیرو جرگه یا خوتنه سیزی هم لیږل کیږي ، پښتانه د سیزو پلودیر محترم گنړی او هیسکه یی تش نه پریدی !

ننوتی په پښتنو کښ خورا زیات اهمیت لری او په دی کښ که د جانب مقابل هرڅومره ډیر تاوان وی نوهم تری تیریری . دپښتو بدی چه ډیر اوږد او مسلسل دواړی په ننوتی سره داسی قطع کیږي چه بل هیس دستور دومره مؤثر نه واقع کیږي. د ننوتی نه منل د پښتنو په نزد ډیر لوی کښ او ډیر مذموم خصلت دی. چه هیسکه هیس پښتون هغی ته نه شی تیاریدی. په ننوتی سره د عمر و نوبدی او د ډیر و سر و نو بدل بختل کیږي .

دهشرا نو منښت

عموما د پښتنو په باب دا خبره خوره شوی ده چه دوی یو تر بله سره منښت نه لری اوددی خبری د دلیل د پاره دمتل په صورت داواغی چه « پښتانه هریو من دی ، نیمن پکښ نشته » دا صحیح ده چه پښتون هر یو من دی ، ولی ددی معنی داده چه د اقام د عزت نفس ، شرف اوشخصی حریت په اعلی معیار پیدا شوی دی ، د شرف مرگی د بیعزتی په ژوند باندی ډیر افضل بولی ، او په بیعزتی او ذلت سره هیسکه هڅه پاته سر نه ټیټوی ، او دایمی معنی نده چه دوی د خپل مشرانو منو نکي ندی ، تاریخ مونگک ته د دوی ددغه پورته خصلت د اثبات د پاره ډیر ډیر شواهد او دلائل ساتلی دی .

ټینگ کړی او دښمن درا وړاندی والی څخه منع کی . ولی دشپی چه دښمن ډرود کونړوی نو واور د دوی وی په دی وخت کښ دوی د دښمن په سنگر ونو وراوړی او څه ئی چه د لاسه وشي هغه کوی .

برمه :

دایو مخصوص عادت دی چه په پښتنو کښ په قومی طور سره رواج لری . برمه دی ته وائی چه د یو چایه بل باندی یو نوع حق وی او هغه بل د دغه حق دا دأ کولر د پاره نه وی تیار . نو د دی د پاره چه دغه حقدار خپل حق شته کی. او په دغه بل باندی ئی ومنی ، نو ددغه پر - مال یا سړی وړی . او د زانه سره ئی ساتی خو چه خپل حق بودکی ، نو دغه مال یا سړی بیرته ور کوی .

د سرحد پښتانه ډیر زه داسی برمتی د حکومتو څخه هم کوی . دشپی په داره یا پټ ، حکومتی حدودوته وردا خلیږی او هرڅر اوښزه چه په لاس یی ورشی په برمه ئی وړی . سباهه بیا اظهار کوی. اودهغه برمتی په ذریعه خپل بندیان را خلاصوی .

ننوتی :

د جنگ اوعداوت دقطع کیدو د پاره دایوه مخصوصه طریقه ده کوم وخت چه د دوه کسو په مینر کښ جنگ او جگړه ډیره موده جاری اوسی او بیا یوه خوا مغلوبه شی یا وغواړی چه نوره جگړه قطع کی نو په دی وخت کښ لازمه ده به ننوتی وکی. هغه نو داسی ده چه میا ، ملا به دښمن ته ورلیږی هغه به دده له خوا عذر کوی او وائی به چه فلانی نور بدی کول نه غواړی . کله داسی هم کیږي

شیر شاه سوری، غازی اکبر خان، محمد ایوب خان، او په آخر کېښ دا علحضرت محمد قادر شاه شهید په مخ کېښ په خپلو سر و نو کومې لوبې کړې دی دا د پښتنو د مشرانو د منلو او فدا کاري پوره پوره ثبوت ورکوي، نوری وړاندې خبرې به ټولې پریږد و یوازی د وطن د نجات واقعی ته به و گور و چه پایتخت او ټول ما فیها د لاسه و تل او بیا د یوداسی ملی قائد د سیوری لاندې چه بی د زړه د درد او قومی اخلاص څخه دده سره نور هیس وسائل موجود نه وو، د پښتنوتش د پښتو نولی او د ملی مشرانو د منلو په برکت بیرته هر څه لاس ته راوستل څه آسانه خبره نه وه، په دی کېښ ډیرو قربانیو، فدا کاريو او دودینو ټویولونه حاجت و .

داهم پریږد، د سرحد پېتانه او د عمر ونو عمر و نو جگړې او د ډیر مقتدر او زور ورفوت په مخ کېښ د خپلو ملی قائدینو د بیرغ لاندې جنگیدل چه د پښتنو د مشرانو د منلو جذبه ثابته نه کی نو بل به ئی څه شی ثابته کی ؟

هو د پښتنو نولی روح یوداسی خاصیت لری چه د قومی لطف مهربانی خواخوگي، اود ملی قیادت اومساوات په مخ کېښ لیکه رېښم پستیږی اود سختی، زور، حاکمیت، اوظلم په مخ کی داسی کلک پښتو چه د ټویونو اور، د طیارو بمونه اود فولاد و توری ئی هم نه شی نرمولای !!! چاچه ددی قام سره سختی کړیده هغوی روسته په خپلی سختی سخت پښیمانه شوی دی !!!

بدل اخیستل :

په پښتنو کېښ د بدل اخیستلو او انتقام خوی پیڅی کلک دی که

حضرت سید جمال الدین افغانی د تنقه البیان په (۱۴۱) مخ کېښ داسی لیکي : « پښتنو د عداکرو و افراد د خپلو مشرانو هغو مره اطاعت او انقیاد کوی چه په یو متمدن مملکت کېښ هم ر هقی مثال نه موندنه کیږی ، تردی چه که دوی په کوم ډاگه کېښ سره خواره او یو یو شوی وی خو چه دا او از واورى چه دوی خپل رئیس اومشر ته راغوښتل کیږی نو ډیر زر په تندې او جلتی سره د رئیس اومشر ځای ته دا مرور لود پاره را حاضر ینکي ، او که په ډیره و لږه او تنده کېښ دوی ته ضعام او او به لاس ته ورغلی وی نو هغه هم پر ږدی او د امر منلو د پاره د مشر حضور ته رازغلی .

د دوی دښه اطاعت څخه داده چه پخوا به دوی کوم ښار فتح کړو نو چه سردارانو او مشرانو به دا امر وکړو چه د خلکو پوری غرض مه کوی. نو د دوی نه به یوڅه ادنی داسی کار نه صادر یدلو چه د عومی امن اوراحت نه به برخلاف وی . تردی چه که په سرو او سپینو زرو جرا و ښځی به تیریدل ، نو ورته به یی کتل قدری هم نه !

یو وار داسی پېښه و شوه چه دا شرف خان د تخت کینا ستلو په اول کېښ په اصفهان کېښ د پښتنو د دوه ډلو په مینر کېښ جگړه جوړه شوه او جگړه سخته شوه تردی چه ډیر مړی وشوه ، نو د کاندادا نو خپل دکانونه له دی ویری بند کړل چه دوی ته څه تاوان ونه رسیږی نو په دی وخت کېښ شاه اشرف حکم وکړ لوچه « د کانونه دی نه تړل کیږی او که چاته څه خساره ورسیږی نوزه بی تاوان ورکوم » ددی نه وروسته په ښار کېښ څو موده جگړه جاری وه ، لیکن د جگړه مارو له خوا اهالی و ته هیس ضرر ونه رسید .

پښتنو چه د غور ډېر ، میرویس خان هوتکی ، احمد شاه کبیر

یوا احسان وکی او هغه احسان دی دده په اور میړه پور پاتی شی !
پښتون دغه وضعیت بی شرفی گنډی !

غزا :

مخ کی موژ دپښتو دمحار بوی قوت او جنگی روح څخه خبری
و کړی ؟ غزا هم یونوع محاربه ده ولی فرق دومره دی چه غزا یومقدس
جنگ او قربانی ته وائی چه ددین اومذهب په نامه باندي کیږی .

پښتانه داقسم قربانی ډیره مقدسه گڼی او په ډیر فخر اوعشق سره
دغزایه وخت کی چه دباندينی اوددین نه ونلی دښمن دپښتو په کوم ملک
تعرض وکی ؟ دخدای په لازکی دسرور کولو دپاره میدان ته راووزی .
دغزایه موقع کی کوم وخت چه دښمن غلبه وکی واړه ، غټ ، ښی او
ترقول جنگ ته را ووزی . دهرخای نه ډلی جوړیږی سره بیرغونه
تړی اود جنگ لځی ته روانیږی دهری ډلی سره ډولونه ، لغاری
اوسازونه وی ؟ په ډیری مستی اوشوق سره دشهدات لځی ته درومی .

دپښتو په عقیده سره کوم د ساز آلات چه په غزا کی شرکت
وکی دآلات اودغه سازندگان چه په غزا کی ټی غږوی پس له غزا څخه
هم په ډیره ښه سترگه کتل کیږی ، او هیسکله یودیښی مشراوم اذون
د دغه ساز اوسازنده بیجرمی ته اقدام نه کوی .

ډول والا اکثره د لیکر په مخ کی زی او دجگړی یادداشت
یاد فتح په لږ وخت ډول درزوی او د ډول په او از ټول غازیان سره
راغونډیږی او موقع ته زان رسوی .

د پښتو استقلال او آزادی چه په دی پرشور او خطرناک عصر

دوی ته سپک وکتل شی یا ددوی بیجرمی وشي یاددوی حق تلف شی ،
نواول دستی په دستی او په سپین میدان دخپل حق درا گرزولو دپاره
ټینگ کوشش کوی ؟ په داسی لځی کی خپل سر ته اهمیت نه ورکوی ؟
که سره ددی ټولوی بدل پاتی شی ؟ نودپښتون دزړه نه هیسکله دانه
وزی چه ده ته چا په انفرادی یا قومی حیثیت سره په بی احترامی
کتلی وی . دامشهوره ده چه « پښتون داوښ کینه لری » نو کله نه
کلونه صبر کوی او هغه دانتقام جذبه دده د زړه نه نه کیږی چه خو
وارومومی او خپل بدل واخلي . په پښتو کی سخت پور دسرپور دی .
دسرپور کله خاندانی وی او کله قومی ، په خاندانی کی د خاندان
نه سری وژنی شی . او په قومی کی دقام نه بدل اخستل کیږی .
دپښتون بدل په میراث سره منتقل کیږی ، بدل اوانتقام ته پښتانه پور
هم وائی ، کلونه او بیړنی تیریری مگر خپل بدل ی نه هیریری . په
پښتو کی داد مثل په دود مشهوره ده چه « پښتون سل کاله پس خپل
پور واخیست هم ولی ټی چه جلتی می وکړه »

بدل په دوه قسمه دی . یو دبدی پور دی چه بیان ټی مخکی تیرشو .
بل دنیکی صلی ته هم بدل وائی ؟ په پښتو کی دالوی عیب دی چه
دچاسره څوک نیکی وکی او هغه ددغه نیکی عوض ورویه گرزوی . بدل
پاتی کېدل دپښتو په نزد سخته نامرادی شمیرل کیږی .

معلومیږی چه داد بدل اخستلو اوبدل گرزولوخوی چه پښتو ته
دعنی او کلیکی سببی په شان پاتی دی ، داددوی د عزت نفس .
شجاعت اومزاجی استقلال دناحیی نه په دوی کی راسخ شویدی ،
یومحترم لځان خوشی ، اوشجاع سری کله غواړی چه څوک دی ده
ته سپک وگوری اودی دی هغه باندته تیره کی ؟ یادی څوک دده سره

کښ ساتل شويده د دغه مقدس روح او د دغه پاک خصلت په برکت ده .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په (۲۰۴) مخ کښ داسی لیکي : « دغزا لفظ د پښتنو په فرد دومره خوځ دی چه هیث دولت د دوی مقابله نه شی کولی ، په افغانی سیاست کی چه که څه روح شته نو هغه فقط دغزا د شوق په برکت سره دی . »

کر نیل میلسون انگریز د خپل تاریخ افغانستان د اول باب په آخر فیو پارو کی پخپلو الفاظو کی وائی « پښتانه د خپلو ملایانو او مذهبی مشرانو د لاس لاندی دی ، او د کافرانو سره که هغه توروی او که سین ، هر وخت دغزا د پاره تیاروی . دغزو نو په غارونو کی په امان ناست دی خدای خبر کله را ایسی ئی د هغه ټولو او حاکمانو سره جگړی کییدی چه د مونږ نه ورومبی ئی په سرحد بندی حکم کولو او پخپلو ارمانو نور زیدوئی زړونه سخت شوی دی . »

جرگه :

د پښتنو په ملی عنعناتو کی جرگه خورا اهمیت لری . پخوا پښتنو ټول مهمات په جرگه فیصله کول ، وائی چه سلطان بهلول لردین د هندوستان پاچا به د پښتنو سردارانو جرگه درلوده ، هر وخت به چه داجرگه تشکیل شوه ، دی به د پاچائی د تخت نه را کوزشو دنور ورسره به یو زای د پښتانه به ټول کښیناست په دی جمعیت کی ده هیث امتیاز نه درلود . (۱)

د پښتنو جرگی خورا مشهوری . دی زینی مدققین وائی چه دا

(۱) د خانبهجان اودین قامی تاریخ او تاریخ سلطانی « طلوع »

جرگی د پخوانو آریا نانو له رسومو څخه په دوی کی پاتی دی . اوس هم د آ زاد و سرحد و پښتانه د جرگی پابندی هر وخت چه یومهم کار پښ شوی پښتانه پکی جرگه کوی ، د پښتنو جرگه زاسته اصول او مخصوص قانون لری ، د جرگی زای معلوم وی . چه یا حجره یا دیره او چوتره ، او یالوی مسجد وی ، په پښتنو کی د جرگی او پوه خلق فطر تامعلوم وی چه په هغو کی څوک اختلاف نه لری ، نو دوی سره راغونډیږی او په موضوع باندی بحث کوی ، بحث وار په واروی ملکات ، خانان او پوهان او د جرگی خلق په خپل طبیعی لمر ، واریه وار په موضوع باندی تبصره کوی ، اوشا وخوا واضحوی . د تقریر په شروع کولو کی هر مقرر د خپل مدعا په موافق حکایات او مثالونه د تمهید په طور بیانوی ، نو بیا مدعا ته رازی ، او په عین مدعا کی په خوږه اېجه چه د پخوانو او هوشیارانو افواوته پکی حوالی وی ، بحث کاوه شی . د پښتنو په نزد د پښتو مثل دیوی مدعا د پاره قطعی ثبوت ملل کیږی . په بحث کی آزادی وی ، هلته فضول او بیباکه وینا منع وی . په جرگه کی چه څوک ناسزا و وائی نو د هغه جزا داده چه جرگه مخ ورته راوړوی او ورته ووائی چه بددی وویل ، ته ملا ته ئی . بس داد پښتون مرگ دی . ددی ویری څخه هر څوک د مجلس احترام کوی . مشران او مرکاؤ سړی په جرگه کی شرکت او خبری کوی ، او کشران اکشره مسلح ولاړوی ، د چای ، او بو ، چلم خدمت او نور لوازم په لځی کوی ؛ په سره سینه خبری او بحث کیږی ، داسی جرگی هم وی چه ورزی ورزی ورباندی تیریدنی چه خصوصج او منلی صورت معلوم شی . او ټول مجلس قانع شی ؛ نو مصوبه مواد

وښتی چه فیصله دا ده ؟ نو پس له هغی په دغه فیصله باندی پسونه حلال کی په گډه ئی و خوری ، او جرگه پاخیژی .

د جرگی حکم به هرڅوک منی ، او کوربه به مخالف زنی نه شی کولی . که چا د جرگی د تصویب نه مخالفت و کړو هغه ته د قام له خوا سزا ورکول کیژی او دغه سزاته ناغه وائی ؟ په ناغه کی ناغه شوی ته کله مالی تاوان رسیژی چه پسه ، غوا ، غوړی به ورته حلالوی ، د یته گناهکاره وائی ؟ او کله د سخت عصیان په وخت کی قام را پاخیژی د گناه گار کو رسیزی ؟ او کله داسی هم کیژی چه د وطن نه ئی و شړی او فرار ئی کی .

د پښتنو د استقلال د ژوند یو لوی سبب دغه دی چه دوی هر وخت خپل ملی معاملات په جرگه او مشوره فیصله کوی ، ډیر زله دوی بیله یو منظم حکومت په ملی ډول سره هم چلیدی دی ؟ د پښتنو ټولی د ننه او د باندی وړانی او و یجاری په جرگه فیصله کیژی . نو جرگه د پښتو نولی یو لوی اساس دی . اودامبارک دود د زر و پښتنو او نیکه گانو یو مقدس اساس دی . تورپالی خوشحال خان وائی : بی جرگی نه به هیس کار په لاس وانه خلی - چه خبروی د جرگی په برکت .

روغه :

روغه وائی جوړی اومصالحه ته . د جرگی د فیصلی نه روسته چه کوم قرار داد کیژی او دوه متخالفین سره ساز کاندی ؟ هغی ته روغه وائی . پس له روغی کیدلو نه چه په کومه خبره .-

تیره :

دعا وشي هغی ته تیره وائی ؟ تیره اینودل : مصالحت کول

دی لکه سه رنگه چه د حکمو متو په مینر کښ معااهده کیژی دارنگه پښتانه په خپل منز کښ او دنورو گوانو یا نو سره د تیژی اینود و اصطلاح لری . د پښتنو په نرد تیره ډیر احترام اواهمیت لری .

د تیژی نه چه سوک مخالفت وکی اود جرگی د فیصلی نه بر خلاف عمل وکی د پښتنو په اصطلاح کی وائی « تیره ئی ما ته کړه » تیره م ترن لویه گناه ده چه جانی د جرگی په رایه یا ناغه کیژی یا فرار کیژی لکه چه ښکښ و ویل شوه .

عهد او وفا :

اجتماعی ژوند بیه یو اخلاقی نظام څخه نه شی چلیدی . هر قوم ار هره جامعه ضرور ده چه یو قسم اخلاقی نظام به لری ؟ یعنی یوڅه داسی اصول به لری چه ټو له جامعه په هغی کپ نه کوی ؟ د دغی اصولو د جلی څخه عهد او وفا یو ډیر مهم اصول دی چه گویا د اجتماعی ژوند محور بلل کیژی ؟ که د یوی جامعه له مینره څخه د عهد او وفا ټکی پورته شی نو ددی جامعه په افراد و کښ به څومره بی اعتباری اوبی اعتمادی اوسی ؟ اوڅه رنگه چه د دنیا ا کشره کارونه د اعتبار او اعتماد پوری اړه لری نو که اعتبار اواعتماد لری شی په اجتماعی ژوند کښ به دومره بینظمی او تشتت پیدئ شی چه د وحشت اندازی ته به انسان و لوبگی . نو هیس تمدن گویا بیه اعتبار او اعتماد نه شی قائمیدلی ز که انسان د اعتبار ساتلو مراعات ونه کی ، نو داسی هیس قانون جوړ ول ممکن نه دی چه په هغی کښ دحبو او خبرو کولو ځای نه وی .

د وعدی او قول د ټینگښتار تعلیم په ادبیانه تخنیک داسی ورکوی ،
 «چهرښتینی سیده صاف نه وی حمیده — بولی بولی عاقلان داهسی بول»
 پښتانه په لوی دومره ټینگښت دی چه که په غلطیا یا په سپوږم څخه هم قول
 او عهد وشي او روسته ورته خپله غلطی معلومه هم شي ، پښتانه خو
 ډیر وی مگر د عهد دما تولو چل پښتون نه نه ورزی ، بیچاره قول
 تکالیف تیروی ، مگر عهد ساتی لکه دیوه کما کر څخه حکایت کوی چه :
 دی هند وشوی و ، نورو خپلوانو ناچاره کاهه چه بیرته خپل پاک
 دین ته را واورى . مگر ده د هغو ټولو فلسفو په مقابله کښ په خپله
 ژبه دا ساده جواب و وایه « مړه ! اوس می گای کړی دی » .

پښتانه په دی خوی شیدا یان دی . حمید بابا په څه ارمان د پښتونولۍ
 دا وی غواړی « چه د عشق په چپل لمان وژنی وگړی - کاشکی زه
 عبدالحمید هغه پښتون شم » . « طلوع »

د پورته بیان څخه په پښتو نولی کښ د عهد او وفا اهمیت ښه
 څرگند شو ، او داچه پښتانه په دی خوی څومره ټینگښت دی ، اوس هم
 پښتانه په دی خوی هماغومره کلک دی ، ولی د علم او پوهنی دخپروالی
 او ښه تربیت څخه چه د خپلو خوا خوږو له خوا څخه دوی ته ورکړل
 کیږی دوی ددی ، لاری څخه د دښمن په چل کښ نه ښلی اونه
 په بدو چارو کښ لوړی .

پښتو :

پښتو د پښتو نولی پرومی عصر دی . د پښتون په لغت کښ پښتو
 لفظ ددغه قام د ژبی ، غیرت ، ایمانداری ، عهد او وفا ، کلکی ارادی

د اعتبار او اعتماد پیدا کیدلو او ټینگیدلو لوی عامل عهد او وفا
 دی په هر تمدن کښ چه عهد او وفا کلک او محکم اوسی او د افرادو
 په میشر کښ چه هر څومره یو تر بله اعتبار اعتماد زیات او ټینگ وى
 هغومره دغه تمدن فاضل تمدن شمیرل کیږی ، داخصلت دومره اهمیت
 لری چه ټولو آسمانی ادیانو او خصوصا د اسلام مقدس دین د دی
 نهایت تا کید کړی دی ، قرآن کریم ډیر زله (اوفوا بعهد کم) -
 (اوفوا بالعقود) او په داسی نورو رنگونو کښ د قول او وفا هدایت
 کوی . نبی کریم (صلعم) د متافق په خصلتو کښ یوه داهم شمیری چه
 (اذا وعد خالف) .

په پښتو نولی کښ عهد او وفا خورا ډیر اهمیت لری د « پښتو »
 د لفظ په معنایو کښ یوه « په خپل عهد او قول باندي ټینگیدل او دریدل »
 هم دی . پښتون ځان وژنی خړد خپل عهد ته تیروی د پښتو دا روح
 پردوا و بیگانه قومونو ښه پیژندلی دی او دخپل مفاد دپاره د دوی
 د دی خوی نه استفاده کوی ، داسی چه په څه چل ول د پښتنو نه یو وار
 قول او عهد اخلی نو دا خو ورته معلومه ده چه پښتون د قول او لفظ
 نه نه اوړی ، نو بس یائی پخپل مفاد مستعملوی .

پښتانه د اقوامو دا اختلاف په لحاظ ددی معنی څخه په قول ،
 عهد ، وینا ، لوی ، بول او گای سره تعبیر کوی ، پښتون چه وعده
 وکړی یا به هغه پرزای کوی یا به مری ، توربالی خوشحال خان وائی :
 « که ئی سرله تنه درومی نور به نه شی - دخو شحال چه د خپل یار سره
 میثاق دی » . - حمید بابا وائی : « قول بول په ژوندون نه شی بداولی -
 ز که ځان په چپل وژنی پښتانه » - یا داچه : « لمان به مړه د عشق په چپل
 کړم فاصح ! وایه نه ورم زه حمید هسی پښتون یم » - بل ځای حمید بابا

شی کولی اودمدهغه عصیت وجه ده چه دمود و مودو څخه ئی سره
دپیر واقلابو اوتحولاتو خپل ملی خصائص ، رسوم ، عادات او خپل
قومی حیات ساتلی دی ؟ غیرت په څو قسمه دی ؟ ملی ، قومی ، وطنی
اودیني غیرت چه دهریوه بیان بیل بیل په خپل لځای کی رازی .

ایمانداری :

دپته وائی چه سړی په خپلو ټولو افغانو او اعمالو کی درښتینولی او
صداقت مراعات کوی . اود چاله ویری یاد خپل لځان د مقام ، یاد دینم
د تذلیل یاد نفس په ښودنه د حق اوصداقت نه وانوری . غالبه داده
چه دامضمون پښتو دقرآن کریم د هدایاتو څخه اخستی دی اود پښتو نولی
په کتاب کی ئی داخل کړی دی ولی چه د اسلام د ټولو هدایاتو
اوا حکامو خلاصه هم داده چه دایمانداری په لفظ کی لځای شوی ده .

کلیکه اراده او ټینګتیا :

کلیکه اراده او استقلال یومهم څوی دی ، فلاسفه دکلیکی ارادی
او استقلال خورا ډیره ستاینه . اود بی استقلال او هر دم خیالی ډیره
غندینه کوی . دکامیابی او کامیابانی په علو او اسبابو باندی چه کوم
وخت بحث کوی نو کلیکه اراده او استقلال ددوی په سر کی راوړی ،
انگریز حکیم « هربرت سبنر » دخپل کتاب (ایجوکیشن) په
څلورم باب کی خواره په تاکید سره دا خبره لیکي چه « په اخلاقی
اواجتماعی لحاظ سره هر هغه عدل او انصاف چه په بی استقلالی سره
اجرا کړی ده ئی نه هغه ظلم او استبداد ښه دی چه په استقلال سره
اجرا شی » حکما په دی مصردی چه پسرله فکر اوتدبیر نه چه کومه رایه

ټینګیدلو په معنی راغلې دی . د ژبی په متعلق زه دلته بحث نه شم کولی
چه د موضوع نه وړاندی ونه اوړم . د عهد او وفاته مو مخکښ بحث وکړو .

زه غواړم چه دلته د غیرت څخه لږ څه بحث وکړم : غیرت د مدافعی
هغه حس دی چه سړی ته د فردی ، اجتماعی او ملی حق د سلولو په
وخت کښ را ولاړی ؟ یا په اوسه آسان عبارت سره غیرت ښکک
دی ؟ غیرت کول یا غیرت خوړل ښکک کول دی ؟ غیرتی سړی :
ښککالی سړی .

غیرت یو مقدس حس دی چه د دین ، وطن ، قام او ناموس
د ساتلو د پاره په انسان کښ لږ او ډیر اښوده شوی دی ؟ غیرت هغه
عصیت او هجت دی چه د قومیت اوملیت د مانپری اساس بلل کیږی
هیس قام اوملت بی ددغه عصیت نه ژوندی نه شی پاتی کیدلی ؟ قومی
او ملی خصائص ددغه عصیت په اعتبار ساتل کیږی ؟ هر څو مړه چه
د اعصیت زیات او کڼک وی قومی مانپری هما غو مړه محکمه اړکلیکه
وی ؟ په هر ټولی اوقام کښ چه دا حس کم شی هغه ټولی ور کیږی
دور کیدو دوه لاری دی . یا دا چه استقلال بابلی او دنوزو دسپوری
لاندی شی چه څو پکښ مدغم شی اوبه تاریخ کښ فقط ور زنی
قصی پاتی شی ؟ یا دا چه ورو ورو خپل ممیزات بائلی ، او دنورو په
رنگ کښ رنگیږی ، نو هغه داسی وی لکه ماسه چه په شپو مېو بدل
شی ، نو که ددی تبدیل په وخت کښ هم څه محکم خصائص ونه لری
نو بس د اول قسم غوندی آخر مدغم شی او ورک شی .

د پښتو غیرت او عصیت دومره ښکاره دی چه هیسوک ور نه انکار نه

ماورته وویل چه « انصاف وکی په دی عصر کې چه تقریبا زیاته ایشیاد استعمارسیلاب وپورته ، او زړه دنیا له یوڅخه د یورپ په مقابل کې په سجده پریوته ، مگر دغه د ایشیا د مین د غر و پښتانه سره د قواو کمزورتیاؤ اوبی وزلی توب د مقتدر مقتدر قومو په مقابل کې مودی مودی د غره په شان ود ریده او خپل استقلال ئی چاته ور نه کړ و . آیاداد استقلال او ثبات مجسمه نمونه نه ده ! »

په دی بیان سره زما حریف قانع شواونور ئی څه ونه ویل . د پښتنو داخوی د مملکت او آب و هوا د اثر مولود دی ، موږ به په دی باب روسته چیرې بحث وکړو .

ملی غرور :

ملی غرور یو ډیر شریف حس دی ، داحس په هغه مللو کښ لیده کیږی چه ترقی یافته وی ، ولی چه انسان ډرومی منفرد او یوازی و ، دده حیات هم په یوازی او منفردانه صورت سره و ، هر یو به علیحده علیحده د خپل ژوند د ساتلو د پاره کوشش کاوه . مگر هرڅومره چه زما ئی تیری شوی د تکامل په قانون سره د انسان په فکر او مغز و کښ هم تطورات او تغییرات راغه ، ده کور و پیژند ، خپل خپلوان ئی و پیژندل ، قام ئی و پیژند و ، وطن ئی و پیژند او ملت ئی و پیژند ، هر کله چه داحس ده د خپل تکامل په وخت کښ میندلی دی ، نو هماغه افغان مترقی او متکامل گڼل کیږی چه داحس پکښ قوی او مترقی وی .

مونږ و بلای شو چه د ملیت داحس په پښتنو کې خورا کلک او ټینګ دی تردی چه په خپل ملیت باندی ناز د پښتون غریزه گریزیدلی ده

قائم کړه شی ، نویه آخرکی که څه هم په دی عزم کی انسان ته لږ ضرر هم څرگند شی ؛ د دغه ضرر متحمل کیږی دی ؛ او استقلال دی نه پرېږدی . حکما د کلبکی ارادی او ټینګتیا ډیری ښیګنډی بیاوی ؛ چه ټولی دلته نه ځایږی . دیو مسلمان دپاره په دی باب کښ د حکمت دټولو کتابو څخه دقرآن کریم داهدایت ډیر اهمیت لری چه « وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ! » په پښتو کښ دقرآن حکیم د هدایت داد واړه جزا په ښه شان سره معمول دی ؛ دوی اول په مهمو کار وکښ جرګه کوی اویا پس له فیصلی څخه دخپل عزم نه په هیس شان نه اوړی . دامشهوره ده چه « د پښتون هو ، هو ، ده اونه یی نه ! » زینې بد بیان د پښتنو ددی خوی څخه په ضدی توب او جهل سره تعیر کوی ، لیکن « چشم بد اندیش که برکنده باد - عیب نماید هنرش در نظر » داهغه ستایلی او ښا غلی خوی دی چه ټول ژوندی قومونه ددی په اثر ژوند کوی .

ثبات او استقامت :

هم ددی عنوان لاندی داخليږی . ولی ثبات او استقامت اکثره د شدائدو او مشکلاتو په مقابل کې وی . وفا دو عدی انجامز ، او ټینګتیا په خپل عزم کو لونه وائی د اټول سره نژدی دی خوڅه لږ لږ فرق هم لری .

مايوه ورز د پښتنو په ثبات او استقامت بحث کاوه چه ماته وویل شوه چه « د پښتنو په حریبی روح او جنگیالی توب کی هیث شک نشته یو حریبی قوم دی ، لیکن ثبات او استقامت نه لری ، داته د خوش عقیدکی څخه وائی » .

د مذهبي احاطه نه پرته يو پښتون په دنيا کښ دځان نه هيسوک زيات نه بولي بلکه دځان سره ئي برابر هم نه بولي .

سړي ويلي شي چه ددی نورو سچيو په شان داهم د دوی دوضن د لوړ واو او چتو غرود استقلال او غرور ا شر دی چه د دوی په مزاجو کښ فطر تا اخکي شوی دی ، لکه چه ژور ژ شمت د خپل کتاب « انسان » په لسمه صفحه کې (۱) داسی ليکی :

« هغه طبيعي اثرات چه لوړ غرونه ئي دخپلو اطرافو اونواحو د اوسيدونکو په رو حياتو کې لري ، غير له هغه موثر اتو څخه دی چه هوارۍ زمکې ئي دخپلو مسکو نينو په رو حياتو کې پيدا کوی زکه چه د غرنۍ مملکت او سيدو نکي تل د طبيعت سره په جگړه کې وی زکه چه د سيلابونو او خيرو ونکو حيواناتو وجود او هغه مشکلات چه په ژمي کښ دغه خلکو ته رسيدی هميشه دوی ته تهديد ورکوی . او طبيعي ده چه داسی ژوندون نه يوازی د غرونو د شاو خوا د اوسيدونکو د بدنونو او پڼود تقويت سبب گرزی بلکه شجاعت مقاومت د فکر سرعت ته هم تقويت ورکوی . هغه بنياد مان چه د غره په لمنو او اطرافو کښ ژوند کوی نوله دی کبله چه د هغوی روز مره تماس غير له غره نه د نورو طبيعي عناصر و سره هم وی ، نو زکه دخدای تعالی عظمت او صنعت په هغوی کښ زيات نفوذ کوی اودوی دپندارئي ته مائل کوی .

دغرونو خلق مغرور اوازاد طبيعته اوسې او ددوی دغرور او حریت سبب دادی چه له يوې ځي ددوی داسترگي زای اکثره داجانبو دظلم نه په امن وی اوله بلې خوا دوی مجبور وی چه خپل حوائج بيله دی چه (۱) داکتاب جناب محمد قدير خان تره کی په فارسی ترجمه کړيدی

بعضی مناظر دلچسپ افغانستان

تشریحات تصاویر رنگه

د صفحات آينده چند نمونه از رسامی های نفیس مکتب صنایع را بصورت رنگه و يك رنگ طبع کرده ایم . اکثر این تصاویر مناظر حیات سابق وطن را بصورت جذابی نمایش میدهد . شرح تصاویر مذکور بترتیب صفحات قرار ذیل است :

۱ - بازی پرغاله تازی که یکی از ورزش های ملی مردمان صفحات شمال افغانستان بشمار میرود .

۲ - کالسه که قدیمی با هر چهار اسپ آن .

۳ - گوشه یکی از بازار های قدیم کابل .

۴ - گوشه یکی از کوچه های قدیم کابل .

۵ - منظره طبیعی استالف .

۶ - منظره يك دهکده در تاریکی شام .

۷ - یکی از دهات اطراف کابل .

۸ - تصویر يك سالخورده .

۹ - منظره ویران کردن برای آبادی جدید .





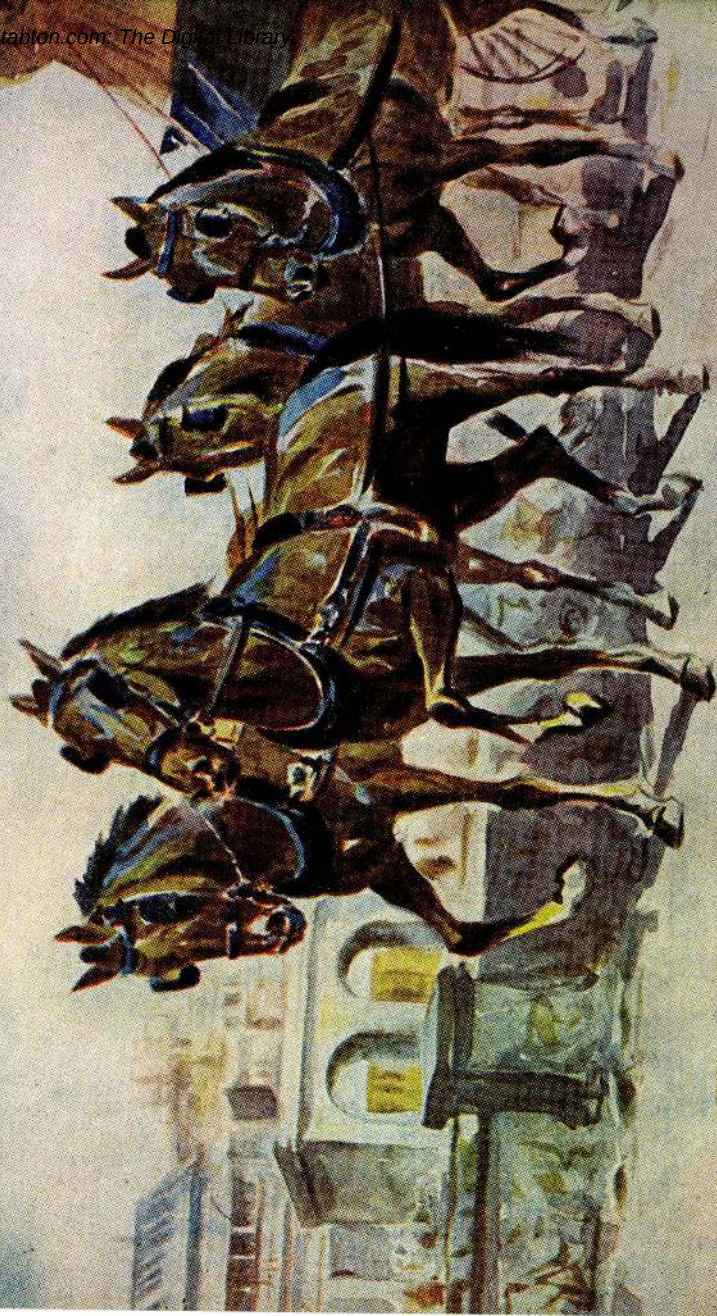


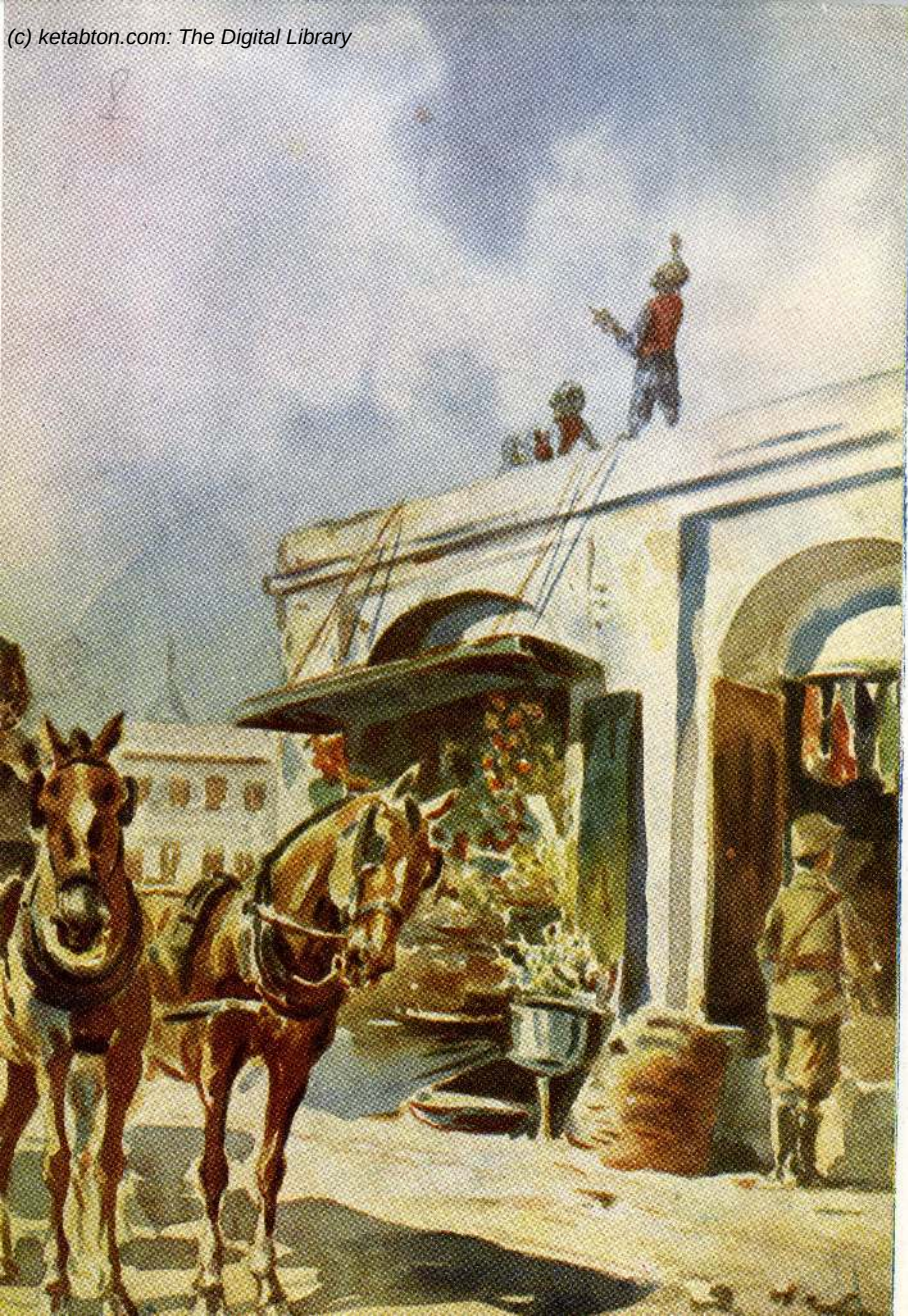


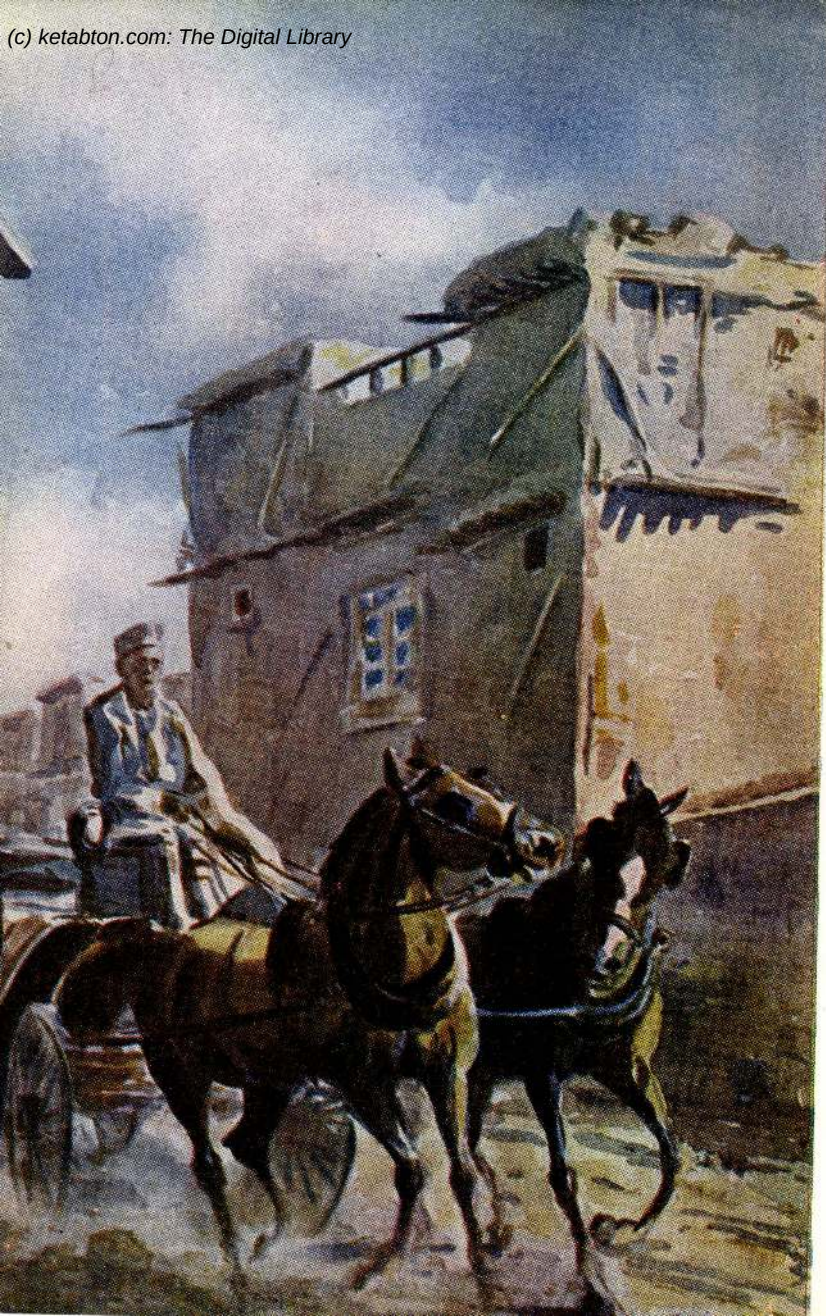
L'Afghanistan pittoresque

Les explications des photographies en couleur
nous reproduisons sur les pages suivants quelques
spécimens des travaux artistiques des étudiants de
l'école des arts et métiers composés de tableaux
très pittoresques, à savoir :

- 1) Le célèbre sport national : la course au chevreau,
- 2) La carrosse princière d'autrefois.
- 3) Un coin du bazar dans l'ancienne ville de Caboul
- 4) Un coin de la rue dans l'ancienne ville Caboul
- 5) Paysage d'Istalif (prov. de Caboul)
- 6) Coin de village (Caboul)
- 7) Village aux environs de Caboul
- 8) Portrait d'un vieillard
- 9) Les travaux de démolitions pour la reconstruction (Caboul)







پښتو ټول

دچانه پکې مرسته وغواړي پخپله ئې رفع کوي . نوبه دې صورت کې د طبیعت استقلال په زمان اعتماد ، غرور او مناعت په هغو کې زیږي او ورو ورو د زمانې په تیرید لوسره کمایگی .

دغره په او سیدونکو خپل وطن اوملت دهر چانه زیات گران وی او دخپل استقلال اوملی حریت دساتلو په باب په هین قسم فدا کاري صرفه نه کوي ؟ او پرته له هغه معنوی قوت څخه چه طبعاً ئې دوی لري ددوی دممکت سختی لاری اودشوار گدار منازل هم ددوی د استقلال دساتنې دپاره مدد ثابتیږي که ددنیا تاریخ ته وکتل شی له دای قسمه متعدد شواهد زموږ سترگوته رازی ! کوم وخت چه روما دروم په اطرافو او جوانو کې په فتوحاتو شروع وکړه او مختلف ملل ئې یو یو د تسلط لاندې راوسته نو دآلب ، بالکان ، کاریات غرونو دا وسیدونکو په مقابل کې ئې پرله پسې فاحش شکستونه وخوړه . ددې نه پرته هغه جگړې چه دتبرول خلقو دخپل حریت اوملی استقلال دحاصلو او دپاره دفرانس سره کړې دی ، یا هغه مدافعتی چه دهسپانیه خلقو دنا پلویان دمظفر عسکر په مقابل کې کولې ؟ یا هغه جنگونه چه قفقازیانو د روس داستعمار په مقابل کې کول دا ټول دهمدغه نه بدلید وکې طبیعي قانون نمونی دی .

زه به بل چا کې نه غږیږم زما خبرې دپښتنو دملي غرور دغریزي سره دی : هو ! پښتانه په خپل ملیت (پښتونولي) خورا نازان او مغرور دی پښتانه په خپل مزیت پوه وی او که نه ؟ مگر ډیر اجنبی پوهان او مدققین چه دپښتنو په ژبه او اخلاقو کې ئې پلټنې اوندقیقات کړيدي دپښتنو داملی مزیت ئې ستايلي دی .

اوپه دی شرافت دکوم یو کار اثر نه لویږی ؟ کوم افغان ته د غیرت راوستو د پاره داوینا کافی ده چه ده ته وویل شی چې « ته پښتون یی اوداسی کار کوی ! » اودېولونه سخت قسم دادی چه دی وواځی : « زه به پښتون نه یم که داسی وکړم » دسیدانو نه پرته دوی د هیس قوم شرافت دخپل شرافت نه زیات نه گڼی .

حضرت سید جمال الدین افغانی په تمه البیان کښ داسی ایکی : « هر پښتون که څه هم فقیروی داخیال لری چه دی دهرچانه شریف دی ؟ ځکه چه پښتون دی ؟ او بل داچه کامل ایمان اواسلام پرته دپښتون اوعرب نه بل څوک نه لری »

کرنیل میلسون انگریز دخپل تاریخ افغانستان داوول باب په آخر کښ دیوی خبری په ضمن کښ دا عبارت را وړی :

« دوی (پښتانه) ډیریه خپل ملک مین اوپه خپل قام غاوردی یوپښتون شاعر چه د قام په انحطاط زهیریری نوله همدغی خواڅخه لځان ته وائی اوقام ته پیغور ورکوی چه ویش شی :

: مغروره شومه په دی چه افغان یمه زه

آگاه نه یمه هیس چه نادان یمه زه »

: د لځا نه یم خبر ، نه له بده حاله .

والله خزان وهلی ، گلستان یمه زه : »

د لځان عزت :

هرکله چه د پښتنو دا ټینگت یقین او خیال دی چه په دنیا کی شریف قام پښتون دی ، نو زکه دوی همیشه زاتنه په درنه او د علو په سترگه گوری ، او کوم کار چه سپک او در ز یانو کار وی د هغه نه

یو خارجی محقق چه دپښتو او پښتونولی دلداده دی ایکی چه « که دیوه خورا بیوزلی لوس بر بنه پښتون څخه چه ستامز دور به وی پوښتنه وکړی چه « څوک ئی ؟ » دی به درته په ډیر غرور او مباهات سره وواځی چه « پښتون یم !!! » چه دده د لهجی څخه به دملیت غرور او له سیما څخه به ئی د « پښتو نولی » علویت ښکاره کیږی اوتا به په درانه غلگت او خورا متانت او وفارداسی دائرلاندی کی چه ته به وائی دی بادار اوزه نوکر یم »

یوبل ایرانی سیاح اونقاد داسی ایکی « هر پښتون فردا ول خان او بیا خپل قام دخدای برگزیده گڼی اود مزکی په مخ هیسوک دیو پښتون په برابر نه گڼی . چه ددی فضیلت اعتدال لیکونکی د ایران دملت دپاره دخدای نه غواړی .

کوم وخت چه یوپښتون سړی خپلی صافقی اوقام لیکونکی ته شماری نو د « داریوش بزرگ » خبره را یادیری چه په څه مباهات په د که لهجه خپل نژادلیکی : « پارسی فرزند پارسی ، ایرانی فرزند ایرانی » (۱) دپښتو ملی شاعر خوشحال خان خټک په خپل ملیت ازیری او وائی : « دافغان به ننگ می و تړله توره - ننگیالی دزمانی خوشحال خټک یم » یوبل پښتون شاعر چه د قبایلی اختلافاتو څخه لوړ پرواز کوی اوپه خپل ملیت فخر کوی داسی ایکی :

داسلام نه پس دافخراله بس دی - چه پښتون یم څه زاخل اوڅه بارک ؟ »

مولوی عبدالمجید افغانی په تاریخ افغانه کښ داسی ایکی :

« په پښتنو کښ دشرافت معیار دادی چه سړی دی پښتون وی ؟

(۱) ستاره جهان ۱۱۰ شماره در حیم زاده صفوی لیکنه (ضلوع)

کارونه نه کوی، ولی چه داسی شیان دده په عزت او شرافت کښ
نقص را ولی. او داسی سړی هیسکله دانه قبلوی. همدارنگه څوک
چه لوړ همت لری هغه هم بیعتی ته تن نه ورکوی. نوز که دزان
دعزت د عنوان نه وروسته دلوړ همتی بیان ډیر مناسب دی. پښتانه
لوړ همتونه لری هیسکله پستی نه قبلوی. دوی په خپله محاوره کښ
بی همته سړی ته وائی (سی دی) او سینتانه هم بی همتی ته وائی.
له دی څخه ښکاره کیږی چه پښتانه له دی پستی څخه ډیر بدوړی
او هېس وخت دسې نسبت پرزان نه قبلوی. پښتانه دچامت هم پرزان
نه ایږدی اوفطرتا استغنا لری. دپښتو ملی شاعر خوشحال خان
په دی لاندی بیت کښ دپښتو نولی دا روح ښه بیانوی:

«دمنت داروکہ مریم به کارمی نه دی - که علاج لره می راشی مسیحا هم»
حمید با با په دی بیتو نوکښ دپښتو نولی درو حی علو تصویر په
ډیر ښه ډول کوی:

«وژی توی پروت په خپل پوزی کی ښه بی - نه په تخت دیاسه ناست دبل کره»
«دمنت پلاو د زهر شه کی مو می - دمحنت سوی سکرک دساگ سره»
په دی بیت کښ حمید با با دپښتو نولی دا ضروری شرط په څه
ډول ښیږی:

«یو به نسیم مغلواړی دررقیب ستا - که زوکړی وم رښتیا په پښتنی زه»
کاظم خان شیدا د تور یا لی خوشحال خان لمسی د عالی همتی
اقسام په ښه ډول شمیرلی دی. او دلوړ همت په سبب سره د مخالف
سره هم موافق دی.

«موافق د مخالف لکه افتاب یم - هېس شعله می دچشمی په اثر نه مری»

زان ساتی؟ او داتقاضا لری چه باید هرڅوک دی دوی ته د شرافت.
په کتنه گوری. د همدی حس د تیزولو د پاره یو پښتون شاعر وائی:
«ته په خپله د زان قدروکړه پاڅه که دنیا کی په عزت اوسیدل غواړی»
حضرت سید جمال الدین افغانی د تئمة البیان په (۱۴۷) مخ کی
داسی لیکي:

«پښتانه بندیان نه خرڅوی، که څه هم کافروی، د عاجزانو او
لاره وو عزت او احترام کوی؟ غلا غالباً بده گنډی اگرچه په داره
او لوټ فخر کوی؟ او دا معلومه ده چه د لوټ او غلا په میتر کی د
قوت او ضعف فرق دی».

دغه ستائلی شوی حضرت د خپل کتاب (تئمة البیان) د مقدمی
په اول کی دا عبارتونه راوړی: «په دی ورزو کی اخبارونه دافغان
امت په احوال کی بحثونه کوی چه د زان په عزت، توره اولوی همتی
سره پیژندل شوی دی؟ دا هغه امت دی چه د دوی نفوس دا نه
منی چه په عجز سره دی د مکر، حیلی او غلوونی د سیوری لاندی
راشی؟ او ذلت او سپکاوی دی قبول کی»

د دی عبارتو پسی داسی وائی «د نفس شرافت ددوی قائد دی
دوی د شرافت مرگک د بی شرفی په ژوند باندی چه داجنیا نو دلاس
لاندی وی که څه هم د ډیر عیش، ښو خورا کو او څکاو سره وی
غوره کوی».

لوړ همتی:

لوړ همت او د زان عزت دوه لازم او ملزوم ښونه دی. زکه
هر څوک چه دزان دعزت حس لری هغه هیسکله دسستی او بی همتی

دعمل ، د فکر حریت دادی چه فکر په هغه مسایلو کښ چه په ده باندی واردیگی آزاد او حروی . او د عقل دنوامیسو په مقتضی پکښ حکم وکړی . او حریت د قول دادی چه انسان دخپل اعتقاد او وجدان له رویه څه چه په زړه کښ لری هماغه ووائی . بی ، له دی نه چه له چاڅه وویریوی یاوشرمیوی یادخیلو نفسانی خواهشاتو دا ترلا ندی راشی یادچا خوشامندی وکړی او دخپل اعتقاد او وجدان نه مخالف ووائی .

د فکر حریت د اجتماعی ترقی په لار کښ اول قدم دی . بلکه داد دغی ترقی اساس دی . لیکن حریت د قول د دینه ډیرا همت لری زکه که یو انسان په خپل فکر کښ خطاشی نو ددغه خطا ضرر دهمده پوری منحصریږی . نورامت ته تعدی نه کوی . او هر څه چه د قول حریت دی ، نو دا دملت دارتقا عنوان بلل کښی . اوددی خوی خاوندان د مصلحت عامه خادمان دی . حریت د قول په ډیر و مظاهر و سره ظهور کوی چه هغه دا حوالا توبه اختلاف سره اختلاف مومی . د خلقو سره په شخصی معا ملا تو کښ دده نه په صدق او رښتیا سره تعبیر کابوه شی ؟ اودارشاد اوتنبیه په وخت کښ ورته دوینا صراحت او صدق اللهجه ویلی شی ؟ او دا انتقاد او اعتراض په لار کښ ورته په شجاعت ادبی سره تعبیر کښی . مگر هر څو سره چه نومونه او اعتبارات ئی ډیردی . لیکن خپله دی بسیط تجدید لری ، هغه دادی « دخپل اعتقاد سره سمه وینا » د ټولونه لوړه درجه ئی « په خپله خطا اعتراف اویه خپل عجز افراردی . » سرا د دادی چه انسان له خپل اعتقاد سره سم ووائی . که څه هم دده په حق کښ وی . بوله علماؤ څخه وائی « چه انسان همیشه په خطا دی تر څوچه په خپله خطا

داوړ همت تقاضا داده چه هر سومره سړی اوړشی سره ددی به هم تکبر نه کوی . شیدا دا اخلاقی مسئله په شاعرانه استدلال داسی بیا نوی :

« سیه رویه لورعت لکه دود مشه د افتاب غونډی کړه مخ په رخشانۍ کښ »
 . عالی همت سړی دهرچا سره په ورین تندی گړیږی ، چه شیدائی فتایح داسی گنږی :

« شگفته کړلکه امرتندی هرچا ته چه په تده دی سیاه پوش تمام جهان شی »
 طمع هم دلور همت سره ضدده عالی همت سړی طامع نه وی ، شیدا په ادبیانه مهارت په خورا دلچسپ ډول داد پښتو نولی خوی روښانه کړی دی :-

په صورت می شی خولی د حیا ماتۍ
 که ونان ته دافاب څخه نظر کړم

سوال او غوښتنه دپښتو نولی دلور همت سره نه ښائی . هیس پښتون دچا څخه د فقر او دریوزه گری په ډول څه نه غواړی شیدا وائی :-

سوال می خوی له درافشانه ابر نه دی
 صدف وړانه خپله خوله کړه په غوښتنو
 د افتاب په کمند نه څیرم اسمان ته
 نه ژدم بار لکه شیم پردوش دگلو (۱)

آزادی او حریت :

حریت دری درجی لری ؟ حریت د فکر ، حریت د قول ، حریت

(۱) دطووع ۱۴ کال اوله گنږه .

د حاکم قاتلان دی زه زير اوزولانه راوستل شی . داوه چه دمی ی وژونکی په ډیره جلتی سره راوستل شو ؟ او امیر صاحب ته وړاندی کړی شوه . امیر صاحب په شاهانه جلال او دبد به سره چه زنگنه نه می لگولی وو اوتوره ئی وړ باندی ایښی وه ؟ د قهره ډکی سترگی ئی ورته راواړولی ؟ او په ډیر دروند غږگ ئی ورته وویل « ! زما حاکم تاسی وژلی دی !!! - تاسی ماته پیژنی زه عبدالرحمن یم !!! زه به تاسی سره خپل سلوک وکړم !!! » د امیر صاحب دا خیال دی چه دوی به اوس منکر پری او دی به ئی په دی سیاست قایل کی . د پښتو نولی د پل نه یوه ډیر ډاډه زړه وروړاندی شو . او وی ویل : « صاحب ! هو ، ما وژلی دی . »

امیر صاحب : « ولی ! ستا »

بندی : « که اجازه وی زه به حقیقت بیان کړم . نور امیر صاحب اختیار لری » امیر صاحب : په ډیر قهر سره « - « ښه ، وایه !!! » بندی : « صاحب ! ما حاکم د امیر صاحب د مخالفت د پاره ندی وژلی . موثر د حاکم صاحب ډیر قدر او عزت کولو . او دده هر قسم خدمت او متابعت ته تیار وو . ولی دده چرگان ډیر خوښ وو د موثر نه به ئی چرگان په زور غوښته ځکه موثر هر څو مره ده ته وویل او جرگه مو وړاندی وکړه چه موثر تیار یو چه تا ته پسونه احوال کړو . و ریتی درته وکړو ؟ میلمستیا درکړو او نور خدمت دی وکړو . چرگان څه کوی ؟ چرگان د گیدو و خوراک دی . زموثر پادشا زمهری دی او موثر پښتانه پړانگان یو . »

اعتراف وکی نودغه وخت مصیب شی . او تل ضعیف دی تر څو چه په خپل عجز اقرار وکی نو قوی شی « هر څو مره چه سری دن و رزی متری امتو ته وگوری . نو وینی چه ددوی دارتقا اندازه په همدغه خصلت کیدی شی . یعنی هر څو مره چه یو امت متری او مهذب بلل کیږی هماغو مره دا خصلت په هغو کښ متری او قوی لیده شی . (۱) دا ډیره د فخر خبره ده چه پښتانه بالکل حردی . او خصوصاً د قول حریت ، رښتیا ، اوترت ویل د دوی اصلی طبیعت گرزیدلی دی په ډیر وسختیو او شدا ید واو د زان په خضر کښ هم د صدق او خپل اعتقاد نه خلاف نه وائی . اودا دوی پښتو نولی گنړی . د یو رښتینی پښتون په خبره کښ که څوک یو څه شک یا تردد د ښکاره کی ؟ دی به په خورا تاثیر او احیاناً په قهر او غضب ووائی « بابازه خوهم پښتون یم ! » د تیرو خبرو په مناسبت زما یوه قصه یاده شوه ، غواړم چه دلته ئی ولیکم :

قصه :

داسی وائی چه د اعلی حضرت امیر عبدالرحمن خان په وخت کښ د مشرقی شنوارو ته یو حاکم مقرر شو . ویل کیږی چه د حاکم د چرگ غوښه او ور یجی ډیری خوښی وی ؟ نو د خفقو نه به ئی چرگان ، غوړی او ور یجی غوښتی . داسی ویل کیږی چه د دغه زای سین ژیرو خوواری ده ته عذرو کړو ؟ خوشی خپله رویه بدله نکړه . په آخر کښ خنق تنگک شوه ؟ کوم پو ته ئی و ویل چه دلحد تیری ته ئی ولیږی . نو په ټوپک ئی وو یش اومئ ئی کړو . چه امیر عبدالرحمن خان ددی واقعی نه خبر شو ؟ نو دده طبیعی شدت او قهر یو په سله زیات شو ؟ نو په ډیر تشدد او غصی سیه ئی حکم وکړو چه

(۱) مختارات جرجی زیدان

د دینه لاس واخه ! مگرده نه مننه . نودی گېډرو ، گېډر او زمري او پړانگان سره نه چلیږي ؟ نو مو وژ او . نور امیر صاحب اختیار لري !

هر څومره چه بندی دا تقریر آخر ته رسو لوی دامیر صاحب په تریو او گونجی گونجی تندي کښ پراختیا پیدا کیده . د تقریر په خلاصید و سره ئی و خندل ؟ او بندیان ئی ایله کړه . او خاص دغه سړی ته ئی دده د پښتو نولی په احساساتو او رښتیا وینا بخشش هم ورکړو . او کورته ئی رخصت کړل .

خوشامند گر خلق چه دجامعی مضرمیکروب بلل کیږي ددوی عادتوی چه مخامخ سړی ته رنگا رنگ غوره مالی و کړي ؟ رقم رقم لقبونه اوصفات پیدا کړي ؟ او خپل ممدوح ورباندی و ستائی . دا ټول ددی دپاره چه د دغه مخاطب په روح کښ له دغی خواخه تاثیر وکی او خپل څه شخصی غرض وروړاندی کړي .

ولی پښتانه دغه د خوشامند و عادت هیس نه خوښوی . دوی ته په حقیقت او ، صاف ویلو کښ که ښه پیښه شي او که بده دحقیقت نه ، نه تیريږي ؟ خوشامندی کول په پښتو نولئی کښ ډیر لوی عیب دی . ددی خبری دا ثبات لپاره همدا کافی ده چه مونږ د پښتو ژبه چا نې کړو ؟ نو په ټوله ژبه کښ به هیس د خوشامند و القاب او لغات نه کړو مینده !

دوی خپلو اشنايانو او دوستانو ته د هغوی په نومو خطاب کوي ؟ په پښتو کښ دو رور او ملگری لفظ ډیر خوږ او معنی داره دی . کله کله د دغو کلمو سره دگران لفظ هغه هم په لیک کښ یو لخوا

کیږي ؟ کشرانوته د « روکی » « لالی » او « کوکښی » لفظ مستعملوی . په پښتو کښ داهیس عیب ندی چه څوک په خپل ساده نامه سره یادشي . پدی خو کښ پښتانه دومره بی تکلفه دی چه زښی قبایل لکه شنواری او داسی نور ، کشران مشرانو ، او زامن پلارو نوته مخامخ نوم اخلي . او هیس بدنه منل کیږي . کشران هم دا په سیک نظر سره نه کوي . د عزت په لخوا کښ چه د پښتو کشران دخپلو مشرانو څومره متابعت او فرمان برداری کوي دا بحث به دلیل کوم عنوان لاندی بیان کړم . په لوړولو یو جرگو کښ دخپلو خانانو او ملکاتوسره ددوی په نومونو مخامخ کوي . دایرکم ویل کیږي چه « خانه ! یا ملکه ! » دخپلو مشاهیر واولویانو دنامه دیادولوسره د « بابا » لفظ احتراماً یو لخوا کوي . لکه احمدشاه بابا ، رحمن بابا ، اوداسی نور .

باد شاه ته ئی ددینه مخکښ امیر صاحب ویاو . او س خپل قومی باد شاه ته اعلیحضرت خطاب کوي . ددینه علاوه کوم څه چه د مساوات د عنوان لاندی داخلیدي هغه هم د آزادی او حریت سره پوره دخل لري .

مساوات :

پښتانه څرنگ چه په خبرو کښ القاب او تعبدات نه لري . دغه رنگ په خپلو معاملو او اطوار کښ هم د تکلیفی امتیازاتو طرفدارنه دی . یوازی دانه چه پښتانه داشیان کوي نه ! بلکه پښتانه ئی غواړي هم نه ! حضرت سید جمال الدین افغانی دتتمه البیان په ۱۷۴ مخ کښ داسی لیکي « دپښتو امیر دنور مشرق دباد شاهانوغو ندی دبدبه

ویل کیږي (ښه اوسئ - خدای دی لره) د جنوبی او مشرفی
پښتانه وائی (سترې مه شی ! په خیر راغلی !) په جواب کښ
ویل کیږي (مه خوارېږئ ، سلامت اوسی ، خدای دی وبځه !!)
د پښور پښتانه وائی : « په خیر راغلی ! هرکله راشی ! ... هرکله !
هرکله ! » په جواب کښ ویل کیږي « په خیر اوسی ! » مهمند او
د باجوړ پښتانه وائی « ښه چاری ! » په جواب کښ ویل کیږي چه
« چاردی ښه شه !!! »

دی فعل او کارته زینی پښتانه « روغېږ » زینی ورته « سترې
مشی » زینی ورته « هرکلی » اوداسی نور وائی .

ددی فعل رسوخ په پښتون قام او خصوصاً د سرحد په پښتنو کښ
خانته او مخصوص اصول پیدا کړی دی . پښتانه اکثره په کلو کښ
اوسېږي . ښاری استوگنه اکثره دوی نه خوښی . هرکلی ضرور ،
دنه یاد باندی مسجد لری . او د مسجد په خوا کښ حجره وی .
د اهله چه کلی وړوکی وی . او که اوی وی نو د پیر مسجد ونه او د پیری حجری
لری . په هره حجره کښ شل دیرش کتونه پراته وی . او په هرکت
کښ دخوب کالی چه عموماً لاند ستون پرستن او بالښت وی : ایښی
وی . د حجری په منځ کښ اوی نغری وی چه اور پکښ بلوی ، نغری
نه چاپیره په ټوله حجره کښ یولوی پور (پوزی) غوړیدلی وی ؟
چه کله کله ورباندی لېسې اچوی . نو د کلی خلق د خپلو میلمنو سره
هر سبا لمښام په دی حجره کښ کښینی . او یو لځای دوهی خوری .

دمیله پاللو او دوهی ورکولو د پاره پښتانه زښت دیر ښه دستور لری ؛
د پښتنو میلمه دا نه دی ضرور چه د دوی آشنا او پښتونکی

نه لری . بلکه په حکومتي دربار کښ د خپل حکومت دارکانو سره
یو لځای کښی . او دنور وار کانوسره د پیر لځ تفاوت لری . دروازه
ساتونکی (پهره دار) څوک نه منع کوی . هر سړی کولی شی چه
خپل عرض د باد شاه حضور ته ورسوی . او خامخ ورسره په جگ
اوازی پروا خبری وکړی . دارنگه نور دولا یا توحا کمان هم دی . هو !
د باد شاه په مخکښ دیر مسلح عسکر ولاړوی . چه د امر د اجراء د پاره
تیار اوسی ! « مواوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په ۱۹۵ مخ کښ
داسی لیکي :

« پښتانه امیران امتیاز نه خوښوی . بلکه دخپل لاس لاندی
خلقو سره عزیزانه سلوک کوی . اود ادنی ادنی خلقو سره هم مهمی
خوری او په معمولی فرشونو ورسره کښی . دنور و امر او غندی آرایش
نه خوښوی ؟ مگر ددی بی تکلفی په وجه ددوی په اقتدار کښ څه فرق
نه زرای »

میلمستیا :

دمیله پاللو عادت په پښتنو کښ دیر پخوانی او دیر راسخ دی ؛
میلمه پالل هر پښتون دخپل ژوندانه ضروری برخه گنږی . پښتانه
تردی میلمه پاللو ته اهمیت ورکوی چه په کوم لځای او کوم حال کښ
میلمه نشی پاللی هغه او خوښوی نه !

که سړی په پښتو ژبه کښ لځ عمیق شی نو ور معلومه به شی
چه دمیله داستقبال او ملاقات د پاره څو مره محاورې لری . نو دا
د پښتنو د میلمه پاللو په خصلت باندی ین ثبوت دی ؟ د قندهار پښتانه
وائی « ښه راغلی ! - خدای دی راو له » چه په جواب کښ

دجی دوش په وخت کېن ملیمانه په کتونو کېن قصا ر ناست وی
د کښی مشران سړی او ملکيان چاپېنک په لاس هریو ملیمه ته ورزی
او چای وراچوی . او په دی باندی ډیر فخر کوی چه ملیمه ته
او به یا چای په خپله ورکړی . دا کار پښتانه په کشرانو او
نوکرانو باندی دسره نه کوی . د پښتنو په دی خصلت باندی نورو
مؤلفینو هم شه بخښنه کړیدی . کرنیل میلن په خپل تاریخ کېن لیکي :
« پښتانه ملیمه دوست او د فقیرانو په باب سخیان دی » حضرت سید جمال الدین
افغانی د تښته البیان په ۱۴۷ مخ کېن وای « پښتانه دغرباؤ او مساکینو
عزت او نمانځ نه کړی »

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په ۱۹۷ مخ کېن لیکي :
« په افغانستان کېن هیس مسافرت د لاری د خرچ ضرورت نشته ؟ په
ملیمه یا لمر کېن ښی دقارینه و نه کښی نه دی . که سړی په زای
کښی نه وی هم ملیمه ته شه تکلیف نه رسی . د ملیمه یا لمر قول
ضروریات ښی په خپله پوره کوی . د پښتنو دملک په زینی یر خو کېن
اورښی ډیری کیږی . مگر د ملیمه دپاره ضرور دپته په کومه برخه کېن
غنم کړی . د فصل داخستونه پس داغنم په ډیر حفاظت سره ملیمه ته
ساتی . تردی چه خپل اولادته یی هم نه ورکوی . »

دا کتر سړهنری هر اس هسپا نوی د بهی دیونیورسټی د تاریخ
پروفیسر دخپل هغه سفر په حالا توکښ چه په ۱۹۳۵ ع کېن یی په
افغانستان کېن کړی و . داسی لیکي : « افغانان » پښتانه او نو قبایل
چه دلته اوسیږی « د ملیمه په وجود ډیر فخر کوی کوم وخت چه زای
ته یی راشی ، نو ستا دصحت پوښتنه کوی . درته به وایی چه په کښی

دی وی . نه ! هر څوک او هر مسافر او لار وی چه کښی ته راشی
هغه د دوی ملیمه دی . او په دوی یی قدر لازم دی . کښی وال او
کور بانه دومی ملیمه ته پاسیږی سټی مشی ورته وایی . (۱) لاس ورکوی .
که څه ټویک سامان یا پښو په شالری ؟ تری اخلی یی ؟ په خپل زای
کښی یی ژدی . چه ملیمه کښینی . نو بیا ورسره مجلس کوی . او پوښتنه
تری کوی چه څوک یی ؟ ... څنگه راغلی یی او داسی نور . چه
د نمانځه وخت شی هر سړی یوه کوزه یا زیاتی تودی او به راوړی
چه ملیمانه پری او دسونه وکی . د ماښام د نمانځه نه وروسته دستی ټول
کور بانه کوروته زی . هرڅه چه پاڅه وی مړی او لنگولی هر یو بیل
بیل را واخلی حجری ته یی راوړی . چه دا ټول د ستر خانونه او
شکرونه او لوبښی حجره کی جمع شی . نو ملیمانه کښینی مړی خوری او
کور بانه داو بو ورکولو خدمت کوی . چه دوی ماره شی نو او به
ورواچوی . دوی کتونو ته پاسیږی . نو د کښی خلق کښینی خانونه
ماره کړی . نو پاتی مړی سره بیرته په د سترخان او شکرو ویشی
نوزی .

سبا ییگما همدغه حال وی دغرو نو پښتانه دچایو عادت دسمی دپښتنو نه
زیات لری . مگر په غرو کېن هر کور دچایو دپاره اوزه یا غوا
ضرور ساتی ، او شوده یی په چایو کېن لگوی . په سرحد اتو کېن
اکثره توری چای دشو دوسره څکل کیږی . شین چای کم وی .

(۱) پښتانه دا عادت لری چه هر ورکښی او غټ بیل بیل ملیمه
ته سټی مشی وایی .

نودپښتنو په بين الافغانی قانون کښ داد سيمی والاد شرف بی احترامی او دده په علیه باندی اقدام کول گنځل کیږی . نو دسیمی خاوند هماغوسره په کلکه سره دتوپک په خوله دخپل پناه گزین بازخواست کوی . لکه څنگه چه بو پښتون د خپل زان دبی احترامی دپاره کلک بدل او عوض غواړی .

هو ! که په دغه پناه نیوونکی میله باندی د چا څه حقوق یاپوروی نو د جرگی ، مرگی او اصلاح په صورت بی غوښتلی شی . ولی په زور سره که څه هم پناه غوښتونکی ډیر ملامته وی ، څوک ده ته څه ویلی نه شی . مگر هغه وخت چه د سیمی د خاوند بدی او دښمنی ته ملا وتړی . نو په دی وخت کښ چه جانبینوته څه پیښ و ، هغه به پښ وی . حضرت سیدجمال الدین افغانی د (تمة البان) په ۱۵۳ مخ کښ داسی لیکي :-

« پښتانه په راننوتونکی او پناه غوښتونکی باندی په سر او مال ودریږی او حمایت بی کوی »

بل داچه که یو لا روی یامسافر ، یا هغه څوک چه د چا په حجره کښ بی شپه تیره کړی ، یایی میی خورلی وی او د همدغه سیمه والا په لځای کښ د ده په مال یا حق څوک و بلوسی . نو سیمه والا په ده غیرت کوی او د میله د حقوقو او د سیمی د احترام ساتلودپاره خپل ټول کوشش کوی .

کله داسی هم کیږی چه د سیمی خاوند ټوپک غاړی ته اچوی خپل میله د خطر د لځینه تیروی . نو په دی وخت کښ که څه پیښید

یا لمسی کښینه . که بل هیس شی هم نه وی او درته وائی چه دیوزکی په ټوپکی کښینه ؟ ستومانی او باسه ! دمخ اولا سونو دایتز لودپاره درته تودی او به راوړی . چای درته تیاروی . ټینگیږی چه غرمه مونږ سره تیره کړه . او ډیر کوشش کوی چه شپه دده سره پاتی شی . ددی طبیعی او مخلصانه احتراماتو او نماز لو نتیجه داوی چه سړی په افغانستان کښ داخیال کوی چه په کورکی یم . بی له افغانستان نه بل هیس زایکی د انسانی ورور ولی حس دومره زیات او عام نه لیده کیږی (۱)

په میلمه غیرت :

دپښتنو په میلمه پالنه کښ داهم دا څه ده چه څوک دوی ته پناه راوړی او ددوی دپوتی شی نوپښتانه دخپل سرومال نه تیریري مگر میلمه او دخپل پوتی سړی بی آبی ته نه ورکوی . دا حس دپښتنو دمیلمه پالنی دحس څخه پیدا شوی دی . دی ته باید « په میلمه غیرت » وویل شی . په میلمه باندی غیرت کول دوه رقمه دی : یوداچه هر کله څوک دچاد ظلم او تعدی نه تنگ شوی اونور د مدافعی قوت بی نوی . نو په دی وخت کښ دی زی دچاد پوتی کیږی . ددی معنی داده چه دی دچا په سیمه یعنی دهغه په محروسه حدود وکښ د پناه وړ او په نیت دا خلیږی . نو دسیمی خاوند دده دحمایت او ساتلو دپاره خپل ټول زیار خر خوی . نو که دښمن ددغه پنا گزین پسی ددغه سړی په سیمه کښ د نقصان کوشش وکی یاد هغه دپوتی شوی سړی ته لاس واچوی او څه مالی یا جانی تاوان ورواړوی

(۱) مجله کابل ۳ گڼه ۵ کال

څخه يوه داده چه دوی د خپل وطن سره نسبتاً ډیره مینه لری .
رښتیا هم داده چه پښتانه د خپل وطن سره زیاته مینه لری . د وطن
د دفاع په لار کېښ په سرو مال لویې د پښتنو فطری غریزه ده . او
په دی غریزه کېښ ښی او نر مساوی دی . وگوری دالاندی ملی
لاندی په خومره ژوره وطنی مینه دلالت کوی :-

« د پښتنو زلمیو وار دی — پر خپل وطن به توریالی مېړونه مړینه
« زلمی ولاړ توری ترملا دی — غزاله زی پر خپل وطن سرور کویته »
جانان می سر به وطن کښینود — په تار د زلفو به کفن ورله گنیمه »
د پښتنو پهدی غریزه لکه چه موثر مخکښ ولیکل نور پردی خلق هم
قائل دی . او دهمغه حس په برکت پښتانه دخپلو لوړو وغرونو پهمیتر کښ
د — آزادئی او حریت خا اخلی !

ملی استقلال :

پښتانه چه لکه څنگه چه د وطن په مینه کښ پاخه دی ؟ دارنگه
په خپل ملی استقلال هم ډیر مین او تر سر تیردی . د دنیا لویو لویو
فاتحینو لکه اسکندر ، چنگیز ، نادر او تیمور هم دوی پوره د خپل
تسلط لاندی نه دی راوستی .

دا خبره په یقین سره نده معلومه ، چه د دوی استقلال خواهی
دوی ته د غرونو استوگنښو دلی ده ، او که دغرو استوگنی دوی
دوسره په استقلال ټینګ کړیدی .

د پښتنو اکثره وخت دخپلی آزادئی پر دفاع کېښ تیرشوی دی .
دوه دری سوه کاله د نڅه چه د پښتنو د — زامره عظمت دوره تیره

د هغی مدافعه دی په خپله کوی .

او مېلمه د خطر د لاینه او باسی . دی ته د پښتو په اصطلاح
کښ « بدرگه » وائی .

بدرگه :

بدرگی ته په پښتو کېښ په درنه سترگه کما ته شی . مثلاً د کوم سړی
سره چه د دغه قام یا د دغه وطن څوک سړی ، بدرگه روان وی ؟
نور پښتانه هغه ته په دروند نظر گوری . نو که څه هم په هغه د چا
حقوق وی مگر د بدرگی په لحاظ ورته څه نه وائی . او رښتیا داده چه
څه ورته ویلی هم نه شی !

د وطن مینه او دفاع :

د وطن مینه او خپل کورساتنه په انسان کښ یوه حقیقی غریزه ده
حیوانات هم دخپل کور او خالی سره محبت لری . مونتسکیو فرانسوی
وائی ، چه : « انسان په خپلو وینوسره تر مرگه پوری د وطن مدیون
دی » پول دومروائی : « د وطن حب تر ټولو فضیلتو لوړ دی ؟
وطن یوه کلمه ده چه د سرداری ، باداری او قوت معنی پکښ پرته ده
داوړ تیا ، استقلال او او بو آما او منبع وطن دی . « تریشکه المانی
وائی : « د مملکت د فائدی دپاره جنگ تر هر څه د نځه او ضروردی »
ولی یو پښتون او مسلمان ته ددی ټولو خبرونه دا ډیره گرانه او
غریزه ده چه « جاهد و اباموالکم و انفسکم » یا داچه « حب الوطن
من الایمان »

موثر دا مخکښ ثابته کړیده چه د غرونو داوسیدونکو د غرائزو

شوه ؟ په هندوستان کېږ د مغولو ، او په ایران کېږ د صفوی کورنۍ شاهنشاهی وی ؟ دوی پر پښتنو خانو نه سترې کړه ؟ - ږه ددی هم دوی مغلوب نشوه ؟ او د پردو غلامی یی ونه منله ؟ چه په آخر کېږ یی دخپل مټ په زور خپل وطن په خپل واک کېږ کړو . دارنگه یی دانگریزی لامونو په مقابل کېږ هغه یا فشاری وکړی چه تل به د پښتنو د خپلواکی غوښتنه دنیاته څرگندوی . داهغه امتحانونه دی چه پښتون قام د دنیا غی ته وړاندی کړیدی ؟ اود دغه ټولو واقعاتو څخه دا ښکاره کېږی چه دپښتون قام د - آزادی روح دهغه پوری نه مری ، ترڅو چه دی په دنیا ژوند کوی - او هیسکه په ذلت سره هیچاته سرته شی ټیټولای ؟ د پښتو ملی ادبیات د - آزادی له روحه ډک دی . حمید او رحمن بابا د مغولو پر خلاف چه ددوی آزادی یی مخو کوله سخت ادبی کوششو نه کړیدی ؟ په دی لحاظ دوی در آزادی علمبرداران گڼل کیږی . خوشحال خان خټک خود پښتنو د استقلال لوی قائد او ملی مشر دی . ده په دی لار کېږ ځان ، مال ، قام ، ځانی ، عزت ، دباچیانو نواز شونه ، ټول پری ایښی دی . لکه چه وای :

د مغل منصب می پریشی هسی خو ښ یم

لکه خلاص چه له زندانه بند یوان شی

آزادی تر باچیی لا تیری کاندی

چه دبل د حکم لاندی شی زندان شی

خوشحال خان د خپلواکی د روح په گناه ډیره موده بند یځانی اوقیدونه تیر کړه . کوم وخت چه د دیلی د محبس نه په خپل پښتنی حبت اوتدبیر سره خپلو آزادو غرونو ته راغی ، د دینه روسته خپل د - آزادی

احساسات داسی ښکاره کوی :-

شکر دا چه په پرواز یم و ښکار ونو و ته ساز یم

زه خوشحال د غرونو باز یم چه په بند وم د مغلو

داملی سردار چه کوم وخت مه کیدو ، نو پس له مرگه یی لاهم په خپله خاوره د غلامی گردنه قبلوه . نواخرنی وصیت یی داو کړه :-

« مایه یوه لوی غره اوداسی ځای ښخ کړئی چه هلته د مغلو د سپرو داسونو د پښو گرد راونه رسیږی ! » - د قندهار د هوتکو مشهور شاعر عبدالرحیم خو - د آزادی غوښتلیو په سبب دهغه وخت پر په باچا له وطنه و شړاو (۱) .

دوطن اوقام دآزادی دپاره چه زمونږ مشرانو لکه : میرویس خان احمد شاه بابا ، محمد اکبر خان ، اعلیحضرت محمد نادر شاه خومره جانفشانی او کوششونه کړیدی ، هغه ؟ تاریخ هیسکه نه هیروی . زه غواړم چه دلته د ښاغلی میرویس خان نیکه د استقلال خواهی یوه نمونه ولیکم :-

کوم وخت چه میر ویس خان د بدخواهانو په خو له اصفهان ته و غوښتل شو . او هلته یی څه موده پس په خپل عقل او فراست سره دبادشاه ، او د دربار د خلقو حسن اعتقاد حاصل کړو ، نو حج ته لاړ . پس له حجه څخه بیرته اصفهان ته راغی . اویا خپل وطن قندهار ته راولیکل شو ؟ اودلته یی د وطن دآزادی دپاره عاقلانه کوششو نه وکړه . او خپل ملک یی آزاد کړو . نو چه د قندهار فضاء د مخالفینو څخه پاکه شوه ، نو د قبائلو مشران یی راوغوښتل ، چه ټول حاضر

(۱) د طلوع افغان د ۱۴ کال او له گڼه .

مونږ ته معلومات را کوی ، ددی ملک قول حرکات اوزياتره واقعات ددين دائر لاندی دی . په حاضره وخت کېښ چه دچانه د اسلامي غيرت اميد ښکولی شی هغه پښتون قام دی . لکه چه دشام مشهور ليکونکي حضرت اميرشکيب ارسلان دحاضر العالم الاسلامي په تعلقاتو کېښ د افغانستان دعنوان لاندی ليکي :

« په عالم کېښ داسلام دپاتې کيدو ددير ولويو زابو څخه افغانستان دی . دازای پخوا لا څه کوی چه نن هم د اسلامي قرباني دديرومېمو زابو څخه دی . زمادی قسم وی چه که چری په ټوله دنيا کېښ د اسلام پورگک هم خوزيدونکي ياتی نه شی . نوهم ته به ويني چه دهماليه اوهندوکش غرونود اوسيدونکو په وينه کېښ به داسلامي غيرت تودوخه باقی وی ، اوداسلام دحيات رگونه به په دوی کېښ ټوړونه زهی اواسلامي عزم به دلته محکم وی ددهمغه زايه عربي فاتح محمدبن القاسم غزاته پورته شو ؟ اوسندي په ۷۱۲ ع کال کېښ فتح کړو .

اوددهمغه غرونو څخه لوی مجاهد ، داسلام اسکندر ، د علومو اومعارفو حامی : سلطان محمود غزنوی دمیلاد دیوولسم قرن په اوائلو کېښ ځکه شو ، او داسلام بيرغ ي په هندوستان کېښ ديو سرنه دبله پوری جگ کړو . »

پښتانه ټول مسلمانان اوسنيان او دامام ابوحنيفه په مذهب دی . تراوتيزی ، واره اوغت ددېښ رسومو په ادا کو لو خو را کلت او ټينگ دی . دنمانزه ، روزی او نورو عبادتو په کړنه کېښ هيس تساهل نه لکوی . بی د (توری) قبیلې څخه چه دوی شيعه دی ، اود خيلوسنی گواند يانو سره تل جگړی اومحاربي لری (۱) نور ټول

(۱) تنمة البيان

شول ، جرگه جوړه شوه ؟ نودی پاسيد دالاندی خطبه ي وويله : « ای زما ورونو ! که تاسی ماسره يوشی ، اوزما ملاوتري نوډير زړه خپل او رميژونه د ذلت درسی دغړوندی نه خلاص کړو . اودحریت اوآزادی اوغرت علامی به نشر کړو ؟ اود اجابو دسلطی نه به خلاص شو . هو . هر څوک چه د دښمنانو خوا ته مخ وگرزوی اودعبودیت رسی په خپل اورميژ کېښ واچوی ، هغه دی ددينه ضمع قطع کړی چه دمونگ سره به زمونگک په وطن کېښ اوسی . زکه چه داسی سړی استوگنه دمونگک سره نده ممکنه ! - اودانه کيژی چه داسی خلق دمونږ نه دوستی اومینه وگوری !!! » (۱)

ديانت :

مونږ په پورته بيا نوکښ داثباته کړه چه دغړونو اوآزاد وفضاؤ اوسيدونکي چه دقدرت اوفطرت په غير کېښ ژوند کوی ، هغوی تل دخدائی عظمت اوجبروت سره همرازوی ؟ اوداسی خلق رښتيني متدينين وی .

داسلامي عصر نه محکښ زه څه ويلي نه شم ، زکه چه په دی بابکښ دما سره پوره مستند تاريخی شواهد نشته . مگر دکوم وخت نه چه پښتون قام اسلام قبول کړیدی . نوپه ډير کلتک اعتقاد ، ټينگ غرم او اخلاص سره دوی په اسلام چليدلی دی اوداسلام دذشر اودلوی څختن دکلمی دجگوالی دپاره چه دی قام کرمی فداکاری کړیدی پس له عربوزه نه شم ويلي چه کوم قام به ددوی سره برابر تياوکړی ؟! دپښتو دديانت داثبات لوی شاهد دا دی چه څومره چه تاريخ

(۱) تنمة البيان ۲۲ مخ

پښتانه په یو دین او یو مذهب دی .

هو ، ددی روښن خیالی په سبب چه نن صبا په مسلمانانو کښ خور پیژي
ددوی دفرقه بندی مضر تعصب هم دېخوا نه ډیر کم شویدی . امکان
لری چه دپوه مشرانو په برکت دا اختلاف وړک شی ، او دمسلمان
او پښتون په نامه یو شی !

داسلام په اوائلو کښ چه فتنی کمی وی . ښیږی به هم مساجد وته
دجمع کولو دپاره خاصریدی . لکه چه اوس هم زمونږ دفرقه کتا بونه په
داسی مسائلو ډک دی . ولی خورمه چهروسته پساتونه او پښتني زیاتتی شوی ؟ نو
په زیني ډیر و خبرو کښ تغیر پیدا شو . اوس به په اسلامي مالکوکښ ډیر
کم زای داسی وی چه هلته به داسلامیت داقدیم دودجاری وی . مگر
زمونږ به وطن کښ داوسه پوری دخدای په فضل سره دادودلاشته دی :
په قندهار کښ دخرقی شریفی په مسجد اوداسی نور و مساجد وکی
دجمعی په ورز اغلبا او کله کله په نورو جمعو او ختمو نو کښ هم زړی
ښی مساجدوته حاضر پیژي : نو مونږ په جمع کوی ، اودخطبی او وعظ
ونصیحت داوریږو څخه اسلامي استفاده کوی .

پښتانه سره ددغه دیني ، مذهبي ، او جنسی سخت تعصبه چه
دوی پی لری ؟ دنورو په حقوقو کښ مداخله نه کوی . اوددینه بدنه وړی
چه کوم غیر مسلم ؟ خپل مذهبی رسوم ددوی په مخکښ اداکی
او په خپل حکومت کښ په دی هم رخه نه کوی چه کوم غیر دین
یا غیر مذهب والا لوری او جگی درجی ته ورسپیږی . دغه وجهه ده
چه د پښتنو په مملکت کښ ډیر غیر دین او غیر مذهب والا لور واورو
درجونه رسیږی . (۱)

(۱) تتمه البیان ۱۵۲ مخ

پاکي او عفت :

په عمومی لحاظ سره پښتون قام یو عقیف قام دی . په ښه باندي
غیرت دپښتون یو کلک خصلت بلل کیږی . نر او ښیږی د ناجائزو
تعلقاتونه ډیر پرهیز کوی . ددی پرهیز موجب یوه ددوی ددیانت
جذبه ده اوبل دپښتو لی غیرت دی . په پښتنو کښ داسی خلق ډیردی
چه هغوی اډو په دی یو پیږی هم نه ! چه گندی پښتون هم کله
نا جائزه تعلقات کوی ! - او په دغه لحاظ چه دداسی اکثر و خلکو
ماغزه او اعصاب ددی قسم تحریکاتو څخه بالکل مامون دی ، نو
ددینه ددغه خلق په صحت او جسمانیت باندی ډیر ښه اثر لویږی .
دغه وجهه ده چه دغرونو او سیدونکی پښتانه او خصوصاً کوچی قومونه
چه دهغوی عقیف بد نونه ددی داغ نه خالی دی ، اکثره جوړ ،
تندرست ، او تمومند وی .

اکثره کوچی قومونه خو پی مبالغی په دی خبره ندی خبر ، چه
نر گندی هم د نر سره ناجائز افعال کولی شی !!!
پښتانه یو تر بله سره بی دمه ، اومنځ څخه ډاډه یو دبل په نغری
کیناستی شی . ددوی دوستم ډیره ساده ، کلهکه اوبی الاشه وی
دمیلمه دیالنی په باب کښ مونگک وویل چه که نارینه په کور کښ نه
وی اوڅوک میلمه یاراشنا راشی څو دهغه دمیل مستیا ټوله نماز نه دکاله
ښیږی په ډیره مهانه سره پوره کوی .

پښتانه دښو په باب ډیره بدگمانی نه لری . ولی چه دوی پوهیږی
چه دپښتو ساتنه په ښو اونرو یورنگک ضروری ده ، نوهر نراوڅرخه خپله

کړه. پس دواډه دلواز موڅخه نجلۍ دبادشاه کړه راغله؛
 شپه ده، بادشاه اونجلۍ یوازی په یوه کوټه کښې ناست دی
 کوټه دگڼو نوبه رنځر منوره ده، قیمتی فرشونه غوړیدلي دي.
 بادشاه دزمانه نه خلاص شو دعائې وکړه نجلۍ په خپل داوډ
 مخ پټې ناسته ده. مگر دتشو دحرکت نه معلومیږي چه یوقسم اضطراب
 لري. ساعت ډیر تیر شو. مگر ددوئې په مینځ کښې څه غږک غوږک
 نه اوریده کیږي. په اخر کښې پښتون دیندار بادشاه د نجلۍ په اضطراب
 پوهیږي، اوددی په ژر غوڼي اود لږ لږ حالت رسوي، نو ترې پوښتنه
 کوي، چه:

امیر صاحب: « ولی ژاړی؟ »

نجلۍ په خپل پښتنې حیا او شرم کښې خولۍ خولۍ ده غږه کوي!
 اود بیتابی نه خلگی وهي. رحمدله یاد شاه ورځ بیا په ډیره دلایسته
 اومهرباني سره پوښتنه کوي، چه -

امیر صاحب: « ولی ژاړی؟ اخر وخو وایه! ... »
 څه ډیر ساعت تیریږي بادشاه ورځه بیا پوښتنه کوي، چه:
 « آخر وخو وایه، دژړ اسب څه دی؟ ... » نجلۍ خپل زړه
 ټینګوي، او په غلې غږ اوزري اواز سره وائي: نجلۍ: « صاحب،
 زما حال دویلو نه دی! »

امیر صاحب: « نه! تاته خو څوک څه نه وائي. ووايه! »

نجلۍ: « صاحب، زه شرمیږم! »

امیر صاحب: (د- ډاډ گیری اود دلایستې په لهجه) « ولی
 شرمیږي دلته خو هیڅ نشته! باید صاف صاف ووائی! » - نجلۍ:

دخپل ناموس اوحیات ساتلو ذمه وار بلل کیږي. هان! که چیرې دبد
 گمانی څه موجبات پیدا شي: نو پښتانه بیا دشاهدي او سپینولو پسې
 نه گرزی. تش په بدگمانۍ سره نراوښته دوزلو مستحق بلل کیږي.
 اود پښتون زړه هله یخېږي چه دمرگ سزا دواوړته پخپله ورکړي
 ددهغې روح په برکت دنا پاکي خیالات اود پښتنو په مغزو کښې رازی نه!
 دپښتون دغیرت مشتعل کوونکو شیانو څخه لوی شی ښه ده
 په لږه شبهه سره ښه وژل کیږي. اوسړی هم ژوندی نه پریږدي
 که سړی بچ شي نو هیس ممکنه نه ده چه په خپل لځای دی پاتې شي
 اوسنکاره دی وگرزی که څه هم ډیر معتبر وي! په دی باب کښې
 مصالحت هم مشکل دی (۱) دپته په ښه باندي غیرت وایي.

یوه بله تاریخی واقعه هم دلته دیا دورد ده:-

کوم وخت چه په قندهار کښې دامیر شیرعلیخان اودده دوزور
 محمد امین خان دقندهار دثائب الحکومه په مینځ کښې د مهمندویه ریا ط
 جنگ وشو، په دغه جنگ کښې دامیر صاحب بهادر او هو ښیار زوی
 سردار محمدعلیخان، اودامیر صاحب وروړ محمد امین خان یو، دبل دلایسه
 په جنگ کښې مهم شول. ددی واقعه څخه دامیر صاحب په دماغ
 ډیر بد اثر ولوید. اودماغ یې خراب شو.

ددر بار خلقو دباد شاه د فکر بدلولو اودده ددماغ داصلاح
 دپاره داچاره وسنچوله چه دده نه سیاسي افکار کم کړه شي. اود
 تفریح او خوشحالی سامان ورته تیار شي. نو لتون یې وکړو، یوه
 ډیر ښایسته لوانامتو خلکلی نجلۍ یې پیدا کړه، اودباد شاه په نامه یې

(۱) تاریخ افغانه ۱۹۵ مخ

« صاحب ! زه په کوچنیوالی کښ مور وبلار چاته ورکړې يم هغه ډیره موده کيژی ، چه هندوستان ته ورک دی . زه ، دهغه په نامه ناسته يم !!! »

ددی خبرونه روسته داسی معلومیږی چه خلگی وهی ، ژاری . امیر صاحب : « اوه ! واقعه داسی ده !!! - زه اوس پوه شوم - ته هیس مه خفه کيږه ! - بیخی ډاډه اوسه ؟ ته زما اوری !!! »

شبه تیره شوه ، سجرشو . امیر صاحب درر بار خلق ، د نجلی مورو پلار ، رار غوښته . اوډیر قهراو عتاب یی ورته وکړ و اونجلی وئی بیرته خپل کورته ولیږ له .

اوستونکی دی پخپله انصاف وکی چه د دی واقعی نه دجانیښو خومره دیانت ، تقوی عفت او پښتو نولی معلومیږی !

داسی واقعی نوری هم ډیری دی ، چه دلته یی مونږ نه شو لیکلی !

اتفاق :

د اتفاق لویه علامه د مشرانو منښت دی . دا خوی په پښتو کښ شته دی . چه دوئی د خپلو ملی مشرانو پوره متابعت کوی . په دی باب کښ مونږک مخکښ خبری وکړی .

هو ! پښتانه څه نه څه په خپل میټر کښ سره نقاضت لری . مگر دا نقاضت د ملی مفاد د پاره ضرر نه کوی ولی چه که یو پریه دښمن د پښتنو حقوقو ته لاس وړاندی کړی . په دی وخت کښ د کاله قوی وږی غټی خبری پاتی کيژی او ډیره دښمن دمدافعی د پاره په اتفاق پاسیږی لکه چه د کرنیل مېلسون دا لاندی عبارت په دی مدعا ښه

دلالت کوی : « دوی (پښتانه) د کافرانو سره که هغه توروی او که سښ هر وخت د غزا د پاره تیار وی »

داسی وایی چه یو وخت دپښتنو داتفاق په متعلق دیوسپاح نه پوښتنه وشوه ده وویل خوسې او یو گیدر راته راوړی ؛ چه راوړه شوه ، نویسی یی په جنگ و اچول ، په عین جنگ کښ یی د دوی په مخکښ گیدر پریښود . نو په دی وخت کښ اول سېی د گیدر پسی په زغاسته شوه ! - نوده ویلی دغه دی د پښتنو حال !

که څه هم دا یو بد تمثیل دی چه دیو دښمن له خوا د پښتنو په باب ورکړه شویدی مگر بیا هم د پښتنو اتفاق دا جانېو په مقابل کښ ښه ښکاره کوی .

زمونږک ؟ هغه قوی فدا کاري او خوا خوږئی یادی دی ، چه دافغانستان سره د دباندینو پښتنو ورو نړوله خواشویدی . داواقعات ؟ په ښه شان سره ثابتوی چه په پښتنو کښ دوینی د گډون اثر په نورو ټولو اختلافاتو غالب اودپاسه دی . په قومی اوملی معاملو کښ پښتانه کورنی اختلافات ټول شاته غورزوی . او اکشره بی تیگی او جرگی سره یو کيژی .

زینی کورنی اختلافات که په پښتنو کښ وو ، دهغی وجهه داوه چه پښتنو یو صحیح مرکز نه درلود ، نو په داسی حال کښ دا اختلافات وجود طبعی و - مگر نن ورز چه دلوی څښتن په فضل سره پښتون قام دپښتو ټولئی صحیح مرکز لری . اوس کورنی اختلافات له پوځه حل اوفصل شوه ، ټول قام په پوره سر گرمی سره د وطن دا با دی او دملیت د استحکام د پاره په یو زړه سره بخت دی او زیار کسازي !

سادگی :

د پښتو د کلمو عادتو څخه یوه سادګۍ او بې تکلفۍ ده . پښتانه په هېس خواکي تکلف نه خوښوي . نه په خبرو کښ د چاسره دخوشامند ګري الفاظ هستملوي ، اونه بيزايه اومبالغه آميز القاب ورکوي . او نه په معاملو اومعشرت کښ تکلفي اوضاع کوي . دميلمه په پالنه کښ دوی ډير ټلنګ دی مګر هلته هم ټوله پنديراني په ساده طور سره وي . نه غواړي چه د خپل طاقت نه زيات بار په لښ کښ دی . چه بله ورز يي بيانه شي وړي . په پښتو کښ دامل دی چه « پيازدی وی خو په نیازدی وی » يعنی دميلمستيا څخه غرض د محبت مينی او ګوڼون اظهار دی . نه د ژبي تر قی ! نو دوی پخپله هم د رنگارنگ خورا ګوڼو او لوښو شوقيان ندی اوميلمه ته هم چه څه يي هر وخت دلاسه کيږي هغه کوي . دانه واي چه ښه می دلاسه نه کيږي ، نو دامعمولی هم نه کوم . د کالو په باب هم د رنگارنگ پستو او نرمو شوق نه لری بلکه بدني ګڼړی عموما څر پټکی ، څر کيس او پرتو ګګ ؟ واسکت او ګورتي د دوی جامه ده . د پټر و او بوټونو نه پښتانه خپلی ډيري خوښوي . زکه چه دادمښی چالاکی او د غره د وضعیت سره ښه مناسبت لری . زه گمان کوم چه دا رنگ او دا رقم جامه دوئی ته د دوی حربي مزاج ورښودلی ده زکه چه يو خو بې تکلفه ده او بل ساتنه يي اسانه ده . او بل دا چه څر رنگ ا کشره له ورايه نه ښکاري . مولوی عبدالمجيد افغاني په دی باب کښ داسی ليکي :

« پښتون که څه هم ډير شته من وی د لباس په باب تکلف نه خوښوي په دی بې تکلفی کښ ښاريان اودکلو پښتانه برابر دی .

پښتو نولی

د تمدن په طرز کښ هم لکه څرنگ چه په نور ملکوکښ فرق وی : دبهر او دکلو د خلقو اخلاق او نور تمدنی معاشرتي او اجتماعي حالت سره بیل بیل او جدا گانه وی . پښتانه داسی نه دی بلکه د دوی طبیعتونه بيخي پورنگ دی . څه رنگ چه کیلی وال د تکلف نه آزاد دی . دغه رنگ ښاريان هم بې تکلفه دی . پښتانه دکالو د آرایش نه بيخي غافل دی . څه کالی چه ورور سيږی په خوشحالی سره ئي اغوندي . څه رنگ چه په لباس کښ بې تکلف دی دغه رنگ په خوراک کښ هم دی . يو معتبر پښتون څه رنگ چه نفيس خوراک په خوشحالی سره خوری . دغسی سکرک ، روتی شرومی اوبياز هم په خوشحالی سره خوری . او په دی خوی کښ خاڅان اوعاجزان برابر دی دښار دتمولینو دژوند طرز هغه دی چه دصجرا نشینانو دی . دخوند ونو څخه څه رنگ چه دکلو اوسيدونکی بې پروادی ، دغه رنگ دبهر اوسيدونکی هم دی . ددې دخوراک طريقه ډيره ساده ده ، خان او غريب سره په يو دستار خان او په يولوشی کښنی مړی خوری . څه چه پاتي شی هغه ، نور خلق په ډيره خوشحالی سره خوري ، او هيس قسم نفرت نه کوي . داطرافو اوعلاقو په لحاظ دپښتو په مينزکی څه لؤل دعات اولباس اختلاف شته . مګر اصل تمدن بالکل يودی (۱) - «

ډنسل او رواياتو ساتنه :

په بين الافغانی قانون کښ دا ضروری ګڼل شو يده چه پښتون

(۱) تاريخ افغانه ۱۹۲ مخ

کاوہ شی چه دموچوده تعلیمی نهضت په برکت به دا اخلاق نورهم ملی رنگ واخلی . زکه چه تعلیم نظر پراخوی اونصب العین ښی . دپښتو سین زیری اوزیری ښی دقومی روایا توچسم تاریخونه دی . په کور ، مجلس هره حجره اوهره دیره کښ زاره او مشران دپخوانو بهاد رانو قصی کوی او کشران ورته په ډیر شوق غوړیسی . هرپښتون دخوښتو پوری د نسب مکمله سلسله یاده لری ! چه تری یو پښتنه وکړی نود قبائلو اوعشایرو ښاخونه به په ښه شان دروښی .

په نکاح کښ د عمر داندازی اشراط :

دصغارت نکاح پښتانه ښه نه بولی . اودپښتنو اکثره کوچی قومونه په دی باب کښ یوه اندازه لری . چه دهغی نه مخکښ نه نجلی و دوی اونه هلك نکاح کوی . په دوی کښ دا خبره مشهوره ده چه په خام عمرکښ و اده کول سړی سوزی او هلك اونجلی نه لوئیژی ، ضعیف یاتی کیژی او نسل هم ضعیف رازی . تقریبا دسراعت پوری هلك ته پرتوگک هم نه اغوندی . وائی داد هلك په لوئیدوکښ نقص اچوی بیانو کوښ وخت چه پرتوگک وکی ، نود میرانی او واده کو لوپوری تور پرتوگک وراغوندی عموما هلك ۱۸ او ۲۰ کالو پوری اونجلی دشیار سو ترا تلسوکالو پوری واده نه شی کولی .!

اوپهغت په فضا کښ دبی اغزی گل په شان لوئیژی . دغه وجهه ده چه پښتانه تندرست ، تنومند ، زړور جسم او خکلی اوسی . او ټینگ غزم او استقلال لری .

په دپښتون سره خپلوی کوی پښتانه داعیب گنری چه خپله خوراو لوری له پښتون نه بل چاته ورکړی . گمان کوم چه داحس دهمدی نه پیدا شویدی چه پښتانه خپل قومیت ترهر چا عزیز اوبورته گنری . او په دی لحاظ کښ چه په ښه کولو کښ هم دا خبره مد نظر لری چه باید ښه دی د پښتو نولی مزا یا لری ، نوله دی جهته یو پښتون دپردی قام نه ښه هم ډیره لږه کوی . نوبه دی لحاظ سره د پښتون قام وښه مژ وجه نده !

دروایاتو دساتنی په باب ، مونگک په مقدمه کښ خبری کړی دی دایو انسانی فطرت دی چه هر قام په خپلو روایاتو ټینگ او محکم وی . مگر پښتون قام پدی کښ یو مخصوص امتیاز لری . ولی چه په دوی کښ د استقلال ماده دنورونه زیاته ده . اوداددوی د ملی غرور تقاضا ده چه خپل هریو خوی او خصلت اوهر روایت ته په در نه او دحقیقت په سترگه گوری . اوحتی المقدور په هغی کښ تغیر کولو ته تیار نه وی دپښتنو دا رقم ټینگوالی نور قومو نه دتعصب او حسد په نامه یاد وی . مونگک منوچه حسد او تعصب منهبها اوتمدنا یومذموم صفت دی ، مگر دهغه وخته پوری چه شخصی وی . هو ! هغه وخت چه دذاتی او شخصی حسودو څخه تیرشی اوقومی رنگ واخلی ، نود ترقی دپاره خورانه عامل حسابیژی اودقام دتهذب دپاره لازمی عنصر گرزی !

خومره چه دحسد ، خودغرضی ، اوتعصب صفات په مغربی اقوامو کښ موجوددی د دنیا په هیس جاهل قوم کښ هغونه نشته . مگر هرکله چه دغه صفات هلته په قومی رنگ کښ شویدی نوزکه محاسن شمیرل کیژی (۱) هرکله چه په پښتنو کښ دقومیت اوملیت جذبه غالبه ده نو ټینگ امید

ناموس :

د ناموس کلمه په اصل کې عامه ده د وطن ناموس ، د قام ناموس د ښې ناموس د اتول ويل کيږي . مگر پښتانه د « ناموس » کلمه مخصوصا پرېنزه اطلاقوي پښتانه په ناموسداري کې د مقابل د احترام طرفدار دي يعنې که څوک د بل ناموس و نشي ساتلی خپل هم نشي ساتلی ، حميد بابا د پښتو نولي دا مهم رکن داسې بيانوي :

« چه د بل ننګ و ناموس ساتلی نه شي — و به نه ساتي څوک خپل ننګ و ناموس »
دا يوه اخلاقي کليمه ده چه په پښتونولي کې مراعات کيږي .
او بې ناموسه سړي ته پښتون نه ويل کيږي د بړنگي په کال چه ۲۵ زره پر ننگيان په کابل کې غازيانو مړه کړه وزير محمد اکبر خان ددوی ښې دخپل ناموس په ډول وساتلی ، او بيرته يې ورور سولي د پښتنو غازيانو به دوی ته ډير په احترام کياته (۱)

د هندوستان د مشهور پښتون شاهنشاه - زوی يو وخت په ناپوهي کې ديو هند و ښي ته کتلی وو ، چه هغه اوڅه يو زای کېښ لمبيده هندو پر پښتون عادل باد شاه عرض و کړ و شیر شاه حکم و کړ و چه دده دزوی مانديپه دی هغسې لوڅه کې چه هغه هندو ورته په هغه ډول وگوري .
ددر بار سردارانو چه دپاد شاه داحکم واوريد ، هغه عارض هندوئي په خورانه شان سره په پټه راضي کړو چه دی بيرته د شیر شاه په حضور کې خپل حق د شهزاده و مانديپي ته وروځي نو هند ولاړ ، او خپل حق هم دپاد شاه په حضور کې وروباځيه پاد شاه ورته وويل

(۱) سراج التواريخ ج ۲ « طلوع »

ما خو په هغه ډول چه پر تا تېري شوی و ، ستاحق اخيست . اوس چه ته ئي په خپله رضا بخي اختيار لری هندو عارض يې ډير ونازاوه او رخصت ئي کړو (۱)

د شزو وظائف په عايله کېښ :

دامونډ ويلي دی چه پښتني ښي د کاله په ژوند او کورنۍ معاشرت کې د سړي و سره سمه برخه اخلي د نارينه و داوژ و بار نه کيږي پښتني شري په عايله کې پوره وظائف لري . چه مونږگ ئي لاندی بيا نوو .

دکور سامانول او انتظام ، صفائي ، مهري پخول ، کالي گڼل ، کالي اينترل لوشل ، شار بل ، دمال خدمت ، داولاد تربيت ، خرڅه کول ، تا رونه و ريشل ، په باغ بوټي او فصل پام کول ، او به راوړل ، دا کارونه عموما د پښتنو ښرو وظائف بلل کيږي .

دغرونو او آزاد و فضا و پښتني ښي د ديه زيات او مهمه وظائف نور هم لري د غرونو په سرو نو کورو نوته ارگي راوړي .
د خپلي زمکي فصل او کوي . تلي ته ئي په سرو نورا چلوي . غو بلونه کوي . غلي کورونو ته وړي . او ميچني کوي . پښتني ښي زيني خاص صنعتونه هم لري چه د پښتنو د هواد په بازارو کې ښه رواج لري د تيرا او با جوړ ښي شکرونه او ټوکري جوړوي دديښور ښي قرصی ټولي جوړي . دکنډ ښي چکن خولي رغوي . دعليپوري ښي تيله داري خولي گڼي . د قندهار خامک دوزي ډير شهرت لري .

(۱) تاريخ شیر شاه

عیناً همدغه نظر په په پښتو کښ په ملی ډول سره تطبیقیزې .
پښتانه په زیني لځایو کښ قصدا د اولاد وسره بی پروایي کوی چه
دوی خپله ذمه واری پخپله وپیژنی . مشکلاتو ته یې وړاندی کوی
چه کلک راشی . د ټوپک ویشتل او نور حربي چلونه ورڅخه چه زړور راشی !
پښتانه ډیر یانوقصی او د بیماقتوب واقعات د ماشومانو په مخکښ
ته وایي . اکثره داسی قصی کوی چه په فلا نی جنگ کښ فلا نی ؟
او په فلا نی واقعه کښ فلا نی داسی توره اومیرانه کړی و ده ! او که
د چاد بیماقتوب واقعه بیانوی نوهم په ډیر ، کرغیږن اومنحوس صورت
سره یې بیښی چه د کو چنیانو په زړه کښ د دغسی کسارو په نسبت
سخت نفرت پیدا شی .

ملی لوبی :

د شطارت او بدنی ورزش او تفریح د باره پښتانه مخصوصی
لوبی لری چه د کوچنیانو ، زنی کیانو ، زلمو او لویو سړو له خوا اجرا
کیږی . د لوبو وخت د پسرلی یاد منی معتدلی ورزی شبی اوسی . حضرت
سید جمال الدین افغانی د تنمة الملبان په ۱۵۵ مخ کښ داسی لیکي :
« اکثره قبائل اود کلواو علاقاوسیدونکی لوبو اوتفریح ته مایل
کوی . او په وزگارو وختونو کښ د دائری په شکل راغندږی او
خپله مشهوره لوبه چه « اتڼ » ورته وایي اجرا کوی . اوداسونوز غلول
او سپر بازی کوی « سپر بازی ، او نښی ویشتل اکثره په اخترونو
کښ کیږی .

د پښور په لویو لوبو کلو کښ د پسرلی په ورزو کښ د پهلوانی
تماشا جوړیږی دالو به هلته ډیر لوی شهرت لری . دلری لری لځایو

په زیني لځایو کښ قالینی لغرونه ، کیږدی اولیمسی جوړول ، دود یو
و ریشل هم پښتنی سزی کوی . په نوی نهضت کښ پښتنی سزی
په نورو ډیر وفتونو او کمالو نو کښ هم کمال حاصلوی .

تربیوی اصول :

د اولاد د پالنې او تربیت د پاره هم پښتانه څه اصول لری .
چه هغه په پښتنو کښ په ښه شان سره تعقیب کیږی . ماشوم ویرول چه
« وئی ، بخوری دی ! وئی ، بیودی ! » اوله دی قسمه نوری ویرونی
ډیری بدی گنډل کیږی . دوی وائی چه په دی باندی کوچنی بی زړه
او ویرندوکی رازی . یعنی باید کوچنی هیسکله و نه ویرول شی .
کچنیان نازولی آموخته کول او دهغوئی په هر اصرار او هر خواهش
باندی توجه کول او هغه پوره کول دا هم بد گنډل کیږی .

پښتانه وائی « اولاد پت ساته ، مور یی ساته او په ادب ټی ساته ! »
دوی وائی « نازولتیا د پښتون سره نه ښایي »

پښتانه دور کوټوالی څخه واړه او کوچنیان او جرگوته راوباسی
او چه لږ غټ شی د حجری او میلمه خدمت ، و په ډله کښ کښیناسته
او پاسیده ورښی چه دور کوټوالی نه زړور اموخته شی او خپل پښتنی
خویونه زده کی . او په رشد کښ د ډلی او جرگی نه متاثر نه شی .
په اخبارونو کښ مالوستی وه چه اوس د جایان په تربیوی اصولو کښ
دا خبره منل شویده چه کوچنیان په غرونو رغونو ؟ واورو او یخنی ؟
شپواو تېرو کښ د هدېرو او داسی نورو دویرو او مشقت په لځایو کښ
معروض کیږی چه دور کوټوالی نه کلک ، زړور اومشکل پسند راشی
او صبا د ژوند د هیس قسم ټکالیفو څخه مخ وانه ږوی ! -

بل قام ته هر څه ويلي وای . زکه چه داد دنیا سیاست دی . مگر حق خبره داده چه « وليکن قلم در کف دشمن است » زبني نورخلق هم ددغه پرويگندي وڅخه متاثر شويدي او څه څه د حقيقت نه وړاندی او پيدلی دی . زبني داسی خلق هم شته چه د خواخوږی او اصلاح د پاره ئی زبني سغی او سپوری ليکلی دی . دا خلق هم حق په جانب دی لکه چه پښتانه وایی « دوست به دی وژر وی او دشمن به دی وځنډوی ! » دی کسا نودزړه د درد نه ترخی ويلي دی . مگر دغه ترخی خبری دی چه د پښتنو د اجتماعی مرضو نود پاره تریاق ثابتیږی او شکر دی نن پښتانه خپل خپروشر ښه پیژنی !

زه په آخر کې خپله وینا د حضرت علامه « اقبال » په هغه نظریه ختموم چه ده د مولانا جمال الدین احمد خان بی ای ، په هغه کتاب باندی چه د افغانستان په متعلق ئی ترتیب او چاپ کړی دی د تقریظ په وخت کې د افغانستان په باب ليکلی ده . حضرت اقبال وایی : « دمانه خواهش وشو چه یو څو کرښی د مقدمی په عنوان د دی قیمته کتاب په باب چه د افغانستان په متعلق ليکل شويدي ، و ښکم . زه دی تکلیف ته درضا او استحسان په نظر گورم . زکه چه زما خوشحالی او علاقه د افغانستان په نسبت یوازی له دی جپته څخه نده چه زه پښتانه تل یو غیور ملت او په ژوند کې دنه سترې کیدونکی قوت لرونکی گڼم . بلکه د اعلی حضرت غازی محمد نادر شاه شهید چه د توری او تدبیر خاوندو ئی د حضور شرفیایی زه لادیر قانع کړی یم چه دده نبوغ د ملت په وجره کی تازه روح پوکړی . او د ملت سترگی ئی دنن ورزی عالم په منظر بیرته کړی دی . د افغانستان تاریخ داوسه پوری دمطالعی

څخه ورته خلق رازی خانان ، ملکان معتبرات او عام خلق راغونډیږی کله داسی هم کیږی چه لوی لوی شرطونه سره تړی . نو بیا پهلوانان په میدان کې سره په لوبه کېږوی . نو کومه خوا پهلوان چه ورشی هغه ته ډیر ډیر انعامونه ورکول کیږی . دالوبه ډیری ورزی وی ! دغرونو خلق د پسرلی په ورزو کې د زر کوسیسو او صحرائی پسونو ښکارته ووزی . داپه عین زمان کی تفریح هم ده او یو قسم عیش هم دی . دښکار دپاره اکثره څو څو کسه ډله کیږی اوزی او څو څو ورزی په صحرا تیروی او دښکار غوښی خوری !

دپسرلی او گلانو په ورزو کې اکثره ښزی او پیغلی هم ډلی جوړوی او دصحرا دغرو دلمنو خواووته د غاټول او ریدی د سیل او پراخی فضا د تماشی دپاره ووزی !

داسی نوری ډیری لوبی هم شته لکه : هنده ، خوسی ، ټوپونه ، ټوپ لندی ، انگي ، دانگی ، شامیر ، سره ډیری داقسم لوبی اکثره دما شومانو دخوا اجرا کیږی مشران او معمر خلق لوبوته حاضر یږی مگر دما شومانو اوزلمیانو په ساعت تیری کې دخل نه کوی د پردو جواب :

زبني اروپائی مصنفینو اکثره د پښتنو ښه خوږونه او عمدۀ اخلاق په بد او نا کاره صورت ښوولی دی . مثلاً د دوی د مزاجی استقلال ښی په ضد او جهالت سره تعبیر کړی دی . یا مثلاً د دوی د وطن پرستی او حریت خواهی څخه یی په بیو فایی او چلولی ټوب تعبیر کړی دی او داسی نور مگر دا کسان څوک دی ؟ دا هغه کسان دی چه هغوی خپل مقاصد درلوده . نود هغوی حق و ، چه دخپل ملی مفاد دپاره ئی

او تقدیر دلاس رسیدونه یو خواپا ټی شوی دی زکه چه دوقا معوضبط حقیقتاً تاریخ نه ! بلکه د تاریخ د مواد و څخه شمیرل کیږی . هو ! وقائع د الفاظو په شان دی . هغه مورخ چه غواړی د الفاظو څخه ، دهغو معانی معلوم کی . دا مطلب د او سه پوری د پښتنو په تاریخ کښ نه په هند او نه په افغانستان کښ د ظهور میدان ته وتلی .

هغه ملت چه د محمد غوری ، علاؤالدین خلجی ، شیر شاه سوری احمد شاه ابدالی ، امیر عبد الرحمن خان ، او په آخر کښ داعلحضرت نادر شاه ، اوتر ټو لوچک مولانا سید جمال الدین افغانی چه ز مونږ په عصر کی د خوجها تو څخه په مسلمانانو کښ ډیر پورته اوبی شکه د ایشیاد اویو سړو څخه دی . دنیا ته ورکړی وی . البته داسی ملت د ایشیا په ژوند کی د مهمو عناصر وڅخه شمیرل کیږی . په تیر و زما نو کښ بلخ ، بامیان ، هیده ، کابل ، غزنی ، هرات ډیر کنونه په خپل وارهرو د ایشیاد علمی ادبی او تهذیب مرکز و څخه و .

دموجوده شاهي کورنی علفه او صمیمیت مونږک ته پوره اطمینان را کوی چه دوی به خپل پخوانی شوکت او حشمت بیر ته واخلي هروخت چه زما افغانستان یادیري ؟ زما زړه ددغه وطن یوه تابلو لکه څنگه چه دتیر کال دپانېو دتوئید په وخت کښ مالیدی و ؟ په یو ساحرانه قوت سره زما دستر گولاندی ژدی . زه د مطالعی په یوه داسی کوټه کښ چه په ډیره ساده گی اومتانت سره مخ په باغ جوړه شویده ، ناست یم . ماته مخامخ یادباغ په هغه خوا کښ یوه ټوټه زمکه ورو ورو مخ پورته تللی دداسی غونډیو سره ملاقی شویده چه هغه

ددریاب دموجونو په شان متوالاً مخ پورته زی ، دهندوکښ دلوړو غرونو سلسلی ته رسیږی .

دبرق دلوړو سترو قطار چه دکوم لوی آباشانه برق راوړی . دامیل غندی ددی سلسلی په سینه پروت دی . آسمان دلمر دلوید په تقریب په خکلو نظر غولونکو رنگورنگ شوی او اوژده سیوری په ډیری چلنی او تندی سره ددی وادی په مخ په حرکت کښ دی . دچنارلوړی او نورثی ونی ، ماښام په تیاره ، کښ دشمال دلوړو په نسبت دخپلو خزانې پانږو سره نری اهتر از لری .

دشفق په نیم رنگ سکوت کښ ، ډاک ، قصیه ، دایرو کلوونی آود غرونو زرنیر چه دماښام په دریاب کښ لامبووهی ؟ یوه داسی منظره لری چه دهغی دنیا یست اوحسن ، دخوب او خیال په لیسو پوری تعلق لری . ددغه ما ښام په سکوت کښ یو وار داذان غږ پورته کیږی ، زما ملگری یوزل زای پریدی ، زه دملون د اواز دتاثیر څخه بیخود شوی دقولونه وروسته دمانزه کوټی ته رسیزم . گورم چه ملوکانه ذات دخپلو لاندی خادمانو سره اوږه په اوږه ولاړدی . داوړه واقعه دپښتنو دری برجسته صفتونه څرگندوی :

١- ژور مذهبی احساسات .

٢- دجنسی اونسبی امتیازاتو څخه کومه ازادی .

٣- کامل توازن ، دهغی په واسطه پښتنوتل خپل ملی اومذهبی شون ساتلی دی . دغه دمحافظه کاري روح همیشه دپښتنو دقوت لویه منبع ده اووی به . اوهمدغه سی دی چه دوی دخپلو تیرو او پخوانو

بحری لاری په دنیا کېښ کشف اوا استعمال شوی ، نودغه مملکت د موقعیت په لحاظ ، دایشیاء سیاست اوتاریخ کلی په لاس لرله اولاری ئی .

پروفیسور لائیډ وائی ؟ « دلته (په افغانستان کېښ) یود ښوومهمو ټوټوڅخه دایشیا لیدل کیژی - دهغه کسانوپه نرد چه په ملی او بین المللی روا بطو کېښ انتقاد لری . (ولی په دی نظریه چه د دنیا مقدرات د جنگ سره اخیل شوی دی ملگری نه لری) هغوی ددی سره ډیره علاقه لری .

ددینه وروسته علامه دکتاب په موضوع کېښ بحث کوی چه زما د مطلب سه ربط نه لری ؟ نوئی نه اخلم .

په آخر کېښ دا اسره لرم چه ای گرانو ورونړو ! - :

په پښتو او پښتنوالی گتلی کیژی

پخوانی شان و شوکت د پښتنو

داوه زما هغه تتبع چه د پښتنو د ملی دودونو او کبر یکتريه باب کېښ می کړیده کابل لاهوری دروازه ۱۷-۱۲-۱۳۱۶ ش ع ه
« خادم »



سره ، بی له دی چه ددوی په موافقت اوهم آهنگی کېښ سره دپوی نوی دوری ، سخته وارده کی ، په یوژوندی تماس کېښ ساتی .

د پښتنو محافظه کارانه پسه ، ددوئی پخوانی عرف او عادات ، ددوی په نرد ډیر محبوب گرزولی دی . اوپه عین حال کېښ ددی عرف عادات دروند والی ددوی دراتلونکی پیشرفت روح نه خفه کوی ،

یوه ورز په لاهور کېښ دیو سین ژیری افغان دکاندار په دکان چه د عطاری پیشه ئی لراه پېښ شوم . ده دپنروسو کالونه خپل زیات عمر په مغرب کېښ تیر کړی و ، اوپه آخر کېښ ئی په استرلیا کېښ توطن نیولی و ، استرلیائی انگریزی ئی ویلای اولیکلای نشوه خوښه تکلم ئی کاوه . ماورته وویل ، « پښتو به دی تراوسه هم یاده وی ؟ » دی پوښتنی دده دزړه په عمق کېښ نفوذ وکړ و ؟ دلمد وسترگو زلېنت ئی لازیات شو ؟ اومعلومه شوه چه دزلمیتوب خاطرات ئی یسوزل بیا په خیمه کېښ حاضر اوپه یی اخر کېښ ئی د پښتنود عشقیه غزلو دیوی قطعی په شکل تراوش وکی ؟ اودا پښتون سین ژیری ئی دلاهور دسوزونکی تودوخی څخه دنیکو نوسې واوگوا را بید یاوته یو وږ .

د پښتنو محافظه کارانه غریزه ډیره تعجب انگیزه ده ؛ په عین حال کېښ چه دهغی محکم تهداو رخنه قبلوونکی نه دی . دنوی تمدن دموثراتو او ایجاباتو څخه متحسس شوی دی اود هغی سره یو ډول همرنگی ښکاره کوی دادپښتنو د صحت اوقوت یگانه رازدی .

افغانستان په درو مېنیو قرنوسو کېښ د تجارت لوی مرکز و ، اوپه مازنیو پیړیو کېښ ئی هم دامقام ساتلی دی . کم وخت چه د تجارت

وقایع مهمه داخلی در افغانستان

همرفته خوب و اطمینان بخش بوده ، در موسم بهار باران های نافع باریده و در زمستان برفباری زیادی در سرتاسر مملکت بعمل آمده که نظیر آن در چند سال گذشته دیده نشده بود و طبیعی است که این برف برای خوبی فصول و حاصلات سال آینده مؤده خوبی را در بردارد .

واقعات و گذارشات مهم و قابل ذکر این سال تا جائیکه بدست آمده وبا اجرا آت دوائر که علیحده درین سالنامه ذکر شده ربط ندارد ذیلاً از نظر خوانندگان گرام گذارش داده میشود .

(یار محمد)

نهال شانی و غرس اشجار

این يك امر قابل انكار نیست ، که زراعت اشجار در شعب حیاتی انسانها رول مهمی را بازی میکنند ، زیرا در قسمت ضروریات و احتیاجات ارتزاقی بشر اثمار اشجار دخل قوی داشته و علاوه از تکمیل ضروریات ارتزاقی مسئله محروقات است خصوصاً در مملکتی که هنوز معا دن ذغال دران بکار نیفتاده و قوه برق هم بطور عام مورد استعمال قرار نگرفته باشد علاوه برین اشجار سبب سرسبزی و اعتدال آب و هوا و تولید اقلیم صحت بخش و سالم میباشد .

این موضوع مهم را حکومت ملت دوست رعیت پرور ما همه ساله در روز های ماه حمل که موسم نهال شانی در وطن عزیز ما افغانستان میباشد بذرائع اعلانات یاد شاهی خاطر نشان عموم رعایای صداقت شعار خویش ساخته ، يك روز را هم در ماه حمل بنام (میله قلبه کشی) یا (جشن نهال شانی) تعیین فرموده اند و در آن روز عموم وزارتخانها وسائر دوائر رسمی و مؤسسات ملی تعطیل گردیده، ذات

وقایع مهمه داخلی

در افغانستان

بقلم جناب یارمحمد خان عضو انجمن

سال ۱۳۱۶ يك سال نهایت خوبی و فرخنده بود که در مرور آن الحمدلله در وطن عزیز ما اتفاقات سوء ناگهانی از قبیل زلزله، صاعقه ، خشک سالی ، قحطی ، و امراض وبائی و غیره واقعات مضره که موجب تلفات جانی و مالی خساره آوری و قابل ذکر شده باشد واقع نگردیده است .

از طرف دیگر جای بسی شکر گذار است . که این سال نیک بسلامتی وجود سعادت آمود پدر معنوی تاجدار جوان جوانبخت افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه و اعمام بزرگوار شان که رجال صالح و خیر خواه و طن عزیز ما میباشد ، با يك امنیت تامه که در تمام این مملکت کوهستانی حکمفرما بود سپری گردید .

در طول این سال نیک و فرخنده حکومت و ملت بدستباری و معاونت همدگر در هر رشته از امور حیاتی و مملکت داری و غیره و غیره . چیز های منفعت بخشی که سراسر برای منافع و بهبود ملت و مملکت بی سابقه ب فکر و مشاهده میرسد . از قوه بفعل آمده است .

از طرف دیگر آب و هوای مملکت در طول سال ۱۳۱۶ روی

اعلان پادشاهی

ملت عزیزم :

یکی از منابع ثروتی وطن عزیز ما و فرت مبود و کثرت اثمار است ، منشأ تولید فوا که هم وجود درخت ها و اشجار آن بوده ، و مجاهدت درین رشته بهترین خادم اقتصادیات ما گفته می شود ، علاوه تا تکثیر اشجار و تربیه نهال میوه دار در تصفیه هوا و سرسبزی دره ها و طراوت کوه و صحرای وطن عاملیت مهمی داشته سعادت اجتماعی بار می آورد ، لهذا درین وقت که موسم بهار و فصل ربیع از اعتدال هوا و تابش آفتاب خود وهم بواسطه برف و یاران زمستان اراضی وطن را برای غرس نهال و تکثیر اشجار و شانیدن قلمه ها و طرح بساتین واحداث جنگلات و تشکیل قوریه ها مستعد ساخته است به تمام رعایای عزیز خود اهام از مامورین کشوری و لشکری و تمام افراد اهالی امر و توصیه میفرمائیم ، که در راه حصول این مفاد ملی و ضرورت اجتماعی و حیاتی خود ها مشارکت ورزیده هرکس درخور توان و طاقت خود در اراضی شخصی یا زمین های لامرروع و بی مالک که متعلق بمفاد عمومی باشد ، نهال شانی کنند و این ایام مسعود را که برای سرسبزی وطن و بسط نهال شانی آن ایادی عمومی کار میکنند بجذیت و فعالیت تمام به پایان رسانیده ، درین عمل خیر یعنی شادابی و خرمی و طراوت افغانستان عزیز حصه گرفته و به اندک زحمت امروز خود آئنده جامعه را خرم و برومند گردانند .

مبارک همایونی و والاحضرتین ج ، ع ، ج ۱۰۱ ، نشان صدر اعظم صاحب وع ، ج ، ع ، ۱۰۱ نشان وزیر صاحب حربیه و وزرای عالی مقام و مامورین گرام و معززین و معتبرین مرکز در نقاط معینه و افراد زا رع در اراضی شخصی خود به نهال شانی میپردازند .

همچنین به پیر وی این اقدام خیر خوانه حکومت متبوع ما که مقصد از سرسبزی و شادابی مملکت و رفاهیت و آسوده حالی ملت است ، در عموم ولایات و حکومتات اعلی و کلان و غیره حکومتیها و علاقه دارین نیز در یکی از روز های اول بهار (نظر به آب و هوا و موقع نهال شانی) تعطیل عمومی حکمفرما گردیده و عموم افراد اهالی بغرس اشجار شمر و غیر مثمر اقدام میورزند .

در سال ۱۳۱۶ حسب اصول موضوعه سالهای گذشته ، بروز یکشنبه اول حمل در مرکز تعطیل عمومی حکمفرما و اهالی عموماً مشغول نهال شانی بودند .

نظر به احصائیه های که در مضبوطات مرکز و ولایات شائع گردیده در سال ۱۳۱۶ نسبت بدگر سالها نهال شانی زیادی از اشجار شمر و غیر مثمر در مرکز و اطراف مرکز و ولایات دور دست و سایر نقاط وطن عزیز ما (افغانستان) غرس شده که تعداد آنها از ملیونها تجاوز می کنند .

سواد اعلان پادشاهی راجع به نهال شانی و غرس اشجار را قرارذیل جهت معلومات قارئین گرام خود شائع میکنیم :

پاك آن فخر كائنات حضرت محمد صلى الله عليه وسلم و آل اطهارش فرستاده شد .

پس از تقدیم ادعیه و تحیات از طرف شاملین مجلس ، مجلس مذکور در حدود ساعت ۱۱ و نیم قبل الظهر منحل گردیده و حضار محترم مرخص شدند .

نزد هجین سال استقلال وطن

جشن حریت و آزادی افغانستان که یکی از یادگارهای تاریخی و محصل فداکاری فرزندان فوق العاده و زعیم بزرگ و وطن ما (اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید) میباشد ، مراسم میل و جشن آن در سالهای گذشته در اواخر ماه اسد بعمل میآمد ، در سال ۱۳۱۶ حسب اراده سنیّه ذات شاهانه و تصویب مجلس وزراء بنا بمساعد بودن هوای کابل در هفته اول جوزا تبدیل یافته يك جشن مسرت باری بعمل آمد .

این چهارمین بار است که جشن استقلال افغانستان بدوره زمامداری اعلیحضرت المتوکل علی الله یاد شاه محبوب ما تصادف میکند ، و در ایام حلول خود از طرف حکومت متبوع و ملت پذیرائی شایانی میگردد خصوص درین سال حسب اراده ذات شاهانه و توجهات مخصوص ج ، ع ، ج رئیس الوزراء و سائر اولیای امور اقسام تزیینات و تجلیلات فوق العاده که در خور این روز تاریخی و جشن ملی ما است ترتیب یافته و از روز شروع جشن الی اختتام آن هر نوع و سائل تفریح و ساعت تیری از قبیل رسم گذشت عسکری و مسابقه های

درخامه ترقی و آبادی این مملکت اسلامی را از خداوند غنی مسئلت نموده آرزو مندیم هر فرد رعایای عزیزم بذوق تمام در راه سرسبزی وطن جاهد و کوشان باشند .
(محل امضای همایونی)

مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم

در سلاخانۀ عمومی

از اثرات مهمه و برگزیده دوره اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید یکی انعقاد مجالس تذکری است که بمناسبت روز میلاد فخر کائنات حضرت محمد مصطفی (ص) در عمارت سلاخانه همه ساله انعقاد مییافت ، و در آن مجلس مبارک رجال بزرگ مملکت و علمای محترم و اعضای محاکم ثلاثه (ابتدائیه ، مرافعه ، ریاست عالی تمیز) و باقی معارف کابل حضور بهم رسانده به تذکر و ادعیه و تحیات بروان پاك آن سید اولاک صلی الله علیه و سلم می پرداختند .

این اثر خوب و فرخنده مثل سائر اثرات عهد درخشان اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید ، در عصر فرخنده و منور اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه نیز محفوظ و باقی مانده که همه ساله بعمل میآید .

چنانچه بروز یکشنبه ۲ برج جوزای ۱۳۱۶ بمناسبت مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم در سلاخانه بحضور ج ، ع ، ج ، ا ، نشان ، والا حضرت صدر اعظم صاحب و وزراء و رجال بزرگ و علمای محترم و اعضای محاکم ثلاثه و طلاب دارالعلوم و باقی معارف کابل مجلس بزرگی ترتیب یافته و در مجلس مذکور ادعیه و تحیات کثیره بروان

کارجرفته برای تأمین مصالح و حفظ شئون مملکت و جامعه خویش از بذل هیچگونه فداکاری و اقدامات حسنه خودداری و از حقوق مشروع ادنی ترین افراد جامعه چشم پوشی و اغماض نمیزماید .

از همین باعث است که اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهید فرزندان صالح و حق شناس و من مو سسه شورای ملی را (که يك چیزی بی سابقه و بی نظیری در افغانستان عزیز ما شناخته می شود) که واجد هرگونه سعادت و بختیاری طبقات ملت میباشد تأسیس و این عطیه عظمی راحق مشروع ملت عزیز خود دانسته برایشان ارزانی فرمودند .

اعلیحضرت تا جدا ر جوان جوان نبخت ، فرزندان خلف الصدق اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید ، نیات پاک و حق جو یانه پدر بزرگوار خویش را پیروی نموده ، همیشه عطف توجه شاهانه را درباره نمائندگان ملت معظوف داشته و از بذل هیچگونه نوازش باین موسسه ملی دریغ نفرموده اند .

چنانچه بروزهای اختتام دوره دوم تقنینیه شورای ملی از حضور ذات اشرف همایونی فرمان مرحمت توامانی بعنوان عموم ملت افغانستان در خصوص تجدید انتخابات وکلای دارالشورای ملی شرف اصدار یافته بود .

بتعمیل فرمان ذات شاهانه چندی سلسله تجدید انتخابات جریان و وکلای معتمدی ملت دسته دسته یکی بعد دیگری بمرکز حضور بهم میسرانند .

قرأر معمول يك هیئت تحقیقیه جهت معائنه تصادیق و لواحق انتخابیه وکلای موصوف مقرر گردیده ، تار ضایت طبقات ملت را بوکالت آنها علم آوری و تحقیق نمایند .

متنوع و نمایشات صنائع و ورزش و ورزش کاران افغانی ، سرود و آتنهای ملی ، موزیک عسکری جریان رادیو و غیره . چیز های ساعت تیری و تفریح آور که انواع آن در اخبار روز های جشن مفصل نشر شده در منطقه جشن آماده و مهیا گردیده بود :

در روز اول جشن جهت استماع نطق ذات اشرف اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فرزندان انجب استقلال بخشای افغانستان هیئت معظم وزرا و علماء و وکلای محترم شورای ملی و هیئت مجلس عالی اعیان و مامورین بزرگ عسکری و کشوری و هیئت کوردیلوماتیگ و دیگر معزین و معاريف بسلاخانه عمومی حضور بهم رسانده جشن نزد همین استقلال وطن عزیز بنطق غرا و بلیغ ذات ملو کانه افتتاح گردیده و از جانب عموم حضار محترم مخصوصاً هیئت شورای ملی بعرائض تبریکه و نطق جوابیه ج ، ع ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت صدراعظم صاحب و هیئت کوردیلوماتیگ بکمال احترام استقبال شد .

قرار شائعات جرائد ، طوریکه این عید ملی از ظرف حکومت وطن دوست و طبقات اهالی بانهایت جوش و خروش در مرکز کابل پذیرائی و استقبال شد ، در تمام ولایات و محالات از جانب عموم ملت عزیز ما بمناسبت حلول نهمین سال استقلال وطن پذیرائی و استقبال شایانی بعمل آمد .

این جشن ملی با کمال مسرت و انبساط با انواع ساعت تیریه پس از مرور یک هفته خاتمه پذیرفت .

افتتاح سومین دوره دارالشورای ملی افغانستان

ذوات شریف فوق العاده که در يك مملکت و جامعه عرض موجودیت میکنند ، از استعداد فطری و اوصاف خدادادیکه دردنیای هستی دارند

پس از عرض شکریه ع، ج رئیس شورا و ج، ع، ج، والا حضرت اشرف صدراعظم صاحب مجلس به بسیار گرجوشی و مسرت خاتمه پذیرفت.

عرفان پروری و ملت دوستی

اعلی حضرت همایونی

سعادت و سر بلندی ملت و ارتقای شئو ذات اجتماعی زاده افکار عالی و تدابیر برجسته رجال بر گیس که در بین جامعه ابراز لیاقت نموده زمام امور مملکت و قیادت ملت بدست با کفایتش سپرده میشود حقیقتا ذوات بزرگ بعقل سرشار و ذکاوت فطری خداداد خود نبض روحيات ملت را بطور يك طیب حاذق از روی حقیقت تمیز و تشخیص نموده برای تامین صحت و رفع علل و نواقص آنها بذل اهتمام میفرماید و شك نیست که وجود این قبیل رجال بزرگ که طیب حاذق ملت اند ابواب صحت و سعادت را بر روی توده ملت می کشاید.

ملت افغانستان خود را خو شبخت و مسعود میداند که بد اشتن اینگونه طیب حاذق (مانند وجود سعادت آمود اعلی حضرت المتوکل علی الله) مفخر میباشد که همیشه در تهیه وسائل راحت و آسایش ملت از بذل هیچگونه مساعی دریغ نفرموده و در نتیجه رسیدن بسر منزل سعادت ما را از راه توسعه معارف و صحت بدن تشخیص فرموده اند.

چنانچه در سال ۱۳۱۶ ذات اشرف همایونی شان مبلغ چهار صد هزار افغانی را از بودجه مصارف شخصی خویش تقیص و امر فرمودند تا از جمله این مبلغ، مبلغ دوصدهزار افغانی برای توسعه امور عرفانی بوزارت معارف و مبلغ دو صد هزار افغانی جهت توسیع امور صحتی

پس از تدقیق و تحقیق هیئت تحقیق چون و سائل مقدمانی دوره سوم شورای ملی تهیه گردیده بود، به اراده سنیة ذات شاهانه روز پنجشنبه ۲۷ برج جوزا جهت افتتاح آن تخصیص و بعموم وزراء و معینها و رؤسا و اراکین معظم دولتی اطلاعا ده شده بود تا در ساعت ۴ بعد الظهر روز مذکور در سلامخانه عمومی حضور بهم رسانند.

بتاریخ روز مذکور در ساعت معینه عموم مدعوین حاضر گردیده و ساعت (۱۵ و ۴) دقیقه ذات اشرف همایونی در مجلس افتتاحیه مذکور نزول اجلال فرموده اولاً از طرف قطعه تشریفات که در صحن عمارت دارا لشورای ملی قبلاً انتظار موکب همایونی را داشتند، احترامات ذات شاهانه بعمل آمده، سپس در موقع ورود در سلامخانه از طرف والا حضرتین ج، ع، ج، رئیس الوزراء و ع، ج وزیر صاحب حریره و عموم حضار مجلس بکمال احترام پذیرائی و استقبال شایانی که درخور ذات اشرف همایونی بود گردیدند.

حاضرین مجلس عموماً طرف تلطف و نوازش اعلی حضرت ملوکانه واقع گردیده، بعد از آن بر منبر خطابه دارالشورای ملی صعود فرموده سومین دوره شورای ملی را بنطق جامع و غرای شاهانه افتتاح فرمودند.

بعد ع، ج، عبدالاحد خان رئیس شورا بعد استجازه حضور ذات شاهانه و ج، ع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت صدر اعظم صاحب یکی بعد دیگری معروضات شکریه خود را بمناسبت فرمایشات قیمتدار ملوکانه که سراسر بخیر و بهبود ملت و ارتقا و تعالی افغانستان بود بسم حضور ذات اشرف همایونی رساندند.

مملکت بوزارت صحیه تخصیصیه داده شود ، تا بر حسب لزوم مورد استفاده قرار گیرد .

به تعقیب وتأسی ازین رویه ملت دوستی و عرفان پروری ذات همایونی ، علیا حضرت ملکه صاحب والدۀ ماجده اعلیحضرت همایونی ووالا حضرات همشیره های اعلیحضرت مبلغ پنجاه هزار افغانی نیز از جمله وجه منظوری معاش و مصارف شخصی خود برای امور فوق الذکر عنایت فرمودند .

هکذا اعلیحضرت تاجدار محبوب جوان جوانبخت ماچنانیکه در فوق ذکر شد که برای تأمین هرگونه وسائل راحت و رفع هر قسم علل و نواقص ملت عزیز خود بذل اهتمام و مساعی شاهانه میفرمایند فقرا و بینوایان (که حقیقتاً قابل ترحم میباشند) نیز از زیر نظر عطوفت و مهربانی ذات شاهانه شان دور نیست .

چنانچه بر حسب معمول همه ساله در موقع حلول زمستان مبلغ یازده هزار افغانی بریاست بلدیه کابل عنایت و اعطا فرمودند که درین مساکین و مستحقین شهر توزیع کرده شود . پس نظر که بمراحم پدرانۀ این شاه بادیانت و غمخوارما که کرده میشود ، ماملت نهایت بختیار و خوش قسمت هستیم که زهام امور مملکت مارا بدست با کفایت اینچنین پادشاه خیرخواه مهربان تفویض نموده که بلااستثنا از هر طبقه ملت بزرگوار همایونی اش امرار حیات مینماید و امیداست که در اثر نیات خیر اندیشانه ذات شاهانه افغانستان عزیز ما بزرودترین اوقات بمدارج ترقی و تعالی نائل و حیات اجتماعی ماملت از هر حیث قرین راحت و آسایش گردد .

واقعه جانی خیل :

دراوا ائل برج سرطان یک دسته اشرار جانی خیل واقع کیتواز ، بریک تهانه عسکری بغرض چاول حمله برده اگرچه عسکر ساخلوی مقام مذکور جدیانه به آنها مقابله ورزید ولی بمجردیکه اطلاع بمركز رسید اقدامات لازم برای سرکوبی و گوشمالی اشرار مذکور بعمل آمده در نتیجه تمام اشرار مذکور همراه سردسته های شان از طرف مردمان خود همان علاقۀ تسلیم حکومت شدند و قضیه مذکور کاملاً خاتمه یافت .

عزیمت ع ، ج ، وزیر صاحب معارف

بولایات شمالی و معاودت شان

قارئین محترم مستحضرو خواهند بود ، که عالیقدر جلالتماآب سردار محمد نعیم خان وزیر جوان و فعال معارف علاوه بر کارهای وزارت و رسیدگی بامور عرفانی مملکت که بکمال جدیت انجام میفرمایند ، کفالتاً بکارهای ریاست بانگ ملی هم واری می نمایند ، بنابرین در ما اسد جهت معائنۀ فابریکۀ نساجی و فابریکۀ برق که تحت نظر بانگ ملی درپل خمیری بنا میگردد ، بایک هیئت اقتصادی تشریف برده بودند . پس از معائنۀ و واری بامور فابریکات و غیره کارهای مربوطۀ آن جهت معائنۀ امور معارف ولایت فطغن و بدخشان و ولایت مزار شریف نیز تشریف فرما شده در هر نقطه از طرف عموم مامورین ملکی و صاحب منصبان عسکری و نمایندگان اهالی و طلاب معارف و غیره نفری مراسم استقبال و پذیرائی شان بکمال احترام بعمل آمده و خطابه های خیر مقدم از طرف اهالی و طلاب مکاتب ایراد میگردد .

زحمات و توجه وزارت معارف این زبان ملی ما به پیشرفتهای مهمی نائل گردیده و هموطنان حساس ما را به آینده درخشان خود مژده میدهد.

چنانچه امروز علاوه بر شائعات اخباری که بزبان پشتو نشر می شود، در تمام وزارتخانه ها و ریاست ها و غیره دوائر رسمی و موسسه های ملی مرکز و تمام ولایات و حکومتات اعلی و کلان و حکومتات ثلاثه و علاقه داریها یعنی به جمیع نقاط وطن عزیز ما کورسهای افغانی جاری و معلمین پشتو مشغول درس دادن هستند و کتب درسی و اخبار برایشان توسط انجمن ادبی بصورت رایگان مرتب میرسد. و اهالی غمو ما برائی ساختن این زبان ملی خود شوق مفرطی دارند.

نظر باین توجه حکومت و زحمت شبها روزی و زیر فعال معارف و شوق سرشار و مفرطی ملت که می شود، امید است که ترویج زبان و ترقی واقعی لسان پشتو صورت خوبی بخود بگیرد، و نژاد آینده این خاک مرهون این اقدام پررنگ دودمان اعلیحضرت نادر شاهی اضافه بر اضافه گردد.

پنجمین سال جلوس اعلیحضرت همایونی

روز دو شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۱۶ مراسم حلول پنجمین سال جلوس ذات اشرف همایونی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پدر معنوی و غمخوار افغانستان بعمل آمد، اگر ما بنظر دقت و تعمق ملاحظه کنیم جای بسی افتخار و سعادت برای ما ملت است که باین دوره پنجمین سال زمامداری فرزندان جوان جلیل القدر وطن چرخهای ترقی و تقدم مملکت به محور اصلی خود دور خورده، امنیت که یکی از اساسی ترین اساس يك مملکت

پس از انجام کارهای مربوطه ولایات قطغن و بدخشان و مزار شریف که ع، ج، وزیر صاحب موصوف تشریف فرمای مرکز شدند، قراریکه از شائعات جرائد ولایات مذکور معلومات حاصل کرده ایم، وزیر جوان و فاضل معارف سردار محمد نعیم خان در حین توقف چند روزه خود برای طبقات اهالی و مامورین و معلمین طلاب معارف و صاحب منصبان عکسری بیانات قیمتهای فرموده و هر صنف را در حدود ایفای وظائف شان و بکار و عمل تشویق نموده اند.

اهتمام ذات شاهانه در تعمیم و توسعه زبان پشتو

حسب تحقیقات و تتبع فضلا و مورخینیکه بزبان پشتو دلیلی و علاقه دارند، زبان پشتو را یکی از زبانهای قدیم و از اصیل ترین زبانهای آریانی شناخته اند. زیرا باستاندانش که بسا کلمات قدیمه که نزدیکی این زبان را به السنه باستانی آریانی میرساند، تا کنون در سینه ملت پشتو زبان محفوظ و مورد استعمال است.

ولی حوادث سوء روزگار و بی پرداختی اسلاف ما پیشرفت و توسعه این زبان را مانند سایر شئون حیاتی این ملت در حال وقفه گذاشته بود؛ مگر خدا را شکر گذاریم که این وقفه و معطلی بطور دائمی نبوده زبان پشتو در ضعف و سستی خود را بدوره زمامداری فرزند صالح خود اعلیحضرت غازي محمد نادر شاه شهید خاتمه داد، اینک در نتیجه توجه فرزند جوان جوانبخت آن مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت الامتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در جمله دیگر ترقیات عرفانی و ادبی و زنده ساختن آثار و افتخار ملی ما ترویج زبان پشتو که وسیله مهم وحدت يك ملت است از قوه بغفل آمد، که در مدت کمی از فیض

پس ما بکمال احترام از درگاه حضرت مجیب الدعوات سلامتی وجود سعادت آمود و بقای سلطنت شاه جوان خود را مسئلت مینمائیم و آرزو میکنیم که ملت افغانستان تا سالیان دراز در ظل رفعت ذات همایونی اش اصرار حیات نموده و مملکت عزیز ما بترقیات خوبی نائل گردد .

نهادن سنگ تهاداب عمارت مکتب

حریبه احضاریه

بمناسبت نهادن سنگ تهاداب عمارت مکتب حریبه احضاریه در باغ بابر شاه که يك موقع خوب و باصفای برای تعبیر مکتب حریبه دارد، در مرور سال ۱۳۱۶ از طرف مقام مر بوطه از محترمین رجال و صاحب منصبان ارشد عسکری در محل مذکور دعوتی بعمل آمده ج، ع، ج، ا، ا، نشان، والا حضرت صدر اعظم صاحب و ع، ج، ا، نشان والا حضرت وزیر صاحب حریبه نیز تشریف آورده از طرف حاضرین محترم و قطعه تشریفات و طلاب حریبه محترمانه استقبال شدند، پس از آن والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب بعد از دعا و فاتحه سنگ تهاداب مکتب حریبه احضاریه را بدست مبارک خود گذاشتند، و بدیناسبت نطق غرای راجع به اهمیت و موقعیت عسکری و وظایفی را که در حفظ شئون دینی و ملی دارند قرائت فرموده و بعد از آن يك سلسله بیانات قیمت دار شانرا معطوف شرح توجهات و علاقه مندی که اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه بترقی و پیشرفت شئون عسکری دارند نموده و درخاتمه برای سرافرازی و سرخروئی دائمی اردوی افغانستان دعا نموده و اظهار امید فرمودند

است از فضل خداوند (ج) با مفهوم صحیح خود در افغانستان موجود شده است .

ترقی تجارت و اقتصاد مملکت بسته بامنیت بوده و از همین جهت است که سرمایه های ملی بفعالیت تمام بدوران افتاده و شرکتهای بزرگی در وطن عزیز ما تاسیس گردیده که بمقصد تقویه بنیه اقتصادی مملکت مصروف کار و عمل میباشند .

معارف که منبع و سرچشمه ترقیات يك کشور است ذات اشرف عرفان پرور ما اعلیحضرت همایونی درین نیز ابراز علاقه کاملی فرموده چنانچه شرح آن در فوق گذشت .

عسکر که حافظ امنیت وطن و نوامیس ملت يك مملکت است، ذات همایونی توجه خاصی باینطرف مبذول داشته که از مصارف شخصی ذات شاهانه شان صرفه جوئی نموده و مبالغ هنگفتی برای شئون عسکری اعطا فرموده اند . در اثر همین توجهات، ذات شاهانه و زحمات خسته گئی ناپذیر ع، ج والا حضرت سردار شاه محمود خان وزیر حرب است که وطن عزیز ما امروز الحمد الله دارای يك عسکر کامل بوده، ترقیات روز افزونی در آن مشاهده می شود .

در باب راهها و عمرانات، اوضاع صحی و زندگانی مرفه الحال که ملت عزیز ما برر سایه تاجدار جوان خود دارند، (چیزیکه عیان است چه حاجت به بیان) هموطنان عزیز ما و کسانیکه چند سال پیش افغانستان را دیده بودند و حالا می بینند، میدانند که ترقیات امروزه افغانستان در حقیقت از مساعی يك زمامدار صالح و بزرگيست که با اعمال و افکار پاک خود بختیاری و سعادت ملت این مملکت را خواسته و میخواهد و او شانرا بمدارج ترقی و اعتلا روز بروز صعود میدهد.

انجمن ادبی بنام قدردانی از رجال بزرگ تاریخی و طن بروز پنجمین ۱۲ عقرب ۱۳۱۶ ساعت ۲ بعد الظهر در کلوب استور بمناسبت نهمین سالگره ابن سینای بلخی مجلسی منعقد و در آن عموم وزراء و سفراء، معین ها و رؤسای ادارات، علما، فضلا و رباب جرائد مراکز دعوت شده بودند.

درین مجلس ادبی ج، ع، ج، ا، ا، نشان سردار محمد هاشم خان رئیس الوزراء و ع، ج، ا، ا، نشان سردار شاه محمود خان وزیر حربیه که ادب پروری و علم دوستی مخصوص خاندان نجیب شان است نیز تشریف آورده بودند.

مدعوین محترم از طرف ع، ج، وزیر صاحب معارف رئیس و ع، شهزاده احمد علیخان درانی مدیر عمومی و دیگر اعضای پشتوتولنه پذیرائی و استقبال می شدند.

بعد از حضور عموم مدعوین محترم ع، ج، سردار محمد نعیم خان وزیر فاضل معارف نطق افتتاحیه بنام قدردانی از علم و رجال تاریخی و وطن ایراد فرمودند.

و متعاقب آن مطابق پروگرام موضوعه که از طرف انجمن ادبی ترتیب یافته بود، ذوات محترمی که در باب مقام علمی و فلسفی شیخ قبلاً مقالات و قصائد ترتیب و انشاد فرموده بودند یکی بعد دیگری قرائت نمودند این حلقه ادبی خیلی زیاد طرف دلچسپی حضار محترم واقع و هر کدام با کف زندهای متوالی تحسین و پذیرائی میگردیدند بالاخره مجلس مذکور بعد از صرف عصریه بمسرت تمام انجام و خاتمه پذیرفت.

که ازین مکتب که فعلاً اساس عمارت آن گذاشته شد صاحب منصبان رشید و با علم و تربیه و فداکاری برای افغانستان تربیه و فارغ شوند. پس از نطق والا حضرت اشرف صدراعظم صاحب ع، ج، انشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه سردار شاه محمود خان غازی متقابلاً نطق جامعی ایراد فرموده از حسن نظریات والا حضرت صدراعظم صاحب درباره عساکر افغانی تشکر نموده، و علاوه نمودند که عسکر امروزه افغانستان بخوبی ملتفت اند که اعلیحضرت همایونی المتوکل الله تا چه اندازه درباره عساکر نظر شفقت و مرحمت پدرا نه دارند که روز و شب برای بهبود اوضاع عسکری افغانستان میکوشند، عسکر امروزه وطن عزیز ما بهیچوجه نمیتوانند از عهده شکران آنهمه مراحم و توجهاتیکه درباره شان مبذول میشود برآیند. بیانات ع، ج، وزیر صاحب حربیه از طرف عموم صاحب منصبان عسکری که حاضر بودند تأیید شده و بدعا گوئی دوام سلطنت اعلیحضرت المتوکل علی الله و بقای دودمان اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید خاتمه یافت.

نهمین سالگره ابن

سینای بلخی

ابن سینای بلخی که فضل و کمال و شهرت علمی او دنیا شرق و غرب را فرا گرفته و هیچکس از علو مقام علمی او انکار کرده نمیتواند، از مفاخر تاریخی خاک پاک وطن عزیز ما گفته میشود، برایما جای بسی مجدو افتخار است که خاک وطن عزیز ما مهد پرورش اینطور حکما و فیلسوفهای عالمقام واقع گردیده که از فکر بلند و ادراک برجسته آنها عموم عالم بشریت استفاده نموده و همه را بلا استثنا در ذیل عطوفت خود قرار داده است.

نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم و جناب فقیر محمد خان فارغ التحصیل فاکولته طبی تعاطی گردید ، و در ضمن آن شهادت نامها با انعامات لائحه بدست مبارک والا حضرت اشرف صدراعظم صاحب بطلاب مذکور که درجه دکتوری یافته بودند اعطا گردید ، و جناب دکتور رفقی مشاور وزارت صحت و جناب پروفیسر حسن رشاد و جناب ربیع حکمت و دیگر معلمین فاکولته عالی حسب مراتبهم از طرف قرین الشرف اعلی حضرت همایونی نشانهای سردار عالی و استور اول و استور دوم و معارف اعطا گردید .

مجلس بعد از صرف عصریه بدعا گوئی اعلی حضرت جوان معارف پرور المتوکل علی الله و مزید ترقیات افغانستان خاتمه یافت .

اعطای تصدیقنامهها بفارغ التحصیلان

دارالمعلمین مستعجله

وزارت جلیله معارف با اثر فعالیت خسته گمی نا پذیری که دارد ، در برج اسد ۱۳۱۶ جهت توسیع مکاتب ابتدائی کورس و بنام دارالمعلمین مستعجله تاسیس و یک عده جوانان لائق با اخلاق را از ولایات و اطراف جلب کرده بغرض تعلیم و تربیه اطفال ابتدائی شامل این موسسه عرفانی نمود .

طلاب مذکور در ظرف شش ماه مواد پروگرام موضوعه مضامین را تکمیل و بتاريخ ۲۹ دلو از طرف ریاست تدریسات وزارت معارف جهت توزیع تصدیقنامههای شان ترتیبات گرفته شده بود .

ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف بساعت معینه تشریف آورده ، باعطای تصدیقنامهها و انعام طلبه مذکور پرداختند و پس ازان

توزیع شهادتنامه بطلاب فارغ التحصیل

فاکولته طبی و دوا سازی

دارالفنون افغانستان که یکی از مؤسسات علمی یادگار عهد با افتخار اعلی حضرت محمد نادر شاه شهید مصلح کبیر افغانستان میباشد اینک خوشبختانه اولین ثمر پرفیض خود را برای حفظان صحت عمومی ابنا و وطن میدهد .

این ثمره شیرین و قیمتمدار عبارت از فارغ التحصیلی او این دسته شاگردان فاکولته طبی دارالفنون وطن عزیز ما میباشد .

بمناسبت فارغ التحصیلی و اعطای شهادتنامه به فارغ التحصیلان فاکولته و صنف دوا سازی از طرف وزارت جلیله معارف روز سه شنبه (۲۹) قوس در عمارت صدارت عظمی ترتیب انعقاد مجلسی گرفته شده بود ، در مجلس مذکور ج . ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت صدر اعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه و عموم وزراء محترم و جلا لتمام شوکت بای سفیر کبیر تورکیه مقیم کابل و ارا کین وزارت معارف و طلاب ارشد مکاتب و مامورین بزرگ شمولیت ورزیده بودند ، مدعوین محترم از طرف اعضای وزارت معارف پذیرائی می شدند .

درین مجلس عرفانی که اولین بار بمناسبت فارغ التحصیلی اولاد وطن عزیز ما از مکتب فاکولته طبی انعقاد یافته بود نطقهای مهمی از طرف ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر صاحب معارف و جناب پروفیسر حسن رشاد بای رئیس فاکولته و ج ، ع ، ج ، ا ، ا ،

سا لنامه « کابل »

عموم طلاب را مخاطب ساخته ، نطق نصیحت آمیزی ایراد فرمودند
بعد از اختتام بیانیۀ وزیر فاضل معارف دو نفر از فارغ التحصیلان
مکتب مستعجله یکی بزبان پشتو و دیگری بفارسی ، بجواب فرمایشات
وزیر صاحب معروضاتی قرائت نمودند .

در خاتمه بروح پاک اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه
شهید که بزرگترین فرزند معارف پرور وطن بودند دعای مغفرت
فرستاده وزنده باد اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه منور عرفان
دوست ما گفته مرخص گردیدند .

فرمان عید مبارکی ذات اشرف همایونی

بعنوان اهالی افغانستان

یکی از عادات برجسته و مراسم مفیدۀ که از عصر منور اعلیحضرت
غازی محمد نادر شاه شهید باقی مانده و در عصر درخشان فرزند انجپ شان
(اعلیحضرت المتوکل علی الله) همه ساله در مواقع لزوم ازان تأسی
و بیروی میشود اصدار فرامین پادشاهی (که حاوی يك سلسله وصایا
و نصایح قیمتداری میباشد) است که بعنوان معززین و ریش سفیدان
ملت در ایام اعیاد مذهبی میشود . چنانچه امسال نیز در هر دو عید مذهبی
(عید فطر و عید اضحی) فرامین تبریکیه از حضور والای شاهانه بشام
رعایای صداقت شعار شان صادر گردید .

تبریک روز میلاد ذات اشرف همایونی

روز جمعه ۲۲ میزان حسب معمول همه ساله هیئت کور دیلو ماتیک
متوقف کابل و وزیرای محترم کابینه و نمایندگان ملی و باقی رجال بزرگ

وقایع مهمۀ داخلی در افغانستان

و معززین به قصر دلکشا بمناسبت تقدیم تبریکات سالگره تولدی بحضور
ذات اشرف همایونی شرفیاب شده و بعد از سالهای گذشته مراسم و احترامات این
روز سعید را بجا آور دند ، روز ۲۲ میزان که روز تولدی فرزند جلیل القدر
وطن اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب افغانستان و مقارن
بروزهای نجات وطن از خانه جنگی و برادر کشی و بدبختی ملت میباشد ،
یکی از برجسته ترین روزهای تاریخی و اعیاد ملی ملت افغانستان محسوب
بوده و در شیرازه بندی حیات اجتماعی ما سهم بزرگی دارد .

فلهذا سفرای دول متحابه مقیم کابل و وزیرای محترم و معززین
حسب دعوتنامه هائیکه قبلاً از طرف وزارت جلیۀ دربار توزیع شده
بود ، بساعت معینۀ در قصر دلکشا حاضر شده ، نهمین سال نجات وطن
که محصول فداکاری های نابه قرن بیستم اعلیحضرت غازی محمد نادر
شاه شهید و برادران رشید و نامور شان میباشد ، بنطق غرا و جامع
اعلیحضرت همایونی افتتاح و از طرف حاضرین محترم بایک حرارت
وصمیمیت فوق العاده استقبال گردید .

هکذا قراریکه معلومات داریم در تمام نایب الحکومگی ها
و حکومت های اعلی و کلان باستقبال این روز نیک که
روز تجدید سعادت و نیک بختی ملت افغانستان بوده مجلس های خوشی
باترئینات مجللی بعمل آمد و عموم اهالی قدر شناس این خطۀ اسلامی
خودهارا از دل و جان مرهون خدمات برجستۀ خاندان نجیب نادرشاهی
دانسته و تمیدانند و با کمال خلوص و نیات بی آلاش ادعیه خالصانه
خود را بروح پاک یگانه منجی وطن اعلیحضرت سعید شهید و باقی
ذواتیکه درین خدمت بزرگ بذل مجاهدت نموده و حصه دار هستند تقدیم

درخامه نطق والا حضرت صدر اعظم صاحب که بمفادش اختصاراً اشاره شد ، و پس از صرف طعام وکلای محترم از حضور اعلیحضرت همایونی مرخصی حاصل نموده از قصر دلکشا مراجعت کردند .

وفیات مهمه

جناب حاجی صاحب ترنگزائی :

حاجی صاحب ترنگزائی در وقت خود از اجله مشائخ و روحانیون عالم اسلام بودند که خدمات برگزیده شان به ملت افغانه قابل بسی تقدیر و تمجید است ، اخیراً در ماه قوس ۱۳۱۶ جهان فانی را پدیدرود گفته بعالم جاودانی شتافتند .

(انالله وانا اليه راجعون)

حاجی صاحب ترنگزائی بعد از جناب آخند زاده صاحب صوات علیه الرحمه و جناب مولانا نجم الدین صاحب هده علیه الرحمه سومین شیخ ضریقت بودند که سرمایه علم و تبلیغات خویش را به ملت افغان ارزانی فرمودند ، ملت افغان از تبلیغات و مساعی آن مرحوم استفاده های زیاد گرفتند . شخصیات حاجی صاحب تماماً نذر اصلاح قوم شد ، به معنای صحیح فقیر و بی طمع بودند ، پایه تقوای شان بس عالی و بلند بود . فقدان جناب حاجی صاحب در تمام افغانستان با تأسف زیاد تلقی شد و عموم ملت افغان را وفات آن مرحوم مغفور متأثر گردانید .

بروز جمعه ۳ برج جدی سال مذکور در مساجد جامع کابل از طرف علمای محترم نسبت بسوانج درخشان آن مرحوم نطق های بلیغی با یکعالم تحسر از فقدان آن مرحوم ایراد گردید .

نموده ، و از خدای بی نیاز ارتقای دائمی و ضن و طول عمر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و اعمام شریف خیر اندیش و عموم خاندان سلطنتی و ذواتیکه از صمیم قلب باین وطن خدمت مینمایند بکمال عجز و احترام نیاز نمودند .

شریفیابی و کلای شورای ملی

به حضور اعلیحضرت همایونی

حسب معمول همه ساله در سال گذشته نیز چون دوره ششماهه مجلس شورای ملی با ختام رسید و نماینده های ملت مرخص می شدند ، بروز سه شنبه ۳ عقرب وکلای محترم بحضور پادشاه محبوب خود به قصر دلکشا شرفیاب گردیدند .

ذات همایونی در محضر وکلای ملت یک سلسله بیانات قیمنداری که حامل احساسات نیک حکومت درباره ملت و همدستی و اتحاد ملت با حکومت بوده ایراد فرمودند ، که مورد دلچسپی و مسرت وکلای محترم واقع گردید .

از جانب وکلاهم معروضات مملو از اخلاص و صمیمیت بعرض حضور ذات شاهانه تقدیم گردید که رضایت و خور سندی ذات همایونی در آن شامل بود .

در ختام معروضات وکلای محترم شورا ج ، ع ، ج ، والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب نیز نطق جامعی که مبنی بر لیاقت و فعالیت و کلا و همدستی شان با هیئت کابینه وزراء در تنظیم اصولنامه و حسن تدویر امور مملکت بود ایراد فرمودند ، که موجب رضایت ذات شاهانه از فعالیت و کاردانی وکلای ملت حاصل گردید .

عموم مردم برای مغفرت و خوشنودی روحانیت پاك اودعا نمودند
ما هم بنوبه خود از خداوند عالم استدعای درجات عالیهتری را برای
آن مرحوم نموده و بیازماندگان شان صبر جمیل را میخواستیم .

جناب قاضی عبدالشکور خان :

جناب فضیلت ماب قاضی عبدالشکور خان مشاور شرعی حضور
اعلیحضرت همایونی که از علمای جید و فاضل وطن عزیز ما (افغانستان)
بودند ، در برج عقرب ۱۳۱۶ در قندهار بر حمت ایزدی پیوستند .
(انا لله و انا الیه راجعون)

ما از درگاه حضرت خداوند (ج) برای انمرحوم طلب غفران
و آمرزش و بیازماندگان او صبر و تسلیت را استدعا مینمائیم .

جناب عبدالعزیز خان بلو کمشر هوا باز :

جناب عبدالعزیز خان بلو کمشر میخانیک که جهت مشق
و تمرین بروز ۱۵ اسد ساعت ۶ صبح در حالیکه یکی از طیارات
افغانی را در فضای کابل پرواز میداد . قبل ازینکه طیاره از زمین
بلند شود ، پروانه طیاره در حرکت بوده متأسفانه بسر بلو کمشر
مذکور اصابت کرد در اثر جراحت شدیدی که پوی عارض گردیده بود
بلافاصله وفات نمود .

(انا لله و انا الیه راجعون)

میت مذکور با شمولیت صاحبمنصبان عسکری با تجلیلات شاندار
در قریب میدان طیاره دفن و تمام مصارف تجهیز و تکفین آن از طرف

ما نسبت باین ضیاع المناک اظهار تأسف و از سر احم حکومت
متبوع مهربان خود که در باره عموم خدام صادق خود دارند تشکر
مینمائیم ، و برای فقید مرحوم طلب مغفرت و بیازماندگانش صبر و
تسلیت از درگاه حضرت خالق خود استدعا میکنیم .

محصلین افغانی در تور کیه :

محمد صدیق خان ولد محب علیخان و محمد سالم خان ولد سید محمد خان
محصلین افغانی در تور کیه جهان فانی را وداع و بعالم جاودانی
رحلت نمودند .

ضیاع مؤلمه این دو فرزند عزیز وطن علاقمندان علم و عرفان را
نهایت متحسر ساخت .

(انا لله و انا الیه راجعون)

وزارت جلیله معارف در مواقع بروز همچو حوادث ناگووار
با طلاب معارف همیشه از طریق شفقت ومهربانی پیش می آید . بنا برین
بتقریب وفات این دو جوان ناکام و وطن مجلس ترحیم را بروز شنبه
۵ سرطان و روز پنجشنبه ۷ میزان ۱۳۱۶ در خود وزارت منعقد
فرموده ، بحضور علاقمندان آن مرحومین مراسم فاتحه داری شان
اجرا گردید .

ما نیز بنوبه خود از حضرت قادر بیچون برای مرحومین مذکور
طلب غفران و برای بیازماندگان شان صبر و تسلیت میخواستیم .

شرکت های تجاری

میتوان گفت که سیستم اقتصادی افغانستان که از چند سال به اینطرف برای تحویل آن به اصول شرکتی توسط تمرکز سرمایه از طرف حکومت متبوعه و بانک ملی و سایر افراد منور وطن صرف مساعی بعمل می آمد، در سال ۱۳۱۶ درین قسمت موفقیت های بی سابقه بدست آمده و روی هم رفته آغاز دور جدیدی را برای انبساط اقتصادیات مملکت در نظر مجسم میسازد. چنانچه شرکت های مهمه جدید و توسیع و موفقیت شرکت های سابقه و انعقاد معاملات تجارتی بس بزرگی که درین سال بوجود آمده، بهترین شاهد مدعای فوق است. البته از ضرف هم مشکلاتی از رهگذر بحران مواد خام که در دنیا رونما گردیده و پاره عکس العمل هایی که از طرف بعضی مشتریان مواد صادراتی افغانستان به عمل آمده. از بعضی جنبه ها بالای اقتصادیات ما نیز اثر افکنده اما خیلی جای مسرت است که از برکت اقدامات سنجیده و تشکیلات اساسی که برای اقتصادیات وطن تجویز و طرح شده، تا امروز با این موانع بصورت خوب مقابله شده است. خلاصه اجراءات موسسات تجارتی مهم مملکت ذیلا از نظر خوانندگان عزیز گذارش داده میشود:

بانک ملی و شرکت سهامی

بانک ملی که مهمترین موسسات اقتصادی وطن ما بشمار رفته و درین مدت ه سالیکه از تاسیس آن میگذرد از جنبه های مختلف

خدمات بس بزرگی را در اقتصاد ملی افغانستان بوجود آورده میتوان گفت که این موسسه در تحول اقتصادیات وطن از وضعیت ابتدائی و انفرادی آن به سیستم عصری و شرکتی سهم بزرگی گرفته و علاوه بران بسا اقدامات مهم و نافع برای بهبود اوضاع اقتصادی مملکت بعمل آورده که نتایج آن علالا کشر ظاهر و برخی عنقریب تاثیرات نیک خویش را آشکار خواهد ساخت، مخصوصا فعالیت بانک در سال ۱۳۱۶ که ع، ص عبدالمجید خان رئیس آن دراروبا مشغول مسافرت و خدمت اقتصادی بودند و ضمنا علاوه بر معرفی صحیح تشکیلات و حالات اقتصادی افغانستان بموسسات اقتصادی مهمه دنیا بیک سلسله مطالعات و مذاکرات و عقد قرار دادها و خریداری کارخانه جات و اجرای معاملات تجارتی پرداخته اند قابل اهمیت بوده امید است که نتایج بهتری را در راه ترقیات اقتصادی افغانستان عزیز وارد سازد - خطوط اساسی فعالیت بانک ملی در سال ۱۳۱۶ قرار ذیل است:

الف تشکیل موسسات جدید اقتصادی:

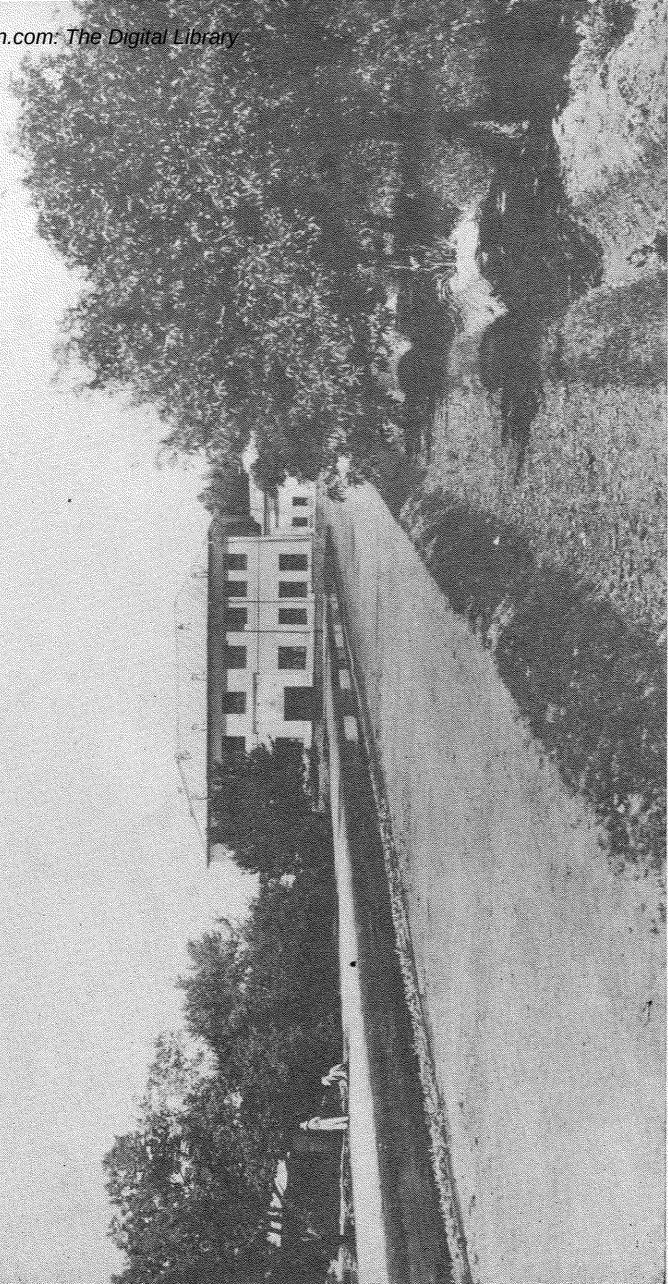
۱ - شرکت صادرات قره قلی: بر هیچکس پوشیده نیست که قره قلی بزرگترین و مهمترین اقدام صادرات افغانستان را تشکیل داده در اساس تجارت صادراتی ما واقع و همچنین پرحیات اقتصادی مملکت رول مهمی را بازی میکند تا سال پیش تجارت آن بصورت غیرمستقیم و بشکل ابتدائی بوده نه تنهائمانع صحیح به تجار افغانی نمیرسید بلکه ازسبب اقدامات تجارذات الیینی اکثر اوقات موجبات ضررهای فاحش برای تجار و صدمات خطیری

با اقتصادیات افغانستان وارد میگردد. بانک ملی از بند و تاسیس خود با نظرف عطف توجه نموده بتدریج تجارت قره قلی را اصلاح و قدم به قدم به عصری ساختن و سر راست گردانیدن معاملات پوست و همچنین در حسن باربندی و غیره تنظیمات آن موافقت حاصل کرده چنانچه منافعه درین چهار سال از درک تجارت قره قلی نصیب تجار و شرکت های افغانی و با او سیله عاید حکومت و ملت شده بهمه کس معلوم است ازین رو اخیراً قدم بزرگتری که تجارب از قدم آخری باشد در معاملات قره قلی از طرف بانک ملی برداشته شده که عبارت از تشکیل شرکت عمومی صادرات قره قلی میباشد و این شرکت ب سرمایه هفتاد ملون افغانی جدیداً در کابل تاسیس و جناب محمد رفیق خان تاجر کابلی ب ریاست آن مقرر شده به سهم شرکت مذکور پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی تعیین و در دسترس عموم تبعه افغانی قرار داده شده است.

شرکت نساجی :

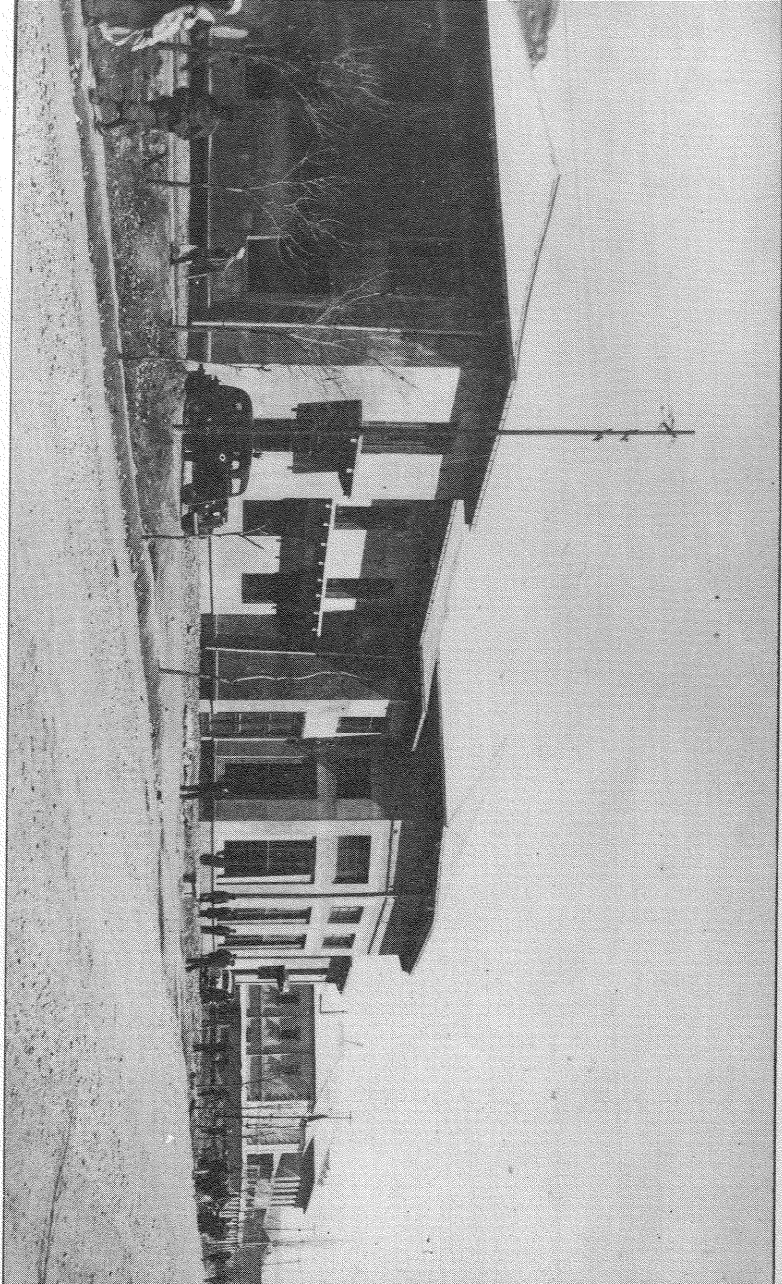
یکی از مهمترین اقدام و ارداتی ما را منسوجات پنبه ئی تشکیل میدهد که از روی احصائیه مرتبه در سال (۹۰) ملون افغانی برای تهیه آن از مملکت خارج صرف میشود طبیعی است که اصدار اینقدر مبلغ بزرگ در میزانیه تجارتی تاثیر زیادی می اندازد و از طرف دیگر صنعت منسوجات در اکثر ممالک يك صنعت ملی بوده ، در خود ممالك تهیه میشود خصوصاً در حالیکه مواد خام و لوازم آن که عبارت از پنبه و جریان برق برای تمویق و قاربه باشد ، در مملکت فراوان باشد از اینست که حکومت متبوعه و بانک ملی سه سال پیش باین سمت توجه خود شان را معضوف فرموده برای خریداری (۲۰۰۰) دستگاه نساجی عصری

از عمارات مهمه جدید در کابل : بانک ملی و خزانه عمومی
Nouvel immeuble de la Banque Nationale Afghane



از عمرفات سال ۱۳۱۶ مرکز : عمارت ریاست و دفاتر مطبوعه عمومی
Nouvelle imprimerie de l'about : vue externe des bureaux

فابریکه جدید ترمیم موتر بانگاملی : منظره خارجی دفاتر فابریکه
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue externe des bureaux administratifs



از کارروائی های مهمه ۱۳۱۶ درس کتب : موتزهای بارکشی جدید که از کارخانه فورد وبنفورد خریداری شده
 Une partie des camions nouvellement achetés pour les services du gouvernement

شرکت های تجاری

داخل اقدامات شده اند چنانچه در سال گذشته از یکطرف اساس شرکتی بنام (شرکت نساجی) جهت خریداری و نصب فابریکه مذکور در تحت نظر بانک ملی و از درك قیمت فروش پوست قره قلی طرح و از طرف دیگر برای ساختمان جای نصب فابریکه در حصه یل خمری ولایت قطن که دارای ایشارهای کافی جهت تولید قوه برق و ضمناً شامل کشت زارهای پنبه قطن میباشد عملیات شروع شده و از طرفی هم ع : ص ، رئیس بانک ملی در دوران مسافرت اخیر خویش کارخانه مکمل مذکور را از اروپا خریداری نموده اند .

بهین مناسب است که در اواخر سال ۱۳۱۶ چون کار تند ویر فابریکه مذکور از هر جهت سر بر اه شده بود شرکت مذکور بر سرمایه (۵۱,۰۰۰,۰۰۰) افغانی با تشکلات کافی تشکیل و ع ، ص ، خواجه تاج الدین خان سابق رئیس شرکت پنبه بریاست آن و ع ، امیر الدین خان دیپلوم انجنیر مدیریت فنی آن مقرر و برای تدویر فابریکه جداً مشغول کار شده اند امید است که فابریکه مذکور تا سال ۱۳۱۹ شروع بکار نموده قسمت بزرگ احتیاجات ما را از حاصلات خویش تکمیل نموده ما را از واردات بزرگی مستغنی گرداند.

شرکت صادرات پنبه :

پنبه یکی از صادرات مهم افغانستان را تشکیل داده و روز بروز میدان فروش آن و سعت یافته میرود و از طرف دیگر آب و هوا و اراضی اکثر حصص افغانستان خصوصاً علاقه قطن و چغانسور برای کشت پنبه مساعدت نشان میدهند ازینست که از سه سال باینطرف موضوع زراعت و صادرات پنبه مورد توجه خاص حکومت متبوعه و بانک ملی

و هر سهم مذکور هزار (۱۰۰۰) افغانی تعیین شده است چون کسار خریداری و تدویر کار خانه يك اندازه سرمایه زیادی را بکار دارد از لحاظ اینکه شرکت مذکور یکجا از موسسات اقتصادی خیلی مهم وطن بشمار میرود و استفاده های ملی می را برای آینده در بر دارد ازین رو به پیشنهاد نظر بانک ملی حکومت متبوعه ماحیه تقویت مؤسسه مذکور انحصار واردات شکر و پترول تمام افغانستان را برای مدت ده سال به شرکت قند سازی اعطاء کرده است چنانچه اخیراً شرکت مذکور افتتاح و بكم ریاست مستقلة زراعت حیه بذر لبلو در قطن برای کار خانه قند سازی مشغول اقدامات شده است :

شرکت تعمیراتی افغانی :

بدیهی است که یکی از لوازم ترقی و پیشرفت مدنی يك مملکت کثرت و وسعت عمران است، خواه عمرانهای مذکور از قسم کارخانه جات و موسسات صنعتی باشد و خواه موسسات عرفانی و مدنی و یا منازل شخصی و غیره ، و بهمین اساس هر قدریکه فعالیت حیاتی در مملکت زیاد شود ، بهمان پیمانه احتیاج به تعمیرات عصری بیشتر احساس میگردد . و از طرف دیگر کثرت عمرانها تا وقتی که بر روی يك اساس صحیح قرار نگرفته باشد ، مشکلات بزرگی را از قبیل قلت و گرانی مصالح و لوازم تعمیریه و نقصان مهندسی و قلت گرانی عماله پیش میکند .

برینوجه موضوع مذکور از مدتی تحت توجه حکومت متبوعه و بانک ملی واقع و اخیراً شرکتی بسمایه بانک ملی و شرکت سکودای چکسلواکیه بنام شرکت تعمیراتی افغانی اباگک بسمایه (۲۰۰,۰۰۰) پوند استرلینگ تشکیل و شرکت مذکور درین اوقات در کابل افتتاح شده

واقع و مقدار کلی تخم پنبه اعلى بین زارعین بصورت را یگان تقسیم و هر قسم تشویق برای توسعه آن بعمل آمده در نتیجه روز بروز دامنه زراعت آن وسعت یافته میرود از طرف دیگر از اثر قرار دادهایکه با خا رجه جهت فروش پنبه عقد شده ترقی بزرگ آتی این جنس صادراتی افغانستان بنظر مشهود میباشد . چنانچه برای دیگرانی زراعت و اداره صادرات آن درین سال شرکتی بسمایه (۱۵) ملیون افغانی تاسیس و ع : ص عبدالعزیز خان تا جر به ریاست آن مقرر شده است .

شرکت قند سازی :

اگر يك نظر بسوی احصائیه واردات چند سال اخیر افگشده شود دیده خواهد شد که سالانه چه مبلغ خطیری برای خریداری قند و بوره بخا رج صادر میگردد و بدتر اینکه مصرف قند و شکر سال به سال دراز دیاد بوده ، بطور نا محدودی بلند رفته میرود . از این است که بانک ملی که توازن بخشیدن میزانیه تجارتی را از مدتی به عهده گرفته و همواره برای ترقی صادرات و تقلیل واردات بیلزوم و تقویه شئون اقتصاد ملی مشغول کوشش میباشد ، درین اواخر مخصوصاً به اینطرف توجه خود را مبذول و ع ، ص ، عبدالعزیز خان رئیس بانک ملی در حین مسافرت اخیر خود باروپا يك کار خانه بزرگ قند سازی (از لبلو) را از چکسلواکیه خریداری کرده و از طرف دیگر به توجه بانک ملی برای تدویر کار نصب کار خانه مذکور ، شرکتی بسمایه سی ملیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) افغانی در کابل تاسیس شده که ریاست آن به جناب عبدالخالق خان عضو هیئت مدیره بانک تفویض

سالنامه « کابل »

است. رئیس این شرکت ع، ص، دوست محمد خان ایماق عضو هیئت مدیره بانک ملی و معاون آن عزت مند مکرم مدیر شعبه سگو داد در کابل و مدیر اقتصادی آن ع، محمد عتیق خان رفیق و مدیر تخنیکی آن عزت مند میکار دیپلوم انجنیر میباشد.

ب: فروش اسبام بانک ملی:

چون روز بروز معاملات و موسسات بانک ملی وسعت یافته میرود و از طرف دیگر بانک در نظر دارد که عده روز افزون ابناي وطن را در معاملات و منافع خویش شریک بسازد، ازین رو دراول سال ۱۳۱۶ یکمده اسبام جدید را که بالغ بر (۵۰۰،۰۰۰) افغانی میشد توزیع و تا اخیر ثور بفروش رسانیده و بر علاوه بران برای سال ۱۳۱۷ نیز در اخیر سال ۱۳۱۶ اعلان ترئید سرمایه بانک را از سی و پنج ملیون (۳۵۰۰،۰۰۰) به شصت ملیون (۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی نموده است.

ج: توسعه معاملات بانکی:

چون اساس بانک ملی را امور بانکی آن تشکیل میدهد، لهذا روز بروز دامنه معاملات بانکی خود را وسعت داده رفته و مخصوصاً این فعالیت در سال ۱۳۱۶ بیشتر شده است و در نظر است که برای سال ۱۳۱۷ امور بانکی هنوز هم توسعه یافته بالمقابل امور تجارتي بانک محدود کرده شود.

د: فعالیت بانک در قسمت اسعار خارجه:

درین مدت سه سالیکه بانک ملی امتیاز خرید و فروش اسعار خارجه را در تصرف خود دارد، همواره سعی کرده است که شرح مبادله

شرکت های تجارتی

را طوری قرار بدهد که هم برای تجار صادرکننده و هم برای تجار وارداتی مساعد بوده ضمناً به طبقات عامه از یک رهگذر یا از رهگذر دیگر نقصان و صدمه نرسد. اما هرکس خیر دارد که در یکسال اخیر تغییرات بزرگی که در امور حیاتی افغانستان و همچنان دردنیای خارج رخ داده از یکطرف منجر به تقاضای روز افزون اسعار خارجه و از طرف دیگر منتج به قلت تدریجی آن از درک باقی ماندن اموال صادراتی ما گردیده است مبصرین اقتصادی عوامل این کیفیت قرار ذیل میدانند:

۱- باثر بحران عالم گیر اقتصادی همچنانکه مواد خام در اکثر نقاط جهان از قیمت اصلیه خود تنزل کرده بود مواد خام افغانستان نیز از ماه اسد تا ماه دلو امسال چهل فیصد تنزل نمود و این یک مدرک مهمی بود که عائدات اسعار مملکت را محدود گردانید.

۲- حصه مهم قره قلی و میوه خشک مادر سال ۱۳۱۶ تا پانزدهم ماه حوت بفروش نرسید و ازین جهت یکی از مدارک مهمه اسعار به تعویق افتاد.

۳- مصرف اسعار و اثر حکومتی در سال ۱۳۱۶ نسبت بسال ۱۳۱۵ صد فیصد ترقی نموده.

۴- حجاج افغانی که همه ساله به بیت الله شریف برای ادای فریضة حج میرفتند تعداد آنها به (۱۶۰۰) نفر بالغ نمیشد حالانکه امسال تعداد حجاج ما تقریباً به پنج هزار نفر میرسد که اگر اینها بصورت متوسط فی نفر سه و نیم هزار افغانی اسعار برده باشند یک کرویر و هفتاد پنج لک (هفده و نیم ملیون افغانی) مصرف آنها شده.

۵- واردات مال جاپانی و موتر در ۱۳۱۶ نسبت بسالهای ماقبل ترقی زیاد نموده.

موجودی ۲۹ حوت ۱۳۱۶

- ۱ - اسعار خارجه در داخل و خارج عموماً بقیعت ۱۱۰۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی
- ۲ - موجودی مال صادراتی در کدام بانک که تعهد اسعار داشته
- قره قلی هشتصد و چهل هزار جلد ۵۴۰۰۰۰۰۰۰
- ۶۵۰۲۰۰۰۰۰۰

ه - فابریکه ترمیم موترها :

بانک ملی که انحصار موتر و پرزه های آنرا دارد از سه سال باینطرف جهت خریداری و توريد و نصب يك کارخانه مکمل ترمیم موتر و بسته کاری از سیستم جدید اقدام و در سال ۱۳۱۶ موفق به تدویر آن شد ، چنانچه در ۸ ماه سال مذکور متجاوز از ۷۰۰ عراده موتر در فابریکه مذکور ترمیم گردیده است .

این فابریکه جدیدترین ماشین آلات را برای ترمیم و ساختمان بعضی آلات و بسته کاری موترها و سایر ماشین ها و عراده ها و غیره دارا بوده با جرت نازولی فرمایشات مراجعین را انجام میدهد خلاصه موسسات و تشکیلات این فابریکه ذیلاً از نظر خواننده گان محترم گذشتاننده می شود :

- ۱ - شعبه ماشین کاری دارای ۱۶ پایه ماشین برقی اتوماتیکی
- خرادی برمه و غیره ۲ - شعبه بسته کاری دارای يك ماشین قتن کاری
- ولفت برقی - و ماشین لیم کاری و بجه اتوماتیکی و غیره ۳ - شعبه برق
- بر موتر دارای ماشینهای پر کردن باتری ها و غیره ۴ - شعبه آهنگری
- دارائی کوره و دم و غیره برقی ۵ - شعبه حلبی سازی ، دارای ماشینها
- و لوازم جدید ۶ - شعبه رنگمالي با لوازم و آلات برقی و غیره
- ۷ - شعبه نجاری و بادی سازی دارای لوازم و آلات برقی جدید .

۶ - در سال ۱۳۱۶ برای عملی نمودن پروژه های صنعتی مملکت مبالغی از اسعار خارجه بمصرف رسیده که در سالهای سابق نظیر آن در بودجه مصارف مملکتی وجود نداشت .

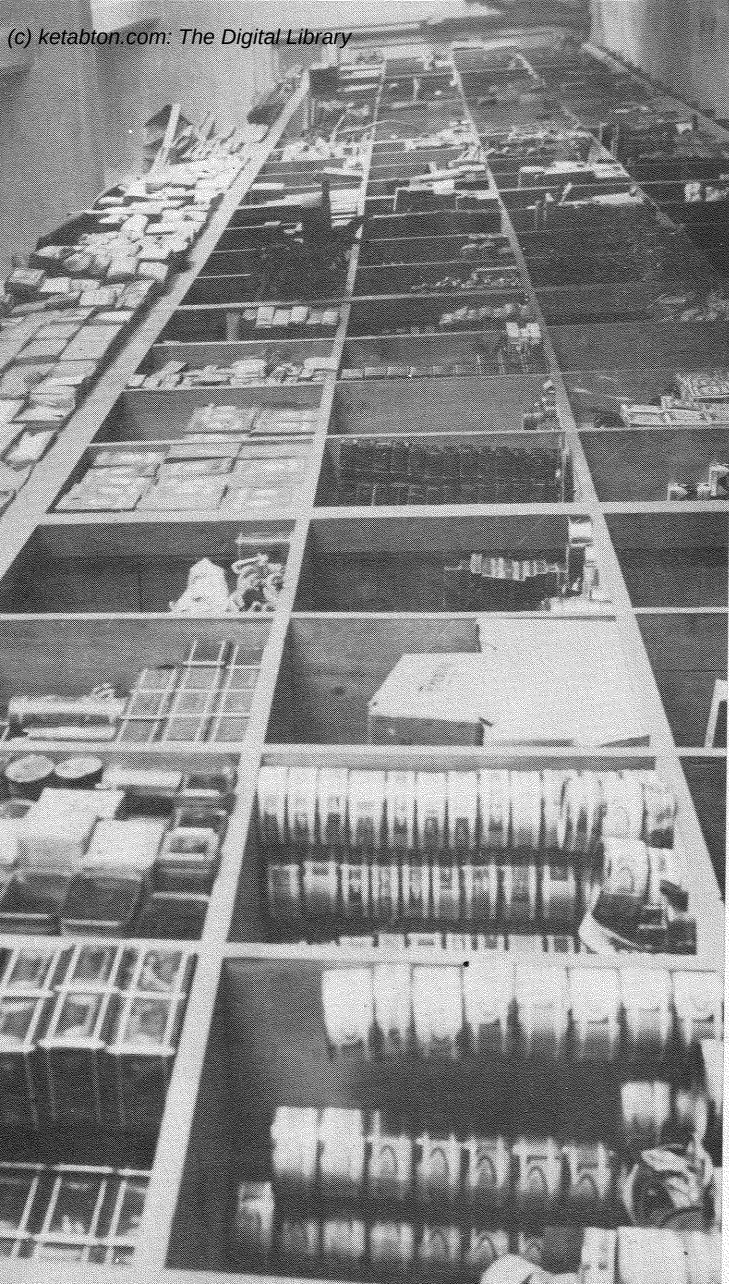
۷ - ما در اوائل ۱۳۱۶ از روی احصائیه زراعتی عائدات پنبه را در حدود سی هزار طن تخمین نموده و ازدیاد مصارف خود را بر روی همین تخمین عائدات پنبه قراردادیم ولی در ماه میزان و عقرب يك حصه زراعت پنبه در اثر امراض وارده مورد تلف گردید و يك حصه دیگر را سرما ضایع کرد ، در نتیجه بجای سی هزار طن کمتر ز هفت هزار طن بعمل آمد .

باوصف این ها بانک ملی در سال ۱۳۱۷ برای موازنه معاملات تجاری پلان جدیدی را ترتیب داده که در ان اقسام مال وارداتی مورد بعضی شرائط واقع و در طی يك قسمت شروط برای تجار و معامله داران و سایر اشخاص اسعار خارجه تهیه خواهد شد .

از طرف دیگر با وجود مشکلات مذکور ذخائر اسعار خارجه بانک که جزو اعتبار آن میباشد بحال خود باقی بلکه نسبت به چند سال پیش زیادتر میباشد که تفصیلات آن محض معلومات قارئین ذیلاً درج میگردد :

موجودی اول حمل ۱۳۱۶

- ۱ - اسعار خارجه در داخل و خارج عموماً بقیعت ۲۹۰۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی
- ۲ - موجودی مال صادراتی شرکت ها در کدام بانک در مقابل
- آن اسعار تعهد داشته پوست قره قلی ۸۵ هزار جلد ۸۰۲۰۰۰۰۰۰ - افغانی
- » ۳۷۰۴۰۰۰۰۰۰



فابریکه ترمیم موتور بانک ملی : شعبه ذخیره پرزه فروشی

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : le magasin de la vente des pièces de repaire

« سالنامه » کابل

هیئت مدیره و مامورین عالی رتبه بانک ملی :

الف : هیئت مدیره :

ع ، ص : عبدالعجید خان رئیس

« ، دوست محمد خان ایماق معاون شعبات تجارتی حال رئیس شرکت تعمیراتی

ع ، غلام حیدر خان مختارزاده معاون شق بانکی .

« ، سید کریم خان (مدیر شعبه هرات)

« ، حاجی عبدالغالب خان (رئیس شرکت قندوشکر)

« ، محمد عمر خان (رئیس شرکت اتحادیه شمالی) .

« ، خیر محمد خان (مدیر عمومی انحصارات - حال معاون تجارتی)

ب : مامورین شعبات مرکزی بانک :

ص ، محمد موسی کاظم خان مدیر تفتیش و کنترل

« ، محمد عمر خان ، مدیر محاسبه بانک .

« : غلام علیخان مامور تحریرات ریاست .

ص ، غلام علیخان سرخوش مامور اوراق ریاست .

« ، محمد موسی خان مامور انحصارات .

« ، عبدالعجید خان مامور اجرائیه .

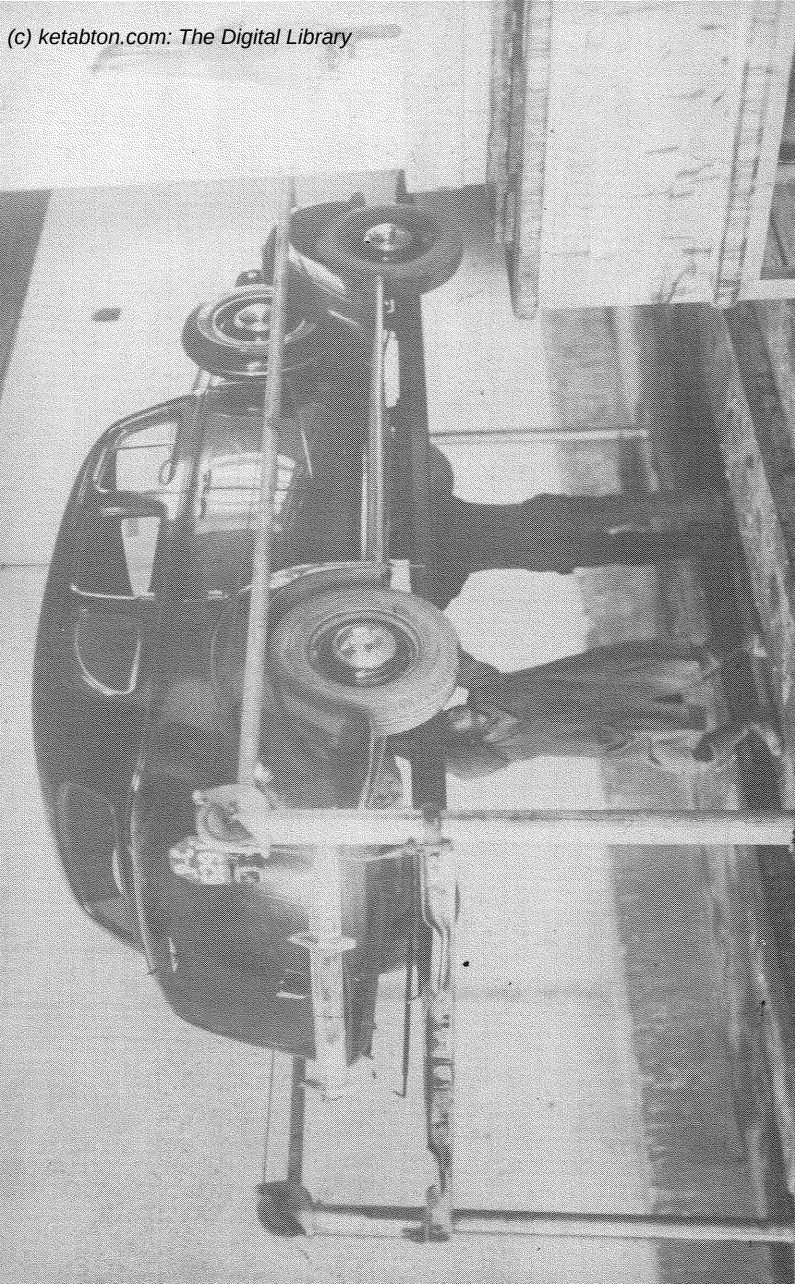
« ، عبدالکریم خان احرار مامور فابریکه ترمیم موتور .

ج : مدیران بانک در داخل مملکت :

ع ، سید کریم خان در هرات ع ، حاجی گل محمد خان در قندهار

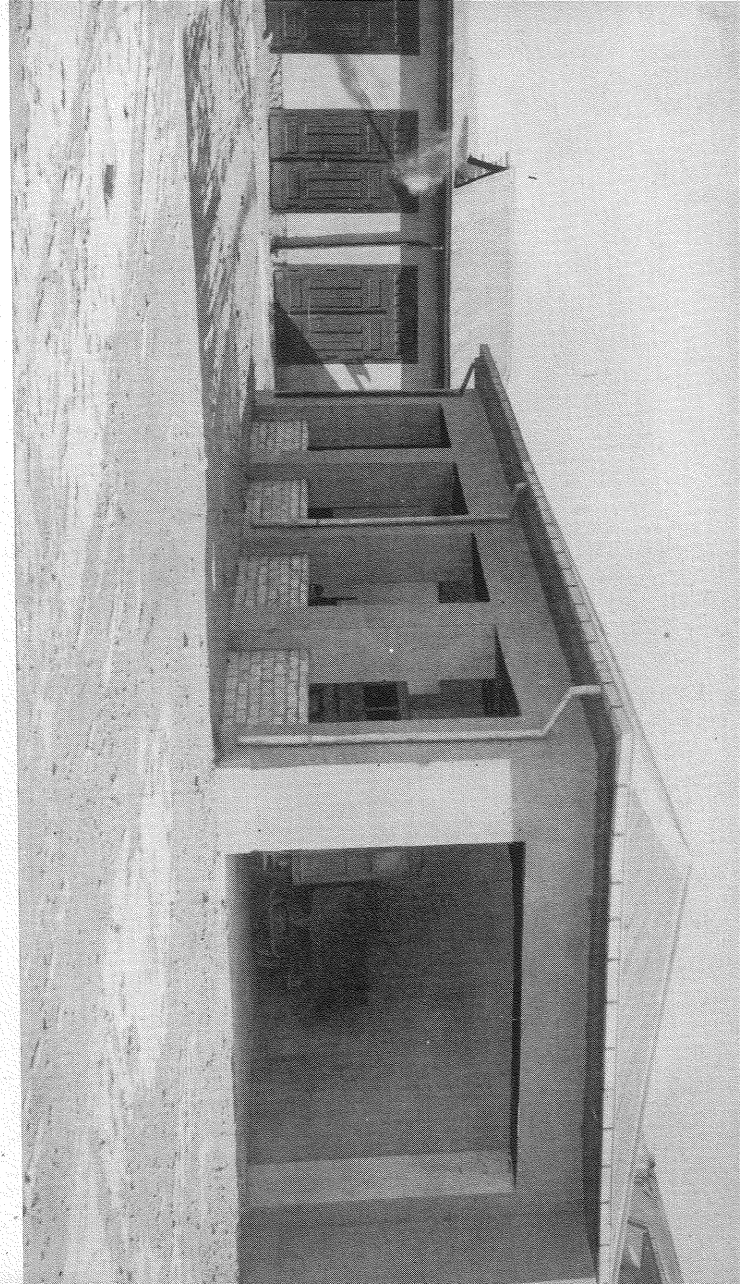
« ، محمد امین خان در مزار شریف ص ، شاه محمد خان در اندی خوی

ص ، سید احمد خان در میمنه « ، صالح محمد خان در فراه



فابریکه ترمیم موتور با نك ملی : لفت اتوماتیک برقی ، و کار گرانیکه در حصه تحتانی آن کار میکنند.
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : l'ascenseur automatique pour les autos.

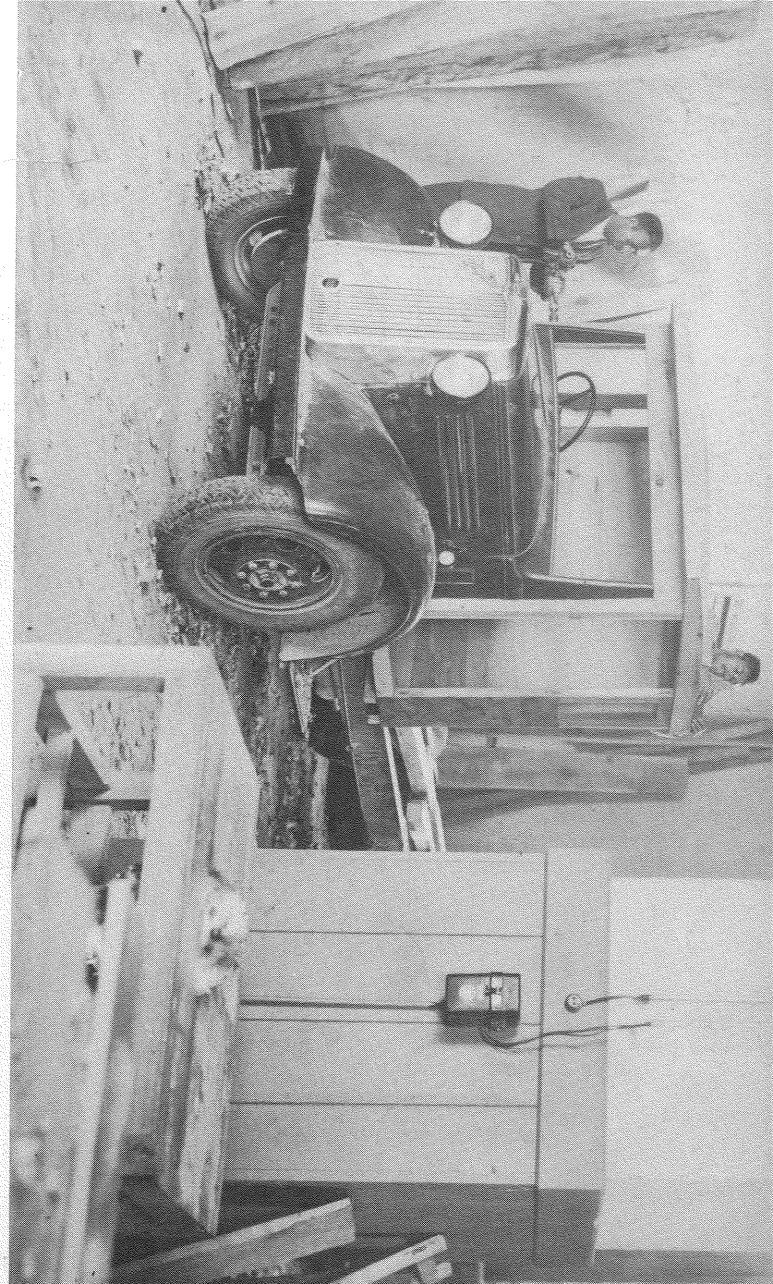
فابریکه ترمیم موتور با نك ملی : اطابق شستن موتورها
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue externe des chambres de lavage des autos

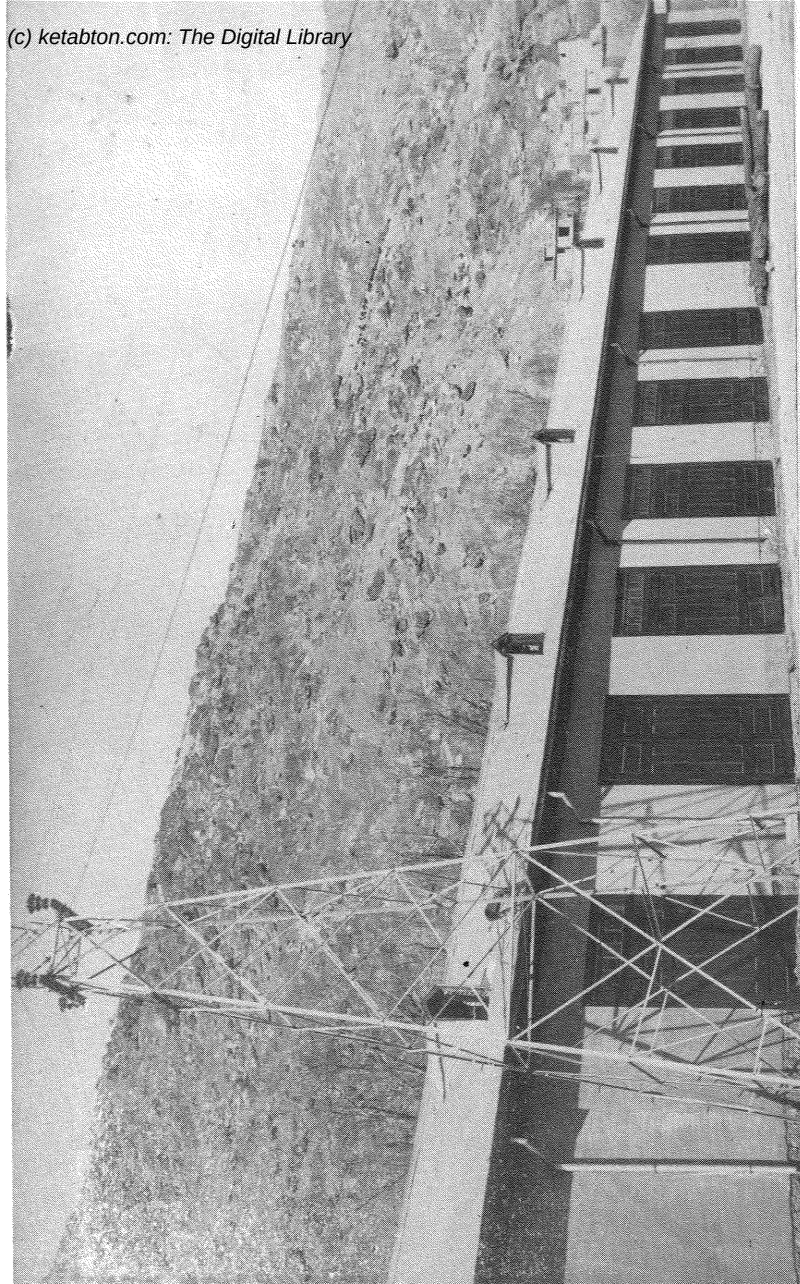




فابریکه ترمیم موتور بانک ملی : شعبه بازو بسته نمودن ماشین موتورها، و کارگران آن درحین کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue générale de l'atelier de montage des autos

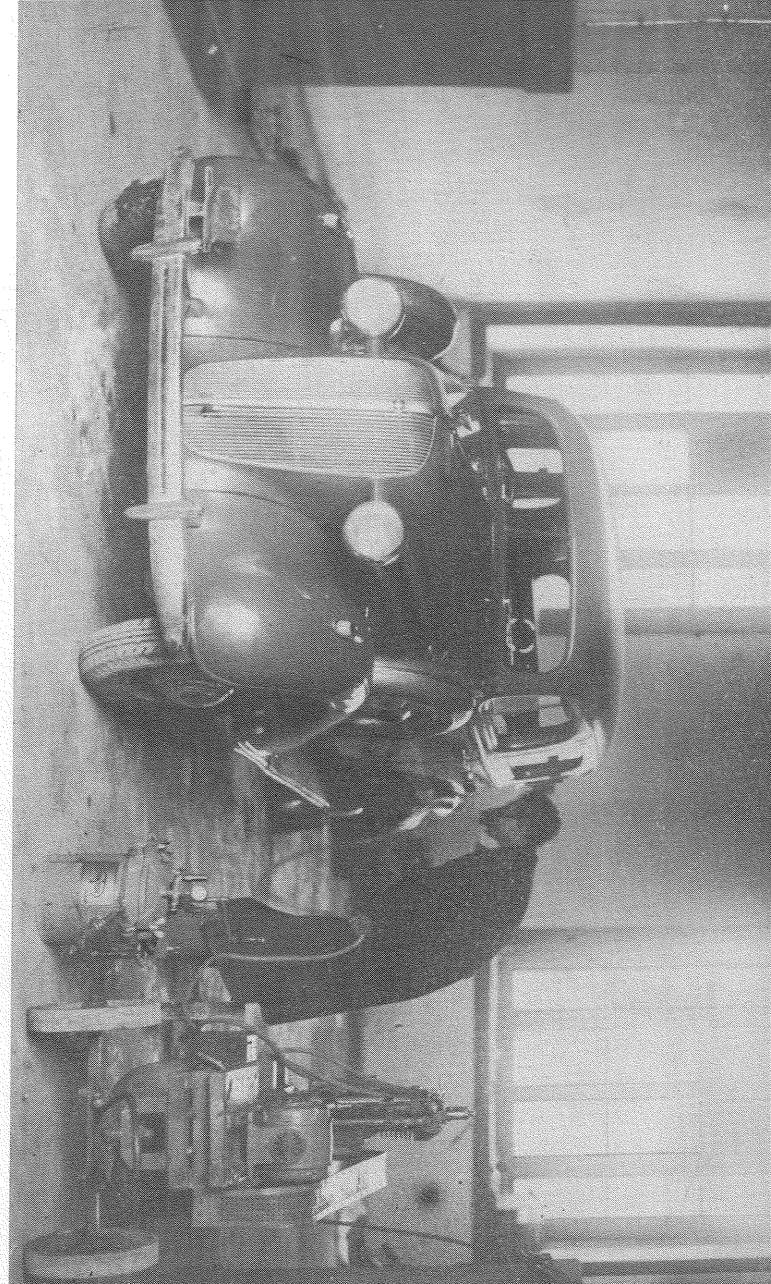
فابریکه ترمیم موتور بانک ملی : شعبه نجاری و بادی سازی و کارگران مربوط آن درحین اجرای کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : l'atelier de menuiserie





فابریکه ترمیم موتر با نك ملی : منظره عمومی کاراژها
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : les garages

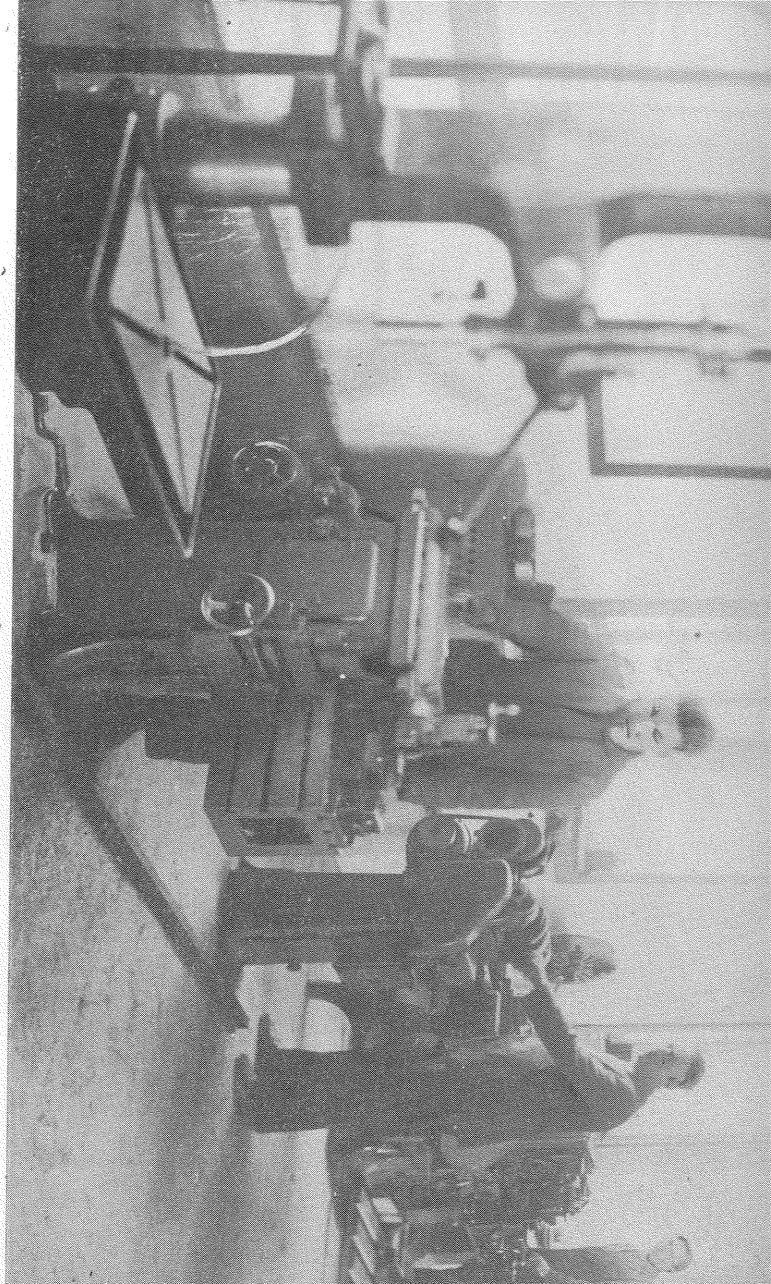
فابریکه ترمیم موتر با نك ملی : شعبه رنگت مالی
Nouvelle fabrique de réparation d'auto à Kaboul : l'atelier de la peinture





فابریکه جدید ترمیم موتور یانک ملی : میدان مقابل کارهای ترمیم موتور
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : la cour des ateliers

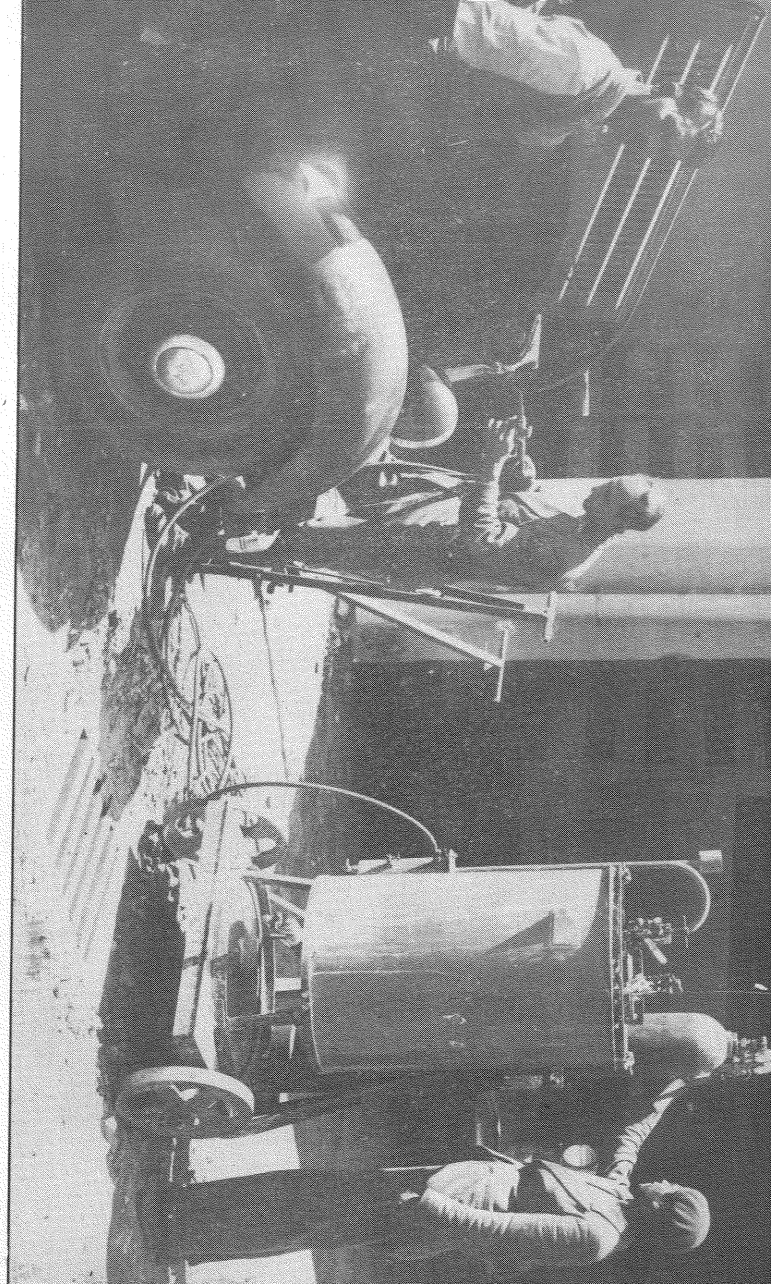
فابریکه ترمیم موتور یانک ملی : شعبه ماشینکاری با ماشین های برقی اتوماتیک
Nouvelle fabrique de réparation d'auto dépendant de la Banque Nationale
une vue des machines automatiques





فابریکة ترمیم مو تر بانك ملی : يك حصه اطاق نمایش
Nouvelle fabrique de réparation d'auto ; un coin de la salle d'exposition

فابریکة ترمیم مو تر بانك ملی : ماشین و لندنگت (لیه کاری)
Nouvelle fabrique de réparation d'auto ; la machine de wilding



شرکت های تجاری

ص ، عزیزالله خان درجلال آباد ، محمد عثمان خان در غزنی
» ، پاینده محمدخان درخان آباد ، غلام رسول خان در گردیز
» ، عطاءمحمد خان درمقز
د : مدیران بانک درخارج :
ص ، محمد یعقوب خان در لندن ع ، خان محمد خان در پشاور
» ، صلاح الدین خان درچمن ص ، عبد الرؤف خان در بران
» ، سیدعبدالوهاب خان درکشکی ، محمد عثمان خان در پاراچنار
» ، عبدالحسین خان علی اوف ، رحیم آقای احمدی در کرکی
در ترمز

بیلا نس سال ۱۳۱۵ بانک ملی

اصل سرمایه : ۳۵۰۰۰۰ سهم فی سهم - یکپنزار افغانی
» ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ -

اول : - اسهام

الف : اسهام فروش شده ۲۷۰۳۹۰۰۰۰۰ / -

ب : » نا فروش ۷۰۶۱۰۰۰۰۰ / -

جمله ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ / -

دوم فروش :

الف : حسا بجاری ۸۹ ونیم / ۹۰۸۱۲۰۵۹۴ -

ب : امانات ۴۰۴۶۵۰۶۲۹ / ۲۳۰ -

ج : طلبه متفرقه ۶۶۰۴۴۷۰۵۵۶ / ۶۵۰ -

جمله ۷۷ ونیم / ۸۰۰۷۲۵۰۷۸۰ -

فابریکه جدید تعمیر موتور بانک ملی : شعبه ماشینکاری ، با پنج دستگاه ماشین های بزرگ آن
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : une vue des machines automatiques



سوم :

الف : شعبه تجارتي و کيسه ۲ ونيم/۷۷۰۸۹۴۰۸۹۹ - افغانی

ب : « انحصار و شکر و موتر ۵ ونيم/۷۰۱۴۱۰۳۸۷ - »

جله ۸۵ ونيم/۱۶۵۰۷۶۲۰۰۶۶ - »

۳۵۰۰۰۰۰۰۰/۰ - »

از بابت نقلشده اسهام

» منافع خالص ۱۹۰۲۸۸۰۳۴۵/۸۹ - »

جله ۷۴ ونيم/۲۲۰۰۰۰۰۰۳۱۲ - »

وجود و جايداد :

الف : موجود :-

۱ - بانک ملی ۵۸۰۷۸۰۰۲۰۲/۷۷ - »

۲ - تجارتي و کيسه ۸۸۰۰۰۱۰۹۱۷/۷۵ - »

۳ - انحصار و شکر و موتر ۸۰۲۹۳۰۵۹۰/۹۴ - »

جله ۱۵۵۰۰۷۴۰۷۱۱/۴۶ - »

ب : جايداد :-

۱ - بانک ملی ۵۳۰۴۳۳۰۰۶۱/۸۸ ونيم - »

۲ - تجارتي و کيسه ۲۰۷۴۴۰۵۷۱/۱ ونيم - »

۲ - انحصار و شکر و موتر ۱۰۱۸۷۰۹۶۸/۳۸ ونيم - »

جله ۲۸ ونيم/۵۷۰۳۶۵۰۶۰۱ - »

جله ۷۴ ونيم/۲۱۲۰۴۴۰۰۳۱۲ - »

ج : اسهام نا فروش ۷۰۶۱۰۰۰۰۰/ - »

جله ۷۴ ونيم/۲۲۰۰۰۰۰۰۳۱۲ - »

منافع و ضرر :

الف : منافع :-

۱ - بانک ملی ۷۰۷۵۳۰۰۱۲/۶۶ - افغانی

۲ - تجارتي و کيسه ۹۲ ونيم/۱۳۰۹۴۵۰۴۶۴ - »

۳ - انحصار و شکر و موتر ۲۰۷۱۸۰۶۴۱/۴ - »

جله ۶۲ ونيم/۲۴۰۴۲۷۰۱۱۸ - »

ب : ضرر :

۱ - بانک ملی ۳۰۶۵۵۰۵۲۸/۷۸ - »

۲ - تجارتي و کيسه ۱۸ ونيم/۱۰۰۹۳۰۸۷۵ - »

۳ - انحصار و شکر و موتر ۳۷۹۰۴۶۸/۷۷ - »

جله ۷۳ ونيم/۵۰۱۳۸۰۸۷۲ - »

ج : باقي مفاد خالص :-

۱ - بحساب از باب سهم ۱۹۰۰۹۵۰۳۶۳/۴۴ - »

۲ - « فيصد يك ييمه ۱۹۲۰۸۸۲/۴۵ - »

جله ۱۹۰۲۸۸۰۳۴۵/۸۹/۰ - »

» ۲۴۰۴۲۷۰۱۱۸/۶۲ ونيم - »

نوت : منافع که از درک سرمایه بانک ملی در شرکت شمالی عاید خواهد شد چون بیلانس شرکت مذکور هنوز تمام نشده لذا شامل بیلانس هذا نشد، که آنهم بمنافع سال مذکور ایزاد می شد.

شرکت اتحادیه شمالی

۱- درمزار شریف بچهار موضع : مرکز مزار ، تاشقرغان ، اقیچه و دولت آباد و درخان آباد به سه حصه : قندوز ، تالقان ، امام صاحب کارخانه پخته پاک کنی و عدل بندی تاسیس یافته که کارخانه های

- ۷- برای بذرسال ۱۳۱۶ سه لک و سی هزار سیر تخم پنبه به زارعین سمت شمال طور رایگان توزیع شده .
- ۸- يك مقدار كنچيد خريداري وبخارج صادر گرديده .
- ۹- يك تعداد پول نقد طور تقاوی برای زارعین پخته پيشه کی داده شده .
- ۱۰- يك تعداد پوست گوسفندی خريداري وبخارج صادر گرديده .

شرکت وطن

شرکت وطن که یکی از موسسات اقتصادی خیلی مهم افغانستان و شرکت وطن از دوسال باینطرف در قندهار برای صادرات پشم و واردات بعضی اجناس رخت باب تاسیس یافته روز بروز ترقیات بهتری را نائل میگردد .

خلاصه کار روایی ها و موفقیات شرکت موصوف درسال ۱۳۱۶ قرار ذیل است .

- ۱- شرکت وطن که درسال ۱۳۱۵ تاسیس وشروع بکار نموده بود در برج سرطان هذا سنه ۱۳۱۶ که یکسال آن بسر رسیده ویلانس آن مرتب گردیده فایده یکساله شرکت در یک سهم که یکپنجاه افغانی شود - ۴۴ پول - ۵۸۰ - افغانی معین شده از انجمله ده بکه را برای تلافی خساره آینده گشتانده شد و مابقی برای صاحبان اسهام پرداخته شد .
- ۲- يك عدد تراكتور برای يك کردن پنبه خريداري و به چخانه سور و آرد کرده شده که عنقریب دائر خواهد شد .
- ۳- نسبت بوسعت کار این شرکت يك نماینده گي جديد در کابل تاسیس گردیده است .

- مذکور بصورت فنی با گدام های وسیع ساخته و تکمیل شده .
- ۲- بحصه خان آباد موضع کارخانه پخته پاك كنی وعدل بندی و روغن كشی تاسیس یافته و کارخانه های مذکور بصورت فنی آباد گردیده و کار تعمیر آن باتمام رسیده و کار آن جاری است .
- الف : در حکومت قندوز .
- ۱- کارخانه روغن كشی وصابون سازی .
- ۲- « پخته پاك كنی وعدل بندی .
- ب : در تالقان کارخانه پخته پاك كنی وعدل بندی .
- ج : در حضرت امام صاحب کارخانه پخته پاك كنی وعدل بندی .
- ۳- درسال ۱۳۱۶ از سمت شمال بیست و پنج لک سیر پخته خريداري وبصورت فنی بار بندی بخارج صادر شده .
- ۴- پشم هم يك مقدار زیادی خريداري و در پنج حصه ولایت شمال بصورت فنی شسته وعدل بندی گردیده و حمل خارج شده ونسبت بسال ۱۳۱۵ پنجصد تن پشم زیاد تر صادر گردیده مواضعات گدام پشم وشستن وعدل بندی آن قرار ذیل است :
- خير آباد میمه - اند خوی - سريل مزار شريف - پل امام بکری مزار شريف - خان آباد .
- ۵- شرکت شمالی پنجاه ، عدد موترلاری برای سهولت حمل ونقل پخته وسامان زاهدود وغيره از روسيه خريداري کرده وهمچنين يک تعداد تراكتورهای زياد برای کارخانه پخته خريداري وتوريد نموده .
- ۶- چهار عدد تانک بطرول در مواضع ذیل نصب و در مواضع مذکور عمارات عصري نیز ساخته :
- در چهار سرک مزار شريف - در بابا قمبر مزار شريف درخان آباد - در اندخوی .

۴ - يك عمارت برای پنبه پاکی وشست وشو (و سرت) پشم درمرکز قندهار تحت تعمیر گرفته شده است .

شرکت پشتون قندهار

درین سال شرکت پشتون قندهار مانند سایر موسسه های منی بسی مراحل ارتقای خود را طی نموده و در یر تو توجهات یگانه حکومت بهی خواه خویش واجد ترقیات و انتظامات مناسبی گردیده است ، چنانچه در توريد اموال انحصاری (شکر و پترول) و فروش آنها براهالی سهولت کفاف بهم رسانیده و اصول صادراتی را نیز چون باصول عصری مرتب کرده است به پیمانه کافي اضافه برگذشته خارج بعائدات گمرکی کمک نموده همچنین نظر بوسعت کار و ورود موسسات جدید و لوازم محتاج الیه که در همین سنه بعمل آمده بيشترت شایانی در کارهای شرکت بهم رسیده که تفصیل آن قرار ذیل است :
موسسات جدید :

۱ - نظر به ترویج و توسعه اموال صادراتی افتتاح يك نماینده گي جدید در دهلی .

۲ - نظر به ترویج و توسعه اموال صادراتی افتتاح يك نماینده گي جدید در کلمکتته .

۳ - يك شعبه جدید نقلیه تا سیس شده که بوسیله يك دسته موتر های بار کشی همان شکر یکه از کراچی براه پشاور رفته مصرف کابل و ملحقیات آن میگردد اکنون همان شکر را در يك مسافه محدود بداخل خاک افغانی حمل نموده بکابل میرساند یعنی شکر بوره مذکور که از کراچی تا پشاور يك مسافه طولانی را قطع نموده با مخارج گزاف قطار آهن بکابل میرسید حالا از راه

نزدیکتر و با مخارج کمتر داخل مملکت شده همان فائده که از این رهگذر بخارج عاید میشد در داخل مملکت باقی می ماند .

۴ - علاوه بر يك فابریکه بیخ سازی که شرکت درسنوات گذشته بکار انداخته بود درین سال يك فابریکه جدید بزرگ دیگری را خریده و عنقریب وارد و نصب خواهد کرد تا در موسم گرمای سنه ۱۳۱۷ از فابریکه مذکور کار گرفته برفاه اهالی بیفزاید .

۵ - خریداری يك ماشین اره کشی برای ساختمان صندوق جهت حفظ میوه و غیره کارهای نجاری تعلق شرکت و اهالی .

۶ - خدمت به عایدات گمرکی :
محصولاتیکه شرکت در سنه ۱۳۱۶ - اردوران (۲۰۰۰۰۰۰۰) سرمایه خود از روی یقین و تخمین بگمرک تادیه کرده عبارت از (۱۰۱۶۸۰۲۰۳/۵۴) افغانی بوده و تفاوت ازدیاد محصول دادگی سال مذکور به نسبت محصول دادگی سنه گذشته ۱۳۱۵ عبارت از (۳۰۰۰۰۹۴/۵۴) افغانی میشود .

۱ - شرکت پشتون در باب صادرات میوه مطابق ترتیبات فنی اقدامات خود را ادامه داده اصول قطعی بست و صندوق بست را بصورت صحی و فنی خیلی ترقی داده یعنی مقدار بیشتری به نسبت سالهای گذشته میوه در قطی و صندوق صادر کرده است .

۲ - صادرات میوه هم درین سال طبق احصائیه مرتبه بسیار ترقی کرده چنانچه اگر با صادرات سال ۱۳۱۳ که بد و تا سیس شرکت بلشید ، مقایسه کرده شود درست صد فیصد بلند رفته و بقیعت مناسبی بفروش رسیده است .

معلومات کار روانی یکساله شرکت اتحادیه هرات تا اختتام ترتیب و طبع مضامین سالنامه بانجمن نرسید .

نامهای تازه

چون درین اوقات اکثر اشخاص به نامهای زیبای پشتو تما یل نشان میدهند، لهذا محض خدمت بدوق هموطنان عزیز، يك عده نامهای مردانه و زنانه پشتورا که آقایان قیام الدینخان « خادم » و گل پاچا خان « الفت » و عبدالخالق خان « اخلاص » و محمد گل خان « نوری » اعضای انجمن فراهم کرده اند ذیلا تقدیم مینمائیم :

زنانه

مردانه

| | | | |
|---------|----------|-----------|----------|
| گلان | منگل | قا تیکه | گلالی |
| لنکر | لاچی | پلو داره | زر که |
| خاتول | روزی خان | بناده | وری |
| لونگین | کیلی | ور نیمینه | وا کداره |
| غمی | زمری | غوتی | نازولی |
| کچر | گرانی | گل غوتی | بناد منه |
| پشتون | زکوه | مرغلره | تور پیکي |
| گپندی | گپنگ | زرغونه | سپوژمی |
| وزر | کولی | مبه | زفا |
| مروند | ختیک | درانی | خاتوله |
| مین | ساوین | گل مکو | وزر |
| خیا لور | چپاو | گل مکی | سمینه |
| ننگیالی | لندی | بدری | برینینا |
| تور جان | بگپ | ملا له | پسته |
| سپین | کاکا کپ | کو تره | بنایسته |

زنانه

مردانه

| | | | |
|----------|------------|----------|----------|
| گران | کار گه | ماخی | مستاده |
| غاقول | ریدی | نیک مرغه | لوره |
| زلمی | منیدکی | گوره | خوړه |
| منهک | ملک | پستکی | پستو |
| خمت | زرغون | لمبه | بته بسته |
| پرا تون | کچل | کچلی | بسه |
| تور گل | چندن | لالی | کو کی |
| ژیر گل | سور گل | میرمن | در خو |
| اختر | چدر | مشکونی | بنگپری |
| پرانگ | بیرک | اشربی | رفه |
| غلجی | اور بل | اوره | شغله |
| تور یالی | بر یالی | پیلوشه | پیلوزه |
| زدگی | بنایسته گل | سانگه | دیوه |
| لیوال | پشپ | لنبته | لنبتی |
| ساهو | زمریالی | لونگینه | زدگی |
| مل | زدور | | |
| ستوری | دروند | مروند | مردانه |
| پازره | به ای | پشتون | جایا |
| غرفی | زلا ند | غبتلی | ر بنایا |
| کسیا | ویسا | تدا | |

پادداشت های سودمند

پاك نمودن كارت های بازی

ورق های بازی که در اثر استعمال چرك شده باشد و دستمالی که در تبیل خاک غوطه شود پاك کرده شود بروی آن علیحده مالیده شود و برای اینکه جلا پیدا کنند تلك (پودر) بران پاشیده شود.

پاك کردن قالین

قالین ها برای اینکه مدت درازی خراب نشده و تاب پیدا نکنند همیشه لوله کرده بر داشته شود تاب های قالین او باید ترک کرده شود و بعد ازان از روی چپه او کشیده شود و بروی چپه آن (کار لو) دوخته شود.

گرم کردن موشها

در جائیکه گمان میرود موش باشد دستمالها لیکه در تار پین غوطه شده باشد گذاشته شود موشها از بوی تار پین خیلی نفرت دارند.

تجربۀ شیر

یکدانه سوزن در شیر فرو برده شود اگر شیر خوب باشد سوزن را سفید مینماید اگر سفید نشد آب داشته میباشد.

تخم های بد بوی

تخم شکستاده گی را چند ساعت و یا پاك شب در هوای آزاد بگذارند بوی بد آن گم میشود تخم یخ زده گی در آب تازه چند ساعت گذاشته شود تا بوی خوب شود.

پخت و پز

فاصولیه

گوشت ۱۲ خورد - روغن زرد ۴ خورد - فاصولیه ۱۱ خورد
دنبه ۳ خورد - بادینجان رومی ۱۲ خورد - پیاز ۴ خورد - نمک
۶ منقال - مرچ سرخ تازه بقدر کفاف - گشنیز رومی ۸ منقال
شوربای یخنی ۱۲ خورد.

اول روغن را داغ کرده بعد دنبه را ریزه کرده بروغن انداخته بهمرای قدری نمک بعد که دنبه سرخ شد گوشت را شسته انداخته شود گوشت که آب خود را خشک کرد پیاز را چهار چهار تکه کرده انداخته شود و شور بدهد تا که همراه گوشت برنگ بادامی شود بعد آب را بقدر ضرورت انداخته شور بدهد که گوشت کمی نرم شود بعد نصف بادینجان رومی را کشیده بهمرای شوربای یخنی جوش داده و فاصولیه بالای همان گوشت که بدیگ انداخته و شوربای یخنی و آب بادینجان رومی را که یکجا جوش داده بالای آن انداخته شود و جوش داده شود تا وقتی که آب آن کم شود بعد گشنیز رومی و مرچ تازه را خلال کرده بیندازد بعد نصف بادینجان رومی را که باقیمانده دو دو تکه کرده بالای آن چیده و بسر آتش نرم گذاشته تا وقتی که بروغن بیاید و پخته شود.

سلاتۀ ترکی

کاهو ۴ دانه - گشنیز رومی ۲ خورد - بادینجان رومی تازه ۶ خورد

شور داده گوشت را در بالای سیرمذ کور انداخته سرخ کرده بعد از آن آب انداخته جوش بدهد تا گوشت نرم شود و قتیکه بروغن آمد همان پیاز ماشین کرده را با لای گوشت انداخته سه دفعه بلکه چهار دفعه کم کم آب انداخته که بوی پیاز برآید بعد از آن بسم یارچه ریزه کرد ه شود بعد از گذشتن پنج دقیقه تیار می باشد نمک و سرچ سرخ نیز داخل شود .

سبزی پالک کو فته تخمدان

ابتدا گوشت را قیقه نموده بصورت یا شان یعنی غیر کلوله کردن چون قورمه یا پیاز تازه طبخ کنید بعد برگهای پالک را با چیزی گندنه ریزه نموده باقیه جوش دهید تا آنکه آب آن جذب و سر روغن بیاید سپس در زیر پان و یا کرائی هموار نموده چند دانه تخم را علاوه کنید بعد از پخته شدن سفیدی تخم با سرچ سیاه صرف شود .

حفظ الصحة

جوان ساختن فوری چهره

وسيلة فوری که چهره شما را تازه و جوان ساخته و در او این استعمال اثرات عجیبی به آن می بخشد اینست : یک عدد تخم مرغ تازه را بگیرد سفیدی آنرا یک اندازه در سرتاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است که در حین اجرای این عمل پوست روی بیجای حرکت نکند بعد از آن بآب شیر گرم آن را بشوئید پس از شستن یک کاسه آب جوشان گرفته و باد استعمال دست درشتی ۴ الی ۵ مرتبه تکرار گرم بر چهره بگذارید مدت هر تکرار نیم دقیقه باشد بیا بی آن با آبیکه یخ داشته باشد ۴ الی ۵ مرتبه تکرار سرد نمائید مدت این تکرار چهار دقیقه باشد پس از آن باد استعمال نرمی روی خود را خشک نموده و با کریم روی خوبی مالش دهید این عمل را مدت

آب لیمو و یا نارنج و سرکه با اندازه خواهش - بیضه جوش داده ۵ دانه نمک و سرچ سرخ بقدر خواهش .

کاهو را برگزیده ریزه نماید گشنیز را هم شسته چیده ریزه کرده نوش پیاز را هم ریزه نموده همراه کاهو در ظرفی که بمجلس میبرند مخلوط کشیده با دینجان رومی و بیضه جوش داده را حلقه کرده بر روی آن آرایش بدهد آب لیمو یا سرکه را نمک و سرچ زده بر روی ظرف بپاشید بعد از آن طعام مذکور مکمل و قابل خوردن است .

سمبو سه شیرین

آرد ترمیده دهلی ۸ خورد - قند سفید ۸ خورد بادام مقشرمیده ۴ خورد - آرد نخود ۲ خورد هیل میده نیم مثقال دار چینی میده بقدر ضرورت .

اول آرد ترمیده را خمیر سخت ، قند را شربت تیار کنند آرد نخود را در آب حل کرده در روغن سرخ شود از لته آرد بریان را علیحده کنند و همراه هیل میده و بادام میده مخلوط کنند بعد از آن آرد ترمیده قرص ها تیار کرده در شکم او هیل و بادام و آرد نخود بیندازد و قرص ها را در روغن سرخ کرده در شربت قند بیندازد لایق خوردن است .

قورمه روی نان

گوشت ۲۴ خورد - روغن زرد ۴ خورد - پیاز حلقه کرده ۴ خورد نمک با اندازه کفاف - سرچ سرخ بقدر خواهش - سیر ۴ مثقال اول روغن را سرخ کرده پیاز را بریان کرده و کشیده ماشین کرده علیحده نگاه دارد روغن را سرخ کرده سیر را در آن انداخته

حفظ الصبحه

جوان ساختن فوری چهره

وسيله فوری که چهره شمارا تازه و جوان ساخته و در او این استعمال اثرات عجیبی به آن می بخشد اینست : يك عدد تخم مرغ تازه را بگیريد سفیدی آنرا يك اندازه در سرتاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است که در حین اجرای این عمل پوست روی بیدجای حرکت نکند بمذازان بآب شیر گرم آن را بشوئید پس از شستن يك کاسه آب جوشان گرفته و باد استعمال دست درشتی ۴ الی ۵ مرتبه تکرار گرم بر چهره بگذارید مدت هر تکرار نیم دقیقه باشد بیای آن با آبیکه یخ داشته باشد ۴ الی ۵ مرتبه تکرار سرد نمائید مدت این تکرارها چهار دقیقه باشد پس ازان باد استعمال نرمی روی خود را خشک نموده و با کریم روی خوبی مالش دهید این عمل را مدت چهارده روز تکرار نمائید و اگر احتیاج افتد از سر شروع کنید.

تقویت چشم

يك وسيله بسیار مفیدی برای تقویت و محافظت چشم اینست که انسان عادت بگیرد باینکه روز چند مرتبه ابروها و شقیقه ها را با آب سرد تر نماید این علاج ساده چشم را از فشار خون که اساس مرضهای متعدده چشم است حفظ مینماید و اعصاب آن را قوی میسازد خصوصاً برای اشخاصیکه چشم شان مجبور است فعالیت

مشکلی بعمل آرد به تجربه رسیده که این بهترین وسيله محافظت چشم است.

علاج افتیدن چین روی

قبل از خواب چهره بآب سرد شسته شده و بعد ازان از دوائ ذیل کافی بصورت مالیده شود - ۲۵ گرام موم سفید ۲۵ گرام روغن زیتون با قدری عسل جوشانده و با آب پیاز که در آن مخلوط شود آنقدر بالای شعله ملایم زیر سر شود تا به قیام آید . صبح چهره با دستمال نرمی پاک کرده شود .

تب های سبک

برای تب های سبک و خصوصاً سر ما خوردگی اطفال یله های لیمو که بالای شقیقه ها گذاشته شود تا سیر بزرگی می بخشد و مریض را راحت میسازد کینین و از قبیل وی دیگر ادویه جات حاجت ندارند .

ناخنهای گلابی و قشنگ

برس کردن کافی با آب لیمو ناخنها را قشنگ و گلابی می سازد .

خار ماهی

بیاوه سخت کچالو و یا مغز نان نرم که بدون جویدن فرو برده شود خار ماهی را از گلو می کشد .

علاج آفتاب سوختاندگی

اگر پوست بدن را آفتاب سوختانده باشد با دوغ شسته و با تلون مالش کرده شود .

اختراعات و اکتشافات

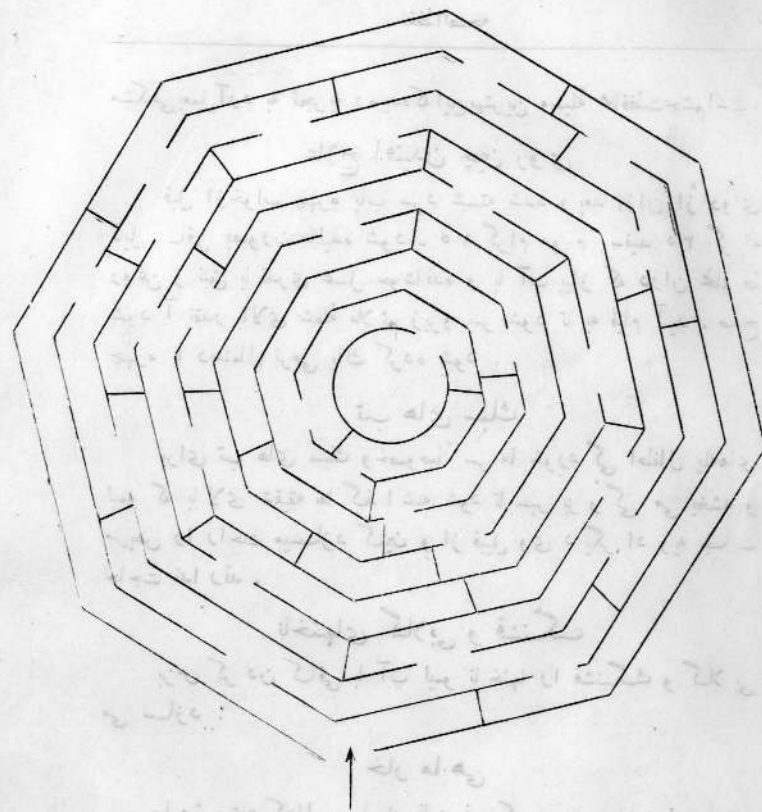
نفت از چوب

در آلمان از چوب نفتی کشیده اند که با اندک ترکیبات کیمیاوی شرایط نفت عادی را دارا میشود. متخصصین که باین کشف موفق



صندوقچه مخصوص که در آن اطفال کوچک را در موقع خطر گاز زهردار حفظ میکنند.

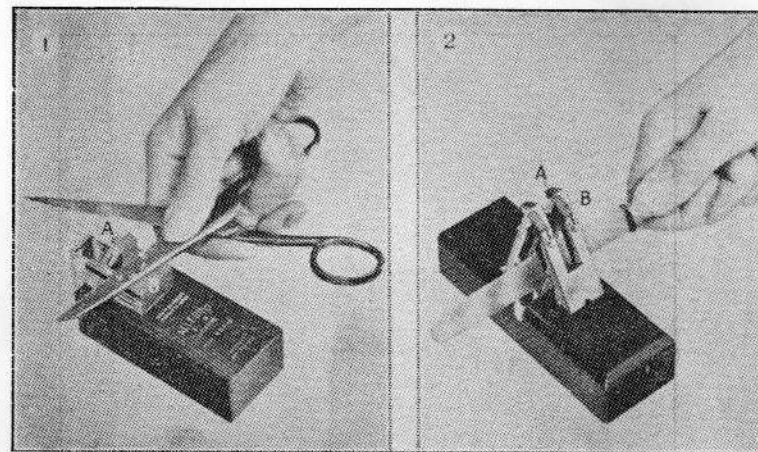
شده اند، خاصیت در گرفتن سریع و دوام دار بعضی چوبها و اینکه از چوب الکل نیز کشیده میشود در نظر گرفته بالاخره به اختراع مذکور کامیاب گردیده اند - این نفت برآتب از زان تر از نفت اصلی بوده، پیداوار آن نیز زیاد میباشد. حکومت آلمان در ضمن نقشه اکتفاء بخود در قسمت نفت های مصنوعی که تازه بدست آمده این نفت را اهمیت زیاد داده است.



نقشه یکی از قلعه های زمان قدیم است که بمهارت هندسی جالب توجهی ساخته شده - سعی فرمائید تا از درب بزرگ به مرکز قلعه برسید بدون آنکه از دیوارها عبور کرده باشید. اگر در دفعه اول کامیاب نشدید بار دوم و سوم کوشش کنید بالاخره موفق خواهید شد - سپس ز کماوت دوستان خود را امتحان فرمائید.

معالجات بذر یعه امواج رادیو

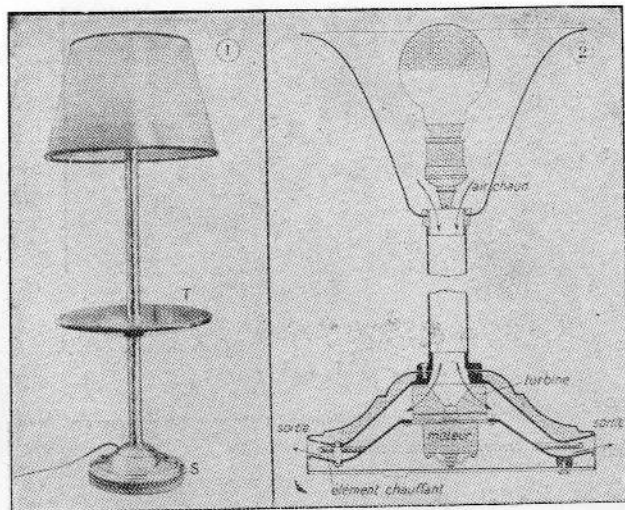
امواج رادیو که جدیداً برای معالجات استفاده شده ، چنان کامیابی هایی را نه تنها در قسمت تشخیص و تداوی بلکه در حصه جراحی بمیان آورده که انسان را دوچار حیرت میسازد . متخصصین امریکائی



ماشین های تیز کاری جدید که بفشار خود قیچی یا پاکی بدون دسته با قوه برق بگردش می افتد.

موفق شده اند که عملیات جراحی بسیار دقیق و مهم داخلی و جود را بوسیله امواج رادیو بدون آنکه خود آلات جراحی به جسم تماس بکنند ، انجام بدهند ، مثلاً در موقع عملیات قلب و یا جراحی غدود های شش ، آله در تحت تاثیر امواج رادیو در موقعیکه آلات رادیو گرافی

داخل جسم را بنظر مکشوف ساخته است ، در هوا مقابل پوست همان حصه بمقصد جراحی حرکت کرده و در عین زمان بواسطه امواج رادیو همان حرکات آلات مذکوره بداخل بدن بهمان حصه معینه وارد و عملیات را انجام داده است . این تجارب تا کنون امتحانی است ، اما یقین میرود که در آینده خدمات فوق العاده از آن گرفته خواهد شد .



چراغ برقی جدید که علاوه بر روشنی اطاق را هم گرم میسازد یعنی حرارتی را که ازان متصاعد میشود وایس جمع میکنند.

امواج برقی دماغ

تحقیقاتی که علمای انگلیسی ماتپوز و میلن نسبت به مغز سر انسان انجام داده اند ، ظاهر کرده است که مغز در حال کار ، از خود یک عده امواجی را خارج میسازد که این امواج برقی بوده و شباهت

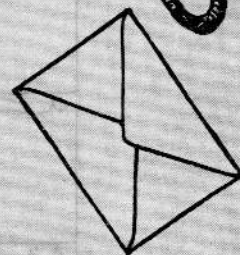
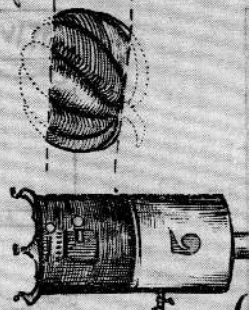
غلطنامه سالنامه کابل

۱۳۱۶

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|------------------------|------------------------|
| ۱۲ | ۳ | د ا ط با | اط با |
| ۲۱ | ۴ | احمد شیر خان | احمد سیر خان |
| » | ۱۲ | مدیریت مکتب موزیک | مدیریت مکتب موزیک |
| » | ۱۳ | بلکه مر بوط قوما ندانی | بلکه مر بوط قوما ندانی |
| » | ۱۳ | مدیریت کورس عالی | مدیریت کورس عالی |
| » | ۱۳ | قوما ندانی مکتب | قوما ندانی مکتب |
| ۸۱ | ۵ | توزیع | راجع به توزیع |
| ۸۵ | ۱۴ | کسب | بست |
| ۸۵ | ۱۸ | هیئت تدقیق و معاینه | هیئت مذکور |
| » | ۱۸ | سپه و آ تحت ریاست | تعلق ریاست |
| » | ۱۸ | لوازمات آمده | حربی دارد |
| ۸۸ | ۲۰ | افغانی | افغانی |
| ۹۷ | ۱۶ | ساتمام | سال به تمام |
| ۱۰۰ | ۲۱ | را بایستی | که بایستی |
| ۱۰۶ | ۶ | آ نی | آ تی |
| » | ۸ | معنای برای آن | معنای |
| ۱۰۷ | ۸ | معنایی | معنای |
| ۱۱۹ | ۱۴ | اسین بولدک | اسین بولدک |

معمای منقوش برای تفریح و طبع آزمای خوانندگان سالنامه

۵۰=۱۵۰-۲۰۰



ر

سالنامه « کابل »

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|---------------|-------------|
| ۱۳۰ | ۲ | سار | کار |
| ۱۳۲ | ۱۹ | امراض و مہلکہ | امراض مہلکہ |
| ۱۵۸ | ۳ | معاهداتہا | معاهدات |
| ۱۷۲ | ۱۹ | درل | دول |
| ۱۸۴ | ۲ | مستعراتی | مستعمراتی |
| ۱۸۵ | ۱۲ | قضایا | قضایا |
| ۱۸۶ | ۱ | بادوین | بالدوین |
| ۲۱۱ | ۱ | عضو | مدیر |
| ۲۱۵ | ۱۹ | تجلا | یجتملا |
| ۲۱۷ | ۱۴ | منہسط | منہب |
| ۱۱۸ | ۱۱ | مکلوب | مطلوب |
| ۲۱۹ | ۲۲ | Somer | Sumer |
| ۲۲۳ | ۱۶ | ارائہ و ضمنا | ارائہ |
| ۲۲۵ | ۲ | کر دیم | کرد |
| ۲۲۶ | ۵ | « پلنگک ها » | (پلنگک) |
| ۲۲۷ | ۱۷ | البته | البسہ |
| ۲۴۵ | ۲۰ | در دولای | در ولای |
| ۲۶۶ | ۱۱ | خلور | خلو رو |
| ۲۶۷ | ۱۴ | خایونی | خایونہ |
| ۲۶۸ | ۱۳ | زای | خای یی |
| ۲۶۹ | ۲۳ | خلور لسمہ | خور لسمہ |

غلطنامه

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|------------|------------------------|
| ۲۷۲ | ۱۲ | انفاظ | الفاظ |
| ۲۷۵ | ۲ | وراست وال | استازی |
| ۲۷۶ | ۲۳ | یانور کسان | یاد نور و کسانو نومونه |
| ۲۷۹ | ۱۰ | سوی دی | سوی وی |
| ۲۸۲ | ۸ | کپی دی | کپی دہ |
| ۲۸۳ | ۴ | لیکلی دی | لیکلی دہ |
| ۲۸۹ | ۱۳ | خوزینہ | خوز وینہ |
| ۳۰۲ | ۱۲ | سکوکات | مسکوکات |
| ۳۰۳ | ۱۴ | ieh | Vieh |
| ۳۰۷ | ۱۰ | صنعتی | صنعتی |
| ۳۰۸ | ۵ | Léotinant | Lénormant |
| » | ۲۰ | وا دیک | داویک |
| ۳۱۹ | ۳ | شاهی | شامی |
| » | ۹ | هرمالوس | هرمایوس |
| ۳۲۱ | ۳ | دمترلوس | دمتریوس |
| ۳۲۳ | ۱۶ | Posridon | Poseidon |
| ۳۲۳ | ۱۰ | Heiokles | Heliokles |
| ۳۲۵ | ۸ | متا ندارس | متا ندرس |
| » | ۲۰ | Hermaias | Hermaios |
| » | ۲۰ | قم | ب م |
| ۳۳۰ | ۸ | Unônès | Vonones |

سالنامه « کابل »

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|----------------|----------------|
| ۳۳۱ | ۳ | Gondopharnps | Gonqopdanes |
| ۳۳۷ | ۳ | لووشانی‌ها | کوشانی‌ها |
| ۳۳۹ | ۵ | a omanto oeva | Samanta-deva |
| ۳۳۹ | ۱۰ | (بهی و) | (بهی) |
| ۷۴۰ | ۷ | Chudavayaka | Khndavayaka |
| » | » | خود اوایا کا | خود اوایا کا |
| ۳۴۶ | ۱۷ | بسزا دارد | بسزا داشت |
| ۳۵۷ | ۲۲ | چکمن | چکمن يك |
| ۳۶۶ | ۹ | میگویند که | میگویند |
| ۳۹۳ | ۹ | آج | انلاج |
| ۴۰۲ | ۱۳ | نسبت | نسبتاً |
| ۴۱۰ | ۱۷ | استملاك | استهلاك |
| ۴۱۰ | ۱۸ | قائها | قاتها |
| ۴۱۱ | ۴ | غریزی | عزیزی |
| ۴۳۰ | ۷ | کوهدان | کوهدامن |
| ۴۷۷ | ۱ | مجزع | مجموع |
| ۴۸۵ | ۹ | تفصیل البته آن | تفصیل آن البته |
| ۴۹۲ | ۱۸ | سنگلاخهای | سنگلاخها |
| ۴۹۷ | ۹ | یکر خادمان | دیگر خادمان |
| ۵۰۱ | ۱۴ | کیانی | کیافی |

غلطنامه

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|------------|---------------|
| ۵۰۶ | ۷ | استعمال | استعمال |
| ۵۷۲ | ۱۸ | تودو | تورو |
| ۵۷۷ | ۱۷ | ننگک و تره | ننگک می و تره |
| » | ۲۱ | به | به |
| ۵۷۹ | ۲۰ | پسر | پسه |
| ۵۸۳ | » | قلوله | قوله |
| ۵۸۶ | ۱۴ | وی | و |
| ۵۹۱ | ۱۵ | هوا | هو |
| ۵۹۳ | ۴ | پشتو | پشتو |
| ۵۹۹ | ۱۱ | وی | خوی |
| ۶۰۰ | ۷ | ننگکالی | ننگکیالی |
| ۶۰۶ | ۱۱ | نه غواری | خچه غواری |
| » | ۱۹ | خیل | خیل |
| ۶۰۹ | ۱۸ | در | د |
| ۶۱۵ | ۳ | خو | خوی |
| ۶۱۶ | ۱ | نه لری | نه خوبوی |
| » | ۱۳ | نه زرای | نه رازی |
| ۶۱۹ | ۲۰ | نو | نور |
| ۶۲۴ | ۱۲ | در آ زادی | د ازادی |
| ۶۳۰ | ۲۰ | لتونی و دو | لتونی و کپو |

سالنامه « کابل »

| صنحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|------------|------------|
| ۶۵۶ | ۱۹ | و ج ۰ ع | ج ۰ ع |
| ۶۵۸ | ۱۶ | نظر که | نظر |
| ۰ | ۱۹ | از هر طبقه | هر طبقه |
| ۶۶۳ | ۱۷ | بدینما سبت | بدینما سبت |
| ۶۶۴ | ۱۷ | دنیا شرق | دنای شرق |

فهرست مضامین

| مضمون | صفحه | نویسنده |
|---------------------------|------|------------------------|
| ششمین سالنامه | ۱ | انجمن |
| پادشاه افغانستان | ۴ | » |
| افغانستان | ۶ | » |
| تشکیلات مملکتی | ۱۴ | . |
| اجراء آت دوائر مملکتی | ۷۹ | . |
| اعطای نشان | ۱۵۰ | . |
| مطبوعات وطنی | ۱۶۰ | . |
| سفرای نو وارد | ۱۶۱ | . |
| کور دیپلو ماتیک مقیم کابل | » | . |
| گزارشات دنیا | ۱۶۳ | جناب میر محمد صدیق خان |
| حفریات جدید در افغانستان | ۲۱۱ | » موسیوها کن |
| دینتو ادبیاتویوه کشته | ۲۲۹ | بقلم جناب « زمر یالی » |

فهرست مضامین

| مضمون | صفحه | نویسنده |
|---------------------------|------|---------------------------------|
| مسکوکات افغانستان | ۳۰۱ | بقلم جناب احمد علیخان « کهزاد » |
| صنایع و فنون در افغانستان | ۳۴۱ | » احمد الله خان « کریمی » |
| نباتات مشهور افغانستان | ۴۱۳ | » محمد زمان خان |
| نهضت اقتصادی افغانستان | ۴۴۷ | » « رشتیا » |
| مطبعة در افغانستان | ۴۹۷ | » « کریمی » |
| فابریکه نختابی جبل السراج | ۵۰۹ | » محمد ابراهیم خان |
| پیشرفتهای سیورتی | ۵۱۹ | » محمد یعقوب خان |
| پنیتو تولنه | ۵۳۱ | » ق تره کی |
| وقایع مهمه داخلی | ۶۴۸ | » یار محمد خان |
| شرکتهای تجارتی | ۶۷۴ | . |
| نامهای تازه | ۶۹۲ | . |
| یاد داشتهای سودمند | ۶۹۴ | . |
| پخت و پز | ۶۹۵ | . |
| حفظ الصحه | ۶۹۸ | . |
| اختراعات و اکتشافات | ۷۰۰ | . |

فهرست تصاویر

| تصاویر | صفحه |
|-----------------------|------|
| اعلیحضرت همایونی | ۴ |
| » فقید شهید | ۱۳ |
| والاحضر صدر اعظم صاحب | ۱۵ |

سألامة « كابل »

| صفحة | تصاویر |
|------|---|
| ۱۷ | والاحضرت وزیر صاحب حریه |
| ۲۴ | جلالتماب وزیر خارجه |
| ۳۱ | » » » داخله |
| ۳۲ | » » » عدلیه |
| ۳۳ | » » » تجارت |
| ۳۷ | » » » معارف |
| ۴۰ | » » » فوائد عامه |
| ۴۵ | » » » پست وتلگراف |
| ۶۴ | » » » رئیس شورای ملی |
| ۷۰ | » » » رئیس مجلس اعیان |
| ۷۵ | جلالتماب وزیر دربار |
| ۷۷ | » سرمشی حضور |
| ۸۰ | مقرریهای مهمه ۱۳۱۶-۸۱ اقطعه |
| ۸۱ | طیارات که جدید خریداری شده ۴ اقطعه |
| » | نماینده گان افغانستان در مجالس بین المللی ۳ اقطعه |
| ۸۸ | از عمرانات جدید کوتوالی کابل |
| ۹۶ | » جدید منظره عمومی ولایت » |
| ۱۰۴ | تربیه خانه خرگوش |
| » | سنگ گداشتن تهداب مکتب رشديه مزار |
| » | فارغ التحصیلان فاکولته طبی |

فهرست تصاویر

| صفحة | تصاویر |
|------|------------------------------------|
| ۱۰۴ | عمارت انجمن ادبی |
| » | تجربه خانه کیمیا |
| ۱۱۲ | از موسسات عرفانی مرکز ۴ اقطعه |
| ۱۲۰ | از عمرانات ولایت هرات ۶ اقطعه |
| ۱۲۸ | » » » ومیمه ۴ اقطعه |
| » | » حکومت اعلای مشرقی و مزار ۴ اقطعه |
| » | ماشین دیرل برق ۳ اقطعه |
| » | منظره عمومی کارخانه جات حری کابل |
| ۱۳۶ | از عمارات مشرقی ۲ اقطعه |
| » | » مزار شریف |
| » | از موسسات جدید وزارت صحتیه |
| ۱۴۴ | » جدید وزارت پست ۴ اقطعه |
| ۱۶۰ | سفرای نووارد ۴ اقطعه |
| » | کافراس بروسل |
| » | » نیون |
| » | کابینه انگلستان |
| » | پذیرائی لارد هلیفکس |
| ۱۶۷ | مرحوم آقای سمعی |
| » | عصمت انینو |
| » | جلال بابار |
| » | نحاس پاشا |

| صفحه | تصاویر |
|------|---------------------------------------|
| ۳۰۸ | مسکوکات قدیم افغانستان ۸۰ صفحه |
| ۳۳۲ | » » » ۳ صفحه |
| » | دیوار کوه کابل |
| ۳۴۸ | نمونه صنعت نجاری کابل ۳ قطعه |
| » | فالینچه نفیس وطنی |
| ۳۸۰ | نمونه کار زرگری ۲ قطعه |
| » | » اشیاء سنگی |
| » | » کار نجاری کابل |
| ۴۱۲ | از عمارات قدیمه هرات ۲ قطعه |
| » | از آثار تاریخی هرات ۲ قطعه |
| ۴۲۸ | » » » ۴ قطعه |
| ۴۴۴ | مسجد عید گاه |
| » | نمونه از چوبکاری قدیم |
| » | منار چکری |
| » | دیوار قدیم کابل |
| ۴۷۶ | نقشه افغانستان |
| ۵۰۰ | مطبعه جدید کابل ۸ صفحه |
| ۵۷۰ | » » » ۱۲ صفحه |
| ۵۰۹ | منظره عمومی فابریکه نختابی جبل السراج |
| ۵۱۱ | کار خانه ترمیم » » |

| صفحه | تصاویر |
|------|---------------------------------|
| ۱۷۶ | آغا خان |
| » | کانفرانس بروسل |
| ۱۸۴ | مر بوط بواقعات ممالک عربی |
| » | اجلاس جامعه ملل ۲ صفحه |
| » | مر بوط بواقعات شوروی و شرق اقصی |
| ۱۹۲ | » » انگلستان ۲ صفحه |
| » | » » المان ۵ قطعه |
| » | » » ایتالیا ۳ قطعه |
| ۱۹۴ | لودندورف |
| ۱۹۶ | فون بلومبرگ |
| ۲۰۰ | رئیس الوزرای اسپانیا |
| ۲۰۱ | جنرال کوئو د لا نو |
| ۲۰۴ | هنلا این رئیس نازیها |
| ۲۰۵ | کنفرانس اتحاد صغیر |
| ۲۰۷ | آدم کوك رئیس حزب ملی پولیند |
| ۲۱۲ | خرابه های سیستان ۴ قطعه |
| » | از آثار مکشوفه بگرام ۲ قطعه |
| » | » » تاریخی مزار |
| ۲۴۴ | نمونه خطوط نستعلیق قدیم ۴ قطعه |
| ۲۶۸ | از آثار تاریخی بلخ ۴ قطعه |
| ۲۹۲ | » » » هرات ۴ قطعه |

Table des matières

| Sujet | Page |
|---|-------------|
| Préface | 1 (۱) |
| Le roi d'Afghanistan | 4 (۴) |
| Afghanistan (vue générale) | 6 (۶) |
| Organisation administrative du pays
et les fonctions des principaux titulaires | 13 (۱۴) |
| Activité des administrations
gouvernementales | 79 (۷۹) |
| Décorations remises au cours de l'année | 160 (۱۶۰) |
| La presse afghane . | |
| Corps diplomatique à Kaboul | 161 (۱۶۱) |
| Principaux événements de l'année
dans le monde | 163 (۱۶۳) |
| Nouvelles recherches archéologiques en
Afghanistan | 221 (۲۲۱) |
| Vue générale sur la littérature de Pashto | 229 (۲۲۹) |
| Les anciennes monnaies d'Afghanistan | 301 (۳۰۱) |
| Les industries et les arts en Afghanistan | 341 (۳۴۱) |
| Les principales plantes d'Afghanistan | 413 (۴۱۳) |
| Les progrès économiques réalisés au cours
de l'année dernière en Afghanistan | 447 (۴۴۷) |
| L'imprimerie en Afghanistan | 497 (۴۹۷) |
| Nouvelle fabrique de filature de | 509 (۵۰۹) |

| صفحه | تصاویر |
|------|---|
| ۵۱۳ | ماشین نداف فابریکه جبل السراج |
| ۵۱۴ | ماشین شانه » » |
| ۵۱۵ | » » مشله |
| ۵۱۶ | » های بافت فابریکه نختابی |
| ۵۱۷ | » » اتو |
| ۵۲۴ | ورزشکاران داخله و خارجه در کابل ۴ صفحه |
| ۵۵۶ | هیئت انجمن ادبی ۶ صفحه |
| ۶۰۴ | تصاویر رنگه از قلم رسامان جوان وطن ۹ صفحه |
| ۶۷۶ | عمارت بانك ملی |
| » | دفاتر فابریکه ترمیم موتر |
| » | موتر های بار کشی جدید |
| ۶۸۴ | فابریکه ترمیم موتر بانك ملی ۱۲ صفحه |
| ۷۰۰ | حفظ اطفال از خطر گاز |
| » | ماشین های تیز کاری جدید |
| » | چراغ برقی جدید |
| » | آله اتو کردن فرش |
| » | جنتری |
| » | معما |
| » | رسم رنگه گل و میوه |



| | |
|--|-----------|
| Djaboul-Séradj | 497 (٤٩٧) |
| Mouvement sportif en Afghanistan | 519 (٥١٩) |
| L'Académie Afghane | 531 (٥٣١) |
| Les événements de l'année en Afghanistan | 648 (٦٤٨) |
| L'activité des sociétés commerciales et de | |
| La Panque Nationale Afghane . | 674 (٦٧٤) |
| Des noms en Pashto | 692 (٦٩٢) |
| Quelques renseignements utiles | 694 (٦٩٤) |
| Conseils de cuisine | 695 (٦٩٥) |
| L'hygiène pratique | 698 (٦٩٨) |
| Quelques inventions nouvelles | 700 (٧٠٠) |
| (On trouvera les explications des photos en dessous de chacun de ces photos .) | |

اعلان

ذواتیکه خواهش خریداری سالنامه‌های کابل ویا کلمکسیون های هفت ساله مجله کابل و یا اشتراک مجله مذکور را داشته باشند . لطفاً به آدرس ذیل مراجعه فرمایند : انجمن ادبی - جاده ابن سینا - کابل .

Avis

Les personnes désireuses d'acheter les Almanachs de Caboul ou les collections de la Revue de Caboul ainsi que de s'abonner à cette Revue, sont priées de s'adresser à l'Académie Afghane (Caboul- Afghanistan)



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library